



ریاست جمهوری  
سازمان برنامه و بودجه کشور  
مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری

# گابنامہ پایش توسعه و آینده‌نگری



مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری - شماره ۵ - بهار ۱۴۰۰ (ویژه‌نامه جهش تولید)



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## شناسه گزارش

عنوان	
گاهنامه پایش توسعه و آینده‌نگری نشریه داخلی مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری شماره ۵ بهار ۱۴۰۰ (ویژه نامه جهش تولید)	
کد شناسه	۱۴۰۰-۵-۱۰۲۹۵
نام واحد	دفتر خدمات پژوهشی و کاربست یافته‌های پژوهشی
پدیدآورندگان (به ترتیب حروف الفبا)	یدالله ابراهیمی فر و محمدرضا جوادی الهام امیرحاجیلو پرویز کرباسی، اسماعیل نگارش و عبدالغفار شجاع جمال کاکایی، افسانه شرکت و اسفندیار جهانگرد محمدرضا نقدی‌زاده و جمال کاکایی
ناشر	مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری
طراح جلد	پدرام حاجی اسماعیلی
تاریخ انتشار	بهار ۱۴۰۰
مطالب این گزارش لزوماً بیانگر نظر رسمی سازمان برنامه و بودجه کشور و مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری نیست.	
حقوق معنوی اثر به پدیدآورندگان و حقوق مادی آن، به مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری سازمان برنامه و بودجه کشور تعلق دارد و استفاده از آن با ذکر مأخذ بلامانع است.	
آدرس: تهران - خیابان استاد نجات‌اللهی - خیابان سپند شرقی - پلاک ۱۶ شماره‌های تماس ۰۲۱-۴۳۳۰۶۰۰۰ شماره پیام‌رسان ۰۹۹۲۱۵۷۵۸۴۳	
<a href="https://www.dfrc.ir">https://www.dfrc.ir</a>	



## فهرست مندرجات

صفحه	عنوان
۱.....	حلقه‌های مفقوده در ساختار تولید کشور/ یدالله ابراهیمی فر و محمدرضا جوادی.....
۳۳.....	آمایش سرزمین؛ رویکردی در تحقق جهش تولید در ایران/ الهام امیر حاجیلو.....
۱۵۹.....	بررسی اثربخشی قوانین و مقررات در هم‌افزایی از تولید تا صادرات محصولات کشاورزی به کشورهای هدف (با محوریت بخش خصوصی)/ پرویز کرباسی، اسماعیل نگارش و عبدالغفار شجاع.....
۲۱۵.....	سنجش اثرات اقتصادی کرونا در ایران/ جمال کاکائی، افسانه شرکت و اسفندیار جهانگرد.....
۲۴۷.....	الزامات جهش تولید در بخش حمل‌ونقل و انبارداری/ محمدرضا نقدی‌زاده و جمال کاکائی.....



## حلقه‌های مفقوده در ساختار تولید کشور

یدالله ابراهیمی‌فر

عضو گروه پژوهشی نظام‌های نوین برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی و مدل‌سازی

محمدرضا جوادی

عضو گروه پژوهشی نظام‌های نوین برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی و مدل‌سازی



### مقدمه

تحلیل آماری از ساختار تولید و تجارت در راستای سیاست جهش و رونق تولید در کشور از اهمیت بسیار بالایی برخوردار است. تحلیل‌های اقتصادی بر پایه داده‌های آماری مبنای تصمیم‌گیری‌ها مهم و کلیدی در هر سازمان است. تحریم‌های چندساله اقتصادی علیه ایران ضرورت و فوریت اتخاذ رویکردهای تحول‌ساز در ساختار تولید و تجارت کشور را اجتناب‌پذیر کرده است. در این مقطع حساس، لازم است با تحکیم پایه‌های اقتصاد مقاومتی، تاب‌آوری اقتصاد داخلی در مقابل تحریم‌های اقتصادی و انواع تهدیدهای بیرونی و سایر تکانه‌های بین‌المللی بیش از پیش تقویت شوند. لازمه تحقق این هدف آرمانی انجام بررسی‌ها و تحلیل‌های آماری از ساختار تولید و تجارت است تا بتوانیم به نقاط قوت و ضعف ساختار تولید و تجارت کشور آشنا شویم و بر آن اساس، برنامه‌ریزی هدفمند و پایدار را برای جهش و رونق تولید کشور پی‌ریزی کنیم. یکی از گام‌های اساسی در این راستا، شناخت لازم از ترکیب واردات کشور و بررسی منشأ ساخت اقلام وارداتی برحسب رشته فعالیت‌های تولیدی تعریف‌شده در طبقه‌بندی‌های استاندارد بین‌المللی است. این پژوهش با توجه به مراحل متفاوت کار آماری به سه بخش مجزا و مرتبط تقسیم شده است.

۱- امکان‌سنجی و گردآوری طبقه‌بندی‌های استاندارد بین‌المللی مرتبط با واردات گمرکی و تولید هدف این بخش از پژوهش، امکان‌سنجی و ایجاد تناظر بین طبقه‌بندی‌های استاندارد بین‌المللی است. طبقه‌بندی‌های استاندارد که توسط بخش اقتصادی و اجتماعی دبیرخانه سازمان ملل متحد ارائه شده است بسته به موضوع و هدف به چند دسته تقسیم‌بندی می‌شوند. در این مرحله از پژوهش به منظور شفاف‌سازی و درک بهتر نحوه بررسی اطلاعات آماری واردات گمرکی کشور، ابتدا به بررسی تناظر بین طبقه‌بندی‌های استاندارد بین‌المللی رایج، متداول و مرتبط با تجارت کالایی پرداخته شده و در ادامه با پردازش ارتباط بین طبقه‌بندی‌های استاندارد بین‌المللی مورد نیاز این پژوهش، یک جدول تفصیلی جامع استخراج گردیده که پیوست این گزارش شده است.

### توصیف هماهنگ کالا و نظام کدگذاری یا نظام هماهنگ (HS)<sup>۱</sup>

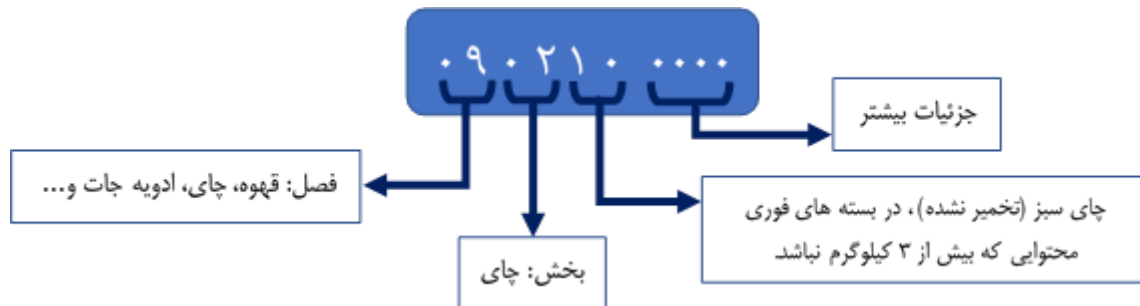
تهیه و اجرای برنامه‌های اقتصادی و اجتماعی و ارزیابی دقیق آنها مستلزم استفاده از آمارهای دقیق، جامع و بهنگام است. برای آن که آمارهای مورد نظر بتواند تصویری روشن و گویا از ساختارهای اقتصادی ارائه کند و قابلیت مقایسه در سطوح ملی و بین‌المللی داشته باشد، ضرورت دارد از تعاریف و مفاهیم و طبقه‌بندی‌های استاندارد پیروی شود. سازمان جهانی گمرک و بخش آمار سازمان ملل برای ایجاد قابلیت مقایسه اطلاعات آماری در سطح بین‌المللی، طبقه‌بندی‌های مشخصی را تهیه و استفاده از آنها را به کشورهای عضو توصیه کرده‌اند.

در عرصه تجارت بین‌الملل، سازمان جهانی گمرک متولی معرفی طبقه‌بندی کالاهای گمرکی است. آخرین طبقه‌بندی که در این رابطه به جهان معرفی شده است توصیف هماهنگ کالا و نظام کدگذاری است که به اسم نظام هماهنگ (HS) معروف است. آخرین نسخه تجدیدنظر شده این طبقه‌بندی مربوط به سال ۲۰۱۷ است و هر پنج سال مورد تجدیدنظر قرار می‌گیرد.

در این نظام که مبتنی بر مشخصات کامل کالا در مبدأ است بالغ بر ۵۳۰۰ محصول کالاهای گمرکی را شامل می‌شود که در ۹۹ فصل و ۲۱ بخش طبقه‌بندی می‌گردند. کدهای شش‌رقمی در این طبقه‌بندی دارای سه جز متمایز است. دو رقم اول (HS-2) معرف فصل است که کالا در آن فصل قرار می‌گیرد، مثل ۰۹ که معرف فصل با عنوان قهوه، چای، ادویه‌جات و ... است. دو رقم دوم (HS-4) معرف بخش (گروه) در آن فصل است. مثل ۰۹۰۲ که معرف گروه با عنوان چای است. دو رقم بعدی (HS-6) معرف محصول مشخص‌تر است، مثل ۰۹۰۲۱۰ که معرف محصول چای سبز (تخمیر نشده) [در بسته‌های فوری محتوایی که بیش از ۳ کیلوگرم نباشد] است.

1. The Harmonized Commodity Description and Coding System (HS)

توصیه سازمان جهانی گمرک<sup>۱</sup> برای کشورها این است که کدهای شش‌رقمی را برای مقایسه بین‌المللی حتماً رعایت کنند و آمار مبادلات گمرکی خود را در سطح کد شش‌رقمی ثبت نمایند. طبیعی است سازمان‌های گمرکی هر کشور برای انجام بررسی موردی مورد نیاز خود می‌توانند کدهای گمرکی را تا ۱۰ رقم بسط دهند.



شکل ۱: ساختار کد HS

### طبقه‌بندی بین‌المللی استاندارد صنعتی کلیه فعالیت‌های اقتصادی (ISIC)<sup>۲</sup>

یکی دیگر از این طبقه‌بندی‌های مرجع که مبتنی بر نوع فعالیت‌های اقتصادی و کاربرد گسترده‌ای در طرح‌ها و گزارش‌های آماری در سطح ملی و بین‌المللی دارد، طبقه‌بندی فعالیت‌های اقتصادی (ISIC) است. طبقه‌بندی مذکور توسط کمیسیون آمار سازمان ملل در سال ۲۰۰۸ مورد بازنگری قرار گرفته و تغییرات عمده‌ای در آن با توجه به تحولات تکنولوژیکی، اقتصادی و اجتماعی ایجاد شده است. آخرین نسخه این طبقه‌بندی به اسم نسخه ISIC 4-4 بوده که مرکز آمار ایران نیز اطلاعات آماری خود را در قالب این طبقه‌بندی، تولید و ارائه می‌کند.

ISIC چه در سطح کشوری و چه در سطح بین‌المللی برای طبقه‌بندی داده‌ها برحسب نوع فعالیت اقتصادی در زمینه‌های آمارهای اقتصادی همچون تولید یا درآمد ملی، اشتغال، جمعیت و غیره مورد استفاده گسترده‌ای واقع شده است. شماری از کشورها، ISIC را به‌عنوان پایه‌ای برای ایجاد طبقه‌بندی‌های فعالیتی ملی خود به کار گرفته‌اند. با اطمینان از این که رسته‌ها در سطح‌های تفصیلی طبقه‌بندی‌های ملی تا جای ممکن، تنها در یک رسته جای می‌گیرند، مقیاس‌پذیری اساسی میان طبقه‌بندی‌های فعالیتی بسیاری از کشورها و ISIC به دست آمده است. شمار روزافزونی از کشورها طبقه‌بندی‌های فعالیتی ملی خود را بر اساس ISIC تنظیم کرده‌اند یا می‌توانند سری‌های آماری خود را بر طبق ISIC ارائه دهند. سازمان ملل متحد، سازمان توسعه صنعتی سازمان ملل متحد (UNIDO)، سازمان خواروبار و کشاورزی سازمان ملل متحد (FAO)، سازمان بین‌المللی

۱. احصا شده از طبقه‌بندی‌های ارائه شده در سایت سازمان ملل به آدرس: [www.unstats.un.org/unsd/classifications/Econ](http://www.unstats.un.org/unsd/classifications/Econ)

2. International Standard Industrial Classification Of All Economic Activities (ISIC)

کار (ILO)، سازمان آموزشی، علمی و فرهنگی سازمان ملل متحد (UNESCO) و هیئت‌های بین‌المللی دیگر از ISIC برای انتشار و تحلیل داده‌های آماری استفاده می‌کنند.

#### ویژگی‌های اصلی طبقه‌بندی استاندارد بین‌المللی فعالیت‌های اقتصادی (ISIC)

طبقه‌بندی استاندارد بین‌المللی تمامی فعالیت‌های اقتصادی (ISIC) از ساختاری منسجم و یکدست برای طبقه‌بندی فعالیت‌های اقتصادی تشکیل شده است که بر پایه مجموعه‌ای از مفهومی‌ها، تعریف‌ها، اصول و قواعد طبقه‌بندی مورد توافق بین‌المللی متکی است. این طبقه‌بندی چارچوبی فراگیر فراهم می‌سازد که داده‌های اقتصادی را می‌توان درون آن به قالبی گردآوری و گزارش کرد که برای هدف‌های تحلیل، تصمیم‌گیری و سیاست‌گذاری اقتصادی طراحی شده است. ساختار طبقه‌بندی قالب استاندارد را ارائه می‌کند تا اطلاعات مفصل درباره وضعیت یک اقتصاد با توجه به اصول و آگاهی‌های اقتصادی، سازمان داده شوند. طبقه‌بندی در عمل برای فراهم کردن جریان مداوم اطلاعاتی استفاده می‌شود که برای پایش، تحلیل و ارزشیابی کارکرد یک اقتصاد در گذر زمان ضروری است. افزون بر کارایی اصلی ISIC در آمارهای اقتصادی پیرو آن، در جایی که اطلاعات باید برای فعالیت‌های اقتصادی که به‌دقت تعریف شده‌اند، فراهم شود. ISIC به‌طور روزافزون برای هدف‌های اداری همچون گردآوری مالیات، صدور پروانه کسب‌وکار و غیره، مورد استفاده قرار می‌گیرد.

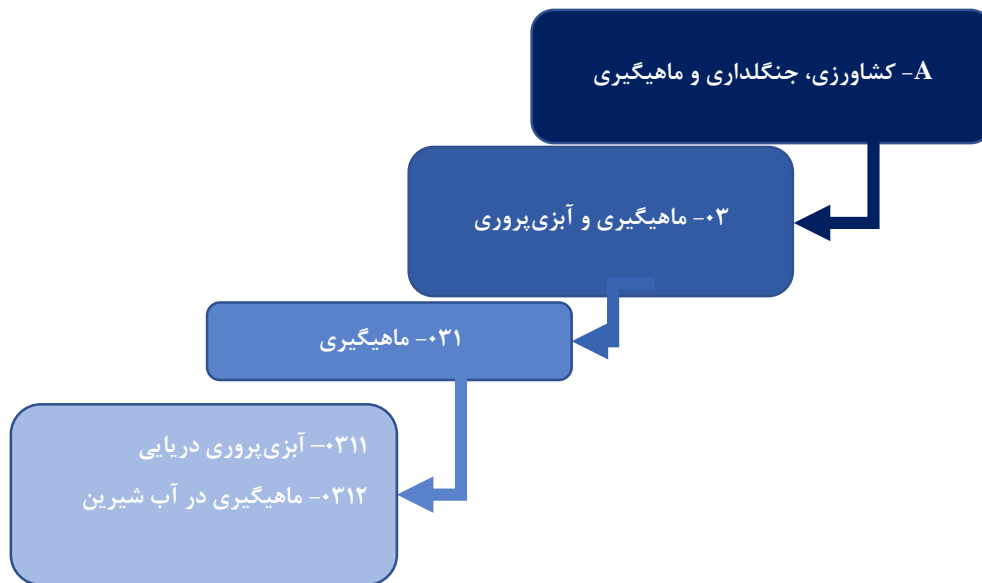
بازنگری چهارم ISIC مربوط بودن طبقه‌بندی را با بازتاب بهتر ساختار کنونی اقتصاد جهان، شناسایی فعالیت‌های جدید که در بیست سال گذشته پدید آمده‌اند و آسان کردن مقایسه‌های بین‌المللی با افزایش مقایسه‌پذیری با طبقه‌بندی‌های محلی موجود، افزایش می‌دهد.

دامنه ISIC به‌طور کلی دربرگیرنده فعالیت‌های تولیدی، یعنی فعالیت‌های اقتصادی در محدوده تولید سیستم حساب‌های ملی (SNA) است. چند مورد استثنا افزوده شده است تا امکان طبقه‌بندی فعالیت‌هایی فراهم شود که فراتر از محدوده تولید هستند، ولی برای سایر انواع گوناگون آمار اهمیت دارند.

این فعالیت‌های اقتصادی به ساختاری سلسله‌مراتبی دارای چهار سطح از رسته‌های متقابلاً ناسازگار تقسیم شده‌اند که گردآوری، ارائه و تحلیل داده‌ها را در سطح تفصیلی اقتصاد به شکل استاندارد و قابل مقایسه بین‌المللی، آسان می‌سازد. رسته‌های بالاترین سطح، بخش نامیده می‌شوند و رسته‌هایی هستند که با حروف الفبا کدگذاری شده‌اند تا تحلیل اقتصادی را ساده کنند.

بخش‌ها تمام طیف فعالیت‌های تولیدی را به گروه‌بندی‌های گسترده‌ای همچون «کشاورزی جنگلداری و ماهیگیری- بخش A»، «تولیدات صنعتی- بخش C» و «اطلاعات و ارتباطات- بخش J» تقسیم می‌کنند.

طبقه‌بندی سپس به رسته‌هایی به ترتیب جزئی‌تر سازمان‌یافته است که با عددها کدگذاری شده‌اند: قسمت‌ها دورقمی، گروه‌ها سه‌رقمی و در جزئی‌ترین سطح، طبقه‌ها چهاررقمی.



شکل ۲: ساختار کد آیسیک

این طبقه‌بندی برای طبقه‌بندی واحدهای آماری همچون کارگاه‌ها یا بنگاه‌های اقتصادی، برحسب فعالیت اقتصادی که به‌طور عمده به آن می‌پردازند، استفاده می‌شود. در هر سطح از ISIC، هر واحد آماری تنها به یک کد ISIC نسبت داده می‌شود. مجموعه‌ای از واحدهای آماری که در یک رسته ISIC طبقه‌بندی می‌شوند پس از آن اغلب به نام یک فعالیت خوانده می‌شوند، مانند «فعالیت مبلمان» به همه واحدهایی گفته می‌شود که در قسمت ۳۱ از ISIC (تولید مبلمان) طبقه‌بندی شده‌اند. این رسته‌بندی یا تقسیم‌بندی استاندارد شده مجموعه‌ای کامل از واحدهای تولیدی یک اقتصاد، ISIC را به ابزاری مهم برای آمارهای اقتصادی - اجتماعی تبدیل می‌کند که باید در مطابقت با سیستم تولیدی اقتصاد تنظیم شوند.

با این‌که ISIC با توجه به رسته‌بندی فعالیت‌های اقتصادی برای حساب‌های ملی و هدف‌های تحلیل اقتصادی دیگر ایجاد شده است، استفاده از آن به گردآوری، جدول‌بندی، تحلیل و ارائه داده‌ها برای کاربردهای گوناگون اجتماعی و زیست‌محیطی همچون پیوند میان بخش‌های اقتصاد، آموزش و بهداشت و نیز محیط‌زیست، در سطح ملی و بین‌المللی نیز گسترش می‌یابد. افزون بر این در سطح ملی، ISIC و نسخه‌های ملی آن بیش‌ازپیش برای هدف‌های اداری و بازرگانی همچون رسته‌بندی، درآمد و هزینه، مورد استفاده واقع می‌شوند.

ISIC با عملکرد خود به‌عنوان طبقه‌بندی مرجع مورد پذیرش بین‌المللی برای فعالیت‌های اقتصادی و با پیوند استواری که با دیگر طبقه‌بندی‌های فعالیتی موجود دارد، می‌تواند ابزاری مؤثر برای هماهنگ‌سازی آمارهای اقتصادی باشد.

## ارتباط با دیگر طبقه‌بندی‌های محصول

ارتباط میان ISIC از یک سو و طبقه‌بندی‌های محصول SITC<sup>۱</sup> و TCPC<sup>۲</sup>، HS از سوی دیگر، بیانگر این حقیقت است که طبقه‌بندی‌های محصول به‌طور اصولی کالاها یا خدماتی را که معمولاً تنها در یک رشته فعالیت، طبق تعریف ISIC تولید می‌شوند، در یک رشته ادغام می‌کنند. این معیار منشأ فعالیت در HS تا جایی که در زمان تهیه آن امکان دارد، رعایت شده است.

در برخی موارد برای مثال، هنگامی که به نظر می‌رسد یک مأمور گمرک نتواند تمایزی بین کالاها قائل شود، از این اصل پیروی نشده است. با این حال، هنوز هم سرعنوان‌ها و عنوان‌های فرعی HS کالاها را دربر دارند که تنها در یک رشته ISIC تولید می‌شوند. به هر حال، در برخی زمینه‌ها که ستانده‌ها در مقیاس بزرگ وارد بازرگانی بین‌المللی نمی‌شوند، استثناهای زیادی وجود دارد. برای مثال، محصولات کشاورزی خام و فراوری شده ناچیز است. با این حال، محصولات خام و فراوری شده برون‌دادهای رشته فعالیت‌های مشخصی از ISIC هستند که پیوند محکم میان این طبقه‌بندی‌ها را ناممکن می‌سازد. علاوه بر این، ترتیب سرعنوان‌ها و عنوان‌های فرعی HS از معیارهایی پیروی می‌کند که با منشأ فعالیتی و ساختار CPC و SITC کاملاً متفاوت است.

تفاوت‌های میان SITC و HS، CPC از این واقعیت ناشی می‌شوند که برای هدف‌های متفاوتی ایجاد شده‌اند. HS طبقه‌بندی تفصیلی برای بازرگانی بین‌المللی کالاها قابل حمل است، در حالی که SITC طبقه‌بندی فشرده‌تر برای هدف‌های تحلیلی با دامنه‌ای همانند HS است. دامنه CPC از دامنه HS و SITC فراتر می‌رود، از این جهت که برای پوشش دادن تولید، بازرگانی و مصرف همه کالاها و خدمات در نظر گرفته شده است. CPC و بازرگاری سوم SITC هر دو رشته‌های HS را هرچند با روش‌های متفاوت، مجدداً گروه‌بندی می‌کنند. SITC از نظمی سنتی پیروی می‌کند که در آن مواد مورد مصرف، مرحله فراوری و کاربرد نهایی از ملاحظه‌های اصلی هستند. CPC رشته‌های خود را به‌صورت گروه‌های مشابه رشته‌های ISIC تنظیم می‌کند، ولی این بدین معنا نیست که تمام کالاها بر اساس منشأ فعالیتی خود گروه‌بندی می‌شوند.

CPC رشته‌های خود را به‌صورت گروه‌های مشابه رشته‌های ISIC تنظیم می‌کند. ولی این بدین معنا نیست که تمام کالاها بر اساس منشأ فعالیتی خود گروه‌بندی می‌شوند. اگرچه منشأ فعالیت در بسط CPC معیاری با اهمیت تلقی می‌شد، ولی CPC به سهم خود به‌صورت یک طبقه‌بندی تهیه شد که بر اساس مشخصه‌های فیزیکی و ماهیت ذاتی کالاها یا ماهیت خدمات ارائه شده استوار است. برای مثال، در حالی که گوشت و پوست هر دو از محصولات کشتارگاه‌ها هستند (طبقه ۱۰۱۰ ISIC)، «عمل‌آوری و نگهداری گوشت» در بخش‌های متفاوت CPC ظاهر می‌شوند. ولی هر نوع کالا یا خدمتی که در CPC مشخص است به‌گونه‌ای تعریف شده که معمولاً توسط فقط یک فعالیت بنا به تعریف ISIC تولید می‌شود.

1. Standard International Trade Classification

2. Central Product Classification



بخش آماری سازمان ملل با استفاده از این طبقه‌بندی مبادرت به تولید طبقه‌بندی‌های دیگر می‌کند که کاربردی زیادی در تحلیل آماری و اقتصادی داده‌های گمرکی دارد از جمله طبقه‌بندی گروه‌های عمده اقتصادی (BEC)<sup>۱</sup> است.

#### طبقه‌بندی رده‌های عمده اقتصادی (BEC)

طبقه‌بندی رده‌های عمده اقتصادی (BEC)، طبقه‌بندی بین‌المللی محصول است که هدف اصلی آن تهیه مجموعه‌ای از رده‌های عمده محصولات برای تجزیه و تحلیل آمارهای تجارت است. این طبقه‌بندی که مبتنی بر بازار مصرف محصول است، به رده‌های اقتصادی مرتبط‌تر، بیشتر، شامل خدمات علاوه بر کالاها و تشخیص واضح‌تر محصولات مصرف نهایی پاسخ می‌دهند. اهمیت BEC برای تجزیه و تحلیل زنجیره ارزش جهانی نیز در این مستندات برجسته شده است. در این رابطه نسخه پنجم BEC، تمایزی بین محصولات واسطه‌ای عام و خاص به‌عنوان یک بعد جدید در رسته کالای واسطه‌ای فرآوری شده نهایی قائل می‌شود.

بخش آماری سازمان ملل متحد (UNSD) مسئول توسعه و حمایت از ویرایش پنجم BEC و جداول مربوط است. کاربردان BEC به استفاده از این طبقه‌بندی، اشتراک گذاشتن تجربیات و نظرات خود با توجه به کفایت طبقه‌بندی و ارائه ایده‌ها یا طرح‌های پیشنهادی برای افزایش سودمندی آن تشویق می‌شوند. UNSD از وبسایت خود برای ارائه اطلاعات بیشتر در زمینه منطق و کاربردهای احتمالی BEC و ایجاد جداول تطبیقی BEC با CPC، HS، EBOPS<sup>۲</sup> و ISIC موجود استفاده می‌کند. از آنجایی که طبقه‌بندی BEC بر اساس رویه‌های واقعی تجاری تدوین شده و این رویه‌ها ممکن است در طول زمان تغییر کند، احتمال تغییر این جداول نیز وجود دارد.

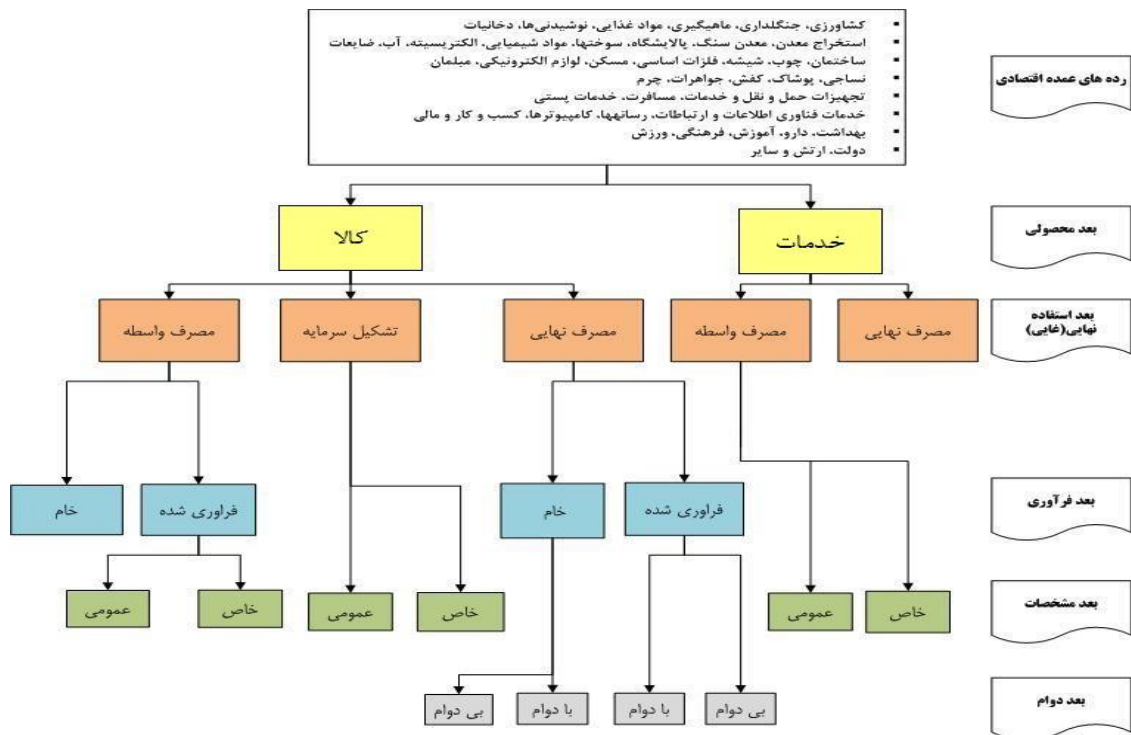
علاوه بر افزایش شدید در مقیاس تجارت بین‌المللی در دهه‌های اخیر، دو تغییر مهم در مشخصات BEC صورت گرفته است. نخست، تجارت خدمات مستمر شده است مانند خدمات تعبیه شده در کالاهایی که با محتوای مالکیت معنوی باشد. دوم کسب و کار، مخصوصاً شرکت‌های بزرگ، عملیات خود را از طریق تعدادی از کشورها در زنجیره‌های ارزش جهانی پیچیده سازماندهی کرده‌اند.

به‌جای اینکه تولید کالاهای واسطه‌ای و نهایی در یک کشور صادرکننده اتفاق بیفتد، صادرات می‌تواند دربردارنده منابع کالاها و خدمات از هر تعداد از کشورها باشد؛ بنابراین ارزش‌ها و ویژگی‌های صادرات به‌طور کامل منعکس‌کننده قابلیت‌های تولیدی و فنی صادرکننده نخواهد بود، به دلیل زنجیره‌های ارزش جهانی و افزایش جریان کالاهای خام، تجارب کلی در محصولات واسطه‌ای سریع‌تر از GDP<sup>۳</sup> جهانی در دو دهه اخیر اتفاق افتاده است. زمانی که ارزش در کشورهای متعدد که پیش‌گام مصرف نهایی هستند اضافه می‌شود، ارزش

---

1. Broad Economic Categories  
2. Extended Balance of Payments Services Classification  
3. Gross domestic product

موجود در کالاها و خدمات واسطه‌ای می‌تواند بیشتر از یکبار در آمارهای صادرات محاسبه شود. در پاسخ به این تغییرات، پنجمین نسخه از BEC جامع‌تر از نسخه‌های قبلی آن است.



شکل ۳: ساختار کد BEC 5<sup>۱</sup>

### ویژگی‌های ویرایش پنجم طبقه‌بندی BEC

- در این نسخه خدمات و به‌تبع آن محصولات، به‌جای کالا مورد استفاده قرار می‌گیرد.
- این نسخه یک سطح جدید از رده‌های عمده اقتصادی بر اساس خروجی اصلی صنایع مربوطه به‌منظور تسهیل تجزیه و تحلیل گسترده‌ای از تجارب و تولید ارائه می‌کند.
- این نسخه مصرف نهایی SNA<sup>۲</sup> را به‌عنوان یک بعد مجزا در نظر می‌گیرد.
- این نسخه یک متغیر جدید (یک بعد مشخصات) به‌منظور تمایز قائل شدن بین واسطه‌هایی که عام (عمومی) هستند (به‌عنوان مثال، مصرف در سراسر طیف گسترده‌ای از صنایع (از آنهایی که خاص هستند) که به‌طور معمول در یک صنعت خاص استفاده می‌شوند)، اضافه کرده است. تجدیدنظر مؤثر از BEC مستلزم درک درستی از کاربردها و محدودیت‌های آن است.

در بازه سال‌های ۱۹۷۱ تا ۲۰۱۵ که ویرایش‌های قبلی به‌مرور زمان ایجاد، اصلاح و به‌روزرسانی شدند، بیشتر از پانصد مقاله و گزارش به BEC ارجاع داده شده که بیشتر از ۸۰ درصد آنها بعد از سال ۲۰۰۰ اتفاق افتاده است. در حالی که این نقل‌قول‌ها طیف وسیعی از نشریات سیاسی و مجلات علمی را شامل می‌شود، تمرکز

<sup>۱</sup> [www.unstats.un.org/unsd/classifications/Econ](http://www.unstats.un.org/unsd/classifications/Econ)

۱. احصا شده از طبقه‌بندی‌های ارائه شده در سایت سازمان ملل به آدرس:

2. The System of National Accounts

---

اصلی بر روی توصیف، ارزیابی و توضیح الگوهای مشاهده شده در تجارت بین‌الملل، اثرات تعرفه، سیاست‌های تجاری و اقتصاد توسعه بوده است.

یکی از مهم‌ترین بخش‌های تحقیقات، تجارت درون‌فعالیتی است که با تمایل کشورها برای تجارت محصولات مشابه تعریف شده است و برخی از فرضیات طولانی‌مدت در مورد مزیت نسبی و تخصصی در تجارت بین‌الملل را به چالش کشیده است. در حالی که برخی از این پژوهش‌ها بر تمایزات ظریف بین محصولات همگن (به عنوان مثال، تجارت در برندهای مختلف از خودروهای سواری) به بعضی منابع داده وابسته است و بعضی به دیگر منابع داده، BEC به بینش تطبیقی به تغییرات در تجارت درون‌فعالیتی عمودی و افقی می‌پردازد (به عنوان مثال در میان صنایع و رده‌های طبقه‌بندی BEC).

آخرین نسخه‌های طبقه‌بندی‌های مذکور در بخش آمار امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل قابل دسترسی است.<sup>۱</sup>

---

۱. برای مشاهده جدول تناظرات به بخش پیوست گزارش مراجعه نمایید.

## ۲- طبقه‌بندی و هماهنگ‌سازی جداول آماری واردات برحسب کدهای آیسیک

همان‌طور که در طرح پیشنهادی برای این مطالعه پژوهشی بیان شد، هدف مرحله دوم این پژوهش، طبقه‌بندی و هماهنگ‌سازی جداول آمار واردات کشور در قالب طبقه‌بندی‌های استاندارد است. با استفاده از جداول تناظر بین طبقه‌بندی‌های بین‌المللی که در مرحله اول این پژوهش تهیه شد، اکنون می‌توان واردات کشور را برحسب کدهای HS در قالب این جداول پیاده‌سازی کرد و به شناسایی واردات برحسب کدهای چهاررقمی صنعت ساخت و به تفکیک کدهای BEC پرداخت.

این مرحله از انجام پژوهش از نظر پردازش بیش از ۵ هزار ردیف کد تعرفه همراه با مؤلفه‌های متناظر آن در طبقه‌بندی فعالیت‌های اقتصادی (کدهای چهاررقمی آیسیک)، از حساسیت و اهمیت زیادی برخوردار است. در این مرحله است که با استفاده از دستورالعمل دفتر آماری سازمان ملل، برای هر کد تعرفه در سطح شش رقم، کد BEC و کد ISIC متناظر آنها تعیین می‌شود. البته در عمل برخی از اقلام دریافتی از گمرک جمهوری اسلامی ایران دارای کد تعرفه نبوده و برخی هم دارای کد تعرفه منطبق با دستورالعمل سازمان ملل نبوده‌اند. ولی سهم این اقلام در ارزش کل واردات کشور نزدیک به دو درصد بوده است که در جمع‌بندی نتایج این پژوهش تأثیر ندارد.

### ارتباط کدهای تعرفه (HS) با کدهای طبقه‌بندی فعالیت‌های اقتصادی (ISIC)

جدول ۱ رشته فعالیت‌های اقتصادی را مطابق طبقه‌بندی استاندارد بین‌الملل صنعتی تمام فعالیت‌های اقتصادی و در قالب ۲۱ بخش نشان می‌دهد. هر بخش به چند قسمت و هر قسمت به چند رشته فعالیت با کد چهاررقمی آیسیک تقسیم می‌شود (در این جدول نشان داده نشده است). از آنجاکه در طبقه‌بندی استاندارد اقتصادی در بخش کالایی (ISIC) بالغ بر ۱۷۰ رشته فعالیت در سطح کد چهاررقمی داریم، لاجرم شناسایی و تعیین کد تعرفه واردات برحسب صنعت ساخت واردات باید به تفکیک بخش‌های اقتصادی و در ذیل آنها برحسب رشته فعالیت تولیدی صورت گیرد.<sup>۱</sup>

جدول ۱: بخش‌های ۲۱ گانه عمده طبقه‌بندی آیسیک

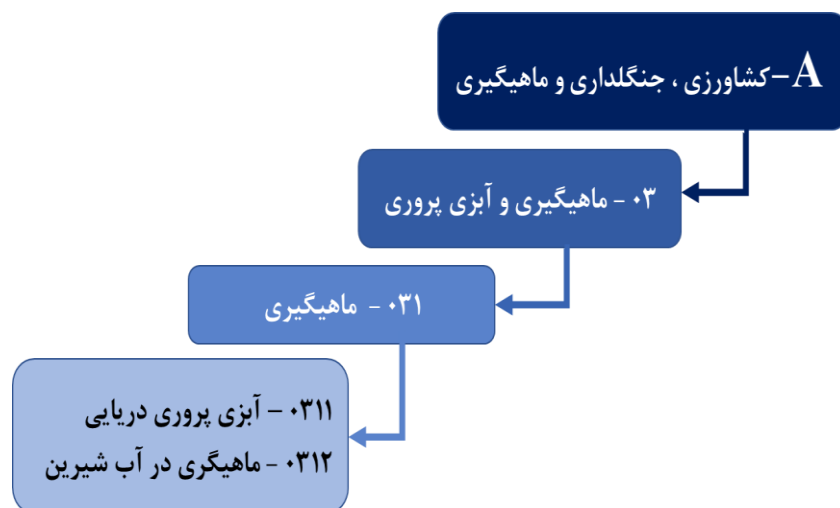
بخش	قسمت	شرح
الف	۰۱-۰۳	کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری
ب	۰۵-۰۹	استخراج معدن
پ	۱۰-۳۴	تولید صنعتی (ساخت)
ت	۳۵	تأمین برق، گاز، بخار و تهویه هوا
ث	۳۶-۳۹	آبرسانی، مدیریت پسماند، فاضلاب و فعالیت‌های تصفیه
ج	۴۱-۴۳	ساختمان
چ	۴۵-۴۷	عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، تعمیر وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت

۱. برای مشاهده جدول تفصیلی آیسیک به بخش پیوست گزارش مراجعه نمایید.

بخش	قسمت	شرح
ح	۴۹-۵۲	حمل و نقل و انبارداری
خ	۵۵-۵۶	فعالیت‌های خدماتی مربوط به تأمین جا و غذا
د	۵۸-۶۳	اطلاعات و ارتباطات
ذ	۶۴-۶۶	فعالیت‌های مالی و بیمه
ر	۶۸	فعالیت‌های املاک و مستغلات
ز	۶۹-۷۵	فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی
ژ	۷۷-۸۲	فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی
س	۸۴	اداره امور عمومی و دفاع، تأمین اجتماعی اجباری
ش	۸۵	آموزش
ص	۸۶-۸۸	فعالیت‌های مربوط به سلامت انسان و مددکاری اجتماعی
ض	۹۰-۹۳	هنر، سرگرمی و تفریح
ط	۹۴-۹۶	سایر فعالیت‌های خدماتی
ظ	۹۷-۹۸	فعالیت‌های خانوارها به عنوان کارفرما، فعالیت‌های تفکیک‌ناپذیر تولید کالاها و خدمات توسط خانوارهای معمولی برای خود-مصرفی
ع	۹۹	فعالیت‌های سازمان‌ها و هیئت‌های برون‌مرزی

در طبقه‌بندی بین‌المللی، تمام فعالیت‌های اقتصادی به گروه‌بندی‌های کلی‌تر همچون بخش- الف یا A «کشاورزی جنگلداری و ماهیگیری»، بخش- پ یا C «تولیدات صنعتی» و «بخش- د یا J» «اطلاعات و ارتباطات» تقسیم می‌شوند. طبقه‌بندی سپس به ترتیب به رسته‌هایی جزئی‌تر سازمان‌یافته است که با عدد کدگذاری شده‌اند: قسمت‌ها با کد دورقمی، گروه‌ها با کد سه‌رقمی و در جزئی‌ترین سطح، طبقه‌ها با کد چهاررقمی تعریف شده‌اند. نمایش نمودار زیر نحوه کدگذاری در این طبقه‌بندی را نشان می‌دهد.

شکل ۴، دسته‌بندی‌ها در طبقه‌بندی کد آیسیک ۰۳۱۲ همراه با سایر کدهای چهاررقمی هم‌گروه و زنجیره ارتباطی این کد با بخش اصلی خود را نشان می‌دهد.



شکل ۴: دسته‌بندی‌ها در طبقه‌بندی آیسیک

کدهای تعرفه (HS) مربوط به واردات سال ۱۳۹۸، مطابق جدول تناظر تفصیلی مرحله اول این مطالعه، در قالب کدهای آیسیک آورده شده است. در واقع ما تصویری از واردات کشور در قالب یک ماتریس خواهیم داشت که کدهای تعرفه ردیف‌های ماتریس و کدهای BEC (به تفکیک واسطه‌ای - خام، فرآوری شده، سرمایه‌ای و مصرفی) و ISIC ستون‌های ماتریس را تشکیل می‌دهند. این شناسایی بر اساس دستورالعمل سازمان ملل و جدول تناظر بین کدها، انجام شده است. جدول تفصیلی محاسبات واردات برحسب کدهای آیسیک پیوست این گزارش شده است.

خلاصه اطلاعات جدول ماتریس بالا را در قالب تقسیمات ۲۱ گانه (تولیدی و خدماتی) به تفکیک ۹ بخش تولیدی در جداول پیوست ارائه شده است. اقلام واردات گمرکی سال ۱۳۹۸ قابل انتساب به ۹ بخش تولیدی با توجه به منشأ ساخت مربوط به رشته فعالیت تولید هر بخش شناسایی شده است. با جمع واردات با منشأ کدهای چهاررقمی آیسیک ذیل هر بخش به جمع واردات از جنس تولیدات رشته فعالیت‌های هر بخش رسیده‌ایم. بخشی که بیشترین سهم در کل واردات را داشته باشد می‌تواند در کانون توجه تحلیل واردات برحسب صنعت ساخت و تعیین حلقه‌های مفقوده قرار گیرد.

هم‌زمان با شناسایی و تعیین کدهای تعرفه برحسب صنعت ساخت، ماهیت اقلام کدهای تعرفه از نظر واسطه‌ای (خام و فرآوری شده)، سرمایه‌ای و مصرفی (بادوام و بی‌دوام) تعیین شده‌اند.

#### رتبه‌بندی بخش‌های اقتصادی بر اساس واردات به تفکیک کدهای آیسیک

برای اینکه اهمیت واردات را برحسب منشأ ساخت بخش‌های تولیدی نشان دهیم، سهم هر بخش در کل واردات را مبنای رتبه‌بندی قرار داده‌ایم تا بر اساس آن به بررسی ویژگی‌های اقلام واردات از نظر ماهیت (مصرفی، واسطه‌ای و سرمایه‌ای) و فراوری بپردازیم.

#### واردات برحسب منشأ ساخت رشته فعالیت‌های بخش پ- تولید صنعتی

بر اساس توضیحات بالا، واردات گمرکی کشور در سال ۱۳۹۸ بالغ بر ۳۴۱۶ کد شش‌رقمی HS بوده که از نظر منشأ صنعت ساخت در قالب ۹ بخش کالایی شناسایی و طبقه‌بندی شده‌اند. بیشترین میزان واردات از منشأ ساخت مربوط به بخش پ- تولید صنعتی (قسمت‌های ۱۰ تا ۳۳) است. بالغ بر ۸۲ درصد کل واردات کشور از منشأ ساخت این بخش از فعالیت‌های تولیدی است. از این میزان واردات بالغ بر ۵۲,۶ درصد واسطه‌ای و عمدتاً از نوع فرآوری شده (۵۲,۲ درصد) هستند. به عبارت دیگر، ۶۳ درصد واردات با منشأ ساخت این بخش ماهیت واسطه‌ای فرآوری شده دارد، یعنی واردات واسطه عملاً عمده مراحل فراوری و ایجاد ارزش افزوده را در کشور مبدأ طی کرده و سپس در رشته فعالیت‌های تولیدی کشور برای تولید محصولات مصرفی نهایی به کار گرفته می‌شوند که ارزش افزوده اندکی در اقتصاد ایجاد می‌کند.

بخش پ- تولید صنعتی، به نوبه خود مشتمل بر ۱۲۵ رشته فعالیت تولیدی در سطح کد چهاررقمی آیسیک است که ۷۳٫۵ درصد کل رشته‌های تولیدی را تشکیل می‌دهد. حال باید دید که تمرکز واردات در این بخش، از منشأ کدام رشته فعالیت تولیدی است. با انجام بررسی دقیق از منشأ ساخت اقلام وارداتی کشور مرتبط با فعالیت‌های تولیدی این بخش‌ها به تفکیک کدهای چهاررقمی آیسیک (جدول پیوست) می‌توانیم حلقه‌های مفقوده در این بخش را شناسایی کنیم.

۵۴ درصد از کل واردات کشور مرتبط با این بخش از منشأ ۲۴ رشته فعالیت‌های تولیدی است. پنج رشته اول این بخش که سهمی بالغ بر ۲۲٫۷۶ درصد در کل واردات دارند عبارت‌اند از:

- ۱- کد آیسیک ۲۰۱۱- تولید مواد شیمیایی اساسی (۵٫۳۲ درصد)
  - ۲- کد آیسیک ۱۰۴۰- تولید روغن‌ها و چربی‌های گیاهی و حیوانی (۵٫۱۰ درصد)
  - ۳- کد آیسیک ۲۶۳۰- تولید تجهیزات مخابراتی (۴٫۲۸ درصد)
  - ۴- کد آیسیک ۲۱۰۰- تولید داروها و فراورده‌های دارویی شیمیایی و گیاهی (۴٫۲۱ درصد)
  - ۵- کد آیسیک ۱۰۶۱- تولید فراورده‌های دانه‌ای آسیاب شده (۳٫۸۵ درصد).
- از این‌رو بررسی اهمیت حلقه‌های مفقوده در تولید را باید در این بخش و عمدتاً در این رشته فعالیت‌ها دنبال کرد. بررسی واردات با منشأ ساخت ۵ رشته فعالیت تولیدی بالا را در ادامه مرور می‌کنیم.

#### تولید مواد شیمیایی اساسی

جدول زیر ویژگی‌های واردات را در قالب صنعت ساخت تولید مواد شیمیایی نشان می‌دهد.

جدول ۲: تولید مواد شیمیایی اساسی

درصد در کل واردات	درصد سهم	ارزش دلاری	کد آیسیک ۲۰۱۱- تولید مواد شیمیایی اساسی				
			دوام	فرآوری	نوع مصرف	شرح گروه‌های عمده در طبقه‌بندی BEC5	
۰٫۰۰	۰٫۰۶	۱٫۳۲۰٫۵۸۸		اولیه خام	واسطه‌ای	کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری، غذا، نوشیدنی‌ها، تنباکو	۱۱۱۱
۰٫۰۷	۱٫۳۶	۳۱۸۴۷٫۵۷۶		فرآوری شده	واسطه‌ای	کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری، غذا، نوشیدنی‌ها، تنباکو	۱۱۱۲۱۰
۰٫۱۷	۳٫۱۳	۷۳٫۲۴۳۰۰۲۷		فرآوری شده	واسطه‌ای	معدن، معدن سنگ، پالایشگاه، سوخت، مواد شیمیایی، برق، آب، تصفیه پسماند	۲۱۱۲۱۰
۴٫۱۱	۷۷٫۲۱	۱۸۰۶۸۹۱٫۷۹۷		فرآوری شده	واسطه‌ای	معدن، معدن سنگ، پالایشگاه، سوخت، مواد شیمیایی، برق، آب، تصفیه پسماند	۲۱۱۲۲۰
۰٫۶۸	۱۲٫۸۶	۳۰۰٫۹۴۹۰۰۷۰		فرآوری شده	واسطه‌ای	ساخت و ساز، چوب، شیشه، سنگ، فلزات اساسی، مسکن، وسایل برقی، میلمان	۳۱۱۲۱۰
۰٫۲۹	۵٫۳۸	۱۲۵٫۹۵۷۰۰۹۹		فرآوری شده	واسطه‌ای	بهداشت، داروسازی، آموزش، فرهنگی، ورزشی	۷۱۱۲۲۰
۵٫۳۲	۱۰۰٫۰۰	۲٫۳۴۰۰۲۰۹٫۱۵۷	جمع				

همان طور که در جدول ۲ نشان داده شده است، عمده واردات از منشأ صنعت ساخت مواد شیمیایی، ماهیت واسطه‌ای دارند و جالب توجه است که همه اقلام تشکیل‌دهنده واردات از جنس این رشته فعالیت، مراحل فرآوری شده را طی کرده و سپس در زنجیره تولید داخلی کشور وارد شده که فقط موجب ارزش افزوده در مرحله مونتاژ محصول نهایی می‌شوند. برخی معتقدند که ارزش افزوده‌ای که در مراحل پایانی تولید محصول نهایی به دست می‌آید در مقایسه با ارزش واردات محصول نهایی ممکن است منفی باشد؛ یعنی وقتی ارزش محصول نهایی بیشتر از ارزش واردات محصول نهایی باشد، معنایش این است که در فرایند فرآوری محصول نهایی، عوامل تولید را بیشتر به کار گرفته‌ایم، در حالی که این عوامل می‌توانست در تولید محصول دیگر به کار گرفته شود؛ به عبارت دیگر، ارزش افزوده منفی به هدررفت منابع در فرایند تولید اطلاق می‌شود.

### تولید روغن‌ها و چربی‌های گیاهی و حیوانی

جدول زیر ویژگی‌های واردات را در قالب صنعت ساخت تولید روغن‌های و چربی‌های گیاهی و حیوانی نشان می‌دهد.

جدول ۳: تولید روغن‌ها و چربی‌های گیاهی و حیوانی

درصد در کل واردات	درصد سهم	ارزش دلار	کد آیسیک ۱۰۴۰- تولید روغن‌ها و چربی‌های گیاهی و حیوانی				
			دوام	فرآوری	نوع مصرف	شرح گروه‌های عمده در طبقه‌بندی BEC5	BEC5
۰.۰۱	۰.۱۲	۲,۶۸۱,۶۷۰		اولیه خام	واسطه‌ای	کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری، غذا، نوشیدنی‌ها، تنباکو	۱۱۱۱
۵.۰۵	۹۸.۹۳	۲,۲۲۰,۲۳۳,۳۰۹		فرآوری شده	واسطه‌ای	کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری، غذا، نوشیدنی‌ها، تنباکو	۱۱۱۲۱۰
۰.۰۵	۰.۹۵	۲۱,۳۹۷,۴۷۹	بی‌دوام	اولیه خام	مصرف نهایی	کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری، غذا، نوشیدنی‌ها، تنباکو	۱۱۳۱۰۱
۰.۰۰	۰.۰۰	۱,۶۰۸	بی‌دوام	فرآوری شده	مصرف نهایی	کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری، غذا، نوشیدنی‌ها، تنباکو	۱۱۳۲۰۱
۵.۱۰	۱۰۰.۰۰	۲,۲۴۴,۳۱۴,۰۶۵	جمع				

بیش از ۵ درصد کل واردات کشور از منشأ تولید صنعت ساخت انواع روغن‌ها گیاهی و حیوانی است. یعنی ما از صنایع تولید روغن‌های گیاهی و حیوانی در خارج، سفارش خرید واردات داده‌ایم. همان طور که در جدول بالا نشان می‌دهد بیش از ۹۸ درصد واردات با منشأ این صنعت ساخت از نوع واسطه‌ای فرآوری شده است. در حالی که اگر به صورت خام در زنجیره تولید داخلی قرار می‌گرفت می‌توانست عملیات فرآوری را در داخل کشور طی کند و موجب ارزش افزوده شود؛ لذا در اینجا هم ما شاهد حلقه مفقوده در کشور هستیم.

### تولید تجهیزات مخابراتی

جدول زیر ویژگی‌های واردات را در قالب صنعت ساخت تولید تجهیزات مخابراتی نشان می‌دهد.



جدول ۴: تولید تجهیزات مخابراتی

درصد در کل واردات	درصد سهم	ارزش دلار	کد آیسیک ۲۶۳۰- تولید تجهیزات مخابراتی				
			دوام	فرآوری	نوع مصرف	شرح گروه‌های عمده در طبقه‌بندی BEC5	BEC5
۰,۰۱	۰,۱۸	۳,۴۰۸,۵۶۸			سرمایه‌ای	ساخت‌وساز، چوب، شیشه، سنگ، فلزات اساسی، مسکن، وسایل برقی، مبلمان	۳۱۲
۲,۴۷	۵۷,۶۴	۱۰,۰۸۶,۱۳۱,۶۴۳			سرمایه‌ای	ICT، رسانه، کامپیوتر، تجارت و خدمات مالی	۶۱۲۰۲۰
۰,۱۷	۳,۸۸	۷۳,۰۱۸,۶۹۵		فرآوری شده	واسطه‌ای	ICT، رسانه، کامپیوتر، تجارت و خدمات مالی	۶۱۱۲۲۰
۱,۶۴	۳۸,۳۰	۷۲۱,۶۴۲,۸۷۲	بادوام	فرآوری شده	مصرفی	ICT، رسانه، کامپیوتر، تجارت و خدمات مالی	۶۱۳۲۰۲
۴,۲۸	۱۰۰,۰۰	۱,۸۸۴,۲۰۱,۷۷۷	جمع				

بیش از ۴ درصد کل واردات کشور از منشأ تولید، صنعت ساخت تجهیزات مخابراتی است؛ یعنی از صنایع تولید تجهیزات مخابراتی در خارج به میزان ۱,۸ میلیارد دلار واردات داشته‌ایم. همان‌طور که در جدول بالا نشان می‌دهد بیش از ۵۷ درصد واردات با منشأ این صنعت ساخت از نوع سرمایه‌ای و ۳۸ درصد برای مصرف نهایی و ۳,۹ درصد به‌صورت واسطه‌ای از نوع فرآوری شده بوده است.

#### تولید داروها و فراورده‌های دارویی شیمیایی و گیاهی

جدول زیر ویژگی‌های واردات در قالب صنعت ساخت تولید داروها و فراورده‌های دارویی شیمیایی و گیاهی را نشان می‌دهد.

جدول ۵: تولید داروها و فراورده‌های دارویی شیمیایی و گیاهی

درصد در کل واردات	درصد سهم	ارزش دلار	کد آیسیک ۲۱۰۰- تولید داروها و فراورده‌های دارویی شیمیایی و گیاهی				
			دوام	فرآوری	نوع مصرف	شرح گروه‌های عمده در طبقه‌بندی BEC5	BEC5
۰,۰۲	۰,۴۴	۸,۱۲۴,۳۸۶		فرآوری شده	واسطه‌ای	معدن، معدن سنگ، پالایشگاه، سوخت، مواد شیمیایی، برق، آب، تصفیه پسماند	۲۱۱۲۲۰
۰,۴۰	۹,۶۰	۱۷۸,۰۴۱,۸۹۴		فرآوری شده	واسطه‌ای	بهداشت، داروسازی، آموزش، فرهنگی، ورزشی	۷۱۱۲۱۰
۲,۳۷	۵۶,۱۴	۱,۰۴۱,۸۰۰,۷۸۱		فرآوری شده	واسطه‌ای	بهداشت، داروسازی، آموزش، فرهنگی، ورزشی	۷۱۱۲۲۰
۱,۴۳	۳۳,۸۲	۶۲۷,۵۹۳,۳۶۶	بی‌دوام	فرآوری شده	واسطه‌ای	بهداشت، داروسازی، آموزش، فرهنگی، ورزشی	۷۱۳۲۰۱
۴,۲۲	۱۰۰,۰۰	۱,۸۵۵,۵۶۰,۴۲۷	جمع				

همان طور که مشاهده می‌کنیم واردات از نوع محصولات این رشته فعالیت تولیدی، سهمی برابر با ۴,۲ درصد کل واردات ۱۳۹۸ را داشته است. صد درصد واردات از منشأ این رشته فعالیت تولید، ماهیت واسطه‌ای و فراوری شده را دارد؛ یعنی صنعت داروسازی کشور این مواد وارداتی فراوری شده را تنها با هم ترکیب می‌کند و محصولات نهایی حاصل را عرضه می‌دارد. حلقه‌های مفقوده در فراوری این مواد در کشور هنوز شکل نگرفته است. به همین دلیل وابستگی صنعت دارویی کشور به خارج زیاد است.

تولید فراورده‌های دانه‌ای آسیاب شده

این رشته فعالیت تولیدی پنجمین رشته فعالیت تولیدی مهم از بخش الف است.

جدول ۶: تولید فراورده‌های دانه‌ای آسیاب شده

درصد در کل واردات	درصد سهم	ارزش دلار	کد آیسیک ۱۰۶۱ - تولید فراورده‌های دانه‌ای آسیاب شده			
			شرح گروه‌های عمده در طبقه‌بندی BEC5	نوع مصرف	فراوری	دوام
۰,۰۲	۰,۵۰	۸,۴۲۰,۲۱۶	کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری، غذا، نوشیدنی‌ها، تنباکو	واسطه‌ای	اولیه خام	
۰,۰۰	۰,۰۹	۱,۵۴۲,۹۴۱	کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری، غذا، نوشیدنی‌ها، تنباکو	واسطه‌ای	فراوری شده	
۳,۸۳	۹۹,۴۱	۱,۶۸۶,۵۲۷,۶۸۶	کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری، غذا، نوشیدنی‌ها، تنباکو		اولیه خام	بی‌دوام
۰,۰۰	۰,۰۱	۸۵,۱۷۴	کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری، غذا، نوشیدنی‌ها، تنباکو	مصرف نهایی	فراوری شده	بی‌دوام
۳,۸۶	۱۰۰,۰۰	۱,۶۹۶,۵۷۶,۰۱۷	جمع			

واردات کشور با منشأ ساخت این رشته فعالیت، ۳,۸۵ درصد کل واردات کشور را تشکیل می‌دهد. همان طور که جدول زیر نشان می‌دهد ۹۹ درصد واردات با منشأ صنعت ساخت تولید فراورده‌های دانه‌ای آسیاب شده، ماهیت مصرف نهایی دارد که به صورت خام وارد چرخه تولید داخلی می‌شود. اساساً در بررسی حلقه‌های مفقوده کشور باید دید چرا محصولاتی که قابلیت تولید آن در کشور وجود دارد (چه در تولید محصول و چه در فراوری محصول) این اقلام از خارج وارد کشور می‌شود.

واردات برحسب منشأ ساخت رشته فعالیت‌های بخش الف: کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری

واردات از منشأ ساخت رشته فعالیت‌های ذیل بخش الف- کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری (قسمت‌های ۰۱-۰۳) بالغ بر ۶,۳ میلیارد دلار (معادل ۱۴,۴ درصد کل واردات) است که ۵,۳ میلیارد دلار آن را واردات واسطه‌ای تشکیل داده که معادل ۸۴ درصد آن است. مهم‌ترین رشته فعالیت ذیل این بخش (کد آیسیک ۰۱۱۱- کاشت غلات به جز برنج، محصولات حبوبات و دانه‌های روغنی) است. همان طور که در جدول زیر مشاهده می‌کنیم واردات از منشأ ساخت این رشته فعالیت برابر با ۴,۷ میلیارد دلار است که ۹۷,۲ درصد آن ماهیت واسطه‌ای

دارد که در بخش‌های عمده اقتصادی به‌خصوص در بخش کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری، غذایی و نوشیدنی‌ها، تنباکو مورد استفاده قرار می‌گیرد.

جدول ۷: کاشت غلات (به‌جز برنج)، محصولات حبوبات و دانه‌های روغنی

درصد در کل واردات	درصد سهم	ارزش دلار	کد آیسیک ۰۱۱۱ - کاشت غلات (به‌جز برنج)، محصولات حبوبات و دانه‌های روغنی				
			دوام	فراوری	نوع مصرف	شرح گروه‌های عمده در طبقه‌بندی BEC5	BEC5
۱۰,۴۸	۹۷,۱۸	۴,۶۰۸,۳۰۴,۴۰۷		اولیه خام	واسطه‌ای	کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری، غذا، نوشیدنی‌ها، تنباکو	۱۱۱۱
۰,۳۰	۲,۸۲	۱۳۳,۵۵۳,۴۷۶	بی‌دوام	اولیه خام	مصرف نهایی	کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری، غذا، نوشیدنی‌ها، تنباکو	۱۱۳۱۰۱
۱۰,۷۸	۱۰۰,۰۰	۴,۷۴۱,۸۵۷,۸۸۳	جمع				

مشاهده سهم مسلط واردات واسطه‌ای در کل واردات کشور مبین وابستگی شدید بنگاه‌های تولید کشور به مواد اولیه واسطه‌ای خارجی است. واردات از منشأ رشته فعالیت کاشت غلات، عمدتاً واسطه‌ای است. نگرانی اصلی در این ارتباط، این است که صادرات محصولات این رشته و سایر رشته‌های مشابه تولیدی هیچ‌گاه نتوانسته است نیاز ارزی این رشته فعالیت تولیدی را تأمین کند؛ به همین دلیل، در اکثر اقلام مهم و راهبردی شاهد ناترازی در تجارت این اقلام هستیم.

جدول زیر تراز تجاری در گروه مواد غذایی و حیوانات زنده را نشان می‌دهد. سالانه بین ۴ تا ۵ میلیارد دلار کسری در تراز تجاری غلات و فراورده‌های آن داریم. مقدار مطلق واردات این قلم کالا طی این دوره بین ۷ تا ۱۰ میلیارد بوده است. همان‌طور که ملاحظه می‌کنیم در گروه غلات تراز تجاری طی دوره پنج‌ساله منفی بوده است. غلات سهم اصلی در واردات گروه مواد غذایی را دارد که تولید آن با منشأ کد آیسیک ۰۱۱۱ است. در این قلم از کالاهای وارداتی کشور با کسری تجاری منفی قابل توجهی مواجه است. کشورها معمولاً خودکفایی در محصولات راهبردی را در صدر توجه خود قرار می‌دهند، حتی در کشورهای پیشرفته مثل آمریکا. این کشور با اینکه در زمینه تولید دانش و محصولات دانش‌بنیان صنعتی پیشرفته است و منابع خود را درگیر رشته فعالیت‌های دیگر مثل تولید محصولات مصرفی نمی‌کند، اما در تولید گندم و برخی دیگر از محصولات کشاورزی خودکفا بوده و حتی به خارج هم صادر می‌کند و در مواقعی برای حمایت از بخش کشاورزی و حفظ قیمت محصولات در بازار جهانی از عرضه مازاد محصولات خود به بازار خودداری می‌کند.

جدول ۸: تراز تجاری به تفکیک طبقه‌بندی بین‌المللی کالا

تراز تجاری به تفکیک طبقه‌بندی بین‌المللی کالا (صادرات منهای واردات) (میلیون دلار)					
سال	۱۳۹۳	۱۳۹۴	۱۳۹۵	۱۳۹۶	۱۳۹۷
مواد غذایی و حیوانات زنده	(۳,۶۳۸)	(۱,۰۷۲)	(۳۵۷)	(۱,۵۳۱)	(۲,۰۰۷)
لبنیات و تخم‌مرغ	۴۰۱	۳۹۲	۴۵۸	۴۲۴	۳۳۶
غلات و فرآورده‌های آن	(۵,۹۷۲)	(۳,۲۲۷)	(۲,۵۸۶)	(۳,۱۰۳)	(۴,۱۸۳)
شکر و فرآورده‌های آن و عسل	(۱۸۰)	(۴۰)	(۱۷۲)	(۲۴۱)	۱۷۵
قهوه، چای، کاکائو، ادویه‌جات و سایر محصولات مشابه	(۵۴)	(۱۰۰)	(۱)	(۶۶)	(۳۱)
میوه‌ها و سبزی‌ها	۳,۴۰۹	۲,۵۶۶	۲,۴۹۲	۲,۳۶۹	۲,۵۷۱
سایر	(۱,۲۴۲)	(۶۶۳)	(۵۴۸)	(۹۱۴)	(۸۷۵)

در فرهنگ اقتصادی و اقتصاد مقاومتی از بخش کشاورزی به‌عنوان ستون فقرات اقتصاد یاد شده است. معنایش این است که این بخش نخستین تأمین‌کننده نیازهای اولیه سایر بخش‌های اقتصادی (خانوار و بنگاه) است. رشته‌های فعالیت‌های تولیدی فراوانی را می‌توان یافت که بر پایه تولیدات کشاورزی و فراوری آنها شکل می‌گیرند. سرمایه‌گذاری در این بخش همراه با سیاست‌های ارشادی دولت می‌تواند زنجیره ارزش تولید در این بخش را تکمیل کند و ضمن کاهش فشار ارزی موجب اشتغال بیشتر سرمایه و نیروی انسانی گردد.

#### واردات برحسب منشأ ساخت سایر رشته‌های فعالیت‌ها

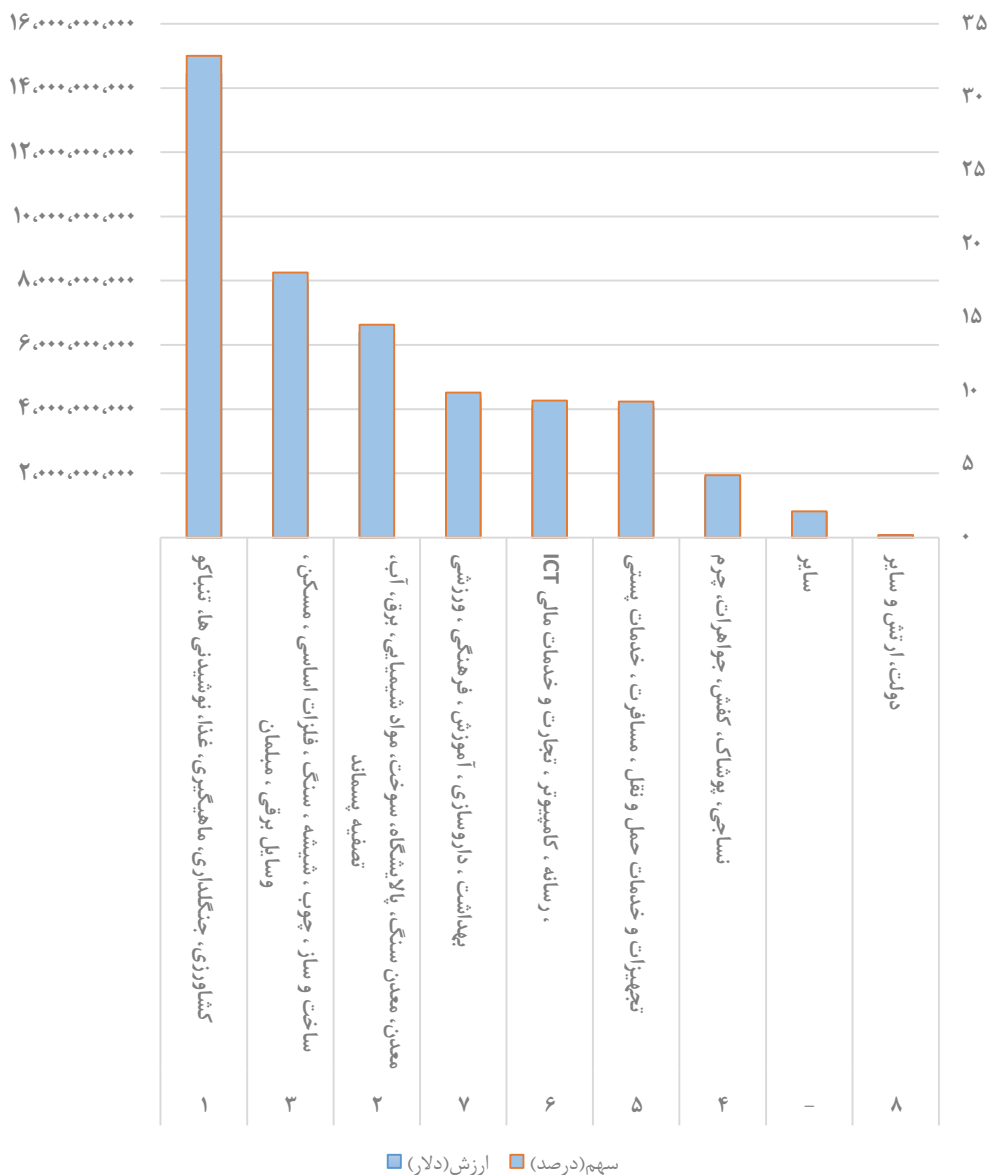
با توجه به اینکه منشأ ساخت اقلام واردات گمرکی سال ۱۳۹۸ برحسب ۱۷۰ رشته فعالیت‌های تولیدی مورد شناسایی قرار گرفته‌اند، ولی تنها پنج رشته فعالیت تولیدی مهم بخش پ و یک‌رشته از فعالیت تولیدی از بخش الف را مورد توجه قرار دادیم. بخش الف و بخش پ در مجموع بخش‌های اصلی هستند که واردات با منشأ ساخت رشته فعالیت‌های ذیل آنها ۹۲ درصد واردات کشور را در سال ۱۳۹۸ تشکیل داده است. با این حال باید توجه داشت که واردات از منشأ سایر رشته‌های تولیدی ممکن است سهم کمی در کل واردات داشته باشند، ولی ماهیت واردات مسئله‌ای که با حلقه‌های مفقوده در آن رشته ارتباط پیدا می‌کند. به‌عنوان مثال واردات از منشأ فعالیت تولیدی-چمدان، کیف دستی و مشابه آن، زین و یراق- سهم کمی در کل واردات دارد، اما تمام اقلام وارداتی از این رشته فعالیت تولیدی ۱۰۰ درصد ماهیت فراوری شده دارند. از این دست اقلام وارداتی با منشأ ساخت در رشته‌های مختلف وجود دارد که شرح کامل آن در جدول اصلی این گزارش ارائه شده است.

جدول ۹: تولید چمدان، کیف دستی و مشابه آن، زین و یراق

درصد در کل واردات	درصد سهم	ارزش دلار	کد آیسیک ۱۵۱۲- تولید چمدان، کیف دستی و مشابه آن، زین و یراق			
			دوام	فراوری	نوع مصرف	شرح گروه‌های عمده در طبقه‌بندی BEC5
						BEC5

۰,۰۰	۰,۶۵	۶۵۰		فرآوری شده	واسطه‌ای	تجهیزات و خدمات حمل و نقل، مسافرت، خدمات پستی	۵۱۱۲۲۰	
۰,۰۰	۹۲,۶۴	۹۳,۱۱۸	بادوام	فرآوری شده	مصرف نهایی	تجهیزات و خدمات حمل و نقل، مسافرت، خدمات پستی	۵۱۳۲۰۲	
۰,۰۰	۶,۷۱	۶,۷۴۹	بادوام	فرآوری شده	مصرف نهایی	بهداشت، داروسازی، آموزش، فرهنگی، ورزشی	۷۱۳۲۰۲	
۰,۰۰	۱۰۰,۰۰	۱۰۰,۵۱۷	جمع					

در پایان این بخش آمار واردات را طبق طبقه‌بندی BEC5 در گروه‌های هشت‌گانه عمده همراه با گروه سایر ارائه شده است که جدول و نمودار آن در زیر مشاهده می‌شود.



شکل ۵: میزان واردات گروه‌های عمده BEC

جدول ۱۰: واردات برحسب گروه‌های عمده طبقه‌بندی BEC5

سهم (درصد)	ارزش (دلار)	شرح گروه‌های عمده در طبقه‌بندی BEC5	گروه BEC5
۳۲,۸۲	۱۴,۴۳۳,۸۶۵,۶۳۹	کشاورزی، جنگلداری، ماهیگیری، غذا، نوشیدنی‌ها، تنباکو	۱
۱۸,۰۵	۷,۹۳۷,۱۴۷,۴۲۹	ساخت‌وساز، چوب، شیشه، سنگ، فلزات اساسی، مسکن، وسایل برقی، مبلمان	۳
۱۴,۵۰	۶,۳۷۸,۹۷۷,۶۴۱	معدن، معدن سنگ، پالایشگاه، سوخت، مواد شیمیایی، برق، آب، تصفیه پسماند	۲
۸۸,۹	۴,۳۴۳,۰۱۰,۲۲۰	بهداشت، داروسازی، آموزش، فرهنگی، ورزشی	۷
۹,۳۲	۴,۰۹۹,۷۵۹,۲۲۷	ICT، رسانه، کامپیوتر، تجارت و خدمات مالی	۶
۹,۲۶	۴,۰۷۳,۱۹۷,۱۵۵	تجهیزات و خدمات حمل و نقل، مسافرت، خدمات پستی	۵
۴,۲۴	۱,۸۶۳,۲۲۸,۱۸۶	نساجی، پوشاک، کفش، جواهرات، چرم	۴
۱,۷۸	۷۸۰,۱۹۸,۵۱۴	سایر	-
۰,۱۶	۶۹,۰۷۲,۲۶۹	دولت، ارتش و سایر	۸
۱۰۰,۰۰	۴۳,۹۷۸,۴۵۶,۲۷۹	جمع کل	

### اهم یافته‌های این بخش از پژوهش

- از میان ۱۷۰ رشته فعالیت تولیدی تعریف شده در طبقه‌بندی استاندارد فعالیت‌های اقتصادی (ISIC)، تنها ۱۲ رشته فعالیت تولیدی در سطح کدهای چهاررقمی آیسیک هستند که منشأ ساخت ۲۷ درصد کل واردات سال ۱۳۹۸ را به خود اختصاص داده‌اند. این یافته آماری نشان می‌دهد که واردات کشور از نظر منشأ ساخت دارای یک درجه تمرکز بالایی است.
- ۵۹,۴۲ درصد کل واردات واسطه‌ای از منشأ ساخت این ۱۲ رشته فعالیت تولیدی هستند.
- ۵۳,۳۶ درصد کل واردات واسطه‌ای فراوری شده نیز از منشأ این رشته فعالیت‌های تولیدی هستند.
- ۵۳,۶۹ درصد کل واردات فراوری شده (مصرفی و واسطه‌ای) نیز از منشأ ساخت این رشته فعالیت‌ها هستند.
- تمرکز واردات از نظر منشأ ساخت و هم از نظر ترکیب کالایی نشان می‌دهد که ساختار تولید در صورت بروز مشکلات در تأمین نهاده وارداتی مورد نیاز این رشته فعالیت‌های تولید بسیار شکننده است. تداوم این روند با اهداف اقتصاد مقاومتی و تاب‌آوری اقتصادی در راستای هدف آرمانی توسعه پایدار همسویی ندارد.

### ۳- واردات ۱۳۹۸ با منشأ ساخت به تفکیک: بخش‌های نه‌گانه آیسیک طبقه‌بندی هشت‌گانه

#### گروه‌های عمده BEC و چارچوب حساب‌های ملی

در این بخش از پژوهش برای ارائه یک تصویر کلی از واردات کشور از منشأ ساخت به تفکیک بخش‌های اصلی تولید (ISIC) و رده‌های عمده اقلام تجارت بین‌الملل (BEC) از خروجی‌ها جداول مرحله قبل استفاده شده است.

#### ترکیب واردات برحسب منشأ بخش‌های اصلی اقتصاد

جدول ۱۱، واردات کشور را در سال ۱۳۹۸ برحسب منشأ ساخت بخش‌های اصلی اقتصادی نشان می‌دهد. همان‌طور که مشاهده می‌شود بخش پ (تولید صنعتی) بیشترین سهم در واردات کشور را دارد، به این معنا که ۸۲٫۹ درصد واردات کشور از منشأ ساخت رشته فعالیت‌های تولیدی این بخش است.<sup>۱</sup>

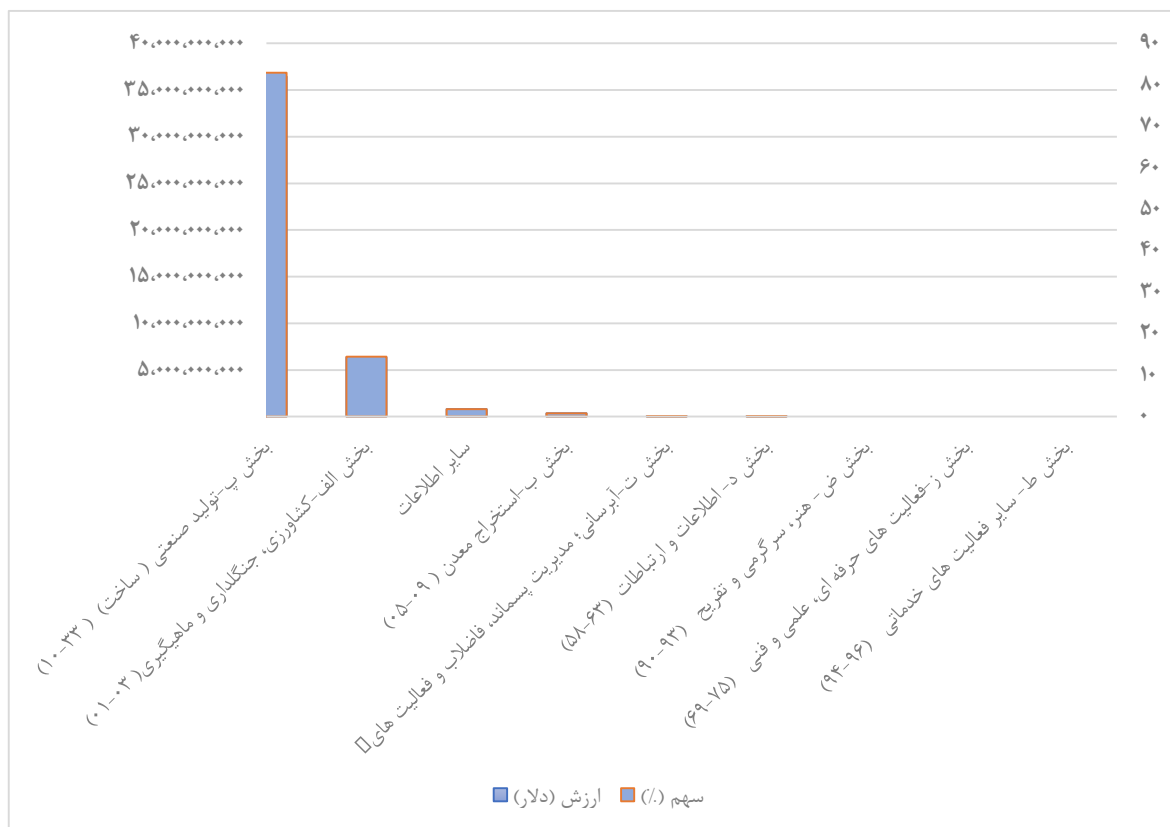
جدول ۱۱: واردات برحسب بخش‌های اصلی اقتصاد

بخش‌های اصلی آیسیک	تعداد کدهای آیسیک	ارزش (دلار)	سهم (درصد)
بخش پ- تولید صنعتی (ساخت) (۱۰-۳۳)	۱۲۵	۳۶.۴۵۱.۴۷۷.۲۶۰	۸۲٫۸۹
بخش الف- کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری (۰۱-۰۳)	۲۵	۶.۳۷۲.۳۳۹.۹۷۸	۱۴٫۴۹
بخش ب- استخراج معدن (۰۵-۰۹)	۹	۳۶۱.۸۲۶.۱۱۰	۸۲٫
سایر اطلاعات	-	۷۸۴.۳۸۱.۰۳۵	۱٫۷۸
بخش ت- آبرسانی؛ مدیریت پسماند، فاضلاب و فعالیت‌های تصفیه (۳۹-۳۶)	۲	۴.۳۰۸.۰۶۱	۰٫۱۰
بخش د- اطلاعات و ارتباطات (۵۸-۶۳)	۴	۴.۱۱۹.۹۶۴	۰٫۱۰
بخش ض- هنر، سرگرمی و تفریح (۹۰-۹۳)	۲	۲.۶۸۸	۰۰٫۰
بخش ز- فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی (۶۹-۷۵)	۱	۶۴۵	۰۰٫۰
بخش ط- سایر فعالیت‌های خدماتی (۹۴-۹۶)	۱	۵۳۸	۰۰٫۰
جمع کل	۱۷۰	۴۳.۹۷۸.۴۵۶.۲۷۹	۱۰۰٫۰۰

از کل واردات کشور بالغ بر ۵۳٫۴ درصد مربوط به کالاهای واسطه‌ای است که از این بخش سرچشمه می‌گیرد. واردات واسطه‌ای فراوری شده از منشأ این بخش بالغ بر ۵۳٫۰۰ درصد بوده است؛ به عبارت دیگر، تقریباً صد درصد واردات واسطه‌ای از منشأ این بخش، ماهیت فراوری داشته که در زنجیره ارزش تولید در مرحله نهایی قرار می‌گیرد.

۱. برای مشاهده جدول منشأ ساخت به بخش پیوست گزارش مراجعه نمایید.

ارزش و درصد سهم دومین بخش مهم از نظر منشأ ساخت واردات کشور بخش الف ( کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری) است. ۱۴,۵ درصد کل واردات کشور از منشأ ساخت رشته فعالیت‌های تولیدی این بخش است که بسیار درخور توجه است. ترکیب واردات با منشأ این بخش نشان می‌دهد که بالغ بر ۱۲,۲ درصد آن عمدتاً به صورت خام وارد کشور شده است. با توجه به اینکه در گذشته دور بخش کشاورزی به عنوان ستون فقرات کشور در اقتصاد نقش ایفای می‌کرده است اکنون به واردکننده اقلام اولیه کشاورزی تبدیل شده است در حالی که توان تولید این اقلام مهم در کشور وجود دارد.



شکل ۶: میزان واردات بخش‌های اصلی آیسیک (ارزش و درصد سهم)

بالغ بر ۹۷ درصد کل واردات و ۶۴ درصد کل واردات واسطه‌ای کشور با منشأ ساخت این دو بخش مهم اقتصادی است. سه درصد کل واردات با منشأ ساخت هفت بخش دیگر است که چندان از نظر مطلق واردات درخور توجه نیست. در جداول زیر ترکیب واردات برحسب نه بخش اصلی اقتصادی نشان داده شده است.



جدول ۱۲: واردات از منشأ صنعت ساخت: بخش پ- تولید صنعتی (ساخت)

درصد سهم	واردات از منشأ صنعت ساخت: بخش پ- تولید صنعتی (ساخت) (۱۰-۲۳)			
	ارزش دلاری	ویژگی و دوام	فرآوری	نوع مصرف
۸,۴۹	۳,۷۳۴,۲۷۲,۴۳۵	بی‌دوام	اولیه خام	مصرفی
۴,۰۵	۱,۷۷۹,۰۷۴,۶۳۵	بادوام	فرآوری شده	
۱۸.	۸۰,۹۶۲,۱۲۷	بی‌دوام		
۰۴.	۱۷,۱۸۵,۰۶۶	بدون مشخصات		
۴,۲۷	۱,۸۷۷,۲۲۱,۸۲۸	جمع فرآوری شده		
۱۲,۷۶	۵,۶۱۱,۴۹۴,۲۶۳	جمع مصرفی		
۸,۲۴	۳,۶۲۲,۵۴۴,۶۷۵	عمومی	سرمایه‌ای	
۶,۹۸	۳,۰۶۷,۵۸۲,۶۶۵	خاص		
۱,۴۸	۶۵۱,۷۴۸,۵۰۰	بدون مشخصات		
۱۶,۶۹	۷,۳۴۱,۸۷۵,۸۴۰	جمع ارزش سرمایه‌ای		
۴۳.	۱۸۹,۶۷۸,۳۵۶		اولیه خام	واسطه‌ای
۰۱.	۲,۳۹۵,۳۳۲	بادوام	فرآوری شده	
۱,۴۵	۶۳۸,۴۱۹,۸۴۳	بی‌دوام		
۲۳,۹۰	۱۰,۵۰۹,۶۲۹,۳۹۵	عمومی		
۲۶,۶۲	۱۱,۷۰۷,۴۵۲,۴۶۲	خاص		
۱,۰۲	۴۵۰,۵۳۱,۸۰۲	بدون مشخصات		
۵۳,۰۰	۲۳,۳۰۸,۴۲۸,۸۳۴	جمع فرآوری شده		
۵۳,۴۳	۲۳,۴۹۸,۱۰۷,۱۹۰	جمع ارزش واسطه‌ای		
۸۲,۸۸	۳۶,۴۵۱,۴۷۷,۲۹۳	مجموع کل		

جدول ۱۳: واردات از منشأ صنعت ساخت: بخش الف- کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری

درصد سهم	واردات از منشأ صنعت ساخت: بخش الف- کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری (۰۱-۰۳)			
	ارزش دلاری	ویژگی و دوام	فرآوری	نوع مصرف
۲,۳۹	۱,۰۰۵,۵۴۸,۸۴۸,۵۰	بی‌دوام	اولیه خام	مصرفی
۲,۳۹	۱,۰۰۵,۵۴۸,۸۴۹	جمع مصرف نهایی		
۰۰	۱,۱۹۵,۸۰۱	عمومی	سرمایه‌ای	
۰۰	۱,۱۹۵,۸۰۱	جمع ارزش تشکیل سرمایه‌ای		
۱۲,۲۰	۵,۳۶۵,۱۱۶,۱۸۶		اولیه خام	واسطه‌ای
۰۰	۴۷۹,۱۴۳	عمومی	فرآوری شده	
۰۰	۴۷۹,۱۴۳	جمع فرآوری شده		
۱۲,۲۰	۵,۳۶۵,۵۹۵,۳۲۹	جمع ارزش واسطه‌ای		
۱۴,۴۹	۶,۳۷۲,۳۳۹,۹۷۸	مجموع کل		

جدول ۱۴: واردات از منشأ صنعت ساخت: بخش ت- آبرسانی؛ مدیریت پسماند، فاضلاب و فعالیت های تصفیه

درصد سهم	واردات از منشأ صنعت ساخت: بخش ت- آبرسانی؛ مدیریت پسماند، فاضلاب و فعالیت های تصفیه (۳۶-۳۹)			
	ارزش دلاری	ویژگی و دوام	فرآوری	نوع مصرف
۰۰.	۱۷۵	بی دوام	اولیه خام	مصرفی
۰۰.	۱۷۵	جمع مصرفی		
۰۰.	۱.۳۷۹.۶۲۳		اولیه خام	واسطه ای
۰۰.	۱۷۵	عمومی	فرآوری شده	
۰۱.	۲.۹۲۸.۰۸۸	خاص		
۰۱.	۲.۹۲۸.۲۶۳	جمع فرآوری شده		
۰۱.	۴.۳۰۷.۸۸۶	جمع ارزش واسطه ای		
۰۱.	۴.۳۰۸.۰۶۱	مجموع کل		

جدول ۱۵: واردات از منشأ صنعت ساخت: بخش د- اطلاعات و ارتباطات

درصد سهم	واردات از منشأ صنعت ساخت: بخش د- اطلاعات و ارتباطات (۶۳-۵۸)			
	ارزش دلاری	ویژگی و دوام	فرآوری	نوع مصرف
۰۰.	۱.۸۷۲.۶۲۹	بادوام	فرآوری شده	مصرفی
۰۰.	۸۴۶.۲۹۱	بی دوام		
۰۱.	۲.۷۱۸.۹۲۰	جمع فرآوری شده		
۰۱.	۲.۷۱۸.۹۲۰	جمع مصرفی		
۰۰.	۶۸۹.۷۳۲	عمومی	فرآوری شده	سرمایه ای
۰۰.	۶۸۹.۷۳۲	جمع ارزش سرمایه ای		
۰۰.	۴۷۳.۰۲۷		اولیه خام	واسطه ای
۰۰.	۱۱.۱۸۸	عمومی	فرآوری شده	
۰۰.	۲۲۷.۱۰۰	خاص		
۰۰.	۲۳۸.۲۸۸	جمع فرآوری شده		
۰۰.	۷۱۱.۳۱۵	جمع ارزش واسطه ای		
۰۱.	۴.۱۱۹.۹۶۷	مجموع کل		

جدول ۱۶: واردات از منشأ صنعت ساخت: سایر اطلاعات

درصد سهم	واردات از منشأ صنعت ساخت: سایر اطلاعات			
	ارزش دلاری	ویژگی و دوام	فرآوری	نوع مصرف
.۰۱	۴,۱۸۲,۵۲۱		فرآوری شده	واسطه‌ای
.۰۱	۴,۱۸۲,۵۲۱	جمع ارزش واسطه‌ای		
۱,۷۷	۷۸۰,۱۹۸,۵۱۴	سایر		
۱,۷۸	۷۸۴,۳۸۱,۰۳۵	مجموع کل		

جدول ۱۷: واردات از منشأ صنعت ساخت: بخش ب- استخراج معدن

درصد سهم	واردات از منشأ صنعت ساخت: بخش ب- استخراج معدن (۰۵-۰۹)			
	ارزش دلاری	ویژگی و دوام	فرآوری	نوع مصرف
.۶۶	۲۹۰,۶۳۳,۹۹۱		اولیه خام	واسطه‌ای
.۶۶	۲۹۰,۶۳۳,۹۹۱	جمع ارزش واسطه‌ای		
.۱۶	۷۱,۱۹۲,۱۲۰	بی‌دوام	اولیه خام	مصرفی
.۱۶	۷۱,۱۹۲,۱۲۰	جمع ارزش مصرفی		
.۸۲	۳۶۱,۸۲۶,۱۱۱	مجموع کل		

جدول ۱۸: واردات از منشأ صنعت ساخت: بخش ض- هنر، سرگرمی و تفریح

درصد سهم	واردات از منشأ صنعت ساخت: بخش ض- هنر، سرگرمی و تفریح (۹۰-۹۳)			
	ارزش دلاری	ویژگی و دوام	فرآوری	نوع مصرف
.۰۰	۲,۶۸۸	بادوام	فرآوری شده	مصرفی
.۰۰	۲,۶۸۸	جمع ارزش مصرفی		
.۰۰	۲,۶۸۸	مجموع کل		

جدول ۱۹: واردات از منشأ صنعت ساخت: بخش ز- فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی

درصد سهم	واردات از منشأ صنعت ساخت: بخش ز- فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی (۶۹-۷۵)			
	ارزش دلاری	ویژگی و دوام	فرآوری	نوع مصرف
.۰۰	۶۴۵		فرآوری شده	واسطه‌ای
.۰۰	۶۴۵	جمع ارزش واسطه‌ای		
.۰۰	۶۴۵	مجموع کل		

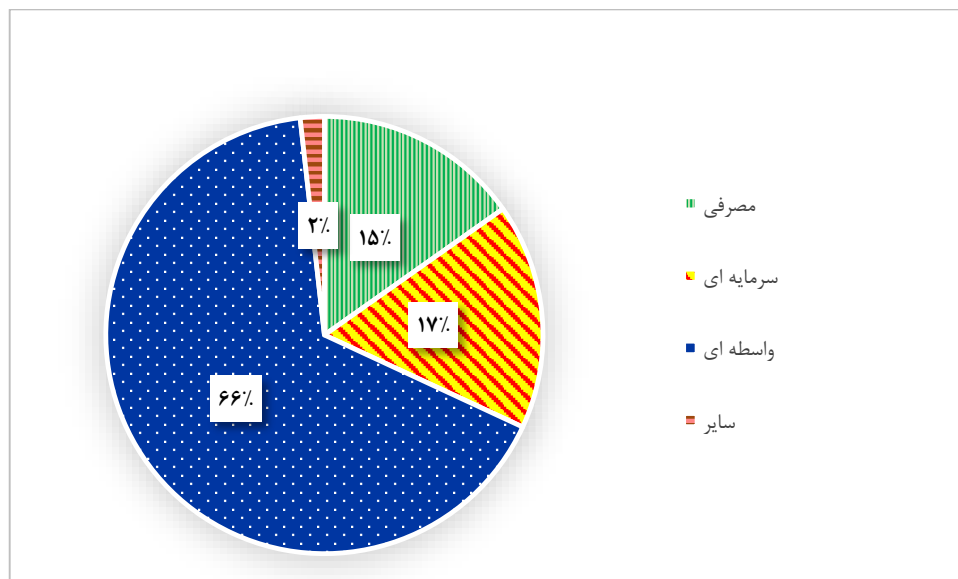
جدول ۲۰: واردات از منشأ صنعت ساخت: بخش ط- سایر فعالیت‌های خدماتی

درصد سهم	واردات از منشأ صنعت ساخت: بخش ط- سایر فعالیت‌های خدماتی (۹۴-۹۶)			
	ارزش دلاری	ویژگی و دوام	فرآوری	نوع مصرف
.۰۰	۵۳۸		اولیه خام	واسطه‌ای
.۰۰	۵۳۸	جمع ارزش واسطه‌ای		
.۰۰	۵۳۸	مجموع کل		

### ترکیب واردات برحسب تقسیمات سه‌گانه در حساب‌های ملی

در حساب‌های ملی، واردات در محاسبه تولید ناخالص داخلی به‌صورت واسطه‌ای، مصرفی و سرمایه کاربرد زیادی دارد. کالاهای مصرفی نقش مستقیم در تولید ناخالص داخلی ندارند، اما کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای در تولید نقش مهمی ایفا می‌کنند. کالاهای واسطه در تولید سایر کالاهای مصرفی و یا سرمایه‌ای کاربرد دارد، در حالی که کالاهای سرمایه برای تولید کالاهای دیگر مورد استفاده قرار می‌گیرد که نسبت به دو گروه دیگر از طول عمر بیشتری برخوردار است.<sup>۱</sup>

ترکیب واردات سال ۱۳۹۸ نشان می‌دهد که واردات واسطه‌ای بیش از ۶۶ درصد کل واردات را تشکیل می‌دهد که سهم واردات فرآوری شده آن بالغ بر ۸۰ درصد است. این بدان معنا است که بخش اعظم زنجیره ارزش تولید در رشته فعالیت‌های مرتبط با اقلام وارداتی در خارج از کشور قرار دارد.



شکل ۷: واردات ۱۳۹۸ برحسب گروه‌های سه‌گانه حساب‌های ملی

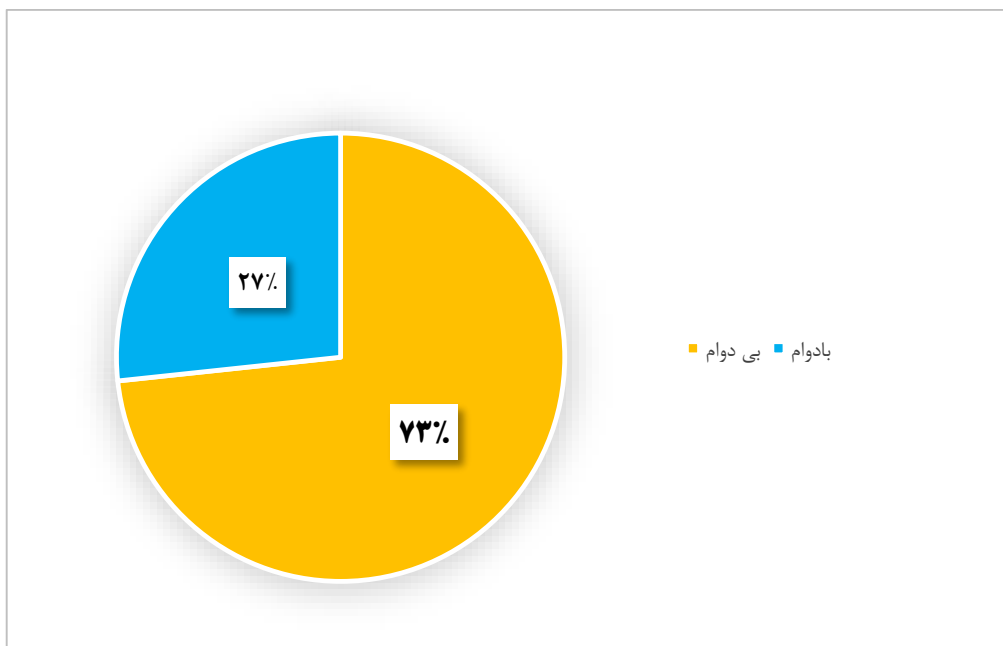
۱. برای مشاهده جدول حساب‌ها به بخش پیوست گزارش مراجعه نمایید.

واردات کالاهای سرمایه‌ای نیز سهم معادل ۱۷ درصد کل واردات را دارد که معرف تشکیل سرمایه ثابت در اقتصاد کشور است که در تولید سایر کالاهای مورد نیاز کشور نقش کلیدی ایفا می‌کنند. واردات مصرفی نیز با سهم برابر با ۱۵ درصد در کل واردات در مرتبه سوم قرار دارد. بررسی اقلام تشکیل‌دهنده گروه کالاهای مصرفی نشان می‌دهد که بخش مهم آن به‌صورت خام بی‌دوام و فراوری شده بادوام را تشکیل می‌دهد.

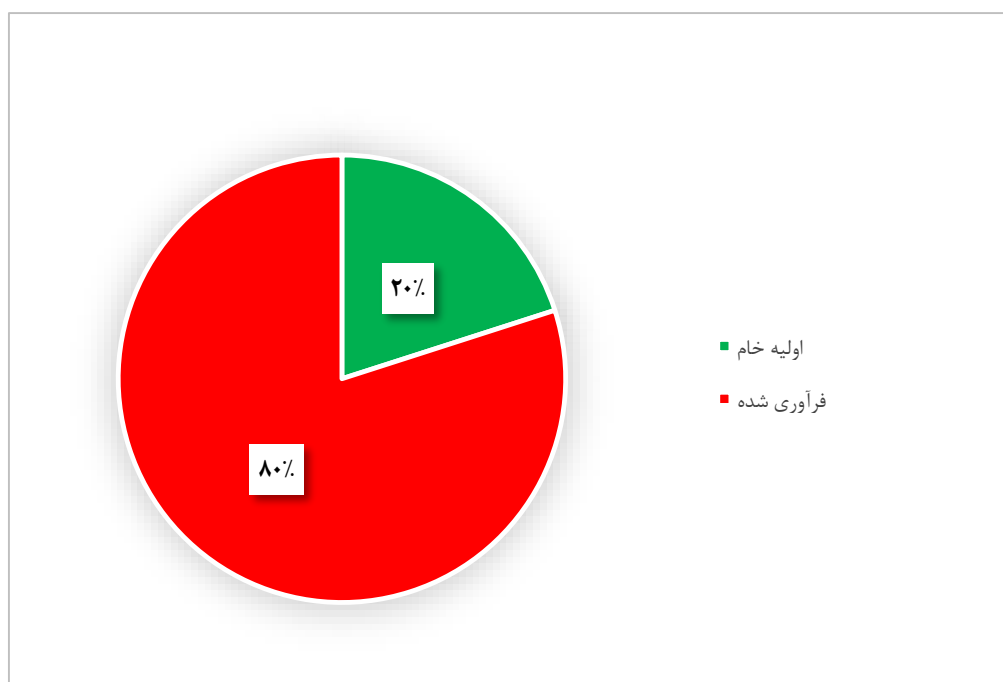
جدول ۲۰: ارزش واردات برحسب نوع مصرف

درصد سهم	ارزش واردات برحسب نوع مصرف			نوع مصرف
	ارزش دلاری	ویژگی و دوام	فراوری	
۱۰,۹۴	۴,۸۱۱,۰۱۳,۴۰۴	بی‌دوام	اولیه خام	مصرفی
۴,۰۵	۱,۷۸۰,۹۵۰,۱۲۷	بادوام	فراوری شده	
.۱۹	۸۱,۸۰۸,۴۱۸	بی‌دوام		
.۰۴	۱۷,۱۸۵,۰۶۶	بدون مشخصات		
۴,۲۷	۱,۸۷۹,۹۴۳,۶۱۱	جمع فراوری شده		جمع مصرفی
۱۵,۲۱	۶,۶۹۰,۹۵۷,۰۱۵			
.۰۰	۶۸۹,۷۳۲	عمومی	فراوری شده	سرمایه‌ای
۸,۲۴	۳,۶۲۳,۷۴۰,۴۷۶	عمومی		
۶,۹۸	۳,۰۶۷,۵۸۲,۶۶۵	خاص		
۱,۴۸	۶۵۱,۷۴۸,۵۰۰	بدون مشخصات		
۱۶,۷۰	۷,۳۴۳,۷۶۱,۳۷۳	جمع ارزش سرمایه‌ای		
۱۳,۳۰	۵,۸۴۷,۲۸۱,۷۲۱		اولیه خام	واسطه‌ای
.۰۱	۲,۳۹۵,۳۳۲	بادوام	فراوری شده	
۱,۴۵	۶۳۸,۴۱۹,۸۴۳	بی‌دوام		
۲۳,۹۰	۱۰,۵۱۰,۱۲۰,۳۷۱	عمومی		
۲۶,۶۳	۱۱,۷۱۲,۶۱۳,۹۳۷	خاص		
۱,۰۳	۴۵۲,۷۰۸,۲۱۱	بدون مشخصات		
۵۳,۰۲	۲۳,۳۱۶,۲۵۷,۶۹۴	جمع فراوری شده		جمع ارزش واسطه‌ای
۶۶,۳۱	۲۹,۱۶۳,۵۳۹,۴۱۵			
۱,۷۷	۷۸۰,۱۹۸,۵۱۴	سایر		
۱,۷۷	۷۸۰,۱۹۸,۵۱۴	سایر		
۱۰۰,۰۰	۴۳,۹۷۸,۴۵۶,۳۱۷	جمع کل		

نمودارهای ترکیب واردات مصرفی و واسطه‌ای



شکل ۸: ترکیب واردات مصرفی (برحسب دوام)



شکل ۹: ترکیب واردات واسطه‌ای

## اهم یافته‌های پژوهش

هدف از انجام این پژوهش، شناسایی حلقه‌های مفقوده در ساختار تولید کشور در سطح کدهای چهاررقمی آیسیک از طریق شناسایی منشأ ساخت اقلام واردات کشور بوده است. این شناسایی بر اساس رهنمودهای سازمان ملل در قالب طبقه‌بندی‌های استاندارد بین‌الملل صورت گرفته است.

اقلام واردات سال ۱۳۹۸ دریافتی از گمرک جمهوری اسلامی ایران در قالب این طبقه‌بندی قرار گرفته و خروجی آن به صورت جداول تفصیلی در بخش ضمیمه این گزارش ارائه شده است.

از ۱۷۰ رشته فعالیت تولیدی در سطح کد چهاررقمی آیسیک، مطابق طبقه‌بندی استاندارد بین‌المللی، ۱۲۵ رشته در ذیل یکی از گروه‌های ۲۱ گانه بخش‌های اقتصادی به اسم بخش پ-تولید صنعتی (ساخت) قرار می‌گیرد. شناسایی اقلام واردات نشان داده است که بیشترین اقلام وارداتی در شمول صنعت ساخت رشته فعالیت‌های تولیدی این بخش قرار گرفته‌اند.

بیش از ۸۲ درصد واردات کشور در این سال از منشأ رشته فعالیت‌های بخش تولید صنعتی است که بیش از ۶۴ درصد آن را واردات واسطه‌ای فراوری شده تشکیل می‌دهد. معنایش این است که قسمت اعظم ارزش افزوده در زنجیره ارزش تولید این اقلام در کشورهای صادرکننده ایجاد شده است و تنها عملیات ترکیب یا اتصال این اقلام برای تولید محصول نهایی در کشور انجام می‌گیرد که ارزش افزوده اندکی را ایجاد می‌کند.

حدود ۱۴,۴ درصد از واردات کشور در این سال از منشأ ساخت بخش الف- کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری است که بیش از ۷۰ درصد آن از منشأ ساخت یک رشته از ۲۵ رشته فعالیت‌های تولیدی این بخش به اسم کاشت غلات (به جز برنج)، محصولات حبوبات و دانه‌های روغنی (ISIC= 0111) است. این اقلام با ماهیت واسطه‌ای وارد چرخه نهایی صنایع فراوری تولید شده است.

در مجموع بالغ بر ۹۶ درصد واردات کشور از منشأ رشته فعالیت‌های بخش تولید صنعتی (بخش پ) و بخش کشاورزی، جنگلداری و ماهیگیری (بخش الف) است.

از نظر مفاهیم حساب‌های ملی، از کل واردات کشور در این سال مبلغ ۶,۴ میلیارد دلار (۱۵,۲ درصد کل واردات) دارای ماهیت مصرف نهایی بودند. ارزش واردات سرمایه‌ای در این سال بالغ بر ۷,۳ میلیارد دلار (۱۶,۷ درصد کل واردات) بوده است.

ارزش واردات واسطه‌ای در این سال بالغ بر ۲۹,۱ میلیارد دلار (۶۶,۳ درصد کل واردات) بوده است که ۷۹ درصد آن به صورت فراوری شده بوده است. حدود ۱,۷ درصد مربوط به سایر موارد نامشخص بوده است.

## جمع‌بندی نهایی

### نگرش توسعه صنعتی در کشور

اساسی‌ترین ایراد بر نگرش توسعه صنعتی مبتنی بر واردات و فراوری آنها در مراحل پایانی محصول نهایی این است که کارکرد کل اقتصاد را به واردات وابسته می‌کند و بر شکنندگی اقتصاد می‌افزاید. تا زمانی که زنجیره معیوب تولید کشور بر محور واردات واسطه‌ای فراوری شده - راه‌اندازی خطوط مونتاژ تولید و تولید محصول نهایی برای مصرف در داخل - ادامه داشته باشد، دستیابی به استقلال اقتصادی هدف نشدنی و غیر قابل حصول خواهد بود. این حجم از واردات که به صورت محصولات واسطه‌ای فراوری شده وارد رشته فعالیت‌های تولید کشور می‌شود، مبین این واقعیت است که زنجیره ارزش تولید این نوع محصولات در کشور کامل نیست و عزم جدی برای احیای آنها نیز تاکنون وجود نداشته است.

### جایگزینی واردات

کشورهایی که به درجه‌ای از استقلال و توسعه پایدار صنعتی دست یافته‌اند، سیاست صادراتی خود را بر پایه سیاست جایگزینی واردات استوار کرده‌اند. اهمیت سیاست جایگزینی واردات این است که ابتدا از کلیه امکانات بالقوه کشور جهت رونق تولید استفاده کرده و با تکیه به بازار داخلی، تولیدات کشاورزی و صنعتی خود را توسعه داده و به تدریج وارد بازار صادراتی می‌شوند. اتکا به واردات واسطه‌ای و فراوری حلقه‌های پایانی آن برای تولید محصول نهایی روشی است که تاکنون در کشور دنبال شده است. متأسفانه این رشته فعالیت‌های تولیدی در اهداف صادراتی توفیقی نداشته‌اند و علاوه بر آن نسبت به تحولات بیرونی از نوع تحریم و سایر تکانه‌ها آسیب‌پذیر شده‌اند.

### آفت خام‌فروشی و واردات فرآوری شده

از آنجاکه سیاست دولت در بخش صادرات ایجاد محدودیت در خام‌فروشی محصولات به خارج است (زیرا با فراوری آنها می‌توان ارزش افزوده زنجیره تولید را در کشور حفظ کرد)، در بخش واردات هم باید ضمن توجه به زمینه‌های تولید اقلام راهبردی، سیاست خام‌خریدی در برخی از اقلام راهبردی دنبال شود تا عملیات فراوری آنها (حلقه‌های مفقوده) به جهت تولید ارزش افزوده، ایجاد اشتغال پایدار، افزایش تاب‌آوری اقتصاد و توسعه پایدار در کشور توسعه یابد.

### شناسایی حلقه‌های مفقوده در زنجیره ارزش

زنجیره ارزش مفقوده تولید را باید در رشته فعالیت‌هایی جستجو کرد که اقلام وارداتی کشور با منشأ ساخت این رشته فعالیت‌های تولیدی و با ماهیت واسطه‌ای فراوری شده وارد کشور می‌شود. از این‌رو باید سیاست توسعه صنعتی کشور را در راستای اهداف اقتصاد مقاومتی و تاب‌آوری اقتصادی بیش از پیش مورد بازنگری



قرار داد؛ بنابراین بایسته است که در برنامه‌های توسعه پنج‌ساله کشور راهکاری اجرایی مشخص رونق و جهش تولید با اعتنا به یافته این گزارش تدوین شود.

#### انتخاب در رونق و جهش تولید

اجرای موفق سیاست‌های جدید اعلام شده در خصوص رونق و جهش تولید در گروه انتخاب صحیح رشته فعالیت‌های تولیدی است که نقش مهمی در کاهش آسیب‌پذیری و تاب‌آوری اقتصاد کشور همراه با کاهش ارزیابی دارند. این مهم میسر نخواهد شد مگر با انجام یک بررسی عملی و کارشناسی از نقاط ضعف و قوت زنجیره ارزش در بخش تولیدات کشور.

#### نکته آخر: تحریم فرصتی برای تحکیم

اگر فرض را بر این بگذاریم که می‌توان از تهدیدها فرصت ساخت، شرایط تحریمی که در چند سال اخیر شدت بیشتری به خود گرفته، بهترین فرصت را نیز در عین حال در اختیار ما قرار داده است تا تحولات ساختاری در بنیان‌های تولیدی کشور را بیش از پیش مورد توجه قرار دهیم. مطالعه پژوهشی حاضر یک گام اولیه در جهت شناسایی نقاط ضعف و قوت ساختار تولید کشور برداشته است و ۱۷۰ رشته فعالیت تولیدی را در سطح کدهای چهاررقمی از نظر منشأ بودن برای جایگزینی بسیاری از اقلام واردات مورد بررسی قرار داده است؛ به عبارت دیگر، رشته فعالیت‌های تولیدی مهم از نظر تکمیل نبودن زنجیره ارزش تولیدشان شناسایی شده‌اند. شایسته است یافته‌های این گزارش در اختیار سازمان برنامه و بودجه، وزارت صمت و وزارت کشاورزی و سایر دستگاه‌ها یا وزارتخانه‌های در امر تولید مأموریت دارند، قرار گیرد و اولویت‌های تولیدی خود را بر اساس یافته‌های این گزارش مورد بررسی قرار دهند.

#### توصیه‌های سیاستی برای ساماندهی ساختار تولید صنعتی در راستای اهداف رونق تولید

- سه گزینه برای تحول ساختار تولید صنعتی را می‌توان متصور بود: (۱) حفظ ساختار تولید موجود (نامطلوب)؛ (۲) تقویت و تحکیم زنجیره ارزش تولید (مطلوب)؛ (۳) حفظ ساختار تولید موجود اما با تعیین تکلیف صادراتی در رشته فعالیت‌هایی که بیشترین واردات از منشأ ساخت آن‌ها است (مطلوب).
- تهیه یک فهرست فرهنگی برای هر یک از رشته فعالیت‌های تولیدی به تفکیک کدهای آیسیک توسط دستگاه‌های ذی‌ربط در امر تولید.
- امکان‌سنجی تکمیل حلقه‌های مفقوده (رونق و جهش تولید) در رشته فعالیت‌ها و تعمیق سیاست جایگزینی واردات بر اساس یافته‌ها و نتایج این گزارش.
- تعیین اهداف خوداتکایی ارزی برای رشته فعالیت‌های تولیدی وابسته به واردات در قالب برنامه‌های پنج ساله توسعه.

### پیشنهاد طرح‌های مطالعاتی آتی مرتبط

- بررسی عملکرد تجاری بخش‌های تولید کالایی کشور (به تفکیک کدهای آیسیک) با تأکید بر تراز تجاری و خوداتکایی ارزی.

بررسی و اندازه‌گیری عملکرد سیاست جایگزینی واردات کشور (به تفکیک کدهای آیسیک) طی دوره‌های برنامه پنج‌ساله توسعه کشور.

### منابع

دپارتمان امور اقتصادی و اجتماعی بخش آمار (۱۳۹۶). طبقه‌بندی برحسب رده‌های عمده اقتصادی، ویرایش پنجم، نشریه

مرکز آمار ایران، شماره ۵۳، تهران: دفتر ریاست، روابط عمومی و همکاری‌های بین‌الملل.

طبقه‌بندی استاندارد بین‌المللی تمامی رشته فعالیت‌های اقتصادی (ISIC)، بازنگری چهارم، نشریه مرکز آمار ایران.

داده‌های بخش آمار دپارتمان امور اقتصادی و اجتماعی سازمان ملل قابل دسترس در:

<https://unstats.un.org/unsd/classifications/Econ>

United Nations. Statistical Division, & United Nations. Statistical Office. (2006). *Standard International Trade Classification Revision 4* (No.34). United Nations Publications.

## آمایش سرزمین؛ رویکردی در تحقق جهش تولید در ایران

الهام امیر حاجیلو

دکترای جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری و پژوهشگر حوزه برنامه‌ریزی شهری - منطقه‌ای



### مقدمه

یکی از اهداف اصلی آمایش سرزمین و برنامه‌های کلان توسعه در کشور، تأکید بر گسترش فعالیت‌های صنعتی در فضای جغرافیایی و تخصص‌یابی منطقه‌ای برای شکل‌گیری تقسیم‌کار فضایی است. به‌رغم توجه به این موضوع در برنامه‌های توسعه قبل و بعد از انقلاب، در عمل اهداف آمایش سرزمین تحقق نیافته است و تمرکز فعالیت‌های صنعتی در چند نقطه خاص کشور (ختایی و همکاران، ۱۳۷۹: ۳-۴) و توزیع نامتوازن آن‌ها در پهنه سرزمین به یکی از مهم‌ترین مسائل، فراروی سیاست‌گذاران کشور تبدیل شده است (پوراصغر، ۱۳۸۷: ۴). در همین راستا، حمایت از تولید و سرمایه‌گذاری همواره یکی از سیاست‌های اعلام‌شده ۴۰ سال اخیر در کشور بوده و صدها حکم و قانون، صرفاً باهدف حمایت از تولید در ایران به تصویب رسیده است. پرداخت انواع تسهیلات ریالی و ارزی، اعطای انواع یارانه، ارائه زمین و انرژی ارزان، خریدهای اجباری بخش خصوصی و دولتی از تولیدات داخلی و وضع تعرفه‌های وارداتی از آن جمله‌اند. با وجود همه حمایت‌ها و تسهیلات اما طی دهه‌های اخیر، سهم سرمایه‌گذاری از تولید ناخالص داخلی ایران هم شاهد نوسانات شدیدی بوده و هم کیفیت لازم برای تحقق نرخ‌های رشد بالا (هدف برنامه‌های توسعه) را نداشته است. به نظر می‌رسد در حمایت از تولید و ایجاد جهش در آن، نقایص سیاستی وجود دارد که موجب می‌شود نه رشد اقتصادی و نه اشتغال بالا، محقق

شوند. بسیاری از محصولات صنعتی و تولیدی ایران، امکان رقابت در بازارهای جهانی ندارند (سند برنامه راهبردی وزارت، ۱۳۹۵).

آنچه در بخش صنعت، معدن و تجارت از اهمیت فراوانی برخوردار است، بررسی و مطالعه آمایش سرزمین در قالب آمایش صنعتی، معدنی و تجاری است. بدین معنا که نحوه توزیع و پراکنش فعالیت‌های صنعتی، معدنی و تجاری در کل کشور باید بر اساس توانمندی‌ها و مزیت‌های مناطق و استان‌های کشور، ویژگی‌های محصولات و همچنین عوامل زیست‌محیطی باشد تا با در نظر گرفتن تمامی عوامل فوق به جانمایی مناسب صنایع و فعالیت‌های معدنی و تجاری پرداخته شود و در نهایت هر صنعت متناسب با ویژگی‌های محصولات خود در مناطق و استان‌های دارای مزیت استقرار یابد.

تحقق عدالت اجتماعی، منوط به از بین بردن عدم تعادل‌های فضایی از رهگذر آمایش سرزمین است؛ به عبارت دیگر تا موقعی که عدم تعادل‌ها در فضا و سرزمین وجود داشته باشد نمی‌توان صرفاً با برنامه‌های اقتصادی-اجتماعی به احیای عدم تعادل اجتماعی رسید (سرور، ۱۳۸۶: ۸۴). دیدگاه‌های آمایش سرزمین کارکرد کانون‌های جمعیتی را در قلمروهای متفاوتی از فعالیت‌ها می‌بیند و نقش و عملکرد واقعی یک منطقه را در شرایط متعادل بهره‌گیری و خدمات‌رسانی، نمایان می‌سازد.

در این گزارش هدف پرداختن به این موضوع است که چگونه آمایش سرزمین می‌تواند به تحقق جهش تولید کمک کند و مناسبات بین این دو چیست؟ همچنین وضعیت تعادل و عدم تعادل و قابلیت‌ها و مزیت‌های نسبی مناطق کشور و سیاست‌ها و راهبردهای آمایش صنعتی و جهش تولید از منظر آمایش سرزمین بررسی شده است. به این منظور، پس از پرداختن به مفاهیم و رویکردهای مرتبط در ادامه به ابعاد و الزامات و مؤلفه‌ها و موانع جهش تولید از منظر آمایشی توجه شده و پس از آن ارزیابی اسناد فرادست و سپس بررسی ویژگی‌های کمی و کیفی منابع انسانی و طبیعی، استعدادها و قابلیت‌ها و مزیت نسبی مناطق بر جهش تولید در کشور پرداخته شده است. در پایان استراتژی‌ها و راهکارها به منظور برنامه‌ریزی بهتر این فرایند معرفی شده‌اند، به گونه‌ای که این مناطق بتوانند با توجه به پتانسیل‌هایی که دارند در داخل کشور به خوبی ایفای نقش کرده و از حداکثر ظرفیت‌ها جهت توسعه بیشتر منطقه و تقویت و ظرفیت‌سازی در امر تولید استفاده کنند.

## ۱- کلیات

### بیان مسئله

در سال‌های اخیر، تغییرات زیادی در ساختار فضایی تولید رخ داده است، به طوری که سرعت این تغییرات افزایش یافته و شکل جدیدی به خود گرفته است. تغییر در جغرافیای تولید و توزیع فضایی نامتعادل منابع و عوامل اقتصادی، استعدادها و قابلیت‌های متفاوتی را برای مناطق مختلف به همراه داشته است (Falcioğlu & Akgungor, 2008: 74). یکی از دوگانگی‌های مهم در تعیین اهداف اصلی سیاست‌های توسعه فضایی کشور، ایجاد توازن بین رشد اقتصادی زیاد و جلوگیری از تراکم بیش از حد فعالیت در قطب‌های صنعتی بوده است. سیاست‌های تمرکززدایی و رسیدن به تعادل فضایی و تخصصی شدن در مناطق کشور، با موفقیت همراه نبوده است (داداش‌پور و فتح جلالی، ۱۳۹۲: ۲). بر این اساس، چنانچه مناطق اجزای یک سیستم باشند؛ عملکرد کل سیستم مشروط و منوط به عملکرد اجزا و تأثیر آن‌ها بر کل سیستم اقتصاد است. این بیان به آن معناست که باوجود عدم تعادل منطقه‌ای (تمرکز منطقه‌ای) نمی‌توان انتظار رشد اقتصادی در سطح کلان را داشت. ضمن آن که رشد یک منطقه، مشروط به رشد دیگر مناطق خواهد بود و بالاخره نمی‌توان با تفکیک یک یا چند منطقه در اقتصاد و تمرکز بر آن‌ها و تقویت آن‌ها، انتظار رشد را داشت (عظیمی، ۱۳۹۳: ۱۵).

غیرعلمی بودن پراکندگی واحدهای تولیدی، مکان‌یابی‌های غیراقتصادی و غیرمتناسب در سراسر کشور و عدم تکمیل زنجیره‌های تولید ارزش نظام‌مند مرتبط با فعالیت‌های مادر و اصلی مناطق مختلف و خام‌فروشی گسترده بسیاری از محصولات اقتصاد کشور گویای این واقعیت است که اقتصاد ایران در استقرار واحدهای تولیدی از این مهم غافل مانده است. این رویکردها در نهایت هزینه تولید ملی را (علی‌رغم همه مزیت‌ها و برتری‌های طبیعی و خدادادی مانند انرژی ارزان، نیروی انسانی ماهر و اقلیم متنوع) بالا برده و رقابت‌پذیری محصولات ایرانی را حتی در بازارهای داخلی نسبت به رقبای واردات به کشور را از بین می‌برد. پیامد تداوم این مسئله در اقتصاد ایران در قالب تخصیص غیربهبینه امکانات و زایل کردن منابع سرمایه‌گذاران، افزایش قیمت تمام‌شده محصولات، تخریب محیط‌زیست و ده‌ها مشکل دیگر بروز می‌کند. عدم توجه به مزیت‌های مطلق و نسبی مناطق مختلف کشور در ارائه مجوزهای احداث طرح‌های تولیدی متناسب با استعدادها و منطقه‌ای، صرفاً به واحدها و بنگاه‌های تولیدی دولتی و شبه‌دولتی مربوط نبوده و در بسیاری از موارد بخش خصوصی را نیز گرفتار کرده و از چالش‌های اساسی جهش تولید در اقتصاد ایران است. از سوی دیگر، نبود نهاد یا نهادهای قوی برای ارائه سند جامع و مستدل مبتنی بر سند ملی آمایش سرزمین، برای توزیع فضایی و تعیین محل استقرار واحدهای تولیدی مربوط به صنایع مختلف (سرمایه‌گذاری‌های مختلف در رشته فعالیت‌های متنوع) در

مناطق گوناگون کشور، مسئله دیگر است. به عبارت دیگر، یکی از چالش‌های تولید اقتصادی پایدار در کشور، اشکالات مربوط به موضوع مکان‌یابی استقرار واحدهای تولیدی از منظر مسائل مربوط به آمایش سرمایه‌گذاری و بررسی تناسب مزیت‌های نسبی و مطلق منطقه استقرار واحدهای تولیدی با الزامات و نیازمندی‌های تولید در آن مناطق است.

در این گزارش پس از بررسی نظری موضوع و مفاهیم کلیدی پژوهش؛ یعنی «آمایش سرزمین» و «جهش تولید»، جایگاه آمایش سرزمین و مزیت‌سنجی در الگوهای برنامه‌ریزی منطقه‌ای و جهش تولید در جغرافیای ایران مورد بحث قرار گرفته و اهمیت آمایش سرزمین و شناسایی مزیت‌های جغرافیایی در این زمینه بررسی شده است.

پژوهش حاضر در پاسخ به این سؤال کلی انجام شد: «ارتباط میان آمایش سرزمین و جهش تولید چگونه است؟» پاسخ به این پرسش، علاوه بر جهت‌دهی رویکرد کلی سیاست‌های توسعه منطقه‌ای در کشور، می‌تواند به تحلیل و تبیین نقش آمایش سرزمین در جهش تولید در راستای ارائه مدلی راهبردی برای تقویت زیرساخت‌های مولد و توسعه فعالیت‌های اقتصادی در کشور کمک کند.

### روش تحقیق

روش مطالعه در نوشتار حاضر، توصیفی-تحلیلی و روش اسنادی است؛ بدین معنا که از منابع مکتوب شامل کتاب‌ها، مقالات و اسناد توسعه و مدارک معتبری که درباره موضوع تحقیق انتشار یافته در حد امکان استفاده شده است. اسناد با استفاده از روش تحلیل موضوعی بررسی و تحلیل شده‌اند.

به لحاظ روش‌شناسی، در نوشتار حاضر می‌توان چهار سطح را در مطالعه اسناد به کار گرفت:

- شناسایی رویکرد و مبانی نظری موضوع؛
  - ارزیابی اسناد فرادست و برنامه‌های توسعه از منظر آمایش سرزمین و حمایت از تولید؛
  - بررسی چالش‌ها و موانع پیش روی تحقق جهش تولید از دیدگاه آمایش سرزمین؛
  - بررسی وضعیت موجود ویژگی‌ها و قابلیت‌های نسبی مناطق کشور.
- در برخی بخش‌های گزارش از تحلیل ثانویه بهره گرفته شده است. در واقع یکی از روش‌های گردآوری اطلاعات، بهره‌گیری از داده‌هایی است که از سوی دیگران برای هدف‌های متفاوت تولید می‌شود. بدین معنا که با استفاده از داده‌های موجود به تحلیل ثانویه مفاهیم و شاخص‌ها می‌پردازد و یافته‌های تحقیقات معدودی که به نحوی با موضوع گزارش در چارچوب اهداف مورد نظر این نوشتار ارتباط داشتند، مورد استفاده قرار گرفته است. از آنجاکه داده‌ها به صورت خام در دسترس نیستند، شیوه تحلیل بر پایه یافته‌های توصیفی است. به این منظور از اسناد فرادست، سند چشم‌انداز و برنامه‌های توسعه پنج‌ساله جمهوری اسلامی بهره گرفته شده است. در

بخش بعدی به منظور شناسایی مزیت نسبی در مناطق و استان‌های کشور از یافته‌ها و داده‌های پژوهش تحقیقات مرتبط که با هدف‌های متفاوتی با مطالعه حاضر بوده، استفاده شده است.

داده‌های مورد نیاز این مطالعه از منابع مختلف گردآوری شد. آمار مورد نیاز از مرکز آمار ایران، آمار بانک مرکزی و ... اخذ گردید.

برنامه‌های توسعه بعد از انقلاب تاکنون به این دلیل انتخاب شدند تا بتوان بر اساس آن‌ها، تأثیر سیاست‌های گذشته دولت را در بخش‌های اقتصادی (کشاورزی، صنعت، خدمات) و حمایت از تولید و آمایش سرزمین در اسناد فرادست و برنامه‌های توسعه ارزیابی کرد.

در این پژوهش ضمن بررسی نظری و کاربردی نظریه‌های آمایش سرزمین، مزیت نسبی و جهش تولید و ارائه چارچوب نظری جامع به بررسی و تحلیل جهش تولید از نقطه نظر محتوای نظریه‌های آمایش سرزمین در خصوص اقتصاد و جغرافیای ایران پرداخته شده است.

#### مطالعات تجربی

پژوهش‌های متعدد داخلی و خارجی به مقوله آمایش سرزمین و رشد تولید پرداخته‌اند، ولی به روابط و مناسبات این دو مؤلفه در قالب یک پژوهش خاص، کمتر توجه شده است. در ادامه به ادبیات مرتبط با جنبه‌های مختلف این موضوع پرداخته شده است.

#### توسعه نامتوازن فضایی

پژوهش‌های متعدد داخلی به مقوله توسعه نامتوازن فضایی اشاره داشته و بیان کرده‌اند که بین استان‌های مرزی و مرکزی، تفاوت معناداری در شاخص‌های توسعه وجود دارد (زیاری، ۱۳۹۰؛ شایان، ۱۳۸۴)؛ تا آنجا که مناطق مرکزی ایران، حدود سه برابر توسعه یافته‌تر از مناطق مرزی هستند (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۹۲). بر اساس پژوهش‌های پیشین، نوع ساختار سیاسی حاکم و ترویج دیدگاه سیاسی تمرکزگرا و پایتخت محور، زمینه قطبی شدن و توسعه نامتوازن فضایی را فراهم ساخته است (ویسی و مهمان‌دوست، ۱۳۹۱: ۲۰۴-۲۹۹). شایان ذکر است که نبود تعادل منطقه‌ای، ناشی از دو دسته از عوامل است: (۱) عوامل درون ناحیه‌ای که به شرایط جغرافیایی و طبیعی حاکم بر ناحیه اشاره دارد و (۲) عوامل برون ناحیه‌ای که ناشی از سیاست‌گذاری‌ها و نوع راهبرد انتخابی برای توسعه است (مؤمنی، ۱۳۷۷: ۳۶). بعضی از پژوهش‌ها در ایران نیز به نبود ارتباط مؤثر میان قوانین و سیاست‌گذاری‌ها با رویکرد آمایش و توسعه فضایی اشاره دارند و نبود قوانین مناسب (صالحی و پورفرزام، ۱۳۸۸: ۱۷۸-۱۷۲)، نبود تفکر منسجم و نهادینه برای مدیریت سرزمین در سطوح مدیریتی و نهاد قانونی حمایتگر و مشخص (لطیفی، ۱۳۸۸: ۱۴۵-۱۴۶) و نبود راهبرد مشخص در سازمان‌های متولی اجرای

سناریوهای پیشنهادی طرح‌های آمایش (سلطانی، ۱۳۹۲: ۱) را عمده‌ترین چالش‌های فراروی گسترش مقوله آمایش و توسعه فضایی دانسته‌اند.

مزیت نسبی و مزیت سنجی منطقه‌ای

جويا (۱۹۹۹) در پژوهشی با عنوان «بررسی عملکرد برنامه اول و تأثیر برنامه دوم توسعه بر ساختار صنعت و مزیت‌های نسبی صنعتی در منطقه استان یزد» با استفاده از شاخص ضریب مکانی به اندازه‌گیری درجه تخصص نسبی صنایع منطقه یزد در بخش‌های گوناگون پرداخته است. بر اساس تحقیقات وی، گروه صنایع خودروسازی و نیرومحركه در مقایسه با سایر صنایع استان در برنامه دوم نسبت به برنامه اول توسعه اقتصادی، از مزیت نسبی برخوردار بوده است.

در پژوهش دیگر که توسط بختیاری و همکاران (۱۳۸۱) با عنوان «تحلیلی از ساختار صنعت در استان اصفهان» انجام شده است، قابلیت‌ها و توانمندی‌های استان اصفهان در بخش صنعت به تفکیک کدهای چهاررقمی ISIC برای مقاطع زمانی ۱۹۹۴ و ۱۹۹۷ مورد بررسی قرار گرفته و برای این منظور از روش تلفیقی تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی استفاده شده است. نتایج به دست آمده از این بررسی نشان می‌دهد که ساختار صنعت استان اصفهان بسیار متنوع بوده و استان اصفهان در صنایع تولید محصولات اولیه، آهن و فولاد دارای مزیت مطلق بوده است. پس از آن صنایع ریسندگی منسوجات، تولید مواد شیمیایی اساسی، تولید محصولات کانی غیرفلزی و محصولات ساخته‌شده از شن، سیمان و سنگ و محصولات سرامیکی نسوز، تولید موتور و توربین، تولید نوشابه‌های غیرالکلی و گازدار و تولید فرش ماشینی و موکت از مزیت بالایی برخوردار است.

اثنی عشری و احسان فر (۱۳۸۳) مقاله‌ای با عنوان «بررسی تحلیلی ساختار صنعتی و مزیت نسبی صنایع استان مازندران» به تجزیه و تحلیل ساختار صنعتی و تعیین مزیت نسبی صنایع شانزده‌گانه استان مازندران، به وسیله شاخص‌هایی مانند شاخص تغییرات ساختاری و مزیت نسبی آشکار شده برای سال‌های ۱۹۹۸ تا ۲۰۰۰ پرداخته‌اند. نتایج به دست آمده از این پژوهش نشان می‌دهد که صنایع مواد غذایی و آشامیدنی، تولید چوب و محصولات چوبی، منسوجات، مبلمان و کاغذ و محصولات کاغذی دارای مزیت نسبی ارزش افزوده بالایی بوده‌اند.

در پژوهش هوشمند و آذری (۱۳۸۴) که با عنوان «تحلیلی از ساختار صنعت و تعیین اولویت‌های توسعه صنعتی استان کرمان» انجام شده است، اولویت‌های توسعه استان کرمان با استفاده از روش تلفیقی تاکسونومی عددی و تحلیل عاملی شناسایی شده است. در این پژوهش کلیه کارگاه‌های صنعتی ده نفر کارکن و بیشتر بر اساس کدهای چهاررقمی ISIC و بر اساس آمار مربوط به سال‌های ۱۹۹۴، ۱۹۹۹ و



۲۰۰۲ مورد بررسی قرار گرفته‌اند. بر اساس نتایج این پژوهش، صنایع تولید محصولات مسی، محصولات کانی غیرفلزی، تولید خودرو و صنایع تبدیلی مرتبط با پسته و خرما نسبت به سایر فعالیت‌های صنعتی استان دارای مزیت است. پس از این گروه از صنایع، مجموعه فعالیت‌های تولید قالی و قالیچه دستباف، صنایع تبدیلی سایر میوه‌ها به جز پسته و خرما و فرآورده‌های لبنی از مزیت نسبی برخوردار بوده‌اند.

سلیمی‌فر و شیرزور (۱۳۸۵) در پژوهشی با عنوان «تحلیل تغییرات ساختاری صنایع استان خراسان در دوره ۲۰۰۳-۱۹۹۵» به مقایسه تغییرات ساختاری صنایع استان خراسان در انتهای برنامه دوم و سوم توسعه اقتصادی با وضعیت آن‌ها در ابتدای برنامه دوم توسعه و نیز مقایسه آن با وضعیت صنایع در سطح کشور پرداخته است. به این منظور تعدادی از شاخص‌ها از جمله تغییرات سهم ارزش افزوده فعالیت‌های صنعتی به تفکیک کدهای دورقمی ISIC، شاخص‌های تغییرات ساختاری و مزیت نسبی آشکارشده در سه مقطع زمانی مورد بحث و استفاده قرار گرفته است. محاسبه شاخص مزیت نسبی آشکارشده برای صنایع مورد مطالعه در این تحقیق گویای این مطلب است که تنها در صنایع چوب و صنایع متفرقه، مقدار عددی شاخص مورد اشاره در بالا بیش از یک بوده است؛ بنابراین، تنها این صنعت دارای مزیت نسبی است.

همچنین، در پژوهشی دیگر با عنوان «بررسی مزیت نسبی ارزش افزوده‌های بخش‌های اقتصادی در منطقه خراسان بر اساس عملکرد برنامه سوم توسعه» جعفری صمیمی و نقوی (۱۳۸۷) به شناخت توانمندی‌ها و استعداد‌های منطقه خراسان پرداخته‌اند. در این پژوهش برای تعیین مزیت نسبی فعالیت‌های اقتصادی منطقه خراسان از لحاظ ارزش افزوده طی دوره ۲۰۰۲-۲۰۰۴ از شاخص مزیت نسبی آشکارشده شامل شاخص تکامل یافته بالاست و شاخص مزیت نسبی آشکارشده متقارن استفاده شده است. نتایج این بررسی نشان می‌دهد که طی دوره مورد بررسی از بین ۷۲ رشته فعالیت اقتصادی، فعالیت‌های مرتبط با خدمات گردشگری مانند هتل و خوابگاه و زیرساخت‌های حمل‌ونقل ریلی از مزیت بالایی برخوردار بوده‌اند. همچنین صنایعی مانند صنعت بازیافت، صنایع محصولات غذایی و ساخت ماشین‌آلات و دستگاه‌های برقی دارای مزیت نسبی هستند.

میرجلیلی (۱۳۸۹) در پژوهشی با عنوان «رتبه‌بندی و تعیین مزیت نسبی فعالیت‌های صنعتی استان یزد با استفاده از روش تلفیقی تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی» به بررسی مزیت نسبی صنایع تولیدی استان یزد طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۴ پرداخته‌اند. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که صنایع کانی غیرفلزی و تولید منسوجات طی سال‌های مذکور نسبت به دیگر صنایع از مزیت بیشتری برخوردار بوده‌اند. این دو صنعت طی سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۲ جزء صنایع غیرهمگن قرار گرفته‌اند که نمایانگر اختلاف زیاد این دو صنعت، با

دیگر بخش‌های صنعتی و مزیت بالای آن‌هاست. منصف و همکاران با بررسی ساختار صنعتی و مزیت نسبی صنایع تولیدی استان یزد (۲۰۰۷-۲۰۰۰) با استفاده از دو متغیر ارزش افزوده و اشتغال نشان دادند که این دو متغیر با هم همسویی کامل ندارند.

مطالعات و پژوهش‌ها در زمینه مزیت‌سنجی هم در عرصه بین‌المللی و هم در سطح ملی قدمتی دیرین دارد. در این راستا اقتصاددانان و جغرافی‌دانان نقش بسیار مهمی داشته‌اند (صباغ کرمانی، ۱۳۸۰: ۳۰). از جمله بزرگ‌ترین نظریه‌پردازان مزیت‌سنجی، آدام اسمیت است که اهمیت تقسیم کار در تجارت جهانی را مطرح کرد. ریکاردو نیز بر اساس نظریه ارزش کار معتقد است کشورها می‌توانند در زمینه خاصی مزیت نسبی به دست آورند و با دیگر کشورها در تولید آن رقابت کنند. از دیگر نظریه‌پردازان مزیت‌سنجی می‌توان از هاربلر، هکشر و اهلین نام برد (عبدالملکی، ۱۳۸۴)؛ اما به لحاظ نظری، مزیت‌سنجی و مکان‌یابی دو روی یک سکه هستند. انتخاب مکان مناسب برای احداث یک فعالیت اقتصادی خاص، به معنای تعیین مزیت مکان مورد نظر است (عبدالملکی، ۱۳۸۴). مارتینک و اورلاندو در مطالعه خود به این نتیجه رسیده‌اند که بالاتر بودن موجودی و شرایط دسترسی به انرژی در هر منطقه، نقش مهمی در جذب سرمایه‌گذاری‌های صنعتی خواهد داشت. آن‌ها نشان داده‌اند سرمایه‌گذاران بخش صنعتی در تعیین مکان تأسیس واحد تولیدی خود، به منابع انرژی از جمله زغال‌سنگ، گاز طبیعی و نفت توجه ویژه‌ای دارند (Martinek & Orlando, 2002). بس نیز در مطالعه‌ای به منظور طراحی یک مدل جهت تحلیل جانمایی صنایع، با استفاده از ابزار GIS به این نتیجه رسیده است که عواملی از جمله وضعیت نیروی کار، سطح دستمزدها و آموزش نیروی کار، تقاضای نهایی و تقاضای واسطه‌ای سایر صنایع در مکان‌یابی بخش صنعت دارای اهمیت زیادی هستند (Bose, 2002). ولف نیز در تحقیقی درباره مکان‌یابی صنعتی در لهستان، به این نتیجه رسیده است که در سال‌های ۱۹۳۹-۱۹۱۸ دسترسی به مواد اولیه و پتانسیل بازار در مزیت‌سنجی صنعتی در این کشور اثر قابل توجهی داشته است (Wolf, 2002). در مطالعه یانگ و لی به منظور مدل‌سازی مکان‌یابی امکانات - با استفاده از فرایند تحلیل سلسله‌مراتبی (AHP) عواملی از جمله دسترسی به بازار، دسترسی به منابع، وضعیت رقابت، مالیات و نحوه تأمین مالی، دسترسی به نیروی کار و حمل‌ونقل، به‌عنوان عواملی تعیین مزیت مکانی مورد تحلیل قرار گرفته‌اند (Yang & Lee, 1997). لوکاس و چاجد با مروری بر ادبیات مزیت‌سنجی در بخش کشاورزی، نقش عواملی از جمله زنجیره‌های تولید، تأمین نهاده‌های اولیه و جریان تجارت جهانی را بر مکان‌یابی بنگاه‌های کشاورزی مورد توجه قرار داده‌اند (Lucas & Chhajed, 2004). بوگنانو و همکارانش در مطالعه‌ای که در زمینه مکان‌یابی شرکت‌های چندملیتی ایالات متحده انجام

داده‌اند، به این نتیجه رسیده‌اند با وجود اینکه دستمزدها و محیط روابط صنعتی مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار در تصمیمات مکان‌یابی این شرکت‌ها در کشور میزبان هستند، اثر آن‌ها کمتر از اندازه بازار در کشور میزبان است (Bognanno et al, 2005). برمن و درزنر در پژوهشی به‌منظور مکان‌یابی سرورها در یک شبکه، بر دو عامل کلیدی تقاضا و ظرفیت شبکه تأکید کرده‌اند. این دو محقق در مطالعه دیگری به‌منظور مکان‌یابی نقاط ارائه خدمات خاص- اورژانس هوایی و ... به عامل تقاضا توجه کرده‌اند (Berman & Drezner, 2008). یانجی و همکارش در مطالعه‌ای در زمینه الگوی فضایی و عوامل تأثیرگذار در توسعه صنایع در ایالت لیون چین، علت توسعه بیشتر صنایع در جنوب شرق این ایالت را اصلاح سیستم‌های اقتصادی، سطح نهاده سرمایه، انتشار دانش و تکنولوژی، وضعیت بازارهای گسترده و محلی، جمعیت و تغییر میزان نیروی کار است (Yanji, 2008). کیوآی و زائو در مطالعه‌ای در خصوص زمینه مزیت‌های نسبی چین در تجارت بین‌الملل، روابط میان کار، سرمایه و منابع محیطی را مورد بررسی و تحلیل قرار داده‌اند (Qi & Xiao, 2008). کنتول نیز دسترسی به فناوری و سرریزهای دانش را عاملی مهم در مکان‌یابی بنگاه‌های چندملیتی دانسته است (Cantwell, 2009).

در ایران نیز مطالعاتی در خصوص مزیت‌سنجی منطقه‌ای انجام شده است که از آن جمله می‌توان به طرح مطالعات کالبدی ملی و منطقه‌ای (۱۳۷۰) اشاره کرد. در طرح مطالعات کالبدی ملی، ۱۶ بخش تولیدی در ۲۴ استان کشور به لحاظ میزان مزیت رتبه‌بندی شده‌اند. در این مطالعه، از روش انحراف از اپتیمم استفاده شده است. عبدالملکی در مطالعه‌ای به مکان‌یابی بنگاه‌های صنایع لبنیات در کشور پرداخته است. در این مطالعه با استفاده از عوامل مختلف طبیعی، فنی، سیاسی و اداری، میزان تقاضا و ... و با بهره‌گیری از روش‌های تصمیم‌گیری چندمعیاره، مزیت‌های منطقه‌ای جهت احداث واحدهای صنایع شیر شناسایی و اولویت‌بندی شده‌اند. وی همچنین مطالعه‌ای نیز در تعیین مزیت‌های مکانی جهت توسعه ۳۳ بخش تولیدی عمده در کشور انجام داده است. در این مطالعه، استان‌های ۳۰ گانه کشور به لحاظ سطح بهینگی مکانی برای توسعه فعالیت‌های مذکور اولویت‌بندی شده‌اند (عبدالملکی، ۱۳۸۴). بهشتی فر و همکارانش نیز در تعیین مزیت‌های مکانی جهت احداث نیروگاه‌های گازی ضمن استفاده از منطق فازی و سیستم اطلاعات جغرافیایی، به عواملی از جمله هزینه انتقال انرژی و ملاحظات زیست‌محیطی توجه کرده‌اند (بهشتی و همکاران، ۱۳۸۹).

### صرفه‌های مقیاس و رشد منطقه‌ای

تلاش اولیه برای مدل‌های ارتباط رشد و تجمع توسط والتز (Walz, 1966) صورت گرفت. او محصولات متنوع و به صورت برون‌زا در حال گسترشی را در یک مدل با ارتباطات عمودی و مهاجرت معرفی کرد. فرض این مطالعه بدون هزینه بودن مهاجرت بود. والتز (Walz, 1997) مدل خود را به یک مدل سه منطقه‌ای گسترش داد.

مدل‌های رشد و جغرافیا جای خود را در مدل‌های رشد درون‌زا و تجارت، به‌ویژه در مطالعات گروسمن و هلپمن (Grossman and Helpman, 1991) یافتند. برخی از نتایج به‌دست‌آمده از جغرافیا توسط این نویسندگان نشان می‌دهد که با تجارت آزاد و سرریزهای محلی، فعالیت‌های با بازده فزاینده در یک محل متمرکز می‌شوند. بالدوین (Baldwin, 1999) یک مدل رشد نئوکلاسیکی را با یک مدل جغرافیای اقتصادی ترکیب کرد. این مقاله نشان می‌دهد که رشد می‌تواند بر مکان صنعت تأثیر بگذارد و از آنجایی که تغییر در ذخیره سرمایه، اندازه نسبی بازارهای منطقه‌ای را تغییر می‌دهد، از طریق اثر بازار خانگی، تخصیص فضایی صنعت تغییر می‌کند. کلید این تغییر در واقع نیروهایی است که تولید را در یک منطقه تشویق می‌کنند و همچنین تمایل به تشویق انباشت سرمایه در آن منطقه را دارند. به تعبیر متفاوت، انباشت سرمایه راهی دیگر است که می‌توان تغییرات مصرف را با تغییرات تولید گره زد. علاوه بر این، هنگامی که این ارتباط تقاضا، به‌وسیله این فرض که همه درآمدهای تقاضا به کشور خود بازگردانده می‌شوند، خنثی شود، ارتباط شکسته می‌شود.

بالدوین و مارتین (Baldwin and Martin, 2004) در مقاله‌ای با عنوان «تجمع و رشد منطقه‌ای» تلاش کردند تا برخی ارتباطات بین رشد و تجمع را توضیح دهند. مقاله آن‌ها در سه بخش کلی تنظیم شده است. در دو بخش ابتدایی این مقاله، مدل‌های رشد و تجمع بدون تحرک سرمایه بررسی شده و در بخش پایانی مقاله، مدل رشد و تجمع با تحرک کامل سرمایه مورد بررسی قرار گرفته است. نتایج این مطالعه نشان داده است که فقدان تحرک سرمایه باوجود هزینه‌های مبادله منجر به همگرایی بین مناطق می‌شود. با کاهش هزینه‌های مبادله، توزیع اولیه سرمایه، ثابت باقی خواهد ماند و مناطق به سمت واگرایی پیش می‌روند. به عبارت روشن‌تر، در حالت تحرک سرمایه، یعنی سرمایه‌های فیزیکی و یا نوآوری‌های قابل تجارت مانند حق ثبت اختراع، شاخص کلیدی برای توزیع درآمد منطقه‌ای، یک شاخص برون‌زا؛ یعنی توزیع اولیه سرمایه و در حالت نبود تحرک سرمایه، شاخص کلیدی سطح هزینه‌های مبادله است.

میترا و ساتو (Mitra and Sato, 2007) نیز در مطالعه‌ای با عنوان «صرفه‌های ناشی از تجمع صنعتی در ژاپن: کارایی فنی، رشد و بیکاری» به بررسی اثرات تجمع‌های صنعتی بر کارایی فنی، سریع‌تر شدن رشد اقتصادی و کاهش بیکاری پرداخته‌اند. با استفاده از داده‌های سطح استان در گروه‌های صنعتی با کد دورقمی در ژاپن،

در چهارچوب یک مدل مرزی تصادفی، شاخص کارایی فنی را برای مناطق تخمین زده‌اند. تحلیل عاملی نشان می‌دهد در اکثر این گروه‌های صنعتی، کارایی ارتباط مثبتی با متغیر(های) صرفه بیرونی دارد؛ اگرچه این ارتباط خیلی قوی نیست. برای برخی از صنایع سبک این ارتباط قوی‌تر است. ارتباط رشد اقتصادی و صرفه‌های بیرونی، مثبت و متغیر است و بیکاری با توجه به رشد اقتصادی و تمرکز تمایل به کاهش دارد. مطالبی ذکر شده، نشان می‌دهد اقدامات علیه تمرکز صنعتی ممکن است ضدتولیدی باشد، به‌ویژه در زمینه جهانی شدن، وقتی اکثر کشورها به افزایش بهره‌وری نیاز دارند.

#### تخصصی شدن و تمرکز فضایی و جهش تولید

میکائیل عظیمی (۱۳۹۳) در مطالعه‌ای با عنوان «تمرکز منطقه‌ای و رشد کلان اقتصادی در ایران، چرا تعادل منطقه‌ای برای رشد کلان اقتصادی ضروری است؟» به موضوع عدم تعادل منطقه‌ای (تمرکز منطقه‌ای) پرداخته و رابطه میان رشد در سطح ملی (کلان) و تمرکز منطقه‌ای را مورد ارزیابی قرار داده است. وی در ادامه با استفاده از تحلیل داده‌های ثانویه، به ارزیابی این رابطه به صورت کمی اقدام کرده است. نتایج حاصل شده از این مطالعه نشان می‌دهند که بحث عدم تعادل منطقه‌ای در ادبیات متعارف اقتصادی از جایگاه اندکی برخوردار است؛ اما رویکردهای رقیب و غیرمتعارف، این موضوع را در کانون توجه قرار داده‌اند. از طرف دیگر، محاسبه شاخص‌ها و تحلیل داده‌های موجود حکایت از آن دارند که تمرکز منطقه‌ای در ایران روندی افزایشی (هرچند بطئی) داشته و همبستگی منفی میان تمرکز منطقه‌ای و رشد اقتصادی در سطح ملی، قابل انتظار است. گلیسر و همکارانش (۱۹۹۲) در شهرستان‌های آمریکا به بررسی تمرکز فضایی صنایع با متغیرهایی مانند تخصصی شدن، تنوع نسبی و رقابت صنعتی بر اساس داده‌های اشتغال پرداختند. روش استفاده شده در این تحقیق، حداقل مربعات معمولی بود. نتایج یافته‌های آن‌ها نشان می‌دهد که رشد اشتغال با تنوع، تخصصی شدن و رقابت افزایش پیدا می‌کند.

آلمیدا (Almeida, 2006) در تحقیقی با عنوان «ساختار اقتصاد و رشد محلی» به بررسی این موضوع می‌پردازد که چگونه ساختار اقتصاد محلی (تخصصی شدن، رقابت و تنوع) بر رشد بخش‌های تولیدی و تمرکز فضایی اثر می‌گذارد. فالجیولو و آکگونگور (Falcioğlu & Akgüngör, 2008) در تحقیقی با عنوان «الگوهای تخصصی شدن منطقه‌ای و تمرکز منطقه‌ای در صنعت تولید ترکیه»، به بررسی محرک‌های تمرکز صنایع در سطح مناطق و همچنین یافتن علل چنین تمرکزهایی پرداخته و نشان می‌دهند که مناطق ترکیه تخصصی‌تر شده و صنایع متمرکزتر شده‌اند. در بررسی نیروهای محرک تمرکز صنایع مشاهده شد که بنگاه‌ها تمایل به تمرکز در مناطقی دارند که صرفه‌های اقتصادی ناشی از مقیاس داشته باشند.

دی وور و دی گروت (de Vor & de Groot 2008) به بررسی «تأثیر عملکرد نواحی صنعتی بر ساختار اقتصاد محلی و دسترسی» می‌پردازند. برای این منظور وجود رابطه مشخص بین عوامل خارجی تجمع (تخصصی شدن، تنوع و رقابت) و معیارهای دسترسی و رشد مشاغل در صنعتی خاص و منطقه‌ای معین را بررسی می‌کنند. آن‌ها نشان می‌دهند که در مقیاس ناحیه صنعتی، تخصصی شدن مانع رشد است.

باروفی و همکارانش (Barufi et al., 2016) در تحقیقی به «بررسی گسترده تأثیرات تراکم در برزیل»، با استفاده از روش دومرحله‌ای کمبیز و همکارانش بر اساس نیروی کار رسمی بازار در سه سال ۲۰۰۴، ۲۰۰۸ و ۲۰۱۲ بر اساس پنج بخش اقتصادی: (۱) تولید با فناوری کم، (۲) تولید با فناوری متوسط، (۳) تولید با فناوری بالا، (۴) خدمات با دانش کم، (۵) خدمات با دانش زیاد پرداختند. نتایج نشان می‌دهد که صنعت محلی منحصربه‌فردی برای تقویت بهره‌وری تولید در بخش‌های مختلف فناوری وجود ندارد. در مقایسه با چارچوب‌های نظری MAR، جاکوبز و پورتر در زمینه مربوط به تنوع، تخصصی شدن و رقابت، فقط متغیر تنوع تأثیر مثبتی را نشان می‌دهد که با دیدگاه جاکوبز سازگار است.

ام. آرتز و همکارانش (M. Artz et al., 2016) به بررسی «تأثیر تمرکز بر مکان‌گزینی بنگاه‌ها» می‌پردازند. آن‌ها شش متغیر را تعریف کرده و با استفاده از روش رگرسیون به بررسی وابستگی این متغیرها می‌پردازند. اولین متغیر (تخصص خوشه در بخش) مربوط به مارشال (۱۹۲۰) و پورتز (۱۹۹۸) بوده و تأکید آن‌ها بر این است که تمرکز بنگاه‌های تخصصی‌شده در صنعتی خاص، بهره‌وری تولید را از طریق سرریز دانش و اشتراک دانش و اشتراک در نیروی کار متخصص، افزایش می‌دهد. دومین متغیر (انحصار محلی) نشان‌دهنده این فرضیه MAR است که یک بنگاه خاص در مقایسه با تعداد زیادی از بنگاه‌های کوچک می‌تواند دانش محلی را درونی کند. سومین متغیر (تمرکز صنعتی محلی) نشان‌دهنده تأکید جاکوبز (۱۹۶۹) بر ترکیب تعداد متنوعی از بنگاه‌هاست. چهارمین متغیر (دسترسی محلی به تأمین‌کنندگان بالادست) و پنجمین متغیر (دسترسی محلی به مشتریان پایین‌دست منعکس‌کننده خوشه بالادست و پایین‌دست در ایده‌های مارشال، پورتر، الیسون و همکارانش (۲۰۱۰) است. آخرین متغیر (دسترسی به نیروی کار محلی تحصیل‌کرده) نیز به دیدگاه لوکاس (۱۹۸۸) و تأکید او بر اشتراک در نیروی کار ماهر مرتبط است. آن‌ها به این نتیجه می‌رسند که بنگاه‌ها بیشتر در بازارها، مکان می‌گزینند که دارای خوشه‌ای از بنگاه‌های مشابه با تمرکز زیادی از تأمین‌کنندگان بالادست و مصرف‌کنندگان پایین‌دست و نیز تعداد زیادی نیروی کار تحصیل‌کرده باشند (ر.ک: ساسانی و داداش‌پور، ۱۳۹۸: ۸-۱۱)

### ادبیات پیرامون رشد تولید، بهره‌وری

توسعه اقتصادی در یک بخش، مستلزم افزایش تولید در آن بخش است. بحث رشد اقتصادی از دهه ۱۹۳۰ تا به امروز تحولات بسیاری را از لحاظ عوامل مؤثر بر رشد داشته است. در مطالعات و بررسی‌هایی که بر عوامل به وجود آورنده رشد اقتصادی صورت گرفته است کمتر از ۵۰ درصد رشد را به عوامل اصلی تولید (کار، سرمایه و زمین) و بقیه را به عوامل ناشناخته‌ای مانند تغییر تکنولوژی، افزایش بهره‌وری و عوامل جغرافیایی، فرهنگی و... نسبت داده‌اند (عمادزاده و بکتاش، ۱۳۸۴). بر اساس گزارش بانک جهانی (۱۹۹۷)، متغیرهای مکانی و طبیعی بسیاری بر رشد تولیدی کشورها تأثیر دارند که می‌توان به وسعت سرزمین‌های واقع در مناطق جغرافیایی گرمسیر، سهم جمعیت مناطقی که تا حدود ۱۰۰ کیلومتری کرانه ساحلی، درصد جمعیتی که در کشورهای محصور در خشکی زندگی می‌کنند، متوسط مسافت هوایی کشورها با مرکزی‌ترین مناطق اقتصادی، تراکم اسکان افراد در منطقه ساحلی و... اشاره کرد.

بنا بر نظریه‌های تولید و عرضه، رشد تولید از دو طریق حاصل می‌شود: (۱) افزایش تولید با به‌کارگیری عوامل تولید بیشتر اما در چارچوب فناوری و (۲) افزایش تولید با به‌کارگیری روش‌های پیشرفته‌تر و کارآمدتر تولید و استفاده از عوامل تولیدی مؤثرتر (سلامی، ۱۳۷۶). همان‌طور که ملاحظه می‌شود، روش دوم با مفهوم بهره‌وری گره خورده است. اهمیت بهره‌وری توسط محققان نیز تشخیص داده شده و مطالعات متعددی در این زمینه صورت گرفته است که در ادامه فقط به پاره‌ای از آن‌ها اشاره می‌شود. اکبری و رنجکش (۱۳۸۲) در مطالعه‌ای به بررسی رشد بهره‌وری کل عوامل تولید در بخش کشاورزی ایران طی دوره ۱۳۴۵-۷۵ پرداختند. به این منظور از شیوه مطلق روش محاسبه رشد با استفاده از آمار سری‌های زمانی استفاده شده است. به‌کارگیری این روش نیازمند محاسبه سهم هریک از عوامل تولید در بخش کشاورزی است، لذا ابتدا تابع تولید بخش کشاورزی تخمین زده شده است. نتایج این مطالعه نشان داد که نرخ رشد بهره‌وری کل عوامل تولید در بخش کشاورزی دارای نوسان زیادی بوده و سطوح این بهره‌وری نیز روند صعودی داشته‌اند. مجاوریان (۱۳۸۲) رشد بهره‌وری کل عوامل تولید، کارایی فنی و تغییرات فناوری در محصولات راهبردی کشاورزی را طی دوره ۷۸-۱۳۶۹ با استفاده از شاخص مالم کوئیست و روش تحلیل فراگیر داده‌ها بررسی کرده است. نتایج نشان داد که طی دوره مورد مطالعه، بهره‌وری در تولیدات آبی (به‌جز جو) افزایش یافته و در مورد تمام محصولاتی که رشد بهره‌وری در آن‌ها تحقق یافته، فناوری پیشرفت کرده است.

مولایی (۱۳۸۴) به بررسی و مقایسه و بهره‌وری گروه‌های مختلف صنعتی کوچک و بزرگ ایران طی دوره ۸۰-۱۳۶۶ پرداخته است. در این مطالعه به‌منظور محاسبه بهره‌وری کل و نهایی صنایع مختلف از تابع تولید کاب-داگلاس و به‌منظور محاسبه بهره‌وری متوسط از میانگین نسبت ارزش افزوده به عامل تولید کار و سرمایه استفاده شده است. نتایج نشان داد که از گروه‌های صنعتی کوچک نسبت به صنایع بزرگ دارای بهره‌وری بیشتر بوده‌اند.

در مجموع و با توجه به مطالعات انجام شده در زمینه صرفه مقیاس، مزیت نسبی مناطق و رشد تولید که به بخشی از آن‌ها اشاره گردید، مشاهده می‌شود که تقریباً در تمامی مطالعات صورت گرفته در این حوزه، صرفاً معیارهای سنتی مورد سنجش قرار گرفته و بررسی توأمان معیارهای مذکور با معیارهای آمایش سرزمین کمتر مدنظر بوده است. همچنین در کمتر مطالعه‌ای مزیت نسبی در ارتباط با رشد تولید مورد بررسی قرار گرفته است. در بیشتر مطالعات همانند مطالعه حاضر، نویسندگان به‌طور جدی معتقدند که این مناطق اند که محرک اصلی اقتصاد ملی و توسعه هستند و نه کشورها و این مناطق هستند که با یکدیگر رقابت می‌کنند تا با دستیابی به مزیت رقابتی در اقتصاد جهانی و ملی و دسترسی به بازارهای جدید به یک مزیت رقابتی منطقه‌ای و در نهایت جهش تولید و توسعه اقتصادی برسند. در اکثر مطالعات به نقش موقعیت جغرافیایی و مزیت‌های جغرافیایی بدون ارتباط با فعالیت‌های اقتصادی توجه شده بود. همچنین توجه به مفهوم تجمع و تمرکز فضایی فعالیت‌های صنعتی به‌منظور دستیابی به رشد و ارتقای وضعیت اقتصادی در برخی مطالعات حائز اهمیت بود، چراکه می‌توانست به‌عنوان یکی از حوزه‌های پویا، برای علل و عوامل رشد منطقه‌ای مورد توجه باشد.

جدول ۱: بررسی اجمالی پیشینه مطالعه

عنوان	نویسنده	سال	هدف	روش / مدل	نتیجه
بررسی عملکرد برنامه اول و تأثیر برنامه دوم توسعه بر ساختار صنعت و مزیت‌های نسبی صنعتی در منطقه استان یزد	جویا	۱۳۷۸	اندازه‌گیری درجه تخصص نسبی صنایع	مدل ضریب مکانی	مزیت نسبی گروه صنایع خودروسازی و نیرومحركه در مقایسه با سایر صنایع استان در برنامه دوم نسبت به برنامه اول توسعه اقتصادی
تحلیلی از ساختار صنعت در استان اصفهان	بختیاری و همکاران	۱۳۸۱	بررسی قابلیت‌ها و توانمندی‌های استان اصفهان در بخش صنعت	تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی	تنوع بسیار در ساختار صنعت استان اصفهان و دارای مزیت مطلق در صنایع تولید محصولات اولیه، آهن و فولاد
بررسی تحلیلی ساختار صنعتی و مزیت نسبی صنایع استان مازندران	اثنی‌عشری و احسان‌فر	۱۳۸۳	تحلیل ساختار صنعتی و تعیین مزیت نسبی صنایع شانزده‌گانه	شاخص تغییرات ساختاری و مزیت نسبی آشکار شده	ارزش افزوده بالای صنایع مواد غذایی و آشامیدنی، تولید چوب و محصولات چوبی، تولید منسوجات، تولید مبلمان و تولید کاغذ و محصولات کاغذی دارای مزیت نسبی
تحلیلی از ساختار صنعت و تعیین اولویت‌های توسعه صنعتی استان کرمان	هوشمند و آذری	۱۳۸۴	تعیین اولویت‌های توسعه استان کرمان	تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی	صنایع دارای مزیت محصولات مسی، محصولات کانی غیرفلزی، تولید خودرو و صنایع تبدیلی مرتبط با پسته و خرما نسبت به سایر فعالیت‌های صنعتی استان
تحلیل تغییرات ساختاری صنایع استان خراسان	سلیمی‌فر و شیرزور	۱۳۸۵	مقایسه تغییرات ساختاری صنایع استان خراسان در برنامه‌های توسعه اقتصادی	مزیت نسبی آشکار شده	مزیت نسبی در صنایع چوب و صنایع متفرقه



مزیّت بالا در فعالیت‌های مرتبط با خدمات گردشگری	شاخص مزیّت نسبی آشکار شده	شناخت توانمندی‌ها و استعداد‌های منطقه خراسان	۱۳۸۷	جعفری و صمیمی و نقوی	بررسی مزیّت نسبی ارزش‌افزوده‌ای بخش‌های اقتصادی در منطقه خراسان بر اساس عملکرد برنامه سوم توسعه
فقدان تحرک سرمایه باوجود هزینه‌های مبادله منجر به همگرایی بین مناطق می‌شود	-	بررسی روابط بین رشد و تجمع	۲۰۰۴	بالدوین و مارتین	تجمع و رشد منطقه‌ای
ارتباط رشد اقتصادی و صرفه‌های بیرونی، مثبت و متغیر است و بیکاری با توجه به رشد اقتصادی و تمرکز تمایل به کاهش دارد.	تحلیل عاملی	بررسی اثرات تجمع‌های صنعتی بر کارایی فنی، سریع‌تر شدن رشد اقتصادی و کاهش بیکار	۲۰۰۷	میترا و ساتو	صرفه‌های ناشی از تجمع صنعتی در ژاپن: کارایی فنی، رشد و بیکاری
تمرکز منطقه‌ای در ایران روندی افزایشی (هرچند بطئی) داشته و همبستگی منفی میان تمرکز منطقه‌ای و رشد اقتصادی در سطح ملی، قابل انتظار است	تحلیل داده‌های ثانویه	ارزیابی رابطه میان رشد در سطح ملی (کلان) و تمرکز منطقه‌ای	۱۳۹۳	میکاییل عظیمی	تمرکز منطقه‌ای و رشد کلان اقتصادی در ایران، چرا تعادل منطقه‌ای برای رشد کلان اقتصادی ضروری است؟
بهره‌وری در تولیدات آبی (به‌جز جو) افزایش یافته و در مورد محصولات کشاورزی که رشد بهره‌وری در آن‌ها تحقق یافته، فناوری پیشرفت کرده است.	شاخص مالک کوئیسیت و تحلیل فراگیر داده‌ها	ارزیابی رشد بهره‌وری کل عوامل تولید، کارایی فنی و تغییرات فناوری در محصولات راهبردی کشاورزی	۱۳۸۲	مجاوربان	برآورد شاخص بهره‌وری مالک کوئیسیت برای محصولات راهبردی طی دوره زمانی ۷۸-۱۳۶۹
گروه‌های صنعتی کوچک نسبت به صنایع بزرگ دارای بهره‌وری بیشتر بوده‌اند.	تابع تولید کاب-داگلاس و میانگین نسبت ارزش‌افزوده به عامل تولید کار و سرمایه	ارزیابی بهره‌وری گروه‌های مختلف صنعتی کوچک و بزرگ	۱۳۸۴	مولایی	مقایسه و بهره‌وری گروه‌های مختلف صنعتی کوچک و بزرگ ایران طی دوره ۸۰-۱۳۶۶

## ۲- مفاهیم و رویکردها

### مفهوم آمایش سرزمین

به نوعی برنامه ریزی بلندمدت برای توزیع بهینه جمعیت، فعالیت متناسب با بنیانهای جغرافیایی، قابلیت‌های سرزمین به منظور افزایش رفاه و توسعه جامعه را آمایش سرزمین می‌گویند (سرور، ۱۳۸۷: ۱۲۱). آمایش سرزمین در پی ایجاد تعادل توسعه بین نواحی، استفاده از منابع برای توسعه، توزیع عادلانه درآمد و فعالیت‌ها بین نواحی مختلف و تأکید بر توسعه منابع و نواحی عقب‌افتاده و حاشیه‌ای و توسعه هماهنگ قطب‌ها نیز، توسعه مراکز رشد است. ضمناً آمایش سرزمین، توسعه متعادل مناطق شهری و روستایی را در قالب نظام هماهنگ یکپارچه و توسعه هماهنگ زیربناها، خدمات و تسهیلات اجتماعی و اقتصادی متناسب با نیازمندی‌ها و محیط طبیعی و انسانی را در برمی‌گیرد (سرور، ۱۳۸۴: ۲۴). آمایش سرزمین بهترین، ارزان‌ترین و مؤثرترین راه‌حل مدیریت و برنامه‌ریزی محیط‌زیست، مؤلفه‌های اقتصادی، رفاه اجتماعی است (خنیفر، ۱۳۸۹: ۴).

داشتن یک نگاه فرایندی به مقوله «آمایش» که «آمایش» را نه فقط در چارچوب «منطقه و مکان» از منظر جغرافیای طبیعی بلکه در فرایند «فضا» و «انسان» و «فرهنگ» و به‌طور کلی از منظر جغرافیای سیاسی کشور و جهان جست‌وجو می‌کند، ضرورت دارد. فرایندی که بر تدارک زمینه‌های لازم برای تعامل بین سه عنصر «انسان»، «فضا» و «فعالیت» تمرکز می‌کند. داشتن نگاه فرایندی به امر آمایش، سرزمین را نه در قالب «جغرافیای طبیعی» بلکه در فضای گسترده «جغرافیای سیاسی» کشور و جهان می‌نگرد و از این رو در فضای جهان جهانی شده، برای «فضا» سرزمین، انسان، فرهنگ، کار و فعالیت و تولید، ارزشی فرمانطقه‌ای و جهانی قائل است. «آمایش سرزمین» مقوله‌ای در خدمت امر توسعه است و متغیر آمایش سرزمین، هیچ‌گاه نباید امر توسعه را به انحراف یا به تأخیر کشاند.

از میان سه کلیدواژه اصلی که همواره در خصوص تعریف آمایش سرزمین مطرح است، یعنی «فضا»، «فعالیت»، «جمعیت»، قلب اصلی و مهم‌ترین مؤلفه آمایش سرزمین «فعالیت» است که آمایش سرزمین از طریق شناخت کامل الزامات مترتب بر ماهیت و عملکرد آن‌ها از یک‌سو و نیز درک عمیق از استعدادها، قابلیت‌ها، تنگناها و نارسایی‌های قلمروهای مختلف سرزمین، نسبت به پیشنهاد و تخصیص فعالیت برای این قلمروها و ترکیب مناسب فعالیت‌های قابل استقرار در یک قلمرو برای بهره‌وری از امکانات و موقعیت آن منطقه اهتمام نموده و از رهگذر چنین اقدامی انتظام‌بخشی و سازمان‌دهی جمعیت و فضا نیز صورت خواهد پذیرفت (جباری و همکاران، ۱۳۹۶: ۷۸).

رویکردی این‌چنینی، رویکردی منطبق با ضرورت‌ها و شرایط نوین جهان جهانی شده و وضعیت امر تجارت جهانی است که در پی «تولید کالا» بر اساس «دقت کامل به امر بهره‌وری سرمایه مالی - پولی»، سرمایه انسانی،

سرمایه مدیریت، سرمایه زمین، سرمایه تکنولوژی، زیرساخت‌های حمل‌ونقل، انبارداری، زیربنای ساخت‌افزایی و بازارهای مصرف و توجه فرایندمحور به محیط‌زیست و عوامل طبیعی است. این رویکرد توجهی روشن‌گرانه و وظیفه‌شناسانه اقتصادی به این نکته اساسی دارد که توزیع فعالیت‌ها در پهنه سرزمین، ناشی از یک واقعیت است. واقعیتی که برخاسته از نبود قابلیت‌های طبیعی، عدم تعادل در توزیع فضایی جمعیت به لحاظ ناهمخوانی طبیعت با زندگی انسان و فقدان آموزش و پرورش برای شکوفایی استعداد‌های انسانی است.



شکل ۱: عناصر و اجزای آمایش سرزمین

مرکز ملی آمایش سرزمین نیز آمایش سرزمین را به شرح زیر توصیف کرده است (۱۳۸۵)؛ تنظیم کنش متقابل بین عوامل انسانی و محیطی به منظور ایجاد سازمان سرزمینی مبتنی بر بهره‌گیری بهینه از استعداد‌های انسانی و محیطی، آمایش سرزمین نامیده می‌شود. آمایش سرزمین در چارچوب اصول مصوب، از طریق افزایش کارایی و بازدهی اقتصادی، گسترش عدالت اجتماعی، رفع فقر و محرومیت و برقراری تعادل و توازن در برخورداری از سطح عقول توسعه و رفاه در نقاط و مناطق جغرافیایی، ایجاد نظام کاربری اراضی متناسب با اهداف توسعه و متعادل و حفظ محیط‌زیست، ایجاد و تحکیم پیوندهای اقتصادی درون و برون منطقه‌ای و هماهنگ‌سازی تأثیرهای فضایی- مکانی سیاست‌های بخشی و سیاست‌های توسعه مناطق و محورهای خاص به‌گونه‌ای عمل می‌کند که بتواند اهداف چشم‌انداز بلندمدت توسعه کشور و مدیریت یکپارچه سرزمین را محقق سازد (واژه‌نامه تخصصی آمایش استان، ۱۳۸۵).

صرف نظر از تعاریف متعدد موجود در این حوزه، وجه مشترک تعاریف و تجربه‌ها «جای دادن در فضا» و رعایت «نظم و ترتیب» در این کار است. تعریف مورد نظر از نظر کارشناسان و برخی از دست‌اندرکاران سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در سال ۱۳۸۵ در خصوص آمایش سرزمین «جای دادن بانظم و ترتیب و هماهنگی انسان‌ها و فعالیت‌ها در فضای استان با رعایت منابع، امکانات و اصولی چند» بوده است. آنچه در این تعریف نیازمند تعیین

بیشتر است، نوع و تعریف نظم و ترتیب مطلوب است. با توجه به تأکید اسناد بالادست چشم‌انداز بلندمدت کشور، برنامه چهارم توسعه، ضوابط ملی آمایش، نظریه پایه توسعه، اسناد توسعه ملی و شرح خدمات برنامه آمایش استان‌ها، نظم و ترتیب مورد نظر توسعه فضایی پایدار با هدف ایجاد بهبود در وضعیت اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی ساکنان سرزمین است (کارکن و همکاران، ۱۳۹۱: ۱۱). برنامه آمایش سرزمین به‌عنوان یک سند مدیریت توسعه، تصویر سازمان فضایی مرحله توسعه‌یافتگی سرزمین است. این سند تجسم نظریه پایه توسعه ملی در فضای کشور است و چشم‌انداز کلی توزیع جغرافیایی جمعیت و ترکیب مناسب فعالیت‌های ناظر بر بهره‌برداری از سرزمین و تأمین نیازهای جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی و اجتماعی را در قلمرو سرزمین مشخص می‌سازد.

در ادامه به بخشی از سیاست‌های کلی آمایش سرزمین پرداخته می‌شود:

الف) ارتقای کارایی و بازدهی اقتصادی و تسهیل روابط درونی و بیرونی اقتصاد کشور از طریق:

۱. تقسیم کار ملی با توجه به استعدادهای طبیعی و خلق مزیت‌های جدید در مناطق کشور؛
۲. هم‌افزایی مزیت‌های کشور، نوین‌سازی بخش کشاورزی متناسب با منابع تولید و پهنه‌بندی اقلیمی، تکمیل زنجیره‌های تولید صنعتی، سازمان‌دهی بخش خدمات نوین و تولید کالا و خدمات دانش‌پایه؛
۳. فراهم آوردن زمینه‌های مناسب مدیریتی و زیربنایی در مناطق مختلف و ارتقای مستمر سطح شاخص بهره‌وری ملی و افزایش سهم منابع انسانی در تولید ثروت ملی متناسب با استعداد مناطق کشور.

ب) دستیابی به تعادل‌های منطقه‌ای متناسب با قابلیت‌ها و توان‌های هر منطقه با توجه به نکات زیر:

۱. ایجاد امکانات عادلانه و فرصت‌های برابر و رفع تبعیض در مناطق مختلف کشور؛
۲. تعیین نقش ملی و فرامرزی مناطق مختلف کشور برای رسیدن به تعادل‌های منطقه‌ای و تقویت وحدت و یکپارچگی ملی؛
۳. فراهم آوردن زمینه‌های مناسب برای افزایش سهم جمعیت و فعالیت در مناطق کم‌تراکم با اولویت مناطق شرقی و جنوبی کشور.

ج) سامان بخشی فضای مناسب مراکز زیست و فعالیت به‌ویژه در مناطق مرزی با تأکید بر مشارکت مؤثر مردم با:

۱. ساماندهی، مدیریت کلان و نظارت مستمر بر پیشرفت و آبادانی کشور با ایجاد شبکه به‌هم‌پیوسته مناطق اسکان فعالیت‌های ملی و تعریف نقش و کارکرد فراملی هر یک از آن‌ها در جهت تحقق اهداف چشم‌انداز و اصول آمایش سرزمین؛
۲. تقویت هدفمند عوامل پیشرفت و آبادانی در مناطق حساس و ویژه با توجه به ملاحظات دفاعی، امنیتی، فرهنگی، اجتماعی و زیست‌محیطی و افزایش نقش و فعالیت مردم در فرایند توسعه؛

۳. توسعه هماهنگ جزایر و سواحل جنوب و شمال کشور با بهره‌گیری از ظرفیت‌های استان‌های هم‌جوار، موقعیت جغرافیایی، زیربنای اساسی، منابع دریایی و نفت و گاز و استقرار صنایع مرتبط، پشتیبان و انرژی بر و توسعه بازرگانی، گردشگری، آموزش عالی، فنی-حرفه‌ای و تحقیقات با تقویت تعامل فراملی (طی ده سال در قالب دو برنامه پنج‌ساله)؛

۴. توسعه هماهنگ مناطق مرزی در شرق و غرب کشور با تقویت امور زیربنایی و بهره‌گیری از مزیت‌های نسبی جهت توسعه ظرفیت ملی گردشگری، آموزشی، بازرگانی و تعامل فرامرزی (ر.ک: کارکن، ۱۳۹۱).

### مفهوم جهش تولید در ادبیات سیاست‌گذاری ایران

با بررسی اهداف مرتبط با جهش تولید که در سند چشم‌انداز و سیاست‌های کلی نظام در زمینه «تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی» «برنامه ششم توسعه» و «اقتصاد مقاومتی» آمده‌اند، می‌توان چارچوب مفهومی مناسبی برای تعریف جهش تولید استخراج کرد. بر اساس سند چشم‌انداز، کشور ایران تا سال ۱۴۰۴ باید به اهدافی مانند رشد پرشتاب و مستمر اقتصادی، ارتقای نسبی سطح درآمد سرانه، رسیدن به اشتغال کامل و قرار گرفتن در جایگاه اول اقتصادی، علمی و فناوری در سطح منطقه آسیای جنوب غربی (شامل آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه و کشورهای همسایه) با تأکید بر جنبش نرم‌افزاری و تولید علم دست یابد. بهبود قدرت رقابت اقتصاد، افزایش تولید ملی، افزایش بهره‌وری عوامل تولید، ثبات ارزش پول ملی نیز از اهدافی هستند که در سیاست‌های کلی تولید ملی، حمایت از کار و سرمایه ایرانی تصریح شده‌اند. علاوه بر این، در سیاست‌های کلی برنامه ششم نیز بر رشد اقتصادی شتابان و پایدار و اشتغال‌زا، افزایش تولید ثروت ملی، مدیریت کیفیت محصولات تولیدی، اشتغال و بهره‌وری، تحقق متوسط رشد ۸ درصد در طول برنامه، توانمندسازی و خوداتکایی اقشار و گروه‌های محروم، ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی و دستیابی به ضریب جینی ۳۴ درصد، تغییر نگاه به نفت و گاز و درآمدهای حاصل از آن، واریز سالیانه ۳۰ درصد از منابع حاصل از صادرات نفت و میعانات گازی و خالص صادرات گاز به صندوق توسعه ملی و افزایش حداقل ۲ واحد درصد سالیانه به آن تأکید شده است. همچنین در سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی، اتکا به دانش و فناوری، عدالت بنیانی، درون‌زایی و برون‌گرایی، پویایی و پیشرو بودن از ویژگی‌ها اقتصاد کشور برشمرده شده است. در این سیاست‌ها به اهدافی مانند تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ارتقای درآمد و نقش طبقات کم‌درآمد و متوسط در فعالیت‌های اقتصادی، ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی، افزایش قدرت مقاومت و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور، قطع وابستگی بودجه به نفت، تأمین امنیت غذایی، افزایش تولید داخلی نهاده‌ها و کالاهای اساسی، اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی و افزایش کمی و کیفی تولید تأکید شده است.

تحلیلی بر این اهداف نشان می‌دهد، وجه مشترک اسناد بالادستی نظام در تبیین اهداف نظام اقتصادی کشور را در مواردی مانند افزایش کمی و کیفی تولید، تقویت رقابت‌پذیری اقتصاد، ارتقای شاخص‌های عدالت اجتماعی، افزایش قدرت تاب‌آوری اقتصاد کشور، قطع وابستگی بودجه به نفت، تأمین امنیت غذایی و اولویت دادن به تولید محصولات و خدمات راهبردی می‌توان یافت.

لذا می‌توان جهش تولید را فرایند رشد اقتصادی شتابان، پایدار، عدالت‌محور، رقابت‌پذیر، درون‌زا و برون‌گرا (مبتنی بر تقاضای بازار) تعریف کرد. جهش تولید فرایند است؛ به این مفهوم که برنامه‌ها و طرح‌های مربوطه باید به صورت مستمر مورد ارزشیابی، اصلاح و تکمیل قرار گیرند و شاخص‌های جهش تولید در عرض یک سال به صورت کامل قابل تحقق نیست، بلکه باید از قرار گرفتن کشور در مسیر تحقق جهش تولید مطمئن شد. تقریباً این اجماع شکل گرفته است که با تقویت تولید رقابت‌پذیر و دانش‌بنیان، می‌توان شاخص‌های اقتصادی؛ به‌ویژه اشتغال را بهبود بخشید و اقتصاد کشور را در مقابل شوک‌های داخلی و خارجی، مصون داشت (مالمیری، ۱۳۹۶: ۱). در تعریفی دیگر، جهش تولید را می‌توان ایجاد شتاب در تحقق رونق تولید با بهره‌گیری بهینه از امکانات و پتانسیل‌های محلی، ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی و با مشارکت و هماهنگی کلیه نهادها و اشخاص مرتبط جهت ایجاد رونق اقتصادی و اجتماعی پایدار تا سطحی که کشور را به‌عنوان یک کشور قوی مطرح سازد، تعریف کرد (اعلانی بروجنی و همکاران، ۱۳۹۹: ۵).

#### ابعاد جهش تولید

- بر اساس سند چشم‌انداز، شاخص‌های کلی جهش تولید را می‌توان در سه بعد به شرح زیر بیان کرد:
- رشد حداقل چهار برابری سرانه رشد ناخالص داخلی به قیمت ثابت (با توجه به سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه) و تثبیت نسبی آن حداقل در دوره ۱۴۰۴-۱۳۹۹.
  - کاهش قابل توجه نرخ فقر و بهبود ضریب جینی به ۳۴ درصد تا انتهای برنامه ششم توسعه.
  - کاهش هزینه‌های تخریب محیط زیستی رشد اقتصادی (اعلانی و همکاران، ۱۳۹۹: ۳).

جدول ۲: وضعیت ایران در مقایسه با کشورهای منتخب منطقه آسیای جنوب غربی (سند چشم‌انداز) از نظر سه شاخص

کشور	کل جمعیت*	سرنانه تولید ناخالص داخلی دلار آمریکا به قیمت ثابت ۲۰۱۰*	نرخ رشد سرنانه تولید ناخالص داخلی (درصد)**	سهم نفت از تولید ناخالص داخلی**	ضریب جینی***
ایران	۸۱۸۰۰/۲۷	۶۹۵۲/۴	۲/۳	۱۵/۳	۴۰/۸
قزاقستان	۱۸۲۷۶/۵	۱۱۱۶۵/۵	۲/۷	۱۰/۲	۲۷/۵
ترکیه	۸۲۳۱۹/۷۲	۱۵۰۶۹	۵/۸	۰/۱	۴۱/۹
امارات	۹۶۳۰/۹۶	۴۰۷۸۲/۴	-۰/۸	۱۳/۱	۳۲/۵
قطر	۲۷۸۱/۶۸	۶۳۲۶۰/۶	-۱	۱۴/۲	-
عربستان	۳۳۶۹۹/۹۵	۲۰۸۱۹/۷	-۲/۷	۲۳/۱	-
کویت	۴۱۲۷/۳۱	۳۳۱۱۲/۱	-۷	۳۶/۶	-
عمان	۴۸۲۹/۴۸	۱۵۷۹۶/۸	-۳/۷	۲۱/۸	-
ترکمنستان	۵۸۵۰/۹۱	۷۶۴۷/۹	۴/۷	۵/۰	۴۰/۸
جهان	۷۵۹۴۲۷۰/۳۶	۱۰۸۵۷/۹	۱/۹	۱/۱	-

مأخذ: داده‌های بانک جهانی؛ قابل دسترس در <https://data.worldbank.org/>

\* آمار شاخص‌های کل جمعیت و سرنانه تولید ناخالص داخلی دلار آمریکا به قیمت ثابت ۲۰۱۰، مربوط به سال ۲۰۱۸ است.

\*\* آمار مربوط به سهم نفت از تولید ناخالص داخلی مربوط به سال ۲۰۱۷ است.

\*\*\* بر اساس آخرین اطلاعات بانک جهانی، آمار مربوط به ضریب جینی در ترکمنستان مربوط به سال ۱۹۸۸، امارات مربوط به سال ۲۰۱۴، ایران و قزاقستان مربوط به سال ۲۰۱۷ و ترکیه مربوط به سال ۲۰۱۸ بوده و آمار جهان و بقیه کشورها (قطر، کویت، عمان و عربستان) موجود نبود.

### مؤلفه‌های مؤثر در جهش تولید

از مهم‌ترین مؤلفه‌های تولید و عواملی که باعث جهش آن می‌شود می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

#### ۱- انحصارزدایی و آزادی در تولید با شرایط خاص

اولین رکنی که در امر تولید ضروری و مهم است و یکی از ابزار رشد تولید تلقی می‌شود، آزادی در تولید است اما در چارچوب نظارت دولت. آزادی در این زمینه به این معنا است که هر مرکز و واحد تولیدی در شرایط برابر و عادلانه به تولید خود پردازد و دولت وظیفه دارد نسبت به انحصاری شدن تولید به طور جدّ جلوگیری کند. منفی شدن رشد اقتصادی که ناشی از اثرات فشارهای بین‌المللی از سال‌های گذشته است از حوزه‌های مختلفی بر اقتصاد مترتب شده که یکی از مهم‌ترین آن‌ها در حوزه صنعت است. به حرکت درآوردن و جهش تولید از طریق مصرف بخش خصوصی در اقتصاد ایران موضوع مهمی است. به عنوان مثال، اگر تولید در انحصار گروهی خاص باشد و امکان تولید برای هر شخص، گروه و صنفی نباشد، زمینه ایجاد تفکر رانت فراهم می‌شود زیرا در جامعه سرمایه‌داری، مؤسسات تولیدی واحدهای کوچکی نیستند که هم‌اورد یکدیگر باشند و از امکانات مساوی برخوردار شوند؛ بلکه از نظر حجم، کارایی و قدرت میان آن‌ها اختلاف بسیار است. حرکت بر اساس تفکر رانتی منجر به اصطکاک شدید میان مؤسسات تولیدی می‌شود و مراکز قدرتمند تولید، مراکز ضعیف را

ورشکست می کنند و همین امر سبب شروع احتکار می شود، زیرا هیچ رقیبی در آن مورد تولیدی دیگر وجود ندارد و همچنین قشر ضعیفی به نام کارگر آسیب پذیرتر از قبل می شود زیرا با تعطیلی مراکز ضعیف، شغل خود را از دست می دهند؛ بنابراین دولت با نظارت و کنترل شرایط، ضمن اینکه انحصار در تولید را می شکند و تولید را آزاد می کند، از احتکار و انحصار جلوگیری کرده و علاوه بر ایجاد رونق در چرخه تولید، ضمانت شغلی برای کارگر ایجاد می کند.

#### ۲- تقاضامحور بودن تولید

رکن دیگری از ارکان تولید، تولید کردن بر اساس نیاز و احتیاج مصرف کننده است. اگر تولیدکننده، کالایی را تولید کند که مصرف کننده نسبت به آن احساس نیاز نمی کند، نه تنها چرخه تولید با جهش مواجه نمی شود؛ بلکه به سمت ورشکستگی و تعطیل شدن آن تولید منجر خواهد شد.

#### ۳- کانالیزه کردن سرمایه در مدار مولد

یکی از مشکلات تبادل کالا به وسیله پول و کنار گذاشتن تبادل کالا با کالا این شده است که تولیدکننده اگر سرمایه ای دارد تا زمانی که از سود بالای حاصل از تولید خویش اطمینان حاصل نکند، سرمایه خود را در بانک ذخیره می کند و سود بانک را بر سود حاصل از تولید ترجیح می دهد. این مسئله یکی از معضلات اقتصادی است. به همین دلیل باید از ذخیره سرمایه در بانک پرهیز کرد، چراکه یکی از موانع اصلی جهش تولید است. البته گفتنی است که اگر دولت، شرایط و بستر تولید آسان را برای سرمایه گذار و تولیدکننده فراهم کند قطعاً رونق و جهش تولید ممکن خواهد شد، چراکه سود حاصل از تولید اگر در شرایط مساعد و مناسب باشد، قطعاً از سود حاصل از ذخیره در بانک بیشتر خواهد بود.

#### ۴- نقش حاکمیت و سیاست گذاری در تحقق جهش تولید

حمایت از تولید تنها زمانی به نتیجه منجر خواهد شد که برآمده از برنامه حاکمیت و مبتنی بر اهداف بلندمدت و ملاحظات بین بخشی و در درجه اول، در پی تولیدمحور کردن اقتصاد ملی باشد؛ در غیر این صورت، حمایتگری به توزیع رانت نامولد انجامیده و تشدید رانت جویی در فضای سیاست گذاری کشور را به دنبال خواهد داشت. به عنوان مثال، معمولاً طرح های حمایت از تولید که توسط نمایندگان مجلس ارائه می شود، دارای جهت گیری های منطقه ای یا صنفی غیرراهبردی بوده و هدف گذاری آن با اهداف سیاست های صنعتی مغایرت دارد. همچنین این طرح ها در صورت تصویب، رقابت نمایندگان سایر مناطق یا اصناف را بر سر کسب همان حمایت ها دامن می زند.



مهم‌ترین کمک دستگاه مقررات‌گذاری کشور، نه طراحی سیاست‌های حمایتی خاص، بلکه حمایت از تولید در وجه عام و بستن منافذ سودبری‌های بی‌قاعده و کانال‌های سوداگری غیرمولد است که به صورت رقیب تولید ظاهر شده و مانع بسط تولید در کشور می‌شود. نکته مهم اینجاست که انجام این وظیفه هر دو سطح مقررات‌زدایی و مقررات‌گذاری را در برمی‌گیرد. بدون توجه به این مسئله، همه سیاست‌هایی که به نام حمایت از تولید اتخاذ می‌شوند، مستعد تبدیل شدن به ضد خود هستند (ن.ک: مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۹: ۱۸). مقرراتی را که موجب رشد و جهش تولید می‌شود و توسط دولت با اعمال قانون اسباب رشد تولید را فراهم می‌آورد، عبارتند از گرفتن زمین بلااستفاده از صاحب آن، عدم صدور جواز برای زمین بی‌فایده و عدم استفاده مفید از آن، خلع ید کردن کارفرما در صورت ناکارآمدی نسبت به منابع طبیعی، عدم جواز اجاره دادن مال اجاره شده، حرمت گرفتن بهره و سود سرمایه، ممانعت از ذخیره کردن سرمایه و خروج آن از جریان تولید، ممانعت از تمرکز و انحصار سرمایه در دستان عده‌ای معدود، به ارث رسیدن اموال شخص به نزدیکان وی موجب تشویق به تولید است. لزوم اطمینان‌بخشی دولت به تولیدکننده جهت ادامه روند تولید، لزوم یادگیری تمام فنون و صنایع، وجوب نظارت دولت بر امر تولید.

یکی دیگر از موارد لازم و ضروری در جهش تولید و اساس تولید، نقش نظارتی دولت است. دولت به‌عنوان ناظر، باید کنترل همه‌جانبه‌ای بر جریان گردش، بازارها و تولیدی‌ها داشته باشد. از این بیان می‌توان این‌گونه برداشت کرد که دولت باید ناظر باشد و نه تولیدکننده و یا کاسب، چراکه اگر خود دولت وارد عرصه تولید شود هم به جهت قدرتی که دارد، زمینه تولید را برای دیگران و به اصطلاح بخش خصوصی کمرنگ می‌کند و کم‌کم باعث انحصاری شدن مورد تولید می‌گردد و نیز با ورود دولت به تولید، نقش نظارتی آن کمرنگ می‌شود و طبعاً وقتی قدرت نظارت کم شود، جهش تولید نیز تحت تأثیر قرار خواهد گرفت.

شاخص حکمرانی منابع یا کیفیت نهادی، شاخص تأثیرگذار دیگری است که بر اساس این فرض است که حکمرانی خوب منابع طبیعی برای توسعه موفق کشورهای دارای نفت، گاز و مواد معدنی فراوان، ضروری است. این شاخص یک ابزار تشخیصی برای کمک به شناسایی شیوه‌های خوب و همچنین کاستی‌های مدیریت منابع معدنی است. در رتبه‌بندی کشورها از جهت این شاخص کشور نروژ بهترین رتبه را گرفته است و میانمار آخرین رتبه و ایران رتبه ۵۳ امین کشور را در بین ۵۸ کشور به خود اختصاص داده است (غیاثوند و میرزایی، ۱۳۹۰). در خلال سال‌های اخیر توجه به نقش نهادها در رشد و توسعه کشورهای دارای منابع طبیعی بسیار افزایش

یافته است و محققان گوناگونی از جمله گیلفیسون<sup>۱</sup> (۲۰۰۱)، وانتچیکن<sup>۲</sup> (۲۰۰۲)، گیلفیسون و زویگا<sup>۳</sup> (۲۰۰۶)، کارل<sup>۴</sup> (۲۰۰۷)، ملهوم و موانی و تورویک<sup>۵</sup> (۲۰۰۶)، رابینسون، تورویک و ردیر (۲۰۰۶)، کولیر و هوافلر<sup>۶</sup> (۲۰۰۹) و تورویک (۲۰۰۹) نشان دادند که وجود منابع معدنی و صادرات آن‌ها علتی برای کاهش رشد اقتصاد در بلندمدت نیست، بلکه کیفیت نهادهای کشورهای نوع رابطه منابع معدنی و رشد اقتصادی را تعیین می‌کند. توجه به نقش نهادها در تحلیل مسائل کشورهای دارای منابع طبیعی علل مختلفی دارد. از جمله رواج تحلیل‌های نهادی در مراکز دانشگاهی و نهادهای بین‌المللی مانند بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول که در سال اخیر بسیار گسترش یافته است؛ اما مسئله دیگری که باعث توجه به نهادها شد، موفقیت برخی از کشورهای دارای منابع طبیعی مانند نروژ و بوتسوانا و شکست برخی از کشورهای دیگر است. در واقع همان‌طور که تورویک اشاره می‌کند در سال‌های اخیر یک سؤال در ادبیات نفرین منابع، جایگزین سؤال قبلی وجود یا عدم وجود این نفرین نشده است و آن اینکه «چرا برخی از کشورهای دارای منابع فراوان طبیعی موفق شدند و بقیه موفق نشدند». در واقع تا پیش از توجه به نقش نهادها تبیین تفاوت میان کشورهای دارای منابع طبیعی امکان‌پذیر نبود. توجه به نقش نهادها در مدل‌های رشد درونزا برای تبیین شکاف درآمدی بین کشورها در سال‌های اخیر مورد توجه زیادی قرار گرفته است. رومز (۱۳۸۸) زیرساخت‌های اجتماعی را یکی از مهم‌ترین عوامل ایجاد تفاوت درآمد سرانه کشورها بیان می‌کند. مقصود از زیرساخت‌های اجتماعی نهادها و سیاست‌هایی است که باعث تشویق سرمایه‌گذاری و تولید به جای مصرف و انحراف منابع می‌شود. جنبه‌های متفاوتی از زیرساخت‌های اجتماعی را می‌توان در سه گروه برشمرد. اولین گروه به سیاست‌های مالی دولت مربوط می‌شود. گروه دوم، نهادها و سیاست‌هایی که زیرساخت اجتماعی را تشکیل می‌دهند شامل عوامل به وجود آورنده محیطی است که تصمیم‌گیری خصوصی در داخل آن انجام می‌گیرد. گروه سوم، سیاست‌هایی است که زیرساخت‌های اجتماعی را تشکیل می‌دهند و شامل فعالیت‌های رانت‌جویانه به وسیله خود دولت است (تقوی، ۱۳۸۸: ۲۷۲). عجم اوغلو و رابینسون (۱۳۹۲) در کتاب «چرا کشورها شکست می‌خورند» (جبل عاملی و فرهادی پور، ۱۳۹۲: ۴۹۳) بر این نکته تأکید دارد که برخورداری کشورها از نهادهای فراگیر اقتصادی و سیاسی (نهادهای اقتصادی فراگیر موجب تقویت حقوق مالکیت شده و زمینه‌ای فراهم می‌کنند که باعث تشویق سرمایه‌گذاری در تکنولوژی‌های جدید و مهارت‌های مختلف که منجر به رشد اقتصادی خواهد شد)، عامل موفقیت کشورها است.

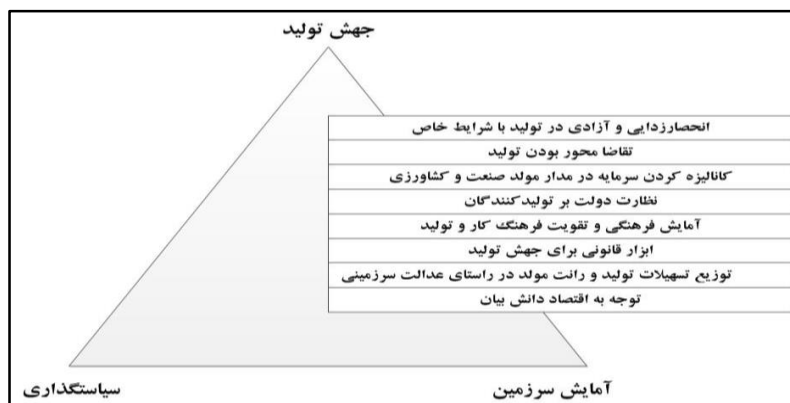
1. Gylfason
2. Wantchekon
3. Gylfason & Zoega
4. Karl
5. Mehlum, Torvik & Moene
6. Collier, Hoeffler

نهادهای اقتصادی بهره‌کش که ساختار آن‌ها در جهت بهره‌گیری منابع برای گروهی خاص است در حفظ حقوق مالکیت ناکام می‌مانند و نمی‌توانند چنین رشدی را به وجود آورند. از سوی دیگر، نهادهای اقتصادی فراگیر هم از سوی نهادهای سیاسی فراگیر حمایت می‌شوند و هم به این نهادها یاری می‌رسانند؛ نهادهای سیاسی فراگیر که با تکثرگرایی در توزیع قدرت سیاسی حاصل شده و چنان تمرکز سیاسی در کشور به وجود می‌آورند که می‌تواند قانون و مقررات را اجرایی کند و این برای تضمین حقوق مالکیت و اقتصاد بازار فراگیر می‌شود و بدین گونه نتیجه‌گیری می‌نماید که اگر نهادها به سمت نهادهای اقتصادی فراگیر پیش رود کشورها را به سوی رونق اقتصادی گسیل خواهد داد (ر.ک: غیاثوند و صبوری، ۱۳۹۰: ۱۱۰).

#### ۵- آمایش فرهنگی برای جهش تولید

یکی از ابزارهای مهم برای تحقق جهش تولید، کار فرهنگی و تشویق مردم نسبت به روی آوردن به امر تولید است. مسئله ایجاد فرهنگ کار مثبت و حذف فرهنگ‌های منفی در روند کار و تولید یکی از موضوعاتی است که سازمان‌های امروز با آن روبه‌رو هستند. توسعه متوازن تنها در صورتی تضمین می‌شود که بتوان عوامل فرهنگی را به‌صورت جزء پیوسته راهبردی طراحی کرد. باید این برنامه‌های راهبردی را با توجه به بستر تاریخی، اجتماعی و فرهنگی هر جامعه تعریف کرد. از این‌رو، در مرحله برنامه‌ریزی باید عوامل فرهنگی را به‌حساب آورد. خواه به‌صورت عوامل محدودکننده که از شتاب توسعه می‌کاهند یا به‌عنوان عواملی که موجبات دگرگونی و تغییر اجتماعی را فراهم می‌آورند. آمایش فرهنگی، می‌تواند با تحلیل پیشینه فرهنگی، عناصری مانند فرهنگ کار، فرهنگ یادگیری و نوآوری، تعارضات و ... که در توسعه اثر دارند و همچنین شناسایی فرایندها و عناصر فرهنگی که در گذشته استان‌ها عامل یا مانع پیشرفت بوده، نقش مهمی در تقویت فرهنگ کار و تولید ایفا نماید. سیاست‌گذاری اقتصادی بدون توجه به مؤلفه‌های اجتماعی مورد توجه و پذیرش قرار نمی‌گیرد؛ به عبارت دیگر، هرگونه تغییر و دگرگونی جغرافیایی و اقتصادی نیازمند آن است که زیرساخت‌های اجتماعی و هنجاری‌اش فراهم شود. به همین دلیل است که تحلیل‌گران موضوعات منطقه‌گرایی جدید علاوه بر شاخص‌ها و نشانه‌های اقتصادی-فناورانه به مؤلفه‌های هنجاری و اجتماعی نیز توجه دارند. به این ترتیب، هنجارها می‌توانند پیوندهای مناسب و مؤثر با شاخص‌های ابزاری در روند توسعه منطقه‌ای ایجاد نمایند (Wallace, 1994: 11).

نقش مؤلفه‌های فرهنگی-هنجاری در توسعه منطقه‌ای به‌گونه‌ای است که زمینه تمایز نهادها و ساخت‌های اقتصادی در مناطق متنوع در حال توسعه را ایجاد می‌کند؛ به عبارت دیگر، نقش عوامل فرهنگی در روند منطقه‌گرایی، زمینه «تمایز»<sup>۱</sup> در حوزه‌های جغرافیایی مختلف را ایجاد کرده و از این طریق شاهد تنوع در فرایند و شکل‌بندی‌های توسعه منطقه‌ای است (مصلی‌نژاد، ۱۳۸۹: ۳۶۷).



شکل ۲: مؤلفه‌های مؤثر در جهش تولید

منبع: مطالعات تحقیق

### صرفه مقیاس، منطقه‌ای شدن یا خوشه‌بندی

منظور از تجمع، تمرکز فعالیت‌های اقتصادی یک صنعت خاص در یک محدوده مشخص مکانی است که با عنوان «خوشه‌ای شدن» نام برده می‌شود. صرفه‌های ناشی از تجمع، یکی از علل عمده توسعه مناطق صنعتی شناخته شده و نمونه‌ای از آثار جانبی مثبت در تولید است؛ یعنی هزینه تولید بنگاه در اثر افزایش تولید بنگاه‌های دیگر کاهش می‌یابد. صرفه‌های ناشی از تجمع صنعتی که بر رشد اقتصادی مؤثرند، شامل: ۱- استفاده مشترک از تأمین‌کنندگان نهاده‌های تولید؛ ۲- استفاده مشترک از اندوخته نیروی کار؛ ۳- استفاده مشترک از اطلاعات هستند (سالیوان، ۱۳۸۶).

تجمع فعالیت‌های صنعتی به وسیله ایجاد صرفه‌های ناشی از تجمع محلی، رشد منطقه را موجب می‌شود. صرفه‌های ناشی از تجمع محلی هنگامی رخ می‌دهد که هزینه‌های تولید بنگاه‌ها در صنعتی خاص، با افزایش تولید در آن صنعت کاهش یابد. این مسئله به این دلیل است که در تجمع‌های صنعتی، اندوخته فراوانی از نیروی کار وجود دارد که کارایی بازار نیروی کار محلی را از طریق ایجاد انطباق بین کارگران و کارفرمایان تسهیل می‌کند. همچنین وجود سرریزهای سودمند دانش، موجب ارتقاء درون صنایع و نیز بین صنایع می‌شود (Martin et al., 2009)؛ بنابراین، تجمع صنعتی می‌تواند با بهره‌وری بیشتر، دستمزدهای واقعی، استاندارد زندگی بهتر و رشد اقتصادی همراه باشد.

مقید ساختن تجمع صنعتی به محدوده‌های جغرافیایی و تبیین آثار اقتصادی ناشی از اثرات سرریز بین منطقه‌ای، مفهوم تجمع فضایی فعالیت‌های صنعتی را در ادبیات رشد منطقه‌ای مطرح می‌سازد. با افزایش تجمع فضایی فعالیت‌های صنعتی در یک محدوده جغرافیایی مانند منطقه، درآمد دائمی نیروی کار منطقه، در نتیجه ایجاد کالاهای متنوع و نیز افزایش دستمزدهای واقعی، بیشتر خواهد شد. افزایش درآمد دائمی موجب

افزایش تقاضا برای تولیدات منطقه می‌شود و افزایش تولید منطقه به معنی فزونی یافتن رشد منطقه است. از سوی دیگر افزایش رشد منطقه، موجب افزایش تقاضای منطقه برای کالاها و خدمات می‌شود که محرکی برای جذب صنایع به منطقه است؛ بنابراین تجمع فعالیت‌های اقتصادی در منطقه، بر رشد منطقه و رشد منطقه بر تجمع فعالیت‌ها در آن تأثیر می‌گذارد (پیرانی و همکاران، ۱۳۹۵: ۱۶۶).

گرایش واحدهای تولیدی به تمرکز و هم‌جواری فضایی فعالیت از جمله تغییرات در ساختار فضایی تولید است. چگونگی تراکم و پراکندگی بنگاه‌ها و واحدهای تولیدی در بین مناطق مختلف کشور و بررسی میزان ارتباط واحدها با یکدیگر، از مؤلفه‌های تمرکز فضایی است (مهرگان و تیموری، ۱۳۹۱: ۱۷۱) که از طریق آن‌ها می‌توان به چگونگی ساختار فضایی تولید پی برد. تمرکز فضایی یک صنعت خاص، پراکندگی سهم منطقه‌ای آن صنعت را نشان می‌دهد. بخش اعظم یک صنعت خیلی متمرکز، در تعداد محدودی از مناطق مکان‌یابی می‌شوند (Goshin, 2012: 257). بر اساس تعریف پورتر (۱۹۹۸) تمرکز فضایی صنایع، به خوشه‌بندی جغرافیایی گروهی از شرکت‌ها و نهادها برمی‌گردد که یک تولید ویژه یا فعالیت اقتصادی به هم مرتبط را انجام می‌دهند.

در پی کار کرگمن، مبانی تئوریک متعددی جهت گسترش تئوری تمرکز انجام شد. بر اساس تعریف پورتر (۱۹۹۸)، تمرکز صنعتی به خوشه‌بندی جغرافیایی گروهی از شرکت‌ها و نهادهایی که یک تولید ویژه و یا فعالیت‌های اقتصادی با هم مرتبط برمی‌گردد.

چرا بنگاه‌ها انتخاب می‌کنند که تمرکز جغرافیایی داشته باشند؟ کروگمن (۱۹۹۱) سه دلیل ممکن برای این پرسش بیان کرد:

اول اینکه، تمرکز یک بازار کار ادغام شده‌ای ایجاد می‌کند. دوم اینکه، درجه بالاتری از تمرکز صنعتی از نهادهای تخصصی غیرتجاری حمایت کرده و سطح تخصصی شدن صنعت را بهبود دهد و اینکه سرریزهای اطلاعات در مناطق تمرکز ویژه می‌تواند اثرات خارجی مثبت برای بهره‌وری بنگاه‌ها ایجاد کند.

تمرکز به‌عنوان اثرات خارجی مثبت طبقه‌بندی می‌شود. در واقع صرفه‌جویی‌های ناشی از تمرکز ابتدا توسط مارشال (۱۹۲۰) مطرح شد. وی ادعا کرد که صرفه‌جویی‌های ناشی از اثرات خارجی می‌تواند به‌وسیله منطقه‌ای شدن صنایع کسب شود. زمانی که ستانده صنعتی به میزان کافی بزرگ است برای حمایت از تولیدات تخصصی تعداد زیادی بنگاه را قادر می‌سازد بنگاه‌ها از صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس بهره ببرند و متوسط هزینه تولید یک بنگاه به طور قابل توجهی کاهش یابد. به عبارتی، مزایای منطقه‌ای شدن صنایع (تمرکز) نهفته در ترویج ناهمگونی تولیدکنندگان تخصصی از کالاهای واسطه‌ای در یک منطقه تخصصی و بنابراین مؤلف سرریز اطلاعات است. در نتیجه، بسیاری از مطالعات این توضیحات را به‌عنوان علل تمرکز بسط دادند و اثرات تمرکز را به

صرفه‌جویی‌های ناشی از محلی شدن و صرفه‌جویی‌های ناشی از شهری شدن طبقه‌بندی کردند. صرفه‌جویی‌های ناشی از محلی شدن اشاره دارد به اینکه خوشه شدن بنگاه‌ها در یک صنعت می‌تواند کارایی را بهبود دهد، در حالی که صرفه‌جویی‌های ناشی از شهری شدن به این اشاره دارد که یک اثر افزایش کارایی به ارمغان آمده به‌وسیله تمرکز انواع گوناگون فعالیت‌ها در منطقه داده شده است. اخیراً دانشمندان اغلب صرفه‌جویی‌های ناشی از تمرکز را به اثرات خارجی مارشال، ارو و رومر و اثرات خارجی جاکوبز (۱۹۶۹) ارجاع می‌دهند. لازم به ذکر است، در مجموع اثرات خارجی مثبت تمرکز سبب بهبود بهره‌وری می‌شود.

اثرات خارجی را می‌توان به پنج بخش اصلی تقسیم کرد:

خوشه‌ای شدن بنگاه‌های به هم پیوسته می‌تواند سبب کاهش هزینه‌های مبادله تحمیل شده در هر واحد فاصله شود. تراکم بازار کار محلی فرصت‌های جویندگان کار و فرصت‌های شغلی را بهبود می‌دهد، روابط معاملاتی جریان از انواع خاصی از اطلاعات مربوط به کسب و کار و یا سرریز دانش را ایجاد می‌کند. خوشه‌ای شدن تولیدکننده‌های مختلف در حمایت از تشکیل اتحاد کسب‌وکار و تقویت رقابت محلی مفید است. تمرکز به طور معناداری صرفه‌جویی‌های ناشی از مقیاس را به جهت استفاده از زیرساخت‌ها (کالای عمومی) نسبت به حالتی که بنگاه‌ها پراکنده هستند، افزایش می‌دهد.

با توجه به بهره‌گیری از اثرات جانبی مثبت بیان شده در بالا، شرکت‌های واقع در یک منطقه نسبتاً متمرکز به بهره‌وری بالاتر دست می‌یابند. با این حال، این نکته نیز شایان ذکر است که زیان‌های ناشی از تجمع انباشتگی در رشد منطقه ممکن است به دلیل بازدهی نزولی نسبت به مقیاس به وجود آید. درجه بالای شهرنشینی، ممکن است در محیط نامطلوب برای شرکت‌ها، انبوه تراکم، افزایش شدید رقابت، هزینه‌های بالاتر زمین و سایر نهادها و شدت رقابت در بازارهای ستانده منجر شود. این افزایش هزینه‌های تجارت ناشی از زیان‌های ناشی از تمرکز می‌تواند بر بهره‌وری بنگاه اثر منفی گذارد؛ و در نتیجه بهره‌وری پایین‌تر برای شرکت‌های واقع در مناطق فضایی متمرکز القا شود. در نهایت، باید گفت شناسایی مزایای استفاده از صرفه‌جویی‌های ناشی از تمرکز یا زیان‌های ناشی از تمرکز در هر مورد خاص یک مسئله تجربی است.

#### مزیت نسبی

مزیت نسبی یکی از معیارهای مهم اقتصادی جهت برنامه‌ریزی در تولید و فاکتور مهم در شناخت توانایی‌های بالقوه و بالفعل و نشانگر توانایی کشور در تولید محصول با هزینه‌های کمتر است. نظریه سنتی مزیت نسبی که

ابتدا توسط ریکاردو ارائه شد و سپس توسط اقتصاددانانی چون هابرلر،<sup>۱</sup> هکشر- اوهلین،<sup>۲</sup> ساموئلسون، لئون تیف<sup>۳</sup> و دیگران پیگیری و تکامل یافته به دیدگاه ایستای مزیت نسبی پرداخته است که بیشتر طرف عرضه تولید را مدنظر قرار داده و بر نقش طبیعت یا تاریخ (که عوامل برون‌زای تولید هستند) به‌عنوان عوامل تعیین‌کننده مزیت نسبی تأکید کرده است. اصل مزیت نسبی بیان می‌کند کل تولید گروهی از افراد یک اقتصاد و یا گروهی از ملت‌ها زمانی ماکزیمم است که تولید هر کالا توسط فرد یا بنگاهی انجام شود که کمترین هزینه فرصت را دارد. مفهوم مزیت نسبی، ابتدا در زمینه تجارت بین‌الملل به کار برده شد، به طوری که دیوید ریکاردو در نوشته‌های خود در قرن ۱۹ این‌گونه نتیجه‌گیری کرد: «نفع هر کشوری در این است که به تخصصی شدن در تولید و ارائه کالاها و خدماتی بپردازد که در تولید آن بهترین بوده و با مبادله مازاد آن با کشورهای دیگر، نیاز خود به کالاها و خدمات دیگر را تأمین کند» که آن‌ها نیز در تولید و ارائه آن کالاها بهترین هستند (جلیل پیران، ۱۳۹۴: ۴۳).

هابلر (۱۹۳۶) نظریه مزیت نسبی را بر اساس هزینه فرصت تفسیر کرد. در چنین حالتی قانون مزیت نسبی را قانون هزینه‌های نسبی می‌نامیم. نظریه هکشر اوهلین مشهور به نظریه موجودی عوامل تولید یا سهم عوامل تولید بیان می‌کند که هر کشور در تولید و صدور کالایی، تخصص به دست می‌آورد که عامل تولید مورد نیاز آن کالا را به‌طور نسبتاً فراوان و ارزان در اختیار دارد و کالایی را وارد می‌کند که عامل تولیدی مورد نیاز آن در کشور نسبتاً کمیاب و گران است. طرفداران نظریه مزیت نسبی پویای کروگمن (۱۹۸۰) (که سپس توسط گروسمن و هلپمن (۱۹۹۱) مطرح شد)، معتقدند عوامل پیشرفته‌ای که بر پله‌های بالایی نردبان مزیت تأثیرگذارند، در طول زمان و به‌وسیله سرمایه‌گذاری قابل توجه در سرمایه انسانی و فیزیکی به‌منظور خلق مزیت نسبی، ایجاد می‌شوند؛ بنابراین، فناوری صنایعی که در پله‌های بالاتر نردبان مزیت قرار می‌گیرند، اغلب مبتنی بر صرفه‌های ناشی از مقیاس است که محصولات تولیدی آن‌ها از نوع پورتر و کروگمن (بر پایه مزیت نسبی خلق شده) شناخته می‌شوند (ناظمیان و همکاران، ۱۳۹۰: ۴).

مزیت نسبی می‌تواند در طول زمان از طریق تکامل چرخه زندگی محصول، تغییر در برخورداری از عوامل و دستیابی به بازدهی صعودی نسبت به مقیاس، کسب شود. بر اساس دیدگاه مزیت نسبی پویا، هر کشوری می‌تواند به‌صورت درون‌زا و با استفاده از فناوری و پیشرفت‌های فناوری و عوامل دیگر به خلق مزیت بپردازد (جعفری صمیمی و نقوی، ۱۳۸۷).

1. Haberler  
2. Heckscher-Ohlin  
3. Leontief

به طور خلاصه وجود مزیت نسبی در گذشته عمدتاً به عنوان مزیت در فراوانی منابع خاص که در تولید یک یا چند محصول شدت بیشتری دارد، تعبیر می‌شد. اما امروزه مصادیق مزیت نسبی، مفاهیم پیچیده تری به خود گرفته است و به توانایی تکنولوژیک، سازمان تولید و مدیریت و انعطاف پذیری در برنامه ریزی و عملکرد نیز مربوط می‌شود. برونو (Bruno, 1972) هزینه منابع داخلی را میزان هزینه فرصت واقعی منابع داخلی که صرف تولید (صرفه جویی) یک واحد نهایی ارز می‌شود، تعریف می‌کند؛ بنابراین شاخص هزینه منابع داخلی، هزینه فرصت عوامل اولیه استفاده شده در تولید یک محصول را با ارزش افزوده آن در قیمت‌های جهانی مقایسه می‌کند. به عبارت دیگر روش هزینه منابع داخلی، یک معیار هزینه- فایده است که بر اساس آن سیاست‌گذاران تصمیم می‌گیرند که آن محصول را در داخل تولید کرده و یا از بازارهای جهانی وارد کنند.

اما در عمل و در دنیای واقعی، به دست آوردن قیمت‌های نسبی و هزینه‌های فرصت قبل از تجارت به خاطر عدم برقراری فرض‌های نظری مزیت نسبی، مانند نبودن بازار رقابت کامل و تجارت آزاد با مشکل مواجه است. چراکه به دلیل دخالت دولت‌ها در تجارت برون مرزی و وضع قوانین گمرکی و موانع تعرفه‌ای و غیرتعرفه‌ای متعدد، تز وجود تجارت آزاد مصداق پیدا نمی‌کند (مهرآرا و رستمیان، ۱۳۸۵: ۱۴۳-۱۴۱).

#### رقابت‌مندی

از آنجاکه یک پارادایم عموماً پذیرفته شده در خصوص تعریف رقابت‌مندی وجود نداشته، لذا تعاریف مختلفی از سوی اندیشمندان و سازمان‌های مختلف (مانند UNCTAD و OECD و ...) از این مفهوم ارائه شده است. تاکنون تعاریف متعددی از رقابت‌مندی در سطح ملی (کلان) و در سطح بنگاه (خرد) ارائه شده است. در این قسمت مروری بر برخی از مهم‌ترین تعاریف خواهیم داشت.

سازمان همکاری اقتصادی و توسعه (۱۹۹۶) معتقد است که رقابت‌مندی عبارت است از «سطحی از تولید کالا و خدمات کشور که در شرایط بازار آزاد بتواند تقاضای بازارهای جهانی را جذب کرده و سطوح مختلف این تقاضا را برآورده سازد و در عین حال به این وسیله درآمد واقعی شهروندان را در بلندمدت افزایش دهد، انعکاسی از سطح رقابت‌مندی آن کشور است». این سازمان در تعریفی دیگر عنوان می‌کند که «رقابت‌مندی درجه‌ای از وضعیت بازار باز است که یک کشور می‌تواند به تولید کالاها و خدمات بپردازد، در حالی که رقبای خارجی را در کنار خود حس می‌کند و همزمان بتواند درآمد واقعی داخلی خود را افزایش دهد».

انجمن رقابت‌مندی ایالات متحده آمریکا معتقد است «رقابت‌مندی به معنای توانایی در افزایش تولید از طریق خلق کالاها و خدماتی با سطح بالاست که بتواند پاسخ شیشه‌ای به معیارهای بازار جهانی بدهد» (ن.ک: فقیه نصیری، ۱۳۸۶: ۱۶۱).



رقابت بنگاه‌های اقتصادی از طریق شناسایی مزیت‌های نسبی، مفهوم رقابت‌پذیری را در سطح سرزمین، مرتبط با بنگاه می‌داند. بر این اساس، مزایای نسبی و تفاوت سرزمین‌هاست که وارد عمل شده و منجر به مکان‌یابی صنایع و خدمات خواهد شد. در این خصوص، منافع سرزمین‌ها در تجارت بین‌المللی از تولید کالاها و خدماتی که در آن‌ها از مزایای نسبی برخوردار هستند، ناشی می‌شود. در نتیجه هیچ رقابتی میان سرزمین‌ها وجود ندارد (Krugman, 1994)؛ چراکه دست نامرئی بازار توسعه متوازن را برای هر سرزمین فراهم می‌سازد که بحث در مورد رقابت‌پذیری سرزمینی را بی‌فایده خواهد ساخت (Lengyel, 2009). رومر (Romer, 1990) رشد اقتصادی را ناشی از سرمایه انسانی دانسته یا طبق دیدگاه ریچارد فلوریدا (Florida, 1995) رقابت‌پذیری یک سرزمین به توانایی آن در ایجاد شرایطی برای جذب نیروی انسانی خلاق، اطلاق می‌شود.

#### رویکردهای نظری مطرح در حوزه رقابت‌پذیری منطقه‌ای

مفهوم رقابت‌پذیری منطقه‌ای با نظریه‌های بسیاری چه در سطح خرد و چه در سطح کلان مرتبط است و در واقع می‌توان سنگ بنای رقابت‌پذیری منطقه‌ای را بر چند رویکرد نظری مهم در این زمینه گذاشت. نظریه کلاسیک از اولین نظریات در این حوزه است که بر طبق آن، هر کشور در تولید کالاهایی که بر اساس برتری‌های تکنولوژیک، مزیت نسبی دارد؛ تخصصی می‌شود. نظریه مزیت مطلق آدام اسمیت و مزیت نسبی ریکاردو از اولین نظریات درباره تخصصی شدن و تجارت و مبادله بین مناطق به شمار می‌آیند. ریکاردو در سال ۱۸۱۷ بیان می‌کند که کشورها در کالاهایی که در آن‌ها نسبت به سایر کشورها مزیت نسبی دارند، تخصصی می‌شوند و این مزیت نسبی ناشی از تفاوت در فناوری تولید بین صنایع و در میان کشورها و در واقع تفاوت در بهره‌وری نیروی کار نسبی است. از سوی دیگر، نظریه نئوکلاسیک (هکشر-اوهلین) که اصلاح شده نظریه کلاسیک است، مزیت نسبی مناطق را بر مبنای موهبت‌های طبیعی آن‌ها تعریف می‌کند (صباغ کرمانی، ۱۳۸۰: ۱۱۲-۱۱۰). فرض نظریه مزیت نسبی ریکاردو و هکشر-اوهلین این بود که تجارت بر پایه تفاوت ظرفیت‌های خدادادی اتفاق می‌افتد و بازده‌های نزولی نسبت به مقیاس و تکنولوژی بین کشورها را برابر در نظر می‌گیرند (مارتین، ۲۰۰۴: ۱۱-۱۰).

بنابراین به‌طور کلی این دو نظریه، مزیت نسبی مناطق در تولید و صنایع مختلف را اساس و پایه روابط و مبادلات بین منطقه‌ای می‌دانند. دیدگاه نئوکلاسیک، عوامل مؤثر در رقابت‌پذیری منطقه‌ای را سرمایه‌گذاری، شرایط درونی، فناوری برونزا و سرمایه انسانی می‌داند (گاردینر، ب. ۲۰۰۳: ۵). نظریه دیگر، نظریه رشد اقتصادی درونزا (تئوری رشد جدید) است که بر اساس آن انباشت دانش، بازده‌های فزاینده ایجاد می‌کند و بنابراین شرکت‌ها جهت دستیابی به امتیازات انحصاری، می‌توانند دانش را برای خود نگه دارند و دولت‌ها باید

از تعامل بین دانش در حال انتشار و حقوق و دارایی‌های فکری حمایت کنند تا سرمایه‌ها در تحقیق و توسعه (R&D) حفظ شود، همچنین این تئوری برای سرمایه انسانی و نیروی کار ماهر محلی، اهمیت زیادی قائل می‌شود (مارتین، ۲۰۰۴: ۱۴).

#### مؤلفه‌های رقابت‌پذیری منطقه‌ای

##### مناطق به‌مثابه مکان تخصصی کردن صادرات

بر اساس این مفهوم، عواملی که سبب ایجاد عرضه و تقاضا برای صادرات در مناطق می‌شود به این صورت مطرح می‌شوند که مناطق با یکدیگر رقابت می‌کنند تا فعالیت اقتصادی را بر پایه «موهبت‌های طبیعی» نسبی که دارند جذب کنند و در فعالیت‌هایی که مزیت نسبی دارند، تخصص می‌یابند (عرضه). عملکرد اقتصادی یک منطقه نیز به‌اندازه نسبی و موفقیت صنایع صادرات‌محور آن بستگی دارد و تقاضای خارجی برای صادرات منطقه تابعی از قیمت صادرات، درآمد بازارهای خارجی و قیمت کالاهای جایگزین در بازار است. عواملی مانند کیفیت تولید و خدمات پس از فروش نیز بر تقاضا اثر خواهد گذاشت و ممکن است به عملکرد تقاضای صادرات اضافه شوند. رقابت‌پذیری بخش صادرات منطقه در بازارهای جهانی بر رشد بخش صادرات در میان آثار آن، نه تنها بر قیمت بلکه بر کیفیت محصولات تولید شده تأثیر می‌گذارد. هزینه‌های دستمزد، هزینه‌های سرمایه‌ای، هزینه‌های مواد خام، هزینه‌های محصول واسطه و موقعیت تکنولوژی، همه بر موقعیت رقابتی منطقه در بازارهای جهانی تأثیرگذارند (مارتین، ۲۰۰۴: ۲۱).

##### مناطق به‌مثابه منبع بازده‌های فزاینده

مدل کالدورین، امکان رقابت‌پذیری تراکمی منطقه‌ای را فراهم می‌سازد. رشد محصول تابعی از تقاضا برای صادرات و تقاضا برای صادرات تابعی از نرخ افزایش تقاضای جهانی و قیمت تولید منطقه نسبت به قیمت‌های جهانی است. نرخ افزایش قیمت تولید برابر با نرخ رشد دستمزد منهای نرخ رشد بهره‌وری است که منجر به افزایش محصول می‌شود و افزایش محصول، بهره‌وری را افزایش می‌دهد. مارشال، شکل‌گیری تمرکزهای مکانی تخصصی کردن صنایع را به‌عنوان بخشی از توسعه سازمانی و ارگانیک اقتصاد صنعتی دیده است. وی موفقیت رقابتی صنایع کلیدی را در تمرکز جغرافیایی آنها می‌بیند و سپس تخصصی کردن صنایع را به‌عنوان کلیدی برای موفقیت اقتصاد محلی معرفی می‌کند و سه نوع صرفه ناشی از تمرکز «تقویت متراکم سرمایه انسانی متخصص، رشد حمایت تخصصی شده و فرصت‌های تقسیم‌کار» را نام می‌برد که مزیت رقابتی بنگاه‌ها را ارتقا می‌بخشد (مارتین، ۲۰۰۴: ۲۱).

مناطق به‌مثابه مراکز دانش

مارشال نه تنها بر اهمیت سه صرفه ناشی از تمرکز کلیدی (کارگران تخصصی شده بنگاه‌های حمایت‌کننده تخصصی شده و فرصت‌های تقسیم نیروی کار بین بنگاهی) تأکید می‌کند، بلکه بر تعاملات بین این سه نیز تأکید می‌کند. با تمرکز بر دانش و فنون کار در یک منطقه، یک «محیط نوآوری محلی» ایجاد می‌شود و فرایندهای یادگیری مشترک، دانش کارآفرینی و نوآور به وجود می‌آید که در ایجاد مزیت اقتصادی منطقه‌ای مهم است. نوآوری به معنی «فرایند یادگیری متقابل که مستلزم تعامل میان فعالان اقتصادی و آموزشی و پژوهشی است». مایکل پورتر مدل اصلی مارشال را با عناصر کار طولانی‌مدت او بر استراتژی رقابتی بنگاه‌ها ترکیب می‌کند و تئوری خوشه‌ای و مدل الماس رقابتی خود را ارائه می‌دهد (ن.ک: داداشپور و احمدی، ۱۳۸۹).

رویکردهای نظری در حوزه تفاوت‌ها و تعادل‌های منطقه‌ای

عمده‌ترین نظریه‌هایی که بیانگر تأثیر تفاوت‌های منطقه‌ای در تحلیل توسعه ملی و منطقه‌ای است، نظریه دوگانگی اقتصادی، نظریه قطبی شدن و واگرایی منطقه‌ای و نظریه همگرایی منطقه‌ای را شامل می‌شود. نظریه دوگانگی اقتصادی اساساً مفهومی بخشی است و در مباحث منطقه‌ای می‌تواند با انتساب ساختار بخش‌ها به مناطق خاص استفاده شود. در این زمینه، می‌توان دوگانگی فنی (تفاوت طرف عرضه مانند تفاوت در خصوصیات توابع تولید) را با توجه به اینکه مناطق کمتر توسعه‌یافته معمولاً دارای ساختار سنتی تولید هستند، برای طراحی توابع تولید و الگوهای منطقه‌ای طرف عرضه مورد استفاده قرار داد. تفاوت‌های مزبور که عمدتاً میان بخش‌های صنعت و کشاورزی از دیدگاه بخشی و مناطق شهری و روستایی از دیدگاه منطقه‌ای است باعث مشخص‌نمایی متفاوت توابع تولید خواهد شد. همچنین با استفاده از مفهوم دوگانگی کلاسیک یا دوگانگی شهری روستایی، می‌توان آمار تفاوت‌های طرف تقاضا (مانند تفاوت در رفتار مصرفی مناطق) را بررسی کرد.

در زمینه نظریه قطبی شدن، پرو (۱۹۵۰) چنین استدلال می‌کند که فرایند توسعه در مسیر خود منجر به قطبی شدن فضا و فعالیت‌ها خواهد شد. این امر بدان معناست که در فرایند توسعه، وجود مناطق یا بخش‌های جاذب باعث گرایش به تمرکز فعالیت‌ها در آن منطقه یا بخش می‌شود و در نتیجه با مناطق یا بخش‌های قطبی شده مواجه خواهیم شد. در حقیقت، نظریه قطبی شدن پرو تلفیقی از نظریه امواج ابداعاتی شومپتیر و بحث ارتباطات بین صنعتی است (Hermansen, 1972: 15). که این امر به معنای حرکت از صرفه‌های مقیاس به صرفه‌های تجمع است. از سوی دیگر، وجود صرفه‌های تجمع (همانند بحث نواحی متراکم صنعتی) صرفاً شرایط لازم برای ایجاد قطب رشد و شرط کافی مربوط به نحوه انتشار این صرفه‌هاست. صرفه‌های تجمع می‌تواند منجر به رشد بیشتر منطقه تجمع فعالیت‌ها (به صورت تشدید رشد درونی) شود که در نتیجه با آثار تراوش مواجه خواهیم بود. از سوی دیگر، اگر صرفه‌های

تجمع منجر به توسعه مناطق اطراف (پیرامون) شود و در واقع با انتشار آثار رشد در کل فضا (اقتصادی یا جغرافیایی) مواجه باشیم، این امر منجر به توسعه یکنواخت تر منطقه متراکم صنعتی و سایر مناطق می شود که به آن آثار انتشار می گویند «نظریه حاکمیت وابستگی فریدمن (Fridman, ۱۹۷۲)».

نظریه اقتصاد جغرافیایی نوین نشان می دهد که همگام با رشد درآمد ملی، نابرابری های منطقه ای، به دلیل وجود صرفه های ناشی از مقیاس افزایش پیدا می کند. از این رو ارتباط مثبتی بین نابرابری منطقه ای و سرعت رشد اقتصادی وجود دارد (Mora, 2008: 47). پتراکوس در سال ۲۰۰۹ با مطالعه نابرابری های منطقه ای در اتحادیه اروپا، همچنان میزان نابرابری در این مناطق بالاست؟ و وجود سیاست های توسعه منطقه ای در سطح ملی و در سطح اتحادیه اروپا، همچنان میزان نابرابری در این مناطق بالاست؟ و چه عواملی موجب رشد نامتعادل در مقیاس های فضایی مختلف می شود؟ وی به این نتیجه می رسد مناطقی که از صرفه های ناشی از مقیاس (داخلی و خارجی)، موقعیت جغرافیایی مطلوب، منابع طبیعی و کیفیت بالای منابع انسانی برخوردارند دارای توان بالاتری برای رقابت در محیط اقتصادی هستند. همین امر سبب می شود نواحی کلان شهری، در مقایسه با سایر مناطق، رشد بیشتری داشته باشند و در نتیجه، نابرابری بین این مناطق و سایر مناطق پیرامونی افزایش یابد. به عقیده وی، ۱۲ عامل بر افزایش نابرابری های منطقه ای تأثیرگذار است: صرفه های ناشی از تجمع، صرفه های ناشی از مقیاس، ویژگی جغرافیایی مطلوب، یکپارچگی، سرمایه انسانی، اندازه بازار، تنوع فعالیت ها، ساختار اقتصادی، ساختار سیاسی، سیاست های بخشی، سطح توسعه مناطق و حد آستانه فعالیت های اقتصادی (Petraikos, 2009: 28). اما مطالعاتی که در دهه های اخیر در زمینه روند نابرابری های منطقه ای صورت گرفته است رویکردی را ارائه می کند که تحت عنوان رویکرد بینابینی ارائه شده است. نظریه پردازان این رویکرد معتقدند که رابطه رشد اقتصاد ملی و نابرابری منطقه ای در طول زمان بستگی به سطح توسعه مناطق و یا مقیاس مطالعه دارد. به این ترتیب که در برخی مناطق، رابطه رشد و نابرابری رابطه های مثبت، اما در برخی مناطق، این رابطه منفی است. از سوی دیگر، افرادی چون جانیکاز و ری و آرتلاریس و پتراکوس (۲۰۱۴) اعتقاد دارند باید نابرابری منطقه ای را به دو دسته نابرابری بین مناطق و نابرابری درون مناطق تقسیم کرد. ممکن است نابرابری در سطح ایالت ها و استان های یک کشور روندی کاهشی را نشان دهد، در حالی که در زیرمناطق باید این نابرابری افزایشی باشد (ر.ک: غفاری فرد، ۱۳۹۷).

### ۳- بررسی اسناد فرادست و برنامه‌های توسعه

#### قانون اساسی - اجرای اصل چهل و هشتم (۴۸)

در ماده واحده - دولت مکلف است تا دو سال پس از تصویب این قانون و در اجرای اصل چهل و هشتم (۴۸) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به منظور:

۱- رفع هرگونه تبعیض در استفاده مناطق (استان‌ها و شهرستان‌ها) مختلف کشور از منابع طبیعی و سرمایه‌های ملی.

۲- فراهم کردن زمینه رشد همه مناطق (استان‌ها و شهرستان‌ها) متناسب با استعدادها و با حفظ رقابت سازنده.

۳- توزیع مناسب فعالیت‌های اقتصادی در مناطق (استان‌ها و شهرستان‌ها) مختلف کشور.

۴- استفاده بهینه از قابلیت‌ها و مزیت‌های نسبی در راستای نقش منطقه‌ای و بین‌المللی کشور.

بر اساس گزارش عملکرد دولت در راستای تحقق این اصل با هدف رفع تبعیض ناروا از مناطق کشور و در دسترس قرارگیری سرمایه و امکانات لازم به فراخور نیازها و استعداد رشد خود، تحقق احکام مندرج در سیاست‌های کلی آمایش سرزمین (مصوب ۱۳) مبنی بر تخصیص شدن عملکرد اقتصادی مناطق بر اساس قابلیت‌ها و مزیت‌ها، تقویت وابستگی‌های متقابل منطقه‌ای و تعیین نقش ملی و فراملی برای آن‌ها، برنامه‌های عملیاتی مصوب در شورای عالی اقتصاد در چارچوب اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی (اعم از بازنگری مفهومی و اجرایی کردن منطقه‌بندی و هویت‌بخشی قانونی و حقوقی مناطق کشور) و تمرکززدایی تصمیم‌گیری و پیشبرد سریع‌تر امور توسعه و پیشرفت مناطق مختلف کشور، تشکیل شوراهای توسعه منطقه‌ای در جلسه مورخ ۱۳۹۶/۰۵/۰۲ در شورای عالی آمایش سرزمین به تصویب رسیده است.

#### سند چشم‌انداز

در ماده ۱۹ سند چشم‌انداز بیست ساله کشور نیز رفع محرومیت‌ها، به‌ویژه در مناطق روستایی کشور، تسهیل و تنظیم روابط درونی و بیرونی اقتصاد کشور و گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای و ... مورد تأکید قرار گرفت.

آمایش سرزمینی مبتنی بر اصول زیر:

- ملاحظات امنیتی و دفاعی.
  - کارایی و بازدهی اقتصادی.
  - وحدت و یکپارچگی سرزمین.
  - گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای
  - حفاظت محیط‌زیست و احیای منابع طبیعی.
  - حفظ هویت اسلامی، ایرانی و حراست از میراث فرهنگی.
  - تسهیل و تنظیم روابط درونی و بیرونی اقتصاد کشور.
  - رفع محرومیت‌ها، خصوصاً در مناطق روستایی کشور.
- بند ۳۴- تحقق رشد اقتصادی پیوسته، باثبات و پرشتاب متناسب با اهداف چشم‌انداز.
- ایجاد اشتغال مولد و کاهش نرخ بیکاری.
- بند ۳۵- فراهم نمودن زمینه‌های لازم برای تحقق رقابت‌پذیری کالاها و خدمات کشور در سطح بازارهای داخلی و خارجی و ایجاد ساز و کارهای مناسب برای رفع موانع توسعه صادرات غیرنفتی.
- بند ۳۶- تلاش برای دستیابی به اقتصاد متنوع و متکی بر منابع دانش و آگاهی، سرمایه انسانی و فناوری نوین.
- بند ۳۷- ایجاد سازوکار مناسب برای رشد بهره‌وری عوامل تولید (انرژی، سرمایه، نیروی کار، آب، خاک و ...).
- پشتیبانی از کارآفرینی، نوآوری و استعدادهای فنی و پژوهشی.
- بند ۴۳- توسعه روستاها.
- ارتقای سطح درآمد و زندگی روستاییان و کشاورزان و رفع فقر، با تقویت زیرساخت‌های مناسب تولید و تنوع‌بخشی و گسترش فعالیت‌های مکمل، به‌ویژه صنایع تبدیلی و کوچک و خدمات نوین، با تأکید بر اصلاح نظام قیمت‌گذاری محصولات.
- بند ۴۴- هم‌افزایی و گسترش فعالیت‌های اقتصادی در زمینه‌هایی که دارای مزیت نسبی هستند، از جمله صنعت، معدن، تجارت، مخابرات، حمل‌ونقل و گردشگری، به‌ویژه صنایع نفت، گاز و پتروشیمی و خدمات مهندسی پشتیبان آن، صنایع انرژی بر و زنجیره پایین‌دستی آن‌ها، با اولویت سرمایه‌گذاری در ایجاد زیربنایها و زیرساخت‌های موردنیاز و ساماندهی سواحل و جزایر ایرانی خلیج فارس در چارچوب سیاست‌های آمایش سرزمین.

بند ۴۵- تثبیت فضای اطمینان‌بخش برای فعالان اقتصادی و سرمایه‌گذاران با اتکا به مزیت‌های نسبی و رقابتی و خلق مزیت‌های جدید و حمایت از مالکیت و کلیه حقوق ناشی از آن.

### ضوابط ملی آمایش سرزمین

ماده ۱ ضوابط ملی آمایش سرزمین در راستای توسعه و بالندگی اقتصادی و پیشرفت و اقتدار همه‌جانبه و پایدار کشور، تحقق اهداف سند چشم‌انداز ایران ۱۴۰۴ و نیل به سازمان فضایی مطلوب و مناسب کشور، در چارچوب اصول هشت‌گانه آمایش سرزمین (کارایی و بازدهی اقتصادی، وحدت و یکپارچگی سرزمین، گسترش عدالت اجتماعی و تعادل‌های منطقه‌ای، حفاظت محیط‌زیست و احیای منابع طبیعی، حفظ هویت اسلامی ایرانی و حراست از میراث فرهنگی، تسهیل و تنظیم روابط درونی و بیرونی اقتصاد کشور و رفع محرومیت‌ها به‌خصوص در مناطق روستایی کشور، ملاحظات امنیتی، دفاعی و پدافند غیرعامل، مشتمل بر موارد زیر است:

۱. رعایت تناسب بین نیازهای استقرار فعالیت در یک قلمرو با امکانات و قابلیت‌های آن و رعایت مقیاس مناسب اقتصادی برای فعالیت در یک مکان با توجه به ظرفیت و کشش بازارهای داخلی و خارجی.
۲. افزایش همگرایی و تقویت هویت ملی در طراحی و اجرای طرح‌های ملی و منطقه‌ای و تخصصی شدن عملکرد اقتصادی بر اساس قابلیت‌ها و مزیت‌های نسبی مناطق برای تقویت وابستگی‌های متقابل منطقه‌ای و یکپارچگی ملی و پرهیز از تنوع و گسترش همه نوع فعالیت‌ها در یک قلمرو جغرافیایی.
۳. هماهنگ‌سازی، انتظام‌بخشی و کنترل اقدامات و فرایندهای توسعه‌ای بخش‌های مختلف اقتصادی.
- توزیع مناسب جمعیت و فعالیت‌های اقتصادی در قلمرو سرزمین در راستای ایجاد تعادل بیشتر بین نیمه غربی و شمال غربی کشور و نیمه شرق و جنوب شرقی بر مبنای کارایی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیست‌محیطی و استفاده از ظرفیت‌ها با تأکید بر:
- بندر چابهار؛ به‌عنوان یکی از مهم‌ترین مراکز جمعیتی سواحل دریای عمان، بندر اقیانوسی بین‌المللی و برخوردار از عملکردهای مرتبط با صنایع دریایی، بازرگانی، انرژی، آموزش عالی و تحقیقات، گردشگری و شیلات؛
- بندر جاسک؛ به‌عنوان یک مرکز جمعیتی فعال در حوزه صادرات نفت، گاز و پتروشیمی، بازرگانی و گردشگری؛
- سایر قلمروهای اولویت‌دار سواحل مکران از جمله پسابندر، کنارک، زرآباد و سیریک و پسران‌های آن‌ها.

- اتخاذ تدابیر و تمهیدات لازم به منظور توسعه پایدار نواحی کویری و افزایش سطح جمعیت پذیری در این قلمروها با تکیه بر رونق بخشی به اقتصاد و استفاده بهینه از مزیت‌های نسبی (منابع معدنی، انرژی خورشیدی و گردشگری).
۴. ایجاد زمینه‌های لازم برای استقرار جمعیت در نواحی مستعد از طریق فراهم ساختن زیرساخت‌ها و تأسیسات مورد نیاز و افزایش سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی، به‌ویژه صنعتی و خدمات عمومی، ساماندهی و هدایت هدفمند جریان‌های مهاجرت در راستای استراتژی توزیع جمعیت و فعالیت در سرزمین از طریق:
  - زمینه‌سازی به‌منظور تحول در اقتصاد روستاها و بازگرداندن رونق به اقتصاد روستایی (کشاورزی، دامداری، صنایع دستی و ...) در چارچوب مقتضیات و مزیت‌های محلی.
  - تشویق سرمایه‌گذاری در طرح‌های اشتغال‌زا، توسعه ارائه خدمات عمومی و ارائه مشوق‌ها و تسهیلات متناسب با مقتضیات محلی در روستاها و شهرهای کوچک به‌منظور ماندگاری جمعیت در شهرهای کوچک و نواحی روستایی و کاهش روند مهاجرت به کلان‌شهرها و شهرهای پرتراکم.
۵. شناسایی و ایجاد خوشه‌های صنعتی با توجه به مزیت‌های نسبی و رقابتی و تکمیل زنجیره ارزش فعالیت‌های مبتنی بر منابع در قلمروهای جغرافیایی ساماندهی مجتمع‌های صنعتی اعم از شهرک‌ها و نواحی صنعتی در پهنه سرزمین متناسب با مقتضیات و ظرفیت‌های هر یک از قلمروهای جغرافیایی.
۶. توسعه و ساماندهی مجدد فعالیت‌های صنعتی پایه و آب بر از جمله صنایع فلزات اساسی و پالایشگاهی و پتروشیمی (به‌ویژه صنایع بالادستی) دارای اولویت سرمایه‌گذاری مبتنی بر الزامات محدودیت منابع آب، تأمین خوراک موردنیاز و تأمین ملاحظات دفاعی، امنیتی و پدافند غیرعامل با تأکید بر استقرار آن‌ها در سواحل خلیج فارس و به‌ویژه دریای عمان پس از انجام ارزیابی راهبردی زیست‌محیطی.
۷. توسعه صنایع تولیدکننده کالاهای مورد نیاز کشورهای منطقه، به‌ویژه محیط آسیای جنوب غربی با اولویت استقرار در استان‌های مرزی مرتبط با استقرار صنایع فراوری اولیه منابع معدنی در جوار ذخایر معدنی، استقرار صنایع واسطه‌ای و سرمایه‌ای در مکان مناسب و استقرار صنایع مصرفی متناسب با موقعیت مکانی بازارهای نهاده و محصول.
۸. توسعه صنایع مبتنی بر فناوری‌های نوین و برتر در مراکز راهبری مناطق ۹ گانه بر اساس مزیت‌های نسبی و رقابتی.
۹. تحول در کارکرد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی کشور به قطب پردازش صادرات، جذب سرمایه و تکنولوژی، ارتقاء پیوند منطقه با اقتصاد استان، تبدیل آن‌ها به پیشران توسعه اقتصادی قلمروهای سرزمینی و پیشرو در توسعه ملی.



۱۰. ایجاد مناطق آزاد و ویژه اقتصادی جدید در پهنه سرزمین صرفاً بر اساس مطالعات آمایش سرزمین.
۱۱. توسعه و تجهیز باراندازهای بین‌المللی، ملی و منطقه‌ای و بنادر خشک در کشور با هدف پشتیبانی توسعه بازرگانی و امور تولیدی در نقاط دور از ساحل و ایجاد تحرک در اقتصاد نواحی پیرامونی بر اساس فهرست مورد تصویب شورای عالی آمایش سرزمین.
۱۲. عدم استقرار صنایع پرخطر (مطابق تعاریف شورای عالی امنیت ملی) در محدوده سکونتگاه‌ها و رعایت حریم‌های ایمنی و امنیتی موردنیاز (ضوابط ملی آمایش سرزمین، ۱۳۹۴).

#### سند راهبردی وزارت صنعت، معدن، تجارت

در راستای اسناد فرادستی، وزارت صنعت، معدن و تجارت، از طریق سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، نظارت، حمایت و پشتیبانی تولید و تجارت در کشور، عهده‌دار مدیریت بخش است و دستیابی به جایگاه نخست اقتصادی و فناوری در منطقه را با تأکید بر رشد مستمر اقتصادی و رشد ارزش افزوده بخش مبتنی بر سرمایه‌گذاری و تولید صادرات محور، ارتقای توانمندی و شایستگی سرمایه‌های انسانی، اشتغال پایدار، مدیریت اثربخش بازار، مدیریت زنجیره ارزش، تشویق ایجاد بنگاه‌های خصوصی بزرگ و توانمند تولیدی و تجاری، توسعه سرمایه‌گذاری متوازن و متناسب با قابلیت‌های منطقه‌ای مبتنی بر آمایش سرزمین، توسعه ظرفیت‌ها و فناوری‌های صنعتی، معدنی و تجاری در جهت ارتقای سطح رفاه جامعه تعقیب می‌نماید.

#### خط‌مشی و سیاست‌های کلی

- سرمایه‌گذاری برای توسعه زیرساخت‌های مورد نیاز جهت ارتقای رقابت‌پذیری صنعتی، معدنی و تجاری کشور برای کسب جایگاه مناسب در اقتصاد جهانی.
- سرمایه‌گذاری متوازن با تمرکز بر اجرای طرح آمایش سرزمین در جهت ایجاد توسعه پایدار.
- توانمندسازی و توسعه بخش خصوصی در راستای افزایش رقابت‌پذیری و جلوگیری از هرگونه انحصار.
- پشتیبانی از سرمایه‌گذاری صنعتی در راستای رونق بخشی و ارزش‌افزایی بخش کشاورزی.
- شفاف‌سازی و روان‌سازی نظام توزیع و قیمت‌گذاری کالاهای انحصاری و روزآمدسازی شیوه‌های نظارت بر بازار.
- توسعه بازارهای داخلی و رعایت حقوق مصرف‌کنندگان.
- استفاده بهینه از منابع و مواد خام در تولید با ارزش افزوده بالا و ایجاد محدودیت در صادرات مواد خام.
- بهره‌برداری صیانتی از معادن کشور و حفظ محیط‌زیست.

- محدودیت در سرمایه‌گذاری و تصدی‌گری شرکت‌های دولتی، به‌جز سازمان‌های توسعه‌ای در مناطق غیربرخوردار با مشارکت بخش غیردولتی در چارچوب قوانین جاری کشور؛
- اصلاح و بهینه‌سازی الگوی مصرف با رویکرد استفاده از تولیدات داخلی؛
- پرهیز و جلوگیری از انواع فساد اداری، مالی و اقتصادی در بخش‌های صنعت، معدن و تجارت از طریق شفاف‌سازی و اعمال نظارت بر فرآیند امور.

#### سابقه برنامه‌ریزی منطقه‌ای و آمایش سرزمین، بعد از انقلاب اسلامی

نخستین توجهات به برنامه‌ریزی منطقه‌ای در سال‌های نخست دهه شصت هجری شمسی و به‌وسیله کارشناسان سازمان برنامه و بودجه، به‌منظور بررسی امکانات توسعه حوزه آبخیز غرب هامون جازموریان صورت گرفت. گروه مذکور پس از اتمام پروژه فوق‌الذکر با نام هامون شهرت یافت و پس از خاتمه طرح هامون نیز به فعالیت‌های خود ادامه داد و برنامه توسعه اقتصادی و اجتماعی استان یزد و طرح جامع استان چهارمحال و بختیاری را در سال ۱۳۶۳ آغاز کرد که نتایج آن در سال ۱۳۶۵ به‌وسیله سازمان برنامه و بودجه وقت انتشار یافت.

این گروه در سال ۱۳۲۳ تهیه طرح‌های توسعه استان‌های مرکزی و کردستان را نیز آغاز و در سال ۱۳۲۵ به اتمام رساند. به‌علاوه دفتر برنامه‌ریزی منطقه‌ای نیز از سال ۱۳۶۲ مطالعات طرح پایه آمایش سرزمین را آغاز کرد و در سال ۱۳۶۴ به تدوین چارچوب نظری توسعه استان‌ها و مقدمات تهیه طرح آمایش سرزمین پرداخت. در ادامه طرح‌های جامع توسعه استانی به‌تدریج برای یکایک استان‌های کشور توسط سازمان برنامه و بودجه وقت استان‌ها تهیه شد.

البته در این دوران تهیه برخی از طرح‌های توسعه استانی به بخش خصوصی واگذار شد. به عنوان مثال، طرح مطالعاتی توسعه روستاهای استان همدان در سال ۱۳۶۶ توسط مشاوران تهران پژوهش انجام شد و نتایج آن نیز در سال ۱۳۲۳ توسط سازمان برنامه و بودجه وقت استان همدان انتشار یافت.

همچنین طرح جامع مطالعات منطقه کرمان نیز در سال ۱۳۲۱ توسط مشاوران هامونپاد به انجام رسید (توفیق، ۱۳۸۵: ۴۰۲). علاوه بر طرح‌هایی که در سازمان برنامه و بودجه وقت انجام گرفت، وزارت کشاورزی نیز از سال ۱۳۶۳ تهیه «طرح‌های جامع توسعه و احیای کشاورزی و منابع طبیعی مناطق گوناگون» را در دستور کار قرار داد. در مطالعات مذکور تعریف مناطق برنامه‌ریزی ابتدا از مرز حوزه‌های آبخیز کشور و سپس از تقسیمات کشوری پیروی می‌کرد.

وزارت مسکن و شهرسازی نیز به واسطه مرکز جدیدالتأسیس مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری ایران در سال ۱۳۶۶ طرح مطالعات منطقه‌ای گیلان و مازندران را در دستور کار خود قرار داد (توفیق، ۱۳۸۵: ۴۳۳). بررسی سال‌هایی که کشور فاقد برنامه توسعه میان‌مدت بوده نشان می‌دهد، در قوانین بودجه تبصره‌هایی در راستای ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای گنجانده شده است (مانند تبصره «۶») اعتبارات متمرکز برای محرومیت-زدایی و تبصره «۱۶» اعتبارات غیرمتمرکز همراه با جمع‌آوری کمک‌های مردمی جهت طرح‌های استانی). در همین دوران نهادهای منطقه‌ای با درجه‌ای از قدرت تصمیم‌گیری، مانند کمیته‌های برنامه‌ریزی استان نیز به وجود آمده‌اند (ر.ک: زاگری، ۱۳۹۴).

### آمایش سرزمین و تولید اقتصادی در برنامه‌های توسعه

با توجه به اهمیت موضوع برنامه‌ریزی در اسناد بالادستی کشور و لزوم دستیابی به اهداف رشد و توسعه کشور از ابعاد مختلف در سند چشم‌انداز ۱۴۰۴، لازم است به نظام برنامه‌ریزی در تمامی مناطق، بخش‌ها و استان‌های کشور در تمامی ابعاد بیش از پیش توجه شود. یکی از حوزه‌های مهم برنامه‌ریزی منطقه‌ای که نباید در سطح استان‌ها مغفول واقع شود، تدوین راهبردها در حوزه آمایش سرزمین است که در خصوص آن نگاه ملی و تخصصی به امر آمایش، اثربخشی امر برنامه‌ریزی در این حوزه را دوچندان می‌سازد. اسناد کلان و فرادستی توسعه در ایران نیز از جمله برنامه‌ریزی‌هایی هستند که با تمرکز بر محورهای موضوعی خاصی چون آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی فضایی، حرکت در مسیر افزایش بهره‌وری اقتصاد منطقه‌ای و توسعه متوازن را تسهیل می‌کنند. حال آنکه در برنامه‌ریزی‌های اقتصادی، اغلب توجه صرف به ابعاد اقتصادی، به غفلت از سایر ابعاد و همبستگی آن با سایر بخش‌ها منجر می‌شود و زمینه تراکم امکانات، تسهیلات و پتانسیل‌های اقتصادی در یک منطقه خاص را بدون ترسیم نقشه پیشرفت آن و توجه به زیرساخت‌های موجود فراهم می‌سازد. این غفلت، عوارض ناخواسته اجتماعی چون توسعه نامتوازن مناطق، دوقطبی شدن و گسترش نابرابری‌های اجتماعی اقتصادی را به دنبال دارد؛ بنابراین، با توجه به اهمیت موضوع و دامنه گسترده پیامدی آن، پاسخ به این پرسش حائز اهمیت است که آیا در تدوین برنامه‌ها و سیاست‌های اقتصادی کلان ایران به توزیع جمعیتی، پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های منطقه‌ای توجه شده است. برای پاسخ به این پرسش، برنامه‌های توسعه پس از انقلاب، به‌عنوان اسناد بالادستی و کلان، بررسی و تحلیل شدند.

#### قانون برنامه اول توسعه (۱۳۶۸-۱۳۷۳)

یکی از اهداف برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، سازماندهی فضایی و توزیع جغرافیایی جمعیت و فعالیت متناسب با مزیت‌های نسبی هر منطقه بوده است. در تبصره «۵» قانون برنامه اول بیان شده: «توزیع سالیانه اعتبارات سرمایه‌گذاری‌های ثابت بین استان‌های مختلف در طول برنامه باید به گونه‌ای صورت پذیرد که در انتهای برنامه، برخورداری بخش‌های محروم از امکانات آموزشی، بهداشتی و راه مناسب روستایی، اشتغال و برق‌رسانی بر مبنای گزارش اجمالی شناسایی بخش‌های محروم سازمان برنامه و بودجه، حداقل مطابق برخورداری بخش‌های غیرمحروم در سال ۱۳۶۸ باشد». همچنین در تبصره «۶» دولت مکلف شده است به منظور احیا و توسعه بخش‌های محروم و تعادل‌های منطقه‌ای ترتیبی اتخاذ نماید که با توجه به شرایط و استعدادها خاص هر منطقه، مواردی از قبیل «ایجاد تسهیلات لازم برای تقلیل کارمزد وام‌های پرداختی در امور کشاورزی، صنعتی و معدنی در بخش‌های محروم»، «اعطای تخفیف مالیاتی برای مشاغل تولیدی در بخش‌های محروم تا پایان برنامه»، «تسهیل ضوابط و شرایط کار دستگاه‌های دولتی و غیردولتی»، «اتخاذ روش‌های مناسب در جهت تأمین و جذب و نگهداری نیروی انسانی موردنیاز بخش‌های محروم»، «رعایت اولویت در انتخاب و اجرای طرح‌های امور اجتماعی، زیربنایی و عمومی در بخش‌های محروم» و ... محقق شود.

#### قانون برنامه دوم توسعه (۱۳۷۴-۱۳۷۸)

اجرای برنامه دوم توسعه با وقفه‌ای یکساله، به علت طولانی شدن فرایند بررسی و تصویب لایحه برنامه، از سال ۱۳۷۴ آغاز شد. اگرچه با توجه به مسئله بحران بدهی‌های خارجی و همچنین بی‌ثباتی سیاست‌های پولی، مالی و ارزی سال‌های پایانی برنامه اول، سیاست‌های آزادسازی اقتصادی در برنامه دوم با سرعت کمتری دنبال شد، ولی روش برنامه‌ریزی و جهت‌گیری‌های کلی این برنامه همانند برنامه اول بود. در برنامه دوم نیز مجدداً سیاست‌هایی چون تشویق صادرات، مقابله با انحصارگرایی، واگذاری شرکت‌های دولتی و تحت پوشش دولت به بخش‌های خصوصی (به‌ویژه واگذاری تمام شرکت‌ها و واحدهای صنعتی تحت پوشش سازمان صنایع ملی ایران و سازمان گسترش و نوسازی صنایع ایران) توسعه و تقویت بازار بورس اوراق بهادار، کمک به ایجاد و توسعه تشکل‌های مناسب در بخش صنعت، اصلاح بخش‌هایی از قانون کار در جهت تنظیم روابط منطقی کار، حمایت مالی از تحقیقات و توسعه صنایع با فناوری پیشرفته و برتر، توسعه سرمایه‌گذاری خارجی، فراهم کردن شرایط لازم جهت تحکیم پیوندهای داخلی و بین بخشی با توسعه اقماری صنایع کوچک و ایجاد توسعه زنجیرهای تولید بین واحدهای کوچک، متوسط و بزرگ صنعتی، مورد توجه قرار گرفت. اگرچه تنوع سیاستی برنامه دوم فراتر از برنامه اول بود، ولی با این حال به دلیل نبود جهت‌گیری مشخص و تعریف شده صنعتی و

در نتیجه تحقق نیافتن مجموعه‌ای از سیاست‌های هماهنگ و یکپارچه و الزامات نهادی، مشکل اساسی بخش صنعت همچنان تداوم یافت.

یکی از اهداف کلان در برنامه دوم توسعه، تحقق عدالت اجتماعی بود. در تبصره «۲» قانون برنامه دوم، دولت موظف می‌شود در راستای اجرای سیاست‌های تمرکززدایی و افزایش نقش استان‌ها در اجرای برنامه‌های توسعه در تنظیم لوایح بودجه سالیانه موارد زیر را به اجرا گذارد:

بودجه استان‌ها شامل درآمدهای استانی، سهم هر استان از درآمدهای ملی و اعتبارات جاری و عمرانی در پیوست جداگانه‌ای همراه با لایحه بودجه تقدیم شود.

درآمدهای عمومی و اختصاصی ملی درآمدهایی است که به موجب قانون وصول و به خزانه‌داری کل واریز می‌شود تا برای اجرای طرح‌های ملی و هزینه‌های جاری دستگاه‌های اجرایی ملی و جبران کمبود اعتبار احتمالی استان‌ها و ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای به مصرف برسد.

- درآمدهای عمومی و اختصاصی استانی درآمدهایی است که به موجب قانون وصول و به خزانه‌داری کل واریز می‌شود و برای تأمین هزینه‌های دستگاه‌های اجرایی محلی و طرح‌های عمرانی همان استان به مصرف می‌رسد.

- درآمدهای ملی سهم استان‌ها از طرف خزانه‌داری کل به خزانه معین استانی واریز می‌شود.

- اعتبارات جاری استانی پس از مبادله موافقت‌نامه بین دستگاه اجرایی استانی و سازمان برنامه و بودجه استان قابل مصرف خواهد بود.

- سهم هر یک از شهرستان‌ها از اعتبارات عمرانی به تفکیک فصل، توسط کمیته برنامه‌ریزی استان‌ها تعیین خواهد شد.

- همچنین دولت موظف می‌شود تا پایان برنامه دوم عمرانی، کلیه طرح‌هایی که ماهیت استانی دارند را از فهرست طرح‌های ملی حذف و در بودجه استان‌ها منظور نماید.

در تبصره «۱۱» قانون برنامه دوم بیان می‌شود که به منظور توسعه روستاهای محروم و ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای در روستاها، در طول برنامه باید برای اقداماتی از قبیل «طرح‌های عمرانی در زمینه راه مناسب روستایی، برق‌رسانی، بهداشت، آب‌رسانی، فضاهای آموزشی، پست، مخابرات و کمک به آماده‌سازی زمین برای طرح‌های اشتغال‌زا در روستاهای محروم»، «توسعه فعالیت‌های تولیدی و اشتغال‌زا و خوداشتغالی در روستاهای محروم از طریق پرداخت مابه‌التفاوت کارمزد و سود مورد انتظار بانک در امور آب، کشاورزی، صنعت، مسکن و

امور اجتماعی»، «رعایت اولویت در انتخاب و اجرای طرح‌های امور اجتماعی، زیربنایی و اشتغال‌زا برای روستاهای محروم» بودجه مکفی در نظر گرفته شود. مسئول نظارت بر مراحل انجام این تبصره نیز دفتر امور مناطق محروم کشور ریاست جمهور معرفی شده است.

در برنامه دوم اهداف آمایشی تولید عبارتند از:

- سازماندهی جغرافیایی واحدهای صنعتی در جهت کاهش هزینه‌ها، ایجاد هم‌افزایی و کاهش مشکلات زیست‌محیطی.

- حمایت از اصناف تولیدی مستقر در شهرها در جهت استقرار در شهرک‌های صنعتی مدنظر بوده است.

- راه‌اندازی مراکز اطلاع‌رسانی به‌منظور تقویت توان رقابت محصولات صادراتی معافیت از حقوق و عوارض دولتی پرداخت قسمتی از سود تسهیلات اعطایی به سرمایه‌گذاری بخش خصوصی و تعاونی به‌منظور ایجاد اشتغال در مناطق کمتر توسعه یافته.

- اصلاح ساختار سازمان صنایع کوچک ایران در جهت تعدیل نیروهای مازاد و تفکیک وظایف حاکمیتی از تصدی و واگذاری فعالیت‌های تجاری به بخش غیردولتی.

- تقویت سازمان صنایع کوچک ایران در جهت بسط فرصت‌های شغلی در واحدهای کوچک و متوسط.

از دیگر اهداف برنامه هفت ساله دوم افزایش تولید و بهبود توسعه صادرات، تهیه نیازهای ضروری مردم، توسعه صنایع، کشاورزی، اکتشاف و بهره‌برداری از منابع زیرزمینی و اصلاح و تکمیل وسایل ارتباطی و بهبود بهداشت عمومی اعلام شده بود.

قانون برنامه سوم توسعه (۱۳۷۹-۱۳۸۴)

برنامه سوم با نگرشی متفاوت به امر الزامات تحقق و توسعه ملی در سطوح فرابخشی و بخشی و با تأکید بر اصلاحات ساختاری و نهادی تنظیم و اجرای آن از سال ۱۳۷۹ آغاز شد. این برنامه در کلیت خود اصولاً یک برنامه اصلاح ساختار در سطح اقتصاد ملی است که مهم‌ترین جهت‌گیری آن انجام اصلاحات ساختاری و نهادی در بخش عمومی برای افزایش کارایی دولت، افزایش دادن بهره‌وری منابع ملی و تقویت بخش غیردولتی است. در این زمینه چهار موضوع مهم نظام اداری، شرکت‌های دولتی، انحصارات و تمرکززدایی در برنامه سوم مورد توجه قرار گرفته است. با اجرای کامل و هماهنگ سیاست‌های این برنامه می‌توانستیم امیدوار باشیم که بخشی از الزامات و شرایط محیطی برای توسعه فعالیت‌های صنعتی فراهم شود. اگرچه بخشی از سیاست‌های صنعتی برنامه به طور پراکنده و در راستای اصلاحات ساختاری و نهادی کلیت برنامه شکل گرفته است، ولی

همچنان در برنامه سوم نیز هدف‌ها و جهت‌گیری‌های توسعه صنعتی در چارچوب یک استراتژی تعریف شده نیست.

برنامه سوم توسعه اقتصادی و اجتماعی نسبت به برنامه‌های قبل، مسئله فراهم ساختن بسترهای مناسب جهت تحقق برنامه‌ریزی منطقه‌ای را با جدیت بیشتری پیگیری کرده است. از جمله نقاط قوت این برنامه تأکید بر اجرای غیرمتمرکز برنامه‌ریزی و بودجه‌ریزی در استان‌ها است. از دیگر موضوعات مهم مطرح شده در این برنامه، تهیه برنامه آمایش سرزمین و تشکیل شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان و کمیته برنامه‌ریزی شهرستان، تشکیل خزانه معین استان و تشکیل ستاد درآمد و تجهیز منابع استان است (سیف‌الدینی و پناهنده‌خواه، ۱۳۸۹).

در بند «د»، ماده (۲) قانون برنامه سوم توسعه دولت به رعایت اصل عدم تمرکز در توزیع وظایف ملی و استانی و محدود نمودن وظایف و مأموریت‌های واحدهای ملی و ستادی به جنبه‌های اعمال حاکمیت، سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی کلان و هدایت و نظارت و واگذاری امور اجرایی به واحدهای استانی، موظف می‌شود. در ماده (۵۰) قانون برنامه سوم به دولت اجازه داده می‌شود به منظور ایجاد اشتغال در مناطق کمتر توسعه یافته اقدامات زیر را انجام دهد:

- معافیت از حقوق و عوارض دولتی برای سرمایه‌گذارانی که در این مناطق اقدام به سرمایه‌گذاری می‌کنند.
- قسمتی از سود تسهیلات اعطایی به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و تعاونی‌ها و تعاونی‌های خدمات تولیدکنندگان، تعاونی‌های روستایی، عشایری و بهره‌برداری از منابع طبیعی و طرح‌های خوداشتغالی را پرداخت کند.
- تسهیلات اعطایی در قالب بودجه‌های سنواتی و آیین‌نامه‌های اجرایی آن‌ها باید طوری تقسیم شوند که سهم مناطق کمتر توسعه‌یافته به نسبت شاخص بیکاری آن‌ها بیشتر باشد به صورتی که در پایان برنامه جبران کمبود اشتغال این مناطق شده باشد.

در فصل هشتم برنامه سوم توسعه و در ماده (۷۰) بیان می‌شود: «به‌منظور تصمیم‌گیری، تصویب، هدایت، هماهنگی و نظارت در امور برنامه‌ریزی، توسعه و عمران استان‌ها، در چارچوب برنامه‌ها و سیاست‌ها و خط-مشی‌های کلان کشور، شورای برنامه‌ریزی و توسعه هر استان به ریاست استاندار تشکیل می‌شود»، بر طبق تبصره‌های این ماده قانونی، پس از تشکیل کمیته‌های تخصصی موضوع این ماده، سایر شوراهای کمیته‌های مرتبط موجود در استان منحل می‌گردد. همچنین وظیفه دبیرخانه شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان به عهده

سازمان برنامه و بودجه استان خواهد بود. در این راستا در ماده (۷۱) وظایف شورای برنامه ریزی و توسعه استان در ۱۸ بند و به شرح زیر عنوان می شود:

۱. بررسی و تأیید برنامه های بلندمدت توسعه استان شامل جهت گیری های توسعه بلندمدت استان در چارچوب نظام برنامه ریزی کشور و در راستای جهت گیری های بلندمدت کشور و طرح آمایش ملی.
۲. بررسی و تأیید برنامه های میان مدت توسعه استان شامل هدف ها، سیاست ها و خط مشی های توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و اولویت های سرمایه گذاری در توسعه استان که در چارچوب رهنمودهای کلی و سیاست های کلان و بخشی و سازگار با برنامه میان مدت ملی برای دوره برنامه توسعه تهیه می شود.
۳. تصویب طرح های توسعه و عمران و سلسله مراتب خدمات شهری و روستایی در قالب برنامه های توسعه استان، با رعایت سیاست های مصوب شورای عالی معماری و شهرسازی.
۴. اتخاذ تدابیر لازم برای تحقق آن قسمت از درآمدهای عمومی و اختصاصی دولت در استان که توسط دستگاه اجرایی استانی وصول و به خزانه استان واریز می شود (درآمد استانی) و پیشنهاد کسب منابع جدید درآمد در چارچوب سیاست های مصوب دولت.
۵. اتخاذ تدابیر لازم برای صرفه جویی در هزینه ها و پیشنهاد راه های کاهش هزینه در چارچوب سیاست های مصوب دولت.
۶. بررسی و تأیید بودجه پیشنهادی سالیانه استان شامل منابع مالی لازم از محل درآمدهای استان و سهمی از منابع ملی و اعتبارات جاری و عمرانی دستگاه های اجرایی استان از محل درآمد عمومی و اعتبارات از محل درآمد اختصاصی، در چارچوب بخشنامه ها و دستورالعمل های تهیه و تنظیم بودجه کل کشور، برای ارائه به سازمان برنامه و بودجه.
۷. بررسی و توزیع اعتبارات عمرانی استانی مصوب بین فصول، برنامه ها و طرح های عمرانی و دستگاه های اجرایی استانی به تفکیک شهرستان بر اساس پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه.
۸. بررسی و توزیع اعتبارات جاری دستگاه های اجرایی استانی به تفکیک برنامه و فصول هزینه بر اساس پیشنهاد سازمان برنامه و بودجه استان.
۹. بررسی و تصمیم گیری در مورد توسعه صادرات غیرنفتی استان و در صورت لزوم خط مشی های اجرایی مبادلات مرزی اعم از بازارچه ها، تعاونی های مرز نشینی در چارچوب سیاست های کلی تجارت خارجی کشور.
۱۰. بررسی برنامه های سالیانه و میان مدت اصلاح و تحول اداری متناظر با برنامه های توسعه مصوب و پیشنهاد آن به مراجع ذی ربط.



۱۱. شناخت قابلیت‌ها و مزیت‌های نسبی استان و ایجاد زمینه‌های لازم برای تشویق و توسعه سرمایه‌گذاری‌های مردمی در امور اقتصادی، تولیدی و اجتماعی.

۱۲. ساماندهی کمک‌ها و توسعه مشارکت‌های مردمی در اقدامات عمرانی و امور عام‌المنفعه.

۱۳. بررسی راه‌های تجهیز و جذب پس‌اندازهای مردم و به کارگیری آن‌ها در امور توسعه استان در چارچوب سیاست‌ها و خط‌مشی‌های پولی کشور.

۱۴. پیشنهاد برنامه‌های توسعه مشارکت زنان و جوانان به‌ویژه بسیجیان در فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استان به مراجع ذی‌ربط و تنظیم سیاست‌های اجرایی مربوطه.

۱۵. پیشنهاد برنامه‌های توسعه منابع انسانی به مراجع ذی‌ربط و تنظیم سیاست‌های اجرایی مربوطه.

۱۶. پیشنهاد برنامه‌های استقرار نظام تأمین اجتماعی ملی در سطح استان به مراجع ذی‌ربط و تنظیم سیاست‌های اجرایی مربوطه.

۱۷. بررسی وضعیت اشتغال در سطح استان و پیش‌بینی روش‌های تشویقی برای سرمایه‌گذاری در امور اشتغال‌زا.

۱۸. پیشنهاد برنامه‌ها و تأمین منابع تقویت و توسعه بسیج استان.

ماده (۷۵) قانون برنامه سوم توسعه در ارتباط با بودجه استانی بیان داشته است: «بودجه استان که در قالب برنامه‌های مصوب تنظیم می‌شود شامل درآمد استانی، سهم از درآمد ملی، اعتبارات جاری و اعتبارات عمرانی استانی در قالب لایحه بودجه سالیانه کل کشور تقدیم مجلس شورای اسلامی می‌شود. به‌علاوه در طول برنامه تخصیص اعتبارات عمرانی سالیانه استان‌ها به نحوی باید تنظیم گردد که درصد بودجه عمرانی استانی (مجموع استان‌ها) نسبت به بودجه عمرانی کل کشور از بیست و شش درصد (۲۶ درصد) در سال اول برنامه و با رشد سالیانه شش درصد (۶ درصد)، از پنجاه درصد سال آخر برنامه سوم کمتر نباشد».

قانون برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸)

در برنامه چهارم توجه خاصی به مناطق و استان‌ها شده است. اعطای مجوز به دولت در خصوص پرداخت تسهیلات و بخشی از سود کارمزد تسهیلات به سرمایه‌گذاران، به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته به‌منظور ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری و اشتغال در سطح کشور (ماده ۲۷)، اختصاص ۳۵ درصد از بهره‌ گاز طبیعی در چارچوب موازن طرح پایه آمایش سرزمین برای اجرای طرح‌های زیربنایی، تقویت اقتصاد حمل و نقل و بهره‌برداری از موقعیت سرزمینی کشور (ماده ۲۸) نمونه‌ای از مواد قانونی برنامه در جهت تعادل بخشی به

مناطق است. در بخش دوم این قانون، به حفظ محیط زیست و آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای اختصاص یافته است. تدوین سند ملی آمایش سرزمین کشور در سه سطح کلان، بخشی و استانی به منظور توزیع مناسب جمعیت و فعالیت‌ها در پهنه سرزمین با هدف استفاده کارآمد از فعالیت‌ها و مزیت‌های کشور و با استفاده از مطالعات انجام شده (ماده ۷۲)، تکلیف دولت برای انجام طرح جامع تقسیمات کشوری با استفاده از شاخص‌های ناظر بر بازنگری واحدهای تقسیماتی موجود برای ایجاد سطوح تقسیمات جدید با جهت‌گیری‌های عدم تمرکز و تفویض اختیار به مدیران محلی و تقویت نقش استانداران (ماده ۷۳)، تکلیف دولت برای لحاظ کردن اسناد ملی طرح آمایش سرزمین و کالبد ملی در عملیات عمرانی، سرمایه‌گذاری‌های جدید و همچنین تصمیم‌گیری‌های اجرایی به‌عنوان مرجع (ماده ۷۴)، وظیفه‌مندی سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی در تدوین برنامه‌ریزی ویژه فرابخشی برای آن دسته از اهداف و مضامین برنامه چهارم که تحقق آن‌ها مستلزم مشارکت چندبخشی و چند استانی است. در راستای هماهنگی بین فعالیت‌های بین دستگاه‌های اجرایی (ماده ۷۶)، اعطای مجوز به دولت به‌منظور هماهنگی در امور عمرانی و توسعه‌ای بین استانی نسبت به منطقه‌بندی کشور از دیدگاه آمایش سرزمین و ایجاد نهادهای هماهنگ‌کننده، از مهم‌ترین محورهای برنامه چهارم در راستای بهبود توسعه و توازن منطقه‌ای بوده است (غفاری‌فرد، ۱۳۹۷: ۲۸).

برنامه پنج‌ساله چهارم توسعه اولین برنامه توسعه کشور است که به‌طور شفاف و روشن به موضوع بهره‌وری توجه نموده و اهداف کمی معینی نیز برای ارتقای بهره‌وری در نظر گرفته است. در ماده ۵ قانون پنج‌ساله چهارم توسعه تمامی دستگاه‌های اجرایی ملی و استانی مکلف شده‌اند که در تدوین اسناد ملی، بخشی، استانی و ویژه (فرابخشی) سهم ارتقای بهره‌وری کل عوامل تولید در رشد تولید مربوط را تعیین و الزامات و راهکارهای لازم برای تحقق آن‌ها را مشخص نمایند (سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۳). با توجه به اینکه در برنامه چهارم توسعه مقرر شده است که حدود ۳۱/۳ درصد رشد تولید از طریق ارتقای بهره‌وری کل عوامل تأمین گردد و تحقق هدف تعیین شده در برنامه منوط به اتخاذ سیاست‌های مناسب و اجرای صحیح این سیاست‌ها از سوی دستگاه‌های اجرایی است، لذا به‌منظور شناسایی الزامات و راهکارهای لازم باید ابتدا از عملکرد گذشته شاخص‌های بهره‌وری بخش‌های اقتصادی اطلاع حاصل کرد تا بر اساس آن، ضرورت اصلاح سیاست‌های گذشته و اتخاذ سیاست‌های جدید مشخص شود.

در ماده (۲۷) قانون برنامه چهارم توسعه به دولت اجازه داده می‌شود به‌منظور ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری و اشتغال در سطح کشور به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته، در قالب لوایح بودجه سنواتی و از طریق وجوه

اداره شده، تسهیلات متناسب با سهم متقاضیان سرمایه‌گذاری در طرح‌های اشتغال‌زا و نیز قسمتی از سود و کارمزد تسهیلات مذکور را تأمین کند.

در ماده (۷۲) این قانون و در فصل آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای، دولت مکلف می‌شود به‌منظور توزیع متناسب جمعیت و فعالیت‌ها در پهنه سرزمین، با هدف استفاده کارآمد از قابلیت‌ها و مزیت‌های کشور، با استفاده از مطالعات انجام‌شده، سند ملی آمایش سرزمین را در سطوح مختلف کلان، بخشی و استانی، از ابتدای برنامه چهارم به مرحله اجرا درآورد. سطح استانی این ماده شامل موارد زیر است:

- نظریه پایه توسعه استان‌ها، حاوی بخش‌های محوری و اولویت‌دار در توسعه استان و تعیین نقش هر استان در تقسیم کار ملی.

- سازمان فضایی توسعه استان (محورها و مراکز عمده در توسعه استان).

- اقدام‌ها و عملیات اولویت‌دار در توسعه استان.

#### قانون برنامه پنجم توسعه (۱۳۹۰-۱۳۹۴)

از مهم‌ترین اهداف کلی برنامه پنجم قبل از انقلاب ارتقای سطح دانش و فرهنگ و بهداشت و رفاه جامعه، توزیع عادلانه درآمد‌ها، حفظ و استمرار رشد سریع اقتصادی، تأمین اشتغال مولد، برقراری تعادل بیشتر بین مناطق مختلف کشور از نظر بهره‌مندی از امکانات اقتصادی، حفاظت و احیا و بهبود محیط‌زیست و افزایش سهم ایران در تجارت بین‌المللی بود (سابقه برنامه‌ریزی در ایران، ۱۳۷۷: ۱۳).

بند الف ماده ۱۷۸ قانون برنامه پنجم توسعه به تشکیل شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان‌ها اختصاص دارد. در بند ب این ماده بیان شده است که برای افزایش اختیارات شهرستان‌ها در چارچوب وظایف شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان، کمیته برنامه‌ریزی در هر شهرستان به ریاست فرماندار تشکیل می‌شود. بند نیز به مبحث نظارت بر عملکرد شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان پرداخته و بر اساس آن دو نفر از نمایندگان استان با پیشنهاد مجمع نمایندگان استان و تصویب مجلس به‌عنوان ناظر در شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان عضویت خواهند داشت.

در ماده (۱۷۹) این قانون، نظام درآمد هزینه استان، به‌منظور تمرکززدایی و افزایش اختیارات در جهت توسعه و عمران استان‌ها، به شرح زیر سازماندهی می‌شود:

- بودجه سالیانه استانی شامل منابع استانی اعم از درآمد استانی، درآمد اختصاصی، واگذاری دارایی‌های مالی و سرمایه‌ای و سهم از منابع ملی و همچنین مصارف استانی اعم از اعتبارات هزینه‌ای و تملک دارایی‌های سرمایه‌ای و مالی هر کدام به‌صورت سرجمع در قوانین بودجه سنواتی درج می‌شود. توزیع

«دستگاه- برنامه» اعتبارات هزینه‌ای و توزیع سرجمع اعتبارات تملک دارایی‌های سرمایه‌ای شهرستان‌ها بر عهده شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان است.

- سند بودجه سالیانه استان که تعهدات شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان و معاونت را مشخص می‌کند در قالب قراردادی تنظیم و بین رئیس شورا و معاونت مبادله می‌شود.

در ماده (۱۸۰) قانون برنامه پنجم توسعه بیان می‌شود: «در راستای تحقق اصل چهل و هشتم قانون اساسی، سیاست‌های کلی و جهت حصول به اهداف چشم‌انداز و به‌منظور استفاده متوازن از امکانات کشور و توزیع عادلانه و رفع تبعیض و ارتقای سطح مناطق کمتر توسعه یافته و تحقق پیشرفت در عدالت، دولت مکلف است در توزیع منابع عمومی و یارانه سود تسهیلات به نحوی عمل نماید که فاصله شاخص برخورداری شهرستان‌های با کمتر از سطح متوسط کشور در پایان برنامه چهارم در بخش‌های اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و زیربنایی و امنیتی در هر سال برنامه حداقل ده درصد به سطح یاد شده نزدیک شود» (ن.ک: ذاکری، ۱۳۹۴).

#### قانون برنامه ششم توسعه (۱۳۹۶-۱۴۰۰)

در سند برنامه ششم توسعه از منظر توازن منطقه‌ای بر اساس دو معیار «امکان‌پذیری» و «معناپذیری» مورد واکاوی قرار گرفته است. بر اساس بررسی‌های صورت گرفته سند برنامه ششم توسعه در بحث عدم تعادل منطقه‌ای ۴۶ مورد را برحسب «اقدام اساسی» معرفی کرده است. این نکته قابل توجه است که سند برنامه ششم حتی در بحث توسعه منطقه‌ای با رویکرد سنتی (تفوق برنامه‌ریزی بخشی) به موضوع پرداخته و این رویکرد توان و ظرفیت به رسمیت شناختن تنوع و گونه‌گونی‌های منطقه‌ای- محلی را ندارد. ضمن آنکه فرض پنهان این رویکرد آن است که می‌توان الگوی واحدی را برای همه مناطق به کار برد. به نظر می‌رسد برای رسیدن به برنامه‌ای که توان تغییری معنادار در وضعیت تعادل منطقه‌ای داشته باشد، باید و به طور مشخص بر «رویه پایین به بالا، منطقه‌گرایی» بلندمدت بودن و تکرر عوامل تکیه کرد (دفتر مطالعات اقتصادی مجلس، ۱۳۹۵: ۲).

سند برنامه ششم توسعه در فصل «آمایش، توسعه و توازن منطقه‌ای»، تلاش کرده است تا تصویری از شکاف منطقه‌ای یا عدم تعادل منطقه‌ای ارائه کند. بدین منظور آمارهایی به تفکیک برخوردارترین و کم‌برخوردارترین استان عرضه کرده و با تأکید بر فاصله میان این دو دسته، بر وجود «عدم تعادل‌های منطقه‌ای در پهنه کشور» تصریح کرده است این سند برای ترسیم تصویری از شکاف یا عدم تعادل یاد شده از شاخص‌های زیر بهره گرفته است:

- نرخ بیکاری

- متوسط سرانه مالیات بر ارزش افزوده دریافتی

- میانگین درآمد سرانه بدون نفت
- نرخ باسواد
- شاخص توسعه انسانی
- شاخص رفاه اجتماعی

در سند برنامه ششم، دو دسته از عوامل بر بروز پدیده شکاف منطقه‌ای در ایران مؤثر بوده‌اند:

- عوامل غیرارادی شامل قابلیت‌های طبیعی؛
  - عوامل ارادی شامل سیاست‌های گذشته مبنی بر ایجاد قطب‌ها و محورهای توسعه.
- همچنین «دستیابی به رشد شتابان، پایدار و اشتغال‌زا»، «افزایش سهم بهره‌وری کل عوامل تولید از رشد اقتصادی»، «افزایش توان ثروت آفرینی کشور» به عنوان اهداف اساسی در حوزه «تولید، هزینه‌های ناخالص داخلی، مصرف و سرمایه‌گذاری» در قانون برنامه ششم توسعه کشور مدنظر قرار گرفته است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۸: ۱۳). دولت جمهوری اسلامی ایران در تدوین برنامه ششم توسعه نگاه ویژه‌ای به آمایش سرزمینی و تعادل بخشی منطقه‌ای داشته و در بخش دهم ماده (۴۶) به منظور رونق تولید، نوسازی صنایع، حمایت هدفمند از صنایع به این موضوع پرداخته است.

ماده ۴۶ سند برنامه ششم شرح وظایف دولت و دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط را به منظور رونق تولید، نوسازی صنایع، حمایت هدفمند از صنایع دارای اولویت سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و همچنین توسعه صادرات غیرنفتی، به شرح زیر اقدام اعلام می‌کند:

الف- وزارت صنعت، معدن و تجارت مکلف است حداکثر ظرف مدت شش ماه پس از لازم‌الاجرا شدن این قانون، فهرست اولویت‌های صنعتی (با اولویت صنایع معدنی) را با رعایت ملاحظات آمایش سرزمینی و تعادل بخشی منطقه‌ای به تصویب هیئت وزیران برساند.

همان‌گونه که در بند (الف) ماده (۴۶) قانون برنامه ششم توسعه آمده است منظور از آمایش صنعت و معدن، ایجاد تعادل و توازن در توسعه صنعتی و معدنی کشور با بهره‌گیری از امکانات و قابلیت‌های متنوع استان‌ها و توجه به امکانات بالقوه و بالفعل منابع انسانی و طبیعی و زیرساختی استان‌های مختلف کشور است. مزایای استفاده از طرح‌های صنعتی و معدنی آمایش:

- توزیع فعالیت‌های صنعت در اقصی نقاط کشور با توجه به اولویت‌های آمایشی؛
- توجه به مزیت‌های نسبی و خاص در مناطق مختلف کشور؛
- تکمیل زنجیره‌های تولید صنعتی؛

- تولید متوازن و هدفمند؛
  - دستیابی به اهداف صنعتی و معدنی سند چشم‌انداز ۲۰ ساله جمهوری اسلامی ایران؛
  - افزایش مشارکت بخش خصوصی توانمند با توجه به سیاست‌های کلی اصل ۴۴؛
  - صدور جوازهای تأسیس بر پایه بررسی‌های فنی و اقتصادی؛
  - کاهش فاصله سرانه سرمایه‌گذاری صنعتی بین استان‌های توسعه یافته و توسعه نیافته کشور؛
  - زمینه‌سازی برای جذب سرمایه‌گذاری‌های خارجی.
- رویکرد آمایشی به تولید در برنامه چهارم و پنجم توسعه
- در این پژوهش، با تمرکز بر هدف حفظ تعادل منطقه‌ای و جهش تولید، به سه بعد اصلی توزیع فضایی و بعد فعالیت و جمعیتی در متن قوانین چهارم و پنجم توسعه توجه شده است:
- بعد توزیع فعالیت‌ها و امکانات در برنامه چهارم و پنجم توسعه
- رتبه‌بندی مناطق از نظر نوع معیشت: دولت طی یک ماده قانون موظف به توسعه منطقه‌ای، توجه به کارآفرینی بومی، توسعه بنگاه‌های کوچک و متوسط و ارائه تسهیلات و امکانات منطقه‌ای شده است که تلویحاً شامل مناطق کمتر توسعه یافته و بدون امکانات صنعتی، کشاورزی، دامداری و... است شایان ذکر است که مواد قانونی مربوط به شاخص‌هایی مانند معرفی قطب‌های اصلی تجاری، کشاورزی و صنعتی و معرفی مراکز اصلی گردشگری، در برنامه پنجم توسعه دیده نشده است (جاجرمی و دباغی، ۱۳۹۴: ۵۲۲).
- ناحیه‌بندی کلان قلمروهای کشاورزی برحسب میزان فشردگی کشت، جنبه تجاری تولید، وضعیت اقلیمی، نوع معیشت غالب و محدودیت‌های ارضی (ضوابط ملی آمایش سرزمین، ماده ۱، بند ۲۰)؛ بازتعریف و سطح‌بندی مراکز اصلی صنعتی کشور بر حساب مقیاس، میزان پیشرفت صنایع و خدمات استقرار یافته در تعیین میدان‌های مهم با عملکرد ملی (ضوابط ملی آمایش سرزمین، ماده ۱، بند ۳۳)؛ تخلیه و توزیع کالا برحسب حوزه عملکرد و سطح‌بندی مبادی و خروجی کالا برحسب ظرفیت و عملکرد (ضوابط ملی آمایش سرزمین، ماده ۱، بند ۲۹)؛ سطح‌بندی مراکز اصلی گردشگری با عملکرد ملی و بین‌المللی (ضوابط ملی آمایش سرزمین، ماده ۱، بند ۳۱)؛ تعیین تقریبی موقعیت مکانی سدهای مخزنی و شبکه‌های انتقال آب حوزه‌ای (جاجرمی و دباغی، ۱۳۹۴: ۵۰۹).

- 
- بعد توزیع فضایی در برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه
  - طراحی شبکه‌های راه‌های اصلی جاده‌ای، راه‌آهن و فرودگاه‌ها، تعیین تقریبی موقعیت مکانی نیروگاه‌ها و پالایشگاه‌های جدید (ضوابط ملی آمایش سرزمین، ماده ۱، بند ۶)؛
  - طراحی شبکه‌های خطوط لوله گاز و فرآورده‌های نفتی و توزیع برق؛
  - تعیین محورهای فضایی توسعه (خنیفر، ۱۳۸۹: ۵)؛
  - ضوابط ملی آمایش سرزمین (ماده ۱، بند ۷).
- بعد جمعیت و توزیع آن
- پیش‌بینی شمار جمعیت کشور؛
  - طراحی نظام سلسله‌مراتبی شهری و تعیین مراکز اصلی خدماتی و حوزه عملکرد آن در سطوح بالای کشور (ضوابط ملی آمایش سرزمین، ماده ۱، بند ۳)؛
  - تعیین محدوده‌های روستایی دارای اولویت در توسعه، برحسب قابلیت‌ها و ملاحظه‌های خاص (ضوابط ملی آمایش سرزمین، ماده ۱، بندهای ۹ و ۱۰)؛
  - منطقه‌بندی فضایی برحسب وضعیت مهاجرتی (ضوابط ملی آمایش سرزمین، ماده ۱، بند ۱۹).
- بنابراین، می‌توان نمودار مربوط به شاخص‌های آمایش سرزمین را که با توجه به ضوابط ملی آمایش سرزمین و ادبیات نظری موجود این حوزه استخراج شده است برای تحلیل برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه به کار گرفت.



شکل ۳: شاخص های پیش بینی شده در آمایش سرزمین برای تحلیل اسناد توسعه کشور  
منبع: مطالعات تحقیق

### احکام برنامه های توسعه در حمایت از تولید از منظر آمایش سرزمین

حمایت از تولید، مفهومی با دامنه وسیع تر از حمایت گرایی است و اگرچه نمی توان برای آن معادل دقیقی در ادبیات اقتصادی یافت، اما می توان آن را ذیل مفاهیمی مانند «مداخله گرایی اقتصادی» و «اتخاذ سیاست های صنعتی» یا «استراتژی صنعتی» دسته بندی کرد. به طور کلی، ریشه حمایت از تولید را باید در درک گسترده و عمق شکست بازار در اقتصادهای در حال توسعه جست و جو کرد. اقتصادهای در حال توسعه اغلب از بازارهای محدود و نیز بازارهای ناقص رنج می برند. در واقع بازار ناقص اشاره به فقدان زیرساخت ها و فقدان صرفه های مقیاس در اقتصادهای در حال توسعه دارد. زیرساخت هایی مانند جاده، برق صنعتی، انرژی و... برخلاف کشورهای توسعه یافته با نواقص بسیار زیادی در کشورهای در حال توسعه مواجه است. وجود بازارهای محدود و ناقص، مانع ورود سرمایه گذاران و کارآفرینان به حوزه توسعه صنعتی می شود.

طرق درک و تحلیل نوع حمایت سیاست گذار از تولید و متعاقب آن، آسیب شناسی حمایت ها و بررسی نقش واقعی آن ها در رونق تولید، تبیین رویکرد قانون گذار در این خصوص است. در نظام حقوقی جمهوری اسلامی ایران، این رویکرد به ویژه در قالب قوانین برنامه توسعه تجلی می یابد؛ مقوله حمایت از تولید از منظرهای مختلف و در تقاطع علمی از جمله مدیریت، اقتصاد، حقوق، سیاست و همچنین رویکردهای بین رشته ای به ویژه اقتصاد سیاسی و حقوق اقتصادی طبقه بندی می شود. در این پژوهش، برخی از انواع حمایت مرتبط با موضع تحقیق که در متن احکام برنامه های پنج ساله اول تا ششم به طور صریح یا ضمنی طرح شده اند استخراج شده است:



### حمایت دسترسی به بازار

این نوع حمایت، به معنای تمهیداتی برای تولیدکنندگان کالاها و خدمات به دسترسی (ملاقات) و مذاکره تجاری با خریداران بالقوه محصولات خود توسط دولت است.

### حمایت زیرساختی

در مواردی که قانون‌گذار از طریق مکلف کردن دولت به ایجاد تأسیسات و زیرساخت‌های فیزیکی و اجرای طرح‌های زیرساختی، به حمایت از تولید می‌پردازد، با عنوان حمایت زیرساختی دسته‌بندی شده است.

### حمایت منطقه‌ای

قانون‌گذار به منظور جبران عقب‌ماندگی برخی از مناطق محروم کشور و برقراری تعادل‌های منطقه‌ای، سیاست‌هایی را با رویکرد تبعیض مثبت اعمال می‌کند. این رویه در خصوص تدابیر حمایتی خاص در خصوص تولید نیز صورت می‌گیرد (ن.ک: مالگیری، ۱۳۹۶: ۶-۷).

جدول ۳، احکام ۶ برنامه توسعه در خصوص حمایت از تولید فهرست شده‌اند. در این احکام تلاش شده است در حد امکان، صرفاً محتوای مربوط به حمایت از تولید در ارتباط با بحث آمایش آورده و مفاد غیرمرتبط با موضوع مورد بحث در هر ماده، حذف شود.

جدول ۳: احکام واجد مفهوم حمایت از تولید از منظر آمایشی در قانون برنامه اول توسعه (مصوب ۱۳۶۸/۱۱/۱۱)

بخش هدف	نوع حمایت	ماده/تبصره	ردیف
چندبخشی	منطقه‌ای مالیاتی تأمین مالی	ماده واحده (تبصره ۶) دولت مکلف است به منظور احیا و توسعه بخش‌های محروم و تعادل‌های منطقه‌ای ترتیبی اتخاذ نماید که با توجه به شرایط و استعدادها خاص هر منطقه، اقداماتی به شرح زیر معمول دارد: الف) ایجاد تسهیلات لازم برای تقلیل کارمزد وام‌های پرداختی در امور کشاورزی، صنعتی و مسکن در بخش‌های محروم. ب) اعطای تخفیف مالیاتی برای مشاغل تولیدی در بخش‌های محروم تا پایان برنامه.	۱
	زیرساختی	ماده واحده (تبصره ۲۰) به منظور پشتیبانی تولید، گمرک ایران و سازمان بنادر و کشتیرانی موظفند حداکثر ظرف ۶ ماه از تاریخ تصویب این قانون مناطق ویژه حراست شده‌ای را در مبادی ورودی و یا گمرکات داخلی جهت نگهداری به صورت امانی مواد اولیه و قطعات و ابزار و مواد تولیدی که بدون انتقال ارز وارد می‌شود تأسیس نمایند. ورود کالا از مناطق مذکور جهت مصرف داخلی، تابع مقررات صادرات و واردات خواهد بود. صاحبان کالا می‌توانند بدون هیچ‌گونه تشریفات کالای وارداتی خود را از مبادی مذکور، از کشور خارج نمایند.	۲

جدول ۴: احکام واجد مفهوم حمایت از تولید از منظر آمایشی در قانون برنامه دوم توسعه (مصوب ۱۳۷۳/۰۹/۲۰)

بخش هدف	نوع حمایت	ماده/تبصره	ردیف
چندبخشی	- منطقه‌ای - زیرساختی - تأمین مالی	ماده واحده (تبصره ۱۱) به منظور توسعه روستاهای محروم و ایجاد تعادل‌های منطقه‌ای در روستاها در طول برنامه اقداماتی به شرح زیر معمول می‌گردد: الف- مبلغ سه هزار میلیارد (۳,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰,۰۰۰) ریال برای امور زیر در روستاهای محروم هزینه می‌شود: ۱- انجام طرح‌های عمرانی در زمینه راه مناسب روستایی و برق‌رسانی، بهداشت و آب‌رسانی، فضاهای آموزشی، پستی و مخابراتی و کمک به آماده‌سازی زمین برای طرح‌های اشتغال‌زا در روستاهای محروم با اولویت اتمام طرح‌های نیمه‌تمام برنامه اول. ۲- توسعه فعالیت‌های تولیدی و اشتغال‌زا و خوداشتغالی در روستاهای محروم از طریق پرداخت مابه‌التفاوت کارمزد و سود مورد انتظار بانک در امور آب، کشاورزی، صنعت، مسکن و امور اجتماعی و پیش‌بینی آن‌ها در بودجه سنواتی.	۱
چندبخشی	- تأمین مالی	ماده واحده تبصره ۱۰ بند الف- به منظور کمک به تأمین عدالت اجتماعی، کاهش فقر و محرومیت، ایجاد اشتغال و حمایت از بنگاه‌های اقتصادی کوچک، دولت مکلف است در جهت اجرای اصول چهل و سوم و چهل و چهارم قانون اساسی ایجاد تعادل در سهم بخش‌های دولتی، تعاونی و خصوصی در اقتصاد کشور، افزایش سهم فعالیت‌های اقتصادی بخش تعاونی و همچنین اجرای طرح‌های اشتغال‌زا (خوداشتغالی)، از طریق پرداخت تسهیلات ارزان قیمت بانکی حمایت‌های لازم را به عمل آورد.	۲
صادرات غیرنفی حمل‌ونقل	- زیرساختی	ماده واحده- تبصره ۲۵ الف) به منظور پشتیبانی از تولیدات داخلی و توسعه صادرات غیرنفی و ایجاد تحرک در اقتصادهای منطقه‌ای دولت می‌تواند مناطق ویژه حراست شده‌ای را در مبادی ورودی و یا گمرک‌های داخلی ایجاد نماید. ورود کالا از مناطق مذکور جهت مصرف داخلی، تابع مقررات صادرات و واردات خواهد بود و صدور کالا از این مناطق بدون هیچ‌گونه تشریفات انجام خواهد شد.	۳
کشاورزی	- تأمین مالی - زیرساختی	ماده واحده تبصره ۷۴، ب- در طول دوره برنامه در صورتی که اجرای طرح‌های جدید و یا افزایش حجم عملیات طرح‌های پیشنهادی، در جهت ارتقای اهداف برنامه‌های بخش آب و کشاورزی خصوصاً در زمینه آب و خاک و امور زیربنایی و منابع طبیعی و اشتغال در زمینه صنایع روستایی ضروری تشخیص داده می‌شود، دولت می‌تواند حسب مورد بر اساس پیشنهاد وزارتخانه‌های کشاورزی، جهاد سازندگی و نیرو و با تأیید سازمان برنامه و بودجه نسبت به تأمین بودجه موردنیاز از سرجمع اعتبارات جذب نشده عمرانی کشور، اقدام کند.	۴
کشاورزی	- زیرساختی دسترسی به بازار	ماده واحد تبصره ۷۹- دولت موظف است به منظور تنظیم بازار محصولات کشاورزی و حمایت از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان اقدامات ذیل را به عمل آورد: ۱- نسبت به احداث و گسترش صنایع لازم و انبارهای فنی و سردخانه و تقویت سیستم حمل‌ونقل موردنیاز با تأکید بر استفاده از تسهیلات بانکی ارزان‌قیمت و با اولویت بخش‌های خصوصی و تعاونی اقدام نماید. ۲- از طریق وزارتخانه‌های کشاورزی، جهاد سازندگی، تعاون، کشور و بازرگانی حسب وظایف با ایجاد مکانیسم‌های مناسب زمینه عرضه مستقیم محصولات تولیدی بخش کشاورزی را فراهم و با حذف واسطه‌ها از تولیدکنندگان و مصرف‌کنندگان حمایت نماید.	۵

**جدول ۵: توسعه احکام حمایت از تولید از منظر آمایشی در قانون برنامه سوم توسعه (مصوب ۱۳۷۹/۰۱/۱۷)**

بخش هدف	نوع حمایت	ماده/تبصره	ردیف
چندبخشی	- منطقه‌ای - تأمین مالی	ماده (۵۰) به دولت اجازه داده می‌شود به منظور ایجاد اشتغال در مناطق کمتر توسعه یافته: الف) معافیت از حقوق و عوارض دولتی برای سرمایه‌گذارانی که در این مناطق اقدام به سرمایه‌گذاری می‌نمایند. طبق آیین‌نامه‌ای که بنا به پیشنهاد وزارتخانه‌های امور اقتصادی و دارایی و صنایع و کار و امور اجتماعی و سازمان برنامه و بودجه به تصویب هیئت دولت می‌رسد در طول سالیان اجرای برنامه در نظر بگیرد. ب) قسمتی از سود تسهیلات اعطایی به سرمایه‌گذاران بخش خصوصی و تعاونی‌ها و تعاونی‌های خدمات تولیدکنندگان، تعاونی‌های تولید روستایی، عشایری و بهره‌برداری از منابع طبیعی و طرح‌های خوداشتغالی را پرداخت کند. ج) تسهیلات اعطایی در قالب بودجه‌های سنواتی و آیین‌نامه‌های اجرایی آن‌ها باید طوری تقسیم شود که سهم مناطق کمتر توسعه یافته به نسبت شاخص بیکاری آن‌ها بیشتر باشد به صورتی که در پایان برنامه جبران کمبود اشتغال این مناطق شده باشد.	۱
کشاورزی	- زیرساختی - تأمین مالی	ماده (۱۰۸): الف) به منظور استفاده از نیروهای متخصص و کارآفرینان بخش آب و کشاورزی با اولویت ساکنین روستاها، دولت مجاز است اراضی بزرگ با مقیاس اقتصادی را در عرصه منابع طبیعی که قابل احیا و بهره‌برداری کشاورزی می‌باشند، با شرایط مناسب در اختیار آنان قرار دهد و حمایت‌های لازم را از قبیل ایجاد زیربناها و پرداخت تسهیلات به عمل آورد. دولت موظف است ارزش آن قسمت از اراضی ملی و موات و سایر اراضی متعلق به دولت را که برای سرمایه‌گذاری در طرح‌های مختلف تولیدی به مردم (اعم از حقیقی و حقوقی) واگذار می‌نماید در ابتدای واگذاری تقویم و بر همان اساس بعد از شروع دوره بهره‌برداری آن را با اقساط حداکثر پنج‌ساله دریافت نماید. ارزش احیا و تبدیل به احسن این اراضی متعلق به بهره‌بردار بوده و دولت حق ندارد بابت آن وجهی دریافت نماید. ب) به منظور آزادسازی عرصه‌های منابع طبیعی و اعمال مدیریت بهره‌برداری بهینه، دولت مکلف است به عشایر و دامداران دارای پروانه بهره‌برداری و یا بهره‌برداران عرفی و تشکل‌های اقتصادی آن‌ها از اراضی مرتعی قابل احیا تحت تصرف خود و یا اراضی همان مناطق زیست آن‌ها در بیلاق و قشلاق برای کشاورزی و از عرصه‌های مرتعی برای اجرای طرح‌های مرتعداری و تولید علوفه واگذار نماید (با قید اولویت) به گونه‌ای که معیشت آن‌ها در حد بالای خط فقر تأمین گردد و بقیه اراضی جهت سرمایه‌گذاری و واگذاری بر اساس ضوابط مربوطه منظور می‌گردد.	۲
چندبخشی کشاورزی	- منطقه‌ای - تشکیلاتی - تأمین مالی - کلی	ماده (۱۳۷): الف) به منظور تسریع در امر توسعه و عمران روستاها و توجه ویژه به بهبود معیشت روستاییان، دولت مکلف است نسبت به انجام موارد زیر طی دوران برنامه اقدام کند: ۱- تعیین نقش و قلمرو وظایف و ارتباطات دستگاه‌ها و سازمان‌های مرتبط با توسعه و عمران روستاها در جهت سازماندهی مجدد و حذف فعالیت‌های مشابه و موازی... ۲- حمایت از مؤسسات غیردولتی تأمین‌کننده اعتبارات خرد از قبیل صندوق عمران و توسعه روستایی به منظور ارائه تسهیلات به روستاییان برای فعالیت‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی. ۳- حمایت از سرمایه‌گذاری‌های خصوصی و مردمی در محیط روستایی با تأمین تسهیلات مناسب به‌ویژه برای سرمایه‌گذاری‌های اشتغال‌زا و پرداخت بخشی از سود تسهیلات اعطایی برای مناطق توسعه نیافته. د) به منظور ایجاد اشتغال در مناطق روستایی به‌ویژه در مناطق توسعه نیافته، صندوقی تحت عنوان صندوق قرض‌الحسنه توسعه اشتغال روستایی با سرمایه دولت و مردم تأسیس می‌شود.	۳

**جدول ۶: احکام حمایت از تولید از منظر آمایشی در قانون برنامه چهارم توسعه (مصوب ۱۳۸۳/۰۶/۱۱)**

ردیف	ماده/تبصره	نوع حمایت	بخش هدف
۱	ماده (۲۷): به دولت اجازه داده می‌شود به منظور ایجاد انگیزه برای سرمایه‌گذاری و اشتغال در سطح کشور به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه یافته، در قالب لوایح بودجه سنواتی و از طریق وجوه اداره شده، تسهیلات متناسب با سهم متقاضیان سرمایه‌گذاری در طرح‌های اشتغال‌زا و نیز قسمتی از سود و کارمزد تسهیلات مذکور را تأمین کند.	- منطقه‌ای - مقرراتی - تأمین مالی	چندبخشی
۲	ماده (۵۵): بند پ. نظام حمایت از مؤسسات و بنگاه‌های دولتی و بخش غیردولتی، در توسعه آموزش‌های فنی و حرفه‌ای و علمی کاربردی به‌ویژه در مناطق کمتر	- فنی و آموزشی - منطقه‌ای	سایر خدمات
۳	ماده (۹۵): بند پ. طراحی روش‌های لازم برای افزایش بهره‌وری و درآمد روستاییان و عشایر ایجاد فرصت‌های اشتغال به‌ویژه در دوره‌های زمانی خارج از فصول کاشت و برداشت با رویکرد مشارکت روستاییان و عشایر، با حمایت از صندوق قرض‌الحسنه توسعه اشتغال روستایی و صندوق اشتغال نیازمندان.	- یارانه - نهاده‌ها - منطقه‌ای	کشاورزی
۴	ماده (۳۵): بند ج. دولت مکلف است به منظور اعمال مدیریت واحد و ایجاد رشد اقتصادی مناسب در مناطق آزاد اقدامات زیر را انجام دهد: ج) کالاهای تولید یا پردازش شده در مناطق آزاد هنگام ورود به سایر نقاط کشور به میزان مجموع ارزش افزوده و ارزش مواد اولیه داخلی و قطعات داخلی به کار رفته در آن مجاز و تولید داخلی محسوب و از پرداخت حقوق ورودی معاف خواهد بود.	- تعرفه‌ای - منطقه‌ای	چندبخشی
۵	ماده (۱۹۴): دولت مکلف است به منظور بهبود وضعیت روستاها در زمینه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، راهبری، نظارت و هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی، ارتقای سطح درآمد و کیفیت زندگی روستاییان و کشاورزان و کاهش نابرابری‌های موجود بین جامعه روستایی، عشایری و جامعه شهری، حمایت لازم را از اقدامات زیر به عمل آورد: ب) حمایت از گسترش کشاورزی صنعتی و صنایع روستایی با اولویت توسعه خوشه‌ها و زنجیره‌های صنعتی کشاورزی کوچک و متوسط که بخش اعظم نهاده‌ها و عوامل تولید آن در جغرافیای روستایی وجود دارد و همچنین صنایع دستی و خدمات گردشگری و ایجاد و توسعه بازارهای محلی با اولویت مراکز دهستان‌های دارای قابلیت توسعه و نهادهای عمومی و) آموزش فنی و حرفه‌ای مستمر روستاییان با هدف توانمندسازی برای ارائه و استفاده از خدمات نوین و مشارکت در فعالیت‌های صنعتی و بهبود کیفیت تولیدات ز) ساماندهی و استقرار فعالیت‌های کارآفرینی و اشتغال‌زای کوچک و متوسط تولیدی و خدماتی در مناطق روستایی از طریق ارائه مشوق‌های مالی و اعتباری ح) ساماندهی روستاها در قالب مجموعه‌های روستایی به منظور خدمات‌رسانی بهتر و مؤثرتر ط) احداث، ترمیم و نگهداری و ایمن‌سازی شبکه راه‌های روستایی ک) حمایت مالی از طریق اعطای تسهیلات، وجوه اداره شده، بارانه سود و کارمزد جهت توسعه اشتغال خانوارهای روستایی و عشایری با اولویت روش‌های محلی و بومی و نیز تقویت مدیریت یکپارچه اراضی از طریق مشارکت با تشکلهای حقوقی به منظور جلوگیری از خرد شدن اراضی و تجمیع مدیریتی اراضی خرد کشاورزی در سراسر کشور با پیشنهاد کارشناسان فنی، زیر نظر بنیاد مسکن و تأیید بخش‌داری هر بخش و با اطلاع دهیاران و رؤسای شورای اسلامی روستاها و تصویب آن	- منطقه‌ای - کلی - تأمین مالی - فنی و آموزشی - تشکیلاتی	کشاورزی
۶	ماده (۲۰۴): در راستای ارتقای و تقویت اقتصاد و معیشت روستاییان با رعایت ملاحظات و تأمین امنیت پایدار مناطق مرزی، دولت حمایت مالی و حقوقی لازم را از استقرار صنایع و شکل‌گیری تعاونی‌های روستاییان و حق بهره‌برداری از زمین‌های مستعد کشاورزی و استفاده حداکثری از منابع طبیعی و گردشگری در مناطق مرزی به عمل می‌آورد.	- منطقه‌ای - تأمین مالی	چندبخشی

**جدول ۷: احکام حمایت از تولید در قانون برنامه پنجم توسعه (مصوب ۱۳۸۹/۱۰/۱۵)**

ردیف	ماده/تبصره	نوع حمایت	بخش هدف
------	------------	-----------	---------

<p>کشاورزی</p>	<p>- منطقه‌ای - کلی - تأمین مالی - فنی و آموزشی - تشکیلاتی</p>	<p>ماده (۱۹۴): دولت مکلف است به منظور بهبود وضعیت روستاها در زمینه سیاست‌گذاری، برنامه‌ریزی، راهبری، نظارت و هماهنگی بین دستگاه‌های اجرایی، ارتقای سطح درآمد و کیفیت زندگی روستاییان و کشاورزان و کاهش نابرابری‌های موجود بین جامعه روستایی، عشایری و جامعه شهری، حمایت لازم را از اقدامات زیر به عمل آورد:</p> <p>ب) حمایت از گسترش کشاورزی صنعتی و صنایع روستایی با اولویت توسعه خوشه‌ها و زنجیره‌های صنعتی کشاورزی کوچک و متوسط که بخش اعظم نهاده‌ها و عوامل تولید آن در جغرافیای روستایی وجود دارد و همچنین صنایع دستی و خدمات گردشگری و ایجاد و توسعه بازارهای محلی با اولویت مراکز دهستان‌های دارای قابلیت توسعه و نهادهای عمومی</p> <p>و) آموزش فنی و حرفه‌ای مستمر روستاییان با هدف توانمندسازی برای ارائه و استفاده از خدمات نوین و مشارکت در فعالیتهای صنعتی و بهبود کیفیت تولیدات</p> <p>ز) ساماندهی و استقرار فعالیتهای کارآفرینی و اشتغال‌زای کوچک و متوسط تولیدی و خدماتی در مناطق روستایی از طریق ارائه مشوق‌های مالی و اعتباری</p> <p>ح) ساماندهی روستاها در قالب مجموعه‌های روستایی به منظور خدمات‌رسانی بهتر و مؤثرتر</p> <p>ط) احداث، ترمیم و نگهداری و ایمن‌سازی شبکه راه‌های روستایی</p> <p>ک) حمایت مالی از طریق اعطای تسهیلات، وجوه اداره شده، یارانه سود و کارمزد جهت توسعه اشتغال خانوارهای روستایی و عشایری با اولویت روش‌های محلی و بومی و نیز تقویت مدیریت یکپارچه اراضی از طریق مشارکت با تشکلهای حقوقی به منظور جلوگیری از خرد شدن اراضی و تجمیع مدیریتی اراضی خرد کشاورزی در سراسر کشور با پیشنهاد کارشناسان فنی، زیر نظر بنیاد مسکن و تأیید بخشداری هر بخش و با اطلاع دهیاران و رؤسای شورای اسلامی روستاها و تصویب آن در کمیته‌ای متشکل از رئیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی استان به‌عنوان رئیس، فرماندار شهرستان، بخشدار بخش، نماینده سازمان مسکن و شهرسازی استان، رئیس بنیاد مسکن انقلاب اسلامی شهرستان، نماینده سازمان جهاد کشاورزی استان، نماینده معاون امور عمرانی استانداری و رئیس شورای اسلامی روستا به‌عنوان ناظر</p>	<p>۱</p>
<p>چندبخشی</p>	<p>- منطقه‌ای - تأمین مالی</p>	<p>ماده (۲۰۴): در راستای ارتقای و تقویت اقتصاد و معیشت مرزنشینان با رعایت ملاحظات و تأمین امنیت پایدار مناطق مرزی، دولت حمایت مالی و حقوقی لازم را از استقرار صنایع و شکل‌گیری تعاونی‌های مرزنشینان و حق بهره‌برداری از زمین‌های مستعد کشاورزی و استفاده حداکثری از منابع طبیعی و گردشگری در مناطق مرزی به عمل می‌آورد</p>	<p>۲</p>

**جدول ۸: احکام حمایت از تولید از منظر آمایشی در قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه (مصوب ۱۳۹۵/۱۲/۱۴)**

بخش هدف	نوع حمایت	ماده / تبصره	ردیف
<p>چندبخشی</p>	<p>- منطقه‌ای - زیرساختی - تأمین مالی - رقابت و - تسهیل ورود - فنی و آموزشی</p>	<p>ماده (۲۷): دولت موظف است به منظور تحقق سیاست‌های کلی برنامه و اقتصاد مقاومتی، شناسایی و بهره‌برداری از ظرفیتهای موجود در نواحی روستایی و ارتقای منزلت اجتماعی روستاییان و جایگاه روستاها در اقتصاد ملی و ایجاد بستر لازم برای شکوفایی و پیشرفت عدالت محور روستاها اقدامات زیر را مطابق قوانین و در قالب بودجه‌های سنواتی انجام دهد:</p> <p>الف) اقدامات اقتصادی و بخشی:</p> <p>۱- دولت مکلف است در راستای برنامه‌ریزی منطقه‌ای و تقویت اقتصاد روستایی و توسعه اقتصاد صادرات محور در طول اجرای قانون برنامه هر سال، در پنج هزار روستا با توجه به استعدادها و ظرفیتهای بومی و محیطی و قابلیت محلی اقتصادی آن منطقه، با مشارکت نیروهای محلی و با بهره‌گیری از تسهیلات بانکی، حمایت‌های دولتی و سرمایه‌گذاری بخش خصوصی، برنامه توسعه اقتصادی و اشتغال‌زایی آن روستاها را به‌وسیله سازمان استان تهیه کند و به تصویب شورای توسعه و برنامه‌ریزی استان مربوطه برساند. سازمان موظف است تعداد روستاهای سهمیه استانی را تا سه ماه اول سال اول اجرای قانون برنامه اعلام نماید.</p>	<p>۱</p>

## رویکرد دولت در توسعه صنعتی در ایران

در این بخش به دو نوع رویکرد ملی و منطقه‌ای توسعه صنعتی در ایران می‌پردازیم.

### رویکرد ملی توسعه صنعتی در ایران

وجه مشترک دوران قبل و پس از انقلاب، پیروی از «رویکرد تجاری جایگزینی واردات» در توسعه صنعتی کشور است. رویکرد جایگزینی واردات که در راستای رهیافت استخدام صنعتی قرار می‌گیرد مبتنی بر ایده خودکفایی شکل گرفته است. این رویکرد، با پیروزی انقلاب اسلامی با سه پدیده جدی مواجه شد (نیلی، ۱۳۸۲):

نخست، بروز تعارض کاملاً جدی با کشورهای پیشرفته صنعتی بود که موجب تشدید بعد درون‌گرایی اقتصاد در قالب استراتژی جایگزینی واردات شد. دوم، به دلیل بروز جنگ و تنگناهای شدید مالی، رشد و توسعه صنعتی در قالب سرمایه‌گذاری‌های جدید، نه تنها متوقف شد؛ بلکه به دلیل تخریب‌های ناشی از جنگ و همچنین استهلاک سرمایه موجود در آن زمان، صنعت به تدریج تحلیل رفت و سرمایه‌های خود را به میزان قابل توجهی از دست داد. پدیده سوم، از بین رفتن صنایعی بود که پیش از انقلاب از جنبه نهادی و سازمانی ارتباط نزدیکی با ساختار سیاسی داشتند و با پیروزی انقلاب اسلامی یا کاملاً متلاشی و یا به نهادهایی مانند بانک صنعت و معدن، سازمان گسترش صنایع، ستاد فرمان امام و ... منتقل شدند. از این رو بخش بزرگی از صنایع خصوصی در چارچوب قانون مصادره بین چندین نهاد دولتی توزیع شد.

هادی زنوز (۱۳۷۹)، با بررسی عملکرد بخش صنعت در دوره زمانی ۷۷-۱۳۴۷ به این نتیجه رسیده که عملکرد بخش صنعتی در دوره قبل از انقلاب بهتر از دوره پس از انقلاب بوده است. وی اشاره می‌کند که به دلیل وفور منابع طبیعی به‌ویژه منابع نفتی، دولت برای سالیان متمادی و به‌منظور حمایت از صنایع داخلی، نرخ ارز را در حد پایین نگه داشت و از این طریق، علیه صادرات صنعتی تبعیض قائل شد.

به طور کلی می‌توان گفت، دخالت دولت در اقتصاد به‌صورت وضع تعرفه‌های گمرکی، سهمیه‌بندی واردات، کنترل قیمت‌ها، تعیین نرخ بهره، تعیین حداقل دستمزدها و نرخ ارز به شیوه اداری، موجب انحراف قیمت‌های بازار از وضعیت رقابتی شده است. در این حالت، هزینه-فایده بنگاه‌های اقتصادی، از هزینه-فایده اجتماعی فاصله گرفته و تخصیص منابع کمیاب اقتصادی، دستخوش اثرات نامساعد انحراف قیمت‌ها شده و درنهایت، ناکارایی در اقتصاد رخ داده است.

### رویکرد منطقه‌ای توسعه صنعتی در ایران

بر اساس رهیافت ملی استخدام صنعتی در کشور، مناطق مختلف کشور نیز بر این مبنا مورد هدف‌گذاری صنعتی قرار گرفته‌اند. از آنجا که فرایند هدف‌گذاری، همواره توسط دولت مرکزی در ایران انجام گرفته است، گروه‌های سیاسی و تصمیم‌گیرندگان نزدیک به دولت مرکزی، این هدف‌گذاری را بر اساس نیازهای خود تشکیل و یا تغییر داده‌اند. نتیجه این امر، سرازیر شدن منابع مالی به‌سوی مناطق دارای قدرت چانه‌زنی بالاتر و تشدید شکاف منطقه‌ای میان مناطق مرکزی و مناطق حاشیه‌ای و محروم بوده است (رهبر و حسینی، ۱۳۸۸: ۳۶).

اصلی‌ترین جهت‌گیری‌های آمایش اقتصادی، تولیدی، سرمایه‌گذاری سرزمین عبارتند از:

- کاهش تمرکز و تراکم جمعیت و فعالیت در مناطق مرکزی و پرتراکم کشور مانند استان‌های تهران و اصفهان و مهار روند رو به رشد جمعیت و فعالیت‌ها در این مناطق از طریق کاهش سهم اشتغال در فعالیت‌های صنعتی و خدماتی آن‌ها و تلاش در جهت دگرگونی درونی ساختار این فعالیت‌ها در این مناطق و زمینه‌سازی برای هدایت سرمایه‌گذاری‌های متمایل به این مناطق به استان‌های همجوار آن‌ها و ایجاد فرصت‌های شغلی جدید صنعتی و خدمات در استان‌هایی مانند سمنان، قزوین، قم و زنجان و یزد.
- تقویت نقش و عملکرد فراملی قطب‌های جمعیتی مشهد، تبریز، شیراز، اهواز و کرمانشاه و افزایش نقش صنعتی و خدمات آن‌ها در ارتباط با افزایش تعاملات فراملی آن‌ها با حوزه‌های همجوار با تأکید بر تحولات ساختار درونی بخش‌های فوق و نوین‌سازی فعالیت‌های آن.
- توسعه علوم، گسترش و تجهیز مراکز علمی و تحقیقاتی و فن‌آوری کشور (با تأکید بر توسعه فن‌آوری نوین نظیر IT، تکنولوژی زیستی، تکنولوژی مولکولی و ...) برای ارتقاء سطح دانش و مهارت‌های تخصصی متناسب با نیازهای ملی و منطقه‌ای با تأکید بر ارتقا سطح کیفی مراکز علمی و تحقیقاتی شهرهای تهران، مشهد، تبریز، اصفهان، شیراز و اهواز با عملکردهای ملی و فراملی به‌منظور افزایش ظرفیت‌های علمی نیروی انسانی در جهت پیشبرد توسعه مبتنی بر دانایی و کاهش سهم منابع طبیعی در تولیدات ملی.
- توسعه و تجهیز محورهای اصلی ارتباطی کشور در کریدورهای شمال- جنوب (در محورهای شرق، شرق میانی، مرکز و غرب) و شرقی- غربی (در محورهای دامنه شمالی البرز، دامنه جنوبی البرز و جنوب شرقی- غرب و جنوب شرقی- جنوب غربی) به‌عنوان دالان‌های (کریدورهای) بین‌المللی حمل‌ونقل جهت استفاده مناسب از موقعیت ممتاز ارتباطی کشور به‌عنوان محورهای اولویت‌دار در توسعه.
- تحول ساختار بخش کشاورزی در جهت دستیابی به کشاورزی مدرن و رقابتی به‌گونه‌ای که علیرغم کاهش سهم شاغلین این بخش در کل ساختار اشتغال حد فعلی شاغلین بخش ثابت باقی بماند.

- توجه به محدودیت‌های آب و خاک و عدم امکان توسعه فعالیت‌های کشاورزی در استان‌هایی که با محدودیت‌های بیشتری در این زمینه مواجهند مثل یزد، سمنان، سیستان و بلوچستان، جنوب خراسان و افزایش سهم فعالیت‌های صنعتی و معدنی و خدماتی در این استان‌ها جهت جذب و نگهداشت جمعیت و استفاده بهینه از منابع آب این مناطق.
- استفاده حداکثر از قابلیت‌های طبیعی و امکانات آب و خاک جهت توسعه فعالیت‌های کشاورزی در استان‌های شمالی، غربی و جنوب غرب کشور جهت دستیابی به امنیت غذایی و توسعه صادرات محصولات کشاورزی و همچنین تأکید بر قابلیت‌های گردشگری طبیعی جهت توسعه این فعالیت در مناطق فوق.
- لزوم تأمین منابع پایه، به‌ویژه آب و همچنین توسعه شبکه‌های زیربنایی و خدمات اجتماعی متناسب با سهم فعالیت‌های پایه و جمعیت پیش‌بینی شده برای مناطق و استان‌های کشور، هرچند که در مراحل اولیه توسعه این سرمایه‌گذاری‌ها فاقد بازدهی سریع اقتصادی باشند.
- زمینه‌سازی لازم برای استفاده حداکثر از ظرفیت‌ها و توان محیط‌های روستایی در حفظ و نگهداشت جمعیت در این محیط‌ها جهت برقراری تعادل در الگوی استقرار جمعیت با متنوع سازی فعالیت‌ها در محیط‌های روستایی، ایجاد اشتغال و افزایش نقش فعالیت‌های صنعتی و خدمات قابل استقرار در محیط‌های روستایی به طوری که نسبت شهرنشینی و روستانشینی در افق طرح به ترتیب در حد ۷۵ درصد و ۲۵ درصد حاصل شود.
- متعادل تر ساختن توزیع جمعیت در سطح کشور با استفاده از ابزار استقرار فعالیت و زیرساخت‌ها و بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و امنیتی در محور شرق، جنوب و مناطق کم‌جمعیت مرکزی و با استفاده از ابزار استقرار ارادی جمعیت در مناطق استراتژیک و کانون‌های دارای قابلیت توسعه با توجه به توان محیطی عرصه‌ها و مناطق مختلف در این‌گونه بارگذاری‌های جمعیتی و فعالیتی.
- تعادل‌بخشی به توزیع جمعیت متناسب با منابع و فعالیت‌ها با تأکید بر ابعاد اجتماعی وظایف توسعه‌ای دولت در مناطق غربی و شمالی در مقابل تمرکز بر ایجاد ظرفیت‌های فیزیکی و اجتماعی موردنیاز توسعه در مناطق شرقی، جنوبی و مناطق کم‌جمعیت مرکزی کشور.
- بررسی نقش مناطق در تقسیم‌کار ملی فعالیت‌های اقتصادی.
- بررسی ضوابط و مقررات مؤثر در توسعه منطقه‌ای و جهش تولید.
- استنتاج نقاط قوت و ضعف و گرایش‌ها حاکم بر ساختار فضایی و توزیع جمعیت و فعالیت در کشور.



#### ۴- عوامل و موانع تحقق جهش تولید در حوزه آمایش سرزمین

##### عوامل و موانع تحقق جهش تولید در سطح کشور

با توجه به اینکه بخش تولید به لحاظ عوامل اصلی آن شامل ساختار نیروی کار، انباشت سرمایه و فناوری دچار مشکلات عدیده است، لذا ناهمگونی ظرفیت‌های تولیدی کشور با شرایط زیرساختی، هدایت و گردش نامناسب منابع مالی، هزینه‌های بالای تأمین سرمایه، نهادهای غیررقابتی، پایین بودن نرخ بازدهی فعالیت‌های تولیدی، وابستگی به درآمدهای نفتی، انعطاف پایین ابزارهای بودجه‌ای در تأمین و تخصیص منابع، کم‌رنگ بودن بهره‌وری کل عوامل تولید در رشد اقتصادی، مشکلات موجود الزامات برونگرایی اقتصاد، توانمند نبودن بخش خصوصی و ناکافی بودن اندازه بازار به‌عنوان موانعی جدی بر سر راه دستیابی به رشد اقتصادی بالا و استمرار آن است (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۸: ۱۴). در ادامه به برخی از مهم‌ترین عوامل و موانع عدم تحقق جهش تولید از دیدگاه آمایش سرزمین می‌پردازیم:

##### فقدان طرح یکپارچه و نظام‌مند

با بررسی تاریخچه کلی آمایش سرزمین در ایران چنین استنباط می‌شود که روند و سیری منطقی، زنجیره‌ای یکپارچه و جامع در این طرح‌ها دیده نمی‌شود؛ هر دولتی که روی کار آمده چندین برنامه را تدوین کرده است که به علت نبود حمایت و پشتیبانی و تدارکات و فراهم کردن زیرساخت‌های تشکیلاتی و مدیریت صحیح و تأمین منابع لازم، به موفقیت کمتری دست یافته است. به علت نبود جریان فکری صحیح و مراکز تحقیقاتی مناسب، ناآگاهی مجریان در ایران از اصول و فنون آمایش سرزمین، نبود رشته آمایش سرزمین در دانشگاه‌ها و آگاه نبودن وزرا و نمایندگان مجلس از اهمیت و فنون آمایش سرزمین، از آمایش سرزمین در ایران استقبال چندانی نشده است و اغلب طرح‌ها و برنامه‌ها در مرحله مصوبه و نظری مانده‌اند و به اجرا درنیامده‌اند (محمودی، ۱۳۸۸: ۱۷۸).

##### بی‌توجهی به همه ابعاد آمایش سرزمین به یک اندازه

بررسی‌ها نشان می‌دهد که در اجرای برنامه‌های عمرانی به صورت عام و آمایش سرزمین به صورت خاص، به‌رغم کسب نتایج اقتصادی محدود در چند بخش، پیشبرد اهداف توسعه همچنان با مشکلاتی روبه‌رو بوده است که بخشی از آن ناشی از برنامه‌ریزی توسعه با نگرش اقتصادی و بی‌توجهی به بازتاب‌های اجتماعی و منطقه‌ای است. برای مثال، در مقایسه برنامه‌های عمرانی چهارم و پنجم پس از انقلاب، نشان داده‌اند که در برنامه چهارم همه معیارها و شاخص‌های مربوط به جمعیت، توزیع امکانات و فعالیت‌ها و توزیع فضایی لحاظ شده است، اما در برنامه پنجم با مقوله‌های تحلیلی مشابه، مواد قانونی منطبق با مواردی مانند توجه به شاخص‌های جمعیتی در

برنامه‌ریزی، منطقه‌بندی فضایی، مثلاً اجرای سیاست‌های اقتصادی و منطقه‌بندی فضایی برحسب شاخص مهاجرت در تحلیل بخش اقتصادی مدنظر نبوده و در قالب قانونی پیش‌بینی نشده است (ایمانی و دباغی، ۱۳۹۴: ۵۲۴).

#### فقدان مدل مناسب برای آمایش سرزمین در ایران

بررسی اسناد و مدارک در حوزه آمایش سرزمین در دهه‌های گذشته حاکی از این است که هنوز مدل مناسبی برای آمایش سرزمین در کشور وجود ندارد. به عبارت دیگر، هنوز مفروضات مناسبی برای مکان‌یابی فعالیت‌های عمرانی تدوین نشده است. آمایش سرزمین ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی و زیست‌محیطی را دربر می‌گیرد و داشتن الگو یا مدلی مناسب به ارزیابی بهتر قابلیت‌ها، توانمندی‌ها و محدودیت‌های ابعاد مختلف مناطق متعدد سرزمین کمک می‌کند؛ بنابراین، یکی از چالش‌های اساسی آمایش سرزمین در ایران، مشخص نبودن راهبرد کلی توسعه در کشور است. اگر راهبرد کلی توسعه سرزمینی مشخص باشد، می‌توان بر اساس آن و با رجوع به مناطق، قابلیت‌ها و توانمندی‌ها و محدودیت‌های هر منطقه مشخص و با در نظر گرفتن آن‌ها برای رسیدن به راهبرد مدنظر برنامه‌ریزی کرد.

#### فقدان تعریف مناسب از منطقه در کشور

موضوع منطقه‌بندی جغرافیایی و چگونگی شکل و ترکیب این مناطق همواره دغدغه ذهنی برنامه‌ریزان و مدیران اجرایی کشور بوده است. به منطقه‌بندی معمولاً از دو بُعد برنامه‌ریزی و اجرا توجه می‌شود. این مقوله، به‌ویژه در برنامه‌ریزی‌های سرزمینی و از جمله آمایش سرزمین اهمیت و نقش عینی‌تری می‌یابد.

طی سال‌های گذشته دستگاه‌های دولتی بر اساس اهداف مختلف به منطقه‌بندی‌های متعددی دست زده‌اند و در هر یک از آن منطقه‌بندی‌ها اهداف خاصی را دنبال کرده‌اند. این موضوع مشکلات گوناگونی را فراروی آمایش سرزمین قرار داده است (صالحی و پوراصغر سنگاچین، ۱۳۸۸: ۱۷۶).

#### نامشخص بودن مبنای نظری مطالعات آمایش سرزمین در راهبردهای صنعتی

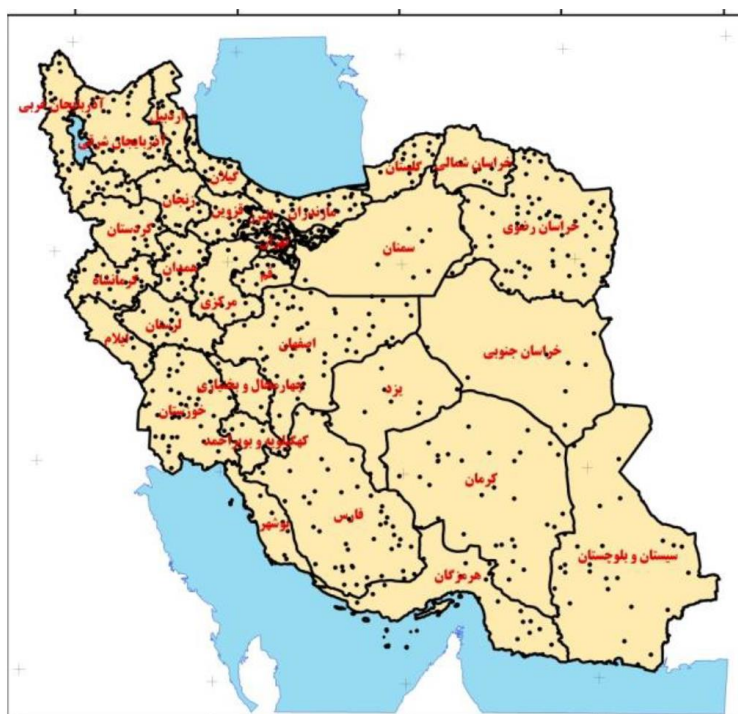
بررسی اقدامات انجام‌شده در زمینه آمایش سرزمین در کشور از نامشخص بودن رویکرد و مبنای نظری در این حوزه حکایت دارد. به عبارت دیگر، طیف وسیعی از مطالعات بدون اینکه چارچوب فکری و مبنای نظری مشخصی داشته باشند، انجام شده که اغلب آن‌ها کم دستاورد ارزیابی می‌شوند.

به طور کلی دو دیدگاه مسلط در ارتباط با مبنای نظری آمایش سرزمین وجود دارد. رویکرد نخست نسبت به فضا حساسیت نداشته و در آن فرض می‌شود که کلیه فضاها همگن هستند و در بلندمدت، تمامی مناطق به یک مسیر رشد اقتصادی متوازن همگرا می‌شوند. در حالی که در رویکرد دوم مسئله فضا اهمیت بسیاری دارد.

از دیدگاه اندیشمندان منتسب به رویکرد دوم، برنامه‌های مبتنی بر رویکرد نخست نمی‌تواند مانع بروز عدم توازن‌ها در سطوح مختلف مناطق باشد.

#### توسعه منطقه‌ای نامتوازن در کشور

عدم توفیق برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای و تقسیم کار فضایی، موجب افزایش نابرابری و فاصله در بین مناطق مختلف کشور شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس اسلامی، ۱۳۹۳). بدین ترتیب کشور دارای چهره‌ای دوگانه شده که بخشی از آن کمتر توسعه یافته و محروم و بخش دیگر توسعه یافته است. با مشاهده وضعیت کنونی، به نظر می‌رسد کیفیت زندگی مردم و سطح رفاه اجتماعی ایشان دستخوش نابرابری‌های عظیمی از منظر توزیع منابع مالی، زیرساخت‌ها و امکانات رفاهی شده است.



شکل ۴: توزیع نابرابر منطقه‌ای منابع مالی، زیرساخت‌ها و امکانات رفاهی

مأخذ: بر اساس اطلاعات آماری سرشماری سال ۱۳۹۵.

توضیح: هر نقطه معادل صد هزار نفر جمعیت است.

همان‌طور که مشاهده می‌شود، پراکندگی جمعیت در استان‌های شرقی و مرکزی کشور نسبت به استان‌های شمال، شمال غرب و غربی بسیار کمتر است. اگرچه بخشی از این مسئله را می‌توان با ویژگی‌های زیست‌محیطی مناطق مذکور و سطح وسیع بیابان‌ها توضیح داد؛ اما تحلیل شاخص مذکور نکات نگران‌کننده‌ای را پدیدار می‌سازد که در صورت تداوم روندهای موجود می‌تواند بحران‌های جدی که تهدیدکننده بقای ملی هستند را به همراه داشته باشد. از جمله نکات مذکور می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- استان تهران با سهمی حدود ۰,۸ درصد از کل مساحت کشور نزدیک به ۱۷ درصد کل جمعیت را به خود اختصاص داده است (سیداخلاقی و همکاران، ۱۳۹۱).
  - ۴۳ درصد از کل جمعیت کشور در پنج استان (تهران، خراسان رضوی، اصفهان، فارس و خوزستان) متمرکز شده‌اند. در حالی که استان‌های مذکور تنها نزدیک به ۲۶ درصد از کل مساحت کشور را در اختیار دارند. در مقابل، سهم جمعیت ۲۰ استان کم جمعیت کشور حدود ۳۰ درصد بوده است.
  - استان‌های مرزی در شرق، جنوب شرقی و جنوب کشور (خراسان شمالی، خراسان جنوبی، سیستان و بلوچستان و هرمزگان)، با وجود اینکه نزدیک به ۲۷ درصد از مساحت کشور را به خود اختصاص داده‌اند، تنها ۸ درصد از جمعیت کل کشور را درون خود جای داده‌اند.
- همان‌طور که اشاره شد اصل موضوعه آمایش سرزمین، آراستگی جمعیت و فعالیت است. از سوی دیگر، بر اساس تجربیات تاریخی سایر کشورهای توسعه یافته، دستیابی به توسعه از مسیر تولید صنعتی مدرن می‌گذرد. زیرا تولید صنعتی به طور همزمان قابلیت کنترل «فقر» و «عقب ماندگی» را دارد. در صورتی که تعداد واحدهای صنعتی (فارغ از سطح فناوری آن‌ها) شاخصی از توزیع فعالیت در نظر گرفته شود، مشاهده توزیع آن‌ها در پهنه سرزمین و مرزهای سیاسی (استان‌ها) می‌تواند تصویری از توازن و یا عدم توازن توزیع فعالیت‌ها ارائه دهد (ذاکری، ۱۳۹۷: ۷).
- با توجه به توزیع نامناسب مناطق صنعتی، مشاهده می‌شود که در برخی نواحی توسعه یافتگی و در برخی نواحی عکس این قضیه صادق است. محاسبه ضریب توسعه نشان داد که اختلاف برخوردارترین استان (تهران) نسبت به محروم‌ترین استان (ایلام) تقریباً ۳۳ برابر است که نشان‌دهنده شکاف و نابرابری بسیار زیاد و شدید استان‌ها است. این نابرابری بین استان‌ها ناشی از عدم رویکرد جامعه توسعه مناطق صنعتی در سطح کشور بوده که این روند، توسعه نامتوازن بین برخی نواحی با نواحی دیگر را در پی داشته است (ر.ک: تقدیسی و حجاریان، ۱۳۹۳: ۲۹).
- بر این اساس، عدم توازن جدی در توزیع فعالیت‌ها در پهنه سرزمین وجود دارد. به نظر می‌رسد ریشه اصلی این مسئله فقدان استراتژی توسعه صنعتی قابل اتکا و بایسته است. در نتیجه نبود استراتژی توسعه صنعتی بخش‌های بزرگی از پهنه سرزمین خالی و بخش‌های دیگر، فوق اشباع است. در این ارتباط توجه به نکات زیر اهمیت دارد:
- استان تهران ۱۵/۵ درصد از کل تعداد کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر کشور را به خود اختصاص داده است؛

- حدود ۴۰ درصد از کل کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر در چهار استان تهران، اصفهان، خراسان رضوی و آذربایجان شرقی که حدود ۵,۱۷ درصد مساحت کشور را دارند، متمرکز شده است؛
- هفت استان مرزی هرمزگان، سیستان و بلوچستان، کردستان، خراسان جنوبی، بوشهر، خراسان شمالی و ایلام هر یک سهمی کمتر از یک درصد از کل کارگاه‌های صنعتی ۱۰ نفر کارکن و بیشتر را داشته‌اند (ذاکر و همکاران، ۱۳۹۷: ۸).

توسعه یافتگی استان‌های کشور با توجه به توزیع فضایی ناهمگن منابع و همچنین عوامل مختلف اقتصادی اجتماعی و اقلیمی مناطق، ممکن است دارای شرایط متناسب نباشد. به عبارت دیگر، به علت امکانات بالقوه منطقه‌ای، توسعه یافتگی استان‌های کشور ممکن است در بخش‌های مختلف صنعتی، کشاورزی و خدمات با یکدیگر متجانس نباشد؛ بنابراین، داشتن رویکردی مناسب در توزیع متعادل امکانات و شاخص‌های صنعتی از پارامترهای ضروری در برنامه توسعه کشور است. همچنین تقویت مراکز شهری کوچک و ایجاد صنایع سبک و سنگین در استان‌های محروم، گامی اساسی در جهت توسعه پایدار و یکپارچه‌سازی استان‌ها به شمار می‌رود.

#### فقدان راهبرد توسعه صنعتی و جهت‌گیری در حمایت‌ها

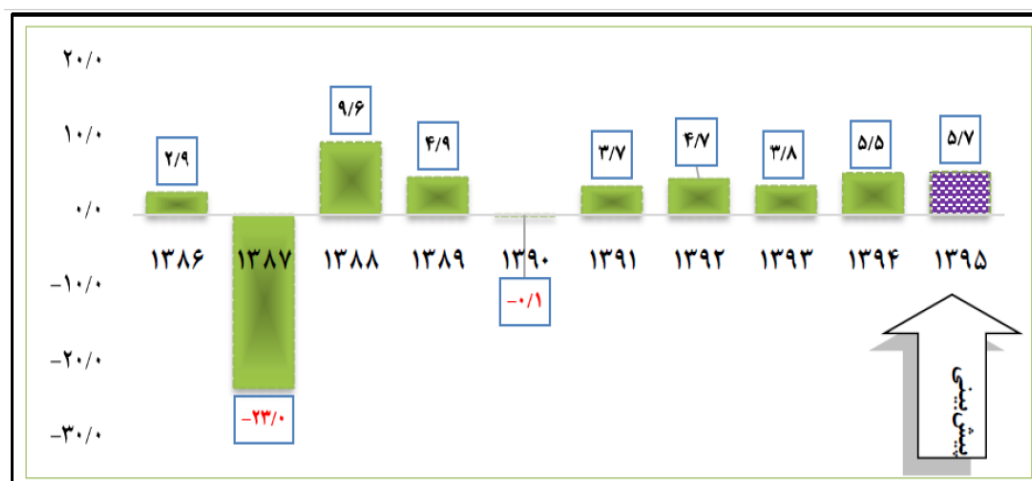
انواع کمک‌ها و تخفیف‌ها و تسهیلات حمایت از تولید، ماهیت رانت دارند و طبعاً تقاضا برای آن‌ها بیش از عرضه و منابع تخصیص یافته است. تجربه حمایت از تولید در ایران نشان می‌دهد توزیع این حمایت‌ها عمدتاً فاقد جهت‌گیری مشخص (در چارچوب سیاستی) بوده است و در نتیجه هم بخشی از آن‌ها هدر رفته و هم در فرایند توزیع آن‌ها زمینه‌های فساد ایجاد شده است و در نتیجه، این رانت‌ها به جای بهترین کارآفرین، به دست آن دسته از مدعیان کارآفرینی رسیده که در دسترسی به رانت، موفق‌تر بوده‌اند. در فقدان راهبرد توسعه صنعتی، تسهیلات و ابزارهای حمایتی دولتی، میان تعداد زیادی از حوزه‌های تولیدی تقسیم می‌شود. حوزه‌هایی که احتمالاً کشور در برخی از آن‌ها فاقد مزیت‌های نسبی یا راهبردی است. در نتیجه هم بخشی از منابع حمایتی هدر می‌رود و هم منابع کمتری برای حوزه‌های دارای مزیت و قابلیت پیشرانی، تخصیص می‌یابد (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۹: ۱۱).

در بخش تولیدی اقتصاد، کارآفرینان در فرایند رقابتی و با اثرات خارجی مثبت تقاضا مواجه‌اند. بدین معنا که خروج هر یک از آنان از بازار به معنای افزایش تقاضا برای بازماندگان است؛ اما اگر کارآفرینی دست به رفتارهای رانت‌جویانه زند، تقاضا را برای دیگر تولیدکنندگان کاهش داده و در نتیجه، سودآوری آنان به شدت تقلیل می‌یابد. زمانی که بدین صورت هزینه فرصت رانت‌جویی کاهش یابد، دیگر تولیدکنندگان نیز به فعالیت‌های رانت‌جویانه روی می‌آورند که نتیجه آن بزرگ‌تر شدن اثر جابجایی در اقتصاد خواهد بود (میرشجاعیان حسینی و رهبر، ۱۳۹۰: ۶۷-۸۶). اینکه در نهایت

چه الگوی ترکیبی تولیدی-رانت جویی پدید آید، به سودآوری نسبی فعالیت‌های تولیدی و رانت جویی بستگی دارد که آن خود نیز تابعی از کیفیت‌های نهادهایی در جامعه است که وظیفه حمایت از حقوق مالکیت یا به صورت کلی، حکومت قانون را بر عهده دارند. به طور کلی می‌توان گفت که اقتصاد همواره میان دو الگوی حدی در نوسان است. نخست الگویی که در آن کیفیت نهادی بالا است و فعالیت‌های اقتصادی همه در بخش تولیدی صورت می‌پذیرد و دوم الگویی که در آن کیفیت نهادی پایین است و تمامی تولیدکنندگان روی به فعالیت‌های رانت جویانه می‌آورند. از این رو می‌توان گفت در صورت بالا بودن کیفیت نهادی در جامعه، فراوانی منابع طبیعی نعمت و در صورت پایین بودن آن، نعمت و مصیبت به شمار خواهد رفت (ر.ک: غیاثوند و صبوری، ۱۳۹۰)

#### مناسبات سیاسی و زوال تولید

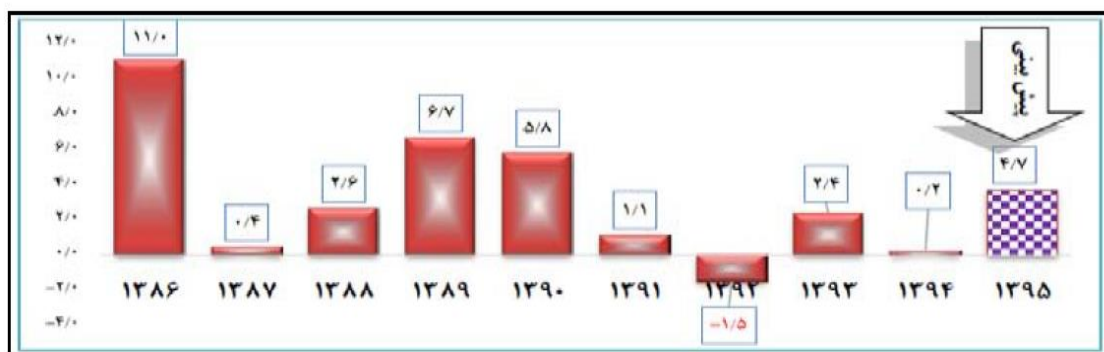
در سال‌هایی که تحریم‌های بین‌المللی علیه اقتصاد ایران تشدید شدند، بخش‌های مختلف اقتصاد چهره‌های متفاوتی از خود نشان دادند. تجربه سال‌های اخیر نشان داد که برخی بخش‌های اقتصاد ایران آسیب‌پذیرتر از سایر بخش‌ها هستند و در مقابل برخی بخش‌های اقتصاد ایران در بزرگه‌های سیاسی کشور و در مقابل عوامل خارجی اقتصاد از آسیب‌پذیری کمتری برخوردارند. بخش کشاورزی در ایران، یکی از بخش‌هایی است که عملکرد آن در ایجاد ارزش افزوده بیش از هر چیز تابعی از عواملی همچون میزان بارندگی، جریان‌های سطحی، سطح زیر کشت، میزان استحصال آب از منابع زیرزمینی و ... است. نتیجه این وضعیت آن بوده است که عملکرد رشد بخش کشاورزی تقریباً مستقل از شرایط بیرونی اقتصاد ایران حتی در این دو سال هم عملکرد قابل توجهی داشته است.



شکل ۵: رشد ارزش افزوده بخش کشاورزی

منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس

برخلاف سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۴ که سال‌های دشواری برای اقتصاد ایران، به‌ویژه بخش نفت بوده در سال ۱۳۹۵ بخش نفت توانسته بهترین عملکرد خود را نه‌تنها در چند ساله اخیر، بلکه در بیش از سه دهه اخیر داشته باشد. دلیل این امر نیز مربوط به رفع تحریم نفت ایران و امکان‌پذیر شدن افزایش تولید و صادرات نفت کشور است؛ بنابراین مشاهده می‌شود که بخش نفت که اتفاقاً یکی از مهم‌ترین نقاط اتکای اقتصاد ایران به حساب می‌آید، از جمله آسیب‌پذیرترین بخش‌های اقتصاد ایران است و همین مسئله توجیه‌گر ضرورت کاهش وابستگی اقتصاد کشور به درآمدهای نفتی است. بخش صنعت یکی دیگر از بخش‌های اقتصاد ایران است که سهم ۱۶ درصدی در تولید ناخالص داخلی کشور دارد. نمودار زیر نشان‌دهنده روند تغییرات رشد ارزش افزوده بخش صنعت طی دوره ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۴ و پیش‌بینی سال ۱۳۹۵ است. مشاهده می‌شود که تا سال ۱۳۹۱، ارقام رشد بخش صنعت مثبت هستند، اما از این سال به بعد ارقام رشد، نوسانی و عمدتاً منفی است؛ به‌طوری که در سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ به دلیل برقراری تحریم‌ها شاهد رشد منفی در این بخش، در سال ۱۳۹۳ به دلیل تعلیق تحریم‌ها شاهد رشد مثبت و در سال ۱۳۹۴ نیز به دلایلی از جمله مشکل تأمین مالی بنگاه‌های اقتصادی و مشکل کمبود تقاضا، شاهد رشد منفی بخش صنعت بوده‌ایم.

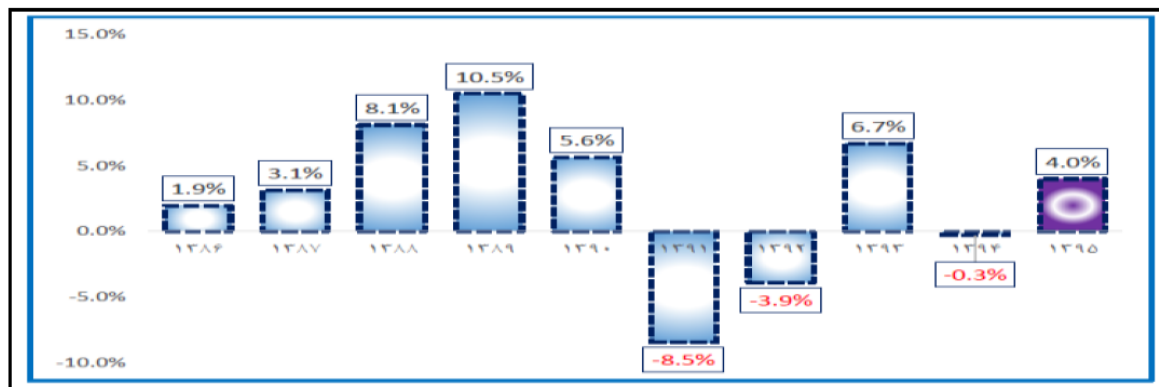


شکل ۶: رشد ارزش افزوده بخش صنعت

منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس

با گذر از سال ۱۳۹۴ تعدیل نسبی به دو مشکل فوق‌الذکر، اقتصاد کشور در سال ۱۳۹۵ شاهد تحولات مثبتی در برخی زیربخش‌های صنعت است. با این حال، همچنان بسیاری از زیربخش‌های صنعت و وضعیت وخیمی دارند. بخش خدمات در اقتصاد ایران، از جمله بخش‌هایی بوده است که نسبت به بخش‌هایی همچون صنعت و نفت کمتر تحت تأثیر شرایط بیرونی اقتصاد و به‌طور مشخص تحریم‌های اقتصادی قرار گرفته است. روند حرکتی بخش خدمات در اقتصاد ایران بیانگر این است که در عموم سال‌های گذشته این بخش از روند

صعودی برخوردار بوده است. البته به این نکته باید اشاره کرد که کند شدن روند این بخش در سال‌های تشدید تحریم‌های اقتصادی نیز بیشتر تحت تأثیر زیربخش بازرگانی بوده است.



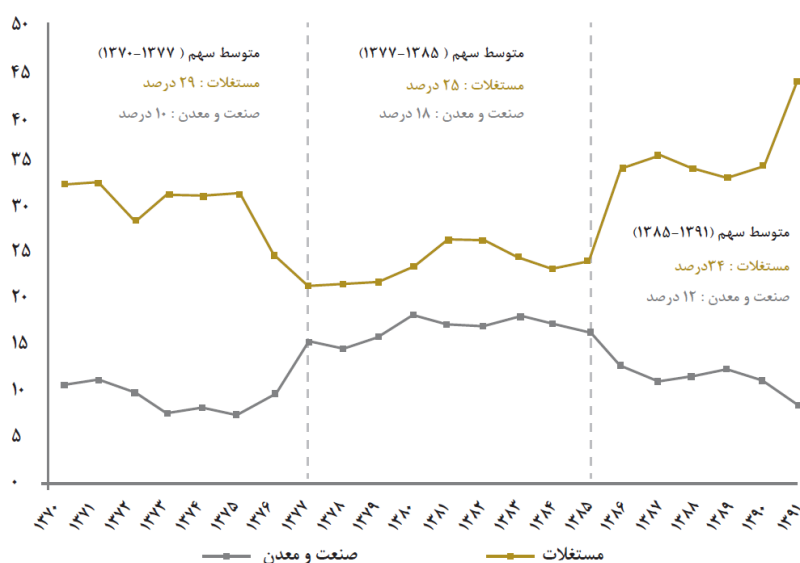
شکل ۷: رشد ارزش افزوده بخش خدمات

منبع: مرکز پژوهش‌های مجلس

میزان ارزش افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی طی فصول سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰ نشان می‌دهد که ارزش افزوده کل بخش‌های مختلف اقتصادی از بهار ۱۳۹۶ تا پاییز ۱۳۹۷ در نوسان بوده، این رقم در پاییز ۱۳۹۷ به پایین‌تر سطح خود در دو سال اخیر به رقم ۱.۶۸۶.۳۲۴ میلیارد ریال رسیده است. ارزش افزوده بخش صنعت از بهار سال ۱۳۹۶ رو به افزایش نهاده و در زمستان ۱۳۹۶ به بالاترین سطح خود در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷ رسیده است. از زمستان سال ۱۳۹۶ به بعد این متغیر روند نزولی داشته و از ۲۴۳.۶۳۵ میلیارد ریال در زمستان ۱۳۹۶ به ۲۰۹.۴۲۷ میلیارد ریال در پاییز ۱۳۹۷ رسیده است. طی دوره مذکور، بیشترین کاهش نرخ رشد بخش صنعت مربوط به بهار ۱۳۹۷ با نرخ ۱۰ درصد بوده است. راهکار اصلی مقابله با تحریم‌ها و کاهش آسیب‌پذیری اقتصاد کشور از عوامل بیرونی و مصنوعیت بخشی به اقتصاد کشور، تقویت امر تولید با تکیه بر توان و ظرفیت و امکانات داخلی کشور است. مهم‌ترین کار این است که پتانسیل‌ها و ظرفیت‌های مثبت و منفی اقتصاد کشور در همه سطوح برای سیاستگذاران شفاف شود. یکی از ابزارهایی که برای رسیدن به این مقصود مورد غفلت واقع شده، آمایش سرزمینی است. در سال‌های اخیر با کند شدن رشد صنعت و زوال صنایع، جذب سرمایه و نیروی کار در اقتصاد شهرهای بزرگ بیش از گذشته متکی به بخش خدمات شده است. بخش خدمات شامل فرایندهای مرتبط با ساخت‌وساز نیز می‌شود. جذب جمعیت فقرا مهاجر در بخش خدمات، به دلیل درآمدزایی نابسند، برخلاف بخش صنعتی به سکونت و اشتغال نامناسب برای این اقشار در پایتخت منجر می‌شود.



روند نامتوازن سرمایه‌گذاری در مدار مولد صنعت- کشاورزی نسبت به مدار نامولد مستغلات در طول دو دهه گذشته، به‌طور متوسط ۱۳,۱ درصد از کل تشکیل سرمایه ثابت ناخالص اقتصاد کشور به بخش صنعت و معدن اختصاص یافته است. این رقم برای سایر بخش‌های غیر تولیدی شامل مستغلات نزدیک به ۲۹ درصد، حمل‌ونقل ۱۳ درصد، ارتباطات ۲ درصد و سایر بخش‌های خدماتی ۲۷ درصد است. نکته قابل توجه اینکه بخش مستغلات علی‌رغم دارا بودن سهم بالا از شاخص تشکیل سرمایه ثابت ناخالص اقتصاد کشور فقط ۱۵ درصد از تولید ناخالص داخلی را در اختیار دارد.



شکل ۸: روند تغییرات سهم بخش‌های صنعت و معدن و مستغلات از کل تشکیل سرمایه ثابت ایران  
 مأخذ: بانک مرکزی ایران، حساب‌های ملی ایران

روند سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و معدن از سال‌های میانی دهه ۱۳۸۰ دچار رکود و افت رشد و در برخی سال‌ها حتی دچار کاهش و رشد منفی شده است. این کاهش در نرخ سرمایه‌گذاری در بخش ماشین‌آلات (به‌عنوان مهم‌ترین جزو سرمایه‌گذاری ثابت در بخش صنعت) در دو مقطع سال‌های ۱۳۸۴ و ۱۳۸۵ و دیگری در سال ۱۳۹۱ به‌وضوح نمود عینی دارد.

میزان سرمایه‌گذاری در بخش ماشین‌آلات در سال ۱۳۹۱ به قدری کاهش یافت که قدر مطلق آن حتی از سال‌های ابتدایی دهه ۱۳۸۰ نیز پایین‌تر است. لذا کاهش مداوم سرمایه‌گذاری در این حوزه و رشد فزاینده فناوری تولید در جهان، روزآمدسازی ماشین‌آلات صنعتی را بیش از پیش ضروری کرده است.

مشخصه اصلی اقتصاد دهه ۸۰ غلبه بخش‌های نامولد مستغلات- خدمات بر بخش مولد صنعت کشاورزی بود که در رشد شدید درآمد بخش‌های نفت، ساختمان و مستغلات، واردات و بانکی خود را نشان می‌دهد به

صورتی که سهم این بخش‌ها از کمتر از ۵۰ درصد کل درآمد اقتصادی کشور در سال ۱۳۸۰ به بیش از ۶۰ درصد در سال ۱۳۹۰ بالغ شد.

در بخش صنعت نیز صنایع بزرگ دولتی و شبه‌دولتی رشد یافته و صنایع کوچک و متوسط بخش خصوصی تضعیف و تحدید شدند. در دهه ۸۰ صادرات مواد خام و اولیه رشد تصاعدی یافت به نحوی که صادرات مواد خام صنعتی (عمدتاً مواد معدنی به خصوص سنگ آهن) از حدود ۵۰۰ میلیون دلار به بیش از ۴ میلیارد دلار و صادرات مواد اولیه صنعتی (پتروشیمی و فلزات خام) از حدود یک میلیارد دلار به بیش از ۱۱ میلیارد دلار بالغ شد. از سوی دیگر افزایش فزاینده نقدینگی از ویژگی‌های تحولات اقتصادی دهه ۸۴-۹۲ بوده است. نقدینگی در اقتصاد ایران در دوره مذکور کمتر به سمت بخش‌های مولد و بیشتر به سمت بخش‌های غیرمولد و بخصوص سوداگری در بخش مستغلات هدایت شده است.

سرمایه‌داری در ایران همواره در گیرودار محدودیت‌هایی اساسی بوده است: صرفه‌جویی‌های مقیاس، فقدان رابطه با بازارهای جهانی و نرخ کم بارآوری. تمرکز سرمایه (شامل سرمایه‌گذاری روی کارخانجات بزرگ) به‌اندازه‌ای نیست که توسعه اقتصادی را تضمین کند. «کارگاه‌های تولیدی کوچک» بیشترین سهم بخش صنعت را تشکیل می‌دهند (نعمانی و بهداد ۲۰۰۶: ۴۴؛ رییس‌دانا ۱۳۸۰). مسئله تمرکز سرمایه پس از شکست سیاست‌های تعدیل ساختاری در پی اعتراضات گسترده اجتماعی در میانه‌های دهه ۱۳۷۰ تشدید شد (نعمانی و بهداد ۲۰۰۶). مدرنیزه شدن کشاورزی (که با اصلاحات ارضی اوایل دهه ۱۳۴۰ آغاز شد)، در کنار شهرنشینی و نیز سرمایه‌گذاری کلان در بخش ساختمان و زیرساخت‌ها، منجر به رونق در ساخت‌وساز خانه‌های مسکونی شد (حسامیان و دیگران ۱۳۸۷).

اهمیت توجه به این موضوع از آن جهت است که حمایت از بخش‌های مولد اقتصادی همچون کشاورزی و صنایع وابسته به کشاورزی از سوئی منجر به افزایش تولید و ثروت در جامعه، به‌ویژه در مناطق روستایی می‌گردد. از سوی دیگر، تأثیر این رونق اقتصادی در مناطق روستایی کشور علاوه بر آثار اقتصادی مثبت، سبب پیشگیری از وقوع و کاهش رخداد ناهنجاری‌های اجتماعی همچون کاهش پدیده حاشیه‌نشینی شهری به سبب مهاجرت روستایی خواهد شد. اهمیت این موضوع هم از باب اجتماعی و هم از باب امنیت ملی قابل بحث و بررسی است. در مقابل تضعیف بخش غیرمولدی مانند خدمات مستغلات که نه‌تنها منجر به افزایش تولید و ثروت در اقتصاد نمی‌شود بلکه توزیع درآمد را نیز ناعادلانه می‌کند، نقش بسزایی در بهبود وضعیت اقتصادی کشورها، به‌ویژه اقتصادهایی درگیر چالش بخش غیرمولد قوی و سودده در کنار تورم بالا و نااطمینانی دارد (مؤمنی و همکاران، ۱۳۹۶: ۳۱).

### توزیع رانت و جهش تولید

بررسی تاریخی نشان می‌دهد که همه تجربیات موفق توسعه صنعتی سطوحی از توزیع رانت را تجربه کرده‌اند. رانت در کل، پاداش اضافه‌ای است که نصیب برخی فعالیت‌ها می‌شود. دولت‌هایی که توانسته‌اند رانت‌ها (پاداش‌های) خود را نصیب فعالیت‌هایی کنند که به رشد بلندمدت کشور شتاب می‌بخشد، تجربه‌های موفق سیاست‌گذاری صنعتی را شکل بخشیده‌اند. به تعبیر دیگر، توزیع رانت مولد (رانت ارزش‌افزا و شتاب‌دهنده رشد بلندمدت) کلید دستیابی به اهداف توسعه صنعتی است. حمایت از تولید و سیاست صنعتی درست، با توزیع رانت مولد و با پاداش‌دهی به فعالیت‌هایی که بیشترین تأثیر را بر ارتقای توان تولید ملی دارد، اصلاح ساختار انگیزشی را در عرصه داخلی با تولیدمحوری و در عرصه بین‌المللی با گزینش و تقویت صنایع پیشرو در پیش می‌گیرد. توزیع رانت‌ها توسط دولت، ساختار انگیزشی و کنش همه بازیگران اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. وقتی دولت سازوکار صلاح‌دیدی و مبتنی بر تصمیمات دولتی را جانشین سازوکار بازاری تخصیص منابع می‌سازد، همزمان رقابتی را بین بازیگران بخش خصوصی برای تغییر و حفظ این سازوکار ایجاد می‌کند که به رانت‌جویی تعبیر شده است؛ بنابراین به‌جای «جلوگیری از توزیع رانت یا رانت‌جویی» باید بر «توزیع رانت‌های ارزش‌افزا یا مولد» تمرکز کرد. رانت مولد، رانتی است که پیامدهای آن برای رشد و کارایی در بلندمدت بیشتر از هزینه‌های آن باشد. رانت‌جویی گاهی با رشد بهره‌وری ناشی از رانت جبران می‌شود. به این توزیع رانت شاید در ابتدا نامولد به نظر برسد اما به شکل غیرمستقیم «مولد» است (ر.ک: رجب پور، ۱۳۹۶). به‌طور کلی در دهه‌های اخیر، مجلس و دولت برای حمایت از تولید، عمدتاً بر توزیع کمک‌های رانتی از مدعیان سرمایه‌گذاری و تولید و متقاضی حمایت دولتی متمرکز بوده است. این توزیع رانت، معمولاً بدون معیار مشخصی برای انتخاب مستحق‌ترین کسب و کارهای داوطلب دریافت این کمک‌های رانتی، عواقبی پدید آورده است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:

- هدر رفتن بخشی از منابع و کمک‌ها توسط داوطلبانی که کمک‌ها را گرفته‌اند، ولی صرف تولید نکرده‌اند. چه بسیار سوله‌ها، زمین‌ها و حتی تجهیزاتی که برای دریافت این کمک‌ها ساخته یا خریده شد و خالی ماند و از چرخه تولید کشور خارج شده‌اند.

- ایجاد زمینه فساد و امضای طلایی برای دسترسی به منابع رانتی حمایت از تولید.

- انحراف واحدهای تولیدی از ترکیب بهینه عوامل تولید و رشد نامتوازن و معمولاً غیربهینه برخی اجزای این واحدها. در برخی موارد، دستگاه حمایت‌کننده برای کنترل جریان حمایت و شاید دلایل دیگر (احتمالاً ناشی از فساد یا مسائل فنی)، تولیدکننده را مجبور می‌کرده از فناوری خاصی استفاده کند یا

تجهیزات خاصی بخرد. محدودیت‌هایی که اگر وجود نمی‌داشت، واحد تولیدی با ترکیب کاراتری شکل می‌گرفت و کار می‌کرد.

- منع صدور مجوز به دلیل اینکه به هر دارنده مجوز، رانتی تعلق می‌گیرد. به عبارت دیگر، محدود کردن اعطای مجوز تأسیس واحدهای تولیدی به دلیل وجود تسهیلات حمایت از تولید در ضمن مجوز صادر شده به این ترتیب که در برخی موارد به دارنده مجوز، تسهیلات یا مواد اولیه ارزان و رانتی هم داده شده و بسیاری از داوطلبان دریافت چنین مجوزهایی بیشتر، به دنبال رانت همراه مجوز بوده‌اند. در چنین مواردی صادرکننده مجوز، در برابر هجوم داوطلبان استفاده از این رانت‌ها، صدور مجوز را عمدتاً به دلخواه و سلیقه خود و به بهانه کمبود منابع حمایتی محدود می‌کرده و حتی به کارآفرینان واقعی که بدون درخواست حمایت‌های رانتی همراه مجوز، فقط اصل مجوز را می‌خواسته‌اند هم مجوز اعطا نمی‌شده است (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۹: ۱۰-۱۱).

#### چالش‌ها و موانع عدم تحقق جهش تولید در سطح خرد (روستا/ عشایر)

نواحی روستایی و عشایری کشور، از اهمیت و جایگاه بالایی در ابعاد اجتماعی، اقتصادی، محیط زیستی و امنیتی برخوردارند. جمعیت نواحی روستایی و عشایری کشور (حدود ۲۱ میلیون نفر)، به‌تنهایی بیشتر از کل جمعیت هر یک از ۱۴۰ کشور دنیا از جمله کشورهایمانند رومانی، شیلی، بولیوی، سوئد، سوئیس، پاراگوئه، فنلاند و نیوزلند است. سهم ۸۸,۱ درصدی این نواحی از ارزش‌افزوده کشاورزی، شکار و جنگلداری، سهم ۸۷,۶ درصدی از ارزش‌افزوده ماهیگیری، سهم ۷۲,۹ درصدی از ارزش‌افزوده معدن، سهم ۲۴,۱ درصدی از ارزش‌افزوده صنعت در سال ۱۳۹۳ و تولید بیش از ۲۰ درصد گوشت قرمز و حدود ۲۵ درصد صنایع دستی توسط جامعه عشایری کشور حاکی از اهمیت اساسی این نواحی است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۵).

نواحی روستایی و عشایری به سبب برخورداری از ظرفیت‌های تولیدی مساعد در بخش‌های کشاورزی و صنعت، به‌عنوان کانون تولید به شمار می‌روند؛ اما شواهد حاکی از تهدیدهای جدی در حوزه رونق تولید در نواحی روستایی است که در ادامه به آن اشاره می‌شود:

### رشد مناسبات سرمایه‌داری و زوال کشاورزی

توسعه کشاورزی در بستر توسعه روستاها، ضمن اینکه امکان بهره‌برداری بهینه از منابع آب و خاک و منابع انسانی مستقر در مناطق روستایی را فراهم می‌آورد، در ایجاد ساختار اقتصادی مناسب و روند مطلوب توسعه ملی کشور نیز تأثیرات غیرقابل انکاری را خواهد داشت، به گونه‌ای که فراهم‌سازی آمایش مطلوب سرزمین را نیز در پی خواهد داشت (ارزیابی استراتژی‌های بخش کشاورزی، ۱۳۸۹: ۱). این تأثیرگذاری از طریق کمک به کاهش پدیده مخرب مهاجرت روستایی، کاهش شکاف درآمدی و افزایش سطح رفاه خانوارها نه تنها بر اقتصاد که بر اجتماع نیز مؤثر است.

رشد مناسبات سرمایه‌داری، آرایش طبقاتی روستای ایران را تغییر داد. تعداد تمرکز وسایل تولید در دست مالکان و گسترش مناسبات سرمایه‌داری، اختلاف طبقاتی را در روستا افزود. ایجاد شرکت‌های سهامی زراعی، واحدهای کشت و صنعت، واحدهای دامپروری خصوصی، بانک‌ها و ادارات دولتی و شرکت‌های تعاونی در روستاها همگی در خدمت و در جهت رشد مناسبات سرمایه‌داری در روستاها بود و عمل کرد. بر اساس رشد مناسبات سرمایه‌داری در روستا از میزان جمعیت ساکن در روستاها و نیروی در رابطه با تولید کشاورزی نسبت به نیروی فعال در بخش صنایع کاسته شده است.

مالکانی که به شیوه مزارعه و اجاره‌داری زمین‌های خود را اداره می‌کردند کاهش یافتند و جای آن‌ها را مالکانی گرفتند که املاک خود را تحت عنوان «مکانیزه» حفظ نموده بودند و یا به شیوه سرمایه‌داری کشت و زارع می‌کردند.

اصلاحات ارضی به مالکیت فئودالی بر زمین و مناسبات فئودالی و نیمه فئودالی ضربات جدی وارد ساخت. قشر وسیعی از خوش‌نشینان را ایجاد نمود که اغلب به کار مزدوری می‌پرداختند و خرده مالکی را به طور چشمگیری رشد داد. رفرم اقدار مرفه دهقانان را به پایگاه اصلی رژیم در روستا مبدل نمود و دهقانان میانه‌حال را بی‌طرف کرد. مالکیت خصوصی و سرمایه‌داری را بر زمین افزایش داد و تشویق کرد، به طوری که در اوایل دهه ۵۰ تمرکز زمین در دست مالکان بزرگ که به شیوه سرمایه‌داری تولید می‌کردند افزایش یافت.<sup>۱</sup>

در آستانه رفرم ارضی ۶۰ درصد دهقانان فاقد زمین، ۲۳ درصد مالک کمتر از یک هکتار و ۱۰ درصد یک تا سه هکتار زمین داشتند. بدین ترتیب ۹۳ درصد دهقانان بی زمین و فقط ۷ درصد از آن‌ها بیش از سه هکتار زمین در اختیار داشتند.<sup>۲</sup> شکل بهره‌برداری از زمین‌های کشاورزی در سال ۱۳۳۹ بدین قرار بود که حدود ۵۵٫۹ درصد از بهره‌برداری‌های کشاورزی یا به عبارت دیگر ۶۲٫۲ درصد از زمین‌های زراعی به شکل رعیتی

۱. مأخذ: مرکز آمار ایران، آمار کشاورزی سال ۱۳۳۹؛ مرکز آمار ایران، آمار کشاورزی سال ۱۳۵۵؛ مرکز آمار ایران، آمار کشاورزی سال ۱۳۶۱.

۲. مأخذ: آمارگیری کشاورزی کشور، ۱۳۳۹.

(مزارعه) و اجاره‌ای اداره می‌شد و ۲۶,۲ درصد از کل زمین‌های زراعی به صورت ملکی مورد بهره‌برداری قرار می‌گرفت.<sup>۱</sup> پرداخت بهره ارضی به اشکال گوناگون توسط دهقانان به مالکان از خصوصیات مهم نظام فئودالی، از عوامل مهم بازدارنده رشد نیروهای مولده در کشاورزی کشور و مانع اصلی تجدید تولید وسیع در کشاورزی بوده است.

هرچند در دوره‌هایی پس از انقلاب اسلامی کاربست نظریات مدرنیزاسیون که در آن روستاها نماد سنت و عقب‌افتادگی و رشد شهرنشینی، مصرف انبوه و توسعه صنعتی نماد پیشرفت و تجدد تلقی می‌شود، متوقف شد و رسیدگی و توانمندسازی اقشار محروم و توسعه کشاورزی در اولویت قرار گرفت، ولی این روند تداوم نیافت. **غلبه رویکردها و نظریه‌های مدرنیزاسیون**

امروزه در سایه اتکا به نظریات دهه ۱۹۵۰ مدرنیزاسیون، عدالت اجتماعی از جایگاه عملیاتی و شایسته در سیاست‌ها و اقدامات اجرایی برخوردار نیست. هنوز به استناد آثار نشتی مرکز بر پیرامون، نظریات شکست خورده و قدیمی توسعه منطقه‌ای، مانند نظریات مکان مرکزی، مرکز-پیرامون و قطب رشد، آن هم به شکل نامناسب، محوریت اقدامات توسعه‌ای را در کشور به خود اختصاص داده‌اند.

نتیجه این نظریات، تمرکز هرچه بیشتر امکانات و سرمایه‌گذاری‌ها در قطب‌ها و مراکز (کلان‌شهرها و شهرهای بزرگ) و حرکت هرچه بیشتر جمعیت از نواحی روستایی و شهرهای کوچک به سمت آن‌ها و در نتیجه عدم توزیع متوازن جمعیت در پهنه سرزمین است. اصولاً قابلیت‌های اقتصادی سکونتگاه‌های کوچک به شکل صحیحی بررسی نشده و سازوکار اثربخشی برای شکوفاسازی آن‌ها طراحی نشده است.

در سایه تبعیت از نظریات و رویکردهای فوق، بنگاه‌های کوچک و متوسط با وجود اهمیتشان در توسعه اقتصادی کشور، به‌ویژه در نواحی روستایی و عشایری، از سوی دستگاه‌های متولی چه به لحاظ تخصیص منابع اعتباری و چه به لحاظ قوانین حمایتی مورد غفلت قرار گرفته است.

#### **چالش‌های جمعیتی نواحی روستایی و عشایری**

بررسی و مطالعه روند تغییرات تعداد آبادی‌های کشور در طی سال‌های ۱۳۴۵ تا ۱۳۹۵ نشان می‌دهد که سهم آبادی‌های دارای سکنه کشور از ۸۰,۶۶ درصد در سال ۱۳۴۵ به ۸۶,۶۳ درصد در سال ۱۳۹۵ کاهش یافته است. به بیان دیگر در دوره ۱۳۹۰-۱۳۴۵، سهم آبادی‌های دارای سکنه از کل آبادی‌های کشور، حدود ۲۱ درصد کاهش داشته است. در همین راستا در دوره ۱۳۹۵-۱۳۴۵، تعداد آبادی‌های خالی از سکنه کشور با رشد ۱۲۱,۴ درصدی، از ۱۵۹۲۵ آبادی در سال

۱. سیستم مزارعه، نوعی از انتقال بهره مالکانه است که بر اساس آن تقسیم محصول بین دهقان و مالک بر اساس پنج عامل تولید زراعی یعنی آب، زمین، دام، نیروی انسانی و بذر به نسبت سهمی که در تولید داشته‌اند انجام می‌پذیرد.

سیستم اجاره، نوعی از انتقال بهره مالکانه است که طبق آن دهقان زمین را از مالک برای مدت معینی اجاره می‌کند و اجاره‌بها را به صورت جنسی یا نقدی پرداخت می‌نماید.

۱۳۴۵ به ۳۵۲۵۴ آبادی در سال ۱۳۹۵ رسیده است. همچنین سهم تعداد آبادی‌های خالی از سکنه از کل آبادی‌ها از حدود ۱۹ درصد در سال ۱۳۴۵، به حدود ۳۶ درصد در سال ۱۳۹۵ افزایش یافته است (جدول ۹-۱).  
بر اساس اطلاعات جداول ۹ و ۱۰، درصد جمعیت روستانشین کشور با نرخ قابل توجهی در دوره ۹۵-۱۳۳۵ در حال کاهش بوده است. سهم نواحی روستایی و عشایری از جمعیت کشور، طی دوره ۹۵-۱۳۳۵ از ۶۹ درصد به ۲۶ درصد رسیده است. جمعیت روستایی کشور در ده ساله آخر (۹۵-۱۳۸۵)، ۶٫۸ درصد کاهش مطلق داشته است.

جدول ۹: تغییرات تعداد کل آبادی‌های کشور طی سال‌های ۹۵-۱۳۴۵

سال	تعداد آبادی	تعداد کل آبادی‌های دارای سکنه	سهم از کل آبادی‌ها	تعداد کل آبادی‌های خالی از سکنه	سهم از کل آبادی‌ها
۱۳۳۵*	۴۹۰۴۰	۴۹۰۴۰	۱۰۰	-	-
۱۳۴۵	۸۲۳۶۳	۶۶۴۳۸	۸۱/۶۶	۱۵۹۲۵	۱۹/۳۴
۱۳۵۵	۹۲۰۰۷	۶۵۰۵۵	۷۰/۷۱	۲۶۹۵۲	۲۹/۲۹
۱۳۶۵	۱۰۳۹۲۰	۶۵۳۴۹	۶۲/۸۸	۳۸۵۷۱	۳۷/۱۲
۱۳۷۵	۱۲۵۸۲۷	۶۸۱۲۵	۵۴/۱۴	۵۷۷۰۲	۴۵/۸۶
۱۳۸۵	۹۱۳۱۰	۶۳۹۰۴	۶۹/۹۹	۲۷۴۰۶	۳۰/۰۱
۱۳۹۵	۹۷۵۳۸	۶۲۲۸۴	۶۳/۸۶	۳۵۲۵۴	۳۶/۱۴

مأخذ: مرکز آمار ایران، نتایج سرشماری دوره‌های ۹۵-۱۳۴۵.

\* به علت در دسترس نبودن آمار کل آبادی‌های کشور (دارای سکنه و خالی از سکنه) در سال ۱۳۳۵ و لحاظ شدن آمار آبادی‌های دارای سکنه به‌عنوان کل آبادی‌های کشور، تعداد آبادی‌های دارای سکنه و کل آن سال با هم برابر در نظر گرفته شده است

جدول ۱۰: آمار جمعیت کشور در نقاط شهری و روستایی

ردیف	سال	جمعیت کل کشور	جمعیت نقاط شهری	درصد جمعیت شهرنشین	جمعیت نقاط روستایی	درصد جمعیت روستانشین
۱	۱۳۳۵	۱۸۹۵۴۷۰۴	۵۹۵۳۵۶۳	۳۱/۴۱	۱۳۰۰۱۱۴۱	۶۸/۵۹
۲	۱۳۴۵	۲۵۷۸۸۷۲۲	۹۷۹۴۲۴۶	۳۷/۹۸	۱۵۹۹۴۴۷۶	۶۲/۰۲
۳	۱۳۵۵	۳۳۷۰۸۷۴۴	۱۵۸۵۴۶۸۰	۴۷/۰۳	۱۷۸۵۴۰۶۴	۵۲/۹۷
۴	۱۳۶۵	۴۹۴۴۵۰۱۰	۲۶۸۴۴۵۶۱	۵۴/۲۹	۲۲۶۰۰۴۴۹	۴۵/۷۱
۵	۱۳۷۵	۶۰۰۵۵۴۸۸	۳۶۸۱۷۷۸۹	۶۱/۳۱	۲۳۲۳۷۶۹۹	۳۸/۶۹
۶	۱۳۸۵	۷۰۴۹۵۷۸۲	۴۸۲۵۹۹۶۴	۶۸/۴۶	۲۲۲۳۵۸۱۸	۳۱/۵۴
۷	۱۳۹۰	۷۵۱۴۹۶۶۹	۵۳۶۴۶۶۶۱	۷۱/۳۹	۲۱۴۴۶۷۸۳	۲۸/۵۴
۸	۱۳۹۵	۷۹۹۲۶۲۷۰	۵۹۱۴۶۸۴۷	۷۴/۰۰	۲۰۷۳۰۶۲۵	۲۵/۹۳

مأخذ: سرشماری عمومی نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران.

همچنین در دوره ۹۵-۱۳۴۵ نسبت سالخوردگی جمعیت روستایی کشور افزایش یافته است. این نسبت حاصل تقسیم جمعیت ۶۰ ساله و بیشتر به جمعیت زیر ۱۵ سال است. میزان این شاخص در این دوره از ۱۴,۳۵ به ۳۶,۶۰ افزایش یافته است. البته بیشترین افزایش این شاخص در دوره ۹۵-۱۳۵۵۶ رقم خورده است (سرشماری عمومی نفوس و مسکن، مرکز آمار ایران). یافته‌های پژوهش کلانتری و همکاران (۱۳۹۲) نیز حاکی از تداوم روند سالخوردگی جمعیت روستایی در دوره ۱۴۱۰-۱۳۸۵ است، به گونه‌ای که میانه سنی جمعیت روستایی از ۲۳,۵ سال در ۱۳۸۵، به ۳۷,۱ در سال ۱۴۱۰ خواهد رسید.

#### تشدید تغییر کاربری اراضی کشاورزی

هرچند مطالعه و بررسی جامعی در مورد تغییر کاربری اراضی کشور انجام نشده است، ولی گزارش‌های اداری نشان‌دهنده آن است که سالیانه ۲۰ هزار هکتار از اراضی خوب کشور تغییر کاربری می‌دهند. واقع شدن شهرها در مرکز دشت‌های کشاورزی و نیز تبدیل کانون‌های روستایی به شهر، از دلایل اصلی این تغییر کاربری هستند (زاهدی، ۱۳۸۸). یکی از دلایل اثرگذاری تبدیل کانون‌های روستایی به شهری بر تشدید تغییر کاربری اراضی کشاورزی، آن است که رویکرد برنامه‌ریزی و مدیریت سکونتگاه نیز تحت‌الشعاع این تبدیل قرار می‌گیرد. زیرا طرح تفصیلی و توسعه شهری متفاوت از طرح هادی بوده و سبب تشدید تغییر کاربری اراضی کشاورزی می‌شود. شواهد بسیار زیاد و روشنی نیز در خصوص تبدیل اراضی کشاورزی به کاربری‌های مسکونی و تجاری در شهرها به‌مرور زمان وجود دارد. تغییر کاربری اراضی کشاورزی نیز امنیت غذایی کشور را که از اهمیت راهبردی برای نظام جمهوری اسلامی برخوردار است، به خطر خواهد انداخت و وابستگی کشور به واردات محصولات غذایی را تشدید خواهد کرد.

#### غلبه رویکردهای کالبدی- خدماتی در طرح‌های توسعه روستایی

در حال حاضر تنظیم و اجرای طرح‌های توسعه نقطه‌ای و منظومه‌ای از قبیل طرح هادی روستاها، سنخیت چندانی با کانون تولید بودن نواحی روستایی ندارد. به‌طوری که موضوع اصلی طرح‌های هادی روستایی غالباً تعیین کاربری‌های مختلف در روستا، جدول‌کشی و سایر امور کالبدی است. این طرح‌ها از آنجایی که توسط نهادی (بنیاد مسکن) تهیه می‌شوند که مأموریت آن تأمین مسکن محرومان است، امکان برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی در آن‌ها وجود ندارد. یکی دیگر از طرح‌هایی که البته در سطح سکونتگاهی بالاتری تهیه می‌شوند، طرح‌های منظومه روستایی است. این طرح‌ها باید به نحوی طراحی و اجرا شوند که زمینه را برای مدیریت بهینه خدمات عمومی و تأمین مایحتاج روستاییان و عشایر با حداقل هزینه سفر فراهم کنند و مزیت‌های اقتصادی کلی منظومه‌های روستایی را تعیین کنند. شواهد حاکی از آن است که این طرح‌ها نیز برخلاف روح آن‌ها و مصوبه شورای عالی شهرسازی و معماری، توسط بنیاد مسکن تهیه می‌شوند.



توسعه هماهنگ و موزون فعالیت‌های کشاورزی، صنعتی و خدماتی از طریق توزیع مناسب جمعیت و فعالیت‌های استقرار بهینه خدمات در محیط‌های روستایی، هماهنگ با «نظام و شبکه شهری» بند ۱ و ایجاد زمینه‌های مناسب برای توسعه پایدار محیط روستایی و «سازماندهی سلسله مراتبی خدمات و تأسیسات روستایی و پی‌ریزی نظام استقرار مناسب سکونتگاه‌های» روستایی با پراکنش بهینه جمعیت (بند ۲) است. همچنین این مصوبه، تصریح کرده است که شرح خدمات تفصیلی تهیه «طرح‌های ساماندهی فضا و سکونتگاه‌های روستایی» توسط دبیرخانه شورای عالی شهرسازی و معماری ایران با همکاری وزارت جهاد کشاورزی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی تهیه و جهت تصویب و ابلاغ به سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور ارائه خواهد شد. در بند ۷ وزارت جهاد کشاورزی و بنیاد مسکن انقلاب اسلامی از طریق مهندسان مشاور برنامه‌ریزی منطقه‌ای و شهرسازی ذی‌صلاح و طبق ضوابط سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور به‌عنوان دستگاه تهیه‌کننده طرح‌ها تعیین شده است. به استناد بند ۸ تصویب طرح پس از بررسی در کمیته‌های فنی استان، بر عهده شورای شهرسازی و معماری استان و یا شورای برنامه‌ریزی و توسعه استان قرار داده شده است. باوجود تکالیف قانونی فوق، بنیاد مسکن در حال حاضر به‌صورت کاملاً غیرقانونی اقدام به تهیه طرح‌های منظومه روستایی می‌کند که تأثیری بر رونق تولید و طراحی منظومه‌ها با محوریت توزیع بهینه جمعیت و استقرار هم‌افزای فعالیت‌های اقتصادی و خدماتی نخواهد داشت.

#### عدم تنوع‌بخشی به مشاغل روستایی

به دلیل عدم تنوع‌بخشی مشاغل روستایی، میزان اشتغال ناقص در نواحی مربوطه بالاتر از نواحی شهری است. حتی رونق تولیدات بخش کشاورزی و افزایش بهره‌وری در این بخش، به توسعه فعالیت‌های اقتصادی غیرکشاورزی در نواحی روستایی و عشایری گره خورده است. به‌طوری که یکی از الزامات اصلی یکپارچه‌سازی اراضی کشاورزی و برخوردار ساختن آن‌ها از حد فنی، خارج کردن نیروی کار مازاد کشاورزی از بخش تولید محصولات خام و هدایت آن‌ها به اقتصاد غیرکشاورزی روستاها از طریق پیش‌بینی مشاغل جایگزین است تا تعدد مالکیت‌ها کاهش یابد و تصمیم‌گیری برای مدیریت یکپارچه اراضی آسان‌تر شود؛ بنابراین رابطه تنگاتنگی بین توسعه اقتصاد غیرکشاورزی روستاها و توسعه کشاورزی در این مناطق وجود دارد. بی‌اعتنایی به این رابطه، سبب تداوم نظام سنتی تولید و مهاجرت روستاییان به شهر در جستجوی فرصت‌های شغلی شده است. افول صنایع لبنی کوچک-متوسط و نیز فرش دستباف در روستاها، یکی از تبعات انتقال مسئولیت حاکمیتی آن‌ها از وزارت جهاد سازندگی سابق به وزارتخانه‌ای بود که نه روستاها و ابعاد اجتماعی-اقتصادی-فرهنگی آن‌ها را می‌شناخت و نه ابزار و بدنه لازم را در اختیار داشت.

به طور کلی، با وجود اینکه استعدادهای زیادی در زمینه بومگردی، گردشگری روستایی، گردشگری کشاورزی، صنایع تبدیلی و تبدیلی، صنایع دستی، فرش دستباف وجود دارد، ولی استفاده لازم از آنها به عمل نیامده است. یکی از خلأهای موجود در روستا، نبود چرخه تولید است. برای مثال، پشم گوسفند امروزه به ضایعات تبدیل و کمتر استفاده‌ای از آن برده می‌شود؛ در حالی که پشم گوسفند زمانی منبع درآمد مهمی برای دامداران محسوب می‌شد. البته چنانچه در مکان‌یابی بنگاه‌های روستایی غیر کشاورزی، نگرانی و اهتمام لازم نسبت به حفظ کاربری اراضی حاصلخیز کشاورزی وجود نداشته باشد و نهاد مسئول فاقد چنین نگرشی در تعیین کاربری‌ها باشد، تغییر کاربری اراضی، شدت بیشتری خواهد یافت. بررسی آثار طرح‌های هادی بر تغییر کاربری اراضی کشاورزی در برخی از موارد نیز شاهد این مدعا است (ر.ک: ورمزیاری و بابایی، ۱۳۹۸).

### فقدان نگاه خوشه‌ای و شبکه‌ای و بالا بودن هزینه مبادله‌ای انجام فعالیت‌های اقتصادی

اخذ مجوز برای سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های کارآفرینانه و اقتصادی، فرایند بسیار طولانی دارد و زیرساخت‌هایی مانند برق، فناوری اطلاعات و ارتباطات، به‌موقع و به‌صورت یکپارچه در اختیار سرمایه‌گذاران قرار نمی‌گیرد. لذا هر یک از کارآفرینان و سرمایه‌گذاران باید به‌صورت مجزا و مستقل، برای اخذ مجوزهای احداث و بهره‌برداری واحد تولیدی، برخورداری از آب، برق، گاز و سایر خدمات عمومی چندین سال در دستگاه‌های اجرایی مختلف سرگردان باشند.

نگاه خوشه‌ای به بنگاه‌های اقتصادی کوچک و متوسط روستایی و عشایری عملیاتی نمی‌شود و مدیریت این واحدها سنتی بوده و ساختار حمایتی، برای تحقیق و توسعه و تزریق نوآوری در این بنگاه‌ها به‌منظور بهبود مستمر رقابت‌پذیری آنها در بازارهای جهانی و تسهیل بازاریابی وجود ندارد. راهبرد توسعه صنایع تبدیلی در مناطق مشخص در کنار کانون تولید در قالب خوشه‌های صادرات‌گرا، به‌ویژه در زمینه محصولات گیاهی که کشور ایران دارای مزیت رقابتی جهانی است (مانند خرما، زعفران، پسته، کنار، گیاهان دارویی و غیره) می‌تواند نقش اساسی در اشتغال‌زایی و جلوگیری از خام‌فروشی داشته باشد.

به‌کارگیری این راهبرد می‌توانست یکی از اساسی‌ترین مشکلات سرمایه‌گذاران در صنایع تبدیلی را از نظر طولانی بودن صدور مجوزها، پروانه‌های بهره‌برداری و طولانی شدن زمان برخورداری و دستیابی واحدهای فراوری به خدمات عمومی مانند برق، آب، گاز و جاده را برطرف کند، این در حالی است که وزارت جهاد کشاورزی هیچ برنامه‌ای در این زمینه ارائه نکرده است. تجربه نواحی صنعتی روستایی نیز دچار چالش‌های اساسی بوده و نتوانسته در رونق تولید نواحی روستایی نقش مناسبی ایفا نماید.

## ۵- بررسی وضع موجود و قابلیت سنجی

### تغییرات ساختاری تولید و نابرابری در استان‌های کشور

رشد و توسعه مناطق مختلف از مباحث اساسی نظریه‌های اقتصاد منطقه‌ای محسوب می‌شود. تجزیه و تحلیل روند تولید و ساختار آن در سطوح مختلف کشور، مستلزم شناخت دقیق استعدادها و توازن بالقوه بخش‌ها و ترکیب آن در مناطق است تا بتوان سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی متعادلی را در هر بخش از مناطق کشور محقق ساخت. بی‌توجهی به استعدادها، توانایی‌ها و مزیت‌های نسبی هر منطقه در زمینه فعالیت‌های اقتصادی موجب می‌شود تا سرمایه‌گذاری‌ها متناسب با امکانات و ظرفیت‌های بالقوه مناطق صورت نگیرد و به‌رغم اجرای برنامه‌های متعدد توسعه ملی و منطقه‌ای، همچنان روند توسعه نیافتگی مناطق ادامه یابد.

توسعه‌یافتگی استان‌های مختلف به علت امکانات بالقوه منطقه‌ای، ممکن است در بخش‌های کشاورزی و خدمات با یکدیگر متجانس نباشد؛ این امر ضرورت توجه به تغییرات ساختاری بخش‌های مختلف اقتصادی که پیش از این بحث شد را در استان‌های کشور اجتناب‌ناپذیر می‌سازد. این امر بیانگر این مطلب است که اگرچه توجه به سیاست‌های کلان در امر سیاست‌گذاری منطقه‌ای به‌عنوان یک اصل کلی پذیرفته شده است، اما بدان معنی نیست که آنچه در سطح ملی مناسب است، برای تمام مناطق نیز مفید واقع می‌شود. عدم توجه به همین نکته، یعنی نادیده گرفتن امکانات، ظرفیت‌های بالقوه و مزیت‌های نسبی هر منطقه و درنهایت تغییرات در فعالیت‌هایی که منجر به توسعه نیافتگی و نابرابری در بین مناطق می‌شود (Javushiri and Shayan, 2017: 2). واقعیت‌های موجود در ایران، نشان می‌دهد که در مناطق مختلف کشور نابرابری‌های زیادی در زمینه تولید وجود دارد. این پدیده به دلیل عدم شناخت امکانات و استعدادها در مناطق مختلف در زمینه توسعه اقتصادی به وجود آمده است.

داده‌های مورد استفاده در این بخش شامل درآمد سرانه و سهم ارزش‌افزوده بخش‌های مختلف اقتصادی ۳۱ استان کشور در فاصله سال‌های ۱۳۷۹-۱۳۹۳ بوده که از نتایج طرح حساب‌های منطقه‌ای مرکز آمار ایران استخراج شده است. برای تعدیل ارقام جاری درآمد سرانه از شاخص قیمت‌های خرده‌فروشی به قیمت ثابت ۱۳۹۰ استان‌های کشور استفاده است. شاخص قیمت خرده‌فروشی تنها شاخص قیمتی است که به تفکیک هر استان سالانه توسط مرکز آمار ایران منتشر می‌شود. بررسی درآمد سرانه استان‌ها در سال ۱۳۷۹ نشان می‌دهد که استان‌های تهران، مرکزی، قزوین، هرمزگان، اصفهان، سمنان و بوشهر دارای درآمد سرانه بالاتر از متوسط کشوری بوده و بالاترین و پایین‌ترین درآمد سرانه مربوط به استان تهران و استان سیستان و بلوچستان است. با تغییرات صورت گرفته در ساختار اقتصادی کشور در سال ۱۳۹۳ استان بوشهر در جایگاه اول، استان تهران

بعد از استان یزد در جایگاه سوم قرار گرفت و همچنان در این سال استان سیستان و بلوچستان و بلوچستان در جایگاه آخر از لحاظ میزان درآمد سرانه قرار گرفته است؛ در این سال ۱۱ استان دارای درآمد سرانه بالاتر از متوسط کشوری بوده‌اند که ویژگی عمده آن‌ها (به غیر از استان‌های تهران و مازندران) غالب بودن بخش صنعت و معدن این استان‌ها نسبت به استان‌های دیگر است. برتری و نقطه قوت استان‌های تهران و مازندران بخش خدمات آن‌ها است. از استان‌هایی که در طول دوره مورد بررسی، جایگاه درآمد سرانه آن‌ها در بین استان‌های کشور تنزل یافته می‌توان به استان‌های آذربایجان‌های شرقی و غربی، سیستان و بلوچستان، لرستان، گلستان، کردستان، قم و فارس اشاره کرد. سهم بخش خدمات در استان‌های آذربایجان شرقی و غربی، قم و فارس به نفع سهم بخش صنعت و در استان کردستان به نفع بخش‌های کشاورزی و صنعت کاهش پیدا کرده است. در استان گلستان سهم بخش کشاورزی به نفع سهم بخش صنعت کاهش یافته و در استان لرستان سهم بخش صنعت به نفع بخش خدمات کاهش پیدا کرده است. سهم بخش خدمات در استان کرمانشاه به نفع سهم بخش صنعت کاهش پیدا کرده و عکس حالت فوق نیز برای استان گیلان اتفاق افتاده است. در گروه استان‌های با درآمد سرانه پایین‌تر از متوسط کشوری که درآمد سرانه آن‌ها در بین این دو مقطع، دارای همگرایی درآمدی به سمت میانگین کشوری بودند می‌توان به استان‌های اردبیل، ایلام، خراسان رضوی، زنجان، کرمانشاه، گیلان و همدان اشاره کرد. همچنین سهم فعالیت بخش‌های اقتصادی استان‌های اردبیل، ایلام، خراسان رضوی و همدان تقریباً ثابت مانده است. اتفاق مهمی که در بین این دو مقطع به وقوع پیوسته شامل رشد بسیار سریع درآمد سرانه استان بوشهر و انتقال جایگاه درآمد سرانه این استان از رتبه هفتم کشوری در سال ۱۳۷۹ به جایگاه اول کشور در سال ۱۳۹۳ است. همچنین استان‌های یزد، خوزستان و کرمان از استان‌های با درآمد سرانه پایین‌تر از سطح متوسط کشوری در سال اول دوره، به جایگاه بالاتر از سطح متوسط کشوری در سال آخر دوره مورد بررسی انتقال پیدا کرده‌اند. بر اساس شاخص متوسط درآمد سرانه در کل ۱۵ سال دوره نیز، به ترتیب استان‌های بوشهر، تهران، یزد، سمنان، مرکزی، اصفهان، قزوین و مازندران دارای درآمد سرانه بالاتر از متوسط کشوری بوده بقیه استان‌های کشور نیز، گروه استان‌های با درآمد سرانه کمتر از متوسط کشوری را تشکیل می‌دهند. در بین استان‌های با درآمد سرانه بالاتر از متوسط کشوری سهم بخش خدمات در استان‌های اصفهان، خوزستان، کرمان و هرمزگان به نفع بخش صنعت و معدن کاهش پیدا کرده است. در استان‌های بوشهر و یزد سهم بخش صنعت و معدن از کاهش همزمان سهم بخش‌های کشاورزی و خدمات افزایش زیادی داشته است، در صورتی که عکس حالت فوق برای استان مرکزی اتفاق افتاده است. در استان تهران سهم بخش خدمات از کاهش سهم

بخش‌های کشاورزی و صنعت و معدن افزایش پیدا کرده و در نهایت ساختار اقتصادی استان مازندران نیز تقریباً ثابت بوده است (ر.ک: بهشتی و همکاران، ۱۳۹۷: ۶).

به نظر می‌رسد کوچک شدن بخش کشاورزی در کشور منجر به بزرگ شدن سهم بخش صنعت در استان‌های خاصی از کشور شده است. به طوری که سهم ارزش افزوده بخش صنعت ۸ استان دارای درآمد سرانه بالاتر در مجموع سال‌های دوره معادل ۵۱٫۸ درصد از ارزش افزوده این بخش در کشور بوده و از بین استان‌های مذکور سهم سه استان اصفهان، تهران و بوشهر معادل ۳۹٫۴۹ درصد است.

همچنین مرور سیمای آمایش صنعتی، معدنی و تجاری کشور به تفکیک استان‌ها نشان می‌دهد، در سال ۱۳۹۵ بیشترین واحدهای تولیدی فعال در ۵ استان «سمنان، تهران، ایلام، اصفهان و خراسان رضوی» بوده‌اند. آمارهای وزارت صنعت، معدن و تجارت نشان می‌دهد، استان سمنان با ۱۹ هزار و ۲۴۰ واحد تولیدی فعال رتبه نخست را در سال ۹۵ از آن خود کرده است. همچنین استان تهران با ۱۷ هزار و ۲۵۶ واحد تولیدی فعال، رتبه دوم را در تعداد واحدهای تولیدی فعال در مدت مذکور دارد. از سوی دیگر، آمارها نشان می‌دهد که استان ایلام با ۹ هزار و ۴۲۴ واحد تولیدی فعال در سال ۱۳۹۵، رتبه سوم را داراست. رتبه چهارم در این زمینه به استان البرز با ۹ هزار و ۲۱۰ واحد تولیدی فعال تعلق دارد. از سوی دیگر، خراسان رضوی با ۵ هزار و ۶۱۶ واحد تولیدی فعال رتبه پنجم را در مدت یاد شده از آن خود کرده است.

برای تغییر ساختاری در بخش تولید باید بر مزیت‌های نسبی تولید تمرکز کنیم؛ تفاوت مزیت نسبی و مزیت رقابتی این است که مزیت رقابتی خلق شدنی است، اما مزیت نسبی بر اساس شرایط محیطی در کشور وجود دارد. به‌عنوان نمونه یکی از موضوعاتی که اکنون باید به آن در کشور توجه ویژه کرد این است که می‌توان گاز را تبدیل به کالا کرد و اگر بتوان گاز را تبدیل به کالا کرد، معنایش این می‌شود که در کشور مزیت نسبی تولید داریم و در این راستا می‌بینیم که بسیاری از صنایع مانند صنعت پتروشیمی، فولاد، سیما، کاشی و مانند آن، جزء پروژه‌ها و بخش‌هایی از صنعت هستند که مزیت نسبی دارند و ما می‌توانیم در این زمینه کار کنیم و صادرات را افزایش داده و با توجه به قیمت ارز و حتی با بالاتر رفتن قیمت ارز، این بخش از صنعت مزیت بیشتری پیدا می‌کند و در سال جاری باید بیشتر روی آن کار کرد و برنامه‌ریزی درازمدتی برای آن داشت.

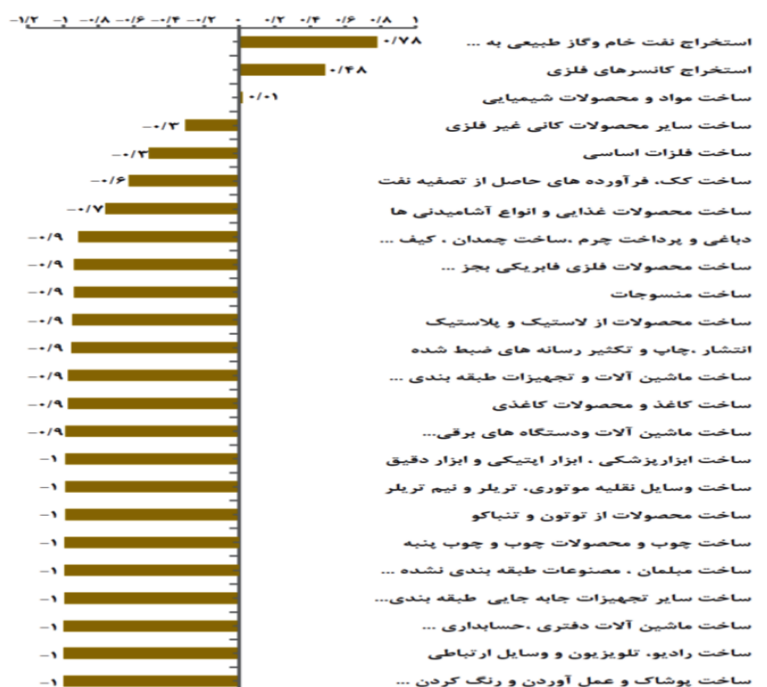
#### شاخص مزیت نسبی آشکار شده یکنواخت ایران (۲۰۱۴)

در تدوین برنامه و سیاست‌های اقتصادی، تعیین مزیت‌های نسبی در بخش‌های اقتصادی به‌ویژه بخش صنعت حائز اهمیت است. بر اساس مبانی نظری اقتصادی، مهم‌ترین عوامل تأثیرگذار بر تعیین مزیت نسبی، دانش و بهره‌وری است. این شاخص در ایران نشان می‌دهد که رشته فعالیت‌های مربوط به استخراج نفت خام و گاز

طبیعی، به‌استثنای مطالعات اکتشافی، استخراج کانسارهای فلزی و ساخت مواد و محصولات شیمیایی، دارای مزیت نسبی هستند. در واقع این صنایع عمدتاً متکی به منابع طبیعی مانند نفت و مواد معدنی طبیعی هستند. لذا جهت پایدار نمودن مزیت در صنایع ضروری است که عامل دانش و بهره‌وری نیز تقویت گردد تا مزیت نسبی این صنایع حفظ شود.

لازم به توضیح است که نتیجه به دست آمده از شاخص مزبور، ناظر بر عملکرد گذشته است که ممکن است برخی از محصولات بتواند در آینده به دلیل ظرفیت آشکار نشده و عدم وجود برابری امکانات، دارای مزیت نسبی آشکار شده شوند. البته در کنار نظریه مزیت نسبی آشکار شده، نظریه مزیت رقابتی نیز وجود دارد که در سال‌های اخیر مورد توجه قرار گرفته است.

مزیت رقابتی وضعیتی است که یک بنگاه را قادر می‌سازد تا با کارایی بالاتر و به کارگیری روش‌های برتر، محصول را با کیفیت و قیمتی مطلوب‌تر عرضه نماید و در رقابت با سایر تولیدکنندگان سود بیشتری را نصیب بنگاه خود کند. با توجه به وضعیت موجود صنایع کشور و لزوم حضور فعال‌تر در بازارهای بین‌المللی، لازم است برنامه‌ریزی‌های گسترده‌ای در جهت خلق مزیت رقابتی در صحنه بین‌المللی فراهم گردد (وزارت صمت، ۱۳۹۴: ۴۶).



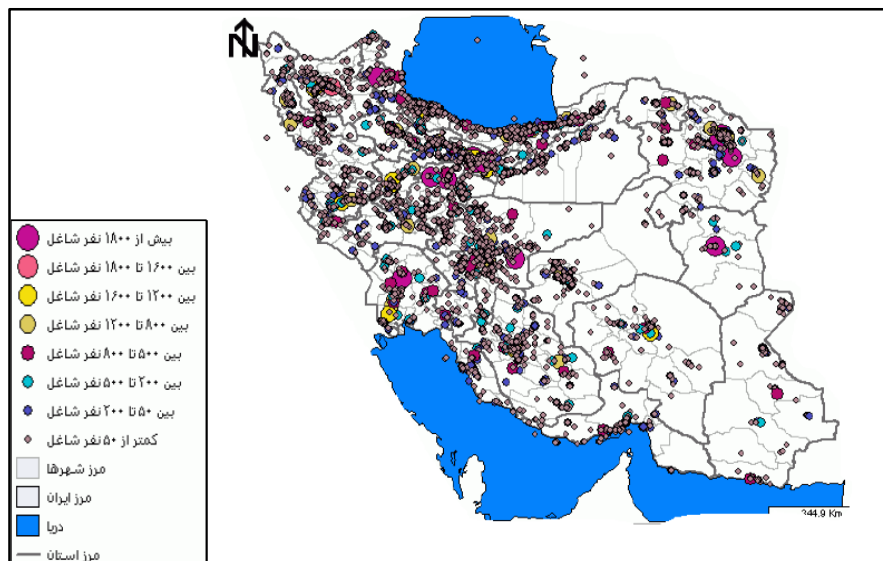
شکل ۹: وضعیت شاخص مزیت نسبی آشکار شده یکنواخت ۲۰۱۴

مأخذ: Trade Map

اثرات منطقه‌ای شدن صنعت (تمرکز و صرفه مقیاس) بر جهش تولید در استان‌های ایران منظور از عدم تعادل منطقه‌ای، تفاوت فاحش در سطح توسعه استان‌های کشور است؛ بنابراین لازم است پیش از هر بحث دیگری، وضعیت تعادل/عدم تعادل منطقه‌ای در ایران شناسایی شود. این مهم را می‌توان از این منظر مورد توجه قرار داد.

شناسایی وضعیت تمرکز (صنعت) در کشور

از آنجاکه در کشور ما منابع طبیعی و مواد اولیه مورد نیاز تولیدات مختلف، هر کدام در نواحی و مناطق گوناگون توزیع یکسانی ندارد و در نتیجه آن، فعالیت‌های اقتصادی متمایل به داشتن توزیع نامتجانس و غیریکنواخت در بین مناطق مختلف هستند، می‌توان انتظار داشت که میزان تمرکز جغرافیایی فعالیت‌های مختلف در بین مناطق و استان‌های کشور نیز به طور معناداری بالا باشد. ضرورت این نوع بررسی می‌تواند در زمینه به کارگیری و استفاده بهینه از منابع اقتصادی، انسانی و زیربنایی مناطق مختلف در امر توسعه و اتخاذ تصمیم‌های لازم برای کاهش عدم تعادل‌های ناحیه‌ای در بلندمدت باشد (ابراهیم‌زاده و همکاران، ۱۳۸۹: ۹).



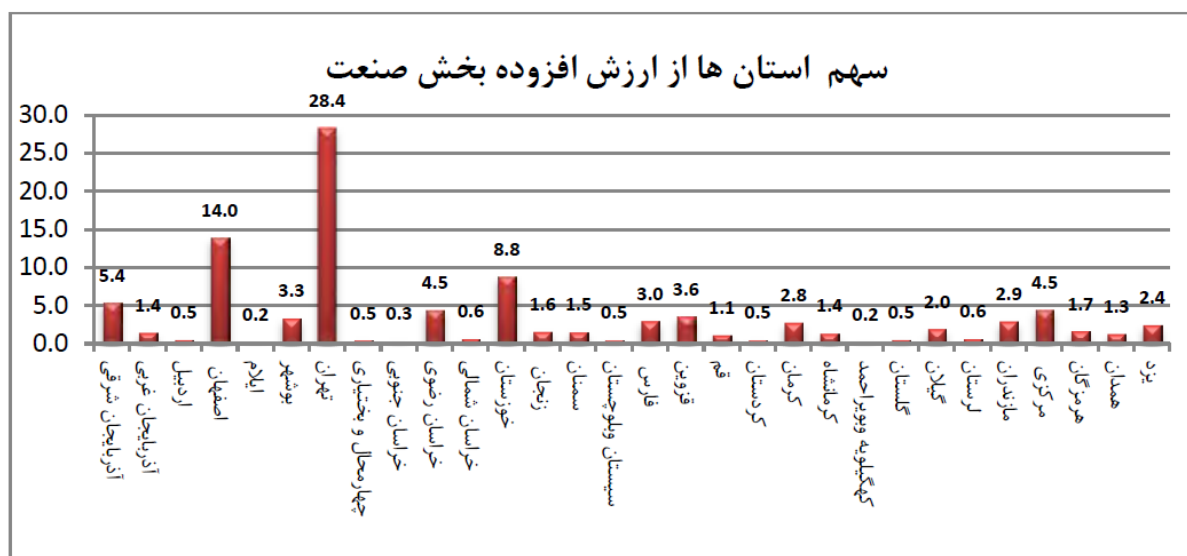
شکل ۱۰: توزیع جغرافیایی فعالیت در استان‌های کشور

مأخذ: وزارت صنایع و معادن، دفتر فرآوری آمار و اطلاعات (۱۳۸۹)

همان‌طور که در شکل ۱۰ مشاهده می‌شود عدم تعادل در توزیع جغرافیایی فعالیت‌ها، به‌خصوص در بین فعالیت‌های کمتر از ۵۰ نفر شاغل بسیار بالا است. علل و عوامل مختلفی می‌تواند باعث ایجاد این نوع تراکم فعالیت‌ها و تمرکز جغرافیایی در بین استان‌های مختلف شود.

به منظور نشان دادن وضعیت تجمع صنعتی در استان‌های کشور، به بیان ویژگی‌های برخی از متغیرهای مهم الگو همچون ارزش افزوده بخش صنعت در استان‌ها، شاخص تجمع در استان‌ها و شاخص جمعی هر کدام از گروه‌های صنعتی پرداخته خواهد شد.

شناسایی اثرات صرفه‌های ناشی از تجمع‌های صنعتی در یکایک استان‌های کشور در صنایع مختلف، با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی مناطق می‌تواند گامی در جهت توسعه مناطق در ایران باشد. با در نظر گرفتن ویژگی‌های جغرافیایی استان‌های ایران، ایجاد تجمع‌های صنعتی، شامل انواع خوشه‌ها و شهرک‌های صنعتی، می‌تواند عامل مهمی در دستیابی این استان‌ها به توسعه و موتور محرکه رشد اقتصادی در مناطق ایران باشد؛ که با توسعه آن‌ها، استفاده از منابع و امکانات به صورت تخصصی‌تر انجام می‌شود. انتخاب صحیح، ایجاد و توسعه خوشه‌ها در حوزه‌های صنعتی از طریق افزایش همکاری و مبادله اطلاعات، تأثیر چشمگیری بر توسعه اقتصادی آن حوزه خواهد داشت. طبق مطالعه پیرانی و مویدفر (۱۳۹۵) شاخص تجمع صنعتی در استان‌های تهران، قزوین، اصفهان، مرکزی، خوزستان و آذربایجان شرقی، بیشترین میزان را به خود اختصاص داده است.



شکل ۱۱: سهم استان‌ها از ارزش افزوده بخش صنعت سال ۱۳۸۹

مأخذ: پیرانی و مویدفر (۱۳۹۵:۱۸۳)

شاخص تجمع صنعتی در هر منطقه، باید بتواند چگالی صنعتی در هر منطقه را اندازه‌گیری کند (Gorter and Kok, 2009) بر اساس نتایج این مطالعه با استفاده از شاخص مائورل-سدیلوت، جمعی‌ترین صنعت، تولید سایر تجهیزات حمل و نقل و غیرتجمعی‌ترین صنعت، صنعت انتشار و چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط شده است. همان‌طور که شکل ۱۱ قابل مشاهده است، میزان ارزش افزوده بخش صنعت در استان‌های تهران، اصفهان،



خوزستان و آذربایجان شرقی از همه استان‌های کشور بیشتر است و در استان‌های ایلام و کهگیلویه و بویراحمد کمترین مقدار را دارد.

همان‌طور که در شکل ۱۱ مشاهده می‌شود، میزان ارزش‌افزوده بخش صنعت در استان‌های تهران، اصفهان، خوزستان و آذربایجان شرقی از همه استان‌های کشور بیشتر است و در استان‌های ایلام و کهگیلویه و بویراحمد کمترین مقدار را دارد.

نتایج حاصل از پژوهش پیران و مویدفر (۱۳۹۵)، نشان‌دهنده اثر معنادار صرفه‌های ناشی از تجمع صنعتی بر رشد اقتصادی استان‌های ایران - البته بدون در نظر گرفتن اثرات زیست‌محیطی این گونه تجمع‌ها - است. علامت ضریب مثبت آن با مبانی نظری سازگار است. در نتیجه، این فرضیه که صرفه‌های ناشی از تجمع صنعتی، اثر مثبت و معناداری بر رشد اقتصادی دارد، رد نمی‌شود؛ بنابراین، توجه به مفهوم تجمع و تمرکز فضایی فعالیت‌های صنعتی به‌منظور دستیابی به رشد و ارتقای وضعیت اقتصادی در مناطق و استان‌های ایران، حائز اهمیت است و می‌تواند به‌عنوان یکی از حوزه‌های پویا، برای علل و عوامل رشد منطقه‌ای مورد توجه قرار گیرد. با در نظر گرفتن ویژگی‌های جغرافیایی استان‌های ایران، ایجاد تجمع‌های صنعتی، شامل انواع خوشه‌ها و شهرک‌های صنعتی، می‌تواند عامل مهمی در دستیابی این استان‌ها به توسعه و موتور محرکه رشد اقتصادی در مناطق ایران باشد؛ که با توسعه آن‌ها، استفاده از منابع و امکانات به‌صورت تخصصی‌تر انجام می‌شود. انتخاب صحیح، ایجاد و توسعه خوشه‌ها در حوزه‌های صنعتی از طریق افزایش همکاری و مبادله اطلاعات، تأثیر چشمگیری بر توسعه اقتصادی آن حوزه خواهد داشت. همچنین میزان قابل توجه ضریب اثر نرخ رشد تکنولوژی و نرخ مشارکت نیروی انسانی در کنار ضریب مثبت اثرات سرریز دانش که مجموعاً حدود ۲ درصد افزایش در درآمد سرانه واقعی استان‌ها را توضیح می‌دهد، نشان می‌دهد تحرک آزادانه نیروی انسانی متخصص در بین استان‌ها، قادر است درجات بالاتر رشد اقتصادی در استان‌ها را به بار آورد (پیران و مویدفر، ۱۳۹۵: ۱۸۷). شناسایی اثرات صرفه‌های ناشی از تجمع‌های صنعتی در یکایک استان‌های کشور در صنایع مختلف، با توجه به ویژگی‌های جغرافیایی مناطق می‌تواند گامی در جهت توسعه مناطق در ایران باشد.

بیش از نیمی از صنایع اقتصاد ایران، تمرکز جغرافیایی بسیار شدیدی دارند. این صنایع عمدتاً در استان‌های تهران و اصفهان تمرکز داشته‌اند؛ ولی روند این تمرکز در پهنه فضایی سرزمینی، نشان‌دهنده کاهش سهم تمرکز در این استان‌ها (توسعه یافته تر و مرکزی‌تر) و توزیع آن‌ها در مناطق پیرامونی مانند استان‌های خوزستان، خراسان و یزد (کمتر توسعه یافته و پیرامونی) و نویدبخش حرکت به سوی تعادل فضایی در پهنه سرزمینی است؛ علاوه بر این روند تخصصی شدن فعالیت‌ها در استان‌های کشور، به‌طور کلی نشان‌دهنده کاهش

تمایل صنایع به تخصصی شدن منطقه‌ای است؛ همچنین با توجه ماهیت صنایع در حال تخصصی شدن در استان‌های کشور، تمایل استان‌های توسعه یافته‌تر کشور مانند تهران به سمت تخصصی شدن در صنایع با فناوری پیشرفته است و از سوی دیگر، تمایل استان‌های کمتر توسعه یافته به سمت تخصصی شدن در فعالیت‌های با فناوری سنتی، نیازمند نیروی کار ارزان و غیرمتخصص و منبع-پایه است. معنادار بودن رابطه بین تمرکز جغرافیایی و تخصصی شدن یک امتیاز است؛ زیرا دولت برای تنظیم تمرکز جغرافیایی در بین استان‌ها و مناطق مختلف کشور و در جهت ایجاد توسعه‌ای هماهنگ در استان‌های محروم، سیاست‌های محرک تخصصی شدن صنایع وضع کرده است و در مقابل از تخصصی شدن همه صنایع در استان‌های برخوردارتر جلوگیری می‌کند (داداش‌پور و ساسانی، ۱۳۹۷: ۱۱۱).

معمولاً قطبی شدن صنعتی یک فرایند دوجوهی است. در وجه اول، انتخاب یک بخش صنعتی به‌عنوان بخش پیش‌نیاز اقتصادی است و وجه دوم آن جغرافیایی است. بدین معنی که نقاطی از کشور (به دلیل برخورداری‌های طبیعی و یا نفوذ بیشتر دولت، مراکز برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری) به‌عنوان مناطق برگزیده، مورد توجه خاص قرار گرفتند. تمرکز بیش از حد صنعت کشور در تهران و اصفهان از جمله پیامدهای گرایش‌های فوق‌الذکر است. این تمرکزگرایی صنعتی موجب سرریز شدن جمعیت به‌سوی این قطب‌های اقتصادی گردید که پیامدهای منفی اقتصادی و اجتماعی متعددی را در کشور به وجود آورد (سلیمی فر، ۱۳۸۱: ۵). برای جلوگیری از آثار سوء این پیامدها، از برنامه چهارم توسعه بعد از انقلاب، زمینه برای تدوین «سیاست‌های تمرکززدایی» فراهم آمد و متولیان سیاست‌گذاری کشور بر آن شدند تا با توزیع اشتغال منطقه‌ای موزون‌تر، تراکم بیش از حد فعالیت و جمعیت را در این مناطق کنترل نمایند (پوراحمد و همکاران، ۱۳۸۴: ۱۷۴). علی‌رغم تلاش دولت‌های گوناگون در چند دهه گذشته، تاکنون سیاست تمرکززدایی و رسیدن به تعادل فضایی و تخصص‌یابی در مناطق کشور، به دلیل افزایش تمرکز فضایی فعالیت‌های صنعتی با موفقیت همراه نبوده است، در حالی که تقویت توانمندی‌ها و تخصص‌های صنعتی در مناطق گوناگون و تعیین موقعیت و جایگاه این مناطق در تقسیم فضایی کشور از اهمیت زیادی برخوردار است (بختیاری، ۱۳۸۱: ۱۵۶).

### بررسی وضعیت موجود و روند تولید کشور از منظر متغیرهای اقتصادی

بر اساس کارکرد مفهومی، تولید ناخالص داخلی یکی از معیارهای سنجش عملکرد اقتصادی هر کشور است که معمولاً عملکرد مثبت آن رفاه جامعه را در پی خواهد داشت. بدون شک سهم هر کدام از بخش‌های مختلف اقتصادی از تولید ناخالص داخلی، از اهمیت بسیاری برخوردار است؛ چراکه انباشت سرمایه‌های ایجاد شده در یک بخش می‌تواند محرک اصلی بخش‌های دیگر گردد.

طبق تئوری‌های اقتصاد کلان، انباشت سرمایه در بخش کشاورزی موجب رشد بخش صنعت شده و انباشت سرمایه ایجاد شده در بخش صنعت موجب رشد بخش خدمات خواهد شد. با توجه به مطالب فوق و لزوم ارتقای بخش تجارت با اتکای به صادرات غیرنفتی، ضروری است که انباشت سرمایه در گام نخست در بخش صنعت و معدن نیز اتفاق افتد و مازاد آن به بخش تجارت (خدمات) انتقال یابد.

با توجه به روند تغییرات رشد اقتصادی، به‌ویژه در گروه صنایع و معادن ملاحظه می‌شود که از سال ۱۳۹۴ به بعد بحران اقتصادی شروع شده و رشد منفی مشاهده می‌گردد، اما در سال ۱۳۹۲ رشد منفی شیب کمتری یافته و در سال ۱۳۹۳ نیز نسبت به سال قبل توانسته به تدریج رشد مثبتی را تجربه نماید.

جدول ۱۱: روند رشد اقتصادی ایران طی برنامه‌های پنج‌ساله توسعه بر مبنای قیمت ثابت

متوسط رشد	صنعت	معدن	بازرگانی، رستوران و هتلداری	کشاورزی	نفت	ساختمان	تولید ناخالص داخلی	تولید ناخالص داخلی (بدون نفت)
برنامه اول (۱۳۶۸-۱۳۷۲)	۹/۳	۱۳/۹	۵/۵	۶/۴	۸/۹	۷/۵	۷/۳	۶/۶
برنامه دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸)	۷/۴	۵/۷	۳/۶	۲/۲	(۱/۶)	۲/۴	۲/۶	۳/۴
برنامه سوم (۱۳۷۹-۱۳۸۳)	۱۰/۶	۶/۲	۹/۳	۴	۳/۵	۸/۲	۵/۸	۶/۶
برنامه چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۹)	۷	۱۳/۴	۴/۹	۱/۹	۰/۲	۵/۶	۴/۸	۵/۹
برنامه پنجم (۱۳۹۰-۱۳۹۳)	(۰/۳)	۷/۱	(۱/۴)	۳	(۱۰/۶)	(۱/۲)	(۰/۳)	۱/۵

مأخذ: بانک مرکزی

اعداد داخل پرانتز منفی است.

جدول ۱۲: روند متغیرهای منتخب طی برنامه‌های توسعه در بخش

برنامه اول (۱۳۶۸-۱۳۷۲)	برنامه دوم (۱۳۷۴-۱۳۷۸)	برنامه سوم (۱۳۷۹-۱۳۸۳)	برنامه چهارم (۱۳۸۴-۱۳۸۹)	برنامه پنجم (۱۳۹۰-۱۳۹۳)	شاخص / دوره
۹/۶	۱۱/۱	۱۴/۴	۱۶/۱	۱۷/۶	به متوسط سهم ارزش افزوده صنعت و معدن از تولید ناخالص داخلی
۱۴/۱	۱۵/۴	۱۸/۷	۱۹/۸	۱۹/۹	قیمت ثابت متوسط سهم ارزش افزوده صنعت و معدن از تولید ناخالص (بدون نفت)
۱۲/۸	۱۳/۱	۱۶/۷	۱۵	۱۲/۷	۱۳۸۳ متوسط سهم بخش صنعت و معدن از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص
۱۵/۱	۱۷/۱	۱۶/۳	۱۳/۲	۱۲/۷	به متوسط سهم ارزش افزوده صنعت و معدن از تولید ناخالص داخلی
۱۶/۹	۱۹/۷	۲۰	۱۷/۱	۱۵/۶	قیمت جاری متوسط سهم ارزش افزوده صنعت و معدن از تولید ناخالص داخلی (بدون نفت)
۹/۷	۱۱/۲	۱۷/۵	۱۳/۸	۱۰/۳	متوسط سهم بخش صنعت و معدن از تشکیل سرمایه ثابت ناخالص

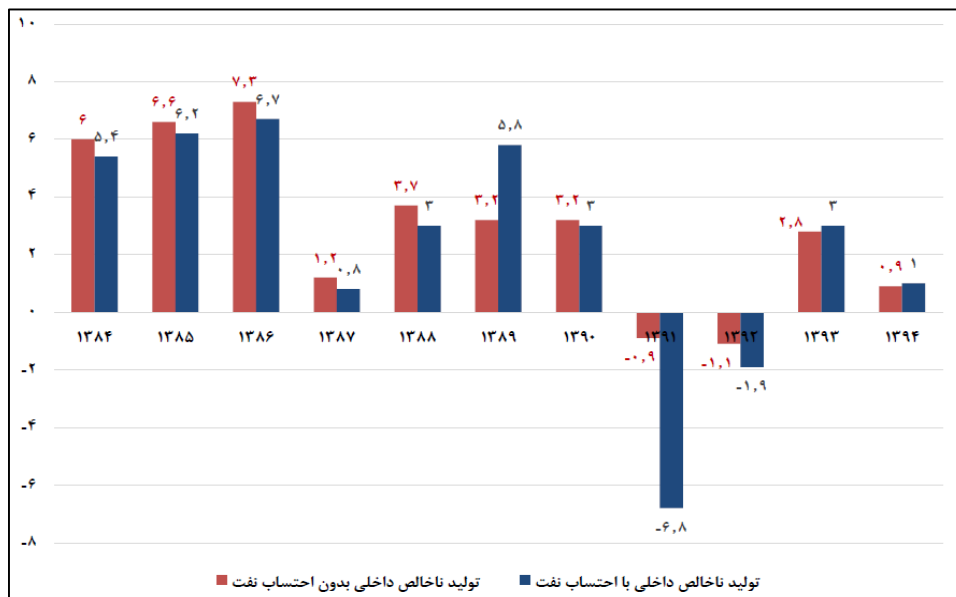
مأخذ: بانک مرکزی

در خصوص ترکیب سهم تولید ناخالص داخلی اشاره به این نکته ضروری است که سهم بخش صنعت، معدن و تجارت پس از سال ۱۳۹۴ به بعد، با روند نزولی مواجه بوده که در نتیجه سهم کل بخش صنعت، معدن و تجارت نیز طی این دوره از رقم ۳۲,۱ در سال ۱۳۹۴ به رقم ۳۱,۶ در سال ۱۳۹۳ کاهش یافته است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰) که عمدتاً نیز این کاهش سهم، با افزایش سهم بخش خدمات جبران شده است.

با توجه به این موضوع که بخش صنعت و معدن به عنوان پیشران رشد اقتصادی کشور سهم بسزایی را در بهبود وضعیت اقتصادی دارد، لازم است به منظور توسعه صنعتی کشور، با در نظر گرفتن اولویت‌های صنعتی و معدنی، برنامه‌ریزی مناسبی برای افزایش سهم این بخش فراتر از بخش‌های اقتصادی دیگر صورت گیرد.

#### وضعیت ایران در شاخص رقابت پذیری جهانی

نگاهی به شاخص‌های کلان اقتصاد ایران در دهه اخیر نشان می‌دهد اقتصاد ایران در وضعیت مناسبی به سر نمی‌برد. افزایش نرخ تورم (تورم دورقمی در دهه اخیر) از یک سو و کاهش رشد اقتصادی و رکود حاکم از سوی دیگر، شرایط را برای تولید، روز به روز سخت‌تر کرده‌اند. رشد اقتصادی نیز در سال ۱۳۹۴، رقمی معادل یک درصد بوده که در آن بخش کشاورزی رشد ۵,۴ و صنعت منهای ۲,۲ درصد بوده است.



شکل ۱۲: نرخ رشد اقتصادی از سال ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۴ (درصد)

مأخذ: مرکز آمار ایران

همان‌گونه که شکل ۱۲ نشان می‌دهد، در پنج سال گذشته نه‌تنها کشور شاهد رشد اقتصادی نبوده، بلکه اقتصاد ایران شاهد کاهش تولید به میزان ۲٫۷ درصد در این دوره بوده است. همچنین در سال ۱۳۹۴ سرمایه‌گذاری<sup>۱</sup> در اقتصاد ایران به میزان ۱۵٫۷ درصد کاهش یافت.

مجمع جهانی اقتصاد از سال ۱۹۳۹ میلادی، هر سال اقدام به انتشار گزارش رقابت‌پذیری اقتصادهای جهان می‌کند. شاخص رقابت‌پذیری جهانی با توجه به وسعت زیرشاخص‌ها، ابزار مناسبی برای سنجش ارکان رقابت‌پذیری در سطوح اقتصاد خرد و کلان قلمداد می‌شود.

در این زمینه می‌توان موانع تولید و رقابت‌پذیری را در ۴ گروه زیر دسته‌بندی کرد:

#### ۱- موانع فضای کسب و کار

فضای نامساعد کسب‌وکار در ایران یکی از مهم‌ترین موانع تولید است. محیط نامساعد کسب‌وکار، شرکت‌های کوچک و متوسط را در مقایسه با شرکت‌های بزرگ در معرض مشکلات بیشتر قرار می‌دهد. گزارش فضای کسب‌وکار منتشر شده توسط بانک جهانی در سال ۲۰۱۷ نشان می‌دهد، فضای کسب‌وکار ایران بهبود چشم‌گیری نداشته است. بر این اساس، رتبه ایران از بین ۱۹۰ کشور در رتبه ۱۲۰ قرار دارد. رتبه ایران طی سال‌های اخیر همواره یکی از موانع تولید و رقابت‌پذیری بنگاه‌های کشور بوده است. سختگیری دستگاه‌های مختلف در

۱. مرکز آمار ایران، حساب‌های ملی و فصلی سال ۱۳۹۴، ۱۳۹۵

اعطای مجوزهای لازم و رویه‌های طولانی و پرهزینه راه‌اندازی یک واحد اقتصادی در ایران و موانع و چالش‌های صادرات و عدم حمایت هدفمند در راستای رقابت‌پذیر کردن بنگاه‌های تولیدی از یک سو و بالا رفتن هزینه‌ها از سوی دیگر، باعث شده بنگاه‌های تولیدی در کشور رشد مورد انتظار را نداشته باشند. از مهم‌ترین چالش‌های سرمایه‌گذاری در تولید از منظر آمایش سرزمین در سال‌های گذشته می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- عدم توجه به تغییر در قطب‌های تولید و پراکنش نامناسب واحدها و نبود اطلاعات جامع از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های تولید در کشور؛
- عدم توجه به مقیاس اقتصادی تولیدات؛
- مشخص نبودن فرصت‌ها و اولویت‌های سرمایه‌گذاری در بخش‌های تولیدی خصوصاً در تولید محصولات با ارزش افزوده بالاتر؛
- عدم توجه به تکمیل زنجیره ارزش محصولات؛
- نبود بانک اطلاعاتی جامع از ظرفیت‌ها، زیرساخت‌ها و آمار و اطلاعات دقیق برای راهنمایی سرمایه‌گذاران در تولید.

## ۲- موانع رقابت‌پذیری

رقابت‌پذیری قابلیت‌ها و توانمندی‌هایی است که یک کسب‌وکار، صنعت، منطقه، کشور دارا هستند و می‌توانند آن‌ها را حفظ کنند تا در عرصه رقابت بین‌المللی نرخ بازگشت بالایی را در عوامل تولید ایجاد کرده و نیروی انسانی خود را در وضعیت نسبتاً بالایی قرار دهند (درون‌پرور و همکاران، ۱۳۹۰).

## ۳- موانع کلان و ساختاری در کشور

فضای کسب‌وکار بر تولید و نهایتاً رشد اقتصادی کشور تأثیر گذاشته و همچنین مؤلفه‌های ساختاری و عوامل اقتصادی از آن تأثیر پذیرفته و رقابت‌پذیری بنگاه‌ها را متأثر می‌سازند. مهم‌ترین موانع ساختاری در کشور عبارتند از تصدی‌گری دولت در اقتصاد، ضعف قوانین و سیاست‌های متناقض در تولید کشور.

اقتصاد ایران خصوصاً در بخش کشاورزی عمدتاً در کنترل دولت است و شرکت‌های بزرگ دولتی نقشی اصلی در اقتصاد زنجیره کشاورزی بازی می‌کنند (نظیر بازرگانی دولتی). تصدی‌گری دولت در اموری نظیر تنظیم بازار و قیمت‌گذاری و ناکارآمدی در سال‌های گذشته، دولت را بر آن داشت تا در برنامه‌های مختلف توسعه مانند برنامه پنجم بر کاهش تصدی‌گری دولت و واگذاری اموری همچون تنظیم بازار بر بخش خصوصی تأکید شود، اما محقق نگردید.

#### ۴- نظام توزیع

کانال‌های توزیع در واقع پل‌های ارتباطی بین تولید و مصرف هستند. یک نظام توزیع متناسب و بهینه باید بتواند کالا را در زمان و به قیمت و شرایط مناسب در اختیار مصرف‌کننده قرار دهد. برخی از چالش‌های نظام توزیع در کشور عبارتند از نبود آمار و اطلاعات کافی در خصوص فرایندهای توزیع؛ نامطمئن و غیررسمی بودن بخش قابل توجهی از حمل و پخش کالا در شبکه توزیع؛ تعدد واحدهای صنفی در سطح خرده‌فروشی؛ بالا بودن هزینه‌های شبکه توزیع کالا؛ عدم مشارکت مؤثر بخش خصوصی در تنظیم‌کننده بازار.

لازم به ذکر است عوامل فوق همپوشانی‌های زیادی با هم دارند، اما جهت افزایش دقت طرح و شناسایی دقیق چالش‌ها، این تقسیم‌بندی صورت گرفته است. مؤلفه‌های شاخص رقابت‌پذیری به تفصیل در قالب ۱۲ رکن رقابت‌پذیری دسته‌بندی می‌شوند که عبارتند از نهادها، زیرساخت‌ها، ثبات اقتصاد کلان، بهداشت و آموزش اولیه، آموزش عالی و تحصیلات تکمیلی، اثربخشی بازار کالا، بهره‌وری بازار کالا، پیچیدگی بازار پولی، آمادگی در حوزه فناوری، حجم بازار، پیچیدگی فعالیت اقتصادی و نوآوری.

جدول ۱۳: شاخص‌های رقابت‌پذیری ایران در رکن زیرساخت‌ها در سال‌های ۲۰۱۰ و ۲۰۱۱

ارکان رقابت‌پذیر	شاخص	رتبه ایران در سال ۲۰۱۰	رتبه ایران در سال ۲۰۱۱
زیرساخت‌ها	کیفیت زیرساخت‌های کلی	۴	۷۸
	کیفیت جاده‌ها	۳,۸	۷۴
	کیفیت زیرساخت‌های ریلی	۳,۲	۵۰
	کیفیت زیرساخت‌های بندر	۳,۹	۸۴
	کیفیت زیرساخت‌های حمل‌ونقل هوایی (میانگین ۴,۷)	۲,۹	۱۳۷
	حداکثر قابلیت طی مسافت هوایی از کشور در هفته (میلیون کیلومتر)	۳۵۰	۵۰
	کیفیت ارائه برق (میانگین ۴,۵)	۴,۷	۷۲
	خطوط تلفن ثابت (تعداد تلفن ثابت فعال در ۱۰۰ نفر جمعیت)	۳۶,۳	۳۶
	اشتراک تلفن همراه (تعداد اشتراک تلفن همراه در ۱۰۰ نفر جمعیت)	۹۱,۲	۹۵
	۸۵		

مأخذ: میراحسنی، ۱۳۹۰: ۱۳۶

در میان شاخص‌های مربوط به رکن زیرساخت‌ها، دو شاخص تعداد خطوط تلفن ثابت (با ۵ پله صعود) و تعداد اشتراک تلفن همراه (با ۱۰ پله صعود) در سال ۲۰۱۱ بهبود و ارتقاء رتبه یافته است. شاخص کیفیت زیرساخت‌های ریلی نیز با ۳ پله صعود رتبه ۵۰ را بین ۱۴۲ کشور به دست آورده است. این در حالی است که شاخص کیفیت زیرساخت‌های حمل و نقل هوایی که در سال قبل نیز حائز رتبه ۱۳۰ از ۱۳۹ کشور مورد مطالعه بوده و در سال جاری با ۷ پله نزول رتبه ۱۳۷ را بین ۱۴۲ کشور کسب نموده است.

بنا بر گزارش رقابت‌پذیری منتشره توسط مجمع جهانی اقتصاد، رتبه ایران که در رده‌بندی دوره گذشته در جایگاه ۷۴ قرار گرفته بود، در این گزارش با کسب ۴,۱۲ امتیاز، با ۲ پله نزول به رتبه ۷۶ رسیده است. امارات متحده عربی با کسب ۵/۲۶ امتیاز و قرار گرفتن در رتبه ۱۶ جهان و پس از این کشور قطر با کسب ۵/۲۳ امتیاز و قرار گرفتن در رتبه ۱۸ جهان، رقابت‌پذیرترین اقتصاد منطقه محسوب می‌شوند. یکی از دغدغه‌های اصلی سیاستگذاران کشور در شرایط فعلی، باید ارتقای جایگاه رقابت‌پذیری کشور باشد که این مؤلفه نقش مهمی در تأمین رشد پایدار اقتصادی اجتماعی دارد (سند راهبردی صمت، ۱۳۹۵: ۱۹).

**جدول ۱۴:** وضعیت رتبه ایران و کشورهای منطقه در شاخص رقابت‌پذیری جهانی (سال ۲۰۱۶)

رتبه در منطقه	نام کشور	رتبه در جهان
۱	امارات متحده عربی	۱۶
۲	قطر	۱۸
۳	عربستان سعودی	۲۹
۴	آذربایجان	۳۷
۵	کویت	۳۸
۶	بحرین	۴۸
۷	قزاقستان	۵۳
۸	ترکیه	۵۵
۹	گرجستان	۵۹
۱۰	اردن	۶۳
۱۱	عمان	۶۶
۱۲	ایران	۷۶
۱۳	تاجیکستان	۷۷
۱۴	ارمنستان	۷۹
۱۵	لبنان	۱۰۱
۱۶	قرقیزستان	۱۱۱
۱۷	مصر	۱۱۵
۱۸	پاکستان	۱۲۲
۱۹	یمن	۱۳۸

مأخذ: مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۶



شاخص رقابت‌پذیری صنعتی، کشورهای جهان را با در نظر گرفتن ظرفیت تولید و صادرات صنعتی، تأثیر و عمق فناوری و تأثیر بر تولیدات صنعتی جهان، بر اساس هشت زیر شاخص ذیل مورد سنجش و ارزیابی قرار می‌دهد:

- سرانه ارزش افزوده صنعتی
  - سرانه صادرات صنعتی
  - سهم کالاهای صنعتی با تکنولوژی متوسط و بالا از ارزش افزوده صنعتی
  - سهم ارزش افزوده صنعتی از تولید ناخالص داخلی
  - سهم کالاهای با فناوری متوسط و بالا از صادرات صنعتی
  - سهم صادرات صنعتی از کل صادرات
  - سهم از کل ارزش افزوده صنعتی جهان
  - سهم از کل تجارت صنعتی جهان.
- بر اساس اطلاعات سال ۲۰۱۴ در شاخص رقابت‌پذیری صنعتی، رتبه ایران در بین ۱۴۴ کشور جهان، ۶۶ شده است. در بین کشورهای منطقه نیز ترکیه، عربستان، امارات، بحرین، کویت، عمان، قزاقستان و قطر در رتبه‌های بالاتر از ایران قرار گرفته‌اند (سند راهبردی صمت، ۱۳۹۵).

**جدول ۱۵:** وضعیت رتبه ایران و کشورهای منطقه در شاخص رقابت‌پذیری صنعت (گزارش سال ۲۰۱۶)

رتبه در منطقه	نام کشور	رتبه در منطقه	رتبه در جهان (سال ۲۰۱۴)	نام کشور	رتبه در جهان (سال ۲۰۱۴)
۱	ترکیه	۱۲	۳۰	پاکستان	۸۰
۲	عربستان سعودی	۱۳	۳۷	لبنان	۸۹
۳	امارات متحده عربی	۱۴	۴۰	گرجستان	۹۴
۴	بحرین	۱۵	۵۰	آذربایجان	۱۰۰
۵	کویت	۱۶	۵۱	ارمنستان	۱۰۱
۶	عمان	۱۷	۵۹	سوریه	۱۰۴
۷	قزاقستان	۱۸	۶۲	قرقیزستان	۱۲۱
۸	قطر	۱۹	۶۳	تاجیکستان	۱۲۴
۹	ایران	۲۰	۶۶	یمن	۱۳۰
۱۰	مصر	۲۱	۷۰	عراق	۱۳۲
۱۱	اردن	۲۲	۷۳	افغانستان	۱۳۸

مأخذ: یونیدو (UNIDO Statistic data Portal)

## ۶- راهبردها و سیاست‌ها

### عوامل مؤثر بر انتخاب راهبردهای توسعه صنعتی

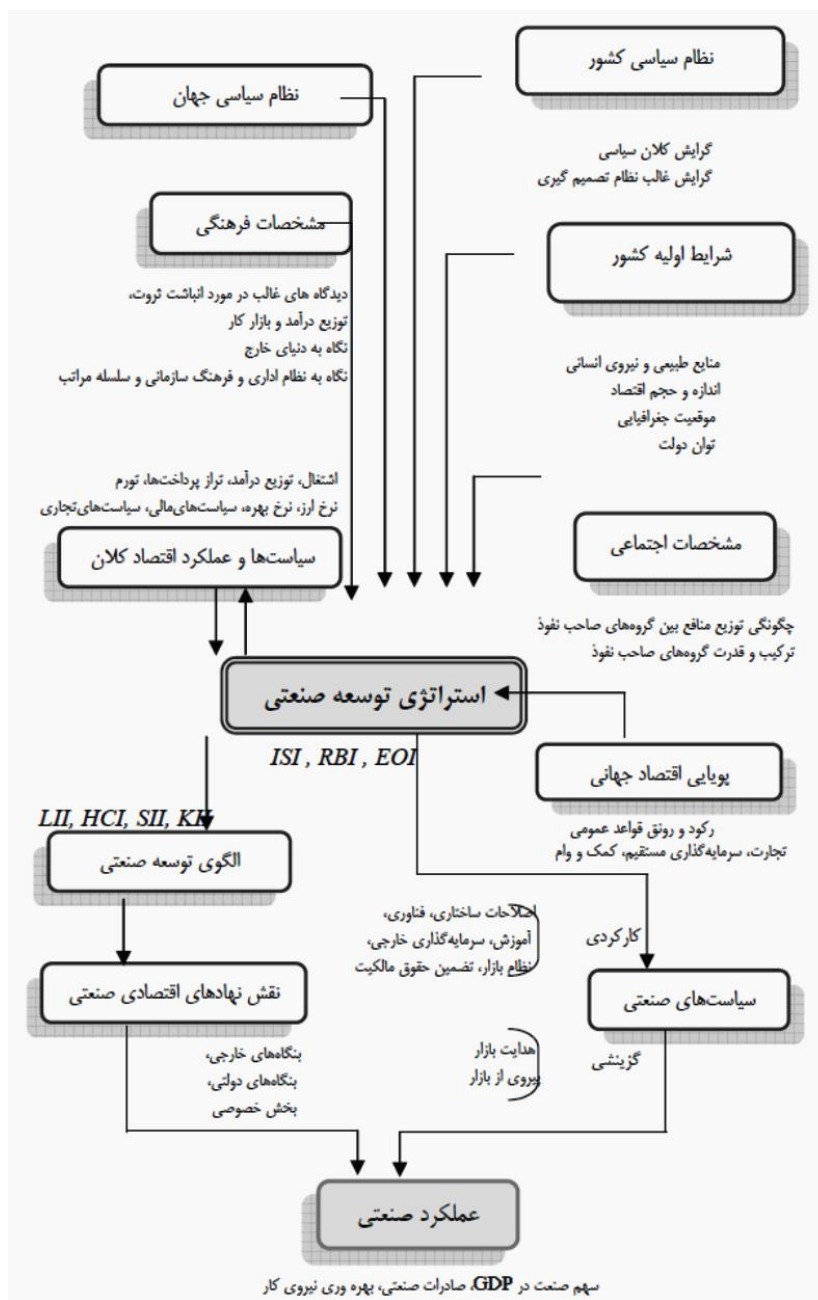
در تبیین عوامل مؤثر بر رشد تولید و توسعه صنعتی باید در نظر داشت که اگرچه ذات توسعه صنعتی اساساً یک تغییر اقتصادی محسوب می‌شود، اما همزمان فرایندها و عوامل غیراقتصادی مهمی نظیر مسائل سیاسی، فرهنگی، مذهبی و نژادی نیز در آن نقش ایفا می‌کنند که گاه برآیند پیوستگی و ارتباط آن‌ها طوری به نفع یا بر ضد سیاست‌های صنعتی شکل می‌گیرد که در عمل منجر به نتایج غیرقابل پیش‌بینی می‌شود. در اصل مواجهه سیاست‌های توسعه صنعتی با نیروهای مخالفی که با تبعات تغییرات صنعتی مقابله می‌کنند، مانند گروه‌هایی که قدرت و نفوذ خود را در جریان نوسازی صنعتی از دست می‌دهند، امر دشواری است. این در حالی است که عوامل متنوع دیگری مانند شرایط اولیه کشورها از نظر حجم و تنوع منابع طبیعی و یا اندازه بازار داخلی، روند اقتصاد جهانی و یا عضویت در ائتلاف‌ها و پیمان‌های ژئوپلیتیک منطقه‌ای و مانند آن، بر چگونگی شکل‌گیری استراتژی‌های صنعتی اثر می‌گذارند. در ادامه به برخی عوامل اشاره می‌شود.

### شرایط اولیه کشورها (جمع منابع طبیعی، موقعیت جغرافیایی و اندازه بازار)

مطالعات نشان می‌دهد اندازه بازار داخلی، حجم و تنوع منابع طبیعی کشورها، در نحوه انتخاب و تدوین استراتژی‌های صنعتی مؤثر بوده‌اند. به طور نمونه، وجود مزیت‌هایی همچون منابع طبیعی غنی و اندازه بزرگ بازار در آمریکای لاتین سبب شد تا از ابتدا، سیاست‌های جایگزینی واردات برگزیده شود و شرکت‌های بزرگ ایالات متحده نیز با توجه به منابع و بازار این منطقه، با سرمایه‌گذاری مستقیم خود، دولت‌ها را هرچه بیشتر به سمت اعمال سیاست‌های جایگزینی واردات سوق دادند. در مقابل، در شرق آسیا، با توجه به ناچیز بودن منابع طبیعی و کوچک بودن بازارها، اصولاً گزینه‌های متعدد و متنوعی در انتخاب استراتژی‌های توسعه صنعتی وجود نداشت و لذا به طور طبیعی و به عبارتی «ناگزیر» دولت‌های این منطقه به سوی سیاست‌های معطوف به گسترش صادرات گام برداشتند. به عبارت ساده‌تر، شرق آسیا با توجه به شرایط اولیه کشورها، راهی جز گسترش صادرات در پیش روی خود نداشته است. ضمن آنکه سهولت دسترسی جغرافیایی این منطقه به بازارهای جهانی از طریق مبادی دریایی، به همراه وجود تهدیدات نظامی خاص در منطقه شرق آسیا، از دیگر عوامل جغرافیایی سیاسی مؤثر در انتخاب رویکرد برونگرایی بوده‌اند. این‌ها در شرایطی بود که کشورهای شرق آسیا در ابتدای مسیر صنعتی شدن، از نیروی کار انبوه به‌عنوان یک منبع مهم اقتصادی بهره‌مند بودند. بازگشت ۶ میلیون تبعه ژاپنی از مستعمرات به کشور مادر پس از جنگ دوم جهانی، مهاجرت ۱,۵ میلیون چینی از سرزمین اصلی به تایوان در اواخر دهه ۵۰ میلادی و مهاجرت حدود ۲ میلیون نفر از کره شمالی به کره جنوبی پس از جنگ کره و سایر مهاجرت‌های گسترده از مالزی و اندونزی به سنگاپور،

وضعیت فوق‌العاده‌ای را در جذب نیروی کار و برگزیدن راهبرد متکی بر صنایع کاربر نصیب این منطقه کرد. در این بین باید به خاطر داشت که کشورهای صنعتی حوزه اسکاندیناوی ضمن برخورداری از منابع غنی نفتی، جنگلی و معدنی، هرگز به سمت سیاست‌های جایگزینی واردات منحرف نشده‌اند و به‌عنوان یک استثنا، روش‌های گسترش صادرات را برگزیده‌اند.

مشخصات فرهنگی، الگوبرداری و نوع نگاه به جهان خارج بر نحوه شکل‌گیری راهبردها و تلاش‌های توسعه صنعتی نقش اساسی داشته است. یکی از نکات کلیدی در تحلیل و مقایسه الگوهای آسیایی و لاتین، نحوه تقلید و پیروی این دو منطقه از دو الگوی توسعه مادر و البته متمایز، یعنی ژاپن و ایالات متحده، بوده است. کشورهای شرق آسیا با الگوبرداری از ژاپن با نگاهی استراتژیک و آینده‌نگر به رشد بلندمدت اقتصادی و در پناه حمایت‌های ناشی از پس‌اندازهای بالا، درصدد بودند تا با جهت‌گیری صادراتی، به تسخیر بازارهای بین‌المللی نائل شوند. ضمن آنکه در بعد فرهنگی نیز یک انسجام عمومی با تمایل فراوان به فراگیری در این جوامع وجود داشته است. در حالی که در منطقه آمریکای لاتین با پیروی از الگوهای آمریکایی، مسیر فرهنگی اقتصادی دیگری طی شد. به نحوی که سطوح بالای مصرف و در نتیجه پس‌انداز ناکافی موجب تأکید بر الگوی تولید در پاسخ به تقاضای بازار امن و بزرگ محلی می‌شد. در این نگرش، الگوی تولید و مصرف تحت تأثیر روش زندگی آمریکایی، تمایل بیشتری به سمت تقویت مطلوبیت گروه‌های شهرنشین داشت (Fajnzylber & Doe, 1990). از سوی دیگر، الگوبرداری نهادهای قانونی و حقوقی این دو منطقه از کشورها نیز بر توسعه اقتصادی آنان اثر گذاشته است. الگوبرداری منطقه آمریکای لاتین که مستعمره کشورهایمانند پرتغال و اسپانیا بودند در سنت‌های قانون‌گذاری و قوانین مدنی از اروپای مرکزی به‌طور کلی باعث شد تا حفاظت ضعیف‌تری در مورد سرمایه‌گذاران و مالکیت بخش خصوصی در این نظام‌ها منظور شود. در حالی که در مقابل، سابقه استعماری انگلستان در منطقه شرق آسیا سبب شد تا این کشورها با قوانین آنگلو ساکسون تطبیق پیدا کنند و در نتیجه ملاحظات قانونی از جنبه اقتصادی، به نحو قوی‌تر شکل بگیرد.



شکل ۱۳: عوامل مؤثر بر استراتژی توسعه صنعتی

### عوامل دینی و مذهبی

گفته می‌شود فرهنگ و ارزش‌های ادیان کنفوسیوسی در توسعه آسیا نقش مهمی داشته است. جدیت در کار، منزلت تحصیلات و ارزش دستیابی به دانش، اطاعت از نظام سلسله‌مراتبی به همراه وفاداری و همکاری گروهی در سازمان‌ها، مزیت‌های ویژه‌ای را ناشی از فرهنگ شرقی در توسعه اقتصادی، نصیب منطقه آسیا کرده است (Kalm, 1979: 122). در مقابل فرهنگ هیسپانیک یا کاتولیک در آمریکای لاتین به مرور زمان نوعی اشرافیت را ترویج داده بود که اموری مانند کار و تلاش تجاری را کسر شأن تلقی می‌کرد (Fishlow, 1989).

لذا فرهنگ حاکم بر طبقات عوام در نظام فئودالی آمریکای لاتین، با تصور ناعادلانه بودن توزیع ثروت، به تدریج دل‌بستگی ویژه‌ای را نسبت به روش‌های بازتوزیع درآمد و بازتوزیع منافع عمومی پدید آورده بود. مجدداً در شرق آسیا نظام سلسله‌مراتبی و نخبه‌گرایی کنفوسیوسی، برای بروکرات‌هایی که بر اساس شایسته‌سالاری در رأس تصمیم‌گیری‌ها قرار گرفته بودند، اعتماد عمومی را فراهم می‌آورد که موجب کاهش مقاومت‌های اجتماعی در تصمیمات و قانونگذاری‌ها می‌شود. در این رابطه تأکید بر وفاداری گروهی، تعهد افراد سازمان به نیازهای گروه و قابل پیش‌بینی بودن رفتار اشخاص بر اساس آموزه‌های بسیار دقیق فرهنگ کنفوسیوسی، وضعیت کم‌نظیری را برای سیاستگذاران آسیایی جهت هماهنگ‌سازی ایجاد کرده بود. در حالی که در بیشتر کشورهای رو به توسعه، ایجاد هماهنگی و هم‌راستاسازی بین نهادهای صنعتی و اقتصادی از مشکلات اساسی به شمار می‌آید. در مجموعه دیوانسالاری شرق آسیا، میزان موفقیت مدیران بر اساس ممارست آن‌ها در دستیابی به اهداف و دستاوردهای اقتصادی برای عموم جامعه، مورد سنجش قرار می‌گرفت و این مهم، سبب می‌شد تا افراد دریابند که تنها بر اساس تلاش فردی، امکان صعود به وجود می‌آید.

#### مشخصات سیاسی

یکی از عوامل سیاسی که در اغلب کشورهای شرق آسیا و در طول دوران توسعه به صورت مشترک اثرگذار بوده، تهدیدات مستمر از سوی نیروهای متمایل به اردوگاه کمونیستی و بلوک شرق بوده است. در این دوره نیروهای نظامی کره شمالی در طول مرزهای کره جنوبی صف‌آرایی کرده بودند، تایوان همواره تحت فشار نظامی و سیاسی همسایه پهناور خود؛ یعنی چین قرار داشته و تایلند از سوی کامبوج و ویتنام مورد تهدید بوده است. در مالزی و سنگاپور نیز علاوه بر این‌گونه تهدیدات خارجی، مسائل قومی قبیله‌ای نیز به صورت داخلی مشکل‌ساز بود. حتی در ژاپن پس از جنگ دوم جهانی نیز، جلب اعتماد عمومی و ارتقاء اعتماد به نفس جامعه، از لحاظ سیاسی و اجتماعی مانع بزرگی به حساب می‌آمد. در چنین فضایی از شرایط نابسامان سیاسی- اجتماعی داخلی و خطرات ژئوپلیتیک جهانی و نظامی در خارج، اعتقاد و اهتمام به ارتقاء رفاه اقتصادی آحاد جامعه به یکی از مهم‌ترین عوامل مشروعیت سیاسی و شرط ادامه حاکمیت دولت‌های آسیایی تبدیل شد. همچنین در آسیا سابقه تاریخی حیات دیوانسالاری قدرتمند، اسباب حفظ برنامه‌ریزان اقتصادی از فشارهای سیاسی را فراهم کرده بود. برای مثال، در هنگ‌کنگ دولت مستعمراتی از حمایت سیاسی مردم و بخش خصوصی بی‌نیاز بود، لذا در تدوین برنامه‌های اقتصادی خود نیز تحت فشار خواسته‌های سیاسی قرار نگرفت. در ژاپن استقلال کامل دیوانسالاری اقتصادی از بدنه سیاسی سبب شد تا مجالس قانونگذاری همواره بدون تردید و شائبه سیاسی، طرح‌های اقتصادی پیشنهادی را به تصویب برسانند. در ژاپن برای جداسازی دیوانسالاری

اداری از مسئولیت‌های اقتصادی، قبلاً نهاد مستقلی تشکیل شد که انتصابات را بر عهده گرفت تا از تغییر و تحولات فراگیر در مناصب اقتصادی که به واسطه تغییرات موسمی سیاسی رخ می‌داد، ممانعت کند. این روند مصون‌سازی در کره نیز در ابتدای راه توسعه به‌نوعی به‌واسطه اعمال خودکامه قدرت از سوی «ژنرال پارک چون‌هی»، تجربه شده است.

### جایگاه دولت

در بررسی‌های تطبیقی شرق آسیا و آمریکای لاتین، مشاهده می‌شود که همواره یک خواست و اراده سیاسی مستمر برای نیل به توسعه صنعت در تمامی دولت‌های موفق، صرف‌نظر از آنکه به‌واسطه کودتاهای نظامی (کره) و یا انتخابات دمکراتیک (تایوان) به قدرت رسیده باشند و یا به مدت طولانی در رأس قدرت باقی مانده باشند (تایوان و مکزیک) و یا به‌سرعت دچار تغییرات پی در پی شده باشند (برزیل)، وجود داشته است. در این دو منطقه، دولت با هر انگیزه و ایدئولوژی سیاسی و در تعقیب هر هدف استراتژیکی، همواره اهمیت بهبود اوضاع و ارتقاء توان اقتصادی را مدنظر داشته است. به‌علاوه حکومت‌های جایگزین و تازه به قدرت رسیده نیز هرگز دستاوردها و ناکامی‌های برنامه‌های اقتصادی دولت‌های گذشته را مورد بی‌توجهی قرار نداد، حتی اگر از منظر سیاسی با پیشینیان خود تفاوت داشتند. در کره نگرش به مسائل مدیریتی و اداره امور، به‌صورت سلسله‌مراتبی<sup>۱</sup> و دستوری استقرار یافته بود، در حالی که در تایوان به شکلی متفاوت و به‌صورت افقی و انگیزه‌ای<sup>۲</sup> مستقر بوده است. نظام تصمیم‌گیری در کره به‌شدت تمرکزگرا و در مقابل در تایوان غیرمتمرکز بوده است. در همان حال الگوی دخالت دولت در دو کشور تایوان و کره نیز تا حدودی متفاوت بوده، بدین صورت که در تایوان، رهبری دولت از طریق نهادها و بنگاه‌های دولتی، سازمان‌های تحقیقاتی - مطالعاتی عمومی و نهادهای خدماتی دولتی اعمال شده است. در حالی که در کره، دولت به‌وسیله فشار و تذکر به بنگاه‌های بزرگ خصوصی، سکان رهبری را به دست گرفته است. فشارهای مذکور نیز بیشتر از طریق مجموعه‌ای از کمک‌های مستقیم و غیرمستقیم دولتی اعمال شده است.

### اقتصاد سیاسی حاکم بر روابط دولت

عدم وابستگی ریشه‌ای و ارتباطات قبلی بین دولت‌های نوظهور پس از جنگ در کشورهای آسیایی با ذی‌نفوذان با سابقه و صاحبان قدرت محلی نیز عامل مهمی بوده است. مواردی مانند ظهور رهبر نظامی کره (Park- Chund Hee, 1961)، وجود نیروهای اپوزیسیون در تایوان ۱۹۴۷، رهبری لی کوان-یو<sup>۳</sup> در سنگاپور حتی بی‌توجهی حکام بریتانیایی در هنگ‌کنگ به حمایت‌های محلی، همگی سبب شد تا رؤسای جدید حکومت‌ها

1. Command-Oriented  
2. Incentive-Oriented  
3. Lee Kuan-yew

به‌عنوان «دولت‌های قوی»<sup>۱</sup> بتوانند فارغ از فشارها و دلبستگی‌های طبقاتی به اعمال سیاست‌های جدید اقتصادی خود بپردازند. در دوران گسترش صادرات در کره، اتحاد بین سران رژیم نظامی و رهبران صنایع جدید و پیشتاز سبب شد تا دولت کره بتواند به سهولت به اعمال سیاست‌های تحول بزرگ<sup>۲</sup> خود در صنایع سنگین و شیمیایی بپردازد. در حالی که ساختار متفاوت سیاسی دولت پارلمانی تایوان که تحت نفوذ تکنوکرات‌ها، سرمایه‌داران داخلی، سرمایه‌گذاران خارجی، کشاورزان و کارگران قرار داشت، موجب شد که تایوان در مسیر حرکت به‌ناچار روش گام به گام<sup>۳</sup> را برگزیند. در سوی مقابل، نقش گروه‌های اجتماعی و نیروهای مردمی در آمریکای لاتین به‌طور کلی پررنگ‌تر از شرق آسیا بوده است. بر همین اساس چنین استنباط می‌شود که برای مثال در تایوان یک دولت قوی در برابر نیروهای ضعیف اجتماعی قرار داشته، در حالی که برعکس دولت ضعیف آرژانتین با حرکت‌های اجتماعی قدرتمندی روبه‌رو بوده است (Federic. C. Deyo, 1990). حتی نقش سیاسی و اجتماعی ارتش در دو منطقه آسیا و آمریکای لاتین نیز متفاوت بوده است. در آمریکای لاتین ارتش در پاسخ به تهدیدات داخلی و در شرق آسیا در پاسخ به تهدیدات خارجی وظیفه خود را اعمال کرده و لذا حضور آن به‌عنوان یک مؤلفه انگیزه‌ای برای صنعتی شدن، آثار متفاوتی برجای گذاشته است.

#### ساختار سیاسی روابط بنگاه و دولت

وضعیت بنگاه‌های صنعتی در کشورها از نظر توزیع و نحوه مالکیت خصوصی، دولتی و یا فراملیتی، قدرت و یا ضعف اتحادیه‌های کارگری در کنار سایر روابط در شبکه‌های خانوادگی و اجتماعی و نوع جریان اطلاعات بین آحاد اقتصادی نیز هر یک بر روند توسعه صنعتی مؤثر بوده‌اند.

---

1. Strong State  
2. Big Push  
3. Gradualist

## ساز و کار سیاسی بین‌المللی

بررسی تاریخ اقتصادی جهان نشان می‌دهد که در شرایط تنش‌آمیز که تهدیدات نظامی بر روابط جهانی حاکم شده است، گرایش به زمینه‌های خودکفایی در صنایع استراتژیک و صنایع سنگین افزایش یافته و تأمین انرژی و همچنین برنامه‌ریزی‌های متمرکز اقتصادی، فرصت ظهور بیشتری یافته‌اند. در حالی که در شرایط صلح‌آمیز و در سایه ارتباطات بین‌المللی، دستیابی به سطوح بالای درآمد در مقیاس جهانی هدف قرار گرفته و استفاده از ابزاری چون مذاکره در جهت افزایش تعداد شرکای تجاری در شرایط رقابتی جهان مورد توجه قرار گرفته است. برای درک بهتر این موضوع، می‌توان تاریخ معاصر رشد را با توجه به شرایط ویژه جهانی در هر مقطع، به بخش‌های زیر تفکیک کرد:

سال‌های ۱۸۷۰ تا ۱۹۱۰ میلادی که در آن دوره، کل تولید محصولات صنعتی در اختیار کشورهای توسعه یافته قرار داشت و کشورهای عقب‌مانده تنها از طریق صادرات مواد اولیه در تجارت جهانی نقش بازی می‌کردند و این سبب شده بود تا رابطه مبادله به زیان کشورهای کمتر توسعه یافته شکل گیرد. در این دوران تلاش جدی برای صنعتی شدن در کشورهای عقب‌مانده مشاهده نمی‌شود.

سال‌های ۱۹۱۰ تا ۱۹۵۰ میلادی که در آن، جهان شاهد تحولات بزرگی مانند وقوع دو جنگ بزرگ جهانی بوده است. شرایط بین‌المللی به همراه درجه بالایی از تنش در روابط سیاسی بین‌الملل و وقوع رکود بزرگ اقتصادی در دهه ۳۰ میلادی در کشورهای صنعتی، همگی فضایی را ایجاد کرد که تحت آن افق اقتصاد بین‌المللی، به‌شدت تیره به نظر می‌رسید.

سال‌های ۱۹۵۰ تا ۱۹۷۰ دوره رونق اقتصادی پس از جنگ که با افزایش تقاضا در کشورهای صنعتی همراه بود، در این دوره جهان یک افق با ثبات اقتصادی را در پیش رو تصور می‌کرد.

سال‌های ۱۹۷۰ تا ۱۹۸۰ دوره‌ای که با ظهور پدیده رکود تورمی در کشورهای صنعتی به دنبال دو شوک بزرگ نفتی، روند رشد اقتصاد جهانی با کندی روبه‌رو شد و تنش‌های جهانی نیز در دوران جنگ سرد به اوج خود رسید.

سال‌های ۱۹۸۰ به بعد دوران جدید اقتصاد جهان و یا همان جهانی‌شدن.



### روند اقتصاد جهانی: رکود و رونق

به طور کلی تأثیر اوضاع اقتصاد جهانی بر روند و سرعت توسعه کشورها، با تمرکز بر چهار نوع از ارتباطات اقتصادی، بین‌المللی و فراملی<sup>۱</sup> مورد بررسی قرار می‌گیرد. ارتباطات اقتصادی مذکور شامل موارد زیر هستند:

۱- کمک‌های مستقیم خارجی.

۲- تجارت خارجی.

۳- سرمایه‌گذاری‌های مستقیم خارجی.

۴- در دسترس بودن و ارائه وام‌های خارجی.

درواقع در هر برهه، کشورهایی که در توسعه صنعتی خود با کمبود منابع روبه‌رو شده‌اند، توانسته‌اند از طریق ارتباطات مالی فوق، برای پروژه‌های توسعه‌ای خود تأمین اعتبار کنند؛ اما شرایط عمومی جهان در هر مقطع زمانی بر میزان در دسترس بودن و به عبارتی، سهولت دستیابی به این‌گونه منابع تأثیر داشته است. از این منظر، کشورهای شرق آسیا صادرات شتابانگیز صنعتی خود را در دوران خاصی از رونق شرایط اقتصادی جهان آغاز کردند. در دو دهه ۵۰ و ۶۰ میلادی رشد متوسط سالانه تولید صنعتی جهان ۵٫۶ درصد بوده و تجارت جهانی ۷٫۳ درصد رشد داشته است و کشورهای صنعتی نیز به‌عنوان بازار صادراتی منطقه آسیا از نرخ تورم پایین، نرخ اشتغال بالا و نظام مالی باثباتی بهره‌مند بوده‌اند. در حالی که با شروع دهه ۱۹۷۰ میلادی و وقوع شوک نفتی، نرخ رشد تجارت جهانی تا پایان دهه، به ۴٫۵ درصد کاهش یافت که این پدیده به اثر بازخوردی سبب شد تا آسیایی‌ها با توجه به شرایط رکودی، در سیاست‌های صادراتی خود تجدید نظر کرده و از طریق گسترش صنایع شیمیایی و سنگین در داخل، روند توسعه را پی گیرند. در حوزه آمریکای لاتین نیز شرایط اقتصاد جهانی بر گام‌های نخستین توسعه صنعتی تأثیر گذاشته است. وقوع رکود بزرگ مالی دهه ۳۰ میلادی در جهان صنعتی و به‌ویژه در ایالات متحده در همسایگی منطقه آمریکای لاتین و کاهش قیمت‌های جهانی مواد اولیه به علت کاهش تقاضا در کشورهای صنعتی سبب شد تا ادامه صادرات مواد اولیه از کشورهای آمریکای لاتین با مشکل روبه‌رو شود. در عین حال که رکود در تجارت بین‌المللی از طریق محدود شدن بازارهای صادراتی و کاهش درآمدهای ارزی باعث شد تا واردات کالاهای مصرفی ساخته شده به این کشورها نیز با محدودیت مواجه شود. به عبارتی، فضای جهانی در فاصله سال‌های ۱۹۱۳ تا ۱۹۵۰ میلادی انگیزه‌های جایگزینی واردات را به‌عنوان تنها راه صنعتی شدن در آمریکای لاتین به‌شدت تقویت کرد.

## راهبرد سیاست‌گذاری

جهش تولید وابسته به تحقق عوامل و مسائل مختلف با سرفصل‌های متعددی است که نقش دو موضوع مهم به‌عنوان سیاست‌گذاری و مسئله آمایش سرزمین را در آن نمی‌توان نادیده گرفت. مؤلفه‌های جهش تولید به‌عنوان مؤلفه‌های رسیدن به یک اقتصاد مستقل، مفید، مؤثر و راهگشا مطرح شده است. از جمله مجموعه‌های دانش‌بنیان نقش اساسی در جهش اقتصادی خواهند داشت و یکی از مؤلفه‌های اصلی حرکت از اقتصاد سنتی به اقتصاد صنعتی همین مجموعه‌ها هستند. تحقق این مهم نیازمند یک اقدام خارج از روال عادی، همکاری بین دستگاه‌ها است و باید تمام مجموعه‌ها دست به دست هم بدهند و مجموعه‌ای از مؤلفه‌هایی که می‌تواند باعث جهش اقتصادی شود به وجود بیاید و طبیعتاً همه دستگاه‌ها در این موضوع نقش دارند. مجلس نقش بسیار مهمی در تنقیح قوانینی دارد که منجر به جهش اقتصاد و تولید کشور می‌شود از جمله اینکه مجلس می‌تواند معوقات بانکی را به سمت تولید هدایت کند.

همچنین ارائه تسهیلات به شرکت‌ها و واحدهای تولیدی و نظارت بر این بخش از سوی مجلس می‌تواند اهمیت بسیار بالایی داشته باشد تا وضعیت تولید در کشور تغییر اساسی کند. ایجاد و توسعه واحدهای تولیدی کوچک و رفع موانع تولید و ایجاد بسترهای حمایتی از آن‌ها از سوی مجلس باید در اولویت بعدی قرار گیرد که می‌تواند ضمن افزایش اشتغال، تولید در کشور را ارتقاء دهد. حمایت از اقشار کم‌درآمد و دهک‌های پایین جامعه نیز باید در دستور کار مسئولان قرار گیرد. همچنین از آنجاکه بخش مهمی از معوقات بانکی در بخش تولید به کار گرفته نشده است باید با اعمال نظارت از سوی مجلس بر دولت این مشکل را مرتفع کرد. ضمن اینکه باید به اشتغال در بخش روستایی هم توجه ویژه‌ای کرد. هم‌افزایی بین قوانین و سیاست‌ها، می‌تواند با ارائه طرحی ویژه تلاش کند تا معوقات بانکی به سمت رونق محیط کسب‌وکار بازگردد تا اشتغال در این بخش نیز تغییر وضعیت اساسی کند و زیرساخت‌های تولید را تقویت کند. علاوه بر جهت خودکفایی و استقلال در این اقدام با تکیه بر تولید داخلی باید از واردات بی‌رویه و قاچاق جلوگیری شود و با افزایش تولید در داخل کشور، علاوه بر مصارف داخلی، زمینه صادرات را نیز فراهم کند.

اساساً مقوله تولید یک چشم‌انداز بلندمدت در هر اقتصادی محسوب می‌شود، بسترهای پیش روی تولیدکنندگان برای تحقق تولید باید در افق بلندمدتی مثبت باشند تا تولیدکننده در چنین فضایی مایل به تولید باشد، بنابراین در چنین شرایطی اهمیت مسئله سیاست‌گذاری صحیح و آماده‌سازی زیرساخت‌ها و آمایش سرزمین مقوله بسیار مهمی است. به‌طور مشخص فرایند سیاست‌گذاری عمومی در اقتصاد و آمایش سرمایه‌گذاری در ایران در حال حاضر از جامعیت و افق چشم‌انداز بلندمدت به معنی واقعی اقتصادی برخوردار

نیست، یا اینکه سیاست‌گذاری‌های دنبال شده به منبع رانت جویی و رانت‌زایی تبدیل می‌شود، رانت‌جویی و رانت‌زایی که عامل مهمی در تقابل با موضوع تولید و جهش تولید است.

#### راهبرد برنامه‌ریزی منطقه‌ای

با توجه به وسعت جغرافیایی و وجود تفاوت‌های کالبدی، طبیعی، جمعیتی و نهادی در مناطق مختلف کشور، یکی از راهبردهای مطرح در برنامه‌ریزی پیشرفت اقتصادی کشور، راهبرد برنامه‌ریزی منطقه‌ای است. برنامه‌ریزی با تکیه بر مزیت‌ها و توان‌های منطقه‌ای و آمایش صنعتی بر رشد اقتصادی و جهش تولید مؤثر است.

بررسی پیشینه برنامه‌ریزی توسعه در ایران این نکته را آشکار می‌سازد که برنامه‌های توسعه با اقتصاد و اجتماع به‌گونه‌ای متمرکز برخورد کرده‌اند. در برنامه‌های توسعه ملی نمی‌توان همه مناطق کشور را همگون فرض کرد و بر این اساس میزان سرمایه‌گذاری و به دنبال آن، میزان کم و کیف تولید و اشتغال را برای همگی یکسان انگاشت. ضرورت تخصیص بهینه فضایی منابع و امکانات تولید ایجاب می‌کند که در هر نگرشی به برنامه‌های کلان توسعه، پتانسیل و توانمندی‌های منطقه‌ای در تولید کالاها و خدمات مورد توجه قرار گیرد (Pirasteh & Karimi, 2006: 40-41). از این طریق می‌توان امید داشت که سهم بخش‌ها و کالاها نیز در تولید ملی روبه‌فرونی گذارد که با برنامه‌ریزی متناسب آمایشی می‌توان باعث توسعه بیش از پیش تولیدات و ظرفیت آن‌ها شد. به آن معنا که از نظر کمی لازم است «خصوصیات جمعیتی، نیروی کار، میزان منابع طبیعی، تولیدی و سرمایه‌ای و ویژگی‌های مصرف و بازارهای درون منطقه‌ای» شناسایی شوند و از نظر کیفی برنامه‌ها باید منطبق بر استعدادها و قابلیت‌های منطقه‌ای طراحی و اجرا شوند.

از این‌رو، سیاست‌های اقتصاد و ظرفیت‌سازی برای جهش تولید باید در تناسب با نیازهای محلی، قابلیت‌ها و ویژگی‌های منطقه‌ای اتخاذ شوند. در غیر این صورت، زمینه توزیع نامناسب جمعیت، امکانات، تسهیلات و فعالیت‌ها، نبود تعادل فضایی، تراکم فعالیت‌ها در یک منطقه، قطب‌بندی فضایی و گسترش نابرابری اجتماعی و اقتصادی را فراهم می‌آورند و به‌عنوان مانعی در مسیر توسعه کشور عمل می‌کنند.

#### راهبردها در حوزه آمایش صنعتی

ایران در تولید برخی کالاها و خدمات، ظرفیت یا مزیت نسبی یا راهبردی دارد. برخی فعالیت‌های صنعتی هم به دلایل و رویکردهای گوناگون برای کشور ضروری تشخیص داده می‌شود. برای تحقق این ضرورت‌ها و استفاده از مزیت‌های کشور، لازم است راهبرد توسعه صنعتی (تولید) در ایران تدوین و ابلاغ شود.

به این ترتیب، در برخی صنایع که کشور در آنها مزیت کمتری دارد (و طبعاً اشتغال و عمق فناوری کمتری هم دارند) با کاهش انواع حمایت‌ها (تعرفه‌ها، تسهیلات ترجیحی ...)، بنگاه‌های کوچک و فاقد توجیه، حذف شوند و در حوزه‌های واجد مزیت (اشتغال‌زا، فناوری قابل حصول جهانی، متناسب با اقلیم ایران و ...) یا واجد ضرورت (سکونت در مرزها، امنیت غذایی و ...) حمایت‌های مؤثر و زمان‌دار وضع شود. طبعاً حمایت‌های مالی و تسهیلات ارزان قیمت دولتی فقط بر اساس راهبرد توسعه صنعتی و به صورت «رانت‌های مولد و ارزش‌افزا» به شکلی شفاف، روشن و با ضریب اصابت حداکثری توزیع شود (مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۹: ۳۱). در ادامه به برخی از راهبردهای صنعتی مبتنی بر آمایش سرزمین اشاره می‌شود:

- توسعه صنایع بر مبنای مزیت‌های نسبی و طبیعی قابل تبدیل به مزیت‌های رقابتی مناطق و نقش محوری فعالیت‌ها و قابلیت‌های مناطق در چارچوب تقسیم کار ملی با تأکید بر تکمیل زنجیره ارزش.
- تقویت و توسعه نهادها و امکانات و الزامات تسهیل‌کننده تولید با توجه به قابلیت‌های مناطق مختلف.
- ایجاد زمینه‌های لازم برای حمایت از شکل‌گیری سرمایه‌گذاری‌های محلی، منطقه‌ای و ملی.
- ارتقای توانایی‌های مناطق و رشد قابلیت‌های کارآفرینی بخش غیردولتی در بخش صنعت، معدن و تجارت.
- توسعه صنایع با قابلیت صادرات محصول در نزدیکی کریدورها و مبادی ورودی و خروجی کشور مشروط به وجود توجیهات فنی و اقتصادی.
- توسعه و استقرار صنایع حتی‌الامکان در قالب شهرک‌ها و نواحی صنعتی دارای زیرساخت‌های لازم.
- توسعه تحقیقات زمین‌شناسی در پهنه‌های خشکی و آبی، برای شناسایی، توسعه و بهره‌برداری از قابلیت‌های معدنی کشور.
- ایمن‌سازی زیرساخت‌های صنعتی برای استمرار تولید و خدمات‌رسانی در مراکز صنعتی و تأسیسات مهم.
- توسعه فعالیت‌های صنعتی مرتبط با دریانوردی، شیلات، کشاورزی و صنایع معدنی در مناطق ساحلی و جزایر.
- رعایت ملاحظات دفاعی امنیتی و اصول پدافند غیرعامل در مکان‌یابی و طراحی شهرک‌ها و مراکز صنعتی پیش‌بینی و بهره‌برداری چندمنظوره از آنها هنگام بروز تهدید یا بحران.
- توسعه صنایع با قابلیت صادرات محصول در نزدیکی کریدورها و مبادی خروجی و ورودی کشور.
- انتخاب نسبی تکنولوژی‌های بالا در استقرار صنایع منتخب در مناطق مختلف کشور.

- ارتقای توان رقابتی از طریق ایجاد و توسعه خوشه‌ها و شبکه‌ها در بین واحدهای صنعتی و معدنی و تجاری در پهنه کشور (سند راهبردی وزارت صمت، ۱۳۹۵: ۹۰).

**جدول ۱۶: راهبردها و سیاست‌های اجرایی تولید مبتنی بر سیاست‌های آمایش سرزمین**

سیاست‌های اجرایی	راهبردها
آزادسازی و رقابتی شدن بیشتر بازار با اجرای الزامات متعارف در تجارت جهانی	توسعه رقابت‌پذیری
پشتیبانی از ارتقای توان رقابتی صنایع کوچک و متوسط از طریق توسعه خوشه‌ها و شبکه‌ها	
بهره‌برداری از توانمندی‌های منطقه برای توسعه بازار	
تلفیق فناوری پیشرفته و مزیت‌های نسبی و توسعه صنایع انرژی	جلب و توسعه سرمایه‌گذاری خارجی در بخش صنعت
پشتیبانی از تأمین مالی سرمایه‌گذاری در حوزه‌های اولویت‌دار	
ایجاد و توسعه زیرساخت‌های گسترش فناوری و صنایع پیشرفته	پشتیبانی از تولید و عرضه کالا و خدمات مبتنی بر فناوری با ارزش‌افزوده بالا
حمایت از فعالیتهای تحقیق و توسعه در بنگاه‌های اقتصادی، به‌ویژه بنگاه‌های صنعتی	
استفاده بهینه از ظرفیتهای مناطق آزاد تجاری صنعتی و ویژه اقتصادی به‌منظور گسترش تولیدات صادرات‌گرا و - خدمات تجاری	بهبود و توسعه روابط تجاری بین‌المللی و تسهیل تجارت در فضای رقابتی با اولویت صادرات غیرنفتی
پشتیبانی از تشکیل کنسرسیوم‌های صادراتی متناسب با بازار هدف برای بهینه‌سازی مقیاس و رقابت سازنده	
توسعه ترتیبات تعرفه ترجیحی با هدف گسترش پیوندهای منطقه‌ای	
بهره‌برداری از توانمندی‌های منطقه برای توسعه بازار	
مدیریت بازار کالا و خدمات از طریق روان‌سازی و نوین‌سازی شبکه‌های توزیع	
مدیریت واردات در جهت ارتقای توان رقابتی تولید داخلی	
مشارکت در بسترسازی مناسب برای ایجاد مناطق آزاد صنعتی و فرآوری صادرات	
پشتیبانی از ارتقای توان رقابتی صنایع کوچک و متوسط از طریق توسعه خوشه‌ها و شبکه‌ها	
ایجاد و توسعه زیرساخت‌های گسترش فناوری و صنایع پیشرفته تسهیل در ارتقای سطح فناوری، توسعه صنایع پیشرفته و خدمات مرتبط	
تأمین و توسعه زیرساخت‌ها و فعالیتهای در بخش صنعت، معدن و تجارت منطبق با آمایش سرزمین	
مشارکت در بسترسازی مناسب برای ایجاد مناطق آزاد صنعتی و فرآوری صادرات	پشتیبانی از سرمایه‌گذاری در ایجاد و توسعه زیرساخت‌های بخش
تأمین و توسعه زیرساخت‌ها و فعالیتهای در بخش صنعت، معدن و تجارت منطبق با آمایش سرزمین	
توسعه شهرک‌های صنعتی، لجستیکی و صنفی	
مشارکت در بسترسازی مناسب برای ایجاد مناطق آزاد صنعتی و فرآوری صادرات	تأمین و توزیع مناسب کالاها و خدمات و تسهیل و نوین‌سازی جریان کالا و خدمات
مشارکت و پیگیری اجرای طرح‌های توسعه زیرساخت‌های لجستیکی در محورهای اولویت‌دار	
پشتیبانی از تأمین مالی سرمایه‌گذاری در حوزه‌های اولویت‌دار	
پشتیبانی از ارتقای توان رقابتی صنایع کوچک و متوسط از طریق توسعه خوشه‌ها و شبکه‌ها	
توسعه شهرک‌های صنعتی، لجستیکی و صنفی	
حمایت از ایجاد و تقویت فروشگاه‌های بزرگ و زنجیره‌ای در کشور	مشارکت و پیگیری اجرای طرح‌های توسعه زیرساخت‌های لجستیکی در محورهای اولویت‌دار بخش
مدیریت بازار کالا و خدمات از طریق روان‌سازی و نوین‌سازی شبکه‌های توزیع	
مشارکت و پیگیری اجرای طرح‌های توسعه زیرساخت‌های لجستیکی در محورهای اولویت‌دار بخش	

مأخذ: سند راهبردی وزارت صمت، ۱۳۹۵؛ ر.ک: ضوابط ملی آمایش سرزمین مصوب ۱۳۹۴/۰۷/۱۱، برنامه راهبردی صنعت، معدن و تجارت، ۱۳۹۲

## الزامات تحقق راهبردهای جهش تولید

الزامات و پیش‌نیازهای «جهش تولید» شامل به حداکثر رساندن استفاده از ظرفیت‌های تولیدی و افزایش بهره‌وری و تکمیل زنجیره ارزش در بخش‌های نفت، گاز و پتروشیمی، معادن و صنایع معدنی، انرژی (آب، برق و تجدید پذیر و...)، مسکن و ساختمان، صنایع اولویت‌دار در استراتژی توسعه صنعتی کشور، کشاورزی و صنایع غذایی و تبدیلی با رویکرد امنیت غذا، گردشگری، فناوری اطلاعات و ارتباطات و کسب و کارهای نو، فناوری‌های جدید و شرکت‌های دانش‌بنیان است.

### ۱- تولید با کیفیت

با تکیه بر ظرفیت‌های داخلی و نیروی انسانی داخلی و حمایت از شرکت‌های دانش‌بنیان می‌توان به سمت تولیدی با کیفیت همراه با استانداردهای بین‌المللی رفته و در نهایت کالایی رقابت‌پذیر به جامعه و حتی بازارهای بین‌المللی عرضه کرد.

### ۲- رقابت در تولید

۳- به حداکثر رساندن استفاده از ظرفیت‌های تولیدی

۴- افزایش بهره‌وری و تکمیل زنجیره ارزش در حوزه‌های صمت

۵- ایجاد زیرساخت‌ها و الزامات لازم برای تولید

۶- تمرکز بر نیروی انسانی و ظرفیت‌های داخلی

۷- ایجاد مشوق‌هایی برای سرمایه‌گذاری در حوزه تولید

مجلس و دولت باید سرمایه‌گذاری در حوزه تولید را برای سرمایه‌گذاران مقرون به‌صرفه کنند و باید مشوق‌هایی برای سرمایه‌گذاری در این حوزه در نظر گرفته شود.

### ۸- بهبود فضای کسب و کار

در کنار شوک‌های رخ داده که حمایت از تولید را با چالش‌های بنیادین روبه‌رو کرده، وضعیت سیاست‌های تسهیل‌گر تولید در ایران نیز با انواع آشفتگی‌ها روبه‌رو بوده است؛ اما در این راستا سیاست‌های مختلفی مانند بهبود فضای کسب و کار در کانون توجه قرار گرفته است. تشکیل شورای گفت‌وگوی دولت و بخش خصوصی در قالب ماده ۷۵ برنامه پنجم توسعه و تعامل بهتر بخش خصوصی با دولت، نویدبخش کاهش مشکلات بخش خصوصی و اتخاذ سیاست‌های بهتر بود.

ساختار تولید (صنایع و کشاورزی) و شرایط صنعتی رایج در ناحیه، منطقه یا کشورها می‌تواند تفاوت‌ها در میزان بهره‌برداری از فرصت‌های کارآفرینانه و خلق شرکت‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. محیط جغرافیایی (زیرساختار و خوشه‌های صنعتی)، میزان ایجاد شرکت‌های جدید را تحت تأثیر قرار می‌دهد. فرصت‌های کارآفرینانه در یک حوزه جغرافیایی از طریق افرادی مورد بهره‌برداری قرار می‌گیرد که در شرکت‌های آن منطقه

آموزش دیده یا کار می‌کنند. فراهم بودن زیرساختار یک منطقه یا کشور، می‌تواند هزینه تولید و توزیع شرکت‌ها را کاهش دهد (جوادی، ۱۳۹۴: ۱۵). قوه مجریه باید تمهیداتی را برای روان‌سازی فضای کسب و کار و تولید اتخاذ کند و این روان‌سازی شامل ابعاد مختلفی مانند بحث مالیات‌های سنگین بر تولیدکننده است. سیستم مالیاتی به نفع تولید اصلاح شود، به مناطق محروم مشوق‌های مالیاتی تعلق گیرد، در صدور مجوزها برای سرمایه‌گذاری تجدید نظر اساسی شود. پنجره واحد به‌صورت الکترونیکی ایجاد شود تا لازم نباشد سرمایه‌گذاران چندین ماه برای صدور مجوز معطل شوند.

محیط مساعد کسب و کار به‌عنوان یکی از عوامل اصلی و مؤثر بر رشد اقتصادی و تولید کالا و خدمات به شمار می‌رود. ابعاد محیط کسب و کار در قالب محورهای مختلفی نظیر مقررات‌زدایی و کیفیت مقررات‌گذاری، افزایش رقابت‌پذیری، حقوق مالکیت، تضمین امنیت سرمایه‌گذاری، دولت الکترونیک و ایجاد پنجره واحد، مبارزه با فساد اداری و افزایش شفافیت، فرایند تصویب و تدوین و تنقیح قوانین اقتصادی و شاخص‌های سهولت کسب و کار بانک جهانی مورد بررسی قرار می‌گیرد.

مهم‌ترین اقدامات و فعالیت‌های انجام‌شده در حوزه بهبود محیط کسب‌وکار، برای تحقق اهداف برنامه ششم توسعه در سال ۱۳۹۷، در چارچوب شاخص‌ها و اهداف کمی هدف‌گذاری شده زیر آمده است:

جدول ۱۷: عملکرد برخی از شاخص‌های بخش بهبود محیط کسب‌وکار در سال‌های ۱۳۹۶ و ۱۳۹۷

ردیف	عنوان هدف کمی	واحد	۱۳۹۶		۱۳۹۷	
			عملکرد	هدف	عملکرد	درصد تحقق
۱	تدوین بسته ارتقای امنیت سرمایه‌گذاری	درصد	۲۰	۴۰	۱۰۰	۲۵۰
۲	جایگاه کشور در شاخص کسب‌وکار هر سال ده رتبه ارتقاء یافته و به کمتر از هفتاد در پایان اجرای قانون برنامه رسد.	رتبه	۱۲۴	۱۰۰	۱۲۸	-
۳	شاخص‌های بین‌المللی حقوق مالکیت در میان کشورهای منطقه سند چشم‌انداز به رتبه سوم ارتقاء یابد و هر سال بیست درصد از این هدف محقق شود.	رتبه	۱۱	۷	۱۲	-
۴	فراهم کردن زیرساخت‌های فنی و بسترهای لازم برای صدور مجوزها و خدمات به‌صورت الکترونیکی و در قالب پنجره واحد تا پایان سال دوم برنامه	درصد	-	۱۰۰	۱۰۰	۱۰۰
۵	شاخص رقابت‌پذیری بین‌المللی در میان کشورهای منطقه سند چشم‌انداز به رتبه سوم ارتقا یابد و هر سال بیست درصد از این هدف محقق شود.	رتبه	۱۳	۹	۱۵	-

مأخذ: گزارش بانک جهانی.

## ۹- ارتقای امنیت سرمایه گذاری

سرمایه گذاری و تولید بدون ایجاد امنیت لازم در همه ابعاد و حوزه‌ها، رونق نمی‌گیرد. امنیت سرمایه گذاری در شرایطی به طور کامل برقرار می‌شود که متغیرهای اقتصاد کلان (نرخ تورم، نرخ ارز و ...) باثبات یا قابل پیش بینی باشد، قوانین و مقررات، رویه‌ها و تصمیمات اجرایی باثبات برای همه شفاف و قابل درک باشد و به طور سهل و مؤثری اجرا شوند و در صورت ضرورت تغییر، تغییراتشان در زمان معقولی پیش از اجرا به اطلاع ذینفعان برسد، همچنین سلامت اداری برقرار باشد و اطلاعات مؤثر بر فعالیت‌های اقتصادی به طور شفاف و برابر در دسترس همه شهروندان باشد، جان و مال همه شهروندان از تعرض مصون باشد، حقوق مالکیت برای همه دقیق تعریف و تضمین شده باشد، نهادهای قضایی و انتظامی چنان مجهز و سالم و کارآمد باشند که هرگونه استفاده خودسرانه و بدون اجازه از دارایی‌های فیزیکی یا فکری دیگران، برای هیچ کس مقرون به صرفه نباشد و شهروندان مالباخته بتوانند با مراجعه به نهادهای قضایی و انتظامی با کمترین هزینه و در کوتاه‌ترین زمان، مال از دست رفته خود را به همراه خسارت مربوط، دریافت کنند و در آخر اینکه فرهنگ وفای به عهد و صداقت در مراکز اقتصادی رایج باشد (ن.ک: خسروی و همکاران، ۱۳۹۸).

برای بهبود امنیت سرمایه گذاری در کشور که طبعاً به رونق تولید می‌انجامد، تغییر رفتار مسئولان اجرایی با فعالان اقتصادی بسیار مؤثر خواهد بود. مهم‌ترین تکالیف قانونی که اجرای آن‌ها می‌تواند وضعیت امنیت سرمایه گذاری را بهبود بخشد، عبارتند از:

- ایجاد امنیت برای فروشندگان کم سرمایه: شهرداری‌ها موظفند به منظور بالا بردن امکان دسترسی تولیدکنندگان کوچک و متوسط ایرانی به بازار مصرف و ایجاد امنیت برای فروشندگان کم سرمایه با استفاده از زمین‌های متعلق به خود و یا وزارت راه و شهرسازی، مکان‌های مناسبی برای عرضه کالاهای تولید داخل آماده نمایند و بر مبنای قیمت تمام شده به صورت روزانه، هفتگی و ماهانه به متقاضیان عرضه کالاهای ایرانی اجازه دهند (ماده ۱۶ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار).

- اطمینان از استمرار خدمات زیربنایی: در زمان کمبود برق، گاز یا خدمات مخابرات، واحدهای تولیدی صنعتی و کشاورزی نباید در اولویت قطع برق یا گاز یا خدمات مخابرات قرار داشته باشند و شرکت‌های عرضه‌کننده برق، گاز و خدمات مخابرات موظفند هنگام عقد قرارداد با واحدهای تولیدی اعم از صنعتی، کشاورزی و خدماتی، وجه التزام قطع برق یا گاز یا خدمات مخابرات را در متن قرارداد پیش‌بینی کنند. هرگاه دولت به دلیل کمبودهای مقطعی به شرکت‌های عرضه‌کننده برق یا گاز یا مخابرات دستور دهد موقتاً جریان برق یا گاز یا خدمات مخابراتی واحدهای تولیدی متعلق به شرکت‌های خصوصی و تعاونی را قطع کنند، موظف است نحوه



جبران خسارت‌های وارده به این شرکت‌ها ناشی از تصمیم فوق را نیز تعیین و اعلام کند (ماده ۲۵ قانون بهبود مستمر محیط کسب و کار).

#### ۱۰- توسعه مشارکت عمومی - خصوصی و خصوصی‌سازی

استفاده از ظرفیت‌های بخش خصوصی و ضرورت واگذاری فعالیت‌های تصدی‌گری دولت یکی از راهبردهای اصلی کشور جهت اجرا و بهره‌برداری از پروژه‌های زیرساختی است. امروزه با توجه به تقاضای روزافزون برای ساخت و توسعه پروژه‌های زیرساختی از طرفی و افول درآمدهای نفتی از طرف دیگر، فرصتی است تا با اصلاح ساختار بودجه و درآمدهای دولت به سمت جذب سایر منابع معطل و سرگردان در کشور باشیم. از جمله اولویت‌های مهم در برنامه ششم توسعه که در بخش‌های مختلف سند بر آن تأکید شده است، مردمی کردن اقتصاد و گسترش سهم بخش خصوصی و تعاونی در اقتصاد، به‌منظور افزایش بهره‌وری و ارتقای سطح کیفی خدمات و مدیریت بهینه هزینه‌ها است.

خصوصی‌سازی در کشور از سال ۱۳۶۸ و در اجرای اولین برنامه پنج ساله توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران مطرح شد. از سال ۱۳۸۰ و با اجرایی شدن فصل سوم قانون برنامه سوم توسعه، خصوصی‌سازی به‌صورت جدی و سازماندهی شده بر اساس قوانین و مقررات مشخص و شفاف با محوریت تمرکز سازمان خصوصی‌سازی به‌عنوان سازمان اجرایی موردنظر در کشور موردتوجه جدی قرار گرفت (سازمان برنامه و بودجه، ۱۳۹۸: ۴۰).

#### تعیین قلمروهای اولویت‌دار جهش تولید در استان‌های کشور بر اساس مزیت‌های نسبی

در این فاز از مطالعات آمایشی با در نظر گرفتن ضوابط ملی آمایش، راهبردهای توسعه بخش صنعت، معدن و تجارت از منظر آمایش و اهداف مدنظر در سند برنامه راهبردی، به استقرار طرح‌های اولویت‌دار منطبق با مزیت‌های استانی با تأکید بر اولویت‌های سرمایه‌گذاری اعلامی وزارت صنعت، معدن و تجارت بر مبنای ویژگی‌های محصولات و مزیت‌های استانی، پرداخته شده است.

در متد و روش انجام کار برای تعیین طرح‌های اولویت‌دار در استان‌های کشور، با بررسی مزیت‌های نسبی و رقابتی، آمایش سرزمین استان‌ها و همچنین همفکری و برگزاری جلسات متعدد با کارشناسان خبره در این زمینه، از بین معیارهای متعدد جهت استقرار طرح‌های اولویت‌دار در استان‌های کشور، ۵ معیار اصلی به شرح زیر به‌عنوان مهم‌ترین معیارهای ارزیابی، انتخاب و مورد بررسی قرار گرفته است:

- ۱- سطح دسترسی به منابع (مواد اولیه، آب، برق، گاز و راه)؛
- ۲- سطح دسترسی به نیروی انسانی ماهر؛
- ۳- سطح دسترسی به تکنولوژی مورد نظر؛
- ۴- میزان قرار داشتن در زنجیره ارزش رشته فعالیت؛
- ۵- همجواری و نزدیکی استان به بازار مصرف (سند راهبری صمت، ۱۳۹۵).

جدول ۱۸: مزیت نسبی استان‌ها و جهت‌گیری فعالیت‌ها

ردیف	استان	اهم مزیت و قابلیت‌های منطقه‌ای	رویکرد و جهت‌گیری فعالیت‌ها
۱	آذربایجان شرقی	برخوردار از موقعیت ویژه جغرافیایی، مرز مشترک، منطقه آزاد تجاری صنعتی ارس، صنایع بالادستی پتروشیمی، معادن غنی مس و طلا، اولین- معدن تراورتن قرمز، شبکه‌های وسیع حمل‌ونقل جاده‌ای، راه‌آهن و فرودگاه بین‌المللی، توانمندی در بخش کشاورزی، یکی از قطب‌های تولید شیرینی و شکلات و فرش دستباف، صنایع بزرگ در زمینه ساخت ماشین‌آلات و تجهیزات و بازارچه مرزی مشترک.	ایجاد و توسعه در زمینه‌های صنایع پتروشیمی، شیشه و محصولات شیشه‌ای، خودروهای سنگین و تجاری، قطعات خودرو، سنگ‌های تزئینی، صنایع برق و الکترونیک، تجهیزات پزشکی و جراحی و وسایل ارتوپدی، صنایع غذایی، فلزات اساسی، استخراج کانی‌های فلزات غیرآهنی، ماشین‌آلات صنعتی، تولید پوشاک و منسوجات، مصنوعات چرمی و پایانه‌های صادراتی.
۲	آذربایجان غربی	برخوردار از قطب سیمان و صنایع غذایی و تبدیلی کشور، واحدهای صنعتی بزرگ، دانشگاه و مراکز علمی، سه زون از زون‌های مطالعاتی بخش معدن و زمین‌شناسی کشور، معادن غنی طلا و نقره، تیتان، آهن و کانی‌های صنعتی، تنوع سنگ‌های تزئینی در استان، موقعیت ویژه جغرافیایی، منطقه آزاد تجاری صنعتی و ویژه اقتصادی، قرار گرفتن در استراتژیک‌ترین نقطه ترانزیت کالا و عبور راه‌آهن ایران ترکیه.	ایجاد و توسعه در زمینه‌های فلزات اساسی، استخراج و استحصال عناصر موردنظر از نمک، اکتشافات و استخراج در محدوده‌های معدنی، تجهیزات پزشکی، صنایع غذایی، مبلمان و مصنوعات چوبی و صنایع پایین‌دستی پتروشیمی و پایانه‌های صادراتی.
۳	اردبیل	برخوردار از موقعیت ویژه جغرافیایی، تولید محصولات کشاورزی و دامپروری، فراوانی مواد اولیه از قبیل معادن کانی‌های فلزی و غیرفلزی، گمرکات و بازارچه‌های مشترک مرزی و ذخایر نفتی در منطقه مغان.	ایجاد و توسعه در زمینه‌های محصولات شیمیایی، کالاهای بتونی و سیمانی، مصالح ساختمانی، صنایع غذایی، کاغذ، دباغی و پرداخت چرم.
۴	اصفهان	برخوردار از مراکز علمی و پژوهشی کاربردی، مواد اولیه مورد نیاز صنعت نساجی، ظرفیت‌های بالقوه در تولید محصولات زراعی و باغی، قطب صنایع فولاد و ماشین‌سازی و نیروی انسانی متخصص در صنایع نوین و دانش‌بنیان.	توسعه در زمینه‌های شیشه و محصولات شیشه‌ای، تجهیزات پزشکی و داروهای بیوتکنولوژی، هوافضا، لیزر و اپتیک، میکروالکترونیک، ماشین‌سازی و تجهیزات صنعتی، ریخته‌گری، صنایع غذایی، منسوجات، قطعات خودرو، مصالح ساختمانی و لوازم خانگی.
۵	البرز	برخوردار از فناوری‌های نوین دارویی، دسترسی به راه‌های مواصلاتی ترانزیت کالا، صنایع غذایی و بسته‌بندی با توان و رتبه بالا در سطح کشور، نیروی انسانی متخصص و ماهر، نزدیکی و دسترسی به تهران به‌عنوان قطب اقتصادی کشور، مراکز آموزش عالی متعدد و فنی و حرفه‌ای، صنایع غذایی و دارویی، قطب تولید ماکارونی در کشور و بزرگ‌ترین تولیدکننده ماکارونی، فروکتوز، تنها تولیدکننده توربین‌های نیروگاهی کشور	ایجاد و توسعه در زمینه‌های خودروسازی، نیرومحركه و قطعه‌سازی، لوکوموتیو سازی، تجهیزات پزشکی، تابلو برق، موتورها و توربین‌ها، صنایع پیشرفته (فناوری اطلاعات و ارتباطات، میکروالکترونیک)، پوشاک، کاغذ، صنایع غذایی و دارویی.

ردیف	استان	اهم مزیت و قابلیت‌های منطقه‌ای	رویکرد و جهت‌گیری فعالیت‌ها
۶	ایلام	برخوردار از مرز مشترک با کشور عراق، دشت‌های وسیع کشاورزی، منابع آب، قطب دامداری و دارای اراضی جنگلی وسیع.	ایجاد و توسعه در زمینه‌های ساخت کالاهای بتونی و سیمانی، تایر و تیوب، کاغذ، صنایع غذایی، صنایع دارویی و صنایع پتروشیمی.
۷	بوشهر	برخوردار از ۰/۷۰ منابع گازی کشور، رتبه اول در تولید گوجه‌فرنگی خارج از فصل، وجود واحدها و طرح‌های پتروشیمی و سواحل خلیج فارس، معادن غنی دولومیت، شیلات و آبریز پروری، حمل‌ونقل دریایی، وجود نیروگاه اتمی.	ایجاد و توسعه در زمینه‌های صنایع دریایی، صنایع غذایی، صنایع دارویی، ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی، کاغذ، صنایع پتروشیمی و پایانه صادراتی.
۸	تهران	برخوردار از موقعیت پایتختی و یکی از قطب‌های اصلی اقتصاد کشور، نیروی انسانی متخصص و مراکز معتبر آموزشی و پژوهشی، بزرگ‌ترین بازار مصرف داخلی، استقرار یک پنجم واحدهای تولیدی فعال کشور.	ایجاد و توسعه در زمینه‌های صنایع پیشرفته (فناوری اطلاعات و ارتباطات، تجهیزات پزشکی، تجهیزات رباتیک، نانو، الکترونیک و میکروالکترونیک)، خودروسازی، پوشاک، مبلمان و مصنوعات چوبی.
۹	چهارمحال و بختیاری	برخوردار از شرایط اقلیمی مناسب کشاورزی، وجود شهرک تخصصی آب‌معدنی کشور و ذخایر غنی معدنی.	ایجاد و توسعه در زمینه‌های استخراج خاک نسوز، کانی‌های فلزی آهنی و غیر آهنی، منسوجات و صنایع غذایی.
۱۰	خراسان جنوبی	برخوردار از مرز مشترک، ذخایر و تنوع مواد معدنی مناسب، روزهای آفتابی تقریباً در تمام طول سال، تونل‌های باد دائمی در استان، اقلیم منحصربه‌فرد جهت کشت خصوصاً زعفران، عناب و زرشک.	ایجاد و توسعه در زمینه‌های ساخت فرآورده‌ها از کک، آهک، اکتشاف و استخراج و فرآوری کانی غیرفلزی و فلزات غیرآهنی، صنایع غذایی، فلزات اساسی و تایر و تیوب.
۱۱	خراسان رضوی	برخوردار از قطب تولید و بسته‌بندی محصولات غذایی و آشامیدنی با قابلیت صادراتی، تنوع زیاد محصولات صادراتی استان در بخش صنعت و کشاورزی، مرز مشترک و ارتباط ریلی، زمینی و هوایی با کشورهای همجوار، دسترسی به شبکه حمل‌ونقل ریلی و هوایی، یکی از قطب‌های فولاد کشور و قطعه‌سازی خودرو، معادن با تنوع و ذخایر مناسب، منطقه ویژه اقتصادی، دانشگاه‌های معتبر دولتی و خصوصی و زیارتی بودن شهرستان مشهد.	ایجاد و توسعه در زمینه‌های فرآورده‌های نفتی، صنعت خودروسازی، صنایع معدنی و اکتشاف و استخراج کانی‌های غیرفلزی، برق و الکترونیک، صنایع غذایی، ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی، پوشاک و منسوجات، مبلمان و مصنوعات چوبی، پایانه صادراتی، جواهرات و محصولات فرهنگی و مذهبی.
۱۲	خراسان شمالی	برخوردار از مرز مشترک با کشور ترکمنستان، صنایع تولید قطعات ریخته‌گری فولاد آلیاژی، معادن و ذخایر معدنی مناسب، توانمندی در زمینه تولید محصولات کشاورزی و دامی.	ایجاد و توسعه در زمینه‌های تولید فرآورده‌های نفتی، کودها، صنایع غذایی، فلزات اساسی و محصولات فلزی فابریکی.
۱۳	خوزستان	برخوردار از منابع عظیم نفت و گاز، موقعیت استراتژیک در سواحل خلیج فارس، راه آهن و بنادر تجاری، منابع غنی گیاهی و دامی، شرایط اقلیمی ویژه برای تولید محصولات کشاورزی، صنایع بزرگ و پیشران، معادن غنی و واحدهای بزرگ تولیدکننده شکر، منطقه آزاد اروند، منطقه ویژه پتروشیمی و بیش از ۳۴ شهرک و نواحی صنعتی.	ایجاد و توسعه در زمینه‌های ساخت مواد شیمیایی و پتروشیمیایی اساسی، صنایع قطعه‌سازی وابسته به نفت و گاز، مواد پلاستیکی، صنایع دریایی، صنایع غذایی، فلزات اساسی، موتورها و توربین‌ها، پمپ و کمپرسور، لوازم خانگی، پوشاک، کاغذ و پایانه صادراتی.
۱۴	زنجان	برخوردار از موقعیت جغرافیایی و وجود شبکه ریلی و جاده‌ای مناسب، ذخایر و منابع معدنی قابل توجه، ظرفیت‌های کشاورزی و دامی، مراکز آموزش عالی، فنی و حرفه‌ای و نیروی انسانی متخصص و ماهر.	ایجاد و توسعه در زمینه‌های ساخت فرستنده‌های تلویزیونی و رادیویی، نرم‌افزار، تجهیزات الکتریکی، استخراج کانی‌های فلزات غیر آهنی، پوشاک و منسوجات و کاغذ.
۱۵	سمنان	برخوردار از تنوع مواد معدنی با ذخایر بالا، استقرار در مسیر کریدور حمل‌ونقل بین‌المللی شرقی، غربی و یکی از محورهای شمال جنوب،	ایجاد و توسعه در زمینه‌های صنایع پتروشیمی، خودروسازی، سلول‌های خورشیدی، صنایع

ردیف	استان	اهم مزیت و قابلیت‌های منطقه‌ای	رویکرد و جهت‌گیری فعالیت‌ها
		شرایط اقلیمی مناسب برای تأمین نیاز واحدهای تولیدکننده انرژی‌های خورشیدی، محصولات کشاورزی، سطح بالای نیروی انسانی متخصص و ماهر و یکی از قطب‌های اصلی تولیدکننده قطعات خودرو.	غذایی، استخراج کانی‌های فلزات غیر آهنی و منسوجات.
۱۶	سیستان و بلوچستان	برخوردار از راه‌آهن زاهدان کرمان و زاهدان پاکستان، مرز طولانی آبی، مرز با دو کشور پرجمعیت همجوار، وجود گمرکات رسمی و بازارچه‌های مرزی فعال، وجود منطقه آزاد تجاری و ویژه اقتصادی، امکانات بندری مناسب، وجود تنوع معدنی با ذخایر بالا، محصولات خاص کشاورزی در استان اعم از خرما و موز، ذخایر غنی از آبزیان دریایی، دسترسی آسان به انرژی خورشید و باد در غالب فصول سال، مسیر ارتباطی (ترانزیتی) بندر چابهار با کشورهای آسیای میانه، وجود مراکز دانشگاهی و فنی و حرفه‌ای و نیروهای موجود جویای کار.	ساخت فرآورده‌های نفتی، صنایع دریایی، صنایع معدنی، صنایع غذایی، فلزات اساسی، محصولات فلزی فابریکی، انرژی‌های نو و تجدیدپذیر، صنایع پتروشیمی، سردخانه و پایانه صادراتی.
۱۷	فارس	برخوردار از قطب تولید محصولات کشاورزی و دامی، ذخایر سنگ‌های نما و تزئینی به‌ویژه ذخایر مرمریت و چینی، معادن متنوع بیا ذخایر بیلا، منابع غنی گازی در جنوب استان، دانشگاه‌های معتبر و نیروی متخصص و قطب الکترونیک.	ساخت صنایع شیمیایی، شیشه و محصولات شیشه‌ای، سیمان و آهک، فرستنده‌های تلویزیونی و رادیویی، برق و الکترونیک، تجهیزات پزشکی، ابزارهای اپتیکی، صنایع غذایی، ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی، پوشاک و استخراج کانی‌های فلزات آهنی.
۱۸	قزوین	برخوردار از نزدیکی به پایتخت، توانمندی‌های صنعتی، نیروی انسانی ماهر و متخصص، منابع طبیعی مناسب و کشاورزی قوی، تنوع تولیدات صنعتی و امکان توسعه صنایع نوین.	ایجاد و توسعه در زمینه‌های صنایع شوینده و بهداشتی، مواد شیمیایی اساسی، مواد پلاستیکی، شیشه و محصولات شیشه‌ای، نرم‌افزار، تجهیزات پزشکی، تجهیزات رباتیک، توربین بادی، صنایع غذایی و لوازم‌خانگی.
۱۹	قم	برخوردار از قرار گرفتن در مرکز ثقل ۳ استان بزرگ صنعتی تهران، اصفهان و مرکزی، امکانات مناسب حمل‌ونقل ریلی و جاده‌ای و نزدیکی به فرودگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، سهولت دسترسی به انرژی در این منطقه (عبور خطوط اصلی انتقال انرژی کشور (برق و گاز) از نزدیکی شهر قم، وجود منطقه ویژه اقتصادی، مطرح بودن استان به‌عنوان یکی از قطب‌های زیارتی کشور، استقرار در یکی از نزدیک‌ترین محل‌های خارج از محدودیت سرمایه‌گذاری تهران، صنعت چاپ و نشر کشور، مواد معدنی متنوع.	ایجاد و توسعه در زمینه‌های لوازم‌آرایی و عطریات، تجهیزات پزشکی، صنایع غذایی، کاغذ، استخراج کانی‌های فلزات غیر آهنی، منسوجات، چاپ و نشر، مبلمان و مصنوعات چوبی.
۲۰	کردستان	برخوردار از منابع آبی فراوان، مرز مشترک با کشور عراق، بازارچه فعال مرزی، نیروی انسانی جوان و متخصص در استان، معادن متنوع و ذخایر بالا و توانمندی‌های کشاورزی و دامی.	ایجاد و توسعه در زمینه‌های شیشه و محصولات شیشه‌ای، استخراج کانی‌های فلزی، کالاهای بتونی و سیمانی، صنایع غذایی، فلزات اساسی، تایر و تیوب، ماشین‌آلات کشاورزی، کاغذ، صنایع پایین‌دستی پتروشیمی و پایانه صادراتی.
۲۱	کرمان	برخوردار از وجود منابع غنی معدنی، وجود بزرگ‌ترین واحد فرآوری مس در کشور، تولید محصولات بالادستی فولاد، برخورداری از ۳ منطقه ویژه اقتصادی و ۴ فرودگاه، شرایط اقلیمی مناسب برای تولید انرژی‌های نو (خورشیدی)، قطب تولید خودرو در بخش خصوصی،	ایجاد و توسعه در زمینه‌های سیمان و آهک، صنایع برق و الکترونیک، صنعت خودرو و قطعه‌سازی، صنایع غذایی، فلزات اساسی، تایر

ردیف	استان	اهم مزیت و قابلیت‌های منطقه‌ای	رویکرد و جهت‌گیری فعالیت‌ها
		باغات بزرگ به‌ویژه در تولید پسته و خرما، بهره‌مندی از امکانات و زیرساخت‌های مناسب در زمینه حمل‌ونقل زمینی، هوایی و ریلی و گونه‌های متنوعی گیاهان دارویی، مراکز دانشگاهی متعدد و معتبر.	و تیوب، استخراج کانی‌های فلزی، صنایع معدنی و پایانه صادراتی.
۲۲	کرمانشاه	برخوردار از معادن قیر طبیعی، معادن سنگ تزئینی و منگنز، صنایع پتروشیمی، پایانه مرزی به‌عنوان بزرگ‌ترین بازارچه میرزی کشور بیا عراق، توانمندی بالای آب‌های سطحی و زیرزمینی، توانمندی‌های مناسب کشاورزی و دامی و نیروی کار فراوان.	ایجاد و توسعه در زمینه‌های فرآورده‌های نفتی، صنایع معدنی، صنایع غذایی، صنایع دارویی، تایر و تیوب، کاغذ و پایانه صادراتی.
۲۳	کهگیلویه و بویراحمد	برخوردار از منابع نفت و گاز، ظرفیت بالای میزان روان آب‌های سطحی و آب‌های زیرزمینی، جنگل‌های بلوط، گیاهان دارویی و منابع معدنی مناسب.	ایجاد و توسعه در زمینه‌های فرآورده‌های نفتی، مواد شیمیایی و پتروشیمیایی اساسی، استخراج کانی‌های غیرفلزی، صنایع غذایی، تولیدداروهای گیاهی و سردخانه.
۲۴	گلستان	برخوردار از تولیدات بالای کشاورزی و دامی، ذخایر آب غیرمعارف نظیر دریا و دسترسی مناسب به بازار و مواد اولیه معدنی کشور ترکمنستان و قزاقستان، نتایج مثبت حاصل از اکتشافات نفت و بال‌اخص گاز در منطقه، وجود شورابه‌های منحصربه‌فرد حاوی ید و سایر املاح ارزشمند.	ایجاد و توسعه در زمینه‌های صنایع دارویی، لوکوموتیو و تجهیزات ریلی، صنایع غذایی، فلزات اساسی، کاغذ، منسوجات، صنایع معدنی و مبادی وارداتی.
۲۵	گیلان	برخوردار از محصولات کشاورزی، منطقه آزاد تجاری صنعتی، مرز مشترک خاکی و آبی، شبکه‌های وسیع حمل‌ونقل جاده‌ای و ریلی و هوایی، زیرساخت‌های لجستیکی در بنادر استان، کریدور جنوب و شمال، نیروگاه‌های آبی، گازی، بادی و سیکل ترکیبی و شبکه‌های توزیع، منابع انسانی تحصیل کرده و جوان.	ایجاد و توسعه در زمینه صنایع دارویی، شناورهای تفریحی و ورزشی، پوشاک و منسوجات، کاغذ، ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی، توربین بادی، صنایع غذایی و مبادی وارداتی.
۲۶	لرستان	برخوردار از توانمندی‌های کشاورزی و دامی، ذخایر معدنی به‌ویژه سنگ‌های تزئینی، منابع غنی آب‌های سطحی، شبکه‌های ارتباطی و امکان استفاده بهینه از محور شمال به جنوب.	توسعه در زمینه‌های صنایع دارویی، آهن، سنگ‌بری، تجهیزات پزشکی، صنایع غذایی، صنایع معدنی و صنایع پایین‌دستی پتروشیمی.
۲۷	مازندران	برخوردار از معادن زغال‌سنگ، زیرساخت‌های مناسب در بخش حمل‌ونقل، دریای خزر و همجوار کشورهای حاشیه آن، رتبه اول کشوری در زمینه تولید مرکبات، گمرکات فعال و تولید بالای محصولات کشاورزی و دامی.	توسعه در زمینه‌های صنایع دارویی، انواع کود، شناورهای تفریحی و ورزشی، صنایع غذایی، استخراج زغال‌سنگ، قطعات خودرو، پوشاک و منسوجات، کاغذ و مرکز تخصصی واردات چوب.
۲۸	مرکزی	برخوردار از منابع و ذخایر معدنی، مراکز دانشگاهی صنعتی و علمی کاربردی، نیروی انسانی متخصص، قرار گرفتن در مسیر کریدور شمال به جنوب، توانمندی‌های مناسب در بخش صنعت و معدن و امکان توسعه صنایع پایین‌دستی پتروشیمی.	توسعه در زمینه‌های رنگ، محصولات شیمیایی، تجهیزات پزشکی، فلزات اساسی، ماشین‌آلات و تجهیزات صنعتی، ریسندگی و بافندگی، صنایع پایین‌دستی پتروشیمی و استخراج کانی‌های فلزی و غیرفلزی.
۲۹	هرمزگان	برخوردار از موقعیت استثنایی استان به دلیل هم‌جواری با خلیج فارس و دریای عمان، جزایر مهم و استراتژیک، شبکه‌های حمل‌ونقل دریایی، جاده‌ای و ریلی و هوایی، منابع غنی گیاهی و شیلاتی، ذخایر عظیم نفت و گاز، شرایط اقلیمی ویژه برای تولید محصولات کشاورزی در زمستان، جایگاه و قابلیت‌های ویژه استان در تولید خرما و محصولات گرمسیری و معادن متنوع دارای مراکز معتبر دانشگاهی.	ایجاد و توسعه در زمینه‌های فرآورده‌های نفتی، مواد شیمیایی اساسی، صنایع دریایی، تولید و فرآوری آبزیان، استخراج کانی‌های فلزی، فلزات اساسی و پایانه صادراتی.

ردیف	استان	اهم مزیت و قابلیت‌های منطقه‌ای	رویکرد و جهت‌گیری فعالیت‌ها
۳۰	همدان	برخوردار از زیرساخت‌های مواصلاتی و خطوط ریلی، محصولات کشاورزی و دامی، تنوع مواد معدنی، وجود صنعت سیمان، خط لوله اتیلن غرب کشور و شبکه انتقال گاز از جنوب به غرب کشور.	ایجاد و توسعه در زمینه‌های مواد شیمیایی اساسی، محصولات دارویی، شیشه و محصولات شیشه‌ای، گیرنده‌های تلویزیون و رادیو، تجهیزات اپتیکی، الکترونیک و سلول‌های خورشیدی، کاغذ، مبلمان و مصنوعات چوبی.
۳۱	یزد	برخوردار از معادن متنوع با ذخایر بالا، یکی از قطب‌های سنگ آهن، انرژی خورشیدی، نیروهای متخصص و کارآمد و مراکز معتبر دانشگاهی، تمایل بالای بخش خصوصی استان به سرمایه‌گذاری در بخش صنعت و قرار گرفتن در چهارراه شمال شرق جنوب غرب و شمال جنوب کشور	ایجاد و توسعه در زمینه‌های الیاف مصنوعی، کاشی و سرامیک، هواپیمای سبک، گیرنده‌های تلویزیونی و رادیو، تجهیزات پزشکی، فناوری اطلاعات و ارتباطات، الکترونیک، پوشاک و منسوجات.

مأخذ: برگرفته از مطالعات سند راهبردی صمت، ۱۳۹۵؛ ضوابط ملی آمایش (مصوبه جلسه ۱۳۹۴/۰۶/۲۳ شورای آمایش سرزمین)

### جدول ۱۹: اقدام محرک و پیشران رونق در امر تولید

ردیف	دستگاه ملی	عنوان پروژه / اقدام ملی
۱	معاونت توسعه روستایی و مناطق محروم کشور	- ارتقاء تولید و توسعه اشتغال در مناطق روستایی و مناطق محروم
۲	صندوق توسعه ملی	- طراحی مدل تخصیص بهینه منابع صندوق توسعه ملی - تخصیص منابع با اولویت تأمین مالی صنایع کوچک و متوسط با رویکرد به‌روزرسانی و نوسازی تجهیزات و ماشین‌آلات آنها
۳	سازمان برنامه بودجه کشور	- همسان‌سازی توزیع فرصت‌های عمومی در مقیاس مناطق برحسب گروه‌های درآمدی - طراحی مدل افزایش قابلیت جذب مازاد تولیدکننده در مناطق کمتر توسعه یافته و توسعه نیافته - استقرار کامل نظام اطلاعات پایه مکانی از مزیت‌های نسبی مناطق - پیاده‌سازی سامانه یکپارچه بودجه عمومی با تأکید بر بودجه‌ریزی مبتنی بر عملکرد - طراحی الگوی اعطای یارانه‌های تولیدی بین بنگاه‌ها و تدوین نظام اجرایی برای توزیع منابع در بخش صنعت، معدن، کشاورزی - برنامه اجرایی حمایت از سرمایه‌گذاری در مناطق دارای اولویت (به‌ویژه در مناطق کمتر توسعه یافته) با هدف افزایش حداقل ده درصدی حجم سرمایه‌گذاری بخش غیردولتی و یا حجم واگذاری طرح‌های عمرانی به بخش غیردولتی - طراحی مدل استفاده بهینه از ظرفیت‌های بلااستفاده اقتصاد
۴	وزارت علوم، تحقیقات و فناوری	- بازنگری و اصلاح نظام آموزش عالی در جهت کارآفرینی - طراحی و برنامه‌ریزی دانش‌بنیان برای رونق تولید
۵	وزارت کشاورزی	- برنامه اجرایی گسترش زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی بخش کشاورزی در خصوص تولید، نگهداری توسعه و تنظیم بازار محصولات کشاورزی و نهاده‌ها - برنامه اجرایی تسهیل برندسازی محصولات کشاورزی از طریق بخش خصوصی
۶	وزارت صمت	- مطالعه و تدوین گزارش راهبردهای تغییر جهت‌گیری اقتصاد مبتنی بر منابع به اقتصاد متکی به دانش و نوآوری - برنامه‌ریزی برای استقرار و حمایت از بنگاه‌های صنایع نوین و پیشرفته و شرکت دانش‌بنیان در با هدف افزایش سهم تولید محصولات
۷	وزارت خارجه	- برنامه اجرایی ایجاد تسهیلات تردد برای سرمایه‌گذاران خارجی و افراد مرتبط با آنها
۸	وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات	- برنامه اجرایی «ایجاد کریدور فناوری اطلاعات و ارتباطات با تمرکز بر ایجاد مناطق آزاد (ارتباطات و فناوری اطلاعات) جهت فعالیت شرکت‌های معتبر با مشارکت شرکت‌های داخلی و انتقال فناوری به کشور»
۹	وزارت اقتصاد و دارایی	- مولدسازی و مدیریت دارایی‌های دولت - طراحی سازوکارهای بهبود شاخص رقابت‌پذیری اقتصاد ایران - طراحی و تدوین الگو و بازتوزیع منابع حاصل از هدفمندی و نظام اجرای آن

مأخذ: مطالعات تحقیق

## جمع‌بندی

آنچه همواره به‌عنوان دغدغه اصلی سیاست‌گذاران و قانون‌گذاران کشور مطرح شده، حمایت از تولید ملی است. تقریباً این اجماع نیز شکل گرفته که با تقویت تولید رقابت‌پذیر و دانش‌بنیان، می‌توان شاخص‌های اقتصادی، به‌ویژه اشتغال و تولید را بهبود بخشید و اقتصاد کشور را در مقابل شوک‌های داخلی و خارجی مصون داشت. بررسی قوانین مربوط به حمایت از تولید، در ۶ قانون برنامه توسعه نشان می‌دهد که استراتژی کلی اقتصاد ایران اگرچه در ظاهر رویکرد حمایت از تولید را مدنظر داشته، اما در باطن به دلیل نگاه بخشی و بوروکراتیک، این موضوع پیگیری نشده است. برنامه‌ریزی آمایش سرزمین و جهش تولید و رابطه این دو در قوانین متعددی مورد توجه قرار گرفته است. از جمله این موارد می‌توان به «سند چشم‌انداز بیست ساله» «قانون برنامه چهارم توسعه»، «قانون برنامه پنجم توسعه»، «قانون برنامه ششم توسعه» اشاره کرد و در این ارتباط نکات زیر قابل طرح است:

- عدم تحقق تدوین برنامه‌های مبتنی بر آمایش سرزمین با سه دوره الزام قانونی در برنامه‌های توسعه کشور نشان‌دهنده این امر است که بسترهای قانونی مذکور اثربخشی کافی جهت تحقق این مهم را نداشته‌اند.

- ساختار چهارساله دولت‌ها در کشور موجب شده است که سازوکار اجرایی، الزامات قانونی مواد بیش از چهار سال را از اولویت خارج کند. به این ترتیب، مسئله آمایش نیز به علت ماهیت بلندمدت آن به حاشیه رفته است. همچنین عملکرد مجلس شورای اسلامی نیز به‌عنوان نهاد ناظر بر اجرای الزامات قانونی در این زمینه ضعیف بوده و به نظر می‌رسد عدم نظارت مؤثر در کنار کاستی‌های پیش‌گفته بر عدم تعهد نهاد متولی و پاسخگو نبودن آن اثرگذار باشد.

از میان ۱۱ برنامه توسعه تدوین شده در طی تمامی سال‌های گذشته، به اذعان غالب صاحب‌نظران و تحلیل‌گران برنامه ششم عمرانی (۱۳۶۱-۱۳۵۷) و برنامه چهارم توسعه (۱۳۸۴-۱۳۸۸) را از لحاظ ساختار و محتوا، غنی‌ترین و کامل‌ترین اسناد توسعه‌ای کشور به لحاظ قرارگیری این مطالعات بر مدار آمایش سرزمین دانسته‌اند. می‌توان گفت برنامه‌ریزی برای آمایش سرزمین و برنامه‌ریزی توسعه اقتصادی به یکدیگر وابسته‌اند. بی‌توجهی به نیازها و پتانسیل‌های مناطق و برنامه‌ریزی متناسب اقتصادی برای آن‌ها، آثار و پیامدهای سوء و جبران‌ناپذیری را در پی دارد که رفع آن‌ها به زمانی طولانی نیازمند است. تجارب برنامه‌ریزی و اجرای برنامه‌های توسعه در دوران سی سال قبل از انقلاب اسلامی نیز نشان داده است که علی‌رغم دستیابی جامعه به رشد تولید

در چند بخش و حتی افزایش چشمگیر درآمد سرانه طی دوران برنامه پنجم عمرانی کشور، پیشبرد اهداف توسعه همچنان با مشکلاتی مواجه بوده است که بخشی از آن را می‌توان ناشی از تنظیم برنامه‌های توسعه با نگرش اقتصادی و بدون توجه به بازتاب‌های اجتماعی و منطقه‌ای و سرزمینی آن دانست.

به دلیل تکیه بیش از حد اقتصاد ایران به درآمدهای حاصل از فروش نفت خام و محدود بودن میزان ذخایر نفتی، فرصت زیادی برای بازسازی ساختار رقابتی تولید وجود ندارد و لذا به منظور کاهش وابستگی اقتصاد ایران به صادرات نفت خام و رسیدن به استقلال ارزی و چرخش به سمت اقتصاد چند محصولی در صادرات، جهت‌گیری صادراتی باید به سود کالاهایی تغییر یابد که دارای مزیت نسبی است. توجه به صادرات غیرنفتی و انجام اقدامات مؤثر در جهت بهبود آن، نیازمند ایجاد محیط رقابتی برای پیشبرد این هدف است. راه برون‌رفت اقتصاد از مشکلات کنونی، توجه ویژه به اقتصاد تولیدی است و در این مسیر باید به مزیت‌های نسبی و ایجاد مزیت‌های رقابتی برای تولید توجه جدی کرد. از آنجاکه در اقتصاد ایران به مزیت‌های نسبی برای تولید توجه چندانی نشده، تولید داخلی به‌خوبی شکل نگرفته است.

درواقع بر اساس آمایش سرزمین، نحوه توزیع و پراکنش فعالیت‌های صنعتی و تولیدی در کل کشور باید بر اساس توانمندی‌ها و مزیت‌های مناطق و استان‌های کشور، ویژگی‌های محصولات و همچنین عوامل زیست‌محیطی باشد تا با در نظر گرفتن تمام عوامل فوق به جانمایی مناسب صنایع و فعالیت‌های تولیدی و صنعتی پرداخته شود و نهایتاً هر صنعت متناسب با ویژگی‌های محصولات خود در مناطق و استان‌های دارای مزیت استقرار یابد. از این‌رو برای پیوستگی و لزوم برنامه‌ریزی هدفمند، موضوع آمایش صنعتی، معدنی باید مورد توجه قرار گیرد. این آمایش به استقرار طرح‌های اولویت‌دار در استان‌های کشور منجر می‌شود.



## منابع

- اثنی‌عشری ابوالقاسم و محمدحسین احسان‌فر (۱۳۸۳). بررسی تحلیلی ساختار صنعتی و مزیت نسبی صنایع استان مازندران، پژوهش‌های اقتصادی، دوره ۴، شماره ۱۳، ۱۳۸-۱۲۹.
- ایمانی جاجرمی، حسین و حمیده دباغی (۱۳۹۴). مطالعه سیاست‌های اقتصادی ایران با رویکرد آمایش سرزمین، مطالعه موردی: برنامه‌های چهارم و پنجم توسعه کشور، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، دوره ۴، شماره ۳، ۵۲۷-۵۰۱.
- بانک مرکزی ایران، حساب‌های ملی ایران، ۵۶-۱۳۳۸، ۱۳۶۰؛ مرکز آمار ایران، ایران در آینه آمار، ۱۳۶۴.
- بختیاری، صادق (۱۳۸۱)، تحلیلی مقایسه‌ای از توسعه صنعتی استان‌های مختلف کشور، پژوهشنامه بازرگانی، سال ۶، شماره ۲۲، ۹۵-۷۸.
- بهشتی‌فر، سارا و همکاران (۱۳۸۹). استفاده از منطق فازی در محیط GIS به منظور مکان‌یابی نیروگاه‌های گازی، نشریه مهندسی عمران و نقشه‌برداری (دانشکده فنی)، دوره ۴۴، شماره ۴، ۵۹۵-۵۸۳.
- بهشتی، محمدباقر، پرویز محمدزاده و خلیل قاسملو (۱۳۹۷). تغییرات ساختاری و نابرابری درآمدی در استان‌های کشور ایران، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال ۸، شماره پیاپی ۳۰، ۶۷۳۵-۲۲۵۱.
- پورااحمد، احمد و ناهید فلاحیان (۱۳۸۴). بررسی روند شکل‌گیری محورهای صنعتی پیرامون تهران با تأکید بر محور کرج-قزوین، مجله پژوهش‌های جغرافیایی، سال ۳۷، شماره ۵۳، ۱۹۳-۱۷۳.
- پوراصغر سنگاچین، فرزاد (۱۳۸۷). مروری بر تحولات آمایش سرزمین در ایران (۱۳۷۷-۱۳۴۷). هفته‌نامه برنامه، سال هفتم، شماره ۲۸۸.
- پیرانی، طاهره و رزیتا مویدفر (۱۳۹۵). بررسی اثرات صرفه‌های ناشی از تجمع‌های صنعتی بر رشد اقتصادی در استان‌های ایران (۱۳۸۹-۱۳۷۹)، پژوهش‌های اقتصادی (رشد و توسعه پایدار)، سال شانزدهم، شماره ۱، ۱۸۹-۱۶۵.
- تقدیسی، احمد و احمد ججاریان (۱۳۹۳). توزیع فضایی شاخص‌های صنعتی در استان‌های کشور با استفاده از مدل آنتروپی، مجله علوم جغرافیایی، شماره ۲۱.
- توفیق، فیروز (۱۳۸۴). آمایش سرزمین، تجربه جهانی و انطباق آن با وضع ایران، مرکز مطالعات و تحقیقات شهرسازی و معماری، تهران.
- توفیق، فیروز (۱۳۸۵). برنامه‌ریزی در ایران و چشم‌انداز آینده، موسسه عالی آموزش و پژوهش و مدیریت و برنامه‌ریزی. ثمره هاشمی، خدیجه و حسین مهرابی بشرآبادی (۱۳۸۸)، محاسبه و بررسی شاخص ضریب مکانی بخش کشاورزی در استان. جبباری، حبیب، امیر ثانی و محسن ابراهیمی خوسفی (۱۳۹۶). تبیین الزامات تدوین سند ملی آمایش سرزمین از منظر توسعه کالبدی، نشریه علمی-پژوهشی برنامه‌ریزی و توسعه کالبدی، سال دوم، شماره ۲ (سری جدید)، پیاپی ۶، ۹۲-۷۵.
- جعفری صمیمی، احمد و سمیه سادات نقوی (۱۳۸۷). بررسی مزیت نسبی ارزش‌افزوده‌ای بخش‌های اقتصادی در منطقه خراسان بر اساس عملکرد برنامه سوم توسعه، دانش و توسعه، دوره ۱۵، شماره ۲۳، ۲۴-۱.
- جعفری صمیمی، احمد و شهریار شفیعی (۱۳۸۰). بررسی مزیت نسبی اشتغال‌زایی، صادراتی و ارزش‌افزوده‌ای صنعت نساجی در استان مازندران، پژوهش‌های اقتصادی، شماره ۳.
- جلیل پیران، حسین (۱۳۹۴). بررسی مزیت نسبی، رقابتی محصولات عمده کشاورزی در استان البرز، مجله اقتصادی، شماره‌های ۳ و ۴ خرداد، ۶۲-۴۱.
- جوانشیری، مهدی و حمید شایان (۱۳۹۶). تحلیل فضایی مزیت نسبی اشتغال در گروه‌های عمده شغلی استان‌های کشور طی سال‌های ۸۰، ۹۰ و ۹۵، برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال هفتم، شماره ۲۷، ۲۰-۱.

- جويا، ی. (۱۳۷۸). بررسی عملکرد برنامه اول و تأثیر برنامه دوم توسعه بر ساختار صنعت و مزیت‌های نسبی صنعتی در منطقه استان یزد، دانشگاه اصفهان پایان‌نامه.
- خسرو و شیکایی، میثم و همکاران (۱۳۹۸). چالش‌ها و راهکارهای رونق تولید در سال ۱۳۹۸-۱۱. برنامه‌های راهبردی و عملیاتی در حوزه‌های فرابخشی اقتصاد (ویرایش دوم)، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- خشایی، محمود و محمدرضا رضوی و محمدعلی جمالی (۱۳۷۹)، تمرکز جغرافیایی صنعت در کشور، مجله برنامه و بودجه، سال چهارم، شماره ۴۸، ۳۰-۳.
- خنیفر، حسین (۱۳۸۹). درآمدی بر مفهوم آمایش سرزمین و کاربرد آن، مجله آمایش سرزمین، سال دوم، شماره دوم.
- داداش پور، هاشم و آرمان فتح جلالی (۱۳۹۲). تحلیلی بر الگوهای تخصصی شدن منطقه‌ای و تمرکز فضایی صنایع در ایران، مجله برنامه‌ریزی منطقه‌ای، سال سوم، شماره ۱۱، ۱۸-۱.
- داداش پور، هاشم و فرانک احمدی (۱۳۸۹). رقابت‌پذیری منطقه‌ای به‌مثابه رویکردی نوین در توسعه منطقه‌ای، راهبرد یاس، شماره ۲۲.
- داداش پور، هاشم و مینا ساسانی (۱۳۹۷). نقش تمرکز جغرافیایی صنایع و تخصصی شدن منطقه‌ای در شکل‌دهی به ساختار فضایی ایران طی دوره زمانی ۱۳۹۰-۱۳۹۷، *جغرافیا و برنامه‌ریزی محیطی*، سال ۲۹، پیاپی ۶۹، شماره ۱، ۹۵-۱۱۲.
- درون‌پرور، داوود؛ علی صادقی و بهروز احمدی حدید (۱۳۹۰). بررسی تحلیلی ساختار صنعتی و رقابت‌پذیری صنایع ایران به تفکیک کدهای ISIC در دوره ۱۳۸۶-۱۳۸۴. پژوهشگر (مدیریت).
- ذاکری، زهرا و همکاران (۱۳۹۷). مجموعه مطالعات منطقه‌ای و آمایش سرزمین در ایران (۴)، واکاوی عملکرد دولت در ارتباط تهیه اسناد آمایش سرزمین، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- ذاکری، زهرا و همکاران (۱۳۹۷). مجموعه مطالعات منطقه‌ای و آمایش سرزمین در ایران (۱)، فراتحلیل نابرابری منطقه‌ای در ایران، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- رجب‌پور، حسین (۱۳۹۶). «الزامات حمایت مؤثر»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، دفتر مطالعات اقتصادی، شماره مسلسل ۱۵۵۴۶.
- رزاقی، ابراهیم (۱۳۸۶). آشنایی با اقتصاد ایران، تهران: نی.
- رضوانی، محمدرضا (۱۳۹۰). برنامه‌ریزی توسعه روستایی در ایران، تهران: قومس.
- رهبر، فرهاد و حسین میرشجاعیان حسینی (۱۳۸۸). ارزیابی استراتژی ملی و منطقه‌ای توسعه صنعت پتروشیمی، فصلنامه مطالعات اقتصاد انرژی، سال ششم، شماره ۲۱، ۶۵-۲۹.
- رومز، دیوید (۱۳۸۸). اقتصاد کلان پیشرفته (ویرایش دوم)، ترجمه: دکتر مهدی تقوی، تهران: دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات.
- زیاری، کرامت‌الله (۱۳۹۰). اصول و روش‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تهران: جهاد دانشگاهی دانشگاه تهران.
- سابقه برنامه‌ریزی در ایران (۱۳۷۷). معاونت امور اقتصادی و هماهنگی، دفتر اقتصاد کلان، تهران: سازمان برنامه و بودجه.
- سازمان برنامه و بودجه کشور (۱۳۹۵). سند راهبردی آمایش سرزمین در برنامه ششم توسعه، تهران.
- سازمان برنامه و بودجه، (۱۳۹۸)، خلاصه گزارش عملکرد قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران. تهران: سازمان برنامه و بودجه کشور.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۳). قانون برنامه چهارم توسعه، تهران.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور (۱۳۸۳). متن ضوابط ملی آمایش سرزمین.
- سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی، مرکز ملی آمایش، شرح خدمات مطالعات برنامه آمایش استان، شهریور ۱۳۸۵.
- ساسانی، مینا و هاشم داداش پور (۱۳۹۸). بررسی رابطه بین تخصصی شدن، تنوع، رقابت صنعتی و تمرکز فضایی صنایع در شهرستان‌های ایران، در دوره زمانی ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰، آمایش سرزمین، سال یازدهم، شماره اول، ۲۷-۱.

- سالیوان، آرتور (۱۳۸۶). مباحثی در اقتصاد شهری؛ ترجمه جعفر قادری و علی قادری، جلد اول، تهران: نور علم.
- سرور، رحیم (۱۳۸۶). آمایش سرزمین، پیش‌نیاز عدالت اجتماعی، *جغرافیای سرزمین*، سال چهارم، شماره ۱۴.
- سرور، رحیم (۱۳۸۷). برنامه‌ریزی کاربری اراضی در طرح‌های توسعه و عمران ناحیه‌ای، تهران: گنج هنر.
- سلامی، ح و ناصر شاهنوشی (۱۳۷۹). مقایسه بهره‌وری در بخش‌های صنعت و کشاورزی و عوامل مؤثر بر آن، مجموعه مقالات اولین کنفرانس اقتصاد کشاورزی ایران، دانشگاه سیستان و بلوچستان، ۳۰۷-۲۸۷.
- سلطانی‌فر، ناصر (۱۳۹۲). ارزیابی موانع فراوری طرح‌های آمایش سرزمین در ایران با رویکرد تلفیقی، فصلنامه برنامه‌ریزی و آمایش فضا، شماره ۳، ۸۴-۶۳.
- سلیمی‌فر، مصطفی (۱۳۸۱). مطالعه روند تغییرات سطوح توسعه صنعتی و توسعه منطقه‌ای در ایران طی دوره ۷۵-۱۳۵۵، *مجله تحقیقات اقتصادی*، شماره ۶۱، ۱۰۷-۷۷.
- سلیمی‌فر، مصطفی و زهرا شیرزور (۱۳۸۵). تحلیل تغییرات ساختاری صنایع استان‌های خراسان در دوره ۱۳۷۴-۱۳۸۲، دانش و توسعه، شماره ۱۹، ۶۲-۴۱.
- سیف‌الدینی، فرانک و موسی پناهنده‌خواه (۱۳۸۹). چالش‌ها و موانع برنامه‌ریزی توسعه منطقه‌ای در ایران، پژوهش‌های جغرافیای انسانی، شماره ۷۳.
- شکوری، علی (۱۳۹۱). سیاست‌های توسعه کشاورزی در ایران، تهران: سمت.
- صادقی شاهدانی، مهدی و محمد غفاری‌فرد (۱۳۸۸). بررسی مزیت‌های نسبی و تحلیل ساختاری تولید ناخالص داخلی در استان‌های کشور، *پژوهش‌ها و سیاست‌های اقتصادی*، سال هفدهم، شماره ۵۰، ۱۳۶-۱۱۱۵.
- صالحی، اسماعیل و فرزاد پوراصغر سنگاچین (۱۳۸۸). تحلیلی بر موانع فراوری آمایش سرزمین در ایران، *راهبرد*، شماره ۱۸ (۵۲)، ۱۴۹-۱۸.
- صباغ کرمانی، مجید (۱۳۸۰). اقتصاد منطقه‌ای، تهران: سمت.
- صرافی، مظفر (۱۳۷۹). مبنای برنامه‌ریزی و توسعه منطقه‌ای، تهران: سازمان برنامه‌ریزی و مدیریت کشور.
- طرح پژوهشی (۱۳۸۹). ارزیابی استراتژی‌های بخش کشاورزی در برنامه‌های پنج‌ساله اول تا چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۶۸-۱۳۸۸).
- عبدالملکی، حجت‌الله و مریم اولیایی ترشیز (۱۳۹۲). تحلیل تطبیقی مدل‌ها و عوامل مؤثر بر مزیت سنجی منطقه‌ای، *مجله اقتصاد و توسعه منطقه‌ای* سال بیستم، شماره ۶.
- عبدالملکی، حجت‌الله (۱۳۸۴). تحلیل کاربردی عوامل مؤثر بر جانمایی صنعتی و مکان‌یابی بهینه واحدهای تولیدی شرکت صنایع شیر ایران، پایان‌نامه کارشناسی ارشد پیوسته معارف اسلامی و اقتصاد، تهران: دانشگاه امام صادق (ع).
- عبدالملکی، حجت‌الله، نعمت‌الله اکبری و کیومرث آقایی (۱۳۸۸). تحلیل نظری و کاربردی نظریه‌های مزیت سنجی منطقه‌ای و مدل‌سازی مزیت‌سنجی بخش‌های تولیدی در مناطق کشور، *پژوهش‌های اقتصادی ایران*، سال سیزدهم، شماره ۳۸، ۲۱۶-۱۸۱.
- عبدالملکی، حجت‌الله (۱۳۸۸). تحلیل تأثیر سیاست‌های کلان اقتصادی بر رشد بخشی - منطقه‌ای در ایران، پایان‌نامه دکتری علوم اقتصادی، گرایش اقتصاد شهری و منطقه‌ای، دانشگاه اصفهان.
- عاجم‌اوغلو، دارون و جیمزای. رابینسون (۱۳۹۲). چرا کشورها شکست می‌خورند، ترجمه: پویا جبل‌عاملی و محمدرضا فرهادی‌پور، تهران: دنیای اقتصاد.
- عظیمی (آرانی)، حسین (۱۳۹۱). اقتصاد ایران: توسعه، برنامه‌ریزی، سیاست و فرهنگ، تهران: نی.
- عظیمی بلوریان، احمد، ارزیابی موانع فراوری طرح‌های آمایش سرزمین در برنامه‌ریزی توسعه-خاستگاه‌ها، مسیر تکاملی و تجربه ایران، تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا.

- عظیمی، میکائیل (۱۳۹۳). تمرکز منطقه‌ای و رشد کلان اقتصادی در ایران، (چرا تعادل منطقه‌ای برای رشد کلان اقتصادی ضروری است؟)، *اقتصاد و توسعه منطقه‌ای*، سال بیستم، دوره جدید، شماره ۷.
- عمادزاده، مصطفی و فروزان بکتاش (۱۳۸۴). «اثر آموزش بر ارزش افزوده بخش صنعت»، *دانش و توسعه*، شماره ۱۶.
- غفاری فرد، محمد (۱۳۹۷). «بررسی روند سیاست‌گذاری توسعه و توازن منطقه‌ای طی برنامه‌های توسعه در ایران و ارائه راهبردهای اساسی»، مرکز بررسی‌های استراتژیک ریاست جمهوری.
- غیاثوند، ابوالفضل و فاطمه صبوری (۱۳۹۰). رابطه حکمرانی و رشد اقتصادی در کشورهای دارای منابع معدنی، *فصلنامه علوم اقتصادی*، سال پنجم، شماره ۱۶.
- فقیه نصری، مرجان (۱۳۸۶). «رقابت، رقابت‌مندی و توسعه اقتصادی»، *جامعه و اقتصاد*، سال سوم، شماره سیزدهم و چهاردهم.
- قانون برنامه اول توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ۱۳۷۲-۱۳۶۸.
- قانون برنامه پنجم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ۱۳۹۴-۱۳۹۰.
- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۸۳)، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست جمهوری، تهران: سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور.
- قانون برنامه چهارم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ۱۳۸۸-۱۳۸۴.
- قانون برنامه دوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ۱۳۷۸-۱۳۷۴.
- قانون برنامه سوم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ۱۳۸۴-۱۳۷۹.
- قانون برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور ۱۴۰۰-۱۳۹۶.
- کارکن، محمد / حسن ورمزیار / فاطمه عزیزخانی (۱۳۹۱). *مجموعه مطالعات الگوی مطلوب برنامه‌ریزی در ایران (۵) گذر بر روند تدوین برنامه آمایش سرزمین*.
- کردبچه، محمد (۱۳۸۸). نگاهی به روند تدوین برنامه چهارم توسعه کشور، *هفته‌نامه برنامه*، شماره ۳۵۱، ۴-۵.
- کرمان، مجموعه مقالات دومین همایش معرفی فرصت‌های سرمایه‌گذاری استان کرمان.
- گزارش شاخص جهانی رقابت‌پذیری، مجمع جهانی اقتصاد، ۲۰۱۱ و ۲۰۱۰. ۲۰۱۶.
- لطیفی، غلامرضا (۱۳۸۸). *سیر تحول برنامه‌های آمایش سرزمین در برنامه‌های قبل و بعد از انقلاب*، *فصلنامه برنامه‌ریزی رفاه و توسعه اجتماعی*، شماره ۱، ۱۴۷-۱۱۱.
- مجاورین، مجتبی (۱۳۸۲). *برآورد شاخص بهره‌وری مالم کوئیست برای محصولات راهبردی طی دوره زمانی ۷۸-۱۳۶۹*، *اقتصاد کشاورزی و توسعه*، ۴۳ و ۴۴، ۱۶۲-۱۴۳.
- مجمع تشخیص مصلحت نظام (۱۳۸۴)، «چشم‌انداز بیست ساله جمهوری اسلامی ایران».
- محمدی آیدغمیش، فاطمه و مجتبی رفیعیان (۱۳۹۶). *ارزیابی مؤلفه‌های رقابت‌پذیری سرزمینی در استان‌های کشور با استفاده از مدل تلفیقی تحلیل عاملی و فرایند تحلیل شبکه‌ای F'ANP*، پژوهش‌های اقتصاد و توسعه منطقه‌ای، سال بیست و چهارم، شماره ۱۳.
- محمودی، سید محمد (۱۳۸۸). *تحلیلی بر سیر تحولات کلان آمایش سرزمین فرانسه در نیم‌قرن گذشته و ارائه پیشنهاداتی اجرایی جهت بهبود وضعیت آمایش سرزمین ایران*، *آمایش سرزمین*، شماره ۱، ۱۸۰-۱۴۱.
- مرکز آمار ایران (۱۳۶۴). *سالنامه آماری*، سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور.
- مرکز آمار ایران (۱۳۹۰). *سالنامه آماری*، سرشماری عمومی نفوس و مسکن کشور.
- مرکز آمار ایران، تازه‌های آمار، شماره ۵، مردادماه ۱۳۶۴.
- مرکز پژوهش‌های مجلس (۱۳۹۵). *بررسی «سند برنامه ششم توسعه اقتصادی اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران (۱۳۹۵-۱۳۹۹) حوزه آمایش، توسعه و توازن منطقه‌ای»*.

- مرکزالمیری، احمد (۱۳۹۶). «گزارش نظارتی درباره اجرای قوانین مربوط به محیط کسب‌وکار ۴. گزارش عملکرد قانون بهبود مستمر محیط کسب‌وکار»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۵۶۲۳.
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۸۹). سیاست‌گذاری اتحاد راهبردی در توسعه منطقه‌ای، سیاست، مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی، سال چهارم، شماره ۳، ۳۷۵-۳۵۷.
- معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور (۱۳۸۹). مجموعه برنامه پنج ساله پنجم توسعه جمهوری اسلامی ایران. معاونت پژوهش، تدوین و تنقیح قوانین و مقررات ریاست جمهوری (۱۳۸۳). متن قانون برنامه چهارم توسعه کشور.
- منصوری، سهیلا (۱۳۸۹). سیر تهیه و تصویب قانون برنامه پنج ساله پنجم توسعه، هفته‌نامه خبری-تحلیلی برنامه، شماره ۹ (۴۰۲)، معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهور.
- مهرآرا، محسن و علی رستمیان (۱۳۸۵). ایران، میزان ادغام در اقتصاد جهانی و مزیت‌های نسبی، تحقیقات اقتصادی، دوره ۴۱، شماره ۱.
- مهرگان، نادر و یونس تیموری (۱۳۹۱). ارزیابی تمرکز جغرافیایی استانی صنعت و عوامل مؤثر بر میزان آن در ایران، مجله جغرافیای و آمایش شهری، دوره ۲، شماره ۵، ۱۰۵-۱۰۲.
- مؤمنی، فرشاد و همکاران (۱۳۹۴). مجموعه مطالعات منطقه‌ای و آمایش سرزمین در ایران (۲) بررسی نظام برنامه‌ریزی استانی در ایران با تأکید بر ساختار شورای برنامه‌ریزی استان، کمیسیون برنامه و بودجه و محاسبات.
- مؤمنی، فرشاد، سارا، دشتبانی و علی‌اصغر بانویی (۱۳۹۶). (اهمیت بخش کشاورزی در حفظ تعادل اقتصادی - اجتماعی ساختار شهری و روستایی ایران)، فصلنامه اقتصاد فضا و توسعه روستایی، سال ششم، شماره ۴، پیاپی ۲۲.
- مؤمنی، مهدی (۱۳۷۷). اصول و روش‌های برنامه‌ریزی ناحیه‌ای، اصفهان: گویا.
- میراحسنی، منیرالسادات (۱۳۹۰). شاخص‌های رقابت‌پذیری ایران از منظر جهانی اقتصاد: دفتر تحقیقات و سیاست‌های پولی و بازرگانی، مجله اقتصادی، ماهنامه بررسی مسائل و سیاست‌های اقتصادی، شماره‌های ۵ و ۶، ۱۴۸-۱۲۵.
- میرجلیلی، سید حسین، سید عباس میردهقان؛ سعید دهقان خاوری و رضا ولی‌زاده (۱۳۸۸). رتبه‌بندی و تعیین مزیت نسبی فعالیت‌های صنعتی استان یزد با استفاده از روش تلفیقی تحلیل عاملی و تاکسونومی عددی، سیاست‌گذاری اقتصادی، دوره ۱، شماره ۲، ۱۵۸-۱۲۳.
- میرشجاعیان حسینی، حسین و فرهاد رهبر (۱۳۹۰). شناخت روابط علی میان مؤلفه‌های حکمرانی خوب در کشورهای در مخاطره نفرین منابع، سیاست‌های اقتصادی (نامه مفید)، سال هفدهم، شماره ۸۷، ۸۶-۶۷.
- نیلی، مسعود و همکاران (۱۳۸۲). استراتژی توسعه صنعتی کشور، تهران: دانشگاه صنعتی شریف.
- هادی زنوز، بهروز (۱۳۹۷). راهبردهای تجاری و توسعه صنعتی در ایران در دوره ۷۷-۱۳۵۸، پژوهش‌های اقتصادی، سال سوم، شماره ۶.
- هوشمند، محمود و لطفعلی آذری (۱۳۸۴). تحلیلی از ساختار صنعت و تعیین اولویت‌های توسعه صنعتی استان کرمان، دانش و توسعه، شماره ۱۴، ۱۴۲-۱۲۵.
- واژه‌نامه تخصصی آمایش استان، مرکز ملی آمایش سرزمین، سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، ۱۳۸۵.
- ورمزیاری، حجت و محسن بابایی (۱۳۹۸). چالش‌ها و راهکارهای رونق تولید در سال ۱۳۹۸-۱۱. حوزه توسعه روستایی و عشایری، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- وزارت صنایع و معادن ایران (۱۳۸۹). دفتر آمار و فرآوری اطلاعات.
- ویسی، هادی و خدیجه مهمان‌دوست (۱۳۹۲). تأثیر نظام سیاسی تک ساخت بر آرایش فضایی-مکانی و توسعه شهرهای ایران، ژئوپلیتیک، شماره ۹ (۲)، ۲۲۹-۲۰۴.

- Aiginger, K. and Davies, W. S. (2004): Industrial Specialization and Geographic Concentration: Two Sides of the Same Coin, *Journal of Applied Economics*, Vol. 7, No.2.
- Almeida, R. (2006). *Local Economic Structure and Growth*, World Bank Research Department. Working paper.
- Bakhtiari, S., Iravani, M. and Daneshvar Hoseini, N. (2002). Analysis of the industrial structure in Isfahan, *Journal of Business Researches*, 24, 109-136.
- Baldwin, R. and Martin, P. (2004). *Agglomeration and regional growth; Handbook of Regional and Urban Economics: Cities and Geography* edited by Vernon Henderson and Jacques-François Thisse.
- Baldwin, R.E. (1999). Agglomeration and endogenous capital; *European Economic Review*, 43: 253-280.
- Barufi, A., Haddad, E., Nijkamp. P. (2016). Industrial scope of agglomeration economies in Brazil, *Spatial Issue Paper*, 2(56), 707-755.
- Berman, O. & Drezner, Z. (2007). "The multiple server location problem", *Journal of the Operational Research Society*, Vol.58, pp. 91-99.
- Bognanno, Mario F. & Keane, Michael P. & Yang, Donghoon. (2005). "The Influence of Wages and Industrial Relations Environment on the Production Location Decisions of U.S. Multinational Corporations", *Industrial and Labor Relations Review*, Vol. 58, No. 2, pp. 171-200.
- Bose Ranadip. (2002). "A Model for Location Analysis of Industries". Urbana Champaign. University of Illinois. Houston.
- Bruno, M. (1972). Domestic Resource Costs & Effective Protection: Clarification & Synthesis, *Journal of Political Economy*, Vol. 80, 629-945.
- Buckley, P. J. et al. (1988). Measures of International Competitiveness: A Critical Survey, *Journal of Marketing Management*.
- Cantwell, J. (2009). "Location and the Multinational Enterprise", *Journal of International Business Studies*, Vol. 40, No.1, pp. 35-41.
- Competitiveness Advisory Group, (1995). *Enhancing European Competitiveness*, First report to the President of the Commission, the Prime Ministers and the Heads of State.
- De vor, F., De Groot, H. (2010). Agglomeration Externalities and Localized Employment Growth: The Performance of Industrial Sites in Amsterdam, *The Annals of Regional Science*, 44(3), 409-431.
- Falcioglu, P., Akgungor, S. (2008). Regional Specialization and Industrial Concentration Patterns in the Turkish Manufacturing Industry: An Assessment for the 1980–2000 Period. *European Planning Studies*, 16(2), 285-318.
- Falcioglu, P., Akgungor, S. (2008). Regional Specialization and Industrial Concentration Patterns in the Turkish Manufacturing Industry: An Assessment for the 1980–2000 Period. *European Planning Studies*, 16(2), 285-318. 27.
- Florida, R. (1995). "Toward the learning region". *Futures*, 27(5), 527-536.
- Friedman, J. (1972). "A general theory of polarized development", in Hansen, N.M. (ed). *Growth centers in regional economic development*. Macmillan Co. Ltd
- Goschin, Z., 2012. Regional Specialization and Geographic Concentration of Industries in Romania. *Explorations in Economic History*, 49(1), 255–275.
- Grossman, Gene, M. and Elhanan Helpman (1991). Trade, Innovation, and Growth, *American Economic Review*, 80, 86-91.
- Grossman, G. and E. Helpman (1991). *Innovation and Growth in the World Economy* (Cambridge MA: MIT Press).
- Hermansen, T. (1972). "Development poles and related theories: a synoptic review" in N.M. Hansen. (ed). *Growth centers in regional economic development*. New York.
- International Institute of Management Development (IMD), (2004). *World Competitiveness Yearbook*.
- Jacobs, J. (1969). *The Economy of Cities*. New York: Vintage.
- Krugman, P. (1994). "Competitiveness: A Dangerous Obsession". *Foreign Affairs*, 73(2), 28- 44.
- Krugman, P., (1991). "Increasing returns and economic geography", *Journal of Political Economy*, 99, 483–499.

- Krugman, Paul R. (1984). Import Protection as Export Promotion: International Competition in the Presence of Oligopoly and Economies of Scale, In Henryk Kierzkowski (ed.). *Monopolistic Competition and International Trade*, Oxford: Clarendon Press, 180-193.
- Lengyel, I. (2009). Bottom-up Regional Economic Development: Competition, Competitiveness and Clusters. In I. Lengyel, & Z. Bajmócy, *Regional Competitiveness, Innovation and Environment*. Szeged: JTAE Press.
- Lever, W. F. (2002). "Correlating the Knowledge-base of Cities with Economic Growth," *Urban Studies*, 39(5-6), pp. 859-870.
- Lucas, M. T. & Chhajed, D. (2004). "Applications of Location Analysis in Agriculture: A Survey", *The Journal of the Operational Research Society*, Vol. 55, No. 6 (Jun., 2004), pp. 561- 578.
- Martin, R.; Finglaton, B. and Garretsen, H. (2009). *Analysis of the Main Factors of Regional Growth: An in-depth study of the best and worst performing European regions*; Cambridge Econometrics.
- Martinek Jason P. and Orlando Michael J. (2002). "Do Primary Energy Resources Influence Industry Location?" *Economic Review*. Third Quarter.
- Matsuyama, K. (1992). Agricultural Productivity, Comparative Advantage and Economic Growth. *Journal of Economic Theory*, 58, 317-34.
- Mitra, S. and Sato, H. (2007). Agglomeration economies in japan: technical efficiency, growth and unemployment; *Review of urban and regional development studies*, 19: 197-209.
- Monsef, A., Moallemy, M., and Shahmohammadi, A. (2012). Industrial Structure and Comparative Advantage of Manufacturing Industries in YAZD Province between 2000- 2007, *International Journal of Research in IT & Management*, 2(2): 1082-1106.
- Mora, T. (2008). "Explaining Within-country Regional Inequality in the European Union". *Scienze Regional*. No7. pp.51-69.
- North Douglass C. (1955). "Location Theory and Regional Economic Growth". *The Journal of Political Economy*. Vol. 63. pp. 243- 258.
- OECD (1997). *Industrial Competitiveness*, OECD, Paris.
- Ohlin, Bertil (1993). *Interregional and International Trade*, Cambridge, MA: Harvard University Press.
- Perroux, f. 1950. economic space, theory and application. *quarterly journal of economics*. Vol 64. 89-104.
- Petrakos, G. (2009). "Regional growth and inequalities in the European Union". *Discussion Paper Series*. No15(2), 23-44.
- Porter, M. E. (1998). *Clusters and the new economics of competition*, 76(6), 77-90. Boston: Harvard Business Review.
- Porter, M. E. (2000). *Locations, Clusters, and Company Strategy*. In G. L. Clark, M. P.
- Porter, M. E. (1998). *On competition*, Harvard Business School.
- Porter, Micheal E. (1998). *The Competitiveness Advantage of Nation*, Harvard University.
- Romer, P. (1990). "Endogenous Technological Change". *Political Economy*, 98(5), 71-102.
- Sachs, J. and Warner, A. (1995). *Natural Resource Abundance and Economic Growth*, NBER Working Paper, No. 5389.
- Scott, B. R. (1985). national strategies: key to International Competition. In B. R. Scott and G. C. Lodge (eds.), *U. S. competitiveness in the world Economy*, Harvard Business School Press, Boston.
- Stokey, N. (1991). Human Capital, Product Quality, and Growth, *Quarterly Journal of Economics*, 106, 587-616.
- Wallace, W. (1994). *Regional Integration*, Washington: The Brookings Intitution.
- Wolf Nikolaus. (2002). "Endowment, Market Potential and Industry Location: Evidence from Interwar Poland (1918-1939)," Humboldt-University Berlin (Germany). First Draft.
- World Bank (1997). *World Development Indicators 1997 CD-ROM*. Washington, D.C.: International Bank for Reconstruction and Development.
- World Bank (1997). *World Development Indicators 1997 CD-ROM*. Washington, D.C.: International Bank for Reconstruction and Development.
- World Economic Forum (1996). *Global Competitiveness of Growth in GDP per capita*, Report.

- Yang Jiaqin and Lee huei. (1997). "An AHP Decision Model for Facility Location selection". Facilities. Vol.15. pp. 241-254.
- Young, Alwyn (1991). Learning by Doing and Dynamic Effects of International Trade, Quarterly Journal of Economics, 106, 396-405.



## بررسی اثربخشی قوانین و مقررات در هم‌افزایی از تولید تا صادرات محصولات کشاورزی به کشورهای هدف (با محوریت بخش خصوصی)

پرویز کرباسی؛ صاحب‌نظر حوزه برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی  
اسماعیل نگارش، صاحب‌نظر حوزه برنامه‌ریزی توسعه کشاورزی  
عبدالغفار شجاع، مشاور رئیس سازمان برنامه و بودجه کشور



### مقدمه

با توجه به افزایش جمعیت روزافزون و ضرورت تأمین مواد غذایی برای حفظ امنیت ملی کشور و تأثیر معضلات اساسی، تغییر اقلیم و آثار مترتب آن بر خشکی و خشکسالی و برداشت بی‌رویه از آب‌های زیرزمینی و افزایش ارزش آب در تولید محصولات کشاورزی و آثار زیان‌بار اقتصادی در فرآورده‌های کشاورزی و نقش ارزنده هم‌افزایی و وحدت رویه بخش خصوصی و دولت در ساماندهی اصول فنی و استاندارد محصولات کشاورزی در افزایش بهره‌وری ضروری بوده تا عقب‌ماندگی در این اصول اساسی متناسب با مدیریت دانش و کیفیت، شاهد افزایش ارزش افزوده محصولات کشاورزی و فرآورده‌های آن و تحول علمی، عملی، مهارتی و افزایش اشتغال در کلیه ستوه اجرایی (از مزرعه تا سفره و بازار هدف) باشیم و ما در جمع تولیدکنندگان، توزیع‌کنندگان و صادرکنندگان که بیش از ۹۰ درصد اقتصاد کشاورزی را در دست دارند به این باور رسیدیم که تولید و صادرات علمی با رعایت قوانین و مقررات بین‌المللی نقش بسیار ارزنده‌ای در ساختار اجرایی بخش کشاورزی کشور خواهد داشت. برای تحقق اهداف فوق حمایت مقامات و مسئولین در تولید و صادرات کالاهای غیرنفتی

(کشاورزی) که در فعالیتهای اقتصادی اهمیت ویژه‌ای داشته و اثر آن بر اقتصاد و رشد نسبی انکارناپذیر است، مورد عنایت قرار گیرد. لذا تکیه بر توسعه و گسترش تولید و صادرات محصولات بخش کشاورزی می‌تواند زمینه مناسبی را برای حضور ایران در بازارهای جهانی فراهم آورد و صادرات کشاورزی و فرآورده آن به شرایط کمی و کیفی تولید داخل و بازاریابی منطقه‌ای و بین‌المللی و رفع کامل موانع و دسترسی از مرحله تولید تا صادرات، وابسته است.

لذا صادرات موفق سه الزام اساسی وابسته است: ۱- تولید رقابتی؛ ۲- شناسایی بازارها؛ و ۳- انتقال بهنگام و کیفی محصولات.

با وجود این، شرایط این الزامات در سال‌های گذشته به‌درستی فراهم نشده است و موانع و مشکلات متعددی در این امر دخیل بوده که شناسایی و رفع آن‌ها برای تحقق توسعه صادرات کشاورزی ضروری می‌نماید. به همین منظور سازمان برنامه و بودجه در اجرای بندهای سوم و ششم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و به‌منظور متنوع‌سازی ابزارهای حمایت از بخش کشاورزی، تأمین و تجهیز منابع، توسعه و امنیت سرمایه‌گذاری، افزایش صادرات محصولات کشاورزی و ارزش‌افزایی و تکمیل زنجیره ارزش محصولات کشاورزی مترصد پیگیری آن شد.

کارگروه بررسی عوامل بازدارندگی را با حضور متخصصان، تولیدکنندگان، صادرکنندگان بخش خصوصی و سازمان‌های ذی‌ربط طی دو سال کار مستمر، جایگاه تولید و صادرات کشاورزی در اقتصاد ملی به تفکیک کالا بررسی و اقدام به تشخیص ضعف‌ها، قوت‌ها، تهدیدها و فرصت‌ها گردید و راهکاری عملی جهت رفع موانع و توسعه صادرات کشاورزی حاصل گردید که در ادامه به آنها پرداخته خواهد شد.

## ۱- بیان مسئله

با توجه به گزارش‌ها و نارسائی‌های مطرح شده توسط دستگاه‌های اجرایی و بخش خصوصی اولین جلسه با حضور ۳۵ نفر از بخش‌های خصوصی و دستگاه‌های دولتی در تاریخ ۹۶/۶/۲۶ تشکیل شد و در پایان از طرف مدیران و شرکت‌کننده، گروه‌هایی از (تولیدکنندگان، پشتیبانی‌کنندگان، صادرکنندگان، مدیران عامل پایانه‌ها و گل و گیاه...) انتخاب شدند و در جلسات مستمر شاخص‌ها و اهداف را تعریف و محصولات تولیدی و صادراتی را مورد ارزیابی قرار دادند. اهم مسائل عدم توفیق کشور بهره‌برداری از بازار بزرگ صادرات محصولات کشاورزی به شرح زیر شناسایی شدند:

- ضعف در سیاست‌های تجاری کشور؛
- هزینه‌های اقتصادی و مالی (مشکلات در ارتباطات بانکی که به درجاتی پابرجاست و تحولات ارزی ایران)؛
- لجستیک و نبود نهادها و ساختارهای متشکل و نظام‌مند تجاری؛
- عدم عضویت در پیمان‌ها و ترتیبات تجاری منطقه‌ای و جهانی، هزینه ورود به بازار سایر کشورها را برای کالای ایرانی افزایش داده است؛
- ابلاغ روزانه بخشنامه‌ها عامل بازدارندگی صادرکنندگان ایرانی و عدم تعهد پایدار در صادرات است؛
- نیاز بازارهای صادراتی کشورهای هدف به تعهد تأمین محصولات در بلندمدت؛
- «خرده مالکی»، زیرا تلویحاً ما بزرگ مالکی را به رسمیت نشناخته‌ایم و تولیدکنندگان و هلدینگ‌های بزرگ نداریم که در هر شرایطی بتوانند نیاز بازار را تأمین کنند؛ لذا بقای خود را در عرضه محصولات در داخل حفظ می‌کنند؛
- نامناسب بودن کیفیت تولید برای صادرات و هزینه بالای تولید؛
- نیاز به برنامه‌ریزی تولید باید بر اساس استاندارد جهانی و متناسب با درخواست کشور مقصد؛
- لزوم صدور کد شناسایی برای تولیدات و تولیدکنندگان (زراعت، باغبانی، گل و گیاه...)
- ضرورت ایجاد پشتیبانی و فرایندی قوی از تولید تا پایانه صادراتی برای دادن سرویس به تولیدکننده و زنجیره تولید و حمایت گروه پشتیبان (سازمان حفظ نباتات، استاندارد، گمرک...) از پایانه‌ها؛
- ضایع شدن ۲۰-۳۰ درصد از محصولات کشاورزی به دلیل مشکلات کمبود آب در حالی که بر اساس ارزیابی‌های انجام شده کشور ایران پتانسیل تولید برای صادرات محصولات کشاورزی را داشته و ۹۰ درصد تولیدات توسط بخش خصوصی انجام می‌شود؛

- تأکید بر اینکه کشاورزی پس از تولید عقب‌افتادگی تاریخی دارد و مجوز داده شد برای ۹ پایانه صادراتی در طی ۱۲ سال گذشته برنامه‌ای سخت‌افزار بوده و برنامه نرم‌افزار وجود نداشته و در نتیجه در سیستم تجارت جدی وارد نشده است؛

کشور عمدتاً از طریق استراتژی توسعه صادرات و نفوذ در بازارهای جهانی موفق به حفظ و رشد مداوم اقتصادی کشاورزی خواهد شد؛ در ادامه برای انجام مطالعات کارگروه‌هایی به شرح زیر تشکیل شد.

جدول ۱: کارگروه‌های مطالعاتی

کارگروه پایانه‌ها و صادرات محصولات کشاورزی	کارگروه خدمات و پشتیبانی	کارگروه تولیدات
- آقای عابدینی، محصولات کشاورزی	- دکتر جهاندار، مدیرعامل سردخانه‌داران کشور	- معاونت زراعت
- آقای خاکپور، صادرکننده سندیکای صنایع تبدیلی	- معاونت حمل و نقل	- معاونت صنایع تبدیلی
- رئیس اتحادیه خشکبار ایران	- دکتر بیابانی، خانه کشاورز	- معاونت امور دام و طیور
- شجری، دفتر توسعه صادرات وزارت جهاد	- خانم دکتر مقیمی، پایانه‌های کشور	- معاونت شیلات
- اسفندیاری، مدیرکل صنایع تبدیلی	- صندوق ضمانت صادرات	- رئیس سازمان تحقیقات، آموزش و ترویج
- نوری، سازمان تجارت ایران	- بانک توسعه صادرات	- اتحادیه گل و گیاه و گلخانه‌داران، مهندس عجایی
- سازمان برنامه و بودجه	- آقای ظهیری، مشاور کشاورزی اتاق ایران	- اتحادیه میوه و تره‌بار
- واحدهای مستقر در پایانه گمرک	- شرکت خدمات حمایتی (وزارت جهاد کشاورزی)	- اتحادیه صنایع تبدیلی و تکمیلی
- استاندارد دامپزشکی	- سازمان هواپیمایی کشوری	- اتحادیه دام
- حفظ نباتات	- شرکت راه‌آهن	- اتحادیه طیور
- بهداشت	- کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	- اتحادیه آبزیان
	- آقای اسماعیل نگارش	- اتحادیه خشکبار
		- خانه کشاورز
		- سازمان برنامه و بودجه کشور
		- بانک کشاورزی
		- آقای پرویز کرباسی
		- بیمه محصولات کشاورزی

## ۲- اهمیت و ضرورت مسئله

صادرات کالاهای غیرنفتی در فعالیتهای اقتصادی اهمیت ویژه‌ای داشته و اثر آن بر اقتصاد و رشد نسبی انکارناپذیر است. لذا تکیه بر توسعه و گسترش صادرات بخش کشاورزی می‌تواند زمینه مناسبی را برای حضور ایران در بازارهای جهانی در امر صادرات کالاهای غیرنفتی فراهم آورد. اتکای صادرات کشاورزی به شرایط

تولید داخلی و بازارهای بین‌المللی و از سویی وجود موانع متعدد از مرحله تولید تا بازارهای هدف، دستیابی به اهداف صادرات کشاورزی را با مشکلاتی روبه‌رو ساخته است. در صورتی که بخش کشاورزی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد کشور است که به دلیل عوامل تولید بسیار، از جمله نیروی کار همواره مورد توجه اقتصاددانان بوده است. از این‌رو توجه به توان اشتغال‌زایی این بخش در بین سیاست‌گذاران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و اثر آن بر اقتصاد و رشد نسبی و حمایت دستگاه‌های اجرایی محلی و منطقه‌ای از تولیدکنندگان محصولات صادراتی انکارناپذیر است.

در کشور، شرکت‌های موفق هستند که در تولید و صادرات مانند روزن تاک با ۳۰۰۰ نفر نیروی فعال و سرمایه‌گذاری زیربنایی در انبار و سردخانه و یا پسته رفسنجان با ۷۵۰۰ نفر و یا شرکت تعاونی اشکذر یزد با ۵۰ هکتار از گلخانه‌هایی که حداقل از ۵۰۰۰ مترمربع تشکیل شده که این زنجیره‌های تولیدی از مرحله قبل از تولید تا مرحله صادرات و ایجاد دفتر در خارج از کشور محصولات را با رعایت مدیریت بهداشت صادر می‌کنند. ضمناً برای حمایت از صادرات میوه و تره‌بار و گل و گیاه پایانه‌های احمدآباد مستوفی و محلات و دزفول و اصفهان، جویبار و جیرفت و دهقان اصفهان و پیشوا و دورچه اصفهان و زرین زعفران با (۲۵۰۰ عضو) با مشارکت مردم و دولت سرمایه‌گذاری شده است. ولی هم‌افزایی با سیستم تولید تا صادرات به کشور هدف رعایت نمی‌شود. در صورتی که بر اساس کدهای تعرفه‌ای گمرک، صادرات محصولات کشاورزی در سال ۱۳۹۵ حدوداً ۵/۵ میلیارد دلار بوده و کشور روسیه و سایر کشورهای آسیای میانه و عراق، افغانستان ... بازار سهل-الوصول و خوب صادراتی برای بیش از ۴۰ - ۵۰ میلیارد دلار محصولات کشاورزی هستند و در ایران شرکت‌های خصوصی با برند ۳۰ تا ۵۰ سال وجود دارند که در کشورهای همسایه قابل پذیرش بوده و باید به‌عنوان الگو مد نظر و مورد حمایت قرار گیرند. بعلاوه وزارت جهاد کشاورزی با ۲۲ رایزن بازرگانی کشورها برای صادرات محصولات کشاورزی (افغانستان - پاکستان - بلاروس - روسیه - اندونزی - مالزی...) در چارچوب مقررات کریدور سبز مذاکره و همکاری را شروع کرده و بانک‌ها به‌خصوص بانک کشاورزی و بانک توسعه صادرات و صندوق‌های توسعه ملی و صندوق‌های ضمانت صادرات و صندوق بیمه محصولات کشاورزی می‌توانند اعتبارات ویژه را برای تولید و صادرات (به‌صورت ریالی و ارزی) تأمین کنند.

موضوع معروفیت برند شرکت‌های ایرانی در کشورهای هدف، امتیازی مهم بوده و ضروری است روند تولید کیفی و صادرات در آینده، حمایت و تجدیدنظر شود. از جمله در گیاهان دارویی هنوز قانون گذشته در تولید و صادرات در وزارت جهاد کشاورزی حاکم است و ضمناً کشورهای اروپایی از سال ۲۰۱۶ با مقررات کنترل

باقیمانده سموم، اجازه ورود کالای کشاورزی را با مجوز «مؤسسه اقدامات کشاورزی خوب جهانی»<sup>۱</sup> و استاندارد محصولات کشاورزی خواهند داد؛ و در چنین شرایط واحد دولتی از جمله سازمان تعاون از محصولات کشاورزی از جمله زعفران را بدون هماهنگی با واحدهای بخش خصوصی محصول زعفران را خریداری و بازار صادراتی زعفران دولتی ایجاد کرده و رقابت و ناهماهنگی و تعرفه در بازار هدف، بیمه تأمین اجتماعی، انتقال ارز، اقدامی مسموم کننده برای صادرات زعفران بخش خصوصی است. در ادامه اسناد بالادستی در اقتصاد مقاومتی و منشور پروژه‌های برنامه ملی (پیشبرد برون‌گرایی اقتصاد)، مرور شده و اهمیت و ضرورت پژوهش بیان خواهد شد.

### ۳- اهداف

اهداف این مطالعه را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد:

- ۱- هدف اصلی اعمال سیاست جهت افزایش توان صادراتی محصولات کشاورزی کشور است.
- ۲- رفع موانع و نارسایی موجود در سیستم تولیدات کشاورزی برای صادرات و ارائه راهکارهای اصلاح ساختار اجرایی با محوریت بخش خصوصی.
- ۳- ارائه راهکارهای ایجاد هم‌افزایی بخش خصوصی، حاکمیتی و حمایت سیستم اجرایی کشور در صادرات محصولات کشاورزی.

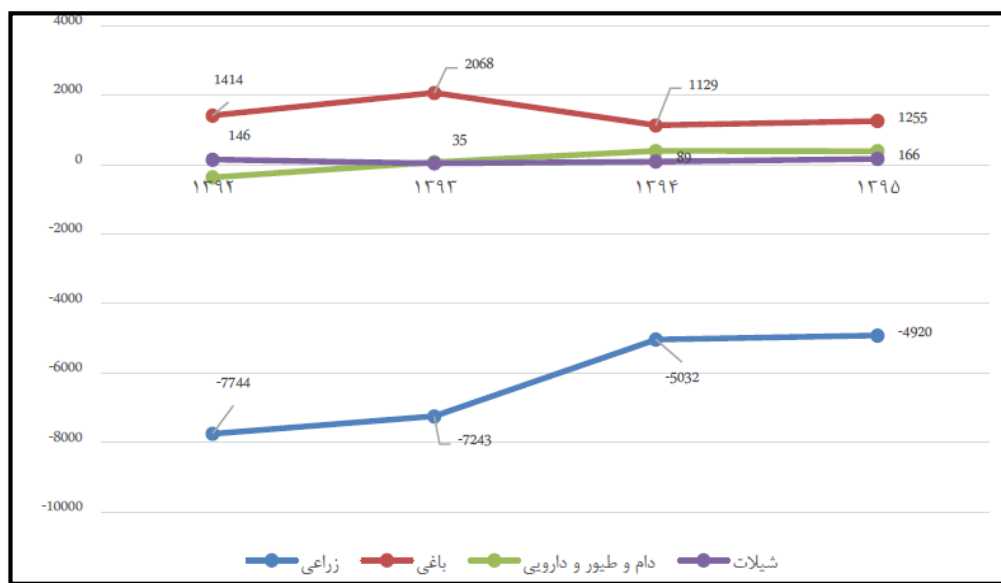
### ۴- پیشینه

بخش کشاورزی از مهم‌ترین بخش‌های اقتصاد کشور بوده که به دلیل عوامل تولید بسیار، از جمله نیروی کار همواره مورد توجه اقتصاددانان بوده است. از این‌رو توجه به توان اشتغال‌زایی این بخش در بین سیاست‌گذاران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار بوده و اثر آن بر اقتصاد و رشد نسبی انکارناپذیر است. لذا تکیه بر توسعه و گسترش صادرات بخش کشاورزی می‌تواند زمینه مناسبی را برای حضور کشور در بازارهای جهانی در راستای صادرات کالاهای غیرنفتی فراهم آورد. از آنجاکه هدف ارائه سیاست‌هایی جهت افزایش توان صادراتی محصولات کشاورزی کشور است. لذا سهم بخش کشاورزی در صادرات کالاهای غیرنفتی مانند نرخ ارز واقعی، قیمت‌های نسبی، مقدار تولید، قیمت‌های داخلی و متغیر تحریم، متغیرهای تأثیرگذار بر عرضه و تقاضای صادرات محصولات کشاورزی ایران طی سال‌های برنامه پنجم بر اساس (سند راهبرد ملی توسعه صادرات) بررسی شد. همچنین به منظور دستیابی به استراتژی منطقی، ابتدا چالش‌های مزبور در برنامه پنجم برابر سند راهبردی استخراج و سپس قوانین و مقررات برنامه پنج ساله ششم توسعه، مبنای پیگیری اهداف کارگروه‌ها قرار گرفت. نظر به اینکه صادرات کالاهای غیرنفتی در فعالیت‌های اقتصادی اهمیت ویژه‌ای داشته و اثر آن بر اقتصاد و

1. Global Good Agricultural Practice (GAP)

رشد نسبی انکارناپذیر است، لذا تکیه بر توسعه و گسترش صادرات بخش کشاورزی می‌تواند زمینه مناسبی را برای حضور ایران در بازارهای جهانی برای صادرات کالاهای غیرنفتی فراهم آورد. بنابراین، اتکای صادرات کشاورزی به شرایط تولید داخلی و بازارهای بین‌المللی و از سویی، وجود موانع متعدد از مرحله تولید تا بازارهای هدف و دستیابی به اهداف از سوی دیگر صادرات کشاورزی را با مشکلاتی روبه‌رو ساخته است. اساساً برای صادرات موفق این سه شرط الزامی است: تولید رقابتی، شناسایی بازارها و انتقال به هنگام و درست محصولات که برای صادرات محصولات کشاورزی به‌صورت مناسب فراهم نشده است. موانع و مشکلات متعددی در این امر دخیل هستند که همان‌گونه که پیش‌تر ذکر شد برای شناسایی و رفع آن‌ها در جهت تحقق توسعه صادرات کشاورزی ضروری است؛ و برای این منظور، در سازمان برنامه و بودجه کارگروه بررسی عوامل بازاریابی با حضور متخصصان، تولیدکنندگان، صادرکنندگان و سازمان‌های ذی‌ربط تشکیل و طی دو سال کار مستمر و تشکیل دو جلسه هم‌اندیشی با صاحب‌نظران و دست‌اندرکاران و معاونین محترم وزارتخانه جهاد کشاورزی، جایگاه کشاورزی در اقتصاد ملی احصا و مروری بر وضعیت صادرات کشاورزی به تفکیک کالا از منظر سیاست‌های توسعه صادرات، از طریق مطالعات در زمینه ۱- صادرات بخش کشاورزی و تراز تجاری این بخش و نیز ۲- پیرامون پروژه‌های برنامه ملی (پیشبرد برون‌گرایی اقتصاد) انجام شده است:

۱- گزارش مرکز پژوهش‌های مجلس با عنوان آینده‌نگاری بخش کشاورزی ایران (۱۳۹۷) هدف‌گذاری چشم‌انداز ۱۴۰۴ و برنامه‌های چهارم تا ششم بر رساندن تراز بین صادرات و واردات کشاورزی به صفر و خودکفایی در محصولات اساسی کشاورزی بوده است؛ مع‌هذا همان‌طور که نمودار ۱؛ یعنی تراز بازرگانی انواع محصولات کشاورزی در دوره ۱۳۹۵-۱۳۹۲ نشان می‌دهد این مهم هنوز در بخش کشاورزی و مهم‌ترین زیربخش آن، یعنی محصولات زراعی محقق نشده است. با ارزیابی وضعیت تراز بازرگانی انواع محصولات کشاورزی در سال‌های اخیر ملاحظه می‌شود؛ فقط محصولات زراعی سبب کسری تراز بازرگانی در بخش کشاورزی کشور شده و مابقی محصولات کشاورزی شامل محصولات باغی، دام و طیور، دارویی و شیلات دارای تراز تجاری مثبت هستند.



نمودار ۱: وضعیت تراز بازرگانی انواع محصولات کشاورزی در دوره ۱۳۹۲-۱۳۹۵ (میلیون دلار)

منبع: داده‌های بانک مرکزی ایران: مرکز پژوهش‌های مجلس، ۱۳۹۷

۲- در عین حال باید به پروژه بررسی و شناسایی موانع توسعه صادرات غیرنفتی و تدوین برنامه اجرایی رفع آن‌ها و اعمال سیاست‌های حمایتی (مجری: وزارت صنعت، معدن و تجارت) و پروژه شناسایی کالاها و خدمات صادراتی دارای مزیت رقابتی و تدوین برنامه رفع موانع آن‌ها (مجری: وزارت صنعت، معدن و تجارت) اشاره کرد که دو نمونه از پروژه‌های مصوب ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی در راستای پیشبرد برون‌گرایی اقتصاد با محوریت توسعه صادرات غیرنفتی است.

۳- استانداردسازی و برندسازی تولیدات کشاورزی، راهکار مطلوب در توسعه صادرات این بخش است و در دنیا استانداردهای معتبری در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای عملیات خوب کشاورزی تدوین شده است. جمهوری اسلامی ایران نیز از این حرکت جهانی استقبال کرده و با تأکید بر اعمال استانداردهای کنترل کیفی تولیدات و فرآورده‌های کشاورزی در تدوین قوانین برنامه چهارم توسعه و آیین‌نامه اجرایی بند «ب» ماده (۶۱) و قانون برنامه پنجم توسعه، گام‌های اولیه را در این مسیر با تدوین استانداردهای ملی تولید محصولات کشاورزی بر اساس عملیات خوب کشاورزی IRAN GAP برداشته است. همچنین در برنامه ششم توسعه، پیشنهاد صادرات محصولات غیراستراتژیک صادراتی بر اساس مقررات بین‌المللی استاندارد GLOBAL GAP در طول برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی ارائه شد و مقرر گردید ۱۲ محصول (کشمش، زعفران، سیب، خرما، کیوی، مرکبات، سبزی و صیفی، محصولات گلخانه، گیاهان دارویی، لبنیات، چای و عسل) مشمول برند IRAN GAP شوند.

۴- با توجه به دریافت گزارش‌های مستند رسمی و غیررسمی از منابع مختلف مبنی بر آلودگی محصولات کشاورزی به باقیمانده سموم کشاورزی و کودهای شیمیایی و با توجه به وظیفه این سازمان در امر پایش



محصولات کشاورزی از نظر باقیمانده آفت‌کش‌ها و حاصلخیزکننده‌ها، برنامه پایش محصولات کشاورزی از نظر باقیمانده سموم آفت‌کش و کودهای شیمیایی به صورت کشوری در نیمه دوم سال ۱۳۹۳ با همکاری ده مرکز دانشگاهی کشور انجام شد. طی این برنامه ۷ قلم محصول کشاورزی شامل سیب درختی، خیار، گوجه‌فرنگی و برنج از لحاظ میزان باقیمانده سموم و سه محصول پیاز، سیب‌زمینی و کاهو از نظر میزان نیترات و فلزات سنگین مورد بررسی و آزمون قرار گرفتند. پس از جمع‌بندی این مطالعه کشوری مشخص شد بیشترین درصد عدم انطباق محصولات کشاورزی با استانداردهای مربوطه در خصوص محصول سیب‌زمینی با ۳۵/۵ درصد آلودگی و کمترین مقدار مربوط به محصول برنج با ۲/۴ درصد آلودگی است. همچنین مقدار عدم انطباق سایر محصولات نیز درصد، کاهو ۲۲/۳ درصد، سیب درختی ۱۸/۱ درصد، گوجه‌فرنگی ۱۰/۴ درصد و خیار ۱۰/۲ درصد گزارش شد.

بررسی نتایج، استفاده از سموم نامناسب و نامرتب برای محصول و یا استفاده بیش از حد مجاز آفت‌کش‌ها یا کودهای شیمیایی در محصولات مورد بررسی را نشان می‌دهد محصول سیب‌درختی دارای بیشترین تعداد موارد گزارش شده از این نظر است.

نتایج حاصل از این بررسی مشخص نمود که میزان فلزات سنگین و نیترات در نمونه‌های اخذ شده از سطح عرضه قطب تبریز و میزان آلودگی نمونه‌ها به باقیمانده سموم و آفت‌کش‌ها در نمونه‌های اخذ شده از قطب تهران بیشترین درصد آلودگی را به خود اختصاص داده‌اند. نتایج حاصل به منظور بهره‌برداری به ارگان‌های ذی‌ربط ارسال شد. لازم به ذکر است برنامه مورد اشاره در نیمه اول سال ۱۳۹۴ نیز مطابق دستورالعمل سال ۱۳۹۳ در حال اجرا است.

## ۵- پرسش‌ها

- صادرات محصولات کشاورزی در ایران چرا دچار مشکل تاریخی است (نظیر مزیت نسبی) آیا باید بازنگری شود؟
- چرا صادرات در بخش کشاورزی به عنوان فعالیت اقتصادی و سودآور مطرح نشده است و آیا صادرات به عنوان یک اهرم برای کنترل بازار مطرح است؟
- متعادل شدن ارز صادراتی، گشایشی را در صادرات محصولات کشاورزی فراهم می‌آورد؟
- چرا شرکت دولتی چون گذشته تمرکزی بر روی صادرات کشاورزی ندارند و سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی انجام نمی‌شود و هر شرکت به صورت جزیره‌ای تصمیم‌گیری می‌کنند؟

- قبلاً مرکز توسعه صادرات از بخش صادرات کشاورزی حمایت جدی تری می کردند و امتیازاتی به صادرکنندگان می دادند، چرا در سال های اخیر عموم شرکت های توانمند دولتی و غیردولتی سود روز را ملاک عمل قرار می دهند و به دنبال ریسک صادرات نیستند؟
- چرا سیاست های صادرات تدوین شده تحت تأثیر عوامل برون سازمانی هستند و در چارچوب مقررات برای صادرات محصولات مجوز صادر می شود، ولی با تغییر سیاست، از صادرات ممانعت به عمل می آورند.
- چرا یکی از مشکلات ما در صادرات محصولات کشاورزی به بازارهای هدف، عدم استمرار طرح های صادراتی است و دلایل مغایرت آمار صادرات و تولید و مازاد تولید محصولات کشاورزی چیست؟
- هم افزایی و همگرایی در صادرات محصولات کشاورزی در فضای سالم رقابتی در بازار انجام نمی شود.
- تا زمانی که نگاه سیستمی به صادرات نداشته باشیم کشاورزی پیشرفته یک آرزو است.
- تا زمانی که سازمان ها و ادارات دولتی به صورت جزیره ای و منفک از هم تصمیم گیری و عمل می کنند نباید انتظار داشت که وضعیت صادرات و سایر بخش ها شاهد سامان یافتگی شوند و دولت و بخش خصوصی به بازارهای خارجی توجه لازم را داشته باشند.
- چرا کد ره گیری و شناسایی اجباری برای تولید و صادرات به کشور هدف، ساماندهی نمی شود؟
- در ایران قیمت تمام شده تولیدات کشاورزان بالا است و رقابت پذیری کالای صادراتی را کاهش داده است و محصولات کشاورزی برای صادرات تولید نمی شوند و به هیچ وجه شرایط صادرات را ندارند.
- دلایل عدم رابطه تولیدکنندگان محصولات کشاورزی با تشکل های (خدماتی و صادراتی) پیوسته نیست.
- کشورهای هدف دارای قوانین و مقررات و دستورالعمل های بین المللی و استاندارد GAP GLOBAL هستند و در این رابطه در ایران دستگاه خصوصی و دولتی خاصی متولی این امر نیست و دستورالعملی با ضمانت اجرایی وجود ندارد.
- دستگاه های دولتی از جمله وزارت جهاد کشاورزی، وزارتخانه دارایی، صنعت، معدن و تجارت و وزارت امور خارجه... در صادرات نقش اساسی ندارند و به علت ناهماهنگی چالش هایی را برای صادرکنندگان ایجاد می کنند.

## ۶- فرضیه ها

- مداخله مثبت گرایی دولت بر بخش خصوصی از تولید تا صادرات به کشور هدف، تأثیرگذار است.
- فرضیات فرعی این پژوهش:
- ۱- مداخله مثبت گرایی دولت بر گروه تولیدکنندگان محصولات کشاورزی برای صادرات تأثیرگذار است. ۲-
  - مداخله مثبت گرایی دولت بر گروه تأمین کنندگان محصولات کشاورزی برای صادرات، تأثیرگذار است. ۳-
  - مداخله مثبت گرایی دولت بر گروه صادرکنندگان محصولات کشاورزی، تأثیرگذار است. ۴- مداخله مثبت گرایی

دولت بر خوشه‌های تولید تا صادرات محصولات کشاورزی به کشور هدف، تأثیرگذار است. ۵- مداخله مثبت‌گرایی دولت بر اجرای قانونی کشاورزی قراردادی، تأثیرگذار است. ۶- مداخله مثبت‌گرایی دولت به واگذاری بخشی از مسئولیت بخش کشاورزی و سازمان توسعه و تجارت و اتاق بازرگانی به خوشه‌های کشاورزی تولید تا صادرات به کشور هدف، تأثیرگذار است. ۷- مداخله مثبت‌گرایی دولت (سازمان استاندارد) در اجرای برند اجباری تولید تا صادرات محصولات کشاورزی به کشور هدف، تأثیرگذار است.

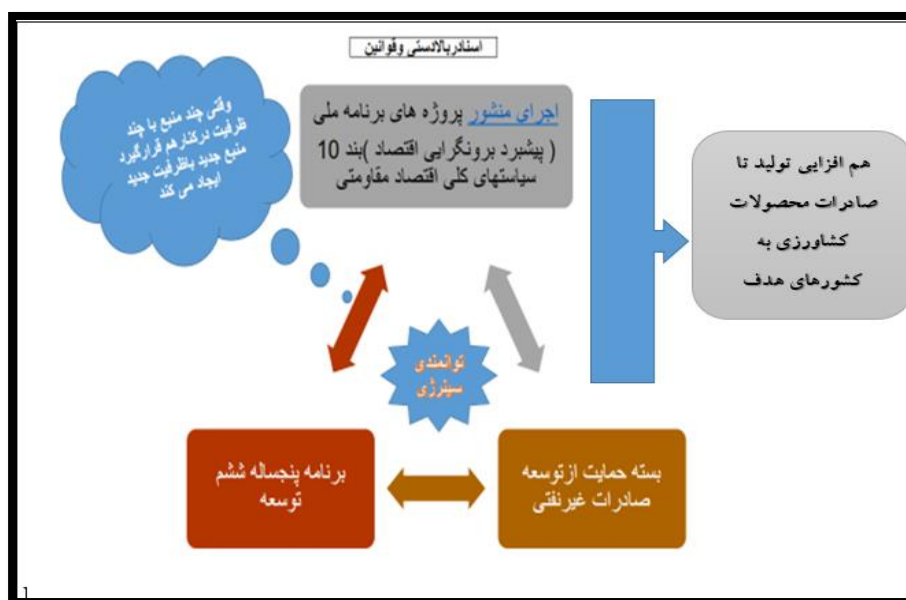
## ۷- مبانی نظری

مبانی نظری<sup>۱</sup> به آن نظریه‌ها، چارچوب‌ها یا مدل‌ها یا مفاهیمی گفته می‌شود که در پایه‌ریزی یک طرح یا برنامه یا تحقیق مدنظر پژوهشگران قرار می‌گیرد. لذا مبانی نظری پژوهش بر اساس:

۱- اسناد بالادستی در اقتصاد مقاومتی و منشور پروژه‌های برنامه ملی (پیشبرد برون‌گرایی اقتصاد) شناسایی و رفع موانع توسعه صادرات غیرنفتی کشاورزی، به استناد بند ۱۰ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی و شناسایی کالاها و خدمات صادراتی دارای مزیت رقابتی کشاورزی؛

۲- بسته حمایت از توسعه صادرات غیرنفتی؛

۳- و بر اساس بند پ ماده ۳۳ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه پایه‌ریزی شد.



نقشه ۱: فرایند هم‌افزایی تولید تا صادرات محصولات به کشورهای هدف

### منشور پروژه‌های برنامه ملی «پیشبرد برونگرایی اقتصاد»

**عنوان پروژه:** بررسی و شناسایی موانع توسعه صادرات غیر نفتی و تدوین برنامه اجرایی رفع آنها و اعمال سیاست‌های حمایتی

**اهداف:** شناسایی و رفع موانع توسعه صادرات غیر نفتی

**سیاست اقتصاد مقاومتی مرتبط:** بند (۱۰)

**اهداف قابل اندازه‌گیری پروژه:** آرایه موانع موجود توسعه صادرات غیر نفتی و تدوین برنامه اجرایی رفع آنها

**مجری پروژه:** وزارت صنعت، معدن و تجارت (سازمان توسعه تجارت ایران)

**همکاران پروژه (دستگاه‌های اجرایی):** وزارت جهاد کشاورزی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، بانک مرکزی، گمرک جمهوری‌ایران و سازمان استاندارد

**شرح کلی پروژه:** در این پروژه مقرر است موانع رشد صادرات غیرنفتی شناسایی و سپس برنامه اجرایی مناسب برای رفع تنگناها و اعمال مشوق‌های لازم، آرایه گردد.

#### زمانبندی کلان پروژه:

شرح کلی پروژه:	عناوین اقدامات / فعالیت‌ها مربوط به پروژه:	شاخص‌های ارزیابی (سنججه‌های کمی و کیفی):
<ul style="list-style-type: none"> <li>- شناسایی موانع رشد صادرات غیرنفتی و حذف آنها</li> <li>- تدوین برنامه اجرایی لازم برای رفع موانع و تنگناها با تأکید بر پرداخت مشوق‌های صادراتی، حمایت از توسعه برند، کمک به توسعه بسته بندی کالاها</li> <li>- تدوین برنامه اجرایی مناسب برای رفع تنگناها و آرایه مشوق‌های لازم</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- مطالعه و بررسی موانع توسعه صادرات غیرنفتی و آرایه راه کارهای لازم برای رفع آنها</li> <li>- تدوین برنامه اجرایی لازم برای رفع موانع و تنگناها با تأکید بر پرداخت مشوق‌های صادراتی، کمک به ایجاد و توسعه شرکت‌های مدیریت صادرات، کمک به ارتقای توان رقابتی بنگاه‌های کوچک و متوسط صادراتی، کاهش متوسط زمان صادرات و کاهش تعداد مجوزهای لازم جهت صدور کالا و خدمات</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- میزان مشوق‌های مستقیم و غیرمستقیم پرداخت شده</li> <li>- تعداد مجوزهای لازم جهت صدور کالا و خدمات (عدد)</li> <li>- متوسط زمان صادرات (روز)</li> <li>- اصلاح قانون مقررات صادرات و واردات و سایر قوانین مرتبط با حوزه تجارت خارجی (درصد)</li> <li>- افزایش صادرات غیرنفتی (کالا و خدمات)</li> </ul>

**منابع مالی پروژه:** برآورد منابع مالی و مسئولیت اجرا بر عهده دستگاه مجری بوده و تامین منابع مالی پروژه (اعم از منابع از طریق بودجه

عمومی، فاینانس، لوراق مشارکت و سایر روش‌های تامین مالی)، در چارچوب اعتبارات و وظایف دستگاه مجری می‌باشد.

\* برای تحقیق پیش‌نیازها، الزامات و مفروضات پروژه (حقوقی و قانونی)، در صورت نیاز به مصوبه ستاد، دستگاه مجری موظف است با انجام بررسی‌های لازم مراتب را به صورت پیشنهاد مشخص در قالب پیش‌نویس مصوبه تهیه و به ستاد فرماندهی اقتصادی مقاومتی ارائه نماید.

منشور پروژه‌های برنامه ملی «پیشبرد برونگرایی اقتصاد»

عنوان پروژه: شناسایی کالاها و خدمات صادراتی دارای مزیت رقابتی و تدوین برنامه رفع موانع آنها

**اهداف:** بررسی و معرفی کالاها و خدمات صادراتی دارای مزیت رقابتی

**سیاست اقتصاد مقاومتی مرتبط:** بند (۱۰)

**اهداف قابل اندازه گیری پروژه:** ارائه لیست مشخصی از کالاها و خدمات صادراتی دارای مزیت رقابتی پس از گذشت یک دوره ۶ ماهه

**مجری پروژه:** وزارت صنعت، معدن و تجارت

**همکاران پروژه (دستگاه‌های اجرایی):** وزارت جهاد کشاورزی، سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور، سازمان توسعه تجارت ایران، موسسه مطالعات و پژوهش‌های بازرگانی، وزارت ارتباطات و فن آوری اطلاعات، وزارت نیرو، وزارت راه و شهرسازی، گمرک ج.ا.ایران، سازمان میراث فرهنگی و گردشگری

**شرح کلی پروژه:** در این پروژه کلیه کالاها و خدمات صادراتی کشور مورد مطالعه و بررسی قرار خواهد گرفت و بر این اساس کالاها و خدمات دارای مزیت رقابتی شناسایی خواهد شد.

**زمانبندی کلان پروژه:**

شرح کلی پروژه:	عناوین اقدامات / فعالیت‌ها مربوط به پروژه:	شاخص‌های ارزیابی (سنجه‌های کمی و کیفی):
مطالعه، بررسی و شناسایی مزیت‌های رقابتی برای صادرات کالا و خدمات تهیه و تدوین برنامه عملیاتی مناسب برای رفع موانع و تنگناهای مربوط به کالاها و خدمات صادراتی مزیت دار اجرا و نظارت بر حسن اجرا	مطالعه، بررسی و شناسایی کالاها و خدمات صادراتی دارای مزیت رقابتی بررسی سهم کالاها و خدمات مزیت‌دار صادراتی در بازارهای اولویت دار عارضه‌یابی و بررسی عوامل تأثیر گذار بر قیمت تمام شده کالاها و خدمات مزیت دار صادراتی شناسایی تنگناها و موانع موجود در امر توسعه صادرات کالاها و خدمات مزیت دار شناسایی محصولات جدید صادراتی دارای مزیت بررسی و ارائه پیشنهادات درخصوص تنظیم فهرست کالاها و خدمات مزیت دار صادراتی در موافقتنامه‌های تجارت ترجیحی شناسایی سهم رقابتی ایران در بازارهای هدف اولویت دار به منظور تعیین راهکارهای حمایتی مناسب	افزایش صادرات کالاها و خدمات صادراتی مزیت‌دار رتبه رتبه ایران در تجارت جهانی کسب سهم مناسب از بازارهای جهانی نظارت رقابت پذیری کالاها و خدمات ایرانی در بازارهای جهانی

**منابع مالی پروژه:** برآورد منابع مالی و مسئولیت اجرا بر عهده دستگاه مجری بوده و تامین منابع مالی پروژه (اعم از منابع از طریق بودجه عمومی، فاینانس، اوراق مشارکت و سایر روش‌های تامین مالی)، در چارچوب اعتبارات و وظایف دستگاه مجری می‌باشد.

\* برای تحقق پیش نیازها، الزامات و مفروضات پروژه (حقوقی و قانونی)، در صورت نیاز به مصوبه ستاد، دستگاه مجری موظف است با انجام بررسی‌های لازم مراتب رابه صورت پیشنهاد مشخص در قالب پیش‌نویس مصوبه تهیه و به ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی ارائه نماید.

ماده ۳۳- قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه

دولت مکلف است در اجرای بندهای سوم و ششم سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی و به‌منظور متنوع‌سازی ابزارهای حمایت از بخش کشاورزی، تأمین و تجهیز منابع، توسعه و امنیت سرمایه‌گذاری، افزایش صادرات محصولات کشاورزی و ارزش‌افزایی و تکمیل زنجیره ارزش محصولات کشاورزی اقدامات ذیل را به انجام برساند:

الف- ایجاد زمینه گسترش و تکمیل زنجیره‌های ارزش، صنایع تبدیلی، تکمیلی و نگهداری محصولات اساسی کشاورزی در قطب‌های تولیدی، سردخانه و انبارهای فنی چندمنظوره؛

ب- تخصیص حداقل بیست درصد (۲۰٪) منابع صندوق‌های حمایت از بخش کشاورزی جهت تسهیلات برای صادرات این بخش؛

پ- ایجاد خوشه‌های صادراتی، نشان‌های تجاری و اختصاص مشوق‌های صادراتی به صادرات محصولات کشاورزی؛ تبصره- دولت مکلف است مابه‌التفاوت قیمت تولید داخل با قیمت کالای کشاورزی در بازارهای هدف را سالانه به‌عنوان مشوق‌های صادراتی محاسبه و از منابع هدفمندی یارانه‌ها پرداخت نماید. وزارت جهاد کشاورزی مقررات تعیین کالاهای مشمول این بند و پرداخت مابه‌التفاوت را تهیه کرده و به تصویب هیئت وزیران می‌رساند.

۸- قلمرو سازمانی محدوده زمانی، مکانی موضوعی مطالعه و بررسی

قلمرو سازمانی دستگاه‌های دولتی وزارت جهاد کشاورزی، وزارتخانه‌های دارایی، صنعت معدن و تجارت و وزارت امور خارجه... که در صادرات نقش اساسی دارند و با بخش خصوصی (تولیدکنندگان، تعاونی‌ها، صادرکنندگان و پایانه‌های صادراتی) چالش‌هایی را برای صادرکنندگان ایجاد نموده است و این پژوهش به لحاظ زمانی، موضوع چالش‌های برنامه پنجم توسعه و برنامه پنج‌ساله ششم توسعه را پوشش می‌دهد و به لحاظ مکانی، محدود به ایران و کشور هدف برای صادرات است و از نظر موضوعی، به مقوله (هنجارشکنی) قانون و روش‌ها و راه‌حل‌های اجرایی در برنامه‌ها و تولیدات محصولات غیراستراتژیک کشاورزی ایران برای صادرات به کشورهای هدف توجه دارد. البته این نکته را باید یادآور شویم که در قلمرو سازمانی، کلیه دستگاه‌های اجرایی ذی‌ربط دولتی و تعاونی‌ها و اتحادیه‌ها را مورد مطالعه قرار می‌دهیم.

۹- روش انجام مطالعه (گردآوری اطلاعات، جامعه آماری و حجم نمونه‌های مورد نیاز، روش تجزیه و تحلیل

داده‌ها و غیره)

روش انجام مطالعه تشکیل جلسات، گردمایی‌ها، هم‌اندیشی‌ها و تجزیه و تحلیل داده‌ها و اخذ:

۱- گزارشات تولیدکنندگان؛

۲- گزارشات صادرکنندگان؛

۳- گزارشات پایانه‌های صادراتی.

نتایج جلسات کارگروه تخصصی بررسی چالش‌های تولیدکنندگان در برنامه پنجم توسعه

در تولید و خدمات محصولات کشاورزی برای صادرات:

- ۱- تولیدکنندگان باید کد شناسایی داشته باشند.
- ۲- نظر به اینکه صادرات به کشورهای مقصد دارای قوانین و مقررات و دستورالعمل‌های بین‌المللی و استاندارد هستند و کنترل محصولات در کشور مقصد بر اساس GLOBAL.GAP (EUREPGAP) انجام می‌شود.
- ۳- شرکت‌های ناظر به منظور نظارت بر تولید محصولات صادراتی تولیدکنندگان دارای کد تولید، ضروری است مجوز کنترل آزمایشگاه محصولات صادراتی را اخذ نمایند.
- ۴- کلیه تولیدکنندگان دارای کد صادراتی باید در شبکه IT (شبکه صادراتی) تأیید صلاحیت شوند.
- ۵- کلیه تولیدکنندگان دارای کد صادراتی موظف هستند با یک واحد صادراتی، قرارداد منعقد نمایند و در شبکه تولید تا صادرات به کشور هدف، تأیید صلاحیت شوند.
- ۶- شرکت‌های صادرکننده موظف هستند متناسب با قرارداد کشور مقصد کلیه نهاده‌ها و امکانات تولید بسته‌بندی... در چارچوب استاندارد کشور مقصد تهیه و در اختیار تولیدکنندگان قرار دهند.
- ۷- نظارت شرکت آزمایشگاهی تأیید کیفیت تعیین صلاحیت شده در چارچوب GLOBAL.GAP اجباری است.
- ۸- انتظار است کلیه بانک‌ها در جهت رونق صادرات محصولات GAP، وام‌های شرکت‌های کددار صادراتی و ضمانت بهره‌برداران به صورت زنجیره‌ای تأیید و تأمین کنند.
- ۹- دخالت بخش‌های محلی و منطقه‌ای غیرکارشناسی به سیستم اجرایی کشاورزان دارای کد صادراتی و بهداشت تولید GAP ممنوع است.
- ۱۰- مشارکت و همکاری شرکت‌های خارجی و داخلی در ورود نهاده‌های مورد نیاز GAP برای تولیدکنندگان دارای کد صادراتی عملیاتی خواهد شد.
- ۱۱- انتظار است قبل از انعقاد قرارداد با شرکت‌های خارجی متقاضی محصولات کشاورزی، وزارت امور خارجه قوانین و مقررات و دستورالعمل‌های بین‌المللی ذی‌ربط را در اختیار شرکت‌های صادراتی ترجمه شده تحویل دهند.
- ۱۲- ضروری است برای ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری شرکت‌های صادرکننده، یک نسخه از قرارداد را به اداره ذی‌ربط در وزارت امور خارجه ارسال کنند.
- ۱۳- ارائه دستورالعمل تولید GAP به کشاورزان دارای کد صادراتی توسط صادرکنندگان و تعهد خرید محصولات.
- ۱۴- ارائه دستورالعمل حمایتی بیمه محصولات تولید GAP به کشاورزان دارای کد صادراتی.
- ۱۵- ارائه دستورالعمل حمایتی و روش‌های مشارکت با شرکت‌ها و بهره‌برداران دارای کد صادراتی با بانک‌ها و صندوق‌های توسعه صادرات.
- ۱۶- برگزاری دوره‌های آموزشی و ترویجی برای شرکت‌ها و کشاورزان دارای کد صادراتی و کارشناسان ناظر بر تولید محصولات متناسب با استاندارد جهانی (GAP).

راه‌حل‌های کارگروه تخصصی تولیدی و خدماتی و پشتیبانی

- ۱- سرمایه‌گذاری و خدمات‌رسانی مجازی در شبکه الکترونیک (تولید تا صادرات به کشور هدف).
- ۲- به‌روزرسانی قوانین و مقررات و دستورالعمل‌ها، سازمان حفظ نباتات، گمرک، بیمه، سیستم تسهیلات محصولات صادراتی سریع الفساد.
- ۳- حمایت و مسئولیت‌پذیری کامل دستگاه‌های اجرایی دولت (وزارت جهاد کشاورزی، وزارت بازرگانی، سازمان حفظ نباتات، گمرک، سازمان توسعه صادرات جهت اجرای قوانین و مقررات و دستورالعمل‌ها برای تسریع در صادرات محصولات فسادپذیر).
- ۴- اصلاح ساختار و حمایت (از مزرعه تا پایانه) از طریق سیستم حمل و نقل داخلی استاندارد بهداشتی کشور (ماشین و قطار مجهز به سیستم برودتی).
- ۵- اصلاح ساختار و سرمایه‌گذاری در حمل و نقل (از پایانه تا کشور مقصد) (قطار، کشتیرانی، خودرو، هواپیما مجهز به سیستم برودتی) و استاندارد.
- ۶- انسجام و هم‌افزایی سیستم‌های سردخانه استاندارد موجود برای کاهش ضایعات و افزایش کیفیت محصولات.
- ۷- حمایت بانک‌ها و صندوق‌های اعتباری و شرکت‌های بیمه از محموله‌های صادراتی تا کشور مقصد ضروری است تولیدکنندگان، صادرکنندگان، شرکت‌های تأییدکننده ... محصولات کشاورزی باید کد شناسایی استاندارد داشته باشند و در (شبکه الکترونیکی صادراتی) ثبت شده باشند.
- ۸- نظر به اینکه صادرات به کشورهای مقصد دارای قوانین و مقررات و دستورالعمل‌های بین‌المللی و استاندارد هستند و کنترل محصولات در کشور مقصد بر اساس GLOBAL.GAP انجام می‌شود ضروری است تولیدات بر اساس استاندارد بازار هدف باشد.
- ۹- نظارت کارشناس شرکت آزمایشگاهی تأیید کیفیت در چارچوب GLOBAL.GAP الزامی گردند.
- ۱۰- کلیه بانک‌ها در جهت رونق صادرات محصولات GAP وام‌های شرکت‌های کددار صادراتی را تسریع کنند.
- ۱۱- دخالت بخش‌های محلی و منطقه‌ای به سیستم اجرایی کشاورزان دارای کد صادراتی و بهداشت تولید GAP ممنوع است.
- ۱۲- مشارکت و همکاری شرکت‌های خارجی و داخلی در ورود نهاده‌های مورد نیاز GAP برای تولیدکنندگان دارای کد صادراتی با همکاری و تسریع سیستم اجرایی دولت (حفظ نباتات و گمرک ...) عملیاتی خواهد شد.
- ۱۳- قبل از تولید و انعقاد قرارداد با شرکت‌های خارجی مقصد ضروری است وزارت امور خارجه قوانین و مقررات و دستورالعمل‌های بین‌المللی ذی‌ربط را در اختیار مراکز ذی‌ربط به صورت ترجمه شده تحویل دهند.
- ۱۴- به منظور ایجاد امنیت سرمایه‌گذاری، شرکت‌های صادرکننده موظفاند یک نسخه از قرارداد را به اداره ذی‌ربط در وزارت امور خارجه ارسال کنند.
- ۱۵- حمایت وزارت امور خارجه برای بازاریابی و زمان‌بندی تولید و عرضه محصولات به کشور مقصد.
- ۱۶- ارائه دستورالعمل تولید GAP به کشاورزان دارای کد صادراتی و تعهد خرید محصولات آنان.



- ۱۳- ارائه دستورالعمل حمایتی بیمه محصولات تولید GAP به کشاورزان دارای کد صادراتی.
- ۱۴- ارائه دستورالعمل حمایتی و روش‌های مشارکت با شرکت‌ها و بهره‌برداران دارای کد صادراتی با بانک‌ها و صندوق‌های توسعه صادرات.
- ۱۵- برگزاری دوره‌های آموزشی و ترویجی برای شرکت‌ها و کشاورزان دارای (کد صادراتی) و کارشناسان ناظر بر تولید محصولات متناسب با استاندارد جهانی (GAP).
- نتایج جلسات کمیته تخصصی بررسی چالش‌های صادرکنندگان در پایانه‌ها در برنامه پنجم توسعه
- ۱- در برخی از محصولات از جمله فرآورده‌های جنگل و مرتع، برخی صادرکنندگان، بازارهای هدف خود را نمی‌شناسند (گیاهان دارویی).
- ۲- عدم ثبات قیمت کالاها در کشور سبب بی‌ثباتی تجارت گردیده است. مثلاً صادرکننده با انعقاد قرارداد با تجار بازار هدف با نوسانات قیمت‌ها مواجه می‌شود.
- ۳- صدور محصولات خام و مواد اولیه و با ارزش افزوده پایین.
- ۴- نوسانات بازار ارز و تأثیر مستقیم آن بر فضای تجاری، به‌ویژه صادرات.
- ۵- حضور محدود شرکت‌های بین‌المللی حمل و نقل در استان‌ها، به‌ویژه شرکت‌های حمل و نقل تخصصی محصولات کشاورزی و بالا بودن هزینه‌های حمل و نقل.
- ۶- سخت‌گیری در صدور روادید برخی از کشورها برای تجار ایرانی.
- ۷- بسته‌بندی نامناسب برخی فرآورده‌های کشاورزی کمبود تجهیزات و صنایع مدرن.
- ۸- کمبود نقدینگی صادرکنندگان.
- ۹- فقدان یک سامانه یا شبکه اطلاع‌رسانی کارآمد برای تسریع انتقال اطلاعات از بازارهای داخلی و بین‌المللی.
- ۱۰- نبود (برند) بنگاه‌های فعال ایرانی در بازارهای بین‌المللی.
- ۱۱- مشکل ارتباطات بانکی و نقل و انتقال ارز حاصل از تجارت.
- ۱۲- زیرساخت‌های ناکافی استاندارد.
- ۱۳- زیرساخت‌های ضعیف حمل و نقل و قوانین متعدد و مختلف مربوط به آن.
- ۱۴- زیرساخت‌های مخابراتی ضعیف.
- ۱۵- وسایل حمل‌ونقل فرسوده و ناکافی.
- ۱۶- شبکه جاده‌ای ناکافی.
- ۱۷- انبارهای ناکافی.
- ۱۸- شبکه راه‌آهن اندک و قدیمی.
- ۱۹- چالش‌های اقتصادی.
- ۲۰- درک ضعیف از اقتصاد رقابتی.
- ۲۱- ضعف در برنامه‌ریزی اقتصادی واقع‌بینانه و عملی.

### راه‌حل‌های کارگروه تخصصی بهبود صادرات محصولات کشاورزی از طریق پایانه‌ها

۱- شناسایی بازار هدف برای صادرات: طبیعتاً نخستین گام در بازاریابی صادرات تعیین بازار هدف و مشخص نمودن نیازهای آن بازار است که برای محصولات یا خدمات شرکت ایجاد تقاضا می‌نماید. انتخاب درست کشورهای هدف از میان حدود ۲۰۰ کشور در جهان، برای ارائه محصولات یا خدمات بسیار مهم است. چنانچه بازار هدف و نیازهای آن بازار با دقت تعیین شود، اخذ سفارش برای صادرات محصولات یا خدمات به کشورهای هدف، چندان دشوار نخواهد بود. انجام تحقیقات بازار بین‌المللی برای شناسایی فرصت‌های موجود در بازارهای فرامرزی، بهترین ابزار برای تعیین بازارهای هدف صادرات است.

۲- دعوت، ترغیب و حمایت از سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی برای تأسیس کارخانه‌های مدرن تولید فرآوری و محصولات کشاورزی.

۳- استراتژی بازاریابی صادرات محصول نهایی و جلوگیری از صادرات مواد اولیه.

پس از تعیین بازار هدف، گام بعدی، تدوین بسته استراتژی‌های صحیح بازاریابی صادرات شامل استراتژی ورود به بازار، استراتژی جایگاه‌یابی در بازار، استراتژی محصول یا خدمت، استراتژی قیمت‌گذاری، استراتژی برندینگ، استراتژی تأمین و استراتژی‌های مرتبط با حوزه ترویج است. بدیهی است که تدوین این بسته استراتژی‌ها با لحاظ کردن نیازهای بازار هدف انجام خواهد شد. نتایج حاصل از انجام تحقیقات بازار بین‌المللی، بنگاه‌ها و شرکت‌ها را در تدوین بسته استراتژی‌های متناسب با نیازها و خواسته‌های بازار هدف، کمک می‌نماید. استراتژی‌های بازاریابی در صورتی کارا و مؤثر شناخته می‌شوند که شرکت یا بنگاه اقتصادی را در نیل به اهداف تجاری زیر توانمند سازند:

- انتخاب صحیح بازار هدف به نحوی که تقاضای بالقوه و کشش مطلوب برای خرید محصولات یا خدمات در بازار مذکور موجود باشد.

- جایگاه شرکت و محصولات یا خدمات آن نسبت به رقبا، برتر و بالاتر باشد.

- محصولات یا خدمات، پاسخگوی خواسته‌ها و نیازهای خریداران در بازار تعیین شده باشد.

- قیمت‌گذاری به‌گونه‌ای صورت گیرد که همزمان برای شرکت و مشتریان، سودآور باشد؛ به عبارت دیگر، قیمت‌گذاری در فرایند ارزش‌آفرینی توأمان برای شرکت و مشتریان، ایفای نقش نماید.

- در مورد نحوه برندینگ محصول یا خدمت، تصمیم‌گیری صحیح انجام شود (ورود به بازار با برند مشخص یا استفاده از برچسب و عنوان ناشناس).

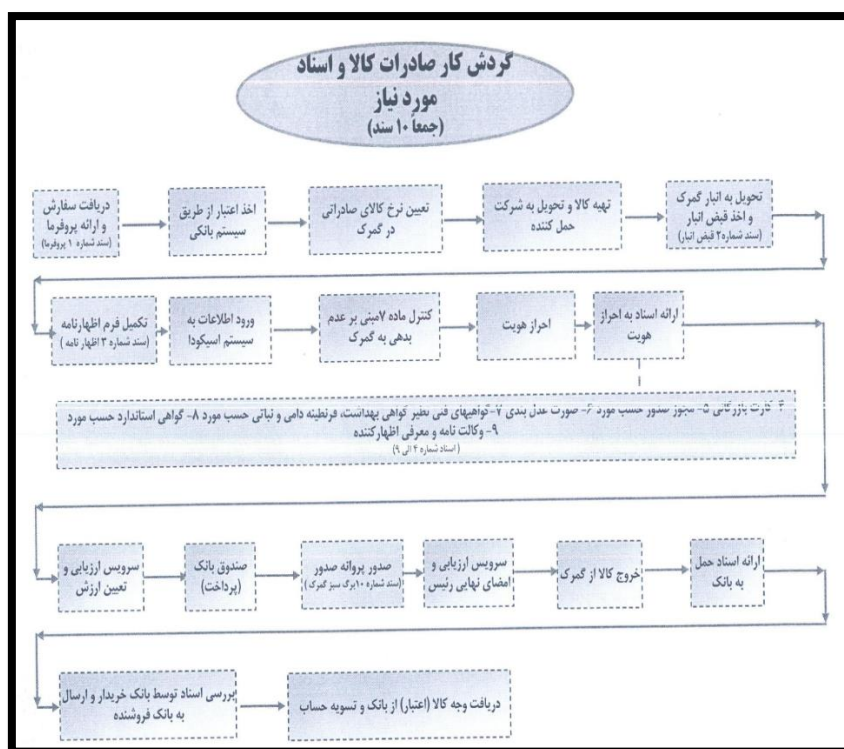
- در مورد تأمین نیاز مشتریان بر اساس موجودی انبار یا طراحی و تولید محصول یا خدمت کاملاً منطبق بر خواسته مشتری تصمیم درست اخذ شود.

- پیش‌بینی مشوق‌های صحیح و انگیزاننده و بهره‌گیری مناسب از تکنیک‌های ترویج، به نحوی که در میان خریداران و واردکنندگان کشور هدف، نسبت به شرکت شناخت مناسب و مطلوب ایجاد شود. هر شرکت یا بنگاه اقتصادی در صورت تدوین صحیح بسته استراتژی‌های بازاریابی، می‌تواند با خیالی آسوده وارد بازارهای بین‌المللی شده،

نسبت به کسب سهم بازار مناسب و همچنین برخورداری از رشد مطلوب فروش و سود حاصل از صادرات، اطمینان داشته باشد.

- راه اندازی منطقه ویژه اقتصادی و پایانه محصولات کشاورزی در مناطق مهم کشاورزی برای تولید و صادرات محصولات کشاورزی استاندارد.
  - به دلیل محدودیت زمان برداشت فصلی و منطقه‌ای محصولات کشاورزی، حمل و نقل تخصصی محصولات برای شرکت‌های حمل و نقل توجیه اقتصادی ندارد، لذا با برنامه‌ریزی و حمایت‌های مالی دولت، حمل و نقل تخصصی نقش مؤثری در کاهش ضایعات و بازرسانی و صادرات به‌روز محصولات کشاورزی خواهد داشت.
  - ایجاد برند و نشان تجاری به‌ویژه برای محصولات شاخص صادراتی کشور نقش مؤثری در توسعه صادرات کشور دارد.
  - با توجه به کمبود نقدینگی برخی تجار، شایسته است تمهیداتی اندیشه شود تا زمانی که پول حاصل از صادرات محصول به دست صادرکننده می‌رسد، نقدینگی لازم از طریق سیستم بانکی برایشان فراهم شود. این موضوع برای صادرکنندگانی که تولیدکننده هم هستند، بسیار حائز اهمیت است.
  - برگزاری نمایشگاه‌ها در کشورهای مختلف و فراهم کردن تسهیلات برای شرکت تولیدکنندگان ایرانی در نمایشگاه‌های بین‌المللی و همچنین اعزام هیئت‌های صادراتی به کشورهای مختلف در زمینه بازاریابی.
  - برنامه‌ریزی برای هزینه‌های تولیدکنندگان کددار محصولات کشاورزی، نقش مؤثری در ثبات صادرات خواهد داشت.
  - ایجاد سامانه فعال توسعه صادرات در کشور که با این سیستم ارتباط خوشه‌های صادراتی از ابتدا تا انتها ره‌گیری شود و چالش‌ها به‌طور جدی از طریق دستگاه‌های متولی شناسایی و مرتفع گردد.
  - تنظیم، تسهیل و شفاف‌سازی سیاست‌های تجاری کشور که سازگار با راهبرد توسعه صادرات باشد نقش مؤثری در حمایت از صادرکنندگان و توسعه صادرات کشور خواهد داشت.
- تشکیل کارگروه تخصصی بررسی چالش‌های پایانه‌ها در برنامه پنجم توسعه**
- ۱- عدم ثبات قوانین و مقررات تجارت خارجی حداقل برای یک دوره یک ساله و صدور بخشنامه‌های متعدد و متفاوت.
  - ۲- عدم تدوین قوانین و مقررات شفاف و روشن و حذف قوانین زائد و دست و پاگیر.
  - ۳- اجرای مصوبات و بخشنامه‌های گمرکی قبل از اطلاع‌رسانی به صادرکنندگان که منجر به ضرر و زیان ناشی از عقد قراردادهای تجاری مغایر با مصوبات می‌شود.
  - ۴- عدم اطلاع‌رسانی به‌موقع از تغییرات قوانین و مقررات، لیست محدودیت‌های گمرکی و استاندارد کشورهای هدف.
  - ۵- عدم مدیریت واحد و دخالت سازمان‌های موازی هنگام خروج کالا.

- ۶- عدم وجود سامانه امور گمرکی به‌منظور متمرکز شدن ارگان‌های مجوزدهنده به صادرات نظیر دارایی، بهداشت، بازرگانی، کشاورزی و...
- ۷- عدم روان‌سازی و تسریع رویه گمرکی.
- ۸- تفاوت نرخ پایه صادراتی اخذشده توسط کمیته نرخ‌گذاری گمرک با قیمت واقعی آن در بازارهای جهانی.
- ۹- بالا بودن هزینه‌های گمرکی (انبارداری، جابه‌جایی ارزیابی و...).
- ۱۰- کمبود نیروی ارزیاب و ارزیابی‌های سلیقه‌ای که اجرای آن فراتر از توان بخش تولید است.
- ۱۱- کمبود امکانات نگهداری و انبار کالاهای صادراتی کشاورزی در برخی از گمرکات.
- ۱۲- عدم استقرار آزمایشگاه‌های تخصصی در برخی از گمرکات تخصصی و زمان‌بر و هزینه‌بر بودن فرایند ارسال نمونه و بازگشت پاسخ آن.
- ۱۳- کمبود تجهیزات و فناوری روز دنیا نظیر دستگاه.
- ۱۴- یکی از عوامل مؤثر در کاهش قیمت تمام شده محصولات کشاورزی صادراتی، کاهش زمان فرایند صادرات است، زیرا هر روز تأخیر در امر صادرات معادل نیم درصد ارزش کالا هزینه دارد. بنابراین، اگر زمان صادرات محصولات کشاورزی را از ۲۰ روز به ده روز کاهش دهیم متوسط ۵ درصد در صادرات صرفه‌جویی می‌شود (فرایند صادرات در کشور متوسط ۲۳ روز و در کشورهای در حال توسعه میانگین انجام امور گمرکی ۱۱ روز است).
- ۱۵- کمبود پایانه صادراتی کارآمد و فقدان پایانه‌های صادرات تخصصی کشاورزی.
- ۱۶- ضعف در تثبیت مسیر اقتصادی.
- ۱۷- عدم شناخت بازار کوچک داخلی و کمبود اطلاعات در بازار.
- ۱۸- سیستم بانکی ناکارآمد و نرخ‌های بهره بالا.
- ۱۹- مشکلات و نارسایی‌ها در حمایت‌های اقتصادی دولت.
- ۲۰- عدم حمایت و ناکارایی نظام مالیاتی در پایانه‌های صادراتی.
- ۲۱- چالش‌های مدیریتی.
- ۲۲- مدیریت بوروکراتیک و عدم هماهنگی‌های میان سازمانی در زنجیره.
- ۲۳- عدم انعطاف‌پذیری سیستم.
- ۲۴- عدم اعتماد بین اجزای زنجیره و طولانی بودن سیستم‌های قضایی جهت حل و فصل دعاوی.
- ۲۵- کمبود نیروی انسانی متخصص و صلاحیت‌دار.



نقشه ۲: گردش کار صادرات کالا و اسناد مورد نیاز

### راه‌حل‌های کارگروه تخصصی پایانه‌های صادراتی محصولات کشاورزی

ایجاد پایانه‌های صادراتی از جمله اقداماتی است که از سال ۱۳۸۳ توسط سازمان توسعه تجارت در دستور کار قرار گرفته است. پایانه‌های صادراتی را می‌توان در زمره زیرساخت‌های مهم با رویکرد صادراتی طبقه‌بندی کرد که با هدف کاهش هزینه‌های صادراتی، تسهیل در دسترس‌سازی صادرکنندگان به بازارهای جهانی و افزایش رقابت‌پذیری محصولات تولید داخل معرفی شده‌اند. بسیاری از کشورها عمدتاً از طریق استراتژی توسعه صادرات و نفوذ در بازارهای جهانی موفق به حفظ و تقویت رشد مداوم اقتصادی خود شده‌اند و پایانه‌ها تسهیل تجارت و ساماندهی مراکز توزیع و تجارت در سطح منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی است، به‌طوری که با فراهم شدن همه زیرساخت‌های فیزیکی و نرم‌افزاری مورد نیاز در پایانه‌ها، امکان مدیریت توزیع در سطح شهر، منطقه و کشور از یک سو و توسعه صادرات محصولات کشاورزی با استفاده از ظرفیت همه مناطق کشور به صورت مطلوب از سوی دیگر فراهم شده و بهره‌وری در سطح بنگاهی، بخشی و ملی از این طریق ارتقا می‌یابد. لازم به ذکر است که یک پایانه مرکزی باید به‌عنوان یک شخصیت حقوقی مجزا و بی‌طرف مدیریت شود که این خود می‌تواند امری حیاتی برای این مقوله باشد. (به‌منظور ایجاد هم‌افزایی و همکاری تجاری، مدیریت این مراکز باید به عهده یک شخصیت واحد حقوقی بی‌طرف باشد و ترجیحاً با مشارکت دولت و بخش خصوصی اداره شود).

۱- سرمایه‌گذاری‌های شبکه سیستم کامل نرم‌افزار و سخت‌افزار مدرن در پایانه مرکزی می‌تواند به‌جای خدمات‌رسانی به تقاضاهای هر مبدأ و هر مقصد با ایجاد لینکی مستقیم و از طریق مجموعه‌ای کوچک‌تر از این

لینک‌ها بین مبدأها، مقصدها و پایانه‌های (استانی، شبکه صادرکنندگان دارای کد صادراتی و تولیدکنندگان دارای کد) یا بین مجموعه‌ای از پایانه‌ها به خدمات‌رسانی بپردازد.

۲- به‌روزرسانی قوانین و مقررات و دستورالعمل‌ها، سازمان حفظ نباتات، گمرک، بیمه، سیستم تسهیلات محصولات صادراتی سریع الفساد.

۳- حمایت و مسئولیت‌پذیری کامل دستگاه‌های اجرایی دولت (وزارت جهاد کشاورزی، وزارت بازرگانی، سازمان حفظ نباتات، گمرک، سازمان توسعه صادرات جهت اجرای قوانین و مقررات و دستورالعمل‌ها برای تسریع در صادرات محصولات فسادپذیر).

۴- اصلاح ساختار و سرمایه‌گذاری و حمایت (از مزرعه تا پایانه) از سیستم حمل و نقل (از پایانه تا کشور مقصد) (قطار، کشتیرانی، خودرو، هواپیمای مجهز به سیستم برودتی) و استاندارد.

۵- انسجام و هم‌افزایی سیستم‌های سردخانه استاندارد موجود برای کاهش ضایعات و افزایش کیفیت محصولات.

۶- حمایت بانک‌ها و صندوق‌های اعتباری و شرکت‌های بیمه از محموله‌های صادراتی کددار تا کشور مقصد.

۷- حمایت و ارائه قوانین و مقررات و دستورالعمل‌های صادراتی کشورهای ذی‌ربط توسط وزارت امور خارجه.

۸- مسئولیت پشتیبانی و حمایت از صادرات در سیستم‌های دولتی و بخش خصوصی (از تولید تا صادرات).

۹- تأسیس یا ایجاد پایانه‌های صادراتی در مناطق مهم کشاورزی. در حال حاضر، ایجاد پایانه صادراتی برای برخی محصولات تخصصی کشاورزی از جمله گل و گیاه توسط اتحادیه گل و گیاه کشور و به‌صورت مدرن در دست اقدام است.

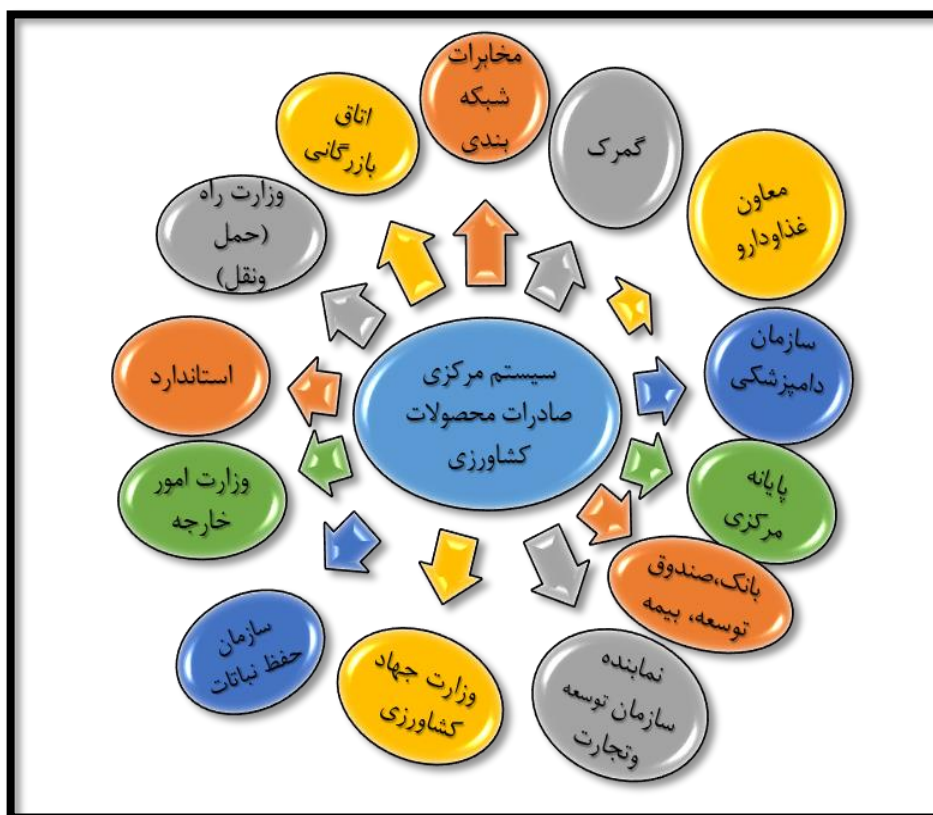
## ۱۰- خروجی‌های مطالعه و کاربری آن‌ها

خروجی این مطالعه شامل تدوین یک گزارش جامع مشتمل بر راهکارهای اجرایی برای هم‌افزایی و تحقق ماده ۳۳ قانون برنامه ششم قانون برای تولید محصولات کشاورزی و صادرات به کشور هدف است. شاکله این گزارش بر اساس جلسات متعدد با خبرگان نهادی و فعالان بخش خصوصی در زمینه صادرات و گزارش‌های صادرکنندگان بنا شده و بر اساس وظایف سازمان برنامه و بودجه، با حضور بخش‌های تولیدی و صادرکنندگان و سازمان‌های ذی‌ربط و به‌منظور مشارکت حداکثری در چارچوب اهداف تولید کشاورزی قوام یافته است.

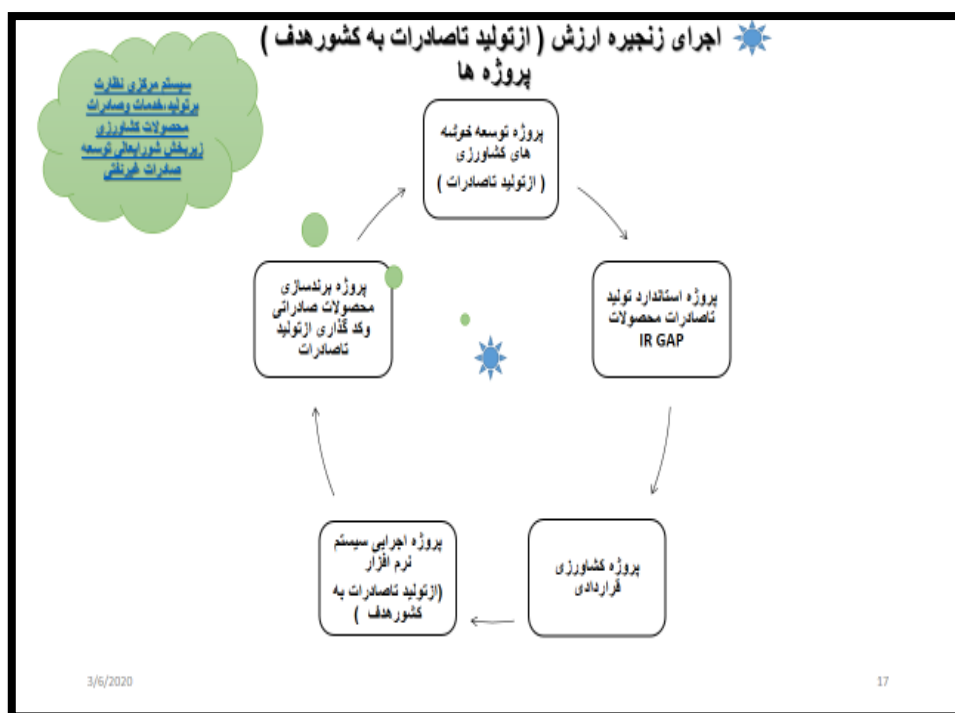
همچنین خروجی‌های گزارش کنونی بر مبنای پیگیری جلسات به استناد اسناد بالادستی در اقتصاد مقاومتی و منشور پروژه‌های برنامه ملی (پیشبرد برون‌گرایی اقتصاد)؛ به استناد بند ۱۰ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی (۱) و شناسایی کالاها و خدمات صادراتی دارای مزیت رقابتی کشاورزی به استناد بند ۱۰ سیاست‌های اقتصاد مقاومتی (۲)، پیگیری اجرای ماده ۳۳ قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه که به‌نوعی مبنای روش‌شناختی مطالعه کنونی را تشکیل می‌دهد، تعیین شواهد و ضرورت‌های توسعه تولید و صادرات کشاورزی با توجه به تسهیلگری بر اجرای خوشه‌های کشاورزی (از تولید تا صادرات به کشور هدف)؛ نقش برندسازی در صادرات محصولات کشاورزی؛ و تعیین محصولات غیراستراتژیک مشمول برند (GAP) در طول برنامه پنج‌ساله ششم توسعه است. به‌واقع نقش برندسازی در

افزایش تولید و صادرات کشاورزی و مطالعه بایسته‌های آن مبنای روشی مطالعه حاضر است. مطابق نمودار ۳ تسهیلگری در اجرای خوشه‌ها (توسط بخش خصوصی از تولید تا صادرات (GAP) با توجه به مجموعه به هم پیوسته‌ای از عوامل بررسی خواهد شد. همچنین قواعد تسهیلگری در خوشه‌ها توسط بخش خصوصی (از تولید تا صادرات) طی مراحل ۱۰ گانه زیر در قالب پنج پروژه پیکره‌بندی خواهد شد.

- ۱- ساختار اجرایی خوشه‌ها در کشاورزی؛
- ۲- ضرورت نظارت دولت بر هم‌افزایی بخش اجرایی (دولت و بخش خصوصی) و متعهد بودن به خوشه‌ها و ضرورت تجهیز خوشه‌ها به سیستم شبکه و نرم‌افزار و سخت‌افزار برای نظارت و کنترل اجرا؛
- ۳- اصلاح قوانین و مقررات بهداشتی و قرنطینه در چارچوب GLOBAL GAP؛
- ۴- اجرای دقیق واگذاری کد ره‌گیری به تولیدکنندگان، شرکت‌های صادراتی و پایانه‌ها؛
- ۵- تعیین نقش بخش خصوصی و تشکل‌ها؛
- ۶- تشکیل کارگروه نظارت بر (تولید تا صادرات) محصولات کشاورزی؛
- ۷- انتقال بخشی از وظایف (حاکمیتی) به بخش خصوصی؛
- ۸- اجرای قوانین استاندارد GLOBAL GAP از تولید تا صادرات در طول برنامه ششم؛
- ۹- اجرای کشاورزی قراردادی از تولید تا صادرات به کشور هدف.



نقشه ۳: سیستم مرکزی صادرات محصولات کشاورزی



نقشه ۴: اجرای زنجیره ارزش

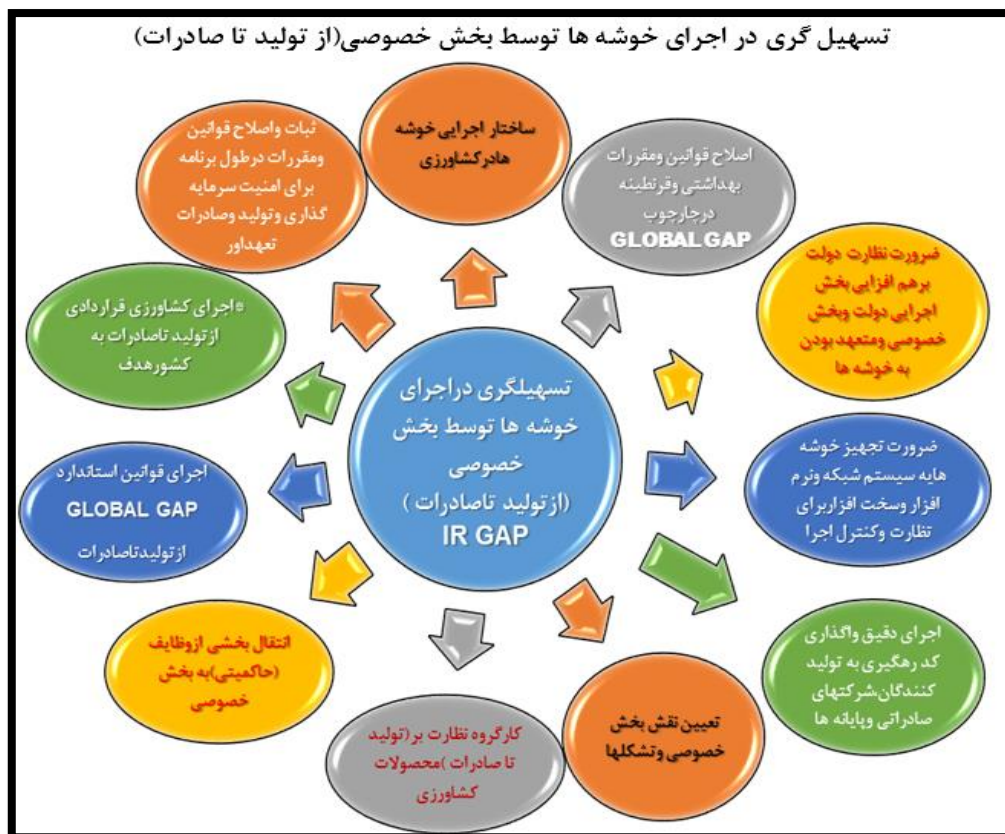
ضروری است پنج راهکار زیر که به صورت خلاصه مطرح می‌شود توسط دستگاه‌های اجرایی جهت تحقق اهداف در اجرای زنجیره ارزش عملیاتی گردد:

- ۱- راهکار توسعه خوشه‌های کشاورزی (از تولید تا صادرات به کشور هدف)؛
- ۲- راهکار استاندارد تولید تا صادرات محصولات IR GAP؛
- ۳- راهکار کشاورزی قراردادی؛
- ۴- راهکار اجرایی سیستم نرم‌افزار (از قبل از تولید تا صادرات به کشور هدف)؛
- ۵- راهکار برندسازی محصولات کددار از تولید تا صادرات.

راهکار توسعه خوشه‌های کشاورزی (از تولید تا صادرات به کشورهای هدف) (تسهیلگری در خوشه‌ها)

تسهیلگری کمک به یک فرد یا گروه یا سازمان برای تصمیم‌گیری است. کمک برای اینکه آن‌ها می‌خواهند چه چیزی را با کمک یکدیگر به دست آورند؟ چگونه می‌خواهند این کار را انجام دهند؟ البته سبک تسهیلگری می‌تواند مستقیم یا غیرمستقیم باشد.





نقشه ۵: تسهیل‌گری در اجرای خوشه‌ها توسط بخش خصوصی

### ارائه راهکار برای تدوین خوشه‌های تولید، تأمین و صادرات محصولات کشاورزی خوشه‌های کشاورزی

با پیروی از این مدل، سازماندهی خوشه‌های کشاورزی به درجاتی از مؤثر بودن، بهره‌وری بالا و انعطاف‌پذیری رسیده و می‌تواند موجبات موفقیت چشمگیر در صحنه تولید تا صادرات به کشور هدف و تمرکز ثروت، سرمایه‌گذاری مجدد و ایجاد اشتغال قابل توجه در این مناطق را فراهم آورد.

خوشه کشاورزی عبارت است از تمرکز مجموعه‌ای از واحدهای همگن بخشی که در یک منطقه جغرافیایی با توجه به توانمندی‌های خاص زنجیره تولید کشاورزی و صنعتی آن مناطق (Embedded knowledge) توأم با دانش، گرد هم آمده و با ایجاد شبکه‌های ارتباطی منظم بین خود نه تنها قدرت چانه‌زنی مجموعه را در تأمین مواد اولیه و قطعات و ماشین‌آلات بالا می‌برد، بلکه زمینه‌های فعال‌سازی فرایند یادگیری از یکدیگر، ارتقاء کیفیت محصولات واسطه‌ای و طراحی فنون جدید و اعمال مداوم نوآوری در روش‌های تولید و محصولات جدید از یک طرف و دستیابی به مقیاس‌های قابل رقابت در صحنه بین‌المللی را از طرف دیگر فراهم می‌سازد.

بنابراین، استراتژی توسعه منطقه‌ای و استانی بر استراتژی توسعه تک تک بنگاه‌ها از طریق حضور در خوشه‌ها تأثیر گذاشته و در یک فرایند وابستگی و تعامل متقابل با ایجاد و تقویت روابط میان واحدهای تولیدی و شرکتی

(Interfirm Relation)، زمینه‌های جریان یافتن مستقیم و بدون واسطه اطلاعات بین بنگاه‌ها را فراهم آمده و ترکیبی برای رقابت و همکاری موفق مجموعه‌های کشاورزان و صادرکنندگان به وجود می‌آورد. بدین ترتیب توسعه خوشه‌ها و تقسیم کار بین بنگاه‌ها بر اساس تخصص‌های آن‌ها، خوشه‌ها را تبدیل به نقاط جذب نوآوران و نیروی کار متخصص و دیگر کارگزاران اقتصادی می‌سازد.

### مزایای ناشی از تشکیل خوشه‌ها را می‌توان به شرح زیر خلاصه نمود:

- ۱- خوشه، مکان ارتقاء تولید و صادرات است که از دیرباز در آنجا توانمندی‌های لازم چون سرمایه‌های اجتماعی، فیزیکی و انسانی وجود داشته است.
- ۲- در خوشه‌ها تقسیم کار بین شرکت‌ها و واحدهای اقتصادی بر اساس تخصص‌های بالا صورت می‌گیرد.
- ۳- در خوشه‌ها شبکه اطلاع‌رسانی بسیار مؤثری (Information Network) می‌تواند فعال باشد.
- ۴- بدون ادغام‌های پرهزینه عمودی و افقی، خوشه‌های کشاورزی زمینه رسیدن به مقیاس بالا را فراهم می‌سازند.
- ۵- خوشه‌ها موجبات افزایش قدرت رقابت‌پذیری صادراتی در بازارهای جهانی را به وجود می‌آورند.
- ۶- خوشه‌ها موجب بروز و رشد شبکه‌ای کار کردن در عرصه تولید و تبدیل آن به فرهنگ عمومی می‌گردند.
- ۷- خوشه ضمن فعال کردن فرایند یادگیری<sup>۱</sup> کشاورزی از یکدیگر، موجب تسریع و تبدیل آن به فرهنگ حاکم بر تولید می‌شود.
- ۸- خوشه‌ها موجب افزایش پروسه تطبیق با نوآوری‌ها و روحیه ابداع می‌گردند.
- ۹- خوشه‌ها بستر مناسب همکاری بین بخش خصوصی و سازمان‌های پشتیبانی‌کننده عمومی در پیاده کردن استراتژی توسعه محلی و منطقه‌ای هستند.
- ۱۰- خوشه‌سازی بسیج منابع مالی و انسانی را تسهیل می‌کند.
- ۱۱- در خوشه‌سازی سرمایه‌گذاری به مراحل کوچک و با ریسک پایین تقسیم می‌شود و بستری برای صعود و بالندگی شرکت‌های کوچک فراهم می‌آورد.
- ۱۲- مهم‌ترین ویژگی خوشه‌ها که اثرات دستیابی به کارایی جمعی است: شکل‌گیری پیوندهای پیشین و پسین بین شرکت‌های درون خوشه است که تبادل قوی اطلاعات بین شرکت‌ها، نهادها و افراد در درون خوشه‌ها که محیطی خلاق و نوآور پدید می‌آورد.
- ۱۳- وجود شبکه‌های تجاری و پیوندهای تجاری کارآمد با بازارهای بزرگ و دوردست.
- ۱۴- شکل‌گیری هویت اجتماعی و فرهنگی که دربردارنده ارزش‌های مشترک است و قرار گرفتن نقش‌آفرینان محلی در محیط محلی که اعتماد متقابل را تسهیل می‌کند.

### عوامل مؤثر در سازماندهی موفق خوشه‌های کشاورزی

چنانکه ذکر شد خوشه مدلی از سازماندهی روابط تولیدی-صادراتی است که از همکاری بنگاه‌های کوچک و متوسط به نیازهای کارآفرینان، مشکل اشتغال و همچنین جهانی شدن رقابت پاسخ داده و در مناطق جغرافیایی مختلف و با توجه به استراتژی توسعه استانی شکل می‌گیرد. از آنجاکه خوشه‌ها ساختارهای کشاورزی منبعت از خاستگاه‌های خاص جغرافیایی هستند جنبه‌های تاریخی، فرهنگی و اجتماعی در آن‌ها قوی بوده و بنابراین در الگوبرداری و انتقال تجربیات باید به عوامل فوق‌الذکر توجه خاص مبذول داشت. با مطالعه این پدیده، عوامل و ارکان مؤثر در موفقیت آن به قرار زیر شناسایی شدند:

- تقویت زمینه‌های همکاری بین خوشه‌های کشاورزی و صنایع کوچک و متوسط با تشویق آن‌ها به ایجاد تشکل‌های صنفی-تولیدی و صادراتی و اقتصادی.
  - توجه به نوآوری به‌عنوان پدیده‌ای اجتماعی که ثمره فعال شدن روابط میان بنگاهی و فرایند یادگیری از یکدیگر و محیط اطراف است. در این دیدگاه، اقتصاد یادگیرنده<sup>۱</sup> برآمده از ترکیب فناوری‌های جدید اطلاعات، تخصص‌های قابل انعطاف و نوآوری است.
  - با ایجاد یا فعال کردن کانال‌های ارتباطی بین بخش خصوصی و بخش دولتی. از طریق این راهکار، فرایند تصمیم‌سازی از پایین به بالا فعال می‌شود و ضمن اینکه سیاست‌های اتخاذ شده از طرف مسئولین به سبب لحاظ نمودن خواسته‌های بخش خصوصی و دستگاه حاکمیتی از قوام و پختگی و اثرگذاری بیشتری برخوردار خواهد شد، سیاست‌های قبلی نیز مورد نقد و بررسی قرار گرفته و هنگام اجرا تصحیح می‌گردند.
  - ایجاد و یا تقویت نهادهای واسطه‌ای با مرتبط ساختن تشکّل‌ها به نهادهایی چون شوراهای مشورتی، شوراهای محلی و مراکز نوآوری فعالیت‌های اقتصادی<sup>۲</sup> از طریق ارائه تسهیلات مالی و اعتباری، خدمات صادراتی و علی‌الخصوص آموزش، زمینه‌های رشد و توسعه خوشه را فراهم می‌آورد.
- چارچوب تشکیل یک خوشه بر چند اصل مبتنی است:

- اول، وجود شرکت‌های اقتصادی در عرض و طول یکدیگر.
- دوم، وجود نهادهای ملی و محلی هماهنگ‌کننده و ارتباط‌دهنده
- سوم، وجود قوانین و مقررات تسهیل‌کننده ارتباط.

### خوشه‌های کشاورزی و عناصر تشکیل‌دهنده آن

رویکردی جدیدی که امروزه در مباحث توسعه کشاورزی منطقه‌ای مطرح گردیده، از نظرات پرو و هیرشمن جامع‌تر است. در این رویکرد مناطق بسته به مزیت‌های طبیعی، انسانی، سازمانی و یا تشکیلاتی موجود باید توجه جدی به توسعه تعداد محدودی از خوشه‌ها داشته و ابعاد مختلف سازماندهی این خوشه‌ها را تسهیل کنند. در این صورت است که می‌توانند در بازارهای ملی و بین‌المللی موفق عمل کرده و بخش‌های با ارزش‌تری از زنجیره ارزشی کالاهای

1. Learning economy  
2. Business Innovation Centres

مرتبط را در اختیار بگیرند و قادر به اصلاح و نوسازی ساختارهای موجود در مقابل فراز و نشیب‌های جهانی باشند. ضمناً خوشه‌های کشاورزی مبتنی بر فناوری پایین دارای سطوح پایین‌تری از تخصص و همکاری درون خوشه‌ای‌اند و در مقابل خوشه‌های کشاورزی دارای فناوری برتر درجه تخصص و همکاری افزایش می‌یابد. نقش خوشه‌ها را می‌توان از زاویه هزینه‌های مبادله نیز نگریست. هزینه‌های جستجوی اطلاعات، تضمین قراردادها، اجرای تعهدات و انجام مبادلات، هر یک بخشی از هزینه‌های مبادله‌اند. وجود هر نوع هزینه‌ای از این دست به معنای صورت نگرفتن بخشی از معاملات و عدم امکان انجام بعضی فعالیت‌های اقتصادی است، لذا کاهش هزینه‌های مبادله، معادل با رونق فعالیت‌ها است.

#### خصوصیات خوشه موفق

- ۱- تمرکز در یک منطقه جغرافیایی؛
- ۲- وجود ارتباط درون شرکت و درون صنعت کشاورزی بین شرکت‌های عضو؛
- ۳- در طول هم قرار گرفتن شرکت‌ها در درون خوشه (ارتباطات عمودی)؛
- ۴- وجود سازمان‌های غیرتجاری در کنار شرکت‌های تجاری در درون یک خوشه؛
- ۵- همکاری بین شرکت‌ها و انجام اقدامات مشترک و جمعی؛
- ۶- وجود رقابت بین اعضا؛
- ۷- هم رشته بودن شرکت‌ها در یک شاخه یا دسته صنعت کشاورزی خاص (تشکیل زنجیره ارزش)؛
- ۸- وجود تهدیدها و فرصت‌های مشترک برای شرکت‌های درون خوشه؛
- ۹- پیدایش خدمات تخصصی فنی، مدیریتی و مالی در خوشه؛
- ۱۰- وابستگی به یک منطقه خاص جغرافیایی - اقتصادی؛
- ۱۱- برهم‌افزایی رقابت و همکاری در خوشه؛
- ۱۲- کارایی جمعی و بهره‌برداری از صرفه‌های اقتصادی بیرونی؛

#### تصمیم‌گیری راهبردی توسعه خوشه

موضع‌گیری خوشه‌ای به‌عنوان بهترین راه‌حل برای حمایت از کشاورزان برای به دست آوردن موقعیت رقابتی لازم برای حفظ کسب و کار خود، شناسایی شده است. به این ترتیب، فرصت‌های شغلی تمام وقت بیشتری فراهم می‌شود، به‌خصوص در مناطق روستایی که خوشه‌های مورد حمایت آنجا قرار گرفته‌اند.

- خوشه به گروهی از کشاورزان با دارایی کوچک اشاره دارد- که در خرید گروه برای نیازهای ورودی مشترک هستند- فروش مشترک به یک خریدار و- مذاکرات مشترک و- به اشتراک‌گذاری اجناس، در حالی که یک سیستم لجستیکی بسته مرکزی بیشتر به تشکیل چنین خوشه موفقیت‌آمیز کمک می‌کند. چنین خوشه‌ای همچنین می‌تواند تعاونی را به‌عنوان یک نهاد قانونی ایجاد کند.

- خوشه در عام‌ترین مفهوم، به تمرکز مکانی فعالیت‌های اقتصادی در زمینه‌ای خاص اشاره می‌کند. آنچه سبب می‌شود که خوشه‌ها این چنین مورد توجه سیاست‌گذاران قرار گیرند، فرصت‌های مربوط به کارایی جمعی است که از

صرفه‌های اقتصادی بیرونی، پائین بودن هزینه‌های معاملاتی و اقدام جمعی سرچشمه می‌گیرد. به این ترتیب، صرفاً تجمع مکانی شرکت‌هایی که ارتباط با یکدیگر ندارند، نمی‌تواند کارایی جمعی را افزایش دهد؛ این تعاملات و اثرات بیرونی مورد توجه است. بنابراین، خوشه مجموعه‌ای نسبتاً بزرگ از بنگاه‌های اقتصادی است که در محدوده مکانی خاصی قرار دارند، پیشینه تخصصی مشخص دارند و در آن (خوشه)، تجارت بین شرکت و تخصص شرکت چشم‌گیر است.

– یک خوشه مجموعه‌ای از شرکت‌ها، سازمان‌ها، تشکلهای و نهادهای تخصصی فعال در یک رشته کشاورزی است که از طریق روابط متراکم شبکه‌ای قادر به هم‌افزایی قابلیت‌های آن مجموعه می‌شود. خوشه‌های کشاورزی عموماً در یک مقیاس جغرافیایی شهری یا منطقه‌ای شکل می‌گیرد و دارای ویژگی‌های متعدد و مشخصی هستند.

– یک خوشه کشاورزی مجموعه‌ای از شرکت تجاری و غیرتجاری متمرکز در یک مکان جغرافیایی در یک منطقه اقتصادی را شامل می‌شود که برای تولید یک یا چند محصول نهایی مشابه و مرتبط برای کسب صرفه‌های اقتصادی بیرونی با یکدیگر ارتباطات عمودی و افقی برقرار کرده و ضمن رقابت با یکدیگر در بسیاری از موارد همکاری جمعی و اقدامات مشترک دارند. ارتباط درونی این شرکت کاهش‌دهنده هزینه‌ها و تسهیل‌کننده؛ دسترسی به نهاده‌ها، دانش و فناوری تولید، بازارهای فروش و تأمین نیازهای مشتری خواهد بود.

– در درون خوشه یک سری همکاری بین اعضا و شرکت‌های خوشه وجود دارد. در داخل خوشه رقابت نیز وجود دارد این رقابت می‌تواند بین اعضای خوشه به صورت پیشرفته‌ای در بازارهای بین‌المللی باشد. ولی نکته مهم این است که کاهش رقابت بین اعضا مهم‌ترین هدف توسعه خوشه است. ایده کاهش رقابت به معنی اطمینان شرکت‌های برای همکاری بیشتر خوشه برای دستیابی آسان به نهاده‌های تجاری است.

تحقق اهداف فوق در خوشه رقابت برون خوشه‌ای را تسهیل می‌کند و نیز رقابت‌های بین‌المللی آماده می‌کند.

نقش رقابتی بودن خوشه‌ها برای بهره‌وری در کشاورزی حیاتی است. رقابت‌های جدید مبتنی بر بهره‌وری است نه دسترسی به عوامل تولید و یا اندازه تک‌تک بنگاه‌ها. بهره‌وری به چگونگی رقابت شرکت‌ها متکی است نه زمینه‌های ویژه‌ای که آن‌ها در آن رقابت می‌کنند. اگر شرکت‌ها روش‌های پیچیده‌ای را به کار بگیرند و از فناوری پیشرفته استفاده کنند و محصولات و خدمات منحصر به فردی ارائه دهند، می‌توانند در هر صنعتی از جمله کشاورزی یا نیم‌رساناها، کاملاً بهره‌ور باشند. تمامی بخش کشاورزی می‌تواند از فناوری پیشرفته استفاده کند و دانش‌افزا باشد. با وجود این، کیفیت محیط کسب و کار محلی، میزان پیچیدگی کار شرکت‌ها را که در یک مکان خاص رقابت می‌کنند به شدت تحت تأثیر قرار می‌دهد. در اقتصادهای پیشرفته، جنبه‌های بنیادی‌تر محیط کسب و کار ویژگی خوشه‌هاست؛ این امر برخی از مهم‌ترین زیرساخت‌های اقتصاد خرد را برای رقابت تشکیل می‌دهد.

خوشه از سه طریق، رقابت را تحت تأثیر قرار می‌دهند:

۱- با افزایش بهره‌وری مبتنی بر محل استقرار شرکت‌ها؛

۲- با هدایت سریع پیشرفت نوآوری‌ها که رشد بهره‌وری آتی را تضمین می‌کند؛

۳- با ترغیب تشکیل کسب و کارهای جدید که این امر خوشه را نیز توسعه می‌دهد و تقویت می‌کند؛

هر خوشه به اعضای خود این امکان را می‌دهد که بدون از دست دادن انعطاف‌پذیری خود به نحوی عمل کند که گویی از مقیاس بزرگ‌تری برخوردار است و به شرکت‌های دیگر پیوسته است.

#### رقابت‌پذیری و تشکیل انواع صرفه‌های اقتصادی در خوشه‌ها

هر نوع صرفه اقتصادی با کاهش هزینه تولید همراه است و رقابت‌پذیری با کاهش هزینه‌ها رابطه‌ای دوسویه دارد. هرچند عوامل متعددی در رقابت‌پذیری نقش دارند، ولی محوری‌ترین عنصر آن تولید با کمترین هزینه است. خوشه‌های کشاورزی با تدارک انواع صرفه‌ها، به کاهش هزینه‌ها کمک می‌کنند.

در اقتصاد منطقه‌ای علت عمده توسعه مناطق کشاورزی و تشکیل تشکلهای کشاورزی را وجود صرفه‌جویی‌های ناشی از تجمع واحدها می‌دانند که در اثر آن‌ها عوارض جانبی مثبت در تولید شکل گرفته و هزینه تولید بنگاه در اثر افزایش تولید بنگاه‌های دیگر کاهش می‌یابد. این‌گونه صرفه‌جویی‌ها زمانی روی می‌دهد که هزینه‌های تولید تشکلهای در یک بخش کشاورزی خاص با افزایش تولید آن کاهش یابد. برای تحقق صرفه‌جویی‌ها، تشکلهای کشاورزی باید در کنار هم قرار گیرند.

چند نوع عمده صرفه‌جویی که تشکلهای خوشه‌ای امکان بهره‌برداری از آن‌ها را در تشکلهای عضو به وجود می‌آورند عبارتند از:

- ۱- صرفه‌های ناشی از نقل و انتقال؛
- ۲- صرفه‌های تولید در مواد واسطه؛
- ۳- صرفه‌های داخلی ناشی از مقیاس برای بنگاه؛
- ۴- صرفه‌های ناشی از شهرت؛
- ۵- صرفه‌های خارجی ناشی از مقیاس برای (تشکلهای) بنگاه‌های داخلی برای کشاورزی؛
- ۶- صرفه‌های خارجی ناشی از مقیاس یا صرفه‌های شهری؛
- ۷- صرفه‌های ناشی از نیروی کار؛
- ۸- صرفه‌های ناشی از ارتباطات؛
- ۹- صرفه‌های ناشی از ارائه خدمات پشتیبانی؛
- ۱۰- صرفه‌های ناشی از وجود عوامل زیربنایی مکانی؛
- ۱۱- صرفه‌های ناشی از تسهیلات دولتی؛
- ۱۲- صرفه‌های ناشی از جریان اطلاعات؛
- ۱۳- صرفه‌های ناشی از شکل‌گیری فعالیت‌های مکمل؛
- ۱۴- صرفه‌های ناشی از نقل و انتقال؛
- ۱۵- صرفه‌های تولید در مواد واسطه؛
- ۱۶- صرفه‌های داخلی ناشی از مقیاس برای بنگاه.

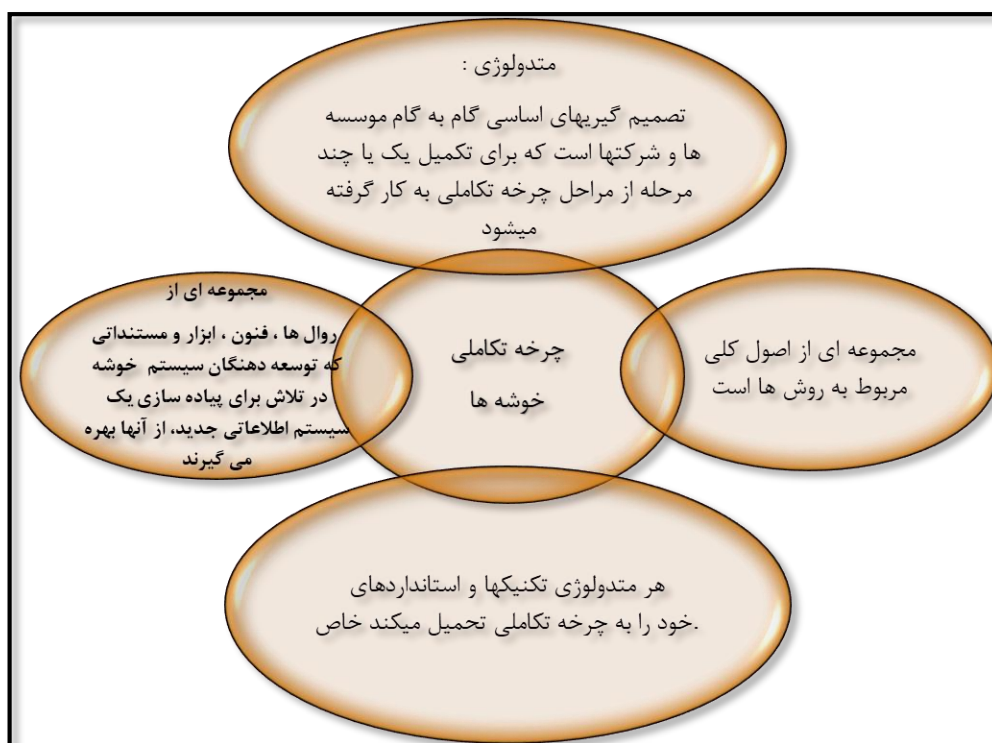
هرکدام از عوامل فوق، سهم مهمی در ایجاد توان رقابتی دارند. بر این اساس با ایجاد این صرفه‌ها و وجود همزمان عنصر رقابت و همکاری، خوشه‌ها بار معنایی عباراتی چون صرفه‌های اقتصادی بیرونی، پایین بودن هزینه‌های معاملاتی و اقدام جمعی را بر دوش کشیده که منجر به افزایش کارایی جمعی می‌شود. ضمناً ادبیات گسترده‌ای در مورد نحوه شکل‌گیری انواع این صرفه‌ها وجود دارد که می‌تواند مورد توجه قرار گیرد و خوشه‌ها در شکل‌گیری این نوع صرفه‌ها نقش مهمی را بازی می‌کنند.

با این حال عوامل داخلی زیر در موفقیت خوشه‌ها مهم شناخته شده است:

- شناسایی زمینه‌های تشکیل انجمن‌های همکاری و حمایت از آن‌ها؛
- تعهد به راهبرد تعریف شده شفاف؛
- پویایی در رقابت محلی؛
- روحیه کارآفرینی بالا؛
- تجارب تجاری خوب توسط (تشکل‌ها) بنگاه‌های منطقه؛
- دسترسی کافی به منابع مالی؛
- سرمایه‌گذاری پیوسته در یادگیری؛
- نهادهای علمی و تحقیقاتی توسعه یافته؛
- سرمایه اجتماعی بالا در خوشه.

#### متدولوژی

- چرا به دنبال متدولوژی هستیم.
- ناکارآمدی، موازی‌کاری (دستورالعمل‌های اجرایی، تولیدی، نظارتی، گمرکی و قوانین و مقررات).
- بی‌نظمی در تأمین نهادهای تولیدی و خدمات و پشتیبانی.
- آشفتگی پایانه‌ها، شرکت‌های صادراتی و تولیدی تولیدکنندگان.
- ناهماهنگی در نقل و انتقال ارز و مقررات سلیقه‌ای کشورهای هدف برای پرداخت مطالبات صادرکنندگان.
- افزایش هزینه‌های تولید تا صادرات نسبت به سقف پیش‌بینی شده.
- افزایش مدت انجام پروژه (تولید تا صادرات) نسبت به زمان برنامه‌ریزی شده.
- تولید سیستم‌هایی که نیاز واقعی کاربران را برآورده نمی‌کنند.
- عدم توانایی در توسعه آتی و یا پشتیبانی مناسب سیستم.
- حجم زیاد دوباره‌کاری‌ها و فعالیت‌های موازی و ناهماهنگ.
- نبود ساختار مناسب برای سازماندهی اجرایی و اطلاعات جمع‌آوری شده.



نقشه ۶: چرخه تکاملی خوشه‌ها

### رویکرد بنیادی در توسعه خوشه‌های کشاورزی

رویکرد بنیادی در توسعه خوشه‌های کشاورزی به‌عنوان یک سیستم اقتصادی، اجتماعی و کشاورزی، مبتنی بر دو پایه «توانمندسازی»<sup>۱</sup> و «پایداری»<sup>۲</sup> است. در توانمندسازی کوشش می‌شود قابلیت‌های خوشه مبتنی بر هنجارهای خود خوشه، شکوفا گردد؛ بنابراین زمینه‌ها، بسترها و فرصت‌های لازم برای توانمند شدن فراهم می‌شود. اما همه این موارد به‌گونه‌ای صورت می‌گیرد که در درازمدت، ذینفعان خوشه بتوانند خود را راهبری کرده و بدون نیاز به مداخله مستقیم دولت و خارجی، خود را مدیریت کنند. این امر، مستلزم آموزش و مشارکت ذینفعان در مراحل مختلف فرایند توسعه خوشه و ممارست و سعی و خطای ذینفعان خوشه در عمل است. در این صورت می‌توان به پایدار بودن فرایندها و ساختارهای شکل گرفته در خوشه به صورتی پویا، امیدوار بود.

### پرسش‌های مطرح عبارتند از:

آیا خوشه‌ها در چارچوب متدولوژی هستند؟

تعریف خوشه چیست؟

خوشه به تمرکز مکانی فعالیت‌های اقتصادی در زمینه‌ای خاص اشاره می‌کند. آنچه سبب می‌شود که خوشه‌ها مورد توجه خاص قرار گیرند:

فرصت‌های مربوط به کارایی جمعی است که از:

1. Empowerment  
2. Sustainability



- صرفه‌های اقتصادی بیرونی؛

- پائین بودن هزینه‌های معاملاتی و

- اقدام جمعی سرچشمه می‌گیرد.

بنابراین خوشه مجموعه‌ای نسبتاً بزرگ از شرکت‌های اقتصادی است که در محدوده مکانی خاصی قرار دارند، پیشینه تخصصی مشخص دارند و در آن تجارت بین شرکت و تخصص شرکت چشم‌گیر است.

یک خوشه مجموعه‌ای از شرکت‌ها، سازمان‌ها، تشکل‌ها و نهادهای تخصصی فعال در یک رشته کشاورزی است که از طریق روابط متراکم شبکه‌ای قادر بر هم‌افزایی قابلیت‌های آن مجموعه می‌شود. خوشه‌های کشاورزی، عموماً در یک مقیاس جغرافیایی شهری یا منطقه‌ای شکل می‌گیرد و دارای ویژگی‌های متعدد و مشخص است.

متدولوژی توسعه خوشه، حمایت کوتاه‌مدت دولت را به صورت زیر طلب می‌کند:

۱- انتخاب یک خوشه در چارچوب اهداف؛

۲- انتخاب عامل توسعه خوشه؛

۳- مطالعه تشخیص؛

۴- ایجاد اعتماد؛

۵- تهیه طرح عملی برای مداخله؛

۶- تصویب بودجه و کمک‌های مالی بیشتر؛

۷- پیاده‌سازی با اعتماد ساختن بین کارفرمایان خوشه و خوشه و بین بازیگر و دیگر بازیگران؛

۸- نظارت و ارزیابی؛

۹- انتقال و خروج.

برای تعاریف خوشه‌ها در متدولوژی، نکات اصلی زیر لازم است مورد توجه قرار می‌گیرد:

۱- تمرکز در یک منطقه جغرافیایی؛

۲- وجود ارتباط درون شرکت‌ها و صنعت کشاورزی و بین شرکت‌های عضو؛

۳- در طول هم قرار گرفتن شرکت‌ها در درون خوشه (ارتباطات عمودی)؛

۴- وجود سازمان‌های غیرتجاری در کنار شرکت‌های تجاری در درون یک خوشه؛

۵- همکاری بین شرکت‌ها و انجام اقدامات مشترک و جمعی؛

۶- وجود رقابت بین اعضا؛

۷- هم رشته بودن شرکت‌ها در یک شاخه یا دسته صنعت کشاورزی خاص (تشکیل زنجیره ارزش)؛

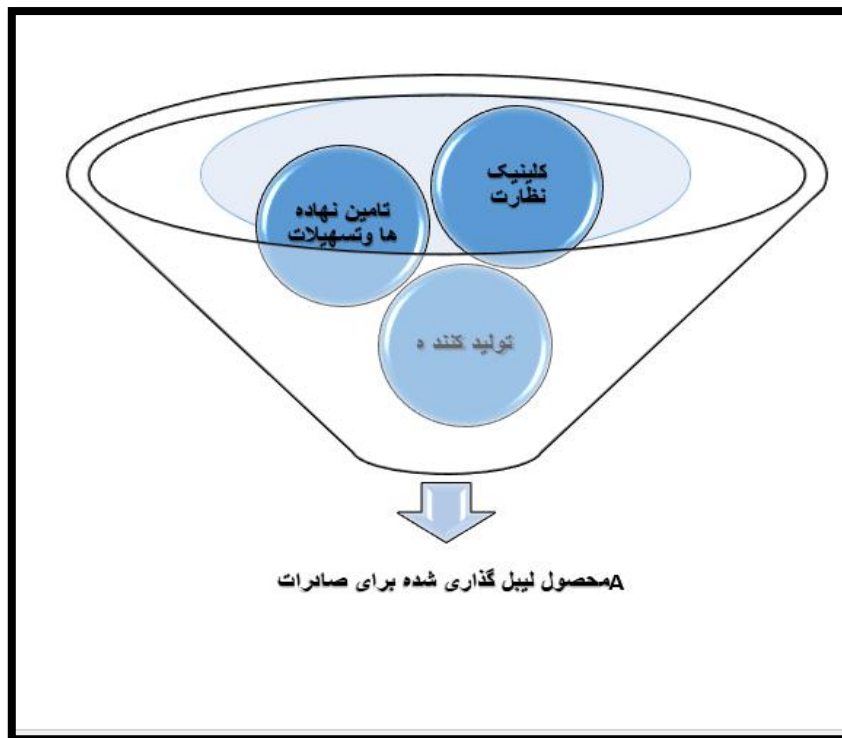
۸- وجود تهدیدها و فرصت‌های مشترک برای شرکت‌های درون خوشه؛

۹- پیدایش خدمات تخصصی فنی، مدیریتی و مالی در خوشه؛

۱۰- وابستگی به یک منطقه خاص جغرافیایی- اقتصادی؛

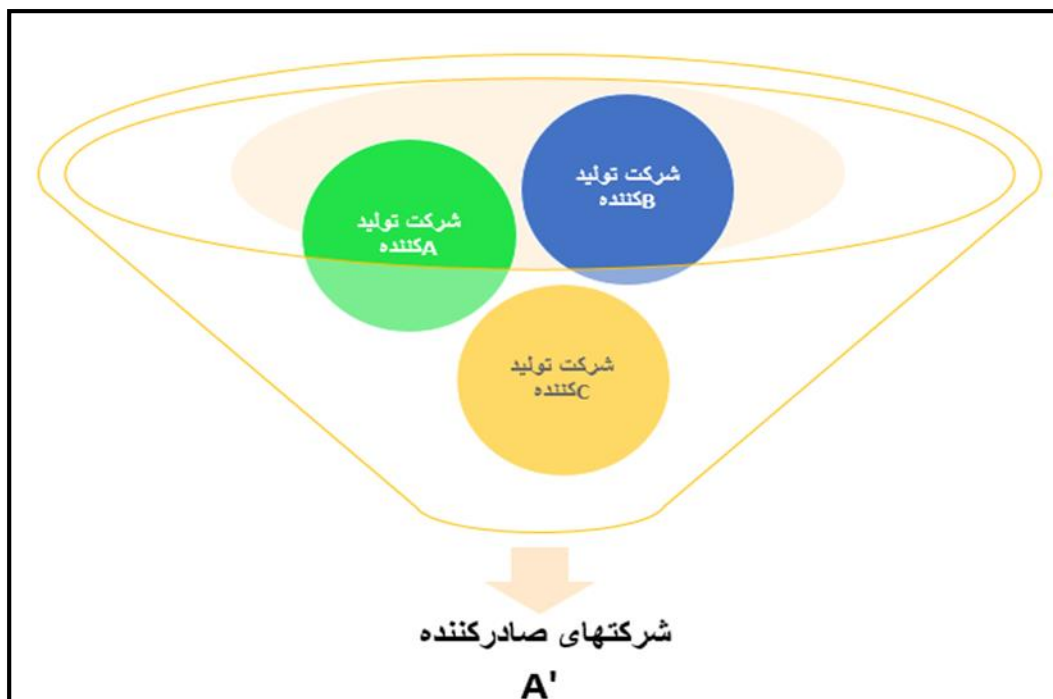
۱۱- هم‌افزایی رقابت و همکاری در خوشه؛

- ۱۲- کارایی جمعی و بهره‌برداری از صرفه‌های اقتصادی بیرونی؛  
تأثیر متدولوژی توسعه خوشه‌ها به دلایل زیر است:
- امکان دسترسی به تعداد زیادی از واحدها را فراهم می‌آورد.
  - محیطی برای یادگیری متقابل را فراهم می‌آورد.
  - ایجاد احساس نیاز به نیازمندی‌های ذی‌نفع.
  - خودپایداری برای حمایت مستمر.
  - خوشه‌ها فرصتی منحصر به فرد برای پاسخگویی به نیازهای خاص با راه‌حل‌های خاص.
  - برای بهره‌برداری از اندازه‌ها، برای فراهم‌سازی خوشه‌های اقتصاد.
  - افزایش تأثیر و گسترش پشتیبانی از مؤسسات پشتیبانی دیگر.
  - رضایت نیازهای خریداران خارجی.
- ساختار خوشه تولیدکنندگان کددار برای تحویل به صادرکننده را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:
- مسئولیت هماهنگی تولید در خوشه (شرکت تولیدکنندگان)؛
  - وظایف شرکت؛
  - انعقاد قرارداد حقوقی با تولیدکنندگان کددار؛
  - انعقاد قرارداد حقوقی با کلینیک گیاه‌پزشکی؛
  - نظارت بر تولید رعایت دستورالعمل استفاده از سموم مجاز؛
  - نظارت بر مصرف سموم و تعیین میزان باقیمانده سموم در محصولات برداشت شده؛
  - برچسب‌گذاری؛
  - تهیه بذر کود- سموم مجاز بر اساس دستورالعمل کشور هدف و تحویل به تولیدکنندگان طرف قرارداد؛
  - تهیه تنخواه یا وام برای تولیدکننده؛
  - بیمه محصولات کشاورزان؛
  - تهیه امکانات بسته‌بندی و دستورالعمل سورت ... محصول (برابر قرارداد کشور هدف).

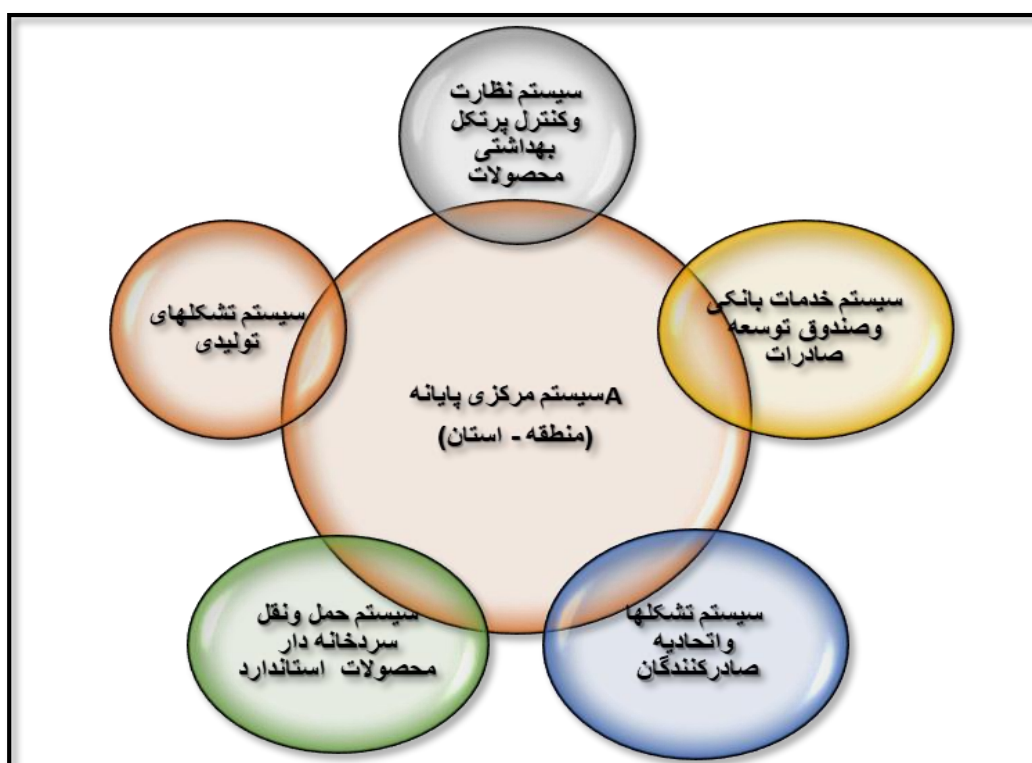


نقشه ۷: ساختار خوشه تولیدکنندگان کددار برای تحویل به صادرکننده

- ویژگی‌های شرکت‌های صادرکننده کددار را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:
- قرارداد حقوقی با شرکت‌های تولیدکنندگان محصولات کشور هدف؛
  - تأمین سرمایه اولیه برای سرمایه در گردش شرکت‌های تولیدکننده؛
  - تأمین نهادهای موردنیاز کشور هدف؛
  - ارائه دستورالعمل کشور هدف به شرکت تولیدکنندگان؛
  - تهیه دستورالعمل کنترل بهداشتی، گمرکی و ضوابط و مقررات داخل و خارج.



نقشه ۸: شرکت‌های صادرکننده کددار

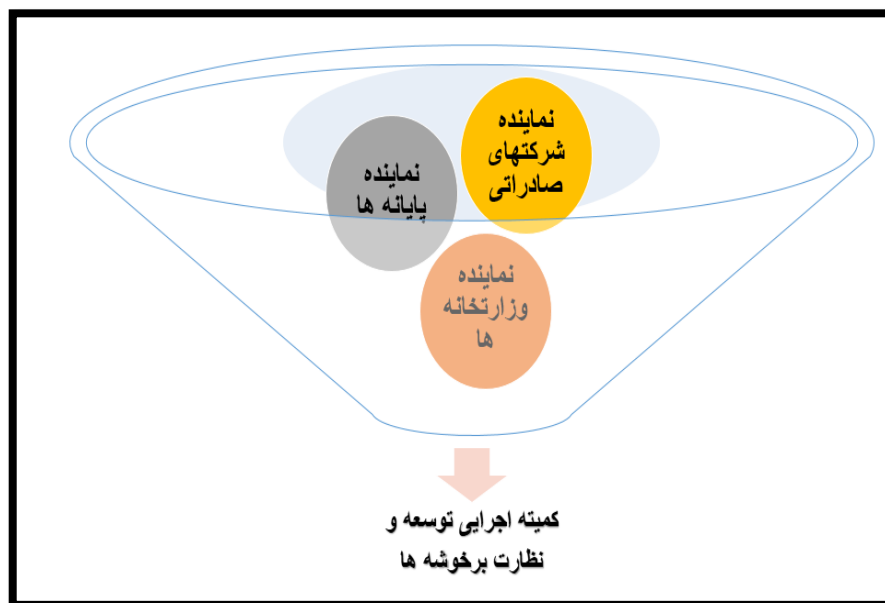


نقشه ۹: سیستم مرکزی پایانه

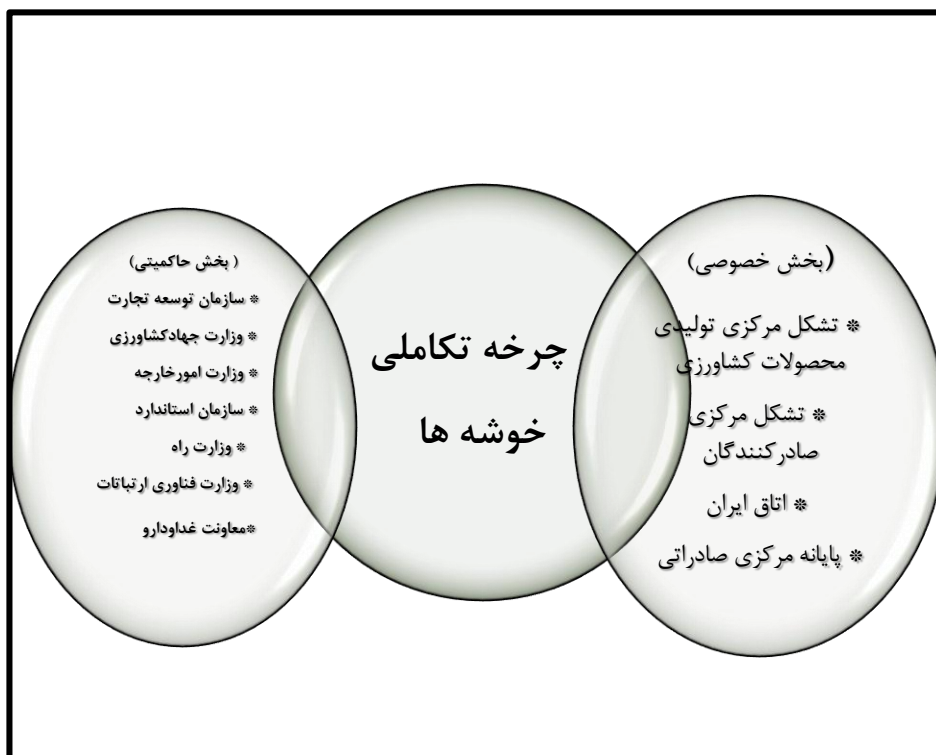
### شرکت‌های پایانه صادراتی

عمده وظایف این شرکت‌ها را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

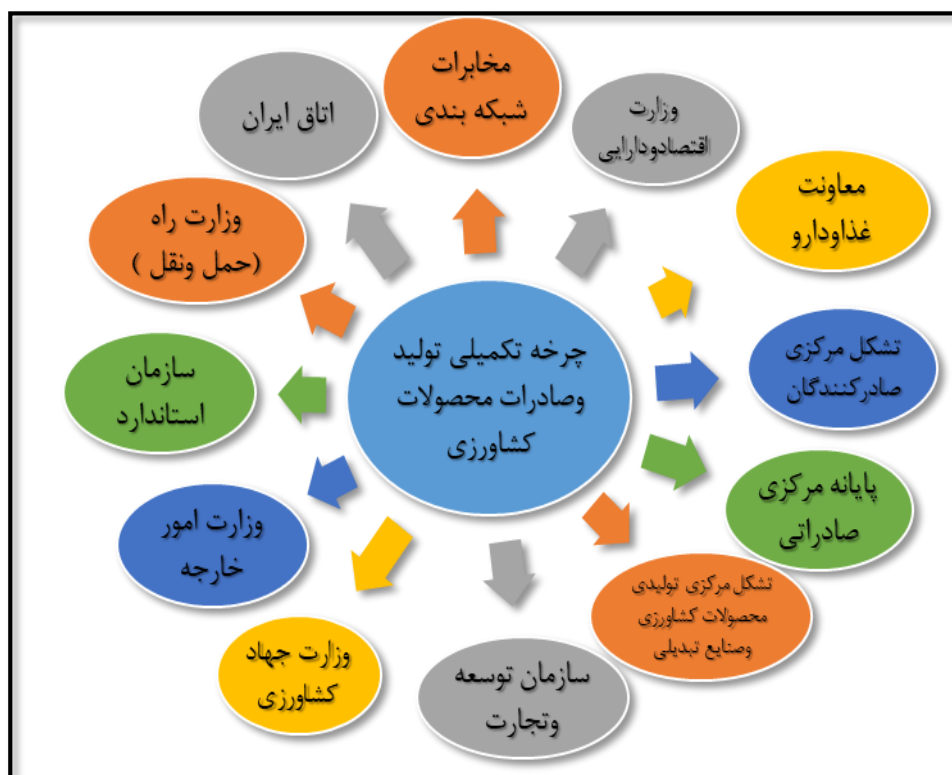
- تسهیل کنترل بهداشتی و غذایی تکمیل مدارک در چارچوب دستورالعمل ابلاغی؛
- کنترل دستورالعمل و برچسب‌ها و مقررات کشور هدف؛
- سیستم مرکزی تولید تا صادرات به کشور هدف؛
- تهیه دستورالعمل صادراتی و قوانین و مقررات، کشورهای هدف؛
- تهیه دستورالعمل اجرایی قوانین و مقررات کشور متناسب با کشور هدف؛
- تهیه دستورالعمل اجرایی بهداشتی محصولات صادراتی و سموم مجاز و باقی‌مانده سموم؛
- تهیه دستورالعمل اجرایی رعایت دقیق کدهای شناسه بین‌المللی (تولیدکنندگان، شرکت‌های تولیدکنندگان، شرکت‌های صادرکنندگان و پایانه صادراتی)؛
- راه‌اندازی شبکه کنترل و نظارت و ارزیابی تولید تا مرکز صادراتی کشور هدف؛
- تهیه دستورالعمل اجرایی تسهیلگری گمرکی متناسب با قوانین و مقررات کشور و کشور هدف.



نقشه ۱۰: کمیته اجرایی توسعه و نظارت بر خوشه‌ها



نقشه ۱۱: چرخه تکاملی خوشه‌ها



نقشه ۱۲: چرخه تکمیلی تولید و صادرات محصولات کشاورزی

## ارائه راهکار برای تدوین و اجرای استاندارد IR 'GAP

در دنیا استانداردهای معتبری در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای عملیات خوب کشاورزی تدوین شده است. جمهوری اسلامی ایران نیز از این حرکت جهانی استقبال کرده و با تأکید بر اعمال استانداردهای کنترل کیفی تولیدات و فرآورده‌های کشاورزی در آیین‌نامه اجرایی بند «ب» ماده (۶۱) قانون برنامه چهارم توسعه و تدوین قوانین برنامه پنجم توسعه، گام‌های اولیه را در این مسیر با تدوین استانداردهای ملی تولید محصولات کشاورزی بر اساس «عملیات خوب کشاورزی ایران (GAP)» گام برداشت. از سوی دیگر، از آنجایی که ملاک عمل و شاخص تشخیص سلامت محصول و آزمون میزان باقی‌مانده آلاینده‌ها در محصولات کشاورزی، انطباق آن‌ها با حدود مجاز (MRLs) است، یکی دیگر از اقدامات خوب صورت گرفته توسط وزارت جهاد کشاورزی و سازمان ملی استاندارد ایران، تدوین حدود مجاز باقی‌مانده سموم و آفت‌کش‌ها و فلزات سنگین در محصولات کشاورزی به صورت استانداردهای ملی است. اهداف نهایی استقرار GAP عبارتند از:

- به حداقل رساندن آلودگی‌های فیزیکی، شیمیایی، میکروبیولوژی در محصول به منظور تأمین امنیت و ایمنی مواد غذایی؛
- ردیابی معکوس محصول؛
- ارتقاء کیفیت، به‌ویژه کیفیت بهداشتی محصول تولیدی؛
- بهبود راندمان مصرف و کاربرد عوامل و منابع تولید؛
- کاهش مصرف ترکیبات شیمیایی در تولید؛
- به حداقل رساندن اثر تخریبی فعالیت‌های کشاورزی بر محیط‌زیست؛
- اجرای IPM در تولید محصولات کشاورزی؛
- تضمین کارفرما برای توجه به سلامت و ایمنی کارگران.

### GAP از دیدگاه سازمان خواربار و کشاورزی ملل متحد FAO:

GAP اصولی است که به فرایندهای قبل و بعد از برداشت محصول اعمال شده و به تولید محصول ایمن و سالم کشاورزی با رعایت جنبه‌های مختلف اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی پایدار منجر می‌گردد. مزایای این روش عبارتند از:

- افزایش ارزش افزوده محصولات تولیدی زارعین عمده و جزء و دستیابی به بازارهای بهتر؛
- اطمینان مشتریان از کیفیت و ایمنی فرآورده به صورت پایدار؛
- سود بیشتر تجارت و صنعت به دلیل کیفیت بالای محصولات؛
- رضایت عموم از افزایش حفاظت از محیط‌زیست.

## استانداردهای بین‌المللی و ملی موجود در زمینه GAP

استفاده از عملیات مطلوب کشاورزی در سطح جهان توسط دولت‌ها، سازمان‌های مردم‌نهاد (NGOs) و بخش خصوصی روز به روز در حال توسعه و گسترش است. تاکنون در دنیا استانداردهای معتبری در سطح ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای عملیات خوب کشاورزی تدوین شده است که از جمله مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

استاندارد عملیات مطلوب کشاورزی کشورهای عضو اتحادیه اروپا با عنوان Eurep GAP که اخیراً به‌عنوان استاندارد جهانی Global GAP شناخته شده و استاندارد بعضی از کشورها نیز به شرح زیر است:

– استاندارد جنوب شرق آسیا با عنوان ASEAN GAP.

– استاندارد عملیات مطلوب کشاورزی کشور مالزی با عنوان SALM.

– استاندارد عملیات مطلوب کشاورزی کشور تایلند با عنوان Thai GAP.

– استاندارد عملیات مطلوب کشاورزی کشور ژاپن با عنوان JGAP.

– استاندارد عملیات مطلوب کشاورزی کشور چین با عنوان China GAP.

– استاندارد عملیات مطلوب کشاورزی کشور کنیا با عنوان Kenya GAP.

– ممیزی تولید تا صادرات توسط بخش خصوصی

گواهی عملیات مناسب فرآوری،<sup>۱</sup> عملیات مناسب کشاورزی،<sup>۲</sup> تضمین کیفیت به‌تمامی واحدهای مؤثر در زنجیره تأمین غذا است.

بخش خصوصی محصولات کشاورزی را از نظر قابلیت مصرف توسط انسان و دام ارزیابی و گواهی می‌نماید. گواهی بخش خصوصی عبارتند از:

### ممیزی عملیات مناسب کشاورزی (GAP)

سیستم مشارکت داوطلبانه EurepGAP از سال ۱۹۹۶ به‌منظور هماهنگ‌سازی دستورالعمل‌های تولید و انبارش و امور مربوطه به حمل و نقل، بسته‌بندی، پخش و فروش محصولات کشاورزی در دسترس عموم قرار گرفت تا از طریق مجامع ذی‌صلاح و مستقل موجبات ایجاد انضباط بین‌المللی در شبکه تأمین مواد غذایی ایجاد شود. این سیستم باعث ایجاد ضمانت لازم جهت تعامل بین دولت‌ها، اتحادیه اروپا و تشکل‌های غیردولتی شده است. این سیستم همچنین توسط مجامع مختلف بین‌المللی تأیید و حمایت شده است. تولیدکنندگان و انبارداران محصولات کشاورزی این گواهی را که نشانه تطابق عملکرد آنان با معیارهای مربوطه می‌باشد، دریافت می‌نمایند.

### ممیزی عملیات مناسب فرآوری (GMP)

این ممیزی مربوط به مجموعه قوانینی است که در زمینه اعمال استانداردها (در زمینه غذا و ایمنی غذایی) در جهت حفظ کیفیت و ایمنی خوراک دام وجود دارد.

1. GMP  
2. GAP



- نمونه برداری، آزمون و آنالیز: این سرویس شامل برداشت نمونه شاخص توسط بازرسی بخش خصوصی است. روش های نمونه برداری مطابق با موازین و معیارهای مشخص شده در قرارداد (GAFTA) و یا سایر استانداردهای تجاری است.
- بازرسی تمیزی (مایعات، الیاف، دانه ها و مواد غذایی): این سرویس در مورد انبارهای کشتی، تانک ها، کانتینرها، واگن های قطار، کامیون ها، سایر وسایل حمل به منظور اطمینان از تمیزی آنها پیش از انتقال محموله کشاورزی در برابر هرگونه بو، مواد خارجی، کثیفی، بقایای محموله قبلی یا آفات، رطوبت قابل انجام است و به طور کامل محل مورد نظر را از نظر سلامت و تناسب بازرسی می نماید. این سرویس همچنین به محل های نگهداری مانند انبارها، سیلوها و سردخانه ها قابل ارائه است.
- نظارت بر عملیات (مایعات، الیاف، دانه ها و مواد غذایی): شامل کنترل کمیت، کیفیت، بسته بندی، نشانه گذاری و نظارت بر عملیات بارگیری و تخلیه در بنادر، کارخانه ها، انبارها، سیلوها و غیره.
- توزین و نمونه برداری در سیلوها، انبارها و مکان های نگهداری.
- نظارت دقیق اس جی اس به شما اطمینان خاطر می دهد که با کالای شما که با مقدار و کیفیت دلخواه با بسته بندی و نشانه مناسب تأیید می شود، در زمان جابه جایی به درستی رفتار می شود.
- وزن کالا مورد تأیید است و نمونه ها به درستی برداشته شده اند.
- تجزیه و تحلیل خطر و نقاط کنترل بحرانی<sup>۱</sup> (HACCP)
- دستورالعمل های اجرایی استاندارد<sup>۲</sup> (SOP)
- شرایط خوب بهداشتی<sup>۳</sup> (GHP)
- شرایط خوب ساخت<sup>۴</sup> (GMP)
- عملیات مناسب کشاورزی (GAP)
- شرایط خوب انبارداری (GSP)

#### ارائه راهکار برای اجرای قوانین کشاورزی قراردادی

سوابق تاریخی مشخصی در کشور ما از کشاورزی قراردادی یا مشابه با آن وجود دارد. ما در دو محصول پنبه و چغندر قند سوابق تاریخی مکتوب، مدون و تقریباً جامعی از فعالیت کشاورزی قراردادی به کمک تجار و شرکت های خارجی فعال در ایران داریم. سیاست توسعه کشاورزی قراردادی به عنوان یکی از رهیافت ها و مکانیسم های مؤثر در نظم بخشی مناسبات بین تولید و بازار یک الزام تاریخی کشاورزی امروز ما به شمار می رود و ملازم یک اراده سیاسی جهت گسست از شرایط گذشته است. البته در این زمینه ما دچار عقب افتادگی حقوقی بوده و سخت نیازمند قوانین

---

1. Hazard Analysis and Critical Control Point  
2. Standard Operation Procedures  
3. Good Hygiene Practice  
4. Good Manufacturing Practice

محکم و قواعد خاص معاملات (به‌ویژه با تکیه بر ابزارهای جدید مشتقه) و ساز و کارهای نهادی نظارتی در بخش کشاورزی هستیم تا پشتیبان روایی و پایایی مبادلات کالایی باشد. به‌طور معمول از نظر حقوقی، کشاورز موافقت می‌کند که مقادیر توافق شده یک محصول خاص کشاورزی را تهیه کنند. این باید با استانداردهای کیفیت خریدار و کشور هدف مطابقت داشته باشد و در زمان مشخص شده توسط خریدار تأمین شود. به‌نوبه خود، تأمین‌کننده محصولات برای صادرات نیز متعهد می‌شود که برای خرید محصول و حمایت از تولید از طرق مختلف از جمله عرضه نهاده‌ها و آماده‌سازی زمین و ارائه مشاوره فنی؛ و تسهیلات اقدام نماید.

### مدل‌های کسب و کار کشاورزی قراردادی

مدل غیررسمی: این مدل موقت و سودمند و سریع‌ترین مدل‌های کشاورزی قراردادی بر اساس اعتماد طرفین است و مشکلات خاص خود را دارد.

مدل واسطه: در این مدل، خریدار با یک واسطه (جمع‌کننده یا سازمان کشاورز) قراردادی منعقد می‌سازد.

مدل چندجانبه: این مدل شامل سازمان‌های مختلف مانند سازمان‌های قانونی دولتی در کنار شرکت‌های خصوصی و گاهی نهادهای مالی است. ویژگی‌های خاص آن: سرمایه‌گذاری‌های مشترک (سرمایه‌گذاران داخلی و خارجی) برای تولید تا صادرات صورت می‌گیرد.

### مزایای کشاورزی قراردادی

- ۱- خدمات مربوط به نهاده‌ها و تولیدات، اغلب توسط یک شخص (سرمایه‌گذار) و به شکل منظم ارائه می‌شود. لذا کشاورز دغدغه‌ای از این حیث ندارد.
- ۲- اعتبارات مورد نیاز کشاورزان همیشه فراهم است و تأمین اعتبار بدون اینکه کشاورز را درگیر وام‌های بانکی یا مؤسسات مالی کند، توسط سرمایه‌گذار صورت می‌گیرد و داخل در تعهدات سرمایه‌گذار است.
- ۳- کشاورزی قراردادی معمولاً به شکلی نوین و تکنولوژیک به تولید محصولات کشاورزی ختم می‌شود و این امر کشاورزان را قادر می‌سازد تا مهارت‌های جدید را بیاموزند.
- ۴- ریسک کشاورزان در خصوص قیمت محصولات، به‌شدت کاهش می‌یابد به این علت که غالباً در قراردادهای، قیمت خرید محصول از کشاورزان مشخص شده است و کشاورز دغدغه‌ای از جهت «تغییر فاحش قیمت‌ها» که طی فصول مختلف اتفاق می‌افتد، نخواهد داشت.
- ۵- کشاورزی قراردادی بازارهای جدید و متعددی را در دسترس کشاورزان قرار می‌دهد که در حالت عادی هیچ دسترسی ملموسی به این بازارها نداشتند.
- ۶- یکی از مؤثرترین سازوکارهای استقرار کشاورزی قراردادی در کشور ایجاد یک سیستم ثبت دقیق و موثق اطلاعات کشاورزی، بیمه قراردادهای کشاورزی و پوشش بیمه‌ای ریسک وثایق، تضامین و قراردادهای تأمین مالی زنجیره ارزش مبتنی بر قرارداد است.
- ۷- کشاورزی قراردادی به دنبال منافع مشترک برای تولیدکنندگان مزرعه و شرکت‌های طرف‌های قرارداد کشاورزی است.

- ۸- رقابت در کشاورزان کوچک شکوفا می‌شود- کشاورزان کوچک می‌توانند به تکنولوژی، اعتبار، کانال‌های بازاریابی و اطلاعات دسترسی پیدا کنند و هزینه‌های معامله را کاهش دهند.
  - ۹- ایجاد امنیت در بازار برای عرضه محصول و کاهش هزینه‌های بازاریابی و معاملات.
  - ۱۰- ریسک تولید، قیمت و هزینه‌های بازار را کاهش می‌دهد.
  - ۱۱- کشاورزی قراردادی بازارهای جدید را باز خواهد کرد که برای کشاورزان کوچک امکان‌پذیر نخواهد بود.
  - ۱۲- با کشاورزی قراردادی نظارت کامل بر محصول سبب افزایش کمیت و کیفیت تولید و با پشتیبانی مالی به صورت نقدی و/ یا نوع و راهنمایی فنی تولید کشاورزان را تضمین می‌کند.
- با کشاورزی قراردادی فرآوری زراعی، عرضه مداوم محصولات کشاورزی با کیفیت، در زمان مناسب و با هزینه کم تضمین می‌شود. شرکت‌های طرف قرارداد در کشاورزی قراردادی به‌طور مطلوب از ظرفیت‌ها، زیرساخت‌ها و نیروی انسانی استفاده می‌کنند و به نگرانی‌های مصرف‌کنندگان در مورد ایمنی و کیفیت مواد غذایی پاسخ می‌دهند و سرمایه‌گذاری خصوصی مستقیم در فعالیت‌های کشاورزی وارد می‌شود و تثبیت قیمت در قرارداد بین تولیدکنندگان و شرکت‌ها انجام می‌شود، کشاورزان در شرایط قرارداد و با قیمت معین و حمایت طرفین به تولید استاندارد وارد می‌شوند.

#### بسته ویژه برای حمایت و تأمین مالی کشاورزان طرف قرارداد:

- در بعضی از کشورها شرکت‌های طرف قرارداد ۱۰۰ درصد تسهیلات با مدت زمان بازپرداخت ۳ سال و با کارمزد (خالص ۵ درصد) در قرارداد لحاظ می‌نمایند.
- تثبیت تسهیلات مالی برای محصولات کشاورزی تحت قرارداد کشاورزی.
- توافق برای پیش‌پرداخت و حمایت‌های رفاهی طرف‌های قرارداد.
- تمدید طرح رفاهی برای کشاورزی قراردادی تحت تسهیلات خودکار رفاهی بخش خصوصی.

#### چالش‌های کشاورزان قراردادی

- ممکن است کشاورزان پس از کشت محصولات جدیدی که پیش از آن تجربه‌اش را نداشته‌اند، با خطر از دست دادن بازارهایی که قبلاً به آن دسترسی داشته‌اند و همچنین مشکلات ناشی از تولید محصول جدید روبه‌رو شوند.
- مدیریت نادرست و مشکلات بازاریابی می‌تواند به از دست رفتن سهم کشاورزان از بازار منتهی شود و محصول تولیدی به صورت کامل به فروش نرسد.
- ممکن است کشاورزان با سرمایه‌گذاران غیر قابل اعتماد مواجه شوند و یا اینکه سرمایه‌گذاران از حقوق انحصاری خود در قرارداد سوءاستفاده کنند.
- احتمال فساد در کارکنان سرمایه‌گذاران وجود دارد. علی‌الخصوص زمانی که سرمایه‌گذار یک شرکت (دارای شخصیت حقوقی) باشد. این امر می‌تواند باعث کاهش سهمیه فروش کشاورزان در بازار شود.

- ممکن است کشاورزان به واسطه مشکلات تولید محصولات جدید که در بند اول ذکر شد، بدهکار گردند که این امر در اولین مرحله تولید اتفاق می‌افتد. اما با در نظر گرفتن روش‌های ارائه شده از سوی سرمایه‌گذار و بالا بردن سطح دانش کشاورزان، این مشکل عملاً می‌تواند منتفی شود.
- به علت عدم حمایت حقوقی از طرفین قرارداد (کشاورزان کوچک و یا شرکت‌ها و یا کشاورزان بزرگ) مورد انتقاد قرار می‌گیرند.
- مشکلاتی که تولیدکنندگان و شرکت‌ها با آن مواجه می‌شوند (کاهش کیفیت محصولات، تأخیر در تحویل، تأخیر در پرداخت، قیمت پایین و آفت‌زدگی و آفت‌زدایی بر محصول) چارچوب قرارداد را با مشکل مواجه می‌کند و هزینه تولید را افزایش می‌دهد.
- توافقی‌نامه‌های قراردادی اغلب به صورت کلامی یا غیررسمی هستند و حتی قراردادهای نوشته شده اغلب حمایت قانونی ندارند و قرارداد را تضمین نمی‌کند و عدم اجرای مقررات قراردادی، منجر به نقض قرارداد توسط هر یک از طرفین می‌شود.

### اهداف کشاورزی قراردادی

- اهداف کشاورزی قراردادی را می‌توان در موارد زیر خلاصه کرد.
  - افزایش بهره‌وری در تولید و کیفیت محصولات کشاورزی برای صادرات؛
  - ایجاد پایداری و ثبات در تولید بخش کشاورزی؛
  - تولید محصول بر اساس استانداردهای معتبر برای صادرات به کشور هدف؛
  - تصویب و تضمین درآمد تولیدکننده و هدایت سایر روش‌ها و برنامه‌های مدیریت ریسک در طول زنجیره عرضه (تأمین)؛
  - تنظیم بازار از طریق مکانیسم‌های بازار بدون دخالت مستقیم دولت؛
  - کاهش حاشیه بازار و کاهش هزینه‌های عملیاتی و هزینه مبادله؛
  - انتقال دانش روز به تولیدکنندگان بخش و ایجاد ثبات در زنجیره عرضه محصولات کشاورزی دنبال می‌شود.
- درواقع هدف اصلی مدیریت زنجیره تولید در کشور ما کاهش هزینه‌های هر واحد تولید برای جامعه و تقسیم سود حاصله بین تمام اعضای زنجیره در کنار کاهش هزینه‌های مبادله و احترام به اصل رقابت‌پذیری حتی رقابت با واسطه‌ها برای رساندن بخشی از سود حاشیه بازار به تولیدکننده است.

### الزامات در کشاورزی قراردادی

این الزامات عمدتاً شامل موارد زیر است:

- در تولید محصولات صادراتی رعایت استاندارد جهانی GLOBAL GAP الزامی بوده انتخاب کشاورزان متخصص و نیروهای ماهر الزامی است.
- ترویج شیوه‌های کشاورزی پایدار و رعایت مقررات و استفاده از نهاده‌های در قیمت تمام شده محاسبه و رعایت خواهد شد.

- طرف‌های قرارداد در ریسک‌پذیری تولید مشارکت خواهند نمود.
- کشاورزان زن طرف قرارداد نیز به‌طور معقول و حقوق خود را ارتقاء می‌دهند.
- ترویج حقوق کار بر روی زمین، کشاورزان در قرارداد ملحوظ خواهد شد.
- در قرارداد جدید اعطای رضایت قبلی طرفین الزامی است.
- قراردادهای در ایران تعیین‌کننده حقوق و تعهدات طرفین در مفهوم کشاورزی قراردادی هستند و قراردادهای منعقد شده تا جایی که به اصل نسبیت تعهدات طرفین در قرارداد و همچنین قواعد و قوانین امری و اخلاق حسنه جامعه آسیبی نرسانند، نافذ هستند.
- در نظام حقوقی ایران، جایگاه نابرابر طرفین در قرارداد در صورتی که به شکل فاحش ایجاد ضرر کند، طرف متضرر می‌تواند با استناد به «خیار غبن» نسبت به فسخ قرارداد اقدام کند.
- اگر سرمایه‌گذاران یا کشاورزان، تقلبی در قرارداد نمایند و یا تعهدات خویش را به شکل متقلبانه و معیوب اجرا کنند، عملاً درگیر استناد طرف مقابل به «خیار تدلیس» و ... می‌گردند. راه‌های اسقاط خیار نیز در نظام حقوقی ایران وجود دارد و «سوءاستفاده از حق» نیز از ابزار قابل استناد طرفین در قراردادهای است.
- با کمک حقوقدان‌ها می‌توان قراردادهای دقیقی را تنظیم کرد و با افزایش آگاهی‌های حقوقی طرفین، امکان نزدیک شدن به برابری جایگاه قراردادی در نظام حقوقی ایران بسیار ساده‌تر خواهد شد.
- دولت «باید» در حوزه آموزش و ترویج کشاورزی قراردادی اقدامات مؤثری را انجام دهد. اطلاعات فنی، نمونه پیش‌نویس قراردادهای و حتی تأمین سرمایه در قالب اعتبارات بانکی و ... حمایت‌های متقابل از کشاورزان و سرمایه‌گذاران، قطعاً در مرحله اول اجرای سراسری این روش مورد انتظار است.
- با توجه به اصول حاکم بر اصل ۴۴ قانون اساسی و قانون خصوصی‌سازی و همچنین برنامه‌های توسعه مدون، بعد از یک دوره کوتاه مدت اجرایی این روش، منطقیاً دولت باید از حوزه مدیریت کشاورزی قراردادی خارج شود.
- مذاکره شفاف و منصفانه در میان طرفین، ارائه اطلاعات کافی در مورد تمام جنبه‌های مالی مشارکت و خطرات و تأثیرات احتمالی مدنظر قرار گیرد.
- نقش دولت در کشاورزی قراردادی باید به‌عنوان یک شخص ثالث یا واسطه، بین طرفین عمل کند و نه حامی یک طرف یا شرکت.

#### ارائه راهکار اجرای سیستم نرم‌افزاری صادرات کشاورزی (از قبل از تولید تا صادرات به کشور هدف)

تقویت صادرات غیرنفتی همواره به‌عنوان یک راهبرد اولویت‌دار در برنامه‌های توسعه‌ای کشور، در راستای کاهش وابستگی به صادرات نفتی مطرح بوده است. تحقق این راهبرد در گرو سیاست‌گذاری‌ها و اقدامات دولت به‌منظور تقویت و تسهیل صادرات این کالاهاست. ایجاد پایانه‌های صادراتی از جمله اقداماتی است که از سال ۱۳۸۳ توسط سازمان توسعه تجارت در دستور کار قرار گرفته است. پایانه‌های صادراتی را می‌توان در زمره زیرساخت‌های مهم با رویکرد صادراتی طبقه‌بندی کرد. هدف پایانه‌های صادراتی، کاهش هزینه‌های صادراتی، تسهیل در دسترسی

صادرکنندگان به بازارهای جهانی و افزایش رقابت‌پذیری محصولات تولید داخل معرفی شده‌اند. تاریخچه توسعه صادرات و پایانه‌ها از سال ۱۳۸۳ شروع شد و در قانون برنامه چهارم و برنامه پنج‌ساله پنجم مطرح گردید و در این زمینه دستورالعمل و آیین‌نامه صادرات تدوین و دولت حمایت‌های مالی و نظارتی را اعمال کرد. با پیشرفت‌های جهانی در تکنولوژی و نرم‌افزاری و کنترل‌های بهداشتی و صدور بخش‌نامه سخت‌گیرانه زیست‌محیطی و آلودگی شیمیایی کشور ایران را در بن‌بست صادراتی بدون سودآوری قرارداد.

#### تجدیدنظر در اهداف

در این خصوص تجدیدنظرهای زیر توصیه می‌شود.

- ۱- به حداقل رساندن هزینه کل حمل و نقل (به‌عنوان وظیفه و کارکرد مسافت) میان انواع پایانه‌ها و مراکز، امکانات و تقاضاهای موجود؛
- ۲- شبکه سیستم کامل نرم‌افزار و سخت‌افزار مدرن در پایانه مرکزی می‌تواند به‌جای خدمات‌رسانی به تقاضاهای هر مبدأ و هر مقصد با ایجاد لینکی مستقیم و از طریق مجموعه‌ای کوچک‌تر از این لینک‌ها بین مبدأها، مقصدها و پایانه‌ها یا بین مجموعه‌ای از پایانه‌ها به خدمات‌رسانی بپردازد. شبکه پایانه‌ها این امکان را فراهم می‌آورد تا مجموعه بزرگی از مبدأها از طریق امکانات پایانه‌ها مرکزی با لینک‌های کمتری به نقاط دیگر متصل شوند. به‌کارگیری لینک‌های کمتر در چنین شبکه‌ای موجب تجمع جریان‌های کاری و روبه‌های آن شده و اجازه می‌دهد تا از اقتصاد مقیاس استفاده شود.
- ۳- تسهیل تجارت و ساماندهی مراکز توزیع و تجارت در سطح منطقه‌ای، ملی و بین‌المللی است، به‌طوری که با فراهم شدن همه زیرساخت‌های فیزیکی و نرم‌افزاری مورد نیاز در پایانه‌ها، امکان مدیریت توزیع در سطح شهر، منطقه و کشور از یک‌سو و توسعه صادرات محصولات کشاورزی با استفاده از ظرفیت همه مناطق کشور به‌صورت مطلوب از سوی دیگر فراهم شده و بهره‌وری در سطح بنگاهی، بخشی و ملی از این طریق ارتقا می‌یابد. لازم به ذکر است که یک پایانه مرکزی باید به‌عنوان یک شخصیت حقوقی مجزا و بی‌طرف مدیریت شود که این خود می‌تواند امری حیاتی برای این مقوله باشد. (به‌منظور ایجاد هم‌افزایی و همکاری تجاری، مدیریت این مراکز باید به عهده یک شخصیت واحد حقوقی بی‌طرف باشد و ترجیحاً با مشارکت دولت و بخش خصوصی اداره شود).
- ۴- پایانه مرکزی، مراکز و نقاط کانونی در یک منطقه ویژه هستند که در آنجا همه فعالیت‌های مرتبط با حمل و نقل و توزیع کالاها برای ترانزیت ملی و بین‌المللی بر اساس اصول بازرگانی و توسط عاملان و فعالان گوناگون انجام می‌پذیرند. این عاملان و فعالان ممکن است خود مالک یا مستأجر ساختمان‌ها یا امکاناتی از قبیل انبارها، مراکز توزیع، مناطق مخصوص انبار کردن کالا، دفاتر، خدمات کامیونی و... باشند.
- ۵- به منظور تطبیق با قوانین بازار آزاد، یک پایانه مرکزی باید به همه شرکت‌ها و موسسه‌هایی که درگیر فعالیت‌های مذکور هستند، قابل دسترسی باشد. همچنین باید به همه امکانات عمومی که برای انجام عملیات مذکور مورد نیاز هستند، مجهز باشد.

۶- بهتر است که پایانه مرکزی برای پرسنل شاغل و کاربران تجهیزات حاضر در آن مراکز به ارائه خدمات عمومی بپردازند. به منظور تشویق حمل و نقل چندوجهی کالاها، یک پایانه مرکزی باید در راستای ایجاد چارچوبی برای راهکارهای بازرگانی و پایدار حمل و نقل با همه استانداردها و عملکردهای کیفیت منطبق باشد. در اصل باید چنین عنوان کرد که یک پایانه مرکزی به عنوان یک مرکز عمل می‌کند که در آن، شرایط بیش از یک نوع خدمات و بازرگانی و بازاریابی... تسهیل می‌شود. در این مراکز با مدیریت و هدایت سیستم مدرن حمل و نقل، فرایند کارها راحت‌تر شده و سرعت می‌یابند و در نهایت باعث کاهش هزینه‌ها می‌شوند.

اثرات دانش تکنولوژی و نرم‌افزاری در توسعه صادرات محصولات کشاورزی کشور را به شرح زیر می‌توان خلاصه کرد:

- ۱- افزایش بهره‌وری تولید و کیفیت؛
- ۲- چابکی بیشتر سیستم عرضه و تقاضای محصولات کشاورزی؛
- ۳- موعدهای تحویل کوتاه‌تر؛
- ۴- سود بالاتر؛
- ۵- رعایت حقوق بیشتر مشتری؛
- ۶- وجود موجودی‌ها و اندازه انباشته‌ها به مقدار صحیح؛
- ۷- قابلیت مشاهده و ردگیری رخدادها؛
- ۸- کاهش هزینه‌ها؛
- ۹- افزایش خدمت‌دهی به مصرف‌کنندگان؛
- ۱۰- ایجاد مزیت‌های رقابتی؛
- ۱۱- تعامل نزدیک‌تر با تأمین‌کنندگان؛
- ۱۲- ایجاد فرصت برای خرید مقادیر زیاد و با هزینه کمتر؛
- ۱۳- ایجاد مرجع پاسخگویی؛
- ۱۴- توانایی اجرای دقیق سیستم‌ها به صورت ترکیبی؛
- ۱۵- تشکیل کمیته صادرات نرم‌افزار با مسئولیت وزارت ارتباطات و فن‌آوری اطلاعات و حضور نمایندگان بخش خصوصی.







نقشه ۱۵: سیستم راهبردی ارتباط پایانه صادراتی مرکزی



نقشه ۱۶: استانداردسازی پایانه های کشور



نقشه ۱۷: سیستم راهبردی ارتباط پایانه صادراتی مرکزی

ارائه راهکار برای برندسازی محصولات کشاورزی کدگذاری شده

از تولید تا صادرات به کشور هدف را می‌توان به صورت زیر خلاصه کرد:

- برندسازی که باعث می‌شود کالاهای ایرانی در بازارهای هدف صادراتی شناخته شوند و به فروش برسند یا حتی در بازار داخلی نیز نامی آشنا برای مصرف‌کننده ایرانی باشند.
- مقوله برند در ایران همواره مورد توجه قانون‌گذار بوده است. به طور مثال در ماده ۸۰ قانون پنجم توسعه، به دولت اجازه داده می‌شود در راستای ایجاد اشتغال پایدار، توسعه کارآفرینی، کاهش عدم تعادل منطقه‌ای و توسعه مشاغل نو اقداماتی انجام دهد.
- همچنین برخی از مواد قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور مصوب سال ۱۳۹۴ و قانون ثبت اختراعات، طرح‌های صنعتی و علائم تجاری مصوب سال ۱۳۸۶ نیز به این مسئله پرداخته‌اند.
- برندسازی یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های موفقیت بنگاه‌های اقتصادی در بازار است. شواهد تجربی موجود در کشور نشان می‌دهد که با وجود توجه قانون‌گذار به مقوله برند، در عمل اهمیت این موضوع به نحو شایسته مورد توجه قرار نگرفته است و برای نمونه در ماده ۸ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور، دولت موظف به حمایت از ایجاد و تقویت نشان تجاری داخلی محصولات صنعتی و خوشه‌های صادراتی است.
- برند، ثروتی غیرمشهود است که در کسب و کارهای تجاری به علت تأثیر اقتصادی، یک دارایی مهم به حساب می‌آید. برندها بر انتخاب و تصمیم مشتریان، سرمایه‌گذاران و فعالان اقتصادی اثر می‌گذارند. کاهش میزان ریسک و صرفه‌جویی در زمان از منظر مصرف‌کننده، ایجاد ثروت و عاملی برای رقابت‌های مفید از منظر تولیدکننده از جمله دلایل اهمیت برندها هستند.

بررسی دلایل عدم ماندگاری برندها در ایران

عمده دلایل این مسئله با وجود تلاش‌های صورت گرفته، عوامل متعددی از جمله مداخلات دولت، تعدد بنگاه‌های مشابه، کوچک بودن سهم غالب بنگاه‌های اقتصادی، درون‌زا نبودن علم و فناوری و ضعف نهادهای پشتیبان در ناپایداری برندها مؤثر بوده است. عواملی چون حاکم نبودن قانون، ناامنی، کارشکنی‌های عوامل قدرت‌های استعماری، توسعه نیافتن زیرساخت‌ها و در یک عبارت فقدان تداوم از جمله دلایل عدم شکل‌گیری و ماندگاری بنگاه‌ها در کشور بوده است.

پیشنهادات زیر را برای تقویت برندهای بنگاهی در عرصه داخلی و بین‌المللی می‌توان بیان داشت:

- اصلاح ساختار سازمانی و کارکردی کمیسیون تخصصی نشان تجاری، شامل تقویت اعضای کمیسیون و بهبود کارکردهای آموزشی، مشاوره‌ای و تحقیقاتی و ساماندهی برندهای داخلی؛
- هدایت واحدهای فاقد مقیاس بهینه به سمت ایجاد یکپارچگی‌های افقی و دستیابی به مقیاس اقتصادی از طریق پویایی در تبدیل واحدهای کوچک و متوسط به واحدهای بزرگ، تقویت شبکه‌ها و کنسرسیوم‌های صادراتی؛
- شناسایی خوشه‌های صنعتی، کشاورزی و حمایت از شکل‌گیری خوشه‌ها و تقویت آن‌ها (مرکز پژوهش‌های مجلس).

برند خوشه‌های تولید برای صادرات به کشور هدف<sup>۱</sup>

هدف برند، متمایز کردن یک کالا یا خدمت از سایر کالاها و خدمات یک صادرکننده یا برای ایجاد تمایز میان کالا و خدمت یک صادرکننده با کالا و خدمات سایر صادرکنندگان به کار گرفته شود.

#### برندسازی IR GAP

برندسازی IR GAP نوعی دانش است. دانشی که تلاش می‌کند به یک نام تجاری برتری بدهد و باعث افزایش اعتبار و ارزش آن شود. در واقع به‌وسیله برندسازی یک نام تجاری به شهرتی در بازار می‌رسد که در نهایت این شهرت می‌تواند باعث افزایش فروش و سودآوری بیشتر برای آن نام تجاری شود. برندسازی را می‌توان روشی برای افزایش تولید ثروت دانست؛ و در واقع بیش از یک نام یا لوگوی خاص و زیبا برای یک محصول است.

#### IRAN GAP

کلیه محصولات کشاورزی صادراتی که بر اساس مقررات بین‌المللی GLOBAL GAP تولید و صادر شود در برند IR GAP قرار خواهند گرفت. لذا ضروری است صادرکنندگان مقررات برند IR GAP را به مرحله اجرا بگذارند و صادرات محصولات کشاورزی بدون رعایت دستورالعمل اجرایی IR GAP ممنوع شود. پیشنهاد سهم محصولات غیراستراتژیک صادراتی مشمول برند (IR GAP) در طول برنامه پنج‌ساله ششم توسعه، به شرح زیر است:

کشمش، زعفران، سیب، خرما، کیوی، مرکبات، سبزی و صیفی، محصولات گلخانه، گیاهان دارویی، لبنیات، چای و عسل (درصد افزایش و کاهش و تعیین نوع محصول صادراتی در طول برنامه بر اساس پیشنهاد وزارت جهاد کشاورزی و مصوبه شورای عالی توسعه صادرات غیرنفتی خواهد بود).

1. Production clusters for export to a country



جدول ۲: پیشنهاد سهم محصولات غیراستراتژیک صادراتی مشمول (IR GAP) در طول برنامه پنج‌ساله ششم توسعه

ردیف	سال / محصول	1398	1399	1400	1401	1402	1403
1-	کتشمش	%5	%6	%7	%8	%9	%10
2-	زعفران	%5	%6	%7	%8	%9	%10
3-	خرما	%5	%6	%7	%8	%9	%10
4-	کیوی	%5	%6	%7	%8	%9	%10
5-	مرکبات	%5	%6	%7	%8	%9	%10
6-	سبزی گلخانه	%5	%6	%7	%8	%9	%10
7-	صیفی گلخانه	%5	%6	%7	%8	%9	%10
8-	گیاهان دارویی	%5	%6	%7	%8	%9	%10
9-	چای	%5	%6	%7	%8	%9	%10
10-	لبنیات	%5	%6	%7	%8	%9	%10
11-	فرآورده کشاورزی	%5	%6	%7	%8	%9	%10
12-	صقل	%5	%6	%7	%8	%9	%10

این طرح از تاریخ اردیبهشت ۱۳۹۶ با بررسی گزارش‌های تولیدکنندگان و صادرکنندگان شروع شد و هر روز حداقل چهار ساعت بررسی کارشناسی انجام شد. هفته‌ای چهار روز و در ماه ۱۶ روز کار کارشناسی و مطالعاتی انجام شد.

تشکیل جلسات با صاحبان مشاغل کشاورزی و صادرکنندگان و تولیدکنندگان.

تشکیل سه همایش با حضور مقامات و مسئولین.

از سال ۱۳۹۶ دو سال به صورت متناوب مطالعات و بررسی انجام شد.

در سال ۱۳۹۷ نیز جلسات مستمر و بازدید از مراکز تولید و پایانه‌های صادراتی جلسه با وزارتخانه‌های مختلف انجام شد.

در طول سال ۱۳۹۷ و اواسط ۱۳۹۸ برنامه‌ها به صورت مدل خوشه و دستورالعمل تدوین شد.

در مجموع بیش از ۲۰۰۰ ساعت کار در تیم اجرایی عملیاتی گردید که در ساعت کارکرد محاسبه نشده است.

ما در زمینه فرصت‌ها و تهدیدهای تولید و صادرات به کشور هدف بررسی و مطالعه انجام ندادیم. امید است در زمان مناسب این کار ارزنده توسط متخصصان ادامه یابد.

#### فرصت‌ها

بر اساس کدهای تعرفه‌ای گمرک، صادرات در سال ۱۳۹۵ حدوداً ۵/۵ میلیارد دلار است.

روسیه و سایر کشورهای آسیای میانه و عراق، افغانستان ... بازار سهل‌الوصول و خوب صادراتی برای بیش از ۴۰-۵۰ میلیارد دلار محصولات کشاورزی است.

- در ایران شرکت‌های خصوصی با برند ۳۰ تا ۵۰ سال وجود دارند که در کشورهای همسایه قابل پذیرش هستند باید به‌عنوان الگو مد نظر و مورد حمایت قرار گیرند.
- در کشور محصولات کشاورزی غیراستراتژیک مازاد مصرف برای صادرات وجود دارد.
- در وزارت جهاد کشاورزی چند رویکرد پیگیری می‌شود: پیگیری زنجیره‌ها برای ۱۱ گروه محصولی و زنجیره عرضه با تأکید بر صادرات (سیب درختی، سیب‌زمینی، پرتقال، کشمش، پسته، زعفران، کیوی، محصولات گلخانه‌ای، خرما، شیر، مرغ و چای) در دست اجراست.
- ما در بسته‌بندی مشکل نداریم زیرا کشورهای هدف سیستم بسته‌بندی را با تعرفه‌های خود تعریف می‌کنند.
- وزارت جهاد کشاورزی با ۲۲ رایزن بازرگانی کشورها برای صادرات محصولات کشاورزی (افغانستان، پاکستان، بلاروس، روسیه، اندونزی و مالزی...) در چارچوب مقررات کریدور سبز مذاکره و همکاری خواهند کرد.
- سازمان حفظ نباتات سامانه جامع صادراتی را ایجاد کرده است و صادرکنندگان می‌توانند کد رهگیری را دریافت کنند.
- سازمان حفظ نباتات کمیته مشترکی را با وزارت بهداشت تشکیل داده و ۵ آزمایشگاه معتبر را به کشورهای هدف معرفی نموده است.
- صادرکنندگان برای تأییدیه نهایی محصولات صادراتی خود به سازمان حفظ نباتات مراجعه نمایند (جایگاه بخش خصوصی).
- گاز متیل بروماید فقط برای کنترل قرنطینه نباتی است و ۵۳ شرکت کددار برای عرضه تعیین شدند. صادرکنندگان که برای ضدعفونی به گاز متیل بروماید نیاز دارند به شرکت‌ها یاد شده مراجعه کنند.
- بانک‌ها، به‌خصوص بانک کشاورزی و بانک توسعه صادرات و صندوق‌های توسعه ملی و صندوق‌های ضمانت صادرات و صندوق بیمه محصولات کشاورزی اعتبارات ویژه را برای تولید و صادرات (به‌صورت ریالی و ارزی) منظور کرده‌اند.
- یکی از عوامل مثبت در تولید و صادرات محصولات کشاورزی موضوع بهره‌گیری ساختار زنجیره‌ها و خوشه‌ها در جهت رسیدن به اهداف برنامه است.
- وزارت جهاد کشاورزی تسهیلات لازم برای احداث سردخانه و انبار فنی، حمل و نقل، صنایع تبدیلی را با اولویت در زنجیره‌ها و خوشه منظور کنند.

#### تهدیدها

- در گیاهان دارویی هنوز قانون گذشته، در وزارت جهاد کشاورزی حاکم است.
- کشورهای اروپایی از سال ۲۰۱۶ با مقررات کنترل باقیمانده سموم اجازه ورود کالای کشاورزی را خواهند داد.
- مجوز Global GAP و استاندارد محصولات کشاورزی به تعداد محدود صادر شده است.
- کشاورزان سهمی از عایدات صادرات ندارند.

- چرا سازمان تعاون تصمیم به خرید بعضی از محصولات کشاورزی از جمله زعفران را دارد؟ واحدهای زعفران خیلی مشکل دارند مالیات، بازار هدف، بیمه تأمین اجتماعی، انتقال ارز و ... چرا ما بازار صادراتی زعفران را دولتی ایجاد می‌کنیم که این اقدام مسموم‌کننده صادرات زعفران بخش خصوصی است.
- از جنوب شرق آسیا به سازمان حفظ نباتات هشدار داده‌اند که از سال ۲۰۱۸ مقررات استفاده تولیدکنندگان از سموم غیرمجاز و مقررات کنترل باقیمانده سموم را رعایت خواهد کرد و هیچ صادرکننده‌ای مجاز به صادرات محصولات مازاد غیراستاندارد را ندارد.
- عوامل تأثیرگذار بر محیط اقتصادی، از جمله مدیریت نوسان نرخ ارز و تعدیل، صادرات را احاطه کرده و شرایط برای امنیت صادرات نگران‌کننده شده است.
- ناکارآمدی بهره‌وری، قیمت محصولات کشاورزی داخل را افزایش داده و قابل رقابت با بازار هدف نیست.
- یارانه صادراتی در قانون بر اساس تفاوت قیمت داخل و خارج تصویب می‌شود، ولی عملیاتی نمی‌گردد از جمله مشوق‌های صادراتی ۱۳۹۵ و ۱۳۹۶ پرداخت نشده است.
- با توجه به اینکه وزارت جهاد کشاورزی سیاست و حاکمیت بر تولید و صادرات محصولات کشاورزی را ندارد. صادرات بر اساس تنظیم بازار داخلی انجام می‌گیرد، در نتیجه ثبات صادرات را نخواهیم داشت و این سیاست از دست دادن بازار هدف است.
- زیرساخت‌های بخش تولیدات کشاورزی برای حمایت از توسعه پایدار صادرات در بازارهای هدف کافی نیست از جمله بهره تسهیلات صادراتی.
- توصیه می‌شود جهت تسهیل در صادرات محصولات کشاورزی، دولت در اصلاح قوانین، تعرفه‌ها، بخشنامه‌ها و آیین‌نامه‌ها بر اساس دستورالعمل بین‌المللی اقدام کند (از جمله سازمان حفظ نباتات).
- توصیه می‌شود دولت مصوبات و ردیف اعتباری را برای صادرکنندگان به نسبت عادلانه بین بخش خصوصی، تعاونی‌ها و شرکت‌های دولتی منظور نمایند.
- با توجه به عدم پایداری در بازاریابی و بازاریابی صادرات محصولات کشاورزی در بازارهای هدف، ضروری است بخش اقتصادی وزارت امور خارجه، وزارت صمت، اتاق بازرگانی ایران و اتاق تعاون مرکزی به صورت جدی و قانونی صادرات را مورد حمایت و هدایت قرار دهند.
- یکی از معضلات صادرات محصولات کشاورزی بسته‌بندی نامناسب بعضی از صادرکنندگان است. ضروری است بسته‌بندی‌ها بر اساس قرارداد بازار هدف برنامه‌ریزی شود.
- قانون انتزاع، یعنی امضای طلایی به یک وزارتخانه است. این وزارتخانه تصمیم می‌گیرد هر زمان صادرات را ممنوع کند روز بعد آن را آزاد سازد و این خلاف عرف صادرات جهانی است. برای ساماندهی آن ضروری است این سیاست گذاری در قالب کمیته‌ای متشکل از بخش خصوصی و ارگان‌های مرتبط تصمیم‌گیری کنند.
- بعضی از محصولات استراتژی کشاورزی متناسب با افزایش جمعیت، پاسخگوی صادرات نبوده و مزیت صادرات را باید بر روی محصولات غیراستراتژیک داخلی متمرکز کرد.

- صادرکنندگان در هنگام صادرات محصولات کشاورزی موظف هستند به سازمان‌های ذی‌ربط جهت اخذ مجوزها و کد ۱۶ رقمی صادراتی هماهنگ کنند.
- عدم بهره‌برداری کافی از نرم‌افزار در پایانه‌های صادراتی یکی از عوامل بازدارندگی صادرات است.
- به علت مشکلات گمرکی صادرکنندگان با گمرک کشورهای بازار هدف ضروری است دولت بر اساس پروتکل دوجانبه رفع موانع کند (از جمله مسائل گمرکی ایران و کشور روسیه).

## منابع

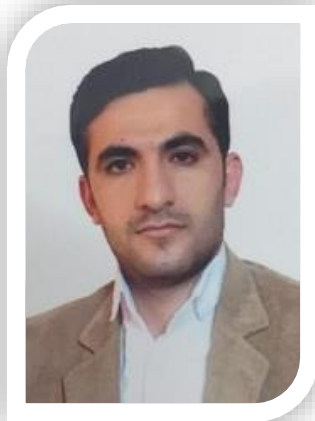
- دفتر مطالعات زیربنایی (۱۳۹۷). «آینده‌نگاری بخش کشاورزی: ۲. پویای محیطی، عرضه و تقاضا»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی.
- اجلالی، پرویز و دیگران (۱۳۹۴). تجربه برنامه‌ریزی در جهان پیدایش و سیر تطور، تهران: مؤسسه عالی آموزش و پژوهش مدیریت و برنامه‌ریزی.
- انشوواتس و آلواروبیل (۱۳۹۷). فناوری کشاورزی در آینده، ترجمه سید مسعود حسینی ثابت و همکاران، تهران: مؤسسه پژوهش‌های برنامه‌ریزی، اقتصاد کشاورزی و توسعه روستایی.
- شاه مرادی، مهنا، حسین آگهی و امیرحسین علی بیگی (۱۳۹۸). «عارضه‌یابی صادرات بخش کشاورزی»، کاوش‌های مدیریت بازرگانی، سال یازدهم، شماره ۲۱.
- شکوری، علی (۱۳۹۳). سیاست‌های توسعه کشاورزی در ایران، تهران: سمت.
- عرب مازار، عباس و خسرو نورمحمدی (۱۳۸۷). «تحلیل انتقادی هدف‌های اقتصادی برنامه‌های توسعه در ایران (قبل و بعد از پیروزی انقلاب اسلامی)»، مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران، سال پنجم، شماره ۱: ۱۹-۴۲.
- غفاری، غلامرضا و دیگران (۱۳۸۷). «کیفیت زندگی در برنامه‌های عمرانی و توسعه ایران»، رفاه اجتماعی، سال هشتم، شماره (۳۱-۳۰)، ۹-۳۳.
- مکتون، رضا، جلیل سلیمی و محسن بهرامی (۱۳۹۳). «فراتحلیلی بر آسیب‌شناسی‌های برنامه‌های توسعه در ایران»، راهبرد اقتصادی، سال سوم، شماره ۱۰.
- Akbari, A., Pourebadollahan Covich, M., Mohamadzadeh, P., & Rezaei, S. (2017). Spatial Analysis of Factors Affecting Iran's Export of the Food and Beverage Industry. *Quarterly Journal of Applied Theories of Economics*, No.4, No.1, 197-217.
- Baldauf, A., Cravens, D. W., & Wagner, U. (2000). Examining determinants of export performance in small open economies. *Journal of World Business*, Vol.35, No.1, 61-79.
- Bereday, G. Z. (1964). *Comparative method in education*. Holt, Rinehart & Winston.
- Chit, M. M., Rizov, M., & Willenbockel, D. (2010). Exchange rate volatility and exports: New empirical evidence from the emerging East Asian economies. *World Economy*, Vol.33, No.2, 239-263.
- Chit, M. m. & judge, A. (2011). Non-Linear effect of exchange reat volatility on exports: the role of financial sector development in emerging East Asain economies. *International Review of Applied Economics*, Vol.25, No.1:107-119.
- Dadras Moghadan, A., & Zibaei, M. (2009). Relation Between Macroeconomic and Agricultur Sector of Iran (Emphasize on Monetary Policy). *Iranian Journal of Economic Reserareh*, Vol.13, No.39, 95-112.
- Dehghani, A., Molaei, M., Hosseinzadeh, S., & Herati, J. (2014). The Impact of Market performance on the Concentration in Food and Beverage Industry in Iran (A Dynamic Panel Data Approach). *Economic Development Policy*, Vol.2, No.1, 133-162.

- Deputy Director of Planning and Economic Affairs of Agriculture. (2016). Agricultural Exports and Imports in 1395. Ministry of agricultural jihad. Center for Information and Communication Technology. March 2016. Available at: <http://amar>. Maj. Ir.
- Dezhpasand, F., AMIRI, M., & Saveh, B. (2011). Investigating factors affecting NON – Oil exports with emphasis on non-price factors. *Economical science*. Vol.5. N.5, 9-29.
- Factors Affecting Bilateral Trade between Iran and Regional Blocs. *Iranian Journal of Trade Studies (ijtc) Quarterly*, Vole. 17, Issu, 68, pp. 33 – 58.
- Fazli, S., & Sadeghian, E. (2015). The role of macroeconomic factors on Iran's non-oil exports to Turkey. *International Journal of Economic Research*, Vol.12, No.4, 1293-1306.
- Freund, C., & Pierola, M. D. (2012). Export surges. *Journal of Development Economics*, Vol.97, No.2, 387-395.
- Ghadimi Mahanipour, A. R. (2010). A Comparative Study of Comparative Advantage of Agricultural Products in Kerman Province, Case Study of Mahan Division Master s Thesis. Department of Agricultural Economics. Faculty of Agriculture, Karaj Branch. Payam noor university.
- Ghareche. M., Alam Tabriz, A., & Karampour. A. (2011). Provide a model for determining the factors influencing export performance based on the competitive strategy of differentiation in non-metahhic mineral industry. *Strategic Management*. No. 6: 140 – 190.
- Guimaraes Requiao, Rafael. (2017). International Promotion of Brazilian Agriculture. Best practices in export promotion: Experiences in Latin America, Europe and Central Asia Halle, May 24 -25, 2016.
- Hassani Dizaji, K. (2011). The effect of exchange raet fluctuations on the trade of selected agricultural products and the trade balance of the agricultural sector. Master Tesis. Department of Agricultural Ecinomic. School of Agriculture. Tarbiat Modares University.
- Hatef, M. Daneshvar Kakhki A. A. Savary. (2011). Comparative Advantaage of Export for Mahor Hortictlural Crops in Iran and Forecast it. *Agricultural economics & Development*, Vo.25, No.2: 227-236.



## سنجش اثرات اقتصادی کرونا در ایران

جمال کاکایی، پژوهشگر گروه نظام‌های نوین برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی و مدل‌سازی  
افسانه شرکت، دکترای اقتصاد و پژوهشگر حوزه برنامه‌ریزی توسعه اقتصاد  
اسفندیار جهانگرد، عضو هیئت علمی دانشکده اقتصاد، دانشگاه علامه طباطبائی



### مقدمه

برای نخستین بار در ۲۲ ژانویه ۲۰۲۰ میلادی (دوم بهمن‌ماه ۱۳۹۸) در شهر ووهان استان هوبئی چین، نوع جدیدی از ویروسی شناسایی شد و با مبتلا شدن بیش از هزار نفر به این ویروس، سازمان بهداشت جهانی برای این بیماری نام رسمی کووید-۱۹ را انتخاب کرد. در ادامه و با انتشار ویروس به خارج از چین، اضطراب و نگرانی‌های ناشی از رکود، بیکاری و لطمه به کسب‌وکارها و از میان رفتن درآمد به یک پدیده فراگیر اجتماعی تبدیل شد. به‌گونه‌ای که سازمان‌های بین‌المللی مانند صندوق بین‌المللی و بانک جهانی، رشد اقتصادی منفی برای اغلب کشورهای جهان را پیش‌بینی کرده است.

در پی شیوع بیماری کووید-۱۹ در نقاط مختلف جهان، این ویروس در ایران نیز رسماً در تاریخ ۲۹ بهمن ۱۳۹۸ (۱۸ فوریه ۲۰۲۰)، قریب به یک ماه بعد از پدیدار شدن آن در چین توسط مراجع رسمی تأیید شد. شیوع ویروس کرونا و ترس اجتماعی ناشی از آن، باعث شد بسیاری از کسب‌وکارها از رونق بیفتند و تقاضا برای آن‌ها با افت شدیدی روبه‌رو شود. بیماری کووید-۱۹ از هر دو منظر عرضه و تقاضا، اقتصاد را تحت تأثیر قرار می‌دهد. به بیان دیگر، شوک منفی عرضه ناشی از کاهش بهره‌وری داخل بنگاه و افت ۱ یا قطع ظرفیت زنجیره تأمین است و شوک منفی تقاضا

۱. در شرایط فراگیر شدن بیماری، بخشی از نیروی کار از فرایند تولید (به دلیل بیماری و محدود شدن فعالیت‌ها) از چرخه فعالیت خارج می‌شوند و همچنین ممکن است در برنامه‌ریزی اخلاقی به وجود آید که بهره‌وری را با کاهش مواجه خواهد کرد.

نیز ناشی از کاهش خرید مشتریان (تقاضا) است. همچنین این همه‌گیری تفاوت اساسی با سایر اتفاقی‌هایی مانند سیل و زلزله دارد، زیرا در این اتفاقات فقط بخشی از جامعه تحت تأثیر قرار می‌گیرند و بقیه جامعه می‌تواند به آن‌ها کمک‌رسانی کند؛ در حالی که این بیماری نه تنها جمعیت بیمار، بلکه جمعیت سالم را نیز از چرخه بازار خارج می‌کند. به بیانی، ظرفیت جامعه به‌منظور ارائه خدمات لازم، کمک‌رسانی و تولید کالاها به‌شدت محدود می‌شود. اقتصاد ایران در حال حاضر به دلایلی اعم از تحریم‌های ایالات متحده آمریکا، پایین بودن بنیه‌های تولید و مواردی از این قبیل در شرایط ویژه‌ای قرار دارد. از این رو، برآورد سنجش اثرات اقتصادی بیماری همه‌گیر کرونا، از اهمیت بالایی برخوردار بوده که در فرایند تصمیم‌سازی بتواند به سیاست‌گذار کمک کند. مسئله مهمی که در ارزیابی آثار اقتصادی شیوع این بیماری بسیار حائز اهمیت است، افق زمانی درگیری با این ویروس است. برخی برآوردها پیش‌بینی می‌کنند که دوران همه‌گیری بیش از یک سال ادامه خواهد داشت. فعالیت‌های اقتصادی با یکدیگر پیوندهای متقابل دارند و جداول داده- ستانده نیز علاوه بر پیوند فعالیت‌ها، دوره زمانی یک سال را پوشش می‌دهند؛ از این رو می‌توان از مزیت الگوهای داده- ستانده در این زمینه استفاده کرد. به همین منظور، گزارش حاضر با بهره بردن از الگوی فوق‌الذکر و بر اساس دو سناریو، به ارزیابی آثار شیوع ویروس کرونا بر متغیرهای اقتصاد کلان- تولید، ارزش افزوده و اشتغال- می‌پردازد.

## ۱- شیوع کرونا و اقتصاد

شیوع بیماری همه‌گیر کووید-۱۹ موجب شد تمام چشم‌اندازهای اقتصادی ایران و جهان دستخوش تغییر شوند. بانک جهانی در جدیدترین پیش‌بینی خود برآورد نموده است که رشد اقتصادی جهان در سال ۲۰۲۰ میلادی منفی پنج و دو دهم ( $-\frac{5}{2}$ ) درصد خواهد بود. همچنین، برآوردهای این بانک حاکی از آن است اگر بیماری کنترل شود در سال ۲۰۲۱ میلادی، اقتصاد جهانی رشدی بیش از چهار (۴) درصد را تجربه خواهد کرد. پیش‌بینی بانک مزبور برای اقتصاد ایران در سال ۲۰۲۰ رشد منفی پنج و سه دهم ( $-\frac{5}{3}$ ) و برای سال ۲۰۲۱، دو و یک دهم ( $\frac{2}{1}$ ) درصد است. از دیگر سو، صندوق بین‌المللی پول نیز در آخرین پیش‌بینی خود، رشد منفی چهار و نه دهم ( $-\frac{4}{9}$ ) درصد در سال ۲۰۲۰ میلادی برای اقتصاد جهانی متصور است. همچنین، برای سال ۲۰۲۱ برآورد کرده است- اگر شیوع بیماری کنترل شود- اقتصاد جهانی رشد پنج و چهار دهم ( $\frac{5}{4}$ ) درصدی را تجربه خواهد کرد. برآورد این صندوق برای اقتصاد ایران نیز به ترتیب برای سال‌های ۲۰۲۰ و ۲۰۲۱ میلادی رشد اقتصادی منفی شش (۶-) و سه و یک دهم ( $\frac{3}{1}$ ) درصد است.

شوک ناشی از بیماری، اقتصاد را با شوک هم‌زمان عرضه و تقاضا مواجه کرده است، زیرا از یک‌سو، عرضه نیروی کار کاهش یافته و از طرف دیگر، در تأمین مواد اولیه تولید نیز مشکلاتی ایجاد شده است (شوک عرضه). شوک عرضه، شوک تقاضا را به همراه خواهد داشت. تعطیلی کسب‌وکارها، منجر به تعدیل نیروی کار می‌شود و کاهش درآمد خانوار، کاهش تقاضا را به همراه دارد. از طرف دیگر عدم اطمینان نسبت به آینده، خانوار را به تصمیم پس‌انداز

بیشتر و به تعویق انداختن خرید اقلام غیر ضروری ترغیب می‌کند. همین امر کاهش تقاضای کل بیشتری را موجب می‌شود (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۸).

شیوع ویروس کرونا، هزینه‌های سرسام‌آور اضافی بر بودجه عمومی بار کرده است. از دیگر سو، قیمت نفت در بازارهای جهانی با کاهش قابل ملاحظه‌ای مواجه شده است؛ به گونه‌ای که قیمت نفت طی دو ماه گذشته پایین‌ترین میزان قیمت در یک دهه اخیر را تجربه کرد (کاکائی و همکاران، ۱۳۹۹).

### تغییرات تولید ناخالص داخلی ایران

در این بخش از گزارش، وضعیت متغیرهای اقتصاد کلان در سال ۱۳۹۸ و سه‌ماهه اول سال ۱۳۹۹ مورد بررسی قرار می‌گیرد.

دورنمای سال ۱۳۹۸

### الف) تولید ناخالص داخلی

تولید ناخالص داخلی در سال ۱۳۹۸ بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران، حدود  $۷۰۳/۸$  هزار میلیارد تومان با نفت- به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰- است. این در حالی است که در سال ۱۳۹۷ تولید ناخالص داخلی ایران بیش از ۷۵۵ هزار میلیارد تومان بوده است. به بیان دیگر، رشد اقتصاد کشور منفی هفت (۷-) درصد بوده است. همچنین در سال ۱۳۹۷ نیز، اقتصاد ایران چهار (۴) درصد کوچک‌تر شده است. از این رو با آغاز تحریم‌های ایالات متحده آمریکا از سال ۱۳۹۷، اقتصاد ایران نسبت به سال ۱۳۹۶ قریب به یازده (۱۱) درصد کوچک‌تر شده است. شایان توجه است میزان کوچک‌تر شدن اقتصاد غیرنفتی، کمتر از کل اقتصاد بوده است. به عنوان مثال، سال ۱۳۹۸ میزان تولید محصول ناخالص داخلی بدون نفت- به قیمت ثابت ۱۳۹۰-  $۶۱۲/۲$  هزار میلیارد تومان بود که نسبت به سال ۱۳۹۷، منفی شش دهم ( $۰/۶$ -) درصد کاهش یافته است. این مهم در سال ۱۳۹۷ نیز معادل یک و سه دهم ( $۱/۳$ -) درصد بود. از این رو از سرعت افت تولید در بخش غیرنفتی در سال گذشته کاسته شده است. قابل توجه آنکه اقتصاد غیرنفتی از سال ۱۳۹۶ قریب به دو (۲) درصد تقلیل یافته است که در مقایسه با اقتصاد کل- با در نظر گرفتن بخش نفت- به مراتب کمتر است.

داده‌های حساب‌های ملی در پاییز سال ۱۳۹۸ بارقه امید را در میان تحلیلگران اقتصاد ایجاد کرد، زیرا میزان رشد اقتصاد غیرنفتی در فصل سوم سال، مثبت و معادل  $۱/۶$  درصد بود که می‌توانست پایان رکود را نوید دهد. اما در فصل چهارم سال، بخش غیرنفتی رشد منفی  $۲/۵$  درصدی را به خود دید که پایین‌ترین رشد در سال گذشته بود. مهم‌ترین عاملی که افول تولید در زمستان ۱۳۹۸ را توضیح می‌دهد، شیوع بیماری کووید-۱۹ و تعطیلی بسیاری از کسب‌وکارها در آخرین ماه سال است. رشد کل اقتصاد در زمستان گذشته نیز متأثر از شرایط کرونا، به منفی شش و سه دهم ( $۶/۳$ -) درصد رسید. با این حال نمی‌توان تنها کرونا را عامل رشد منفی تولید کل به حساب آورد. تشدید نا اطمینانی‌ها در فصل سوم و اوایل زمستان نیز در داده‌های رشد نمود پیدا کرده است.

## گروه کشاورزی

در سال ۱۳۹۸، بخش کشاورزی رشد سه (۳) درصدی را تجربه کرد. این گروه شامل دو زیربخش «کشاورزی» و «ماهگیری» است که تغییرات آن‌ها به ترتیب سه و چهار دهم (۳/۴) و منفی پنج و نیم (۵/۵-) درصد بوده است. در سال گذشته زیربخش کشاورزی به جز فصل سوم سال (پاییز)، رشد مثبت را تجربه کرد، در حالی که زیربخش ماهگیری در هر چهار فصل با رشد منفی مواجه بود؛ به‌گونه‌ای که در فصل چهارم سال نسبت به فصل مشابه سال ۱۳۹۷، افت بیش از هفت (۷) درصدی را تجربه کرد.

## گروه صنعت

زیربخش‌های این گروه متشکل از «معدن»، «استخراج نفت و گاز طبیعی»، «سایر معادن»، «صنعت»، «تأمین آب، برق و گاز» و «ساختمان» است. این گروه در تمام فصول سال ۱۳۹۸ روند نزولی داشت و بالاترین حد کاهش آن نیز به فصل دوم سال (تابستان) برمی‌گردد که بیش از بیست و دو (۲۲) درصد نسبت به فصل مشابه در سال ۱۳۹۷ کاهش یافت. این روند در فصل سوم سال به کمتر از دو (۲) رسید که نوید پایان رکود را می‌داد، اما افزایش نا اطمینانی‌های اقتصاد کلان (اقتصاد سیاسی) و شیوع بیماری کرونا مجدداً سیر نزولی را تشدید کرد؛ به‌گونه‌ای که فصل آخر سال را با افت یازده و نیم (۱۱/۵) درصدی به پایان رساند. تغییرات گروه صنعت در سال ۱۳۹۸ قریب به منفی پانزده (۱۵-) درصد بود. تغییرات زیر بخش‌های این گروه به شرح زیر است:

«استخراج نفت و گاز طبیعی (۳۵-٪)»، «معدن (۳۲/۸-٪)»، «سایر معادن (۲/۱-٪)»، «صنعت (۱/۸-٪)»، «تأمین آب، برق و گاز (۱/۶٪)» و «ساختمان (۶/۱٪)».

در میان زیربخش‌های مزبور، «معدن»، «استخراج نفت و گاز طبیعی»، «سایر معادن» در تمامی فصول، رشد منفی را تجربه کرده‌اند و زیربخش «صنعت» نیز فقط در فصل چهارم سال، رشد بیش از دو (۲) درصدی داشت. این در حالی است که زیربخش‌های «تأمین آب، برق و گاز» و «ساختمان» به ترتیب ده و نیم (۱۰/۵) و دو و نه دهم (۲/۹) درصد در زمستان گذشته نسبت به زمستان سال ۱۳۹۷ با افت روبه‌رو شدند.

## گروه خدمات

سهم بخش خدمات در اقتصاد ایران به طور متوسط پنجاه (۵۰) درصد تولید ناخالص داخلی را شامل می‌شود. این بخش در سال ۱۳۹۷ با وجود تحریم‌های ایالات متحده آمریکا، رشد یک و سه دهم (۱/۳) درصدی را تجربه کرد؛ در حالی که در سال ۱۳۹۸ با وجود نوسانات فصلی با رشد منفی مواجه شد. شدیدترین رشد منفی خدمات در آخرین فصل سال رقم خورد که شیوع بیماری کرونا از اوایل اسفندماه بخشی از تقاضای خدمات را به‌طور قابل ملاحظه‌ای کاهش داد. در برخی زیربخش‌های خدمات، میزان افت تولید در فصل آخر سال قابل ملاحظه است. به عنوان مثال، خدمات مربوط به فعالیت‌های مالی و بیمه که در فصل سوم، رشد سیزده و دو دهم (۱۳/۲) درصدی را به ثبت رسانده بود، در فصل چهارم سال، نه و چهاردهم (۹/۴) درصد نسبت به زمستان ۱۳۹۷ کاهش داشت. با این حال،

شدیدترین کاهش گروه خدمات در زمستان ۱۳۹۸ مربوط به زیربخش «سایر خدمات عمومی، اجتماعی، شخصی و خانگی» است. ارزش افزوده این بخش نسبت به فصل مشابه در سال ۱۳۹۷، به میزان یازده و سه دهم (۱۱/۳) درصد کاسته شده است. این بخش شامل خدمات فرهنگی، خدمات مؤسسات لباسشویی، قالی‌شویی، خدمات آرایش و پیرایش، دفتر شهرک‌ها و مجتمع‌های تجاری و خدمات خانگی مستخدمین و... می‌شود که مستقیماً از شیوع کرونا تأثیر پذیرفته است.

#### ب) تورم و بیکاری در سال ۱۳۹۸

بر اساس اعلام مرکز آمار ایران در سال ۱۳۹۸، نرخ بیکاری جمعیت ۱۵ ساله به بالا، ده و هفت دهم (۱۰/۷) درصد بوده است. همچنین، نرخ مشارکت اقتصادی چهل و چهار و یک دهم (۴۴/۱) درصد است. قابل توجه آنکه حدود شصت (۶۰) درصد جمعیت شاغلان، اشتغال ۴۴ ساعت و بیشتر داشته‌اند. به بیان دیگر، حدود ۴۰ درصد جمعیت شاغل کشور، کمتر از ۴۴ ساعت در هفته کار کرده‌اند. بررسی روند تغییرات نرخ مشارکت حاکی از آن است که این شاخص در سال ۱۳۹۸ نسبت به سال ۱۳۹۷، چهار دهم (۰/۴) درصد کاهش یافته است. همچنین، بررسی نسبت اشتغال جمعیت ۱۵ ساله به بالا بیانگر آن است که سی و نه و چهار دهم (۳۹/۴) درصد از جمعیت در سن کار شاغل بوده‌اند. این شاخص در میان مردان بیشتر از زنان و در نقاط روستایی بیشتر از نقاط شهری بوده است. نرخ تورم سالانه<sup>۱</sup> و نقطه به نقطه<sup>۲</sup> برای اسفندماه سال ۱۳۹۸ به ترتیب ۳۴/۸ و ۲۲ درصد بود. نظر به اینکه معمولاً میانگین تورم خانوارهای شهری از روستایی بالاتر است. در اسفندماه سال ۱۳۹۸، تورم سالانه خانوارهای روستایی بالاتر بوده است. این مهم برای خانوارهای شهری، ۳۴/۴ درصد و برای خانوارهای روستایی ۳۷/۳ درصد است.

#### فصل اول سال ۱۳۹۹ در سایه کرونا

##### الف) تولید ناخالص داخلی

بر اساس آخرین نتایج حساب‌های ملی فصلی مرکز آمار ایران، محصول ناخالص داخلی به قیمت ثابت در سال ۱۳۹۰ در سه ماهه اول سال ۱۳۹۹ به رقم ۱۶۵/۶ هزار میلیارد تومان رسید که نسبت به بهار ۱۳۹۸، نشان از رشد منفی سه و نیم (۳/۵-) درصد دارد. همچنین رشد اقتصادی بدون نفت نیز، معادل منفی یک و هفت دهم (۱/۷-) درصد بوده است. اقتصاد ایران در بهار سال ۱۳۹۹ علاوه بر محدودیت‌های ناشی از تحریم و سایر مشکلات و نا اطمینانی‌ها اعم از نامطلوب بودن فضای کسب‌وکار، عدم ثبات فضای اقتصاد کلان و مسائلی از این قبیل، مهمان ناخوانده دیگری نیز به نام کرونا داشت.

کرونا موجب کاهش سه و نیم (۳/۵) درصدی از حجم بخش خدمات در سه‌ماهه نخست سال جاری، نسبت به بهار سال گذشته شده است. این شدیدترین حد نزولی بخش خدمات، دست‌کم در دهه ۹۰ به حساب می‌آید. در واقع

۱. تورم دوازده‌ماهه - بر اساس سال پایه ۱۳۹۵ - که منظور درصد تغییر میانگین اعداد شاخص قیمت در یک سال منتهی به ماه جاری، نسبت به دوره مشابه قبل از آن است.

۲. درصد تغییر نسبت به ماه مشابه سال قبل، بر اساس سال پایه ۱۳۹۵.

تحریم هم نتوانسته بود به این بخش از اقتصاد کشور، به اندازه کرونا آسیب بزند. همان طور که پیش‌تر از نظر گذشت، رشد بخش خدمات در سال گذشته معادل منفی سه دهم (۰/۳-) و بالاترین انقباض در بخش خدمات، در گروه «سایر خدمات عمومی، اجتماعی و شخصی» رخ داده است. این گروه شامل فعالیت‌های مذهبی و سیاسی، فعالیت‌های اتحادیه اصناف، خدمات مؤسسات لباسشویی، قالی‌شویی، خدمات آرایش و پیرایش، گورستان‌ها، حمام و سونا، دفاتر شهرک‌ها و مجتمع تجاری و خدمات خانگی مستخدمان، رانندگان و نظایر آن‌ها است.

این در حالی است که کرونا نیز سنگین‌ترین ضربه را به تولید ناخالص داخلی این زیربخش از گروه خدمات وارد کرده است. به بیان دیگر، بیش از شصت (۶۰) درصد از حجم ارزش افزوده این خدمات در سه ماهه نخست سال در مقایسه با فصل مشابه در سال ۱۳۹۸ از بین رفته است. در واقع، سهم بخش خدمات در هزینه‌های خانوار به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش یافته است. سهم این بخش از کل تولید ناخالص داخلی در فصل اول سال گذشته معادل نه دهم (۰/۹) درصد بوده که در بهار ۱۳۹۹ به سه دهم (۰/۳) درصد تقلیل یافت. با وجود سهم اندک این بخش در کل اقتصاد، کاهش رشد آن موجب افت شش‌دهم (۰/۶) درصدی تولید کل اقتصاد ایران شده است. در میان سایر زیربخش‌های گروه خدمات «عمده و خرده‌فروشی، هتل و رستوران»، شش و هفت دهم (۶/۷) درصد، «مستغلات، کرایه و خدمات کسب و کار»، شش و یک دهم (۶/۱) درصد و «حمل و نقل و انبارداری» سه (۳) درصد رشد منفی داشت.

در فصل اول سال ۱۳۹۹ گروه کشاورزی یک دهم (۰/۱) درصد نسبت به مدت مشابه در سال قبل رشد داشته است و رشد گروه صنایع و معادن نیز منفی چهار و چهار دهم (۴/۴-) درصد تقلیل یافته است. در میان زیربخش‌های گروه صنایع و معادن، منفی‌ترین رشد به ترتیب مربوط به استخراج نفت و گاز طبیعی منفی چهارده و سه دهم (۱۴/۳-) درصد، ساختمان منفی دو (۲-) و صنعت منفی چهار دهم (۰/۴-) درصد است.

#### ب) تورم و بیکاری در فصل اول سال ۱۳۹۹

بر اساس اعلام مرکز آمار ایران در سه ماهه اول سال ۱۳۹۹؛ تورم نقطه به نقطه به ترتیب (۱۹/۸)، (۲۱) و (۲۲/۵) بوده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود این روند صعودی است،<sup>۱</sup> در حالی که تورم سالانه به ترتیب ۲۹/۸، ۳۲/۲ و ۲۷/۸ درصد است. نرخ بیکاری و مشارکت اقتصادی جمعیت ۱۵ ساله به بالا، به ترتیب نه و هشت دهم (۹/۸) و چهل و یک (۴۱) درصد بوده است. از یک‌سو، بررسی روند تغییرات نرخ مشارکت حاکی از کاهش سه و هفت دهم (۳/۷) درصد این شاخص در سه ماهه اول سال ۱۳۹۹ نسبت به سه ماهه نخست سال ۱۳۹۸ است. از سوی دیگر، حدود پنج‌ده و شش (۵۶) درصد جمعیت شاغلان، اشتغال با ۴۴ ساعت و بیشتر داشته‌اند، به بیان دیگر، حدود ۴۴ درصد جمعیت شاغل کشور، کمتر از ۴۴ ساعت در هفته کار کرده‌اند. همچنین، بررسی نسبت اشتغال جمعیت ۱۵ ساله به

۱. لازم به ذکر است تورم نقطه به نقطه در مردادماه سال ۱۳۹۹ به ۳۰/۴ درصد رسیده است.

بالا بیانگر آن است که سی و شش و نه دهم (۳۶/۹) درصد از جمعیت در سن کار شاغل بوده‌اند. این شاخص در میان مردان بیشتر از زنان و در نقاط روستایی بیشتر از نقاط شهری بوده است.

## ۲- روش‌شناسی پژوهش

همان‌طور که پیش‌تر از نظر گذشت این گزارش در پی سنجش اثرات اقتصادی بیماری کرونا روی متغیرهای اقتصادی؛ ستانده (تولید)، ارزش افزوده، اجزای آن و اشتغال است. با توجه به اینکه فعالیت‌های اقتصادی با همدیگر دارای پیوندهای متقابل هستند و جداول داده- ستانده نیز این پیوندها را طی دوره زمانی یک سال پوشش می‌دهد، در این گزارش از مزیت الگوی تعاملی داده- ستانده استفاده شده است.

در این مطالعه بررسی تغییرات (کاهش) ستانده فعالیت‌های اقتصادی بر اساس رویکرد حذف فرضی بخشی روش استراست- حذف (شوگ) هم‌زمان سمت عرضه و تقاضا- انجام شده است. همچنین، کاهش اشتغال نیز بر اساس رویکرد حذف فرضی مدل ملر و مارفان (۱۹۸۱) و مطالعه جهانفر، طایی و بانویی (۱۳۹۶) بررسی شده و تغییرات ارزش افزوده و اجزای آن نیز بر اساس تغییرات تقاضای نهایی فعالیت‌های اقتصادی و با استفاده از مدل لارنس کلاین (۱۹۸۳) و الگوی افراز زایتسف (۲۰۰۰) احصاء شده است.

### احصاء تغییرات ستانده و اشتغال فعالیت‌های اقتصادی (حذف فرضی)

#### ستانده

در این گزارش سنجش تأثیرات اقتصادی کرونا بر ستانده فعالیت‌های<sup>۱</sup> اقتصادی، بر اساس مبانی نظری اندازه‌گیری اهمیت اقتصادی بخش‌ها [حذف فرضی] صورت پذیرفته است.<sup>۲</sup> این روش نخستین بار در سال ۱۹۶۵ توسط پیلینک، دی‌سویل و دگولدر<sup>۳</sup> ارائه شد و سپس در سال ۱۹۶۸ توسط استراسرت<sup>۴</sup> جهت بررسی تأثیر حذف یک بخش بر کاهش ستانده کل اقتصاد مورد استفاده قرار گرفت. منظور از حذف در واقع حذف یک بخش یا حذف مجموعه‌ای از بخش‌های همگن در یک زمان در سطح ملی است. همچنین در تحلیل‌های منطقه‌ای، حذف می‌تواند حذف یک منطقه یا حذف یک بخش در یک منطقه در نظر گرفته شود (صادقی، ۱۳۹۴). تاکنون مطالعات متعددی در خصوص روش‌های مختلف حذف فرضی انجام شده است که از آن جمله می‌توان به پژوهش‌های شولتز (۱۹۷۶، ۱۹۷۷)،<sup>۵</sup> ملر

۱. در این مقاله «بخش اقتصادی» مترادف با «فعالیت اقتصادی» است و به طور متناوب این دو واژه با هم به کار رفته‌اند.

۲. جهت آشنایی بیشتر با روش‌های حذف فرضی به مطالعات (Miller, R.E. and Blair, 2009) و (جهانگرد، ۱۳۹۳) رجوع شود.

3. Paelinck, de Caemel, and Degueldre (1965)

4. Strassert

5. Schultz (1976, 1977)

و مارفان<sup>۱</sup> (۱۹۸۱)، سلا<sup>۲</sup> (۱۹۸۴)، میلانا<sup>۳</sup> (۱۹۸۵)، هیملر<sup>۴</sup> (۱۹۹۱)، دیازنباخر و واندربلیندن<sup>۵</sup> (۱۹۹۷)، میلر و لهر<sup>۶</sup> (۲۰۰۱) و دیازنباخر (۲۰۱۳) اشاره کرد.

لازم به ذکر است که در روش حذف فرضی، فروض زیر در نظر گرفته می‌شود:<sup>۷</sup>

- تجارت آزاد که در مقابل جایگزینی واردات قرار می‌گیرد.

- متغیرهایی مانند تکنولوژی و تقاضای نهایی در اقتصاد ثابت در نظر گرفته می‌شوند.

- تحقق این روش در صورتی امکان‌پذیر است که تمام نیازهای واسطه‌ای بخش‌های حذف شده به صورت واردات از دنیای خارج تأمین گردد. بنابراین با حذف بخش مورد نظر، الگوی خرید دیگر بخش‌ها تغییر نمی‌کند و خرید بخش‌ها از بخش حذف شده توسط واردات از دنیای خارج جبران می‌شود.

در اینجا فرایند حذف فرضی در قالب یک اقتصاد دو بخشی تشریح خواهد شد. ماتریس  $A$  ضرایب فنی را نشان می‌دهد:

$$A = \begin{bmatrix} A_{11} & A_{12} \\ A_{21} & A_{22} \end{bmatrix} \quad (۱)$$

و معکوس ماتریس لئونتیف<sup>۸</sup> به صورت زیر است:

$$L = \begin{bmatrix} H & HA_{12}a_{22} \\ a_{22}A_{21}H & a_{22}(I + A_{21}HA_{12}a_{22}) \end{bmatrix} \quad (۲)$$

که در آن

$$a_{22} = (I - A_{22})^{-1}$$

$$H = (I - A_{11} - A_{12}a_{22}A_{21})^{-1}$$

و ستانده ( $X$ ) و تقاضای نهایی ( $F$ ) به شرح زیر تعریف می‌شود:

$$\begin{bmatrix} X_1 \\ X_2 \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} H & HA_{12}a_{22} \\ a_{22}A_{21}H & a_{22}(I + A_{21}HA_{12}a_{22}) \end{bmatrix} \begin{bmatrix} F_1 \\ F_2 \end{bmatrix} \quad (۳)$$

حال با لحاظ نمودن شوک هم‌زمان عرضه و تقاضا داریم:

$$A_{11} = A_{12} = A_{21} = 0$$

1. Meller and Marfan

2. Cella

3. Milana (1985)

4. Heimler (1991)

5. Dietzenbacher & Van Der Linden

6. Miller and Lahr

۷. در ارتباط با فروض مزبور ذکر این نکته ضروری است که برقرار بودن این فروض، پیش‌نیاز استفاده از رویکرد حذف فرضی نیست. به بیان دیگر، نباید این گونه استنباط شود که استفاده از این رویکرد، مستلزم برقرار بودن این فروض هستند. به عنوان مثال، یکی از اساسی‌ترین فروض در جداول داده-ستانده، فرض واردات رقابتی است، در حالی که این فرض در کشورهای توسعه یافته نیز با اما و اگرهایی مواجه است. با این حال، دانشمندان و پژوهشگران این حوزه این فرض را پذیرفته‌اند. واردات رقابتی (Competitive Imports)، کالاهایی هستند که اگرچه وارد یک کشور می‌شوند، اما در داخل آن کشور نیز به میزان زیادی تولید می‌شود. هرچند امکان دارد هزینه‌های تولید آن‌ها متفاوت باشد و علاوه بر کیفیت و هزینه‌های یک کالا، ترجیحات مصرف‌کنندگان نیز اهمیت دارد. با این حال، در تهیه جداول داده-ستانده فرض رقابتی بودن پذیرفته شده است.

۸. معکوس ماتریس لئونتیف به این شرح است:  $(I - A)^{-1}$ ، قابل توجه اینکه  $I$  ماتریس قطری واحد است که درایه‌ها روی قطر اصلی معادل عدد یک و سایر درایه‌های آن صفر است.



به بیان دیگر، اگر کلیه پیوندهای پسین و پیشین یک بخش به صورت هم‌زمان از اقتصادی حذف شود؛ خواهیم داشت:

$$A^1 = \begin{bmatrix} 0 & 0 \\ 0 & a_{22} \end{bmatrix} \quad L^1 = \begin{bmatrix} I & 0 \\ 0 & a_{22} \end{bmatrix} \quad (۴)$$

و تراز تولید به شرح زیر خواهد بود:

$$\begin{bmatrix} X_1^1 \\ X_2^1 \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} I & 0 \\ 0 & a_{22} \end{bmatrix} \begin{bmatrix} F_1 \\ F_2 \end{bmatrix} \quad (۵)$$

و تغییرات ستانده- تفاوت تولید قبل و بعد از حذف روش استراست- برابر است با:

$$\Delta X^1 = (L - L^1) F = \Delta L^1 F \quad (۶)$$

که بیانگر تغییرات ستانده (تولید) آن بخش و کل اقتصاد، بعد از حذف کلیه پیوندهای یک فعالیت است. به بیان ماتریسی؛ رابطه (۶) را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$\begin{bmatrix} X_1 - X_1^1 \\ X_2 - X_2^1 \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} \Delta X_1^1 \\ \Delta X_2^1 \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} H - I & HA_{12}a_{22} \\ a_{22}A_{21}H & a_{22}A_{21}HA_{12}a_{22} \end{bmatrix} \begin{bmatrix} F_1 \\ F_2 \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} \Delta_{11}^{1L} & \Delta_{12}^{1L} \\ \Delta_{21}^{1L} & \Delta_{22}^{1L} \end{bmatrix} \begin{bmatrix} F_1 \\ F_2 \end{bmatrix} \quad (۷)$$

با حذف پیوندهای یک بخش، ستانده خود بخش و سایر فعالیت‌های اقتصادی کاهش می‌یابد، از این رو، تغییرات ستانده خود بخش، اثرات مستقیم و تغییرات سایر بخش‌ها، اثرات غیرمستقیم نامیده می‌شود.

#### اشتغال<sup>۱</sup>

نقطه شروع بررسی مبانی نظری روش حذف فرضی و پیوند آن به تغییرات اشتغال بخشی، تراز تولیدی لئونتیف است که به شرح زیر بیان می‌شود؛

$$X = AX + F \quad (۸)$$

در رابطه فوق،  $X$ ،  $A$  و  $F$  به ترتیب بردارهای تولید (ستانده)، ماتریس ضرایب فنی و تقاضای نهایی است. بر همین اساس، ماتریس ضرایب فزاینده به شرح ذیل تعریف می‌شود:

$$X = (I - A)^{-1}F \quad (۹)$$

همچنین، ضریب مستقیم اشتغال بخش به شرح ذیل است:

$$l_i^{\wedge} = \frac{L_i}{X_i} \quad (۱۰)$$

$L_i$  و  $l_i^{\wedge}$  به ترتیب تعداد شاغلان بخشی و ضریب مستقیم اشتغال را نشان می‌دهد. به عبارتی رابطه فوق نشان می‌دهد که به ازای ارزش هر واحد تولید در بخش  $i$ ام، چند نفر شغل به طور مستقیم نیاز است. از این رو، رابطه توان اشتغال‌زایی را می‌توان به شرح ذیل استخراج کرد.<sup>۲</sup>

۱. بر اساس مدل ملر و مارفان (۱۹۸۱) و مطالعه جهانفر، طایی و بانویی (۱۳۹۶) انجام شده است.

۲. تحمیل وزن یکسان قراردادی واحد قابل توجه است. برخی پژوهشگران مانند هرازی (۱۹۷۰)، لوماس (۱۹۷۶)، شرشستا (۱۹۹۱) و دیازنباخر و والاکوئز (۲۰۰۷) تلاش کرده‌اند به جای به کارگیری فرض وزن یکسان، از وزن تقاضای نهایی بخشی استفاده کنند.

$$TLM_i = \sum_i [l^{\wedge}(I - A)^{-1}t^{\wedge}] \quad (11)$$

در رابطه فوق،  $t^{\wedge}$ ،  $l^{\wedge}(I - A)^{-1}$  و  $TLM_i$  به ترتیب ماتریس قطری واحد، ماتریس ضرایب فزاینده اشتغال و نفر شغل مستقیم و غیرمستقیم هر بخش در کل اقتصاد را نشان می‌دهد. چون رابطه مزبور محدود به مبادلات واسطه بین بخشی است، اندازه نهایی بخشی را نادیده می‌گیرد و از منظر سیاست‌گذاری با نقدهایی مواجه است. از این رو، برخی پژوهشگران مانند ملر و مارفان تلاش کردند روش حذف فرضی را به کاهش تولید هر بخش و به تبع آن، به اشتغال از دست رفته هر بخش در کل اقتصاد تعمیم دهند. برای این منظور از روش حذف فرضی استراست که پیش‌تر از نظر گذشت، استفاده می‌کنند.

$$HTL_i = \sum_i [l^{\wedge}(I - A)^{-1} - l'^{\wedge}(I - A')^{-1}]t^{\wedge} \quad (12)$$

$A'$  و  $l'^{\wedge}$  به ترتیب ماتریس ضرایب فنی تولید و ضرایب مستقیم اشتغال بعد از حذف بخش است. این رابطه نیز محدود به مبادلات واسطه بوده، وزن یکسانی را برای تقاضای نهایی بخش‌های مختلف مبنای سنجش اشتغال مستقیم و غیرمستقیم از دست رفته هر بخش در کل اقتصاد در نظر می‌گیرد. به همین منظور، رابطه فوق به شرح زیر ارائه می‌شود:

$$MHTL_i = \sum_i [l^{\wedge}(I - A)^{-1} - l'^{\wedge}(I - A')^{-1}](y_i)^{\wedge} \quad (13)$$

در این رابطه به جای تحمیل وزن یکسان تقاضای نهایی، از سهم تقاضای نهایی بخشی استفاده می‌شود.<sup>۱</sup>

#### بررسی تغییرات ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی

در این گزارش تغییرات ارزش افزوده و اجزای آن «جبران خدمات کارکنان»، «خالص مالیات بر تولید و واردات» و «درآمد مختلط و مازاد عملیاتی، ناشی از تغییرات تقاضای نهایی به ترتیب بر اساس روش کلاین (۱۹۸۳) و زایستف (۲۰۰۰) برآورد شده است.

#### تغییرات ارزش افزوده ناشی از تغییر تقاضای نهایی (مدل کلاین)

این روش عناصر تقاضای نهایی را به ارزش افزوده بخش‌ها مرتبط می‌کند. به عنوان مثال، می‌توان اثربخشی تغییرات سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی را بر ارزش افزوده استخراج کرد و در سیاست‌گذاری تخصیص منابع بین بخشی استفاده کرد. به بیان دیگر، تغییرات ارزش افزوده ناشی از تغییر تقاضای نهایی بر اساس این روش قابل احصاء است. به همین منظور، در این گزارش اثر تغییرات (کاهش) تقاضای نهایی بر روی ارزش افزوده برآورد شده است. به عنوان مثال، اگر تقاضای نهایی یک فعالیت ده (۱۰) درصد کاهش یابد، ارزش افزوده آن فعالیت و کل اقتصاد چه تغییراتی خواهد داشت.

در هر اقتصادی تولید (ستانده) از دو بخش تقاضای واسطه و تقاضای نهایی تشکیل شده است:

۱. لازم به ذکر است استفاده از وزن تقاضای نهایی بخشی به جای وزن یکسان، توسط جهانفر و همکاران (۱۳۹۶) پیشنهاد شد.

$$X_i = \sum_{j=1}^n X_{ij} + F_i \quad (14)$$

$$a_{ij} = \frac{X_{ij}}{X_j} \quad (15)$$

$$X_i = \sum_{j=1}^n a_{ij} X_j + F_i \quad i = 1, 2, 3, \dots, n \quad (16)$$

این سیستم معادله خطی ارزش ستانده است. بر اساس رابطه (۱۴) و ماتریس تقاضای نهایی ( $F$ ) می توان تراز تولید را به صورت زیر نوشت:

$$X = (I - A)^{-1} F \quad (17)$$

$I$ : ماتریس واحد ( $n \times n$ )

$X$ : بردار ستونی ( $n \times 1$ ) تولید (ستانده) بخش های مختلف

$F$ : بردار ستونی ( $n \times 1$ ) تقاضای نهایی به تفکیک بخش

$A$ : ماتریس مربع ( $n \times n$ ) ضرایب مستقیم

$n$ : تعداد بخش های اقتصادی

$$X_j = \frac{1}{a_{ij}} X_{ij} \quad (18)$$

رابطه (۱۸)، ارتباط بین مصارف واسطه و ستانده را بیان می کند.

برای به دست آوردن ارزش افزوده باید کالاهای واسطه ای را که در فرایند تولید استفاده شده است، کسر کرد؛ بنابراین خواهیم داشت:

$$Y_j = X_j - \sum_{i=1}^n X_{ij} \quad (19)$$

حال می توان ماتریس ضرایب فنی را جایگزین جزء دوم سمت راست معادله بالا کرد؛ بنابراین خواهیم داشت:

$$Y_j = X_j - \sum_{i=1}^n a_{ij} X_{ij} = X_j (1 - \sum_{i=1}^n a_{ij}) \quad (20)$$

شکل ماتریسی این عبارت به شرح ذیل خواهد بود:

$$X = BY \quad (21)$$

$$B = \begin{bmatrix} \frac{1}{1 - \sum a_{i1}} & 0 & \dots & 0 \\ 0 & \frac{1}{1 - \sum a_{i2}} & \dots & 0 \\ 0 & 0 & \dots & 0 \\ 0 & 0 & \dots & \frac{1}{1 - \sum a_{in}} \end{bmatrix} \quad (22)$$

ماتریس قطری که از عناصر ماتریس  $A$  به دست می‌آید ارزش افزوده را به تولید ناخالص یا ستانده یا برعکس تبدیل می‌کند، زیرا مجموع تقاضای نهایی برابر با تولید ناخالص داخلی است. همچنین تقاضای نهایی را به صورت زیر می‌توان نوشت:

$$\begin{aligned} F_1 &= F_{1C} + F_{1G} + F_{1I} + F_{1X} - F_{1IM} \\ F_2 &= F_{2C} + F_{2G} + F_{2I} + F_{2X} - F_{2IM} \\ &\vdots \\ F_n &= F_{nC} + F_{nG} + F_{nI} + F_{nX} - F_{nIM} \\ \sum F_i &= C + I + G + X - M \end{aligned} \quad (23)$$

با تقسیم هر یک از اقلام بالا بر جمع مربوط به خود، خواهیم داشت:

$$\begin{aligned} C_{ic} &= \frac{F_{ic}}{C} \quad i = 1.2.3 \dots n \\ C_{ig} &= \frac{F_{ig}}{G} \quad i = 1.2.3 \dots n \\ C_{ii} &= \frac{F_{ii}}{I} \quad i = 1.2.3 \dots n \\ C_{ix} &= \frac{F_{ix}}{X} \quad i = 1.2.3 \dots n \\ C_{iim} &= \frac{F_{iim}}{IM} \quad i = 1.2.3 \dots n \end{aligned} \quad (24)$$

شکل ماتریسی رابطه بالا به صورت زیر است:

$$\begin{bmatrix} F_1 \\ F_2 \\ \dots \\ F_n \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} C_{1c} & C_{1g} & C_{1i} & C_{1x} & C_{1im} \\ C_{2c} & C_{2g} & C_{2i} & C_{2x} & C_{2im} \\ \dots & \dots & \dots & \dots & \dots \\ C_{nc} & C_{ng} & C_{ni} & C_{nx} & C_{nim} \end{bmatrix} \begin{bmatrix} C \\ G \\ I \\ X \\ (IM) \end{bmatrix} \quad (25)$$

$$F = Cg \quad (26)$$

که  $g$  بردار از مؤلفه‌های حساب ملی  $(C, G, I, X, IM)$  است. با جایگزینی به جای  $F$  از رابطه (۱۷) خواهیم داشت:

$$(I - A)BY = Cg \quad (27)$$

$$Y = B^{-1}(I - A)^{-1}Cg \quad (28)$$

$$Y = Hg \quad (29)$$

پرستون (۱۹۷۲) و سایپر (۱۹۷۶) ثابت کرده‌اند که جمع ستونی ماتریس  $H$  هنگامی که واردات به صورت منفی در ناحیه دوم جدول داده-ستانده ظاهر می‌شود، برابر یک خواهد شد (جهانگرد، ۱۳۹۳).

ماتریس  $H$  ضرایب تکاثری جامع ارزش افزوده بخشی است که نشان می‌دهد چنانچه کل تقاضای نهایی عامل  $g$  یک واحد تغییر کند، ارزش افزوده بخش  $Z$ ام چه میزان تغییر خواهد کرد؛ یعنی:

$$\begin{bmatrix} y_{1t} \\ y_{2t} \\ \dots \\ y_{mt} \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} h_{11} & h_{12} & \dots & h_{1m} \\ h_{21} & h_{22} & \dots & h_{2m} \\ \dots & \dots & \dots & \dots \\ h_{n1} & h_{n2} & \dots & h_{nm} \end{bmatrix} \begin{bmatrix} g_{1t} \\ g_{2t} \\ g_{3t} \\ \dots \\ g_{mt} \end{bmatrix} \quad (30)$$

$y_{ij}$  نماد اجزای برداری ارزش افزوده بخشی است که به صورت ماتریس  $Y$  نشان داده شد.

سنجش تغییرات اجزای ارزش افزوده (مدل افراز زایتسلف)

روش دیگری که برای سنجش ارتباط بین مؤلفه‌های ارزش افزوده و تقاضای نهایی با الگوی داده-ستانده قابل ارائه است، مدل افراز زایتسلف است. بر اساس این روش، تغییرات اجزای ارزش افزوده بر اثر تغییر تقاضای نهایی احصاء شده و در آن، ابتدا فعالیت‌های اقتصادی به دو بلوک کالایی و خدماتی افراز تقسیم می‌شوند. بلوک نخست، بخش تولیدی (کشاورزی، معدن و صنعت) و دومین بلوک، بخش‌های ارائه‌کننده خدمات است. در این الگو، ستانده ( $X$ ) و تقاضای نهایی ( $F$ ) هر کدام به دو قسمت تقسیم می‌شوند:

$X_1$ : ستانده کالاها

$X_2$ : ستانده خدمات

$F_1$ : تقاضای نهایی کالاها

$F_2$ : تقاضای نهایی خدمات

ماتریس  $A$  که مصارف واسطه مستقیم است به چهار زیرماتریس افراز می‌شود:

$A_{11}$ : ماتریس مستقیم مصارف واسطه کالایی مورد نیاز برای تولید کالاها

$A_{21}$ : ماتریس مستقیم مصارف واسطه خدمات مورد نیاز برای تولید کالاها

$A_{12}$ : ماتریس مستقیم مصارف واسطه کالایی مورد نیاز برای تولید خدمات

$A_{22}$ : ماتریس مستقیم مصارف واسطه خدمات مورد نیاز برای تولید خدمات

در صورتی که ماتریس ارزش افزوده  $V$  باشد، بنابراین، می‌توان ماتریس ضرایب آن را به ازای هر واحد ستانده به شرح ذیل افراز کرد.

$AV_1$ : ماتریس ضرایب ارزش افزوده مستقیم تولید

$AV_2$ : ماتریس ضرایب ارزش افزوده مستقیم خدمات

در مرحله بعد معکوس لئونتیف به وسیله رابطه‌های زیر محاسبه می‌شود:

$$B_{11} = (I + B_{12}A_{21})(I - A_{11})^{-1} \quad (31)$$

$$B_{12} = (I - A_{11})^{-1}A_{12}B_{22} \quad (32)$$

$$B_{21} = B_{22}A_{21}(I - A_{11})^{-1} \quad (33)$$

$$B_{22} = [(I - A_{22})^{-1} - A_{21}(I - A_{11})^{-1}A_{12}]^{-1} \quad (34)$$

$B_{11}$ : ماتریس ضرایب کل نهاده‌های واسطه کالایی مورد نیاز برای تولید کالاها  
 $B_{12}$ : ماتریس ضرایب کل نهاده‌های واسطه کالایی مورد نیاز برای تولید خدمات  
 $B_{21}$ : ماتریس ضرایب کل نهاده‌های واسطه خدماتی مورد نیاز برای تولید کالاها  
 $B_{22}$ : ماتریس ضرایب کل نهاده‌های واسطه خدماتی مورد نیاز برای تولید خدمات  
 بر اساس روابط داده-ستانده، روابط زیر برقرار است:

$$B_{11} \geq (I - A_{11})^{-1} \geq I + A_{11} \quad (35)$$

$$B_{12} \geq A_{12} , B_{21} \geq A_{21} \quad (36)$$

$$B_{22} \geq I + A_{22} \quad (37)$$

ماتریس‌های ارزش افزوده به تفکیک بلوک‌بندی‌های ارائه شده به شرح ذیل تعریف می‌شوند:

$$BV_1 = AV_1B_{11} + AV_2B_{21} \quad (38)$$

$$BV_2 = AV_1B_{12} + AV_2B_{22} \quad (39)$$

$BV_1$  ماتریس کل ارزش افزوده تولید کالاها و  $BV_2$  ماتریس کل ارزش افزوده خدمات است. ارتباط بین ارزش افزوده و تقاضای نهایی به صورت زیر بیان می‌شود:

$$V = AV_1B_{11}Y_1 + AV_2B_{21}Y_1 + AV_1B_{12}Y_2 + AV_2B_{22}Y_2 = BV_1Y_1 + BV_2Y_2 \quad (40)$$

$AV_1B_{11}Y_1$ : ارزش افزوده بخش‌های کالایی ناشی از تقاضای نهایی کالایی

$AV_2B_{21}Y_1$ : ارزش افزوده بخش‌های خدماتی ناشی از تقاضای نهایی کالایی

$AV_1B_{12}Y_2$ : ارزش افزوده بخش‌های کالایی ناشی از تقاضای نهایی خدماتی

$AV_2B_{22}Y_2$ : ارزش افزوده بخش‌های خدماتی ناشی از تقاضای نهایی خدماتی

$BV_1Y_1$ : ارزش افزوده ناشی از تقاضای نهایی کالایی

$BV_2Y_2$ : ارزش افزوده ناشی از تقاضای نهایی خدماتی

از این رو می‌توان بر اساس روابط ارائه شده، میزان تأثیرات اجزای تقاضای نهایی بر ارزش افزوده و اجزای آن را بررسی کرد.

### ۳- پایه‌های آماری و روش‌شناسی بهنگام‌سازی جدول داده- ستانده

همان‌طور که پیش‌تر از نظر گذشت این گزارش درصدد است اثرات اقتصادی کرونا روی تولید، ارزش افزوده و اشتغال را مورد بررسی قرار دهد. به همین منظور، جدول مقارن فعالیت در فعالیت داده- ستانده سال ۱۳۹۵ اقتصاد ایران بر اساس روش رأس (RAS) با مبنا قرار دادن جدول آماری سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران، بهنگام شده است.

#### پایه‌های آماری بهنگام‌سازی جدول سال ۱۳۹۵

تهیه و تدوین جدول داده- ستانده آماری به دلیل کاربردهای متنوع آن در تحلیل ساختار اقتصادی بخش‌ها از اهمیت بالایی برخوردار است، زیرا تهیه جداول آماری امری هزینه‌بر و زمان‌بر است. برای برون‌رفت از این محدودیت، پژوهشگران حوزه داده- ستانده با استفاده از انواع روش‌های بهنگام‌سازی اقدام به تهیه جداول غیرآماری می‌نمایند. در تمامی این روش‌ها تلاش می‌شود که جدول داده- ستانده با ضرایب ثابت را به جدولی تبدیل کنند که تغییرات تکنولوژی و ساختاری را مورد توجه قرار دهند. نظر به اینکه آخرین جدول داده- ستانده آماری کشور مربوط به سال ۱۳۹۰ است، به همین منظور بر اساس آخرین داده‌های مربوط به ستانده، ارزش افزوده و مصارف واسطه بخشی مرکز آمار ایران<sup>۱</sup> و تقاضای واسطه و نهایی برآورد شده، جدول مقارن فعالیت در فعالیت داده- ستانده سال ۱۳۹۵ اقتصاد ایران- بر پایه جدول آماری سال ۱۳۹۰- بر اساس روش رأس (RAS) بهنگام شده است.

جدول ۱، ساختار جدول داده- ستانده متعارف را نشان می‌دهد. به طور کلی جدول داده- ستانده از سه ناحیه مشخص تشکیل شده است: ناحیه نخست که مبادلات واسطه‌ای بین بخشی را شامل می‌شود. ناحیه دوم، شامل اجزای تقاضای نهایی است که عبارت از مصرف خانوار، مصرف دولت، تشکیل سرمایه، صادرات و واردات کالا و خدمات است و ناحیه سوم نیز، دربرگیرنده اطلاعات مربوط به ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی است. در ادامه، اطلاعات مورد نیاز برای بهنگام‌سازی سه ناحیه یاد شده مورد مذاقه قرار خواهد گرفت.

جدول ۴: چارچوب یک جدول داده- ستانده متعارف

رشته فعالیت ردیف	کشاورزی	صنعت	خدمات	تقاضای واسطه	مصرف خانوار	مصرف دولت	تشکیل سرمایه و تغییر در موجودی انبار	خالص صادرات	ستانده
کشاورزی	۱	(۱)			(۲)				
صنعت	۲								
خدمات	۳								
مصارف واسطه									
ارزش افزوده		(۳)							
ستانده									

۱. زمان نگارش گزارش.

### ناحیه اول: ماتریس مبادلات واسطه‌ای بین بخشی

برای بهنگام‌سازی ناحیه اول جدول داده- ستانده به سه دسته اطلاعات نیاز است:

- ماتریس مبادلات واسطه‌ای سال پایه (۱۳۹۰) به ابعاد ۳۶ در ۳۶؛<sup>۱</sup>
- جدول داده- ستانده سال ۱۳۹۰ به ۳۶ بخش تجمیع شده است.
- بردار مصرف واسطه‌ای در سال مقصد (۱۳۹۵) به ابعاد ۱ در ۳۶؛
- بردار مصرف واسطه‌ای از آمارهای منتشر شده در حساب‌های ملی مرکز آمار ایران اتخاذ شده است.
- بردار تقاضای واسطه در سال مقصد (۱۳۹۵) به ابعاد ۳۶ در ۱؛
- اطلاعات این بردار در مراکز رسمی آماری منتشر نمی‌شود. از این رو، باید تقاضای نهایی حساب شده و اطلاعات تقاضای واسطه از مابه‌التفاوت، ستانده و تقاضای نهایی استخراج شود.
- با در دست داشتن سه گروه اطلاعات فوق ناحیه مبادلات واسطه‌ای با کاربری روش RAS از طریق جدول سال ۱۳۹۰ برای سال ۱۳۹۵ بهنگام شده است.

### ناحیه دوم: تقاضای نهایی

ناحیه دوم جدول داده- ستانده دربرگیرنده اطلاعات مربوط به مصرف نهایی خانوار (مصرف نهایی خانوارهای شهری و روستایی و مصرف مؤسسات غیرانتفاعی در خدمت خانوار)، مصرف نهایی دولت، تشکیل سرمایه ثابت ناخالص (تشکیل سرمایه در ساختمان و ماشین‌آلات)، خالص صادرات (صادرات منهای واردات) و تغییر در موجودی انبار و اشتباهات آماری است. در ادامه، منابع اطلاعاتی مورد استفاده برای استخراج اجزای تشکیل‌دهنده این ناحیه مورد بررسی قرار می‌گیرد.

### بردار مصرف نهایی خانوار

مصرف نهایی خانوار دربرگیرنده هزینه مصرف خانوارهای مقیم است. این هزینه‌ها می‌تواند داخل یا خارج از قلمرو اقتصادی صورت گرفته باشند. اطلاعات این بخش از طرح آمارگیری، از هزینه و درآمد خانوارهای شهری و روستایی سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران به دست آمده است. استخراج هزینه‌های خانوار به تفکیک خانوارهای شهری و روستایی به‌منظور برآورد هزینه مصرف نهایی خانوارها برحسب طبقه‌بندی فعالیت‌های اقتصادی<sup>۲</sup> برای ۳۶ بخش برآورد شده است. بردار مصرف خانوار با مصرف نهایی خانوار در حساب‌های ملی سازگاری دارد و تراز شده است.

۱. جدول بهنگام شده در این گزارش، متقارن ۳۶ فعالیت در ۳۶ فعالیت است. ذکر این نکته ضروری است نگارنده با توجه به هدف مطالعاتی و آمارهای در دسترس، فعالیت‌های اقتصادی را ۳۶ بخشی در نظر گرفته است.

2. International Standard Industrial Classification (ISIC Rev. 4)



### بردار مصرف نهایی دولت

هزینه مصرف نهایی دولت عبارت از هزینه‌های ایجاد شده توسط دولت بر روی مصرف فردی کالاها، خدمات و مصرف جمعی خدمات است؛ به عبارت دیگر، هزینه مصرف نهایی دولت برابر با ارزش احتسابی ستانده‌های غیربازاری منهای ارزش هرگونه دریافتی ناشی از فروش کالاها و خدمات است. اطلاعات عملکرد بودجه جاری و عمرانی دولت در سال ۱۳۹۵ از ردیف ملی و استانی از فایل بودجه عمومی دولت، منبع اطلاعاتی این بخش است. روش برآورد این بخش، بر اساس عملکرد قانون بودجه است که به تفکیک فعالیت از عملکرد بودجه عمومی کشور استخراج شده است. این بردار با سرجمع حساب‌های ملی مصرف نهایی دولت تراز گردید.

### بردار تشکیل سرمایه

ارقام تشکیل سرمایه برابر با مجموع سرمایه‌گذاری‌های بخش‌های اقتصادی در کشور بوده که دربرگیرنده اطلاعات مربوط به تشکیل سرمایه در ماشین‌آلات و ساختمان است. استخراج نتایج طرح کارگاه‌های صنعتی ۱۰ کارکن و بیشتر و طرح معادن فعال کشور مرکز آمار مبنای محاسبات این بردار قرار گرفته است. برای سایر بخش‌ها نیز بر اساس ضریب سرمایه‌گذاری نسبت به ستانده محاسبه شده و رقم تشکیل سرمایه برآورد شده است. این بردار با سرجمع حساب‌های ملی عامل تشکیل سرمایه ثابت تراز گردید.

### بردار تغییر در موجودی انبار و اشتباهات آماری

تغییر در موجودی انبار جزئی از تشکیل سرمایه است و سرمایه‌گذاری در سه جزء لحاظ می‌شود: سرمایه‌گذاری در ساختمان، سرمایه‌گذاری در ماشین‌آلات<sup>۱</sup> و تغییر در موجودی انبار. ذکر این نکته ضروری است این عامل، تغییرات در موجودی انبار اول دوره (سال) و پایان دوره را نشان می‌دهد؛ به بیان دیگر، برای دوره یک سال است. اطلاعات این بردار بر اساس نتایج طرح کارگاه‌های صنعتی ۱۰ کارکن و بیشتر و طرح معادن فعال کشور مرکز آمار استخراج شده است. برای سایر بخش‌ها نیز بر اساس ضریب ستانده محاسبه شده و رقم تشکیل تغییر در موجودی انبار برآورد گردیده است. بردار تغییر در موجودی انبار با اطلاعات این بردار در حساب‌های ملی سازگاری دارد و تراز شده است. لازم به ذکر است به منظور تراز بودن سطری تقاضای نهایی با آمارهای حساب ملی، در این بردار اشتباهات آماری نیز لحاظ شده است.

### بردارهای صادرات و واردات

برای به دست آوردن اطلاعات این بردار از آمارهای صادرات و واردات گمرک جمهوری اسلامی ایران و همین‌طور اطلاعات بازرگانی مرکز آمار ایران استفاده شده است. اطلاعات مربوط به صادرات و واردات نفت خام از ترازنامه انرژی

۱. این موضوع گاهی سرمایه‌گذاری در کسب و کار نیز عنوان می‌شود، زیرا فقط محدود به ماشین‌آلات نیست.

وزارت نیرو استفاده شده است. در بخش خدمات نیز فقط عمده‌فروشی و خرده‌فروشی لحاظ شده است. لذا می‌توان با در دست داشتن سرجمع‌ها و استفاده از نسبت‌های سال ۱۳۹۰، صادرات و واردات بخش‌های خدماتی را نیز برای سال ۱۳۹۵ برآورد نمود. لازم به ذکر است طبقه‌بندی اطلاعات مربوط به صادرات و واردات بر اساس کدهای تعرفه‌ای (HS) بوده که باید به کدهای آیسیک چهار تبدیل شود.

### ناحیه سوم: ارزش افزوده

ارزش افزوده، ارزش اضافی ایجاد شده در جریان تولید است. تفاوت بین ارزش ستانده و مصرف واسطه در فعالیت‌های اقتصادی را ارزش افزوده ناخالص می‌گویند. قابل توجه آنکه پس از کسر مصرف سرمایه ثابت از ارزش افزوده ناخالص، ارزش افزوده خالص به دست می‌آید. ارقام بردار ارزش افزوده فعالیت‌ها از اطلاعات حساب‌های ملی سال ۱۳۹۵ مرکز آمار ایران اخذ شده است.

### بردار جبران خدمات کارکنان

جبران خدمات کارکنان عبارت است از کل اجرت نقدی و غیرنقدی قابل پرداخت توسط بنگاه به کارکنان خود برای جبران کار انجام شده در یک دوره حسابداری معین. جبران خدمات کارکنان بر اساس تعلق گرفتن ثبت می‌شود؛ یعنی اجرت نقدی یا غیرنقدی است که کارکن در مقابل کار انجام داده شده در دوره مورد نظر مستحق دریافت آن می‌شود، اعم از این که این اجرت قبل از انجام کار یا هم‌زمان با آن یا بعد از آن پرداخت شده باشد. جبران خدمات کارکنان، کار داوطلبانه را که در مقابل آن پرداختی صورت نگرفته باشد، دربر نمی‌گیرد. نظر به اینکه حساب‌های ملی مرکز آمار ایران، جبران خدمات کارکنان را به تفکیک بخشی ارائه نمی‌دهد، به همین منظور، سهم جبران خدمات کارکنان از ارزش افزوده بخشی از حساب‌های ملی بانک مرکزی سال ۱۳۹۵ اقتباس شده‌اند. سپس بر اساس سهم مذکور، جبران خدمات از بردار ارزش افزوده تفکیک شده است.

### بردار مازاد عملیاتی ناخالص

مازاد عملیاتی شامل درآمدهای فیزیکی، درآمدهای طبیعی و درآمدهای مختلط و مصرف سرمایه (استهلاک) می‌شود. در صورتی که استهلاک از مازاد عملیاتی کسر گردد، خالص می‌شود. نظر به اینکه حساب‌های ملی مرکز آمار ایران، مازاد عملیاتی را به تفکیک بخشی ارائه نمی‌دهد، به همین منظور، سهم این جزء از ارزش افزوده بخشی از حساب‌های ملی بانک مرکزی اقتباس و بر اساس داده‌های مرکز آمار ایران برآورد شده است.

### سایر داده‌های مورد استفاده و سناریوهای احتمالی

در این بخش پایه‌های سایر داده‌های مورد بررسی، مفروضات و سناریوهای پیش‌بینی شده تشریح خواهد شد.

## آمارهای مورد استفاده و مفروضات

این گزارش علاوه بر استفاده از جدول داده- ستانده بهنگام شده ملی متقارن فعالیت در فعالیت سال ۱۳۹۵ که فرایند آن پیش‌تر از نظر گذشت، آمارهای اشتغال فعالیت‌های اقتصادی سال ۱۳۹۵ نیز از سرشماری عمومی نفوس و مسکن سال ۱۳۹۵ و طرح آمارگیری نیروی کار همان سال مرکز آمار ایران اقتباس شده است.

## محدودیت‌ها و تنگناهای پژوهش

پژوهشگران در بیشتر کارهای تحقیقاتی با محدودیت و تنگناهایی مواجه هستند و این گزارش نیز مستثنی از این مهم نبوده است. به روز نبودن جداول داده- ستانده از مهم‌ترین محدودیت‌های پیش روی مطالعاتی است که از تکنیک داده- ستانده استفاده می‌کنند. زیرا تهیه این جداول همانطور که پیش‌تر از نظر گذشت، امری هزینه‌بر و زمان‌بر است (در ایران معمولاً این جداول توسط نهادهای آماری رسمی- مرکز آمار ایران و بانک مرکزی- در فواصل زمانی ده ساله تهیه می‌شود). بی‌تردید ساختار اقتصاد هر جامعه در این مدت تغییراتی خواهد داشت؛ از این‌رو، نتایج باید با در نظر داشتن این موضوع مورد تجزیه و تحلیل قرار گیرد. نظر به اینکه آخرین جدول آماری داده- ستانده، مربوط به سال ۱۳۹۰ مرکز آمار ایران است. همچنین، با توجه به روش‌های بهنگام‌سازی جدول مزبور و داده‌های مورد نیاز بخشی، در زمان نگارش گزارش، آخرین آمار رسمی مربوط به سال ۱۳۹۵ بوده است. به همین منظور، جدول بهنگام شده سال ۱۳۹۵ مبنای محاسبات قرار گرفته است. از دیگر محدودیت‌های این پژوهش می‌توان به نبود داده‌های رسمی نهادهای آماری کشور در مورد تأثیرپذیری بخش‌های اقتصادی از کرونا اشاره کرد که نویسندگان بر اساس گزارش‌های مشابه و تحلیل کارشناسی برای بخش‌های مورد بررسی فروزی را در نظر گرفته‌اند.

## سناریوهای احتمالی

نظر به اینکه (در زمان انجام این پژوهش) هفت ماه از اعلام رسمی بیماری همه‌گیر کرونا در ایران می‌گذشت و چشم‌انداز روشنی از کنترل و درمان آن نیز وجود نداشت. به این خاطر تلاش شد در دو سناریو، پیش‌بینی اثرات اقتصادی این بیماری بر روی متغیرهای اقتصاد کلان- ستانده (تولید)، ارزش افزوده و اشتغال- برای مدت یکسال<sup>۱</sup> مورد بررسی قرار گیرد. جدول ۲ بخش‌های اقتصادی جدول داده- ستانده و فرض میزان تأثیرپذیری آن‌ها را در هر دو سناریو نشان می‌دهد. در سناریوی اول فرض شده است محدودیت‌های ناشی از بیماری کرونا با روالی که هم‌اکنون- بعد از دوران قرنطینه عمومی- وجود دارد، ادامه داشته باشد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود ستون دوم میزان تأثیرپذیری- شوک منفی- فعالیت‌های اقتصادی طی دوره قرنطینه عمومی<sup>۲</sup> که تقریباً ۴۵ روز در نظر گرفته شده است را نشان می‌دهد. ستون سوم، میزان تأثیرپذیری فعالیت‌ها در سایر ایام سال بر اساس فرض سناریوی اول و

۱. نظر به اینکه مورخ ۲۹ بهمن ۱۳۹۸ (۱۸ فوریه ۲۰۲۰) در ایران شناسایی این بیماری به صورت رسمی اعلام عمومی شد و یکی دو هفته ابتدایی اسفندماه نیز تا حدودی اقتصاد روی روال عادی خود قرار داشت. به همین منظور، اثرات اقتصادی این بیماری برای دوره یک‌ساله از ۱۵ اسفندماه ۱۳۹۸ تا ۱۵ اسفندماه ۱۳۹۹ در نظر گرفته شده است.

۲. دوران قرنطینه عمومی، منظور محدودیت‌های ایجاد شده در اقتصاد از ۱۵ اسفندماه ۱۳۹۸ تا اوایل اردیبهشت سال ۱۳۹۹ است که بیشتر محدودیت‌های در نظر گرفته شده توسط ستاد ملی کرونا به صورت تدریجی برداشته شد.

ستون چهارم نیز، میزان تأثیرپذیری کل بخش در یکسال برای این سناریو را نشان می‌دهد. به بیان دیگر، سناریوی اول اثرپذیری بخش‌های اقتصادی در زمان ۴۵ روز قرنطینه عمومی که توسط ستاد ملی کرونا اعمال شد و ۳۲۰ روز دیگر - با محدودیت‌های شرایط کنونی - را نشان می‌دهد.

در سناریوی دوم فرض می‌شود از نیمه دوم پاییز و فصل زمستان روند همه‌گیری بیماری تشدید شده و موجب محدودیت‌های بیشتری در اقتصاد خواهد شد. به همین دلیل، اعداد ستون پنجم متفاوت‌تر از ستون سوم است. به بیان دیگر در این سناریو، اثرپذیری فعالیت‌های اقتصادی بر اساس ۴۵ روز قرنطینه عمومی، شش (۶) ماه شرایط کنونی - اول اردیبهشت تا پایان مهرماه - و ۱۳۵ روز با محدودیت‌های بیشتر برآورد شده است. ستون ششم کل تأثیرپذیری بخشی را نشان می‌دهد.

جدول ۵: تأثیرپذیری بخش‌های اقتصادی بر اثر کرونا طی یک سال بر اساس دو سناریو

سناریو دوم		سناریو اول		دوره قرنطینه عمومی <sup>۱</sup>	رشته فعالیت
کل دوره	سایر ایام سال	کل دوره	سایر ایام سال		
%۲,۹۴	%۱,۷	%۲,۶	%۱,۳	%۱,۳	کشاورزی
%۲,۹۴	%۱,۷	%۲,۶	%۱,۳	%۱,۳	استخراج منابع
%۲,۹۴	%۱,۷	%۲,۶	%۱,۳	%۱,۳	صنایع وابسته به کشاورزی
%۲,۹۴	%۱,۷	%۲,۶	%۱,۳	%۱,۳	صنایع پوشاک و منسوجات
%۲,۹۴	%۱,۷	%۲,۶	%۱,۳	%۱,۳	ساخت کک و فراورده‌های حاصل از پالایش نفت
%۲,۹۴	%۱,۷	%۲,۶	%۱,۳	%۱,۳	ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی
%۲,۹۴	%۱,۷	%۲,۶	%۱,۳	%۱,۳	ساخت شیشه و محصولات شیشه‌ای
%۲,۹۴	%۱,۷	%۲,۶	%۱,۳	%۱,۳	فلزات اساسی
%۲,۹۴	%۱,۷	%۲,۶	%۱,۳	%۱,۳	ساخت، تعمیر و نصب محصولات فلزی ساخته شده، به‌جز ماشین‌آلات و تجهیزات
%۲,۹۴	%۱,۷	%۲,۶	%۱,۳	%۱,۳	ساخت، تعمیر و نصب محصولات رایانه‌ای، الکترونیکی و نوری
%۲,۹۴	%۱,۷	%۲,۶	%۱,۳	%۱,۳	ساخت، تعمیر و نصب تجهیزات برقی
%۲,۹۴	%۱,۷	%۲,۶	%۱,۳	%۱,۳	ساخت وسایل نقلیه موتوری و سایر تجهیزات حمل و نقل و قطعات و وسایل الحاقی آنها
%۲,۹۴	%۱,۷	%۲,۶	%۱,۳	%۱,۳	سایر صنعتی
%۱۱,۷۵	%۶,۸	%۱۰,۳	%۵,۳	%۵,۰	ساختمان
%۱۰,۲۸	%۵,۹	%۹,۰	%۴,۶	%۴,۴	عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، به‌جز وسایل نقلیه‌ی موتوری و موتورسیکلت
%۱۰,۲۸	%۵,۹	%۹,۰	%۴,۶	%۴,۴	فروش و تعمیر وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت

۱. نظر به اینکه آمار رسمی در این خصوص وجود ندارد، تلاش شده است بر اساس آمارهای منتشر شده فصل نخست امسال مرکز آمار ایران، گزارش‌های روزنامه دنیای اقتصاد شماره ۴۸۵۰ مورخ ۲۵ اسفندماه ۱۳۹۸ (اثر کرونا بر ۲۲ کسب‌وکار) و شماره ۴۸۵۸ مورخ ۱۷ فروردین ماه ۱۳۹۹ (برنامه فعالیت‌های کسب و کار)، گزارش مؤسسه مشاوره مکنزی؛ درباره تأثیر کرونا بر کسب و کارها (مارس ۲۰۲۰)، گزارش‌های مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی با شماره مسلسل ۱۷۰۱۱، ۱۶۹۷۲ و ۱۷۰۷۶، برای بخش‌های مورد بررسی، اعداد ذکر شده در جدول بر اساس تحلیل کارشناسی در نظر گرفته شده است.

سناریو دوم		سناریو اول		دوره قرنطینه عمومی <sup>۱</sup>	رشته فعالیت
کل دوره	سایر ایام سال	کل دوره	سایر ایام سال		
%۱۹,۰۶	%۱۲,۸	%۱۷,۲	%۱۰,۹	%۶,۳	حمل و نقل زمینی
%۱۹,۰۶	%۱۲,۸	%۱۷,۲	%۱۰,۹	%۶,۳	حمل و نقل آبی
%۱۹,۰۶	%۱۲,۸	%۱۷,۲	%۱۰,۹	%۶,۳	حمل و نقل هوایی
%۱۹,۰۶	%۱۲,۸	%۱۷,۲	%۱۰,۹	%۶,۳	انبارداری و فعالیت‌های پشتیبانی حمل و نقل
%۳۵,۸۸	%۲۷,۱	%۳۳,۳	%۲۴,۵	%۸,۸	فعالیت خدماتی مربوط به تأمین جا و غذا
%۲,۹۴	%۱,۷	%۲,۶	%۱,۳	%۱,۳	اطلاعات و ارتباطات
%۲۰,۵۶	%۱۱,۸	%۱۷,۹	%۹,۲	%۸,۸	املاک و مستغلات
%۲,۹۴	%۱,۷	%۲,۶	%۱,۳	%۱,۳	فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی
%۱۴,۶۹	%۸,۴	%۱۲,۸	%۶,۶	%۶,۳	فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی
%۱۴,۵۰	%۹,۵	%۱۳,۸	%۸,۸	%۵,۰	آموزش
%۳۰,۵۰	%۲۰,۵	%۲۷,۵	%۱۷,۵	%۱۰,۰	هنر، سرگرمی و تفریح
%۲۶,۶۹	%۱۷,۹	%۲۴,۱	%۱۵,۳	%۸,۸	سایر خدمات

مأخذ: محاسبات و مفروضات پژوهش

لازم به ذکر است سایر بخش‌های اقتصادی که فرض شده است از کرونا تأثیر قابل توجهی نپذیرفته‌اند، با شوک مثبت مواجه شده‌اند یا می‌توان با اغماض میزان اثرات شوک مثبت و منفی را یکسان در نظر گرفت که عبارتند از: «تولید داروها و فراورده‌های دارویی و شیمیایی و گیاهی»، «تولید، توزیع و انتقال برق»، «توزیع گاز طبیعی»، «آبرسانی و مدیریت پسماند»، «پست و پیک»، «فعالیت‌های مالی و بیمه» و «بهداشت».

#### ۴- تجزیه و تحلیل نتایج

همان‌طور که در بخش‌های پیشین از نظر گذشت، هدف گزارش حاضر بررسی اثرات اقتصادی بیماری فراگیر کووید-۱۹ در دو سناریو بر ستانده (تولید)، اشتغال و ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی به تفکیک اجزای آن بوده است، به همین منظور از رویکرد حذف فرضی فعالیت‌های اقتصادی، مدل لارنس کلاین (۱۹۸۳) و مدل افراز زایتسف (۲۰۰۰) استفاده شد و نتایج به دست آمده در ادامه ارائه می‌شود.

### ستانده (تولید) فعالیت‌های اقتصادی

در مقام تعریف، مجموع ارزش کالاها و خدمات تولید شده در یک بنگاه اقتصادی به‌منظور عرضه به خارج از کارگاه و ارزش کالاها و خدمات تولیدشده به‌منظور مصرف در همان بنگاه را ارزش ستانده آن می‌نامند. از جمع ارزش ستانده‌های بنگاه‌های فعال در یک اقتصاد، ارزش کل ستانده آن اقتصاد به دست می‌آید (بانک مرکزی، ۱۳۹۹). قابل توجه آنکه جمع تقاضای واسطه (هزینه‌های واسطه) و تقاضای نهایی (ارزش افزوده) یک بخش، ستانده آن بخش را به دست می‌دهد.

در جدول ۳ میزان کاهش تولید مستقیم، غیرمستقیم و کل اقتصاد به تفکیک فعالیت‌های مورد بررسی در سناریوی نخست ارائه شده است؛ همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این سناریو، ستانده کل اقتصاد حدود چهار و نه دهم (۴/۹) درصد نزول پیدا کرده است. اثرات مستقیم و غیرمستقیم فعالیت به ترتیب چهل (۴۰) و شصت (۶۰) درصد است. به بیان دیگر، محدودیت‌های به وجود آمده علاوه بر اینکه به طور مستقیم موجب کاهش ستانده یک فعالیت خواهند شد، به طور غیرمستقیم نیز موجب کاهش ستانده سایر فعالیت‌های اقتصادی خواهند شد. در میان فعالیت‌های بررسی شده، میزان تأثیرپذیری «ساختمان»، «حمل و نقل زمینی»، «عمده و خرده‌فروشی» و «فعالیت خدماتی مربوط به تأمین جا و غذا (هتل و رستوران)» به ترتیب بالاترین تأثیر را در کاهش ستانده داشته‌اند. به بیان دیگر، حدود دو و نیم (۲/۵) درصد کاهش ستانده کل اقتصاد ناشی از اثرات مستقیم و غیرمستقیم فعالیت‌های یادشده است.

جدول ۳: میزان کاهش ستانده فعالیت‌های اقتصادی در سناریوی اول / درصد

رتبه	کل	غیرمستقیم	مستقیم	رشته فعالیت‌های اقتصادی
۷	٪۰٫۲۵۴	٪۰٫۰۹۲	٪۰٫۱۶۲	کشاورزی
۸	٪۰٫۱۴۸	٪۰٫۰۱۸	٪۰٫۱۳۰	استخراج منابع
۶	٪۰٫۳۷۸	٪۰٫۱۹۸	٪۰٫۰۸۰	صنایع وابسته به کشاورزی
۲۶	٪۰٫۰۲۷	٪۰٫۰۱۷	٪۰٫۰۱۰	صنایع پوشاک و منسوجات
۹	٪۰٫۱۲۸	٪۰٫۱۱۵	٪۰٫۰۱۳	ساخت کک و فراورده‌های حاصل از پالایش نفت
۲۲	٪۰٫۰۴۵	٪۰٫۰۲۰	٪۰٫۰۲۴	ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی
۲۵	٪۰٫۰۳۴	٪۰٫۰۱۰	٪۰٫۰۲۴	ساخت شیشه و محصولات شیشه‌ای
۱۰	٪۰٫۱۱۱	٪۰٫۰۴۱	٪۰٫۰۷۰	فلزات اساسی
۱۷	٪۰٫۰۷۰	٪۰٫۰۴۹	٪۰٫۰۲۱	ساخت، تعمیر و نصب محصولات فلزی ساخته‌شده، به‌جز ماشین‌آلات و تجهیزات
۲۸	٪۰٫۰۱۲	٪۰٫۰۰۷	٪۰٫۰۰۴	ساخت، تعمیر و نصب محصولات رایانه‌ای، الکترونیکی و نوری
۲۴	٪۰٫۰۳۹	٪۰٫۰۲۳	٪۰٫۰۱۶	ساخت، تعمیر و نصب تجهیزات برقی
۱۲	٪۰٫۰۹۱	٪۰٫۰۴۸	٪۰٫۰۴۳	ساخت وسایل نقلیه موتوری و سایر تجهیزات حمل و نقل و قطعات و وسایل الحاقی آنها
۲۰	٪۰٫۰۵۰	٪۰٫۰۳۰	٪۰٫۰۲۰	سایر صنعتی
۱	٪۰٫۷۵۲	٪۰٫۶۸۵	٪۰٫۰۶۷	ساختمان
۳	٪۰٫۵۸۵	٪۰٫۲۷۱	٪۰٫۳۱۴	عمده‌فروشی و خرده‌فروشی
۱۹	٪۰٫۰۵۱	٪۰٫۰۳۲	٪۰٫۰۱۹	فروش و تعمیر وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت
۲	٪۰٫۷۵۱	٪۰٫۳۶۶	٪۰٫۳۸۵	حمل و نقل زمینی
۱۸	٪۰٫۰۶۷	٪۰٫۰۳۷	٪۰٫۰۳۰	حمل و نقل آبی
۱۵	٪۰٫۰۸۵	٪۰٫۰۴۰	٪۰٫۰۴۵	حمل و نقل هوایی
۱۶	٪۰٫۰۷۶	٪۰٫۰۱۸	٪۰٫۰۵۹	انبارداری و فعالیت‌های پشتیبانی حمل و نقل

رتبه	کل	غیرمستقیم	مستقیم	رشته فعالیت‌های اقتصادی
۴	٪۰,۴۵۰	٪۰,۳۱۱	٪۰,۱۳۹	فعالیت خدماتی مربوط به تأمین جا و غذا
۲۳	٪۰,۰۴۱	٪۰,۰۱۳	٪۰,۰۲۸	اطلاعات و ارتباطات
۵	٪۰,۴۰۶	٪۰,۲۰۶	٪۰,۲۰۱	املاک و مستغلات
۲۷	٪۰,۰۲۱	٪۰,۰۰۷	٪۰,۰۱۴	فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی
۱۳	٪۰,۰۸۸	٪۰,۰۳۲	٪۰,۰۵۶	فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی
۱۱	٪۰,۱۱۰	٪۰,۰۹۷	٪۰,۰۱۳	آموزش
۲۱	٪۰,۰۴۷	٪۰,۰۴۷	٪۰,۰۰۰	هنر، سرگرمی و تفریح
۱۴	٪۰,۰۸۷	٪۰,۰۷۳	٪۰,۰۱۴	سایر خدمات
-	٪۴,۹۰۳	٪۲,۹۰۲	٪۲,۰۰۱	جمع

مأخذ: محاسبات پژوهش

جدول ۴ نتایج محاسبات سناریوی دوم را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود بر اساس مفروضات این سناریو، تولید (ستانده) کل اقتصاد ایران به دلیل محدودیت‌های ناشی از بیماری کووید-۱۹ با افت بیش از پنج و نیم (۵/۵) درصدی مواجه خواهد شد. آنچه در این میان شایان توجه است پیوندهای میان بخشی است. به عنوان مثال، فعالیت «هنر، سرگرمی و تفریح» با وجود تأثیرپذیری قابل توجه از بیماری کرونا، باعث کاهش کمتر از شش صدم (۰/۰۶) درصدی ستانده کل اقتصاد خواهد شد که نسبت به تأثیرگذار بودن بخش‌هایی مانند ساختمان با وجود تأثیرپذیری به مراتب پایین‌تر، سهم بسیار ناچیزی است. به بیان دیگر، فعالیت‌هایی که پیوندهای میان بخشی بالاتری دارند تأثیر بالاتری بر کاهش ستانده اقتصاد دارند.

جدول ۴: میزان کاهش ستانده فعالیت‌های اقتصادی در سناریوی دوم / درصد

رتبه	کل	غیرمستقیم	مستقیم	رشته فعالیت‌های اقتصادی
۷	٪۰,۲۹۱	٪۰,۱۰۵	٪۰,۱۸۵	کشاورزی
۸	٪۰,۱۶۹	٪۰,۰۲۰	٪۰,۱۴۹	استخراج منابع
۶	٪۰,۳۱۹	٪۰,۲۲۷	٪۰,۰۹۲	صنایع وابسته به کشاورزی
۲۶	٪۰,۰۳۱	٪۰,۰۲۰	٪۰,۰۱۱	صنایع پوشاک و منسوجات
۹	٪۰,۱۴۶	٪۰,۱۳۲	٪۰,۰۱۵	ساخت کک و فراورده‌های حاصل از پالایش نفت
۲۲	٪۰,۰۵۱	٪۰,۰۲۳	٪۰,۰۲۸	ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی
۲۵	٪۰,۰۳۹	٪۰,۰۱۱	٪۰,۰۲۸	ساخت شیشه و محصولات شیشه‌ای
۱۰	٪۰,۱۲۷	٪۰,۰۴۷	٪۰,۰۸۱	فلزات اساسی
۱۷	٪۰,۰۸۱	٪۰,۰۵۶	٪۰,۰۲۴	ساخت، تعمیر و نصب محصولات فلزی ساخته‌شده، به‌جز ماشین‌آلات و تجهیزات
۲۸	٪۰,۰۱۳	٪۰,۰۰۸	٪۰,۰۰۵	ساخت، تعمیر و نصب محصولات رایانه‌ای، الکترونیکی و نوری
۲۴	٪۰,۰۴۵	٪۰,۰۲۷	٪۰,۰۱۸	ساخت، تعمیر و نصب تجهیزات برقی
۱۲	٪۰,۱۰۴	٪۰,۰۵۵	٪۰,۰۴۹	ساخت وسایل نقلیه موتوری و سایر تجهیزات حمل و نقل و قطعات و وسایل الحاقی آنها
۲۰	٪۰,۰۵۷	٪۰,۰۳۴	٪۰,۰۲۲	سایر صنعتی
۱	٪۰,۸۶۲	٪۰,۷۸۵	٪۰,۰۷۷	ساختمان

رتبه	کل	غیرمستقیم	مستقیم	رشته فعالیت‌های اقتصادی
۳	٪۰٫۶۷۱	٪۰٫۳۱۰	٪۰٫۳۶۰	عمده‌فروشی و خرده‌فروشی
۱۹	٪۰٫۰۵۹	٪۰٫۰۳۷	٪۰٫۰۲۲	فروش و تعمیر وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت
۲	٪۰٫۸۳۳	٪۰٫۴۰۶	٪۰٫۴۲۷	حمل و نقل زمینی
۱۸	٪۰٫۰۷۵	٪۰٫۰۴۱	٪۰٫۰۳۳	حمل و نقل آبی
۱۵	٪۰٫۰۹۴	٪۰٫۰۴۴	٪۰٫۰۵۰	حمل و نقل هوایی
۱۶	٪۰٫۰۸۵	٪۰٫۰۱۹	٪۰٫۰۶۵	انبارداری و فعالیت‌های پشتیبانی حمل و نقل
۴	٪۰٫۴۸۵	٪۰٫۳۳۵	٪۰٫۱۵۰	فعالیت خدماتی مربوط به تأمین جا و غذا
۲۳	٪۰٫۰۴۷	٪۰٫۰۱۵	٪۰٫۰۳۲	اطلاعات و ارتباطات
۵	٪۰٫۴۶۶	٪۰٫۲۳۶	٪۰٫۲۳۰	املاک و مستغلات
۲۷	٪۰٫۰۲۴	٪۰٫۰۰۸	٪۰٫۰۱۶	فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی
۱۳	٪۰٫۱۰۱	٪۰٫۰۲۷	٪۰٫۰۶۴	فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی
۱۱	٪۰٫۱۱۶	٪۰٫۱۰۲	٪۰٫۰۱۴	آموزش
۲۱	٪۰٫۰۵۲	٪۰٫۰۵۲	٪۰٫۰۰۰	هنر، سرگرمی و تفریح
۱۴	٪۰٫۰۹۶	٪۰٫۰۸۱	٪۰٫۰۱۶	سایر خدمات
-	٪۵٫۵۳۹	٪۳٫۲۷۶	٪۲٫۲۶۳	جمع

مأخذ: محاسبات پژوهش

### اشتغال بخش‌های اقتصادی

یکی از مهم‌ترین مشخصه‌های بیماری همه‌گیر مانند کووید-۱۹، تحت تأثیر قرار دادن جمعیت، به‌ویژه نیروی کار یک جامعه است. به بیان دیگر، تفاوت اساسی این بیماری با سایر اتفاقاتی مانند سیل و زلزله، میزان جمعیتی است که تحت‌الشعاع قرار می‌گیرند، زیرا در این حالت نه تنها جمعیت بیمار، بلکه بخشی از جمعیت سالم را نیز از چرخه بازار خارج می‌کند. محدودیت‌های فوق‌الذکر از یک‌سو، موجب خارج شدن بخشی از جمعیت از بازار کار می‌شود که کاهش بهره‌وری داخل بنگاه و افت<sup>۱</sup> یا قطع ظرفیت زنجیره تأمین را به دنبال دارد. از دیگر سو، فعالیت‌های اقتصادی به دلیل کاهش تقاضا و اختلال در زنجیره ارزش، ممکن است بخشی از نیروی خود را تعدیل نمایند. از این‌رو، این رویه ممکن است موجب شکل‌گیری یک دور باطل شود.

جدول ۵ تأثیرپذیری اشتغال فعالیت‌های اقتصادی<sup>۲</sup> در سناریوی نخست را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود بر اساس مفروضات این سناریو، به طور مستقیم و غیرمستقیم بیش از ده (۱۰) درصد اشتغال کشور ممکن است با خطر تعدیل نیرو- بنگاه‌های اقتصادی- مواجه شوند؛ به بیان دیگر، شغل خود را از دست دهند.

۱. در شرایط فراگیر شدن بیماری، بخشی از نیروی کار از فرایند تولید (به دلیل بیماری و محدود شدن فعالیت‌ها) از چرخه فعالیت خارج می‌شوند و همچنین ممکن است در برنامه‌ریزی تولید و ارائه خدمت اختلال به وجود آید که بهره‌وری را با کاهش مواجه خواهد کرد.

۲. نظر به اینکه آمارهای اشتغال به تفکیک فعالیت‌های اقتصادی به‌مراتب از بخش‌های اقتصادی در جدول داده- ستانده کلی‌تر است، به‌منظور همسان‌سازی، برخی فعالیت‌ها تجمیع شده‌اند. به عنوان مثال، کلیه فعالیت‌های صنعتی در قالب یک بخش ذیل عنوان تولیدات صنعتی ارائه شده است.



قریب به هفت و نیم (۷/۵) درصد کاهش اشتغال به طور مستقیم صورت می‌پذیرد. در حالی که کمتر از سی (۳۰) درصد کاهش اشتغال ناشی از اثرات غیرمستقیم است. به بیان دیگر، در این سناریو به طور مستقیم و غیرمستقیم حدود ۲۳۰۰ هزار نفر با خطر از دست دادن شغل خود مواجه هستند. شایان توجه است؛ این میزان تأثیرپذیری با فرض ثابت بودن سهم اشتغال گروه مزد و حقوق‌بگیر بخش عمومی<sup>۱</sup>، هر فعالیت اقتصادی است. به عنوان مثال، سهم اشتغال گروه مزد و حقوق‌بگیر بخش «تولید صنعتی» تقریباً ۵/۴ درصد است. بنابراین، در این گزارش فرض شده است سهم ۹۴/۶ درصدی این بخش از کرونا متأثر می‌شود.

جدول ۵: تأثیرپذیری اشتغال فعالیت‌های اقتصادی در سناریوی اول / درصد

رتبه	کل	غیرمستقیم	مستقیم	رشته فعالیت‌های اقتصادی
۷	٪۰,۵۵	٪۰,۰۹	٪۰,۴۶	کشاورزی
۱۳	٪۰,۰۳	٪۰,۰۲	٪۰,۰۱	معادن
۴	٪۰,۷۹	٪۰,۳۸	٪۰,۴۲	تولیدات صنعتی
۱۵	٪۰,۰۳	٪۰,۰۲	٪۰,۰۱	برق و گاز
۱۷	٪۰,۰۱	٪۰,۰۱	٪۰,۰۱	آبرسانی؛ مدیریت پسماند، فاضلاب و فعالیت‌های تصفیه
۱	٪۲,۳۸	٪۰,۷۱	٪۱,۶۷	ساختمان
۳	٪۱,۸۰	٪۰,۲۱	٪۱,۵۹	عمده‌فروشی و خرده‌فروشی؛ تعمیر وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت
۲	٪۲,۰۸	٪۰,۵۰	٪۱,۵۷	حمل و نقل
۵	٪۰,۶۹	٪۰,۲۵	٪۰,۴۴	فعالیت‌های خدماتی مربوط به تأمین جا و غذا
۱۶	٪۰,۰۳	٪۰,۰۱	٪۰,۰۲	اطلاعات و ارتباطات
۱۴	٪۰,۰۳	٪۰,۰۱	٪۰,۰۲	فعالیت‌های مالی و بیمه
۸	٪۰,۳۸	٪۰,۲۶	٪۰,۱۲	فعالیت‌های املاک و مستغلات
۱۲	٪۰,۰۳	٪۰,۰۱	٪۰,۰۳	فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی
۱۰	٪۰,۲۴	٪۰,۰۳	٪۰,۲۲	سایر فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی
۹	٪۰,۲۸	٪۰,۰۹	٪۰,۱۹	آموزش
۱۱	٪۰,۱۶	٪۰,۰۳	٪۰,۱۳	فعالیت‌های فرهنگی، ورزشی و تفریحی
۶	٪۰,۶۱	٪۰,۰۶	٪۰,۵۵	سایر فعالیت‌های خدماتی
-	٪۱۰,۱۳	٪۲,۶۸	٪۷,۴۵	جمع

مأخذ: محاسبات پژوهش

جدول ۶ تأثیرپذیری اشتغال بخش‌های اقتصادی در سناریوی دوم را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این سناریو قریب به دوازده (۱۲) درصد شاغلان با خطر بیکار شدن مواجه هستند. به بیان دیگر، ممکن است بیش از دو و نیم میلیون نفر شغل خود را از دست دهند. شایان توجه است بخش‌های «ساختمان»، «حمل و نقل»، «عمده و خرده‌فروشی» و «تولیدات صنعتی» بالاترین تأثیر را پذیرفته‌اند.

۱. مزد و حقوق‌بگیرانی که از وزارتخانه‌ها، مؤسسات، سازمان‌ها و شرکت‌های دولتی و نهادهای انقلاب اسلامی و همچنین دیگر مؤسسات عمومی مانند شهرداری‌ها مزد و حقوق دریافت می‌دارند، مزد و حقوق‌بگیر بخش عمومی محسوب می‌شوند (تارنمای مرکز آمار ایران).

جدول ۶: تأثیرپذیری اشتغال فعالیت‌های اقتصادی در سناریوی دوم/ درصد

رتبه	کل	غیرمستقیم	مستقیم	رشته فعالیت‌های اقتصادی
۷	٪۰٫۶۱	٪۰٫۱۰	٪۰٫۵۲	کشاورزی
۱۳	٪۰٫۰۴	٪۰٫۰۳	٪۰٫۰۱	معادن
۴	٪۰٫۸۹	٪۰٫۴۲	٪۰٫۴۶	تولیدات صنعتی
۱۵	٪۰٫۰۳	٪۰٫۰۳	٪۰٫۰۱	برق و گاز
۱۷	٪۰٫۰۱	٪۰٫۰۱	٪۰٫۰۱	آبرسانی؛ مدیریت پسماند، فاضلاب و فعالیت‌های تصفیه
۱	٪۲٫۷۳	٪۰٫۸۲	٪۱٫۹۲	ساختمان
۳	٪۲٫۰۶	٪۰٫۲۴	٪۱٫۸۲	عمده‌فروشی و خرده‌فروشی؛ تعمیر وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت
۲	٪۲٫۳۱	٪۰٫۵۶	٪۱٫۷۵	حمل و نقل
۵	٪۰٫۷۴	٪۰٫۲۷	٪۰٫۴۸	فعالیت‌های خدماتی مربوط به تأمین جا و غذا
۱۶	٪۰٫۰۳	٪۰٫۰۱	٪۰٫۰۲	اطلاعات و ارتباطات
۱۴	٪۰٫۰۴	٪۰٫۰۱	٪۰٫۰۲	فعالیت‌های مالی و بیمه
۸	٪۰٫۴۴	٪۰٫۳۰	٪۰٫۱۴	فعالیت‌های املاک و مستغلات
۱۲	٪۰٫۰۴	٪۰٫۰۱	٪۰٫۰۳	فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی
۱۰	٪۰٫۲۸	٪۰٫۰۳	٪۰٫۲۵	سایر فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی
۱۸	٪۰٫۰۰	٪۰٫۰۰	٪۰٫۰۰	امور عمومی، دفاعی و انتظامی
۹	٪۰٫۲۹	٪۰٫۰۹	٪۰٫۲۰	آموزش
۱۱	٪۰٫۱۸	٪۰٫۰۴	٪۰٫۱۴	فعالیت‌های فرهنگی، ورزشی و تفریحی
۶	٪۰٫۶۸	٪۰٫۰۷	٪۰٫۶۱	سایر فعالیت‌های خدماتی
-	٪۱۱٫۳۹	٪۳٫۰۱	٪۸٫۳۸	کل اقتصاد

مأخذ: محاسبات پژوهش

### ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی و اجزای آن

ارزش افزوده را می‌توان معیار سنجش مشارکت تولیدکنندگان منفرد، صنعت یا بخش در تولید ناخالص داخلی به حساب آورد. به بیان دیگر، ارزش ستانده منهای ارزش مصرف واسطه، ارزش افزوده نامیده می‌شود. «جبران خدمات کارکنان»، «خالص مالیات بر تولید و واردات» و «درآمد مختلط و مازاد عملیاتی خالص» اجزای ارزش افزوده را شامل می‌شوند. در این گزارش علاوه بر سنجش تغییرات ارزش افزوده بخشی، تغییرات اجزای ارزش افزوده نیز مورد بررسی قرار گرفته است. در ادامه، نتایج مربوط به تغییرات ارزش افزوده بخشی و اجزای آن در دو سناریوی مورد بررسی ارائه شده است.

### تغییرات ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی

در جدول ۷ نتایج محاسبات تغییرات ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی در سناریوی نخست ارائه شده است. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در این سناریو قریب به هفت و سه دهم (۷/۳) درصد ارزش افزوده کل اقتصاد بر اثر محدودیت‌های ناشی از کرونا با افت مواجه خواهد شد. بیش از هفتاد (۷۰) درصد کاهش ارزش افزوده مزبور، به اثرات مستقیم برمی‌گردد. نظر به اینکه بخش املاک و مستغلات در سال ۱۳۹۵ حدود سیزده (۱۳) ارزش افزوده کل اقتصاد را به خود اختصاص داده است موجب کاهش قابل توجه ارزش افزوده کل نیز شده است. بخش ساختمان رتبه دوم کاهش ارزش افزوده را به خود اختصاص داده است، در حالی که حدود چهار (۴) درصد ارزش افزوده کل اقتصاد را تشکیل می‌دهد. به بیان دیگر، این فعالیت به دلیل داشتن پیوندهای بین بخشی قوی، به طور غیرمستقیم تأثیر قابل توجهی را بر سایر بخش‌های اقتصادی است. در حالی که کاهش ارزش افزوده غیرمستقیم ناشی از بخش املاک و مستغلات ناچیز است.

جدول ۷: کاهش ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی در سناریو اول / درصد

رتبه	کل	غیرمستقیم	مستقیم	رشته فعالیت‌های اقتصاد
۱۱	٪۰٫۱۶۷	٪۰٫۰۴۴	٪۰٫۱۲۳	کشاورزی
۹	٪۰٫۱۷۳	٪۰٫۰۰۸	٪۰٫۱۶۵	استخراج منابع
۷	٪۰٫۲۳۴	٪۰٫۱۵۱	٪۰٫۰۸۳	صنایع وابسته به کشاورزی
۱۸	٪۰٫۰۳۱	٪۰٫۰۱۳	٪۰٫۰۱۸	صنایع پوشاک و منسوجات
۱۰	٪۰٫۱۷۲	٪۰٫۱۵۱	٪۰٫۰۲۱	ساخت کک و فراورده‌های حاصل از پالایش نفت
۲۷	٪۰٫۰۰۳	٪۰٫۰۰۲	٪۰٫۰۰۱	ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی
۱۹	٪۰٫۰۲۹	٪۰٫۰۰۷	٪۰٫۰۲۱	ساخت شیشه و محصولات شیشه‌ای
۲۳	٪۰٫۰۱۰	٪۰٫۰۰۶	٪۰٫۰۰۵	فلزات اساسی
۱۷	٪۰٫۰۳۱	٪۰٫۰۲۰	٪۰٫۰۱۲	ساخت، تعمیر و نصب محصولات فلزی ساخته شده، به جز ماشین‌آلات و تجهیزات
۲۵	٪۰٫۰۰۵	٪۰٫۰۰۳	٪۰٫۰۰۲	ساخت، تعمیر و نصب محصولات رایانه‌ای، الکترونیکی و نوری
۲۴	٪۰٫۰۱۰	٪۰٫۰۰۶	٪۰٫۰۰۴	ساخت، تعمیر و نصب تجهیزات برقی
۱۴	٪۰٫۰۶۲	٪۰٫۰۳۲	٪۰٫۰۳۰	ساخت وسایل نقلیه موتوری و سایر تجهیزات حمل و نقل و وسایل الحاقی آنها
۲۰	٪۰٫۰۲۱	٪۰٫۰۱۲	٪۰٫۰۰۹	سایر صنعتی
۲	٪۰٫۹۹۵	٪۰٫۵۷۳	٪۰٫۴۲۳	ساختمان
۴	٪۰٫۶۸۸	٪۰٫۱۴۴	٪۰٫۵۴۴	عمده‌فروشی و خرده‌فروشی
۱۳	٪۰٫۰۸۳	٪۰٫۰۲۷	٪۰٫۰۵۶	فروش و تعمیر وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت
۳	٪۰٫۸۸۴	٪۰٫۲۴۰	٪۰٫۶۴۴	حمل و نقل زمینی
۱۶	٪۰٫۰۳۷	٪۰٫۰۱۹	٪۰٫۰۱۷	حمل و نقل آبی
۲۸	٪۰٫۰۰۱	٪۰٫۰۰۱	٪۰٫۰۰۰	حمل و نقل هوایی
۲۱	٪۰٫۰۱۴	٪۰٫۰۰۲	٪۰٫۰۱۱	انبارداری و فعالیت‌های پشتیبانی حمل و نقل
۶	٪۰٫۴۸۶	٪۰٫۱۷۷	٪۰٫۳۰۹	فعالیت خدماتی مربوط به تأمین جا و غذا
۱۵	٪۰٫۰۵۱	٪۰٫۰۱۰	٪۰٫۰۴۱	اطلاعات و ارتباطات
۱	٪۲٫۲۰۴	٪۰٫۱۵۲	٪۲٫۰۵۱	املاک و مستغلات
۲۲	٪۰٫۰۱۲	٪۰٫۰۰۲	٪۰٫۰۱۰	فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی

رتبه	کل	غیرمستقیم	مستقیم	رشته فعالیت‌های اقتصاد
۲۶	٪۰,۰۰۵	٪۰,۰۰۲	٪۰,۰۰۳	فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی
۵	٪۰,۵۵۵	٪۰,۰۹۴	٪۰,۴۶۱	آموزش
۱۲	٪۰,۱۲۴	٪۰,۰۳۴	٪۰,۰۹۰	هنر، سرگرمی و تفریح
۸	٪۰,۱۹۳	٪۰,۰۶۶	٪۰,۱۲۷	سایر خدمات
-	٪۷,۲۸۱	٪۱,۹۹۷	٪۵,۲۸۴	جمع

مأخذ: محاسبات پژوهش

جدول ۸ نتایج پیش‌بینی تغییرات ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی ناشی از تغییرات تقاضای نهایی بخش‌های مورد بررسی در سناریوی دوم را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود اثرات مستقیم و غیرمستقیم به ترتیب پنج و نود و شش (۵/۹۶) درصد و دو و بیست و پنج (۲/۲۵) درصد است. «املاک و مستغلات»، «ساخت‌مان»، «حمل و نقل زمینی» و «عمده و خرده‌فروشی» به ترتیب بالاترین تأثیر را در کاهش ارزش کل اقتصاد داشته‌اند. بخش «حمل و نقل هوایی» نیز پایین‌ترین تأثیر را در کاهش ارزش افزوده کل اقتصاد داشته است.

جدول ۸: کاهش ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی در سناریوی اول / درصد

رتبه	کل	غیرمستقیم	مستقیم	رشته فعالیت‌های اقتصاد
۱۱	٪۰,۱۹۲	٪۰,۰۵۱	٪۰,۱۴۱	کشاورزی
۹	٪۰,۱۹۹	٪۰,۰۰۹	٪۰,۱۸۹	استخراج منابع
۷	٪۰,۲۶۹	٪۰,۱۷۳	٪۰,۰۹۵	صنایع وابسته به کشاورزی
۱۸	٪۰,۰۳۶	٪۰,۰۱۵	٪۰,۰۲۰	صنایع پوشاک و منسوجات
۱۰	٪۰,۱۹۷	٪۰,۱۷۳	٪۰,۰۲۴	ساخت کک و فرآورده‌های حاصل از پالایش نفت
۲۷	٪۰,۰۰۳	٪۰,۰۰۲	٪۰,۰۰۱	ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی
۱۹	٪۰,۰۳۳	٪۰,۰۰۸	٪۰,۰۲۵	ساخت شیشه و محصولات شیشه‌ای
۲۳	٪۰,۰۱۲	٪۰,۰۰۶	٪۰,۰۰۵	فلزات اساسی
۱۷	٪۰,۰۲۶	٪۰,۰۲۳	٪۰,۰۱۳	ساخت، تعمیر و نصب محصولات فلزی ساخته‌شده، به‌جز ماشین‌آلات و تجهیزات
۲۵	٪۰,۰۰۶	٪۰,۰۰۳	٪۰,۰۰۳	ساخت، تعمیر و نصب محصولات رایانه‌ای، الکترونیکی و نوری
۲۴	٪۰,۰۱۱	٪۰,۰۰۷	٪۰,۰۰۴	ساخت، تعمیر و نصب تجهیزات برقی
۱۴	٪۰,۰۷۱	٪۰,۰۳۶	٪۰,۰۳۴	ساخت وسایل نقلیه موتوری و سایر تجهیزات حمل و نقل و وسایل الحاقی آنها
۲۰	٪۰,۰۲۴	٪۰,۰۱۴	٪۰,۰۱۱	سایر صنعتی
۲	٪۱,۱۴۱	٪۰,۶۵۶	٪۰,۴۸۵	ساخت‌مان
۴	٪۰,۷۸۹	٪۰,۱۶۵	٪۰,۶۲۴	عمده‌فروشی و خرده‌فروشی
۱۳	٪۰,۰۹۵	٪۰,۰۳۱	٪۰,۰۶۵	فروش و تعمیر وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت
۳	٪۰,۹۸۰	٪۰,۲۶۶	٪۰,۷۱۴	حمل و نقل زمینی
۱۶	٪۰,۰۴۱	٪۰,۰۲۱	٪۰,۰۱۹	حمل و نقل آبی
۲۸	٪۰,۰۰۱۱	٪۰,۰۰۶۷	٪۰,۰۰۰۴	حمل و نقل هوایی
۲۱	٪۰,۰۱۵	٪۰,۰۰۳	٪۰,۰۱۲	انبارداری و فعالیت‌های پشتیبانی حمل و نقل
۶	٪۰,۵۲۴	٪۰,۱۹۱	٪۰,۳۳۴	فعالیت خدماتی مربوط به تأمین جا و غذا
۱۵	٪۰,۰۵۹	٪۰,۰۱۱	٪۰,۰۴۷	اطلاعات و ارتباطات
۱	٪۲,۵۲۶	٪۰,۱۷۴	٪۲,۳۵۲	املاک و مستغلات

رتبه	کل	غیرمستقیم	مستقیم	رشته فعالیت های اقتصاد
۲۲	٪۰,۰۱۴	٪۰,۰۰۳	٪۰,۰۱۱	فعالیت های حرفه ای، علمی و فنی
۲۶	٪۰,۰۰۶	٪۰,۰۰۲	٪۰,۰۰۳	فعالیت های اداری و خدمات پشتیبانی
۵	٪۰,۵۸۶	٪۰,۱۰۰	٪۰,۴۸۶	آموزش
۱۲	٪۰,۱۳۸	٪۰,۰۳۸	٪۰,۱۰۰	هنر، سرگرمی و تفریح
۸	٪۰,۲۱۴	٪۰,۰۷۳	٪۰,۱۴۱	سایر خدمات
-	٪۸,۲۱۶	٪۲,۲۵۵	٪۵,۹۶۱	جمع

مأخذ: محاسبات پژوهش

### تغییرات اجزای ارزش افزوده

در جدول ۹ تغییرات اجزای ارزش افزوده در سناریوهای اول و دوم ارائه شده است. همان طور که ملاحظه می شود «خالص مالیات بر تولید و واردات» بالاترین کاهش را تجربه می کند و پایین ترین کاهش اجزای ارزش افزوده مربوط به جبران خدمات کارکنان است. لازم به ذکر است ستون دوم هر سناریو، تغییرات تعدیل شده بر اساس فرض ثابت بودن سهم اشتغال بخش عمومی است. به بیان دیگر، اگر سهم اشتغال این گروه ثابت فرض شود، تغییرات جبران خدمات کارکنان محدودتر خواهد شد.<sup>۱</sup> نظر به اینکه سهم اشتغال بخش عمومی ثابت است، نتایج ستون دوم منطقی تر است.

جدول ۹: تغییرات اجزای ارزش افزوده بر اثر تغییر اجزای تقاضای نهایی / درصد

سناریو دوم		سناریو اول		اجزای ارزش افزوده
تعدیل شده	اولیه	تعدیل شده	اولیه	
(٪۳,۸۳۴)	(٪۶,۳)	(٪۳,۴۳)	(٪۵,۶۳)	جبران خدمات کارکنان
(٪۱۷,۳۰۳)	(٪۱۷,۳۰۳)	(٪۱۵,۱۲)	(٪۱۵,۱۲)	خالص مالیات بر تولید و واردات
(٪۸,۴۶۶)	(٪۸,۴۶۶)	(٪۷,۴۹)	(٪۷,۴۹)	درآمد مختلط و مازاد عملیاتی (خالص)
(٪۷,۵۷۵)	(٪۸,۲۱۶)	(٪۶,۷۱)	(٪۷,۲۸۱)	جمع کل

مأخذ: محاسبات پژوهش

### ۵- جمع بندی و ارائه پیشنهادها

در این گزارش تغییرات ستانده و اشتغال بر اساس روش حذف فرضی، ارزش افزوده بخشی و کل اقتصاد و همچنین اجزای آن بر اساس تغییرات تقاضای نهایی (اثر شوک منفی) به ترتیب بر اساس مدل کلاین (۱۹۸۳) و مدل افراز زایتسف (۲۰۰۰) در قالب دو سناریو مورد بررسی قرار گرفت. نتایج مطالعه حاکی از آن است که ستانده کل اقتصاد ایران بر اساس دو سناریوی پیش بینی شده به ترتیب، حدود چهار و نه دهم (۴/۹) درصد و پنج و نیم (۵/۵) درصد با کاهش مواجه خواهد شد. این در حالی است که میزان افت احتمالی ارزش افزوده بالاتر خواهد بود؛ به گونه ای که

۱. لازم به ذکر است فقط «جبران خدمات کارکنان» تغییر خواهد کرد، زیرا ثابت بودن بخشی از اشتغال - سهم بخش عمومی فعالیت ها - فقط روی این عامل مؤثر است.

در سناریوی نخست- نتایج تعدیل شده- شش و هفت دهم (۶/۷) درصد و در سناریوی دوم حدود هفت و شش دهم (۷/۶) درصد کاهش خواهد یافت. در میان اجزای ارزش افزوده، خالص مالیات بر تولید و واردات با بالاترین افت مواجه می‌شود، در حالی که جبران خدمات کارکنان به مراتب از دو جزء دیگر کمتر متأثر می‌شود.

بررسی تأثیرپذیری جمعیت شاغل کشور از بیماری همه‌گیر کرونا نشان می‌دهد به‌طور متوسط بیش از ده (۱۰) درصد اشتغال با خطر بیکاری و کاهش درآمد مواجه هستند. قابل توجه است که کاهش مشارکت اقتصادی ممکن است نمود شوک کاهش اشتغال در آمارها را کم‌رنگ‌تر کند. به بیان دیگر، در فصل اول سال ۱۳۹۹ نسبت به سه ماهه نخست سال ۱۳۹۸، قریب به چهار درصد، مشارکت اقتصاد کاهش یافت. همچنین، سهم شاغلان کمتر از ۴۴ ساعت نیز افزایش داشته است، از این‌رو، طبیعی است که شوک مزبور به‌طور کامل در نرخ بیکاری نمود پیدا نکند. از دیگر سو، در فصول اول و دوم سال با توجه به بالا بودن اشتغال فصلی، به‌طور طبیعی نرخ بیکاری نسبت به سایر فصول پایین‌تر است.

نتایج این گزارش، بر اساس فرض کلیدی ثابت بودن سایر شرایط به دست آمده است و بدون شک مؤلفه‌های دیگری در تغییرات متغیرهای اقتصاد کلان، نقش قابل توجهی دارند. به بیان دیگر، این نتایج بدون در نظر گرفتن اثرات شوک مثبت بخش‌هایی مانند بهداشت و تولید محصولات شیمیایی و بهداشتی، مجموعه اقدامات و تصمیماتی که در ارتباط با کاهش اثرات بیماری کرونا مانند حمایت از کسب و کارها و بیمه بیکاری اتخاذ شده است. از این‌رو، نباید انتظار بر این باشد که پیش‌بینی‌های صورت گرفته لزوماً عملکرد اقتصاد ایران در سال ۱۳۹۹ خواهد بود.

در این گزارش پیشنهادی نویسندگان بر اساس دو اصل مهم ارائه شده است؛ نخست، نتایج گزارش و دوم، موارد دیگری که می‌تواند از طریق تأثیر مثبت بر تقاضای نهایی، اثرات شوک منفی کرونا را کاهش دهد یا برای افزایش اثربخشی سیاست‌های حمایتی بخشی، لازم است مورد توجه قرار گیرد. همچنین، قابل توجه است که هدف این گزارش ارائه راهکارهای عملیاتی نبوده و به این منظور پیشنهادهایی نیز برای مطالعات تکمیلی ارائه خواهد شد که می‌تواند برای سیاست‌گذاری و کمک به سیاست‌گذار در فرایند تصمیم‌سازی قابل اعتناء باشد.

#### الف) پیشنهادهای مبتنی بر نتایج پژوهش

- اتخاذ سیاست‌های حمایتی اعم از کاهش نرخ مالیات، امهال وام، اعطای تسهیلات به بخش‌های اقتصادی که پیوندهای بین بخشی بالاتری دارند مانند ساختمان و حمل و نقل.
- حمایت همه‌جانبه از بنگاه‌های اقتصادی به‌ویژه بخش‌هایی که تأثیر بالاتری پذیرفته‌اند و به‌نوعی می‌توانند محرک اقتصادی باشند. حمایت مزبور می‌تواند کاهش نوسان‌های نقدینگی، تأمین سرمایه در گردش، حفظ روند اشتغال و مواردی از این قبیل باشد.
- حمایت از مشاغل بنگاه‌های اقتصادی متوسط و کوچک و نیروی کار آسیب‌پذیر شاغل در بخش‌های غیررسمی (تقویت تقاضای نهایی و اشتغال).

- حذف یا کاهش مالیات بر ارزش افزوده سبد مصرفی و بهداشتی محدود به دوره بیماری (تقویت تقاضای نهایی).
- تهیه بودجه سال ۱۴۰۰ با تأکید بر حمایت همه‌جانبه از کسب و کارها، به‌ویژه فعالیت‌هایی که تأثیر به‌مراتب بالاتری در کاهش ارزش افزوده، اشتغال و ستانده کل اقتصاد دارند.

### ب) سایر پیشنهادها

- ایجاد سامانه ارائه اظهارنامه مالیاتی فردی - حداکثر تا پایان سال - به‌منظور ارائه سیاست‌های حمایتی لازم فعلی و بعد از دوره بیماری کرونا. لازم به ذکر است در صورتی که طی دوره مشخص شده کسی اقدام نکرد، تمامی پرداخت بلاعوض آن اعم از یارانه نقدی، معیشتی، بیمه بیکاری و ... قطع شود.
- تقویت پایگاه رفاه ایرانیان و الزام‌آور کردن همکاری سایر دستگاه‌های اجرایی و سازمان‌های دولتی با آن.
- توسعه و تقویت دولت الکترونیک به‌منظور کاهش هزینه‌های جاری، کاهش مراجعات حضوری و به‌تبع آن، کاهش نرخ شیوع بیماری و افزایش توانمندی حکومت در ارائه خدمات.
- استقبال از کمک‌های بین‌المللی اعم از کشورها، سازمان‌های مردم‌نهاد و ایرانیان مقیم خارج و تخصیص آن‌ها به کسب و کارهای آسیب‌دیده، خانوارهای نیازمند با شفافیت و اطلاع‌رسانی دقیق.
- اتخاذ استراتژی جدید (افق گشایی) متناسب با دوران پسا کرونا که منجر به شکستن حلقه نهادهای تشدیدکننده وضع موجود شده و به نهادهای فراگیر فرصت ظهور دهد.

### ج) پیشنهاد پژوهش‌های آتی (تکمیلی)

- برآورد تغییرات ارزش افزوده بخشی، بر اساس سیاست‌های حمایت‌های اتخاذ شده تاکنون.
- سنجش پیوندهای میان بخشی و فرایند اثرگذاری سیاست‌های حمایتی.
- سنجش اثرات سرریز و بازخورد فعالیت‌های اقتصادی در سطح ملی و منطقه‌ای.

### منابع

- جهانفر، نیلوفر، حسن طایی و علی‌اصغر بانویی (۱۳۹۶). «به‌کارگیری روش اصلاح‌شده حذف فرضی در ایجاد اشتغال بخش‌های مختلف اقتصاد ایران»، سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی دانشگاه الزهراء (س)، سال پنجم، شماره ۱۶، ۲۰-۱.
- جهانگرد، اسفندیار (۱۳۹۳). تحلیل‌های داده - ستانده: فناوری، برنامه‌ریزی و توسعه، تهران: آماره.
- حاتم‌زاده، یاسر و همکاران (۱۳۹۹). «بررسی ابعاد آثار ویروس کرونا بر بخش حمل و نقل در ایران»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۷۰۷۶.
- روزنامه دنیای اقتصاد (۲۵ اسفند ۱۳۹۸). «اثر کرونا بر ۲۲ کسب و کار». شماره ۴۸۵۰ مورخ ۲۵ اسفندماه ۱۳۹۸.
- بت‌شکن، محمدحاشم و محمدصادق عبداللهی‌پور (۲۰ فروردین ۱۳۹۹). روزنامه دنیای اقتصاد، شماره ۴۸۵۸.
- صادقی، نرگس، علیرضا آذربایجانی، فاطمه عزیزخانی، زهرا کاویانی و علی حجتی (۱۳۹۹). «ارزیابی ابعاد اقتصاد کلان شیوع ویروس کرونا» (ویرایش اول)، شماره مسلسل ۱۷۰۱۱.

کاکائی، جمال (۱۳۹۹). «کووید-۱۹؛ بزنگاه تاریخی اقتصاد ایران؟!» *گاهنامه شماره پایش توسعه و آینده‌نگری*، شماره ۳ (ویژه‌نامه کرونا)، مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری.

کاکائی، جمال، یونس تیموری و حسین حسینی (۱۳۹۹). «بررسی تجارب کشورهای همجوار پیرامون شیوه‌های تأمین مالی کسری بودجه و درس‌هایی برای اقتصاد ایران»، مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری.

نجفی علمدارلو حامد، امیر یونسینان و پژمان اعلایی بروجنی (۱۳۹۹). «بررسی آثار اقتصادی شیوع ویروس کرونا بر بخش کشاورزی ایران»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۶۹۷۲.

تارنمای بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران.

[www.cbi.ir](http://www.cbi.ir)

تارنمای مرکز آمار ایران

[www.amar.org.ir](http://www.amar.org.ir)

تارنمای سازمان برنامه و بودجه کشور: قانون بودجه سال ۱۳۹۹ کل کشور

[www.mporg.ir](http://www.mporg.ir)

گمرک جمهوری اسلامی ایران

[www.IRica.ir](http://www.IRica.ir)

Cella, G. (1984) "The Input-Output Measurement of Interindustry Linkages," *Oxford Bulletin of Economics and Statistics*, vol. 46, No. 1, 73-84.

Dietzenbacher, E & Van Der Linden J. A. (1997). "Sectoral and Spatial Linkages in the EC Production Structure," *Journal of Regional Science*, vol. 37, No. 2, 235-257.

Dietzenbacher, E. & Lahr, M (2013). "Expanding Extactions," *Economic System Research*, Vol. 25, No. 3, 341-360.

Meller, P. & Marfan, M. (1981). "Small and large industry: employment generation, linkages, and key sectors." *Economic Development and Cultural Change*, Vol.29, No.2, 263-274.

Milana, Carlo. (1985). "Direct and Indirect Requirements for Gross output in Input-Output Systems," *Metroeconomica*, Vol.37, No. 3, 283-292.

Miller, R.E. and Blair, P.D. (2009). *Input - Output Analysis: Foundations and Extensions*, Cambridge University Press.

Schultz, S. (1977). "Approaches to identifying key sectors empirically by means of input-output analysis." *The Journal of Development Studies*, Vol.14, No.1, 77-96.

Schultz, S. (1976). Intersectoral comparisons as an approach to the identification of key sectors. *Advances in Input/Output analysis*, Ballinger, Cambridge, Mass.

Strassert, G. (1968). "Zur bestimmung strategischer sektoren mit hilfe von input-output-modellen." *Jahrbücher für Nationalökonomie und Statistik*, Vol.182, No.1, 211-215.

[www.InternationalMonetaryFund.org](http://www.InternationalMonetaryFund.org), World Economic Outlook (2020).

International Monetary Fund. (2020). World Economic Outlook, April 2020: The Great Lockdown.

Zaytseva, Yulia (2000). "Link Between Final Demand and Value Added: Two-Blocks Input-Output Model with Separation of Goods and Services", *XIII International Conference on Input-Output Techniques*, University of Macerata, Italy August 21-25 th.



## الزامات جهش تولید در بخش حمل و نقل و انبارداری

محمد رضا نقدی زاده، پژوهشگر گروه پژوهشی نظام‌های نوین برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی و مدل‌سازی

جمال کاکائی، پژوهشگر گروه پژوهشی نظام‌های نوین برنامه‌ریزی، بودجه‌ریزی و مدل‌سازی



### مقدمه

جابه‌جایی به‌طور عمده به دلیل نیازهای تجاری، اجتماعی، تفریحی و یا فرهنگی انجام می‌گیرد و در ارتباط با کالا، علت اصلی جابه‌جایی، عدم انطباق مکانی محل تولید و مصرف کالا بر یکدیگر است. از یک‌سو، پیشرفت تکنولوژی در غلبه بر طبیعت و موانع آن، باعث کاهش هزینه و تقلیل زمان حمل‌ونقل گردید؛ به بیان دیگر، انقلاب به وجود آمده در حمل‌ونقل در قرن بیستم بشر را نسبت به رابطه مستقیم عدم تحرک با فقر آگاه کرد و از سوی دیگر، گسترش ارتباطات میان کشورها موجب افزایش قابل ملاحظه توریسم و جهانگردی گردید. در ادامه تغییرات سریع تکنولوژی در عصر اطلاعات و ارتباطات، سیستم‌های هوشمند حمل‌ونقل به‌عنوان یکی از دستاوردهای فن‌آوری عصر مزبور در حمل‌ونقل پدیدار شده است و در تمام امور و زمینه‌های فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جوامع تأثیر بسزایی به‌جا گذاشته است.

یکی از نیازهای اولیهٔ انسانی که با توسعهٔ اقتصادی و اجتماعی دامنهٔ گسترده‌تری پیدا کرده و امروزه خود یکی از مظاهر تمدن به‌شمار می‌آید، مسئلهٔ حمل‌ونقل است. فعالیت‌های حمل‌ونقلی از بخش‌های زیربنایی هر جامعه بوده که علاوه بر تحت تأثیر قرار دادن فرایند توسعه، خود نیز در جریان توسعه دچار تحول می‌شود. زیرساخت‌های ضعیف حمل‌ونقلی و خدمات غیرکارا در افزایش هزینه‌ها و زمان رسیدن به مقصد به‌طور مستقیم انعکاس می‌یابد. ایجاد بهبود و تحول در زیرساخت‌های یک جامعه می‌تواند تفاوت زیادی در هزینه‌ها و تجارت از خود بر جای بگذارد. چنانچه مطالعات انجام‌شده در این زمینه نشان می‌دهد که افزایش ده درصدی در هزینه‌های حمل‌ونقل-

زیرساخت‌های ضعیف و ناکارآمد - جریان تجاری را به‌طور متوسط بیست درصد کاهش می‌دهد.<sup>۱</sup> به بیان دیگر، کاهش هزینه‌های حمل‌ونقل می‌تواند در فرایند توسعه یک جامعه نقش اساسی ایفا نماید؛ به‌نحوی که این بخش از ارکان توسعه پایدار جوامع و همکاری‌های منطقه‌ای، ملی و فراملی شناخته می‌شود. در برنامه‌های توسعه پایدار سازمان ملل نیز حمل‌ونقل از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، به‌طوری که هفت هدف کلان از اهداف هفده‌گانه توسعه پایدار<sup>۲</sup> دارای زیر هدف مرتبط با حمل‌ونقل درون‌شهری و برون‌شهری هستند<sup>۳</sup> (کمیسیون توسعه و همکاری بین‌المللی اروپا).

بخش حمل‌ونقل در نظام طبقه‌بندی آماری آیسیک (استاندارد بین‌المللی طبقه‌بندی فعالیت‌های صنعتی)<sup>۴</sup> در زمره رشته فعالیت‌های خدماتی قرار می‌گیرد و با امعان نظر به اینکه حلقه واسط زنجیره تولید و مصرف محسوب می‌شود، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. همچنین، پیوندهای پسین و پیشین قابل توجهی با سایر بخش‌های اقتصادی دارد. به همین دلیل در اسناد فرادست توسعه‌ای ایران همواره در کانون توجه قرار داشته و مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از:<sup>۵</sup>

- سند چشم‌انداز بیست‌ساله ج.ا.ایران؛
- بند ۱۰ سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی؛
- سیاست‌های کلی نظام در بخش حمل‌ونقل؛
- بندهای ۲۱، ۲۳، ۲۴ و ۲۵ سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه؛
- ماده ۳۰ و ۴۸ قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه؛
- قانون توسعه حمل‌ونقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت به‌ویژه ماده ۶؛
- قانون برنامه ششم توسعه کشور مواد ۵۲ و ۵۷؛
- ماده ۱۲ قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور؛
- ماده ۶۷ قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲).

بررسی رشد ارزش افزوده بخش حمل‌ونقل و انبارداری طی دوره ۱۳۹۱-۱۳۹۸ به قیمت‌های ثابت سال ۱۳۹۰ حاکی از آن است که همواره مانند تولید ناخالص داخلی دست‌خوش نوسان بوده است. نرخ رشد بخش یادشده از منفی دو شش‌دهم (۲/۶-) در سال ۱۳۹۱ تا هشت و دودهم (۸/۲) درصد در سال‌های ۱۳۹۲ و ۱۳۹۶ متغیر بوده است؛ به بیان دیگر، رشد بخش حمل‌ونقل درگرو رشد سایر بخش‌های اقتصادی است و رشد این بخش در صورت نبود رونق در سایر بخش‌های بی‌معنا خواهد بود. به عنوان مثال می‌توان به رشد منفی سال ۱۳۹۱ اشاره کرد که رشد اقتصادی در آن سال نیز با نفت، منفی هشت و سه‌دهم (۸/۳-) و بدون نفت منفی دو و یک‌دهم (۲/۱-) درصد

۱. هوشمند و همکاران (۱۳۸۵)

1. Sustainable Development Goals

3. International Cooperation and Development European Commission; Luxembourg;

4. ISIC; International Standard Industrial Classification

۵. درباره جهش تولید (۲) و الزامات آن در حوزه‌های کشاورزی، مسکن، حمل‌ونقل و توسعه روستایی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، تیرماه ۱۳۹۹.

بوده است. از این رو، گزارش حاضر درصدد است با استفاده از الگوی تعاملی داده- ستانده به سنجش اهمیت بخش حمل و نقل در اقتصاد ایران پرداخته و الزامات یا میزان افزایش تقاضای نهایی بخش حمل و نقل برای تحقق رشد پیش بینی شده برای این بخش در برنامه ششم توسعه را برآورد نماید. همچنین، در دو سناریو، میزان رشد کل اقتصاد ایران برای سه شوک ده (۱۰) و پانزده (۱۵) درصدی تقاضای نهایی بخش حمل و نقل را نیز مورد مذاقه قرار دهد. علاوه بر دو سناریو یاد شده، در سناریو دیگری، مفروض می‌گیرد اگر سایر فعالیت‌های<sup>۱</sup> اقتصادی به میزان افزایش (تغییرات) تقاضای نهایی لازم بخش حمل و نقل و انبارداری به منظور تحقق رشد پیش بینی شده این فعالیت در برنامه ششم توسعه، با شوک مثبت مواجه شوند، تغییرات ارزش افزوده بخش حمل و نقل و انبارداری چگونه خواهد شد. به همین منظور، ساماندهی گزارش حاضر به شرح زیر است.

در بخش اول، به بررسی اهمیت و جایگاه بخش حمل و نقل و انبارداری در اقتصاد ایران پرداخته می‌شود، بخش دوم شامل شناسایی پتانسیل‌های موجود برای توسعه بخش و چالش‌های پیش روی آن خواهد بود. بخش سوم نیز به روش تحقیق و پایه‌های آماری اختصاص داده شده است. تجزیه و تحلیل نتایج و جمع‌بندی و نتیجه‌گیری نیز به ترتیب در بخش‌های چهارم و پنجم ارائه خواهد شد.

## ۱- بخش حمل و نقل و انبارداری در اقتصاد ایران

در این بخش از گزارش، اهمیت بخش حمل و نقل و انبارداری و جایگاه آن در برنامه‌های میان‌مدت توسعه، ارزش افزوده، بهره‌وری، اشتغال آن در اقتصاد ایران، وضعیت این فعالیت از منظر زیرساختی، لجستیک و ترانزیتی مورد بررسی قرار گرفته است.

### اهمیت فعالیت حمل و نقل و انبارداری و جایگاه آن در برنامه‌های توسعه میان‌مدت

فعالیت حمل و نقل از اهمیت ویژه‌ای در اقتصاد برخوردار است و در جهان امروز این بخش علاوه بر تحت تأثیر قرار دادن فرایند توسعه اقتصادی، خود نیز در روند توسعه ناگزیر به تغییر و تحول است. این بخش با ایفای نقش رابط میان بازار مصرف و تولید به مثابه پلی است که بخش‌های مختلف اقتصادی را به یکدیگر متصل می‌سازد.<sup>۲</sup> از دیرباز توسعه اقتصادی در گرو توسعه بازرگانی (صادرات و واردات) بوده و توسعه بازرگانی نیز وابسته به توسعه حمل و نقل بوده است. وجود امکانات حمل و نقل کارا در افزایش رفاه اجتماعی اهمیت قابل توجهی دارد. از طرف دیگر، ایجاد زیرساخت‌ها و اصلاحات در ساختار نظام اقتصادی کشور، در جهت شکل‌گیری بسترهای لازم برای دستیابی به توسعه اقتصادی، امری لازم و ضروری است. زیرساخت حمل و نقل جزء مهم اقتصاد و ابزار مشترک برای توسعه است. زیرساخت‌های گسترده حمل و نقل و شبکه‌های متصل، معمولاً با سطح بالایی از توسعه همراه است. هنگامی که سیستم‌های حمل و نقل کارآمد هستند، فرصت‌ها و مزایای اقتصادی و اجتماعی را فراهم می‌آورند که منجر به آثار مثبت فزاینده نظیر دسترسی بهتر به بازار، افزایش اشتغال و سرمایه‌گذاری می‌شود. توسعه حمل و نقل، امکان دسترسی

۱. در این گزارش، «فعالیت» و «بخش» مترادف بوده و به صورت متناوب به کار برده می‌شوند.

۲. سند تفصیلی برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ج.ا.ایران حوزه بخشی (۱).

به منابع و بازارها را فراهم آورده و به این ترتیب، تولید و مبادله کالاها را آسان‌تر می‌سازد. شایان توجه است که نتایج مطالعات بین‌المللی و داخلی حاکی از آن است که سرمایه‌گذاری در بخش حمل‌ونقل، موجب رشد اقتصادی و اشتغال خواهد شد. در این خصوص می‌توان به مطالعات داخلی انجام‌شده توسط رضایی ارجرودی و تسبیحی (۱۳۸۶)، مهرگان و دهقانی احمدآباد (۱۳۸۹) و مرکز پژوهش‌های شورای اسلامی (۱۳۹۶) اشاره کرد، همچنین مطالعات بین‌المللی خادارو و سیتاناه (۲۰۰۸)، الیسابتا (۲۰۱۱) و گول و همکاران (۲۰۱۲) ۳ مؤید موضوع فوق‌الذکر است. هنگامی که سیستم‌های حمل‌ونقل با محدودیت مواجه باشند هزینه‌های اقتصادی از جمله هزینه فرصت‌های از دست رفته، افزایش یافته و کیفیت زندگی کاهش می‌یابد. به‌طور کلی، حمل‌ونقل کارا، هزینه‌های بسیاری را در دیگر بخش‌های اقتصادی کاهش می‌دهد، در حالی که حمل‌ونقل ناکارآمد این هزینه‌ها را افزایش می‌دهد و ارزیابی اهمیت اقتصادی حمل‌ونقل نیازمند تقسیم (تجزیه) انواع تأثیرات آن است. این تأثیرات شامل هسته (مشخصات فیزیکی حمل‌ونقل)، ابعاد عملیاتی و جغرافیایی است.

#### الف) آثار هسته‌ای

بنیادی‌ترین اثر حمل‌ونقل مربوط به ظرفیت فیزیکی حمل مسافر و کالاها و هزینه‌های مربوط به پشتیبانی از این تحرک است و شامل تنظیم مسیرهایی است که امکان تعاملات جدید یا موجود بین نهادهای اقتصادی را فراهم می‌کند.

#### ب) آثار عملیاتی

بهبود عملکرد زمان، به‌ویژه از نظر قابلیت اطمینان و همچنین کاهش تلفات یا آسیب را به دنبال دارد. استفاده بهتر از حمل‌ونقل موجود به نفع کاربران (مسافران) و در سرعت بیشتر و تأخیر کمتر نمود می‌یابد.

#### ج) آثار جغرافیایی

دسترسی به بازار گسترده‌تر که پایه اقتصادی در تولید، توزیع و مصرف است، بهبود می‌یابد. افزایش بهره‌وری دسترسی به پایگاه بزرگ‌تر و متنوع‌تر - کالاهای خام، قطعات، انرژی یا نیروی کار - بازارهای گسترده‌تر برای تولیدات متنوع - کالاهای واسطه‌ای و نهایی - یکی دیگر از تأثیرات جغرافیایی حمل‌ونقل است (مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، ۱۳۹۶).

توسعه بخش حمل‌ونقل کشور همواره در برنامه‌های توسعه میان‌مدت مورد توجه برنامه‌ریزان و قانون‌گذاران بوده است. به عبارت دیگر، استفاده از ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بخش مزبور با توجه به موقعیت سوق‌الجیشی کشور همواره مورد تأکید قرار گرفته است. رویکردهای توسعه بخش حمل‌ونقل کشور طی برنامه‌های میان‌مدت بعد از انقلاب اسلامی در جدول ۱ ارائه شده است.

1. Khadaroo & Seetanah, 2008
2. Elisabetta, 2011
3. Aysegul et al., 2012

**جدول ۱: رویکردهای توسعه بخش حمل و نقل کشور طی برنامه‌های میان مدت بعد از انقلاب اسلامی**

برنامه‌های پنج ساله توسعه کشور	جهت‌گیری‌های بخش حمل و نقل
برنامه اول توسعه	- توجه به موقعیت جغرافیایی کشور در زمینه حمل و نقل بار - توجه به گسترش حمل و نقل ریلی
برنامه دوم توسعه	- حمایت از ایجاد تسهیلات لجستیکی در پایانه‌های صادراتی - پشتیبانی از ایجاد امکانات و تسهیلات لجستیکی مورد نیاز محصولات کشاورزی
برنامه سوم توسعه	- ایجاد شرکت‌های حمل و نقل بین‌المللی - ارتقای نقش بخش غیردولتی در توسعه بخش حمل و نقل
برنامه چهارم توسعه	- توجه به تدوین برنامه توسعه حمل و نقل - تعیین اهداف کلان برای صور چهارگانه حمل و نقل
برنامه پنجم توسعه	- توجه به ایجاد بانک جامع حمل و نقل - توجه به تصویب طرح جامع حمل و نقل کشور - ایجاد زیرساخت‌های لجستیکی و حمل و نقل چندوجهی
برنامه ششم توسعه	- تعیین اهداف کلان برای صور چهارگانه حمل و نقل - ایجاد زیرساخت‌های لجستیکی و حمل و نقل چندوجهی

مأخذ: قوانین برنامه‌های میان مدت

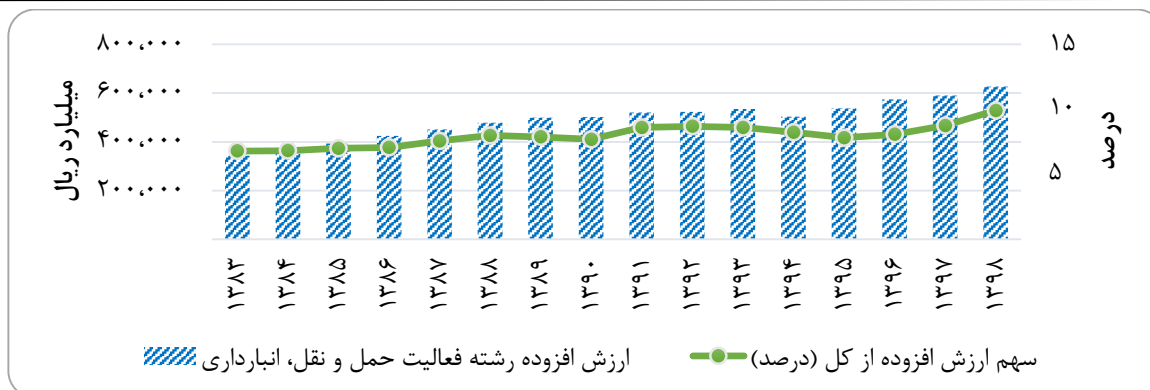
برنامه‌های اول و دوم توسعه، حاوی جهت‌گیری‌های قابل توجهی هستند. در برنامه اول به موقعیت جغرافیایی کشور یا در واقع نقش ایران به عنوان هاب لجستیکی منطقه توجه شده است. در برنامه دوم توسعه نیز به تأمین امکانات لجستیکی - نه فقط حمل و نقل - برای صادرات کالا و تأمین و توزیع محصولات کشاورزی توجه شده است. برنامه پنجم توسعه از آن جهت خاص است که در واقع نخستین برنامه‌ای است که در آن به توسعه زیرساخت‌های تخصصی لجستیکی در سطح کلان کشور و اتصال به شبکه‌های حمل و نقل اشاره شده است؛ چراکه پیش از آن، برنامه‌های توسعه‌ای به صورت مجزا به هر حوزه حمل و نقل توجه داشته‌اند.

برنامه ششم توسعه در دو بخش حمل و نقل و مناطق آزاد، به موضوع زیرساخت‌های لجستیکی و اهداف کلان برای زیربخش‌های حمل و نقل می‌پردازد. در تدوین برنامه ششم توسعه به این نکته توجه نشده است که محور لجستیک مبنای انتخاب مناطق آزاد نبوده است.

**ارزش افزوده بخش حمل و نقل و انبارداری**

در پانزده سال گذشته (۱۳۸۳-۱۳۹۸) سهم فعالیت‌های حمل و نقل، انبارداری در ارزش افزوده کشور از ۶,۷۹ درصد به ۹,۹۱ درصد افزایش یافته است<sup>۱</sup>  $(a(1)(1)(a)i)$  (نمودار ۱: نمودار ۱). در قانون برنامه پنج ساله ششم توسعه، متوسط رشد سالیانه ارزش افزوده بخش حمل و نقل و انبارداری، ۸/۳ درصد تعیین شده اما تاکنون این نرخ در سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۸ به ترتیب برابر با ۷,۱ درصد، ۲,۶ درصد و ۶,۳ درصد بوده است.

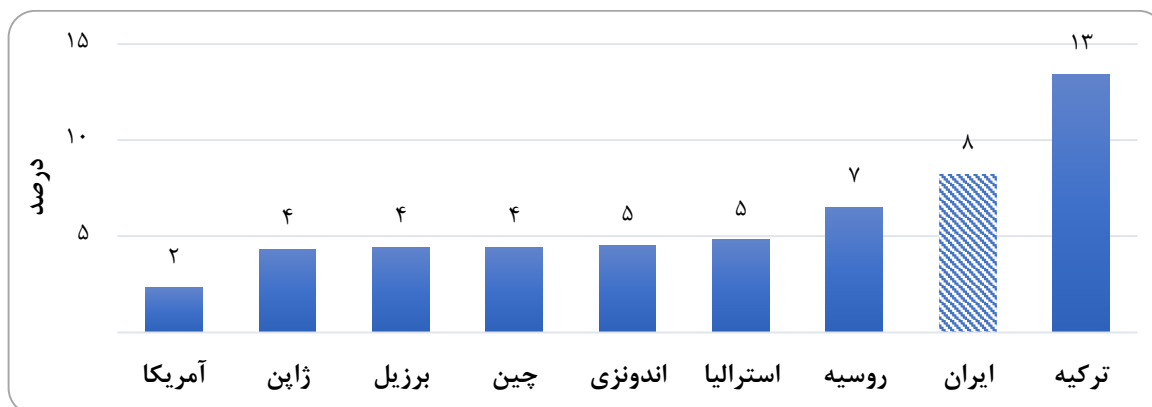
۱. از آنجاکه بانک مرکزی آخرین آمار تفکیک شده ارزش افزوده رشته فعالیت حمل و نقل و انبارداری و ارتباطات تا سال ۱۳۹۴ را ارائه کرده است، سهم حمل و نقل و انبارداری از ارزش افزوده کل بخش در سال‌های ۱۳۹۵-۱۳۹۸ معادل سهم سال ۱۳۹۴ در نظر گرفته شده است.



نمودار ۱: ارزش افزوده بخش حمل‌ونقل، انبارداری و ارتباطات به قیمت ثابت سال ۱۳۹۰

مأخذ: حساب‌های ملی بانک مرکزی ج.ا.ایران

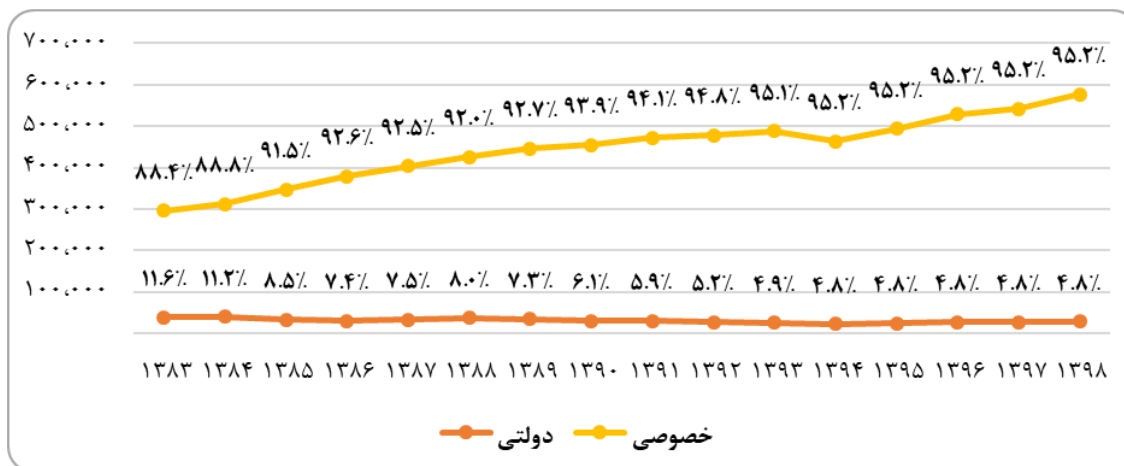
ارزش افزوده سال ۱۳۹۴ بخش حمل‌ونقل و انبارداری، ۸,۲ درصد کل ارزش افزوده کشور بوده است. با مقایسه سهم همان بخش از کل ارزش افزوده کشورهای دیگر در سال ۲۰۱۴ مشخص می‌شود که در کشورهای استرالیا، برزیل، چین، اندونزی و ژاپن بین ۴,۳ تا ۴,۸ درصد، کشور آمریکا ۲,۶ درصد، کشور روسیه ۶,۵ درصد و کشور ترکیه ۱۳,۴ درصد از ارزش افزوده کل آن‌ها به بخش حمل‌ونقل و انبارداری اختصاص دارد. در واقع، تنها در کشور ترکیه است که نقش حمل‌ونقل در اقتصاد آن کشور از ایران پررنگ‌تر است. در نمودار ۲ سهم بخش حمل‌ونقل و انبارداری از ارزش افزوده کل، برای کشورهای منتخب در سال ۲۰۱۴ به نمایش گذارده شده است.



نمودار ۲: سهم بخش حمل‌ونقل و انبارداری از ارزش افزوده کل کشور، کشورهای منتخب در سال ۲۰۱۴ (درصد)

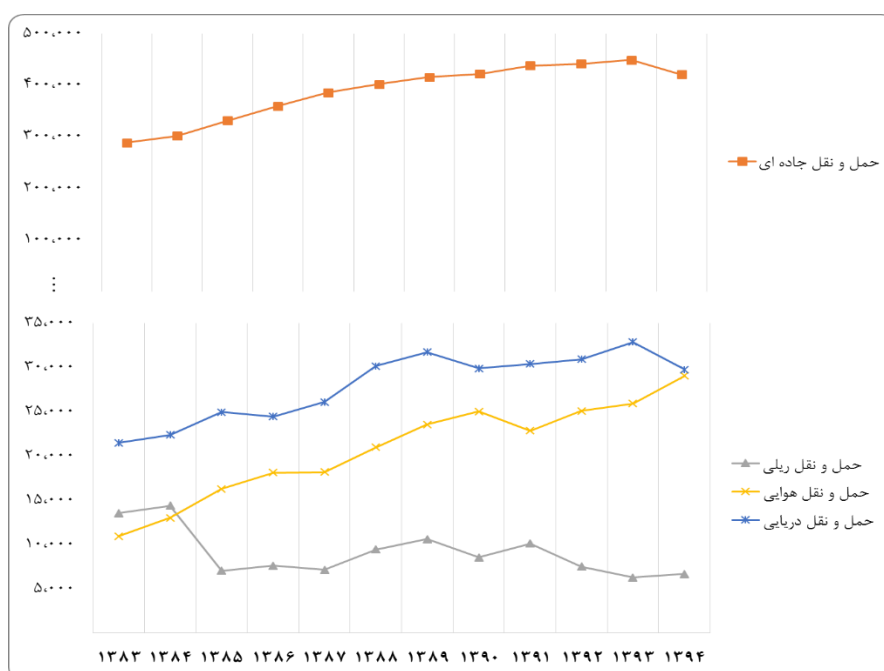
مأخذ: پایگاه اطلاعات داده - ستانده جهانی (WIOD)

سهم بخش دولتی در ارزش افزوده حمل‌ونقل، در طی این دوره به‌مرور کاهش یافته و از ۱۲ درصد در سال ۱۳۸۳، به ۴,۸ درصد در سال ۱۳۹۴ رسیده است. در واقع، در طی این دوره سهم بخش خصوصی رشد یافته و به نود و پنج و دودهم (۹۵/۲) درصد از ارزش افزوده کل حمل‌ونقل رسیده است. در نمودار ۳ روند تغییرات سهم بخش خصوصی و دولتی بر اساس ارزش افزوده این بخش‌ها به قیمت سال پایه نشان داده شده است.



نمودار ۳: سهم بخش خصوصی و دولتی از ارزش افزوده حمل و نقل به قیمت سال پایه  
 مأخذ: حساب‌های ملی بانک مرکزی

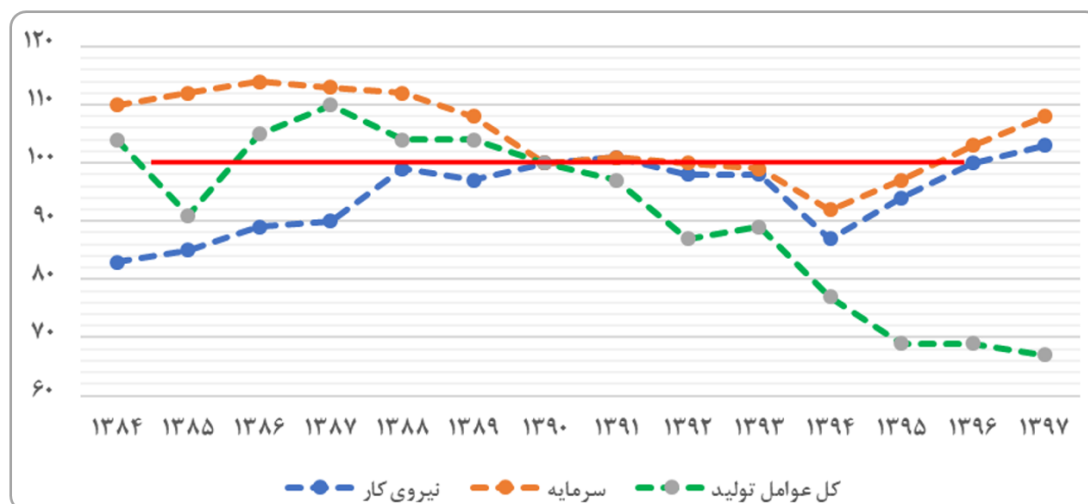
سهم عمده‌ای از ارزش افزوده بخش حمل و نقل متعلق به حمل و نقل جاده‌ای است و در ده سال گذشته این نسبت بین ۸۶-۸۷ درصد بوده و ارزش افزوده آن بین سال‌های ۱۳۸۳-۱۳۹۴، ۴۶ درصد افزایش یافته (متوسط نرخ رشد سالیانه آن ۳,۸ درصد) است. در این دوره ارزش افزوده حمل و نقل هوایی ۱۶۶ درصد افزایش (متوسط نرخ رشد سالیانه ۱۳,۷ درصد) و حمل و نقل دریایی ۳۹ درصد افزایش (متوسط نرخ رشد سالیانه ۳,۲ درصد) بوده است. عملکرد حمل و نقل ریلی در این دوره ۱۲ ساله با کاهش ۵۰ درصدی ارزش افزوده مواجه بوده که بخش عمده این کاهش در حدفصل سال ۱۳۸۵ به وقوع پیوسته و بعد از آن تقریباً ثابت باقی‌مانده است. در نمودار ۴ روند تغییرات ارزش افزوده زیربخش‌های حمل و نقل بر اساس قیمت سال پایه ۱۳۹۰ نشان داده شده است.



نمودار ۴: روند تغییرات ارزش افزوده زیر بخش‌های حمل و نقل بر اساس قیمت سال پایه ۱۳۹۰ (میلیارد ریال)  
 مأخذ: حساب‌های ملی بانک مرکزی ج.ا.ایران

### بهره‌وری بخش حمل‌ونقل و انبارداری

یکی دیگر از شاخص‌های اقتصادی، شاخص بهره‌وری است. بهره‌وری حمل‌ونقل از آن جهت که زیرساخت سایر بخش‌های اقتصادی به شمار می‌رود و همواره بخش قابل توجهی از هزینه‌های تولید سایر بخش‌ها را تشکیل می‌دهد، اهمیت بیشتری دارد؛ چراکه نتیجه آن به سایر بخش‌ها سرریز خواهد شد. در برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور، رشد سالانه ارزش افزوده کشور، ۸ درصد و متوسط رشد سالانه بهره‌وری کل ۲٫۸ درصد هدف‌گذاری شده است؛ در نتیجه، ۳۵ درصد رشد اقتصادی باید از طریق افزایش بهره‌وری حاصل شود. در این برنامه متوسط رشد سالانه بهره‌وری بخش حمل‌ونقل و انبارداری ۲/۱ درصد برآورد شده است. در نمودار ۵ شاخص بهره‌وری بخش حمل‌ونقل بر مبنای سال پایه ۱۳۹۰، در طی سال‌های ۱۳۸۴-۱۳۹۷ ارائه شده است. روند تغییرات شاخص بهره‌وری بخش حمل‌ونقل و ارتباطات، حاکی از آن است که از سال ۱۳۸۸ تا سال ۱۳۹۴ شاخص بهره‌وری سرمایه، بهره‌وری نیروی کار و تا سال ۱۳۹۷ بهره‌وری کل عوامل تولید رو به کاهش است.

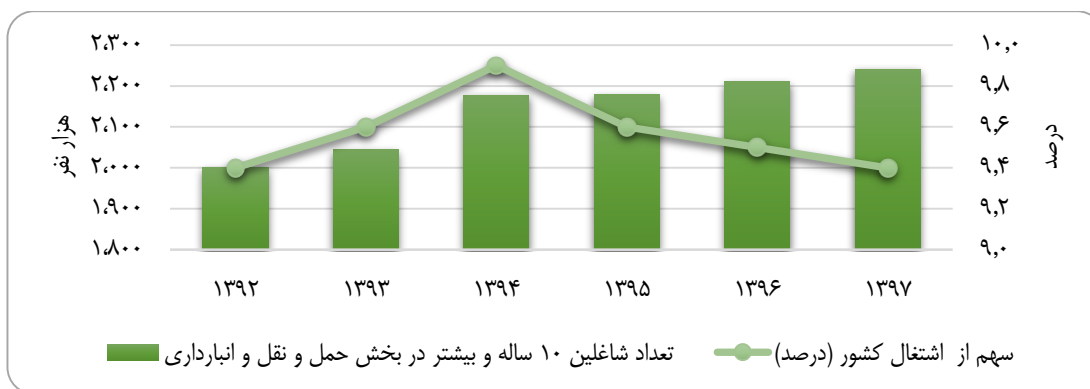


نمودار ۵: روند تغییرات شاخص بهره‌وری بخش حمل‌ونقل و ارتباطات بر مبنای سال پایه ۱۳۹۰  
 مأخذ: مرکز آمار ایران

### اشتغال فعالیت حمل‌ونقل و انبارداری

جمعیت شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر کل کشور در سال ۱۳۹۷، برابر با ۲۳،۸۱۳ هزار نفر بوده که سهم بخش حمل‌ونقل و انبارداری در این سال برابر با ۲،۲۴۱ هزار نفر گزارش شده است. در واقع، حمل‌ونقل و انبارداری ۹/۴ درصد از جمعیت شاغلین کشور را به خود اختصاص داده است. بررسی روند اشتغال در بخش حمل‌ونقل و انبارداری، حاکی از رشد ۱۲ درصدی در دوره سال‌های ۱۳۹۲-۱۳۹۷ است (نمودار ۶).





نمودار ۶: روند تغییرات شاغلان ۱۰ ساله و بیشتر در بخش حمل و نقل و انبارداری  
مأخذ: وزارت راه و شهرسازی

### وضعیت زیرساخت‌های حمل و نقل و انبارداری

وضعیت شاخص‌های طول شبکه، تراکم سطحی (نسبت طول شبکه بر حسب کیلومتر به مساحت کشور بر حسب هزار کیلومترمربع) و سهم جمعیتی (نسبت طول شبکه بر حسب کیلومتر به جمعیت کشور بر حسب میلیون نفر) در زیر بخش‌های جاده‌ای، ریلی و هوایی در سال ۱۳۹۷ (۲۰۱۸ میلادی) و مقایسه آن با کشورهای ترکیه، آلمان و فرانسه در جدول ۲ ارائه شده است. به خوبی قابل مشاهده است که ایران فاصله قابل ملاحظه‌ای از نظر توسعه زیرساخت‌ها با کشورهای نظیر آلمان و فرانسه داشته و کشور ترکیه نیز در هر سه زیربخش نسبت به ایران از وضعیت مناسب‌تری برخوردار است.

جدول ۲: وضعیت زیرساخت حمل و نقل در ایران و کشورهای منتخب

کشور	مساحت (هزار کیلومتر مربع)	جمعیت (میلیون نفر)	جاده‌ای			هوایی			ریلی		
			طول راه	تراکم سطحی	سهم جمعیتی	تعداد فرودگاه	تراکم سطحی	سهم جمعیتی	طول خط	تراکم سطحی	سهم جمعیتی
ایران	۱,۶۴۸,۲	۸۲,۰۸	۲۲۱,۳۵۳	۱۳۴	۲,۶۹۷	۵۹	۰,۰۴	۰,۷۲	۱۱۰,۶۴۲	۷,۱	۱۴۲
آلمان	۳۵۷,۴	۸۲,۷۹	۶۴۴,۴۸۰	۱,۸۰۳	۷,۷۸۴	۱۰۳	۰,۲۹	۱,۲۴	۳۹,۲۹۹	۱۱۰,۰	۴۷۵
فرانسه	۶۴۰,۷	۶۶,۹۲	۱,۱۰۳,۷۷۴	۱,۷۲۳	۱۶,۴۹۴	۱۳۶	۰,۲۱	۲,۰۳	۲۷,۵۹۴	۴۳,۱	۴۱۲
ترکیه	۷۸۳,۴	۸۰,۸۱	۲۴۷,۵۵۳	۳۱۶	۳,۰۶۳	۵۳	۰,۰۷	۰,۶۶	۱۰,۴۱۷	۱۳,۳	۱۲۹

Source: Statistical Pocketbook of EU Transport- European Commission 2020

به منظور بررسی دقیق‌تر این موضوع، شاخص‌های مورد استفاده برای ارزیابی زیرساخت‌ها در گزارش‌های مجمع جهانی اقتصاد با عنوان «گزارش رقابت‌پذیری جهانی» که به طور سالانه منتشر می‌شود، مورد بررسی قرار گرفته است. در گزارش منتشره توسط این مجمع در سال ۲۰۱۸، امتیاز زیرساخت‌های ایران ۶۵/۴ از ۱۰۰ بوده که رتبه ۱۷۶ام را در بین کشورهای دنیا داراست. رتبه ایران در شاخص یکپارچگی شبکه جاده‌ای<sup>۱</sup> ۳۹ام، شاخص کیفیت جاده‌ها<sup>۲</sup>

1. Road Connectivity Index  
2. Quality of Roads

۱۷۱ ام، تراکم ریلی<sup>۱</sup> ۷۰ ام، کارایی خدمات ریلی<sup>۲</sup> ۵۱ ام، یکپارچگی فرودگاهی<sup>۳</sup> ۴۹ ام، کارایی خدمات حمل‌ونقل هوایی<sup>۴</sup> ۱۲۱ ام، یکپارچگی خطوط دریایی<sup>۵</sup> ۴۲ ام و کارایی خدمات بنادر<sup>۶</sup> ۷۵ ام بیان شده است. مقادیر این شاخص‌ها و رتبه ایران در جدول ۳ ارائه شده است. قابل توجه است که رتبه ایران در شاخص‌های مربوط به کارایی زیربخش‌های هوایی و دریایی از رتبه مربوط به توسعه زیرساخت‌های این دو بخش پایین‌تر بوده است. در واقع می‌توان گفت کارایی در این زیر بخش‌ها از شرایط به‌مراتب پایین‌تری در بین کشورهای دنیا برخوردار هستند. مقایسه ایران با کشورهای ترکیه، امارات، فرانسه و آلمان در این شاخص‌ها حاکی از آن است که ایران نسبت به این کشورها در تمامی شاخص‌ها وضعیت پایین‌تری دارد.

جدول ۳: مقادیر شاخص‌های مرتبط با زیرساخت‌های حمل‌ونقل در کشورهای منتخب سال ۲۰۱۸

کشور	ایران	ترکیه	فرانسه	امارات	آلمان
یکپارچگی شبکه جاده‌ای	رتبه	۳۹	۲۷	۹	۳۲
	امتیاز	۷۷,۲	۸۰,۹	۹۳,۴	۷۹,۵
کیفیت جاده‌ها	رتبه	۷۱	۳۳	۷	۹
	امتیاز	۴۸,۵	۶۵,۴	۸۲,۷	۸۱,۵
تراکم ریلی	رتبه	۷۰	۵۱	۱۵	-
	امتیاز	۱۲,۳	۳۲,۲	۱۰۰	-
کارایی خدمات ریلی	رتبه	۵۱	۶۶	۱۴	۲۴
	امتیاز	۴۶,۶	۳۸	۶۸,۹	۵۹,۳
یکپارچگی خدمات فرودگاهی	رتبه	۴۹	۱۴	۱۳	۱۹
	امتیاز	۵۹	۹۴,۹	۹۵,۸	۸۹,۲
کارایی خدمات حمل‌ونقل هوایی	رتبه	۱۲۱	۳۵	۲۲	۷
	امتیاز	۳۷,۸	۷۱	۷۵	۸۲
یکپارچگی خطوط دریایی	رتبه	۴۲	۲۲	۱۳	۱۲
	امتیاز	۴۰,۸	۵۷,۲	۷۲,۲	۷۳,۷
کارایی خدمات بنادر	رتبه	۷۵	۵۰	۲۵	۱۳
	امتیاز	۴۸,۱	۵۸,۴	۶۶,۳	۷۳,۸

مأخذ: مجمع جهانی اقتصاد

1. Railroad Density
2. Efficiency of Train Services
3. Airport Connectivity
4. Efficiency of Air Transport Services
5. Liner Shipping Connectivity Index
6. Efficiency of Seaport Services

## وضعیت لجستیکي بخش حمل و نقل و انبارداری

شاخص عملکرد لجستیک<sup>۱</sup> یکی دیگر از شاخص‌های بین‌المللی است که توسط بانک جهانی تعریف و برای تعیین و مقایسه وضعیت عملکرد لجستیکي کشورها مورد استفاده قرار می‌گیرد. این شاخص تمایز کشورها را از لحاظ عملکرد لجستیک نشان می‌دهد و به شناخت فرصت‌ها و تهدیدهای فرایند لجستیکي کشور و بررسی وضعیت زنجیره تأمین آن کمک می‌کند. شاخص عملکرد لجستیک در بازه صفر (۰) تا پنج (۵) ارزیابی می‌شود و در آن صفر (۰) بدترین وضعیت و پنج (۵) بهترین وضعیت را نمایانگر است. بر اساس شاخص تجمیع شده عملکرد لجستیک<sup>۲</sup> منتشره توسط بانک جهانی - که با تجمیع مقادیر شاخص‌های ۲۰۱۲ تا ۲۰۱۸ محاسبه شده است - ایران امتیاز ۲/۷۱ از شاخص عملکرد لجستیک دارا بوده که رتبه جهانی ۸۱ام است (جدول ۴). در صورتی که مقایسه وضعیت کشورهای ترکیه، فرانسه، آلمان و امارات در این شاخص با ایران، مؤید این مطلب است که زیرساخت‌های حمل و نقل همه این کشورها در وضعیت به مراتب بهتری نسبت به ایران قرار دارد.

جدول ۴: مقادیر تجمیع شده شاخص عملکرد لجستیک در کشورهای منتخب

امتیاز							رتبه	کشور
تحویل به موقع	ردیابی بار ارسالی	کیفیت خدمات لجستیکي	سهولت در ارسال بارهای بین‌المللی	کیفیت زیرساخته <sup>۱</sup>	کارایی فرایند ترخیص کالا	شاخص عملکرد لجستیک		
۳,۰۷	۲,۶۳	۲,۷۶	۲,۶۸	۲,۶۷	۲,۴۶	۲,۷۱	۸۱	ایران
۳,۶۸	۳,۳۷	۳,۲۳	۳,۱۹	۳,۳۶	۲,۹۴	۳,۲۹	۳۷	ترکیه
۴,۱۷	۳,۹۹	۳,۸۲	۳,۶	۴	۳,۶۳	۳,۸۶	۱۵	فرانسه
۴,۲۳	۳,۸۹	۳,۸۳	۳,۷۶	۳,۹۸	۳,۶۶	۳,۸۹	۱۴	امارات
۴,۴	۴,۲۲	۴,۲۶	۳,۸۳	۴,۳۸	۴,۰۹	۴,۱۹	۱	آلمان

مأخذ: بانک جهانی

## وضعیت حمل و نقل ترانزیتی در ایران

ترانزیت به معنای عبور کالا از محدوده مرزهای جغرافیایی کشور ثالث (به جز کشور مبدأ و مقصد) است. کشورهایی که از موقعیت جغرافیایی مطلوبی برخوردارند از این موضوع برای ایجاد درآمد پایدار بهره می‌برند. یکی از مزیت‌های ترانزیت استفاده اقتصادی‌تر از زیرساخت‌های حمل و نقلی موجود است. در سال ۱۳۹۶ (سالی که تحریم‌های آمریکا علیه ایران اعمال نشده بود)، ۱۰,۸۶ میلیون تن بار ترانزیتی در کشور جابه‌جا شده که با اعمال تحریم‌ها در سال‌های بعدی کاهش یافته است. در سال ۱۳۹۶، ۹,۲۸ میلیون تن بار ترانزیتی توسط حمل و نقل جاده‌ای و ۱,۵۸ میلیون تن بار ترانزیتی توسط حمل و نقل ریلی در کشور جابه‌جا شده است. بار ترانزیتی ۲,۴ درصد از کل تناژ بار جاده‌ای و ۳,۴ درصد از کل تناژ بار ریلی را به خود اختصاص داده است. درآمد حاصل از بار ترانزیتی در سال ۱۳۹۶ به قیمت‌های

1. Logistics Performance Index; LPI

2. Aggregated LPI

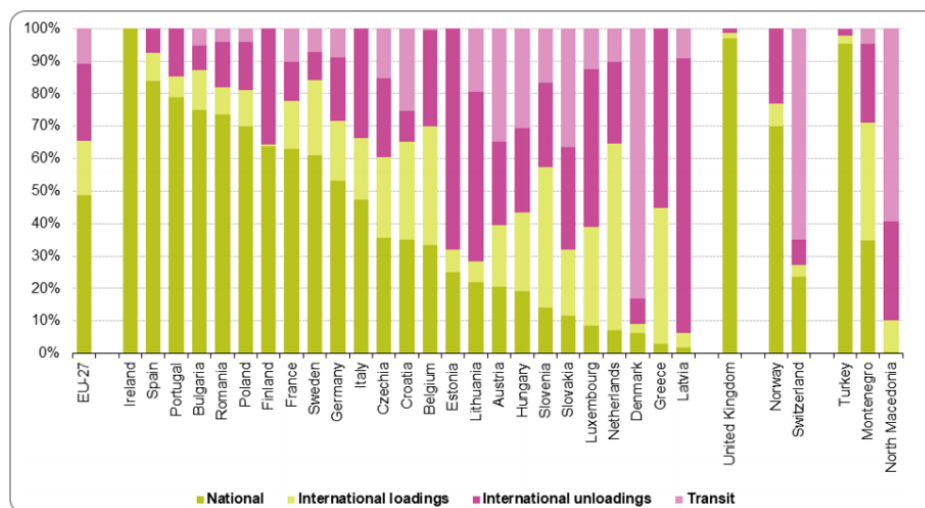
همان سال برای شرکت راه‌آهن ج.ا. ۱۵,۷۷۴ میلیارد ریال و برای سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای ۱۷,۸۱۰ میلیارد ریال بوده که به ترتیب ۴,۴ و ۶,۴ درصد از درآمد عملیاتی این شرکت‌ها را شامل می‌شود. در جدول ۵ وضعیت عملکرد بار ترانزیتی در نهادهای دولتی مربوطه در سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۸ ارائه شده است.

جدول ۵: وضعیت عملکرد بار ترانزیتی در نهادهای دولتی مربوطه

شرکت راه‌آهن ج.ا. ایران			سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای			نام سازمان مربوطه
سال	۱۳۹۶	۱۳۹۷	۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۸	سال
بار ترانزیتی (میلیون تن)	۹,۲۸	۹,۰۸	۶,۸	۹,۰۸	۶,۸	بار ترانزیتی (میلیون تن)
کل بار جابجا شده (میلیون تن)	۳۸۸	۴۲۸	۴۴۲	۴۲۸	۴۴۲	کل بار جابجا شده (میلیون تن)
سهم بار ترانزیتی از کل بار	۲,۴٪	۲,۱٪	۱,۵٪	۲,۱٪	۱,۵٪	سهم بار ترانزیتی از کل بار
درآمد از حمل کالای ترانزیتی (میلیارد ریال)	۱,۱۷۹	۱,۱۸۶	۹۱۶	۱,۱۸۶	۹۱۶	درآمد از حمل کالای ترانزیتی (میلیارد ریال)
کل درآمد عملیاتی (میلیارد ریال)	۱۷,۸۱۰	۲۱,۸۰۷	۳۱,۷۵۰	۲۱,۸۰۷	۳۱,۷۵۰	کل درآمد عملیاتی (میلیارد ریال)
سهم درآمد ترانزیتی از کل	۶,۶٪	۵,۴٪	۲,۹٪	۵,۴٪	۲,۹٪	سهم درآمد ترانزیتی از کل

مأخذ: سالنامه‌های آماری مربوطه و صورت مالی حسابرسی شده شرکت‌ها

بررسی عملکرد جابه‌جایی بار ریلی کشورهای اروپایی در سال ۲۰۱۸ نشان می‌دهد که بار ترانزیتی در ۲۷ کشور اروپایی به‌طور متوسط سهم حدود ۱۰ درصدی از کل بار جابه‌جا شده در سیستم ریلی آن‌ها دارد (نمودار ۷ نمودار ۷). شایان توجه است از آنجاکه شبکه ریلی ترکیه به شبکه ریلی اروپا هنوز متصل نشده است، عملکرد ترانزیتی سیستم ریلی این کشور برابر صفر بوده است.



نمودار ۷: انواع بار در حمل‌ونقل ریلی کشورهای اروپایی (سهم بر اساس تن-کیلومتر) در سال ۲۰۱۸

Source: Dataset Eurostat

موضوع ترانزیت منحصر به حمل بار جاده‌ای و ریلی در کشور نیست و حوزه حمل‌ونقل هوایی نیز پروازهای عبوری از آسمان کشور نیز در این دسته قرار می‌گیرد. در سال ۱۳۹۶، ۴۲۶ هزار پرواز از آسمان کشور عبور نموده در حالی که کل پروازهای کشور در همان سال برابر با ۲۹۵ هزار پرواز بوده است. شایان توجه است که در سال ۱۳۹۶، ۶۳ درصد از درآمدهای عملیاتی شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران از محل پروازهای عبوری از آسمان کشور

بوده که در این سال بالغ بر ۱۳،۸۸۷ میلیارد ریال بوده است. در جدول ۶ وضعیت عملکرد و درآمدی پروازهای عبوری از آسمان کشور بین سال‌های ۱۳۹۶-۱۳۹۸ ارائه شده است.

جدول ۶: وضعیت عملکرد و درآمدی پروازهای عبوری از آسمان کشور

سال			
۱۳۹۸	۱۳۹۷	۱۳۹۶	تعداد پروازهای عبوری از فضای کشور (هزار پرواز)
۲۹۸	۳۶۹	۴۲۶	کل پروازهای انجام شده در کشور (هزار پرواز)
۱۹۱	۲۵۰	۲۹۵	درآمد حاصل از پروازهای عبوری (میلیارد ریال)
۲۷،۷۹۸	۲۳،۳۷۸	۱۳،۸۸۷	کل درآمد عملیاتی شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران (میلیارد ریال)
۴۰،۷۰۶	۳۴،۸۵۰	۲۱،۹۷۳	سهم درآمد حاصل از پروازهای عبوری از کل
%۶۸	%۶۷	%۶۳	

مأخذ: سالنامه‌های آماری مربوطه و صورت مالی حسابرسی شده شرکت فرودگاه‌ها و ناوبری هوایی ایران

نهادهای حاکمیتی مدیریت حمل و نقل در کشور در سه حوزه حمل و نقل ریلی، جاده‌ای و هوایی به صورت زیانده مدیریت شده و با مشکل تأمین هزینه‌های خود روبه‌رو هستند. شرکت راه آهن و سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای در صورت مالی حسابرسی شده سال ۱۳۹۸ خودشان، به ترتیب ۴،۴۴۹ میلیارد ریال، ۱۵،۱۳۵ میلیارد ریال و ۷،۲۵۱ میلیارد ریال زیان شناسایی کرده‌اند (جدول ۷). توسعه ترانزیت، نقش مؤثری در ارتقای عملکرد شرکت‌های دولتی خواهد داشت.

جدول ۷: درآمد- هزینه شرکت‌های حمل و نقلی

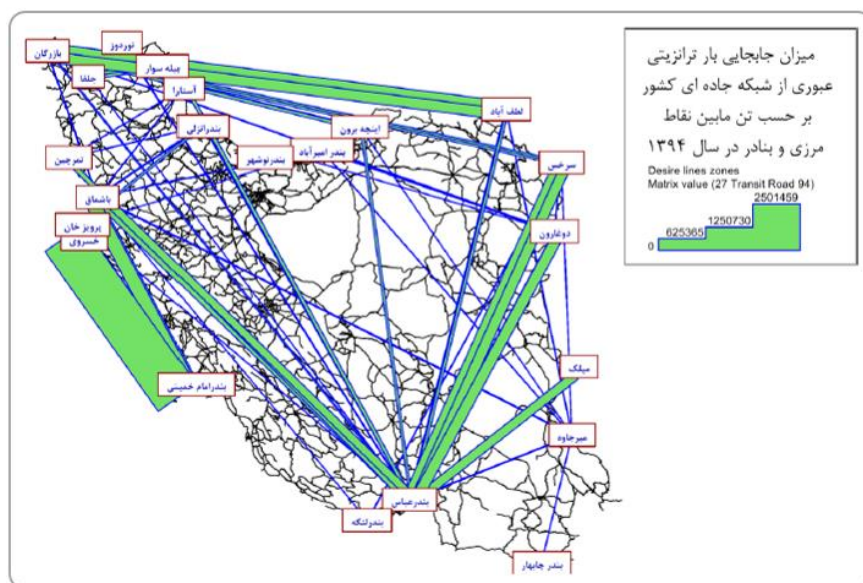
نام شرکت	شرکت راه آهن ج.ا.ایران	سازمان هواپیمایی کشوری	سازمان راهداری و حمل و نقل جاده‌ای
عملکرد ۱۳۹۸	درآمد	۳۵،۱۸۲،۶۵۱	۳۱،۹۳۳،۷۹۴
	هزینه	۳۹،۶۳۲،۵۰۳	۳۹،۱۸۴،۶۵۵
	سود/زیان	-۴،۴۴۹،۸۵۲	-۱۵،۱۳۴،۷۲۰
			-۷،۲۵۰،۸۶۱

مأخذ: گزارش شماره ۲۰۸، مرکز پژوهش‌های توسعه و آینده‌نگری

عملکرد نهادهای دولتی مدیریت حمل و نقل در شیوه‌های ریلی، هوایی و جاده‌ای با وجود دریافت کمک‌های مالی بسیار زیاد از منابع عمومی دولت، هر ساله به صورت زیانده بوده و ایجاد منابع درآمدی پایدار از طریق اتخاذ سیاست‌های مدیریتی در حوزه ترانزیت بار می‌تواند نقش بسزایی در بهبود عملکرد این نهادها و سیستم حمل و نقل کشور ایفا نماید. به عنوان مثال، با الگوگیری از کشورهای اروپایی در تحقق سهم بار ترانزیت ریلی به ۱۰ درصد کل بار ریلی کشور، نقش بسیار مؤثری بر عملکرد سیستم ریلی و مدیریت آن توسط شرکت راه آهن ج.ا.ایران خواهد داشت. شایان ذکر است درآمد بالقوه ترانزیت ریلی از مبادلات تجاری کشورهای شرق آسیا با کشورهای اروپایی از طریق کریدور شرق-غرب در حدود یک میلیارد و هشتصد میلیون دلار و درآمد بالقوه از طریق کریدور شمال-جنوب در حدود نود میلیون دلار در سال برآورده شده است.<sup>۱</sup>

۱. تحلیل پتانسیل‌های صنعت ترانزیت ریلی بار از جمهوری اسلامی ایران، عبدالله سپاهی.

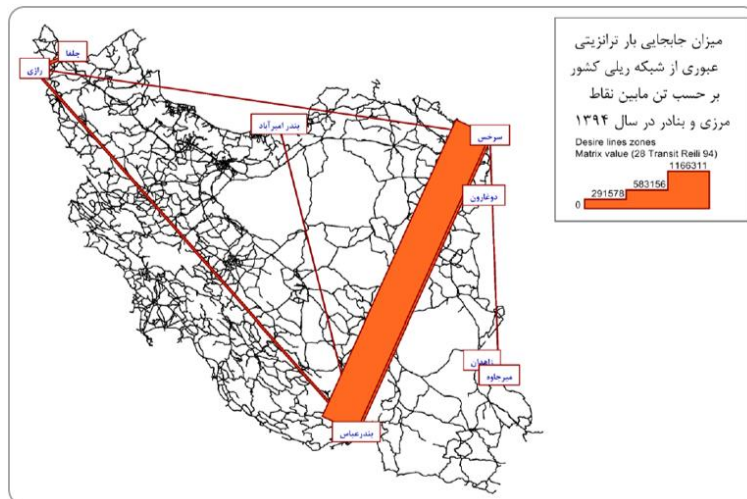
بر اساس گزارش‌های اولیه طرح جامع حمل‌ونقل و ترافیک که توسط وزارت راه و شهرسازی تهیه شده است، خطوط تمایل تقاضای باری ترانزیتی در شبکه ریلی و جاده‌ای در سال ۱۳۹۴ به صورت شکل ۱ و شکل ۲ است (این خطوط تعامل بر اساس اطلاعات مبدأ-مقصد سال ۱۳۹۴ ترسیم شده است). همان‌طور که در شکل‌ها مشاهده می‌شود در حوزه ریلی بخش عمده بار ترانزیتی کشور از کریدور سرخس- بندرعباس عبور می‌کند. در حوزه جاده‌ای نیز عمده بار ترانزیتی کشور از عراق به بندر امام جریان دارد، هرچند مسیرهای بندرعباس- سرخس و دوغارون و بازرگان- لطف‌آباد نیز دارای سهم قابل توجهی هستند.



نمودار ۸: خطوط تمایل تقاضای باری ترانزیتی در شبکه جاده‌ای کشور  
 مأخذ: طرح جامع حمل‌ونقل کشور، وزارت راه و شهرسازی

بر اساس آمار ارائه‌شده توسط سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای، در سال ۱۳۹۵ حدود ۲۰ درصد از ترانزیت کشور بین بنادر جنوبی کشور (چابهار، باهنر، رجبی) و مرزهای شمال شرقی (دوغارون، سرخس، لطف‌آباد، اینچه‌برون و باجگیران) جریان داشته است. در سال ۱۳۹۵ کل ترانزیت کشور از طریق شبکه جاده‌ای ۷,۸ میلیون تن بوده است که ۱,۶ میلیون تن از این حجم از طریق مبادی-مقاصد فوق‌الذکر جابجا شده که ۱,۳ میلیون تن آن از مبدأ کشور امارات به مقصد افغانستان از طریق بندر شهید رجایی بوده است.

بر اساس آمار ارائه‌شده توسط سازمان راهداری و حمل‌ونقل جاده‌ای، کالاهای ترانزیتی که از مبدأ ترکیه به مقصد ترکمنستان از ایران عبور کرده‌اند با ۰,۶ میلیون تن، بیشترین حجم را در کریدور غربی- شرقی دارا بوده‌اند. کریدور ترانزیتی غربی- شرقی کشور حدود ۲۰ درصد از ترانزیت کشور را به خود اختصاص داده است.

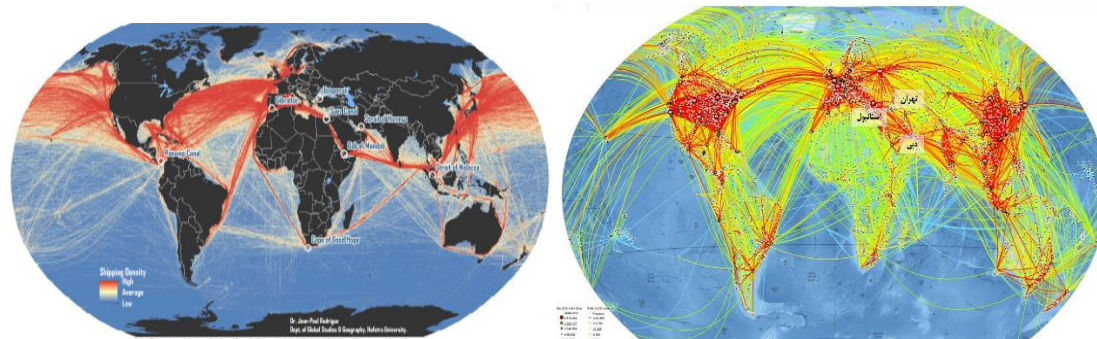


نمودار ۹: خطوط تمایل تقاضای باری ترانزیتی در شبکه ریلی کشور  
 مأخذ: طرح جامع حمل و نقل کشور، وزارت راه و شهرسازی

## ۲- پتانسیل‌ها و چالش‌های بخش حمل و نقل و انبارداری

موقعیت جغرافیایی ایران و نحوه تبادلات تجاری میان کشورها به نحوی است که ایران در این خصوص از مزیت ویژه‌ای برخوردار است. قرارگیری در مسیر هوایی پر متقاضی در دنیا و موقعیت استراتژیک اتصال شرق به جنوب اروپا و دسترسی به آب‌های آزاد از مهم‌ترین پتانسیل‌های حمل و نقل کشور به شمار می‌رود. یکی از شواهد بر این موضوع، عملکرد فرودگاه‌های دبی، استانبول و بندر جبل علی امارات و کریدورهای حمل و نقل بین‌المللی در منطقه است.

در حمل و نقل هوایی ایران، آسمان ایران در زمره کوتاه‌ترین مسیر برای هواپیماهایی است که بین اروپا، هند، جنوب شرقی آسیا و استرالیا جابه‌جا می‌شوند. در شکل ۳ جریان ترافیک هوایی جهان در سال ۲۰۱۹ توسط سازمان بین‌المللی هوایی ایکائو نشان داده شده است. مسیر هوایی که ایران در آن واقع شده از شدت تقاضای قابل توجهی برخوردار است. ترانزیت هوایی مقرون به صرفه‌ترین نوع ترانزیت به شمار می‌رود، چراکه نیازی به احداث هیچ‌گونه زیرساختی ندارد.

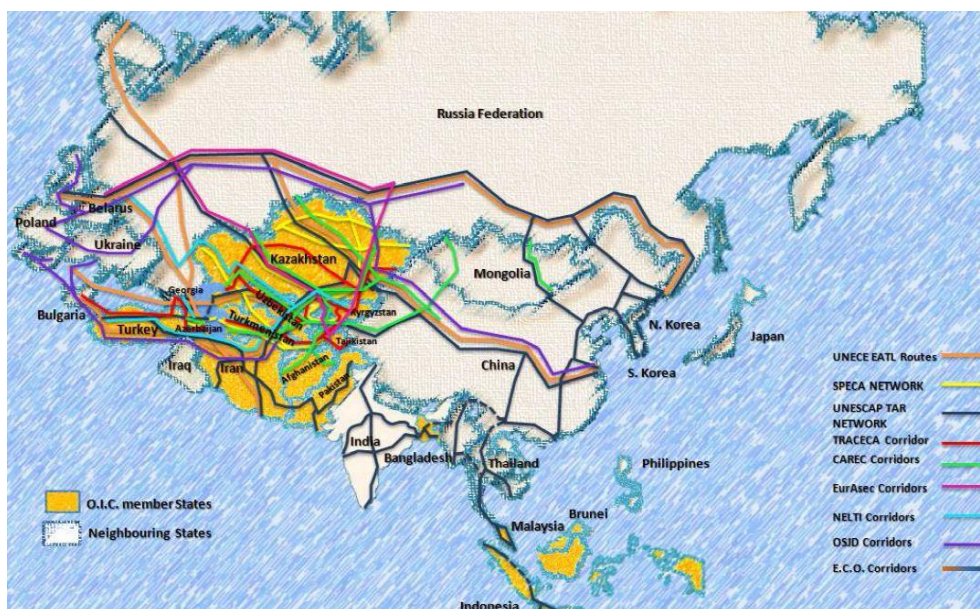


نمودار ۱۰: موقعیت ایران در جریان ترافیک هوایی و دریایی منطقه  
 Source: gis.icao.int; transportgeography.org



در اغلب کریدورهای بین‌المللی حمل‌ونقل ریلی و جاده‌ای، ایران جایگاه و نقش غیر قابل انکاری دارد که به دلیل موقعیت ویژه جغرافیایی آن است. هرچند مشکلات سیاسی، امنیتی و اقتصادی بر همسایگان شرقی و غربی ایران از مهم‌ترین مشکلات ایران جهت دسترسی به شبکه‌های بین‌المللی به شمار می‌رود. از سوی دیگر، سرمایه‌گذاری کشورهای همسایه در توسعه شبکه‌های حمل‌ونقلی می‌تواند مزیت‌های رقابتی برای کریدورهای منطقه ایجاد کند. با وجود این، نقش‌آفرینی ایران برنامه‌های سرمایه‌گذاری و استراتژیک منطقه نظیر طرح یک راه یک کمربند<sup>۱</sup> و برنامه کارک<sup>۲</sup> مؤید اهمیت ایران در کریدورهای بین‌المللی حمل‌ونقل ریلی و جاده‌ای است که می‌تواند منابع درآمدی پایداری را برای کشور فراهم کند.

کشور ایران به دلیل دسترسی به آب‌های آزاد و استقرار یافتن در مسیر گذر کریدورهای حمل‌ونقل بین‌المللی، دارای ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های منحصربه‌فرد است. چنانچه ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های مزبور به‌خوبی شناسایی و تقویت گردند، منافع فراوانی از محل ترانزیت عاید کشور خواهد شد. از یک‌سو، موقعیت ژئوپلیتیک ظرفیت بالقوه بیش از سی (۳۰) میلیون تن کالای ترانزیت از کریدورهای شمال- جنوب و از غرب- شرق برای کشور فراهم کرده است؛ از سوی دیگر، داشتن مرز مشترک- آبی و زمینی- با پانزده (۱۵) کشور امکان حمل‌ونقل چندوجهی را برای کشور فراهم نموده است. مضاف بر این موضوع، کشور ایران به دلیل موقعیت جغرافیایی ویژه‌اش از مطلوبیت بسیار بالایی برای کریدورهای هوایی برخوردار است و این موضوع می‌تواند درآمد قابل توجهی را برای کشور ایجاد کند. در کریدورهای بین‌المللی منطقه به نمایش گذارده شده است.



نمودار ۱۱: موقعیت ایران در کریدورهای بین‌المللی تجاری منطقه

Source: A Study of International Corridors in OIC Members, PGlobal, IDB, 2011

1. One Road One Belt, OBOR
2. Central Asia Regional Economic Cooperation, CAREC



مهم‌ترین مسیرهای زمینی ترانزیتی کشور به شرح زیر است:

#### مسیرهای ترانزیتی شمال - جنوب

نظر به اینکه ایران از سمت جنوب به آب‌های آزاد دسترسی داشته و کشورهای محصور در خشکی (آسیای میانه) و همسایه‌های شمالی ایران به‌منظور ارتباط با کشورهای جنوب شرقی و جنوب غربی آسیا به دلیل کوتاه شدن فاصله از طریق عبور کالا به‌صورت ترانزیتی از ایران و استفاده از حمل‌ونقل چندوجهی همواره متقاضی استفاده از کریدور ترانزیتی شمال - جنوب ایران بوده‌اند. لازم به ذکر است بر اساس ادعای وزارت راه و شهرسازی ایران، کریدور شمال - جنوب در مقایسه با مسیر سنتی کانال سوئز نزدیک به بیست و پنج (۲۵) هزینه حمل‌ونقل و سی (۳۰) درصد زمان صرفه‌جویی خواهد شد. مهم‌ترین کریدورهای مزبور عبارت‌اند از: کریدور بندرعباس - آلماتی (مصوب سازمان اکو) و کریدور شمال - جنوب (هند - روسیه و اروپای شمالی).

#### مسیرهای ترانزیتی شرق - غرب

از دیرباز کشورهای جهان به‌منظور ارتباط با یکدیگر مبادرت به صادرات کالا و خدمات می‌کردند که یکی از مسیرهای مشهور، ارتباط دنیای شرق به غرب جاده ابریشم بوده که از کشور ایران نیز عبور کرده است. در دنیای امروز که حجم مبادلات و ارتباطات کشورهای جهان افزایش چشمگیر داشته است، اهمیت مسیرهای ارتباطی بیش‌ازپیش مورد توجه قرار گرفته است؛ به بیان دیگر، مسیری که فاصله کوتاه‌تری را با بازار هدف داشته و از منظر اقتصادی توجیه‌پذیر باشد. از این‌رو ایران به دلیل موقعیت سوق‌الجیشی همواره یکی از مسیرهای عبور کانال ارتباطی میان شرق و غرب بوده است.

یکی از مسیرهایی که از ایران می‌گذرد کریدور جنوبی پروژه آلتید است که اسکاپ (کمیسیون اقتصادی و اجتماعی آسیا و اقیانوسیه) آن را پیشنهاد داد که از سرخس وارده ایران شده و از طریق ترکیه به اروپا متصل خواهد شد. از جمله کریدورهای دیگری که با عبور از ایران شرق را به غرب وصل می‌کنند عبارت‌اند از:

- کریدور آلماتی - استانبول (مصوب سازمان اکو) کشورهای مسیر: قزاقستان، ازبکستان، ترکمنستان، ایران و ترکیه.
- کریدور اسلام‌آباد - تهران - استانبول (مصوب سازمان اکو) کشورهای مسیر: پاکستان، ایران و ترکیه.
- کریدور چین، قرقیزستان، تاجیکستان، افغانستان، ایران، ترکیه و ... (طرح یک کمربند یک راه).

#### مسیر ترانزیتی بندر امام خمینی شلمچه عراق

در این مسیر به دلیل مشکلات موجود در بنادر عراق، کالاهای مورد نیاز آن کشور پس از تخلیه در بنادر ایران (بنادر امام خمینی و خرمشهر) از طریق مرز شلمچه به مقصد عراق ترانزیت می‌شود. علاوه بر مرز شلمچه، مرز خسروی نیز از قابلیت‌های لازم برای ترانزیت کالاهای مورد نیاز کشور عراق (که در بندر امام خمینی و حتی بندرعباس تخلیه شده) برخوردار است.

مسیر ترانزیتی محور شرق؛ بندر چابهار - میلک - فراه - قندهار - کابل - کندوز - ترمذ (ازبکستان) - آسیای میانه

این مسیر از پتانسیل و قابلیت بالایی برای ترانزیت کالاهای مورد نیاز افغانستان برخوردار بوده و علاوه بر کشور افغانستان می‌تواند نیازهای ترانزیتی کشورهای آسیای میانه را نیز از طریق مسیر چابهار - میلک افغانستان یا چابهار - سرخس - ترکمنستان برآورده سازد.

کریدورهای ترانزیتی کشور از لحاظ اقتصادی، سیاسی و امنیتی حائز اهمیت است و این موضوع سبب شده است که در اسناد توسعه‌ای کشور، توجه ویژه‌ای به ظرفیت‌ها و پتانسیل ترانزیت کشور صورت پذیرد. به‌طور خلاصه می‌توان پتانسیل‌ها و چالش‌های بخش حمل‌ونقل کشور را به شرح جدول ۸ بیان کرد.

جدول ۸: پتانسیل‌ها و چالش‌های بخش حمل‌ونقل کشور

چالش‌های پیش روی بخش حمل‌ونقل	ظرفیت‌ها و پتانسیل‌های بخش حمل‌ونقل
<ul style="list-style-type: none"> <li>- توسعه نامتوازن بخش حمل‌ونقل؛</li> <li>- پایین بودن بهره‌وری عوامل تولید بخش حمل‌ونقل؛</li> <li>- فرسودگی ناوگان حمل‌ونقل و عقب‌افتادگی فناوری؛</li> <li>- قیمت‌گذاری نامناسب انرژی؛</li> <li>- پایین بودن استقبال بخش خصوصی در تأمین مالی پروژه‌های حمل‌ونقلی؛</li> <li>- قیمت‌گذاری نامناسب خدمات حمل‌ونقلی؛</li> <li>- فعالیت گسترده کریدورهای شرق - غرب رقیب مسیر ایران؛</li> <li>- توسعه بندر گوادر (سرمایه‌گذاری ۴۶ میلیارد دلار دولت پاکستان)؛</li> <li>- پروژه خط لوله تاپی (TAPI)؛</li> <li>- عدم تعهد و تضمین راه‌آهن‌ها به بازگرداندن کانتینرهای ترانزیتی خالی؛</li> <li>- باز کردن غیرقانونی کانتینرها و عدم توجه به مندرجات بارنامه و مشکلات گمرکی؛</li> <li>- عدم تکمیل خطوط ریلی کریدورهای ترانزیتی (قزوین - رشت - آستارا، شلمچه - بصره، شمتیغ - هرات، مرز ریلی جدید با ترکیه، چابهار - زاهدان)، گسستگی و به‌روز نبودن استانداردهای ناوگان ریلی؛</li> <li>- هزینه بالای تخلیه در بنادر متصل به شبکه ریل؛</li> <li>- چالش‌های پیش روی لجستیک ایران؛</li> <li>- تحریم‌های بین‌المللی.</li> </ul>	<ul style="list-style-type: none"> <li>- کوتاه‌ترین مسیر دسترسی کشورهای آسیای میانه (محصور در خشکی) به آب‌های آزاد بین‌المللی</li> <li>- برخوردار بودن از مرزهای متعدد ریلی با کشورهای هم‌جوار (سرخس، اینچه‌برون، لطف‌آباد، رازی، میر جاوه، شلمچه و بهزودی مرزهای آستارا)</li> <li>- قرار گرفتن در مسیر کریدورهای مهم ترانزیت بین‌المللی از جمله کریدور شمال - جنوب و کریدورهای متعدد شرقی - غربی</li> <li>- اتصال بنادر فعال در جنوب و شمال کشور به حمل‌ونقل ریلی و فراهم بودن شرایط حمل‌ونقل ترکیبی</li> <li>- اتصال به شبکه‌های ریلی منطقه و پل ارتباطی بین بازارهای بزرگ تولید و مصرف ( هند، روسیه، چین، آسیای میانه، قفقاز، خاورمیانه، اروپا)</li> <li>- موقعیت سواپ (SWAP) در محور کشورهای شمال به جنوب کشور</li> <li>- بخش کلیدی سرمایه‌گذاری کشور (افزایش ارزش‌افزوده و اشتغال‌زایی)</li> <li>- امکان جذب سرمایه‌گذاری خارجی در بنادر چابهار، بندرعباس و امام خمینی و شهر تهران به‌عنوان شهر لجستیک</li> </ul>

مأخذ: یافته‌های پژوهش

### ۳- روش تحقیق و پایه‌های آماری

همان‌طور که پیش‌تر از نظر گذشت این مقاله در پی سنجش اهمیت بخش حمل‌ونقل در اقتصاد ایران است. به بیان دیگر، علاوه بر بررسی الزامات - یا میزان افزایش تقاضای نهایی بخش حمل‌ونقل برای - تحقق رشد پیش‌بینی شده برای این بخش در برنامه ششم توسعه، در سه سناریو اثرات افزایش تقاضای نهایی بخش مزبور در اقتصاد ایران را مورد مذاقه قرار خواهد داد. از این‌رو، با استفاده از مدل لارنس کلاین (۱۹۸۳) و الگوی افراز زایتسف (۲۰۰۰)، تأثیرات تغییرات تقاضای نهایی بخش حمل‌ونقل بر ارزش‌افزوده سایر بخش‌های اقتصادی و همچنین، به تفکیک اجزای آن بررسی و در ادامه روش‌شناسی یادشده، ارائه گردیده است.

### بررسی ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی بر اثر تغییرات تقاضای نهایی

در این مطالعه به منظور سنجش اثرات ارتباط میان ارزش افزوده فعالیت‌های اقتصادی و تقاضای نهایی، از روش کلاین (۱۹۸۳) استفاده شده است. این روش، عناصر تقاضای نهایی را به ارزش افزوده بخش‌ها مرتبط می‌کند. به عنوان مثال، می‌توان اثربخشی سرمایه‌گذاری در فعالیت‌های اقتصادی را بر ارزش افزوده استخراج کرد و در سیاست‌گذاری تخصیص منابع بین بخشی استفاده نمود. به بیان دیگر، تغییرات ارزش افزوده ناشی از تقاضای نهایی بر اساس این روش قابل احصاء است.

در هر اقتصادی تولید (ستانده) از دو گروه تقاضای واسطه و تقاضای نهایی تشکیل شده است:

$$X_i = \sum_{j=1}^n X_{ij} + F_i$$

$$a_{ij} = \frac{X_{ij}}{X_j}$$

$$X_i = \sum_{j=1}^n a_{ij} X_j + F_i \quad i = 1, 2, 3, \dots, n$$

این سیستم معادله خطی ارزش ستانده است و می‌توان ماتریس تقاضای نهایی ( $F$ ) را به صورت زیر نوشت:

$$X = (I - A)^{-1} F$$

I: ماتریس واحد ( $n \times n$ )

X: بردار ستونی ( $n \times 1$ ) تولید (ستانده) بخش‌های مختلف

F: بردار ستونی ( $n \times 1$ ) تقاضای نهایی به تفکیک بخش

A: ماتریس مربع ( $n \times n$ ) ضرایب مستقیم

n = تعداد بخش‌های اقتصادی

$$X_j = (1/a_{ij}) X_{ij}$$

که این رابطه، ارتباط بین مصارف واسطه و ستانده را بیان می‌کند. همچنین، این رابطه نشان می‌دهد که در دو نهاده واسطه دارای یک نسبت ثابت به دیگری هستند، یعنی؛

$$\frac{X_{ki}}{X_{ij}} = \frac{a_{ki}}{a_{ij}}$$

به عبارتی، رابطه بالا کشش جانشینی صفر را نشان می‌دهد.

برای به دست آوردن ارزش افزوده باید کالاهای واسطه‌ای را که در فرایند تولید استفاده شده است، کسر نموده؛ بنابراین خواهیم داشت:

$$Y_j = X_j - \sum_{i=1}^n X_{ij}$$

با به کار بردن ماتریس ضرایب فنی در رابطه بالا را می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$Y_j = X_j - \sum_{i=1}^n a_{ij} X_{ij} = X_j (1 - \sum_{i=1}^n a_{ij})$$

شکل ماتریسی این عبارت به شرح زیر خواهد بود:

$$X = BY$$

$$B = \begin{bmatrix} \frac{1}{1 - \sum a_{i1}} & 0 & \dots & 0 \\ 0 & \frac{1}{1 - \sum a_{i2}} & \dots & 0 \\ 0 & 0 & \dots & 0 \\ 0 & 0 & \dots & \frac{1}{1 - \sum a_{in}} \end{bmatrix}$$

ماتریس قطری که از عناصر ماتریس **A** به دست می‌آید ارزش افزوده را به تولید ناخالص یا ستانده و یا برعکس تبدیل می‌کند، زیرا مجموع تقاضای نهایی برابر با تولید ناخالص است. همچنین تقاضای نهایی را به صورت زیر می‌توان نوشت:

$$\begin{aligned} F_1 &= F_{1C} + F_{1G} + F_{1I} + F_{1X} - F_{1IM} \\ F_2 &= F_{2C} + F_{2G} + F_{2I} + F_{2X} - F_{2IM} \\ &\dots \\ F_n &= F_{nC} + F_{nG} + F_{nI} + F_{nX} - F_{nIM} \\ \sum F_i &= C + G + I + X - M \end{aligned}$$

با تقسیم هر یک از اقلام بالا بر جمع مربوط به خود خواهیم داشت:

$$\begin{aligned} C_{ic} &= \frac{F_{ic}}{C} \quad i = 1.2.3 \dots n \\ C_{ig} &= \frac{F_{ig}}{G} \quad i = 1.2.3 \dots n \\ C_{ii} &= \frac{F_{ii}}{I} \quad i = 1.2.3 \dots n \\ C_{ix} &= \frac{F_{ix}}{X} \quad i = 1.2.3 \dots n \\ C_{iim} &= \frac{F_{iim}}{IM} \quad i = 1.2.3 \dots n \end{aligned}$$

شکل ماتریسی رابطه بالا را نیز می‌توان به صورت زیر نوشت:

$$\begin{bmatrix} F_1 \\ F_2 \\ \dots \\ F_n \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} C_{1c} & C_{1g} & C_{1i} & C_{1x} & C_{1im} \\ C_{2c} & C_{2g} & C_{2i} & C_{2x} & C_{2im} \\ \dots & \dots & \dots & \dots & \dots \\ C_{nc} & C_{ng} & C_{ni} & C_{nx} & C_{nim} \end{bmatrix} \begin{bmatrix} C \\ G \\ I \\ X \\ -IM \end{bmatrix}$$

$$F = Cg$$

که **g** یک بردار از مؤلفه‌های حساب ملی  $(C, G, I, X, IM)$  است. با جایگزینی به جای  $F$  از رابطه اصلی لئونتیف خواهیم شد:

$$(I - A)BY = Cg$$

$$Y = B^{-1}(I - A)^{-1}Cg$$

$$Y = Hg$$

پرستون (۱۹۷۲) و سایپر (۱۹۷۶) ثابت کردند که جمع ستونی ماتریس  $H$  هنگامی که واردات به صورت منفی در ربع دوم جدول ظاهر می‌شود برابر یک خواهد شد (جهانگرد، ۱۳۹۳). ماتریس  $H$  ماتریس ضرایب تکاثری جامع ارزش‌افزوده بخشی است، بدین صورت که اگر کل تقاضای نهایی عامل  $g$  یک واحد تغییر کند؛ ارزش افزوده بخش  $J$  ام چه میزان تغییر خواهد کرد؛ یعنی:

$$\begin{bmatrix} y_{1t} \\ y_{2t} \\ \dots \\ y_{mt} \end{bmatrix} = \begin{bmatrix} h_{11} & h_{12} & \dots & h_{1m} \\ h_{21} & h_{22} & \dots & h_{2m} \\ \dots & \dots & \dots & \dots \\ h_{n1} & h_{n2} & \dots & h_{nm} \end{bmatrix} \begin{bmatrix} g_{1t} \\ g_{2t} \\ g_{3t} \\ \dots \\ g_{mt} \end{bmatrix}$$

$y_{ij}$  نماد اجزای برداری ارزش‌افزوده بخشی است که آن را به صورت ماتریس  $Y$  نشان داده شد.

### سنجش تغییرات اجزای ارزش‌افزوده

روش دیگری که برای سنجش ارتباط بین مؤلفه‌های ارزش‌افزوده و تقاضای نهایی با الگوی داده-ستانده قابل ارائه است مدل افراز زایتسف بوده که در این روش، ابتدا فعالیت‌های اقتصادی به دو بلوک کالایی و خدماتی افراز می‌شوند. بلوک نخست، بخش تولیدی (کشاورزی، معدن و صنعت) و دومین بلوک، بخش‌های ارائه‌کننده خدمات است. در این الگو ستانده ( $X$ ) و تقاضای نهایی ( $F$ ) هر کدام به دو قسمت تقسیم می‌شوند:

$X_1$ : ستانده کالاها

$X_2$ : ستانده خدمات

$F_1$ : تقاضای نهایی کالاها

$F_2$ : تقاضای نهایی خدمات

ماتریس  $A$  که مصارف واسطه مستقیم است به چهار قسمت تقسیم می‌شود:

$A_{11}$ : ماتریس مستقیم مصارف واسطه کالایی موردنیاز برای تولید کالاها

$A_{21}$ : ماتریس مستقیم مصارف واسطه خدمات موردنیاز برای تولید کالاها

$A_{12}$ : ماتریس مستقیم مصارف واسطه کالایی موردنیاز برای تولید خدمات

$A_{22}$ : ماتریس مستقیم مصارف واسطه خدمات موردنیاز برای تولید خدمات

در صورتی که ماتریس ارزش‌افزوده  $V$  باشد، بنابراین، می‌توان ماتریس ضرایب آن را به ازای هر واحد ستانده آن به شرح ذیل افراز کرد.

$AV_1$ : ماتریس ضرایب ارزش‌افزوده مستقیم تولید

$AV_2$ : ماتریس ضرایب ارزش‌افزوده مستقیم خدمات

در مرحله بعد معکوس لئونتیف به وسیله رابطه‌های زیر محاسبه می‌شود:

$$B_{11} = (I + B_{12}A_{21})(I - A_{11})^{-1}$$

$$B_{12} = (I - A_{11})^{-1}A_{12}B_{22}$$

$$B_{21} = B_{22}A_{21}(I - A_{11})^{-1}$$

$$B_{22} = [(I - A_{22})^{-1} - A_{21}(I - A_{11})^{-1}A_{12}]^{-1}$$

$B_{11}$ : ماتریس ضرایب کل نهاده‌های واسطه کالایی موردنیاز برای تولید کالاها  
 $B_{12}$ : ماتریس ضرایب کل نهاده‌های واسطه کالایی موردنیاز برای تولید خدمات  
 $B_{21}$ : ماتریس ضرایب کل نهاده‌های واسطه خدماتی موردنیاز برای تولید کالاها  
 $B_{22}$ : ماتریس ضرایب کل نهاده‌های واسطه خدماتی موردنیاز برای تولید خدمات  
 بر اساس روابط داده- ستانده، روابط زیر برقرار است:

$$B_{11} \geq (I - A_{11})^{-1} \geq I + A_{11}$$

$$B_{12} \geq A_{12} \text{ and } B_{21} \geq A_{21}$$

$$B_{22} \geq I + A_{22}$$

ماتریس‌های ارزش افزوده به تفکیک بلوک‌بندی‌های ارائه‌شده به شرح ذیل تعریف می‌گردد:

$$BV_1 = AV_1B_{11} + AV_2B_{21}$$

$$BV_2 = AV_1B_{12} + AV_2B_{22}$$

$BV_1$  ماتریس کل ارزش افزوده تولید کالاها و  $BV_2$  ماتریس کل ارزش افزوده خدمات است. ارتباط بین ارزش افزوده و تقاضای نهایی به صورت زیر بیان می‌شود:

$$V = AV_1B_{11}Y_1 + AV_2B_{21}Y_1 + AV_1B_{12}Y_2 + AV_2B_{22}Y_2 = BV_1Y_1 + BV_2Y_2$$

$AV_1B_{11}Y_1$ : ارزش افزوده بخش‌های کالایی ناشی از تقاضای نهایی کالایی

$AV_2B_{21}Y_1$ : ارزش افزوده بخش‌های خدماتی ناشی از تقاضای نهایی کالایی

$AV_1B_{12}Y_2$ : ارزش افزوده بخش‌های کالایی ناشی از تقاضای نهایی خدماتی

$AV_2B_{22}Y_2$ : ارزش افزوده بخش‌های خدماتی ناشی از تقاضای نهایی خدماتی

$BV_1Y_1$ : ارزش افزوده ناشی از تقاضای نهایی کالایی

$BV_2Y_2$ : ارزش افزوده ناشی از تقاضای نهایی خدماتی

از این رو می‌توان بر اساس روابط ارائه‌شده، میزان تأثیرات اجزای تقاضای نهایی بر ارزش افزوده و اجزای آن را بررسی کرد.

## پایه‌های آماری و سناریوهای بررسی شده

همان‌طور که پیش‌تر اشاره شد، این گزارش در پی سنجش الزامات تحقق جهش تولید<sup>۱</sup> بخش حمل‌ونقل و انبارداری<sup>۲</sup> در اقتصاد ایران است. به همین منظور، بر اساس الگوی تعاملی داده-ستانده در سه سناریو به بررسی تغییرات تقاضای این بخش و تأثیر آن بر ارزش افزوده بخشی و کل اقتصاد ایران پرداخته شده است. میزان تغییرات تقاضای نهایی در سناریوهای مفروض بخش حمل‌ونقل و انبارداری به ترتیب، ده (۱۰) و پانزده (۱۵) درصد است. به بیان دیگر، در صورتی که تقاضای نهایی بخش حمل‌ونقل و انبارداری با شوک مثبت ده (۱۰) و پانزده (۱۵) درصدی مواجه شود- با فرض ثابت بودن سایر شرایط- ارزش افزوده خود بخش و سایر بخش‌های اقتصادی کشور چه تغییراتی خواهند داشت. گفتنی است در این گزارش متناسب با سناریوهای فوق‌الشاره تغییرات اجزای ارزش افزوده نیز بررسی شده است. همچنین، نظر به اینکه در برنامه پنج‌ساله ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران، برای بخش حمل‌ونقل و انبارداری متوسط رشد سالانه ارزش افزوده ۸/۳ درصد در نظر گرفته شده است، در این گزارش تلاش شده میزان تغییرات تقاضای نهایی لازم به‌منظور دستیابی به (تحقق) رشد مزبور برآورد گردد. در سناریو سوم، فرض می‌شود، اگر سایر فعالیت‌های<sup>۳</sup> اقتصادی به میزان افزایش (تغییرات) تقاضای نهایی لازم بخش حمل‌ونقل و انبارداری به‌منظور تحقق رشد پیش‌بینی شده این فعالیت در برنامه ششم توسعه، با شوک مثبت مواجه شوند، تغییرات ارزش افزوده بخش حمل‌ونقل و انبارداری چگونه خواهد بود. به همین منظور، از جدول داده-ستانده آماری سال ۱۳۹۵ کشور- متقارن فعالیت در فعالیت- بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران استفاده شده است. در این مطالعه جدول مزبور در ۳۶ بخش<sup>۴</sup> تجمیع شده است.

## ۴- تجزیه و تحلیل نتایج

در قانون برنامه پنج‌ساله ششم توسعه<sup>۵</sup> برای بخش حمل‌ونقل، متوسط رشد سالیانه ارزش افزوده هشت و سه دهم (۸/۳) درصد در نظر گرفته شده است که تحقق این مهم در گرو رشد هجده و نیم (۱۸/۵) درصدی تقاضای نهایی

۱. جهش تولید در این گزارش، منظور تحقق حداقل رشد پیش‌بینی شده برای بخش حمل و نقل و انبارداری در برنامه ششم توسعه است.

۲. بخش حمل‌ونقل در این گزارش، منظور تمامی بخش‌های حمل‌ونقل اعم از هوایی، دریایی، ریلی، جاده‌ای، لوله‌ای و خدمات پشتیبانی و انبارداری است. به بیان دیگر، زمانی که بخش حمل‌ونقل به تنهایی ذکر می‌شود منظور تجمیع کلیه بخش‌های صدرالشاره است.

۳. در این گزارش، «فعالیت» و «بخش» مترادف بوده و به صورت متناوب بکار برده می‌شوند.

۴. لازم به ذکر است در این مطالعه «بخش» و «فعالیت» مترادف هم‌دیگر بوده و به‌طور متناوب مورد استفاده قرار گرفته است. همچنین، سی‌وشش (۳۶) بخش فوق‌الذکر عبارت‌اند از:

«کشاورزی»، «استخراج منابع طبیعی»، «صنایع وابسته به کشاورزی (ساخت محصولات غذایی و انواع آشامیدنی‌ها، ساخت فراورده‌های توتون و تنباکو، ساخت محصولات چرمی، چوبی و کاغذی و انتشار، چاپ و تکثیر رسانه‌های ضبط‌شده)»، «صنایع پوشاک و منسوجات»، «ساخت کُک و فراورده‌های حاصل از پالایش نفت»، «تولید داروها و فراورده‌های دارویی شیمیایی و گیاهی و محصولات شیمیایی»، «ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی»، «ساخت شیشه و محصولات شیشه‌ای»، «فلزات اساسی»، «ساخت، تعمیر و نصب محصولات فلزی فابریکی ساخته‌شده به‌جز ماشین‌آلات و تجهیزات»، «ساخت، تعمیر و نصب محصولات رایانه‌ای، الکترونیکی و نوری»، «ساخت، تعمیر و نصب تجهیزات برقی»، «ساخت وسایل نقلیه موتوری و سایر تجهیزات حمل‌ونقل و قطعات الحاقی آن‌ها»، «سایر صنعتی»، «تولید، توزیع و انتقال برق»، «توزیع گاز طبیعی»، «آب‌رسانی و مدیریت پسماند»، «ساختمان»، «عمده و خرده‌فروشی»، «فروش و تعمیر وسایل نقلیه موتوری»، «حمل‌ونقل زمینی»، «حمل‌ونقل آبی»، «حمل‌ونقل هوایی»، «خدمات پشتیبانی و انبارداری»، «پست و پیک»، «فعالیت‌های مربوط به تأمین جا و غذا»، «اطلاعات و ارتباطات»، «فعالیت‌های مالی و بیمه»، «املاک و مستغلات»، «فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی»، «فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی»، «اداره امور عمومی و خدمات شهری و تأمین اجتماعی»، «آموزش»، «بهداشت»، «هنر، سرگرمی و تفریح» و «سایر خدمات».

۵. برنامه پنج‌ساله ششم توسعه مربوط به دوره ۱۳۹۶-۱۴۰۰ شمسی است.

این بخش است. از این‌رو، ستون آخر جدول ۹ اثرات تغییرات (افزایش) هجده و نیم (۱۸/۵) درصدی تقاضای نهایی بخش حمل‌ونقل بر ارزش افزوده کلیه بخش‌های اقتصادی ایران را نشان می‌دهد. به بیان دیگر، تحقق رشد هشت و سه دهم (۸/۳) درصد ارزش افزوده بخش حمل‌ونقل و انبارداری، مستلزم افزایش بیش از ۱۸ درصدی تقاضای نهایی این بخش است که این میزان تغییر، موجب رشد نود صدم (۰/۹۰) درصدی کل ارزش افزوده اقتصاد ایران را به دنبال خواهد داشت. گفتنی است که سهم سایر بخش‌ها (رشد غیرمستقیم) در ایجاد رشد مزبور که از تغییرات تقاضای نهایی بخش حمل‌ونقل ناشی شده‌اند قریب به سی (۳۰) درصد است؛ به بیان دیگر، هفتاد (۷۰) درصد رشد نود صدم (۰/۹۰) درصدی کل اقتصاد ایران، به‌طور مستقیم توسط بخش حمل‌ونقل ایجاد شده است.<sup>۱</sup>

ستون‌های دوم و سوم جدول ۹، تغییرات ارزش افزوده بخش‌های اقتصادی در سناریوهای مفروض را نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در صورتی که تقاضای نهایی بخش حمل‌ونقل و انبارداری پانزده (۱۵) درصد افزایش یابد، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم موجب رشد حدود هفتادوپنج صدم (۰/۷۵) درصدی کل اقتصاد و قریب به هفت (۷) درصدی خود بخش خواهد شد.

لازم به ذکر است در میان زیر بخش‌های حمل‌ونقلی، فعالیت حمل‌ونقل زمینی بالاترین تأثیر را در افزایش ارزش افزوده کل دارد. ترتیب سایر فعالیت‌ها نیز، «خدمات پشتیبانی و انبارداری»، «حمل‌ونقل آبی» و «حمل‌ونقل هوایی» است.

**جدول ۹:** تغییرات ارزش‌افزوده بخش‌های اقتصادی در اثر تغییرات در تقاضای نهایی بخش حمل‌ونقل / درصد

رشته فعالیت	سناریو اول	سناریو دوم	برنامه ششم توسعه <sup>۲</sup>
کشاورزی	۰,۰۳۲	۰,۰۴۹	۰,۰۶۰
استخراج منابع	۰,۲۰۶	۰,۳۰۹	۰,۳۸۱
صنایع وابسته به کشاورزی	۰,۰۶۲	۰,۰۹۲	۰,۱۱۴
صنایع پوشاک و منسوجات	۰,۱۴۵	۰,۲۱۷	۰,۲۶۸
ساخت کک و فراورده‌های حاصل از پالایش نفت	۱,۵۰۵	۲,۲۵۷	۲,۷۸۵
تولید داروها و فراورده‌های دارویی و شیمیایی و گیاهی	۰,۲۸۹	۰,۴۳۳	۰,۵۳۴
ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۱,۰۱۶	۱,۵۲۴	۱,۸۸۰
ساخت شیشه و محصولات شیشه‌ای	۰,۰۶۳	۰,۰۹۴	۰,۱۱۶
فلزات اساسی	۰,۱۳۲	۰,۱۹۸	۰,۲۴۴
ساخت، تعمیر و نصب محصولات فلزی ساخته شده، به‌جز ماشین‌آلات و تجهیزات	۰,۱۲۰	۰,۱۸۰	۰,۲۲۲
ساخت، تعمیر و نصب محصولات رایانه‌ای، الکترونیکی و نوری	۰,۸۸۲	۱,۳۲۳	۱,۶۳۳

۱. لازم به ذکر است اگر انتظار به تحقق رشد هشت و سه (۸/۳) درصدی بخش حمل‌ونقل به شیوه غیرمستقیم باشد- افزایش تقاضای نهایی سایر بخش‌های اقتصادی و ثابت ماندن تقاضای نهایی بخش حمل‌ونقل و سایر شرایط- این مهم نیز مستلزم افزایش پانزده (۱۵) درصدی تقاضای نهایی سایر بخش‌های اقتصادی به‌جز بخش حمل‌ونقل است.

۲. تغییرات ارزش‌افزوده بخشی و کل اقتصاد ایران در صورت تحقق رشد در نظر گرفته‌شده برای بخش حمل‌ونقل و انبارداری در برنامه ششم توسعه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی جمهوری اسلامی ایران،



رشته فعالیت	سناریو اول	سناریو دوم	برنامه ششم توسعه <sup>۲</sup>
ساخت، تعمیر و نصب تجهیزات برقی	۰,۳۹۵	۰,۵۹۲	۰,۷۳۰
ساخت وسایل نقلیه موتوری و سایر تجهیزات حمل و نقل و قطعات و وسایل الحاقی آنها	۰,۱۳۲	۰,۱۹۷	۰,۲۴۴
سایر صنعتی	۰,۱۹۴	۰,۲۹۱	۰,۳۵۹
تولید، انتقال و توزیع برق	۰,۱۷۰	۰,۲۵۶	۰,۳۱۵
توزیع گاز	۰,۴۳۱	۰,۶۴۷	۰,۷۹۸
آبرسانی، مدیریت پسماند، فاضلاب و فعالیت‌های تصفیه	۰,۱۰۵	۰,۱۵۷	۰,۱۹۴
ساختمان	۰,۰۰۹	۰,۰۱۳	۰,۰۱۶
عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، به‌جز وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت	۰,۱۵۸	۰,۲۳۷	۰,۲۹۳
فروش و تعمیر وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت	۰,۴۹۸	۰,۷۴۷	۰,۹۲۱
حمل و نقل زمینی	۴,۶۷۰	۷,۰۰۵	۸,۶۴۴
حمل و نقل آبی	۳,۵۲۹	۵,۲۹۳	۶,۵۳۱
حمل و نقل هوایی	۵,۳۳۸	۸,۰۰۸	۹,۸۸۱
انبارداری و فعالیت‌های پشتیبانی حمل و نقل	۳,۱۶۹	۴,۷۵۴	۵,۸۶۷
پست و پیک	۰,۶۲۰	۰,۹۳۰	۱,۱۴۸
فعالیت خدماتی مربوط به تأمین جا و غذا	۰,۲۳۰	۰,۳۴۵	۰,۴۲۶
اطلاعات و ارتباطات	۰,۱۰۳	۰,۱۵۵	۰,۱۹۱
فعالیت‌های مالی و بیمه	۰,۴۹۲	۰,۷۳۹	۰,۹۱۲
املاک و مستغلات	۰,۰۲۴	۰,۰۳۷	۰,۰۴۵
فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی	۰,۲۱۱	۰,۳۱۷	۰,۳۹۱
فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی	۰,۷۳۷	۱,۱۰۶	۱,۳۶۵
اداره امور عمومی، خدمات شهری و تأمین اجتماعی	۰,۰۰۴	۰,۰۰۶	۰,۰۰۷
آموزش	۰,۰۱۱	۰,۰۱۶	۰,۰۲۰
بهداشت	۰,۰۱۵	۰,۰۲۳	۰,۰۲۹
هنر، سرگرمی و تفریح	۰,۱۴۵	۰,۲۱۸	۰,۲۶۹
سایر خدمات	۰,۲۲۹	۰,۳۴۴	۰,۴۲۴
بخش حمل و نقل	۴,۴۹	۶,۷۳	۸,۳۰
کل اقتصاد	۰,۴۹	۰,۷۴	۰,۹۰۷

مأخذ: محاسبات پژوهش

همان‌طور که پیش‌تر از نظر گذشت، تحقق رشد پیش‌بینی‌شده در برنامه ششم توسعه بخش حمل و نقل و انبارداری (رشد ۸/۳ درصد) مستلزم افزایش تقاضای نهایی هجده و نیم (۱۸/۵) درصد تقاضایی این بخش با فرض ثبات سایر

شرایط است. در سناریو سوم فرض شده است، اگر تقاضای نهایی سایر فعالیت‌های اقتصادی به همین اندازه افزایش یابد- با فرض ثابت بودن سایر شرایط- ارزش افزوده بخش حمل‌ونقل و انبارداری به چه میزان افزایش خواهد یافت. همان‌طور که در جدول ۱۰ ملاحظه می‌شود افزایش تقاضای بخش‌های «ساختمان»، «کشاورزی»، «اداره امور عمومی، خدمات شهری و تأمین اجتماعی»، «عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، به‌جز وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت»، «صنایع وابسته به کشاورزی» و «استخراج منابع» به ترتیب بالاترین اثر را روی بخش حمل‌ونقل و انبارداری خواهند داشت.

**جدول ۱۰:** تغییرات ارزش افزوده بخش حمل‌ونقل و انبارداری ناشی از افزایش تقاضای نهایی سایر فعالیت‌های اقتصادی/ درصد

رشته فعالیت	رشد بخش حمل‌ونقل و انبارداری
ساختمان	۳,۵۰۲
کشاورزی	۰,۹۹۷
اداره امور عمومی، خدمات شهری و تأمین اجتماعی	۰,۷۹۵
ساخت وسایل نقلیه‌ی موتوری و سایر تجهیزات حمل‌ونقل و قطعات و وسایل الحاقی آن‌ها	۰,۷۶۳
عمده‌فروشی و خرده‌فروشی، به‌جز وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت	۰,۷۴۲
صنایع وابسته به کشاورزی	۰,۷۳۰
استخراج منابع	۰,۵۲۱
آموزش	۰,۲۶۸
ساخت، تعمیر و نصب محصولات فلزی ساخته شده، به‌جز ماشین‌آلات و تجهیزات	۰,۲۵۵
بهداشت	۰,۲۴۴
تولید داروها و فرآورده‌های دارویی و شیمیایی و گیاهی	۰,۲۴۰
املاک و مستغلات	۰,۲۲۰
سایر صنعتی	۰,۱۳۹
سایر خدمات	۰,۱۱۹
فعالیت خدماتی مربوط به تأمین جا و غذا	۰,۱۰۲
ساخت کُک و فرآورده‌های حاصل از پالایش نفت	۰,۰۸۹
صنایع پوشاک و منسوجات	۰,۰۸۸
اطلاعات و ارتباطات	۰,۰۸۱
فلزات اساسی	۰,۰۶۸
ساخت، تعمیر و نصب تجهیزات برقی	۰,۰۶۲
ساخت محصولات لاستیکی و پلاستیکی	۰,۰۵۹
ساخت، تعمیر و نصب محصولات رایانه‌ای، الکترونیکی و نوری	۰,۰۴۴
فعالیت‌های اداری و خدمات پشتیبانی	۰,۰۵۵
ساخت شیشه و محصولات شیشه‌ای	۰,۰۳۱

رشته فعالیت	رشد بخش حمل و نقل و انبارداری
توزیع گاز	۰,۰۳۰
فروش و تعمیر وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت	۰,۰۲۴
تولید، انتقال و توزیع برق	۰,۰۲۴
فعالیت‌های حرفه‌ای، علمی و فنی	۰,۰۲۳
آبرسانی، مدیریت پسماند، فاضلاب و فعالیت‌های تصفیه	۰,۰۱۹
فعالیت‌های مالی و بیمه	۰,۰۱۳
هنر، سرگرمی و تفریح	۰,۰۰۷
پست و پیک	۰,۰۰۱
بخش حمل و نقل و انبارداری	۱۰,۳۰

\* تغییرات اجزای ارزش افزوده ناشی افزایش تقاضای نهایی فعالیت‌های اقتصادی به جزء حمل و نقل و انبارداری  
مأخذ: محاسبات پژوهش

در جدول ۱۱ تغییرات اجزای ارزش افزوده کل اقتصاد ایران در اثر افزایش تقاضای نهایی بخش حمل و نقل و انبارداری را بر اساس سناریوهای مفروض نشان می‌دهد. همان‌طور که ملاحظه می‌شود در دو سناریو نخست و سناریو تحقق برنامه ششم توسعه، بالاترین تغییرات مربوط به «درآمد مختلط و مازاد عملیاتی (خالص)» و «مصرف سرمایه ثابت» است. به بیان دیگر، افزایش رشد اقتصادی ناشی از افزایش تقاضای نهایی بخش حمل و نقل منجر به افزایش بیشتر «درآمد مختلط و مازاد عملیاتی (خالص)» می‌شود؛ اما در مقابل در سناریو سوم، در صورتی که تقاضای نهایی سایر فعالیت‌های اقتصادی افزایش یابد، «جبران خدمات کارکنان» بالاترین و «درآمد مختلط و مازاد عملیاتی (خالص)» کمترین میزان رشد را تجربه خواهد کرد.

جدول ۱۱: تغییرات اجزای ارزش افزوده بر اثر تغییرات تقاضای نهایی بخش حمل و نقل

اجزای ارزش افزوده	سناریو اول	سناریو دوم	سناریو سوم*	برنامه ششم توسعه
جبران خدمات کارکنان	۰,۲۶۸	۰,۴۰۲	۱۸,۰۱۴	۰,۴۹۶
خالص مالیات بر تولید و واردات	۰,۳۷۸	۰,۵۶۸	۱۷,۸۱۰	۰,۷۰۰
درآمد مختلط و مازاد عملیاتی (خالص)	۰,۵۹۹	۰,۸۹۹	۱۷,۴۰۱	۱,۱۰۹
مصرف سرمایه‌های ثابت	۰,۵۴۲	۰,۸۱۳	۱۷,۵۰۷	۱,۰۰۳
ارزش افزوده کل اقتصاد ایران	۰,۴۹	۰,۷۴	۱۷,۶۰	۰,۹۱

\* تغییرات اجزای ارزش افزوده ناشی افزایش تقاضای نهایی فعالیت‌های اقتصادی به جزء حمل و نقل و انبارداری  
مأخذ: محاسبات پژوهش

## ۵- جمع‌بندی و پیشنهادها

حمل‌ونقل به‌عنوان یک بخش اثرگذار در رشد اقتصادی کشور و حلقه واسط بین بخش‌های تولید و مصرف، جزء لاینفک تحقق برنامه‌های جهش تولید (رشد پیش‌بینی‌شده در اسناد بالادستی مانند برنامه ششم توسعه) خواهد بود. پتانسیل بخش حمل‌ونقل و انبارداری کشور و راهکارهای نرم‌افزاری رشد اقتصادی این بخش، مؤید این مطلب است که تحقق برنامه‌های جهش تولید با رشد این بخش میسر خواهد بود. همان‌طور که پیش‌تر از نظر گذشت، تحقق رشد پیش‌بینی‌شده بخش حمل‌ونقل و انبارداری در برنامه ششم توسعه- با فرض ثابت بودن سایر شرایط- مستلزم افزایش حدود نوزده (۱۹) درصدی تقاضای نهایی این فعالیت خواهد بود. بالاترین سهم اجزای ارزش افزوده در تحقق رشد مزبور، مربوط به گروه «درآمد مختلط و مازاد عملیاتی» است. در میان سایر اجزاء، «جبران خدمات کارکنان» کمترین تأثیر را خواهد پذیرفت؛ زیرا بخش حمل‌ونقل، معمولاً اشتغال‌زایی بالایی ندارد. از دیگر سو، در سناریو سوم نشان داده شد در صورتی که سایر فعالیت‌های اقتصادی با رشد هجده و پنجاه‌ویک صدم (۱۸/۵۱) درصد مواجه شوند، تغییرات ارزش افزوده بخش حمل‌ونقل و کل اقتصاد چگونه خواهد بود؛ که در این صورت بخش حمل‌ونقل حدود ده (۱۰) درصد و کل اقتصاد بیش از هفده و نیم (۱۷/۵) درصد رشد خواهد یافت. همچنین، در این سناریو، در صورتی که تقاضای نهایی سایر فعالیت‌های اقتصادی افزایش یابد، «جبران خدمات کارکنان» بالاترین و «درآمد مختلط و مازاد عملیاتی (خالص)» کمترین میزان رشد را تجربه خواهد کرد.

مشاهده شد که افزایش تقاضای بخش‌های «ساختمان»، «کشاورزی»، «اداره امور عمومی، خدمات شهری و تأمین اجتماعی»، «عمده‌فروشی و خرده‌فروشی به‌جز وسایل نقلیه موتوری و موتورسیکلت»، «صنایع وابسته به کشاورزی» و «استخراج منابع» بیشترین اثر را روی بخش حمل‌ونقل و انبارداری خواهند داشت، لذا اختصاص راهبردهای سیاستی در راستای تحریک مثبت این بخش‌ها، اثرگذاری بیشتری در رشد بخش حمل‌ونقل خواهد داشت. نظر به اینکه در این گزارش تأکید بر افزایش تقاضای نهایی بخش حمل‌ونقل و انبارداری است، باید تلاش شود با تکمیل کریدورهای بین‌المللی و تقویت نقش لجستیکی کشور نقش فعال‌تری در اقتصاد بین‌الملل ایفا نمود. همچنین، با ارائه خدمات ترانزیتی و لجستیکی در زنجیره تأمین اقتصاد جهانی، موجبات رشد بخش یاد شده را فراهم آورد. از این‌رو مجموعه اقداماتی که می‌تواند علاوه بر تقویت شبکه اقتصاد داخلی، افزایش تقاضای نهایی فعالیت‌های حمل‌ونقلی را در پی داشته باشد، به شرح زیر ارائه شده است.

- مزیت بخشی به کریدورهای ترانزیتی (زمینی و هوایی) و پیوستگی حمل‌ونقل به شبکه حمل‌ونقل بین‌المللی
- پیوستگی، تعامل مؤثر و یکپارچگی عملکرد زیر بخش‌های حمل‌ونقل و ارتقای خدمات لجستیکی از طریق توسعه مراکز لجستیک
- توسعه متوازن بخش حمل‌ونقل با مدنظر قرار دادن رویکرد آمایش سرزمین و توازن منطقه‌ای
- تقویت دیپلماسی اقتصادی و همکاری وزارت امور اقتصاد و دارایی، وزارت امور خارجه و رؤسای کمیسیون‌های مشترک بین ایران و کشورهای هدف به‌منظور افزایش نقش ایران در حمل‌ونقل بین‌المللی

- همکاری میان وزارت امور اقتصاد و دارایی و صنعت، معدن و تجارت در راستای تقویت حمل بار ترانزیتی و صادراتی با پرداخت یارانه بابت تخفیف تعرفه (سازمان توسعه تجارت)
  - فرماندهی واحد بر ترانزیت، با مرجعیت شورای عالی هماهنگی ترابری کشور
  - مدیریت تقاضای حمل و نقل در سطح کشور و کاهش مطلوبیت خودروی شخصی
  - اصلاح الگوی تأمین مالی مبتنی بر کاهش اتکا به بودجه عمومی کشور
  - توسعه زیرساخت‌ها متناسب با تقاضا و با رویکرد نقش آفرینی در حمل و نقل بین‌المللی
  - برقراری تعادل بین ناوگان و زیرساخت‌های ایجادشده در سطح کشور
  - نوسازی ناوگان به منظور کاهش مصرف سوخت
  - توسعه بازارهای جدید بین‌المللی با اقداماتی مانند:
    - فعال‌سازی کریدور شمال جنوب؛ ضرورت تعامل بیشتر با روسیه و هند
    - فعال‌سازی کریدور جنوب- غرب
    - تعامل بیشتر با راه‌آهن پاکستان و ترکیه برای توسعه همکاری
    - راه‌اندازی بارهای صادراتی و ترانزیتی به افغانستان
    - اصلاح ساختار بخش بازرگانی بین‌المللی راه‌آهن
- درنهایت پیشنهاد می‌شود در مطالعات آتی، میزان نیاز بخش حمل و نقل به افزایش بهره‌وری و کفایت آن، میزان نیاز کشور به افزایش زیرساخت‌های حمل و نقلی، توسعه ناوگان و تغییر شیوه سفر و نقش آن‌ها در افزایش بهره‌وری حمل و نقل مورد توجه و بررسی قرار گیرد.

## منابع

- تارنمای سازمان برنامه و بودجه کشور
- قوانین برنامه‌های توسعه پنج‌ساله اول تا ششم کشور.
- سیاست‌های کلی برنامه ششم توسعه؛
- تارنمای روزنامه رسمی
- قانون احکام دائمی برنامه‌های توسعه؛
- قانون توسعه حمل و نقل عمومی و مدیریت مصرف سوخت به‌ویژه ماده ۶؛
- قانون برنامه ششم توسعه کشور مواد ۵۲ و ۵۷؛
- قانون رفع موانع تولید رقابت‌پذیر و ارتقای نظام مالی کشور؛
- قانون الحاق برخی مواد به قانون تنظیم بخشی از مقررات مالی دولت (۲).
- تارنمای مرکز آمار ایران
- تارنمای بانک مرکزی ایران
- جدول داده- ستانده سال ۱۳۹۵

- حیدرپور، افشین، سحر بشیری و حسن حیدری (۱۳۹۶). «نگاهی بر حمل‌ونقل در ایران رویکردی اقتصادی در تطبیق با اهداف سند چشم‌انداز، برنامه ششم توسعه و موقعیت جهانی» معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۵۵۰۰.
- حیدرپور، افشین و مجتبی اسفندیاری (۱۳۹۶). «محاسبه توان اشتغال‌زایی زیر بخش‌های حمل‌ونقل با استفاده از تحلیل داده- ستانده»، معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۵۵۵۷.
- حیدرپور، افشین، مجتبی اسفندیاری و زهرا ذاکری (۱۳۹۶). «بخش حمل‌ونقل و تولید ملی پیوندهای پسین و پیشین، تعامل با سایر فعالیت‌ها با استفاده از رویکرد تعادل عمومی» معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۵۵۰۲.
- حیدرپور، افشین و رضا علی‌زاده قره‌باغ (۱۳۹۶). «چالش‌ها و موانع توسعه لجستیک در بخش حمل‌ونقل ایران» معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۵۵۴۸.
- جهانگرد، اسفندیار (۱۳۹۳). تحلیل‌های داده- ستانده: فناوری، برنامه‌ریزی و توسعه، تهران: آماره.
- مرادی، یاسین و همکاران (۱۳۹۴). «چالش‌های حمل‌ونقل کشور و مصرف انرژی در بخش زمینی (زیر بخش‌های جاده‌ای و ریلی)»، معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۴۶۴۶.
- اعلائی بروجنی، پژمان و همکاران (۱۳۹۹). «درباره جهش تولید (۲) و الزامات آن در حوزه‌های کشاورزی، مسکن، حمل‌ونقل و توسعه روستایی»، مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، شماره مسلسل ۱۷۱۲۷.
- سند چشم‌انداز ۱۴۰۴ جمهوری اسلامی ایران.
- سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی.
- سیاست‌های کلی نظام در بخش حمل‌ونقل.
- European Union (2015). *Tools and Methods Series, Reference Document No.20*. Blending in the transport sector, Nov. 2015.
- Eruygur, A., Kaynak, M., & Mert, M. (2012). "Transportation-communication capital and economic growth: a VECM analysis for Turkey." *European Planning Studies*, Vol.20, No.2, 341-363.
- Khadaroo, J., & Seetanah, B. (2008). "Transport and economic performance: The case of Mauritius." *Journal of Transport Economics and Policy (JTEP)*, Vol.42, No.2, 255-267.
- Railway Statistics Synopsis; Paris 2019.
- Schwab, Klaus (2018). *The Global Competence Report 2018*, World Economic Forum.
- Venezia, E. (2011). "Transport investments: are they crucial for the economic system?" *International Journal of Engineering Management and Economics*, Vol.2, No.4, 351-368.
- Zaytseva, Yulia (2000). "Link Between Final Demand and Value Added: Two-Blocks Input-Output Model with Separation of Goods and Services," XIII International Conference on Input-Output Techniques, University of Macerata, Italy August 21 – 25<sup>th</sup>.
- <http://www.wiod.org>
- <https://lpi.worldbank.org/international/aggregated-ranking>